

۱ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ابتدای سخن به نام خدامهر ورزنده و عطا بخشا

۲ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

جمله حمد هست از یزدان کوست پروردگار عالمیان

۳ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مهر ورزنده و عطا بخشا

۴ مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ

هم خداوندگار روز جزا

۵ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ

می‌پرستیم ما ترا تنهاوز تو خواهیم یاری و یرا

۶ أهدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ

در ره راست شو به ما هادی

۷ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ

راه آنان که خیرشان دادی

نه کسانی که خشم گیری‌شان هم نه قومی که گم‌رهند ایشان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 أَلَمْ

الف و لام میم [کافاز استبیین حق و رسول او راز است

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ

آن کتابی که نیست شک در آن رهنمایی است بهر متقیان

الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ  
 يُنْفِقُونَ

که به غیب و نهان یقین آرند و نماز خدا به پا دارند  
 و آنچه بخشیده ایم از ارزاق بهر ایشان کنند از آن انفاق

وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ  
 وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ

و کسانی که آورند یقین بهر تنزیل و روز باز پسین  
 آنچه سوی تو یافته است نزول و آنکه پیش از تو بوده است  
 رسول

أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

آن کسان از طریق لطف خدایستگارند و بر طریق هدا

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

آن جماعت که شد به کفر رهی‌بیمشان گر دهی و گر ندهی هست یکسان دو حال بر ایشان‌به ره حق نیاورند ایمان

خَتَمَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَعَلَىٰ سَمْعِهِمْ وَعَلَىٰ أَبْصَارِهِمْ غِشْوَةً ۖ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

بر دل و گوششان خدا زد مهر[بلکه هریک خود از جفا زد مهر] چشمشان مانده در حجاب سترک‌سهم ایشان بود عذاب بزرگ

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ

بعضی از مردمان به لفظ و بیان ادعا می‌کنند بر ایمان که خدا و معاد باور ماست‌لیک ایمان نه در دل آنان راست

يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ

تا خداوند و مؤمنین به مقال‌بفریبند [در طریق ضلال نفریبند کس به جز خودشان‌این گروهند [غره و] نادان

فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا ۖ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۖ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ

هست دل‌هایشان مریض و پربیش‌وان مرض را خدای سازد بیش بهر آنان عذاب جانفرساست‌بهر این کذب [آن عذاب سزاست

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ

چون بگویندشان به ارض و بلاد‌دور باشید از ره افساد پس بگویند ما نکوکاریم‌مصلحیم و درست کرداریم

أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَٰكِن لَّا يَشْعُرُونَ

همه یار فساد و گمراهی‌نیستند اهل علم و آگاهی

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ءَامِنُوا كَمَا ءَامَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا ءَامَنَ السُّفَهَاءُ ۗ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَٰكِن لَّا يَعْلَمُونَ

هر زمان گفته‌اند با آنان‌همچو مردم شوید با ایمان گفته‌اند اینکه آه آیا ما‌باور آریم همچو آن سفها؟ [اهل دین را سفیه می‌خوانند] خود سفیهند و این نمی‌دانند

وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا قَالُوا ءَامَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِءُونَ

چون به دیدار مؤمنین آینداز در باور و یقین آیند حرفشان در کنار شیطان‌ها حرف همکاری است و استهزا

اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ

سخره حق شوند در طغیان‌ماندگارند نیز سرگردان

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهَدَىٰ فَمَا رَبِحَت تِّجَرَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ

این جماعت طریق آگاهی‌داده‌اند و خریده گمراهی سودشان نیست در چنین سود‌دور ماندند از طریق هدا

مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ  
ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلْمَةٍ لَا يُبْصِرُونَ

مثل آنانکه آتشی سوزندتا که اطراف خود برافروزند  
حق برد نورشان در این هنگام به سیاهی رها شوند و ظلام

۱۸ صُمُّ بُكْمٌ عُمِّي فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ

کر و کورند و گنگ [و ظلمتها] بر نگردند [از ضلالتها]

أَوْ كَصَيْبٍ مِّنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلْمَةٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ يَجْعَلُونَ  
أَصْبِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ مِّنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ وَاللَّهُ  
مُخِيطٌ بِالْكَافِرِينَ

یا چو باران کز آسمان باردظلمت و رعد و برق هم آرد  
سر انگشت بر نهند به گوش تا ز تندر نیوفتنند از هوش  
[غافلند اهل کفر از دادار] که فراگیر اوست بر کفار

يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَرَهُمْ كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُمْ مَشَوْا فِيهِ  
وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ  
وَأَبْصَرِهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

برق [هر گه کز آسمان ببرد] شاید از نور چشمشان ببرد  
چونکه روشن شود شوند روان چون رسد ظلمت ایستند در  
آن  
برد از جمله خواهد از دادارچشم و گوش و تواند او هر کار

يَأْتِيهَا النَّاسُ أَعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ  
قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

ایها الناس حق پرست شویدکو شما راز هیچ ساخت پدید  
وان جماعات پیشتر ز شما شاید از این شوید با تقوی

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ  
السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ فَلَا  
تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ

آنکه از آسمان بنایی ساختوز زمین بستر ترا پرداخت  
آب از آسمان فرو باریدپس ثمرها و رزق کرد پدید  
پس نظیر خدا چرا خوانید؟ دیگری را و خوب می‌دانید

وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ  
مِّثْلِهِ ۚ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

گرتان شک و شبهه ایست به دلز آنچه بر عبد ما بود نازل  
سوره‌ای آورید مانندش هم گواهان خود که دانندش  
چه کسی را بجز خدا جویید؟ اگر این نکته راست می‌گویید

فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا  
النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ ۖ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ

ناتوانید اگر که در این کارترس و پرهیز بادتان از نار  
هیزمش آدمی و احجار استوان مهیا برای کفار است

وَبَشِّرِ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ  
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا  
قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ  
فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

۲۰  
بقره  
۲۵  
/۲۸۶

مژده ده اهل دين و ايمان را اهل خيرات و جمع خوبان را  
بهر ايشان بود بسي بستان زير اشجارش آبهاي روان  
هر چه از ميوه روزي آنان راست هست يكسان چو پيش بي  
كم و كاست  
بهرشان همسران پاك سرشت ماندگارند جاودان به بهشت

إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةٌ فَمَا فَوْقَهَا  
فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ  
كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ  
كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ

۲۶  
حزب  
۲

بي خجالت زند خدای جهان مثل پشه يا كه برتر از آن  
مؤمنان [اين مثال چون خوانند] از سوي كردگار می دانند  
سخن كافرين بود اماكه چه سودی است در مثال خدا؟  
شد ضلال و هدا بسی را حال اهل فسقند زين سخن به  
ضلال

الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا  
أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَٰئِكَ هُمُ  
الْخَاسِرُونَ

۲۷

آنكه عهد خدای را بشكست بعد از آن موقعی كه پیمان بست  
و انكه [از جان برید و] بگسستش آنچه فرمود حق  
بپیوستش  
و انكه افساد می کند به جهان بهره اش هیچ نیست غیر زیان

كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ  
يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

۲۸

كفر ورزید از چه رو به خدا؟ آنكه از مرگ كردتان احیا  
باز میراند و كند زنده سوي او بید باز گردنده

هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَىٰ  
السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

۲۹

آفریدست از برای شما این زمین را و کل ما فيها  
پس به ترتیب آسمان پرداخت بعد از آن هفت آسمان را  
ساخت  
از همه چیز او بود دانا [هر چه علم است هست از آن خدا]

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰٓئِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً ۗ قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَن يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَآءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ ۗ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ

با ملائک خدای گفت چنین می‌نهم من خلیفه‌ای به زمین جمله گفتند آفرینی چون در زمین مفسدی که ریزد خون [ما بری از گناه و تلیسیم اهل تسبیح و اهل تقدیسیم گفت [هر چند اهل ایمانید] آنچه دانم شما نمی‌دانید

وَعَلَّمَ ءَادَمَ الْأَسْمَآءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلٰٓئِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَآءِ هٰٓؤُلَآءِ إِن كُنْتُمْ صٰٓدِقِينَ

علم اسماء چو داد بر آدم به ملائک نمود آن را هم که بگویند نام اینها را اگر که باشید صادق [و دانا]

قَالُوا سُبْحٰنَكَ لَا عِلْمَ لَنَا بِهَا ۗ إِنَّا نَسِيْنَا ۗ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ

جمله گفتند ای منزّه پاک‌بهر ما نیست دانش و ادراک جز هر آنچه تو داده‌ای تعلیم این تویی خالق علیم و حکیم

قَالَ يٰٓءَادَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَآئِهِمْ ۗ فَلَمَّ أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَآئِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَّكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ

گفت ای آدم اسم اینها را به ملائک بگوی و کن افشا چونکه آدم بگفت اسما را گفت آیا نگفته‌ام به شما که منم آگه از زمین و سماو آنچه پنهان کنید یا افشا

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰٓئِكَةِ اسْجُدُوا لِءَادَمَ فَسَجَدُوا ۗ إِلَّا إِبْلِيسَ أَبٰٓى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكٰفِرِينَ

با ملائک خدا چنین فرمود که به آدم کنون برید سجود همه یکباره سجده آوردند [حکم دادار پیروی کردند] بجز ابلیس که نکرد این کارگشت مستکبر و هم از کفار

وَقُلْنَا يٰٓءَادَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هٰذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّٰلِمِينَ

و بگفتم به آدم و همسر که بسازید در بهشت مقر هر چه خواهید روزی و برکت‌وز خوراکی خورید بی زحمت دور از آن شجر شوید [آزاد] اور نه باشید در ره بیداد

فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطٰنُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ ۗ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ

اھرمن آن دو را از آن لغزاندوز نعیم بهشت بیرون راند حق تعالی به آدمی فرمود که بیاید از بهشت فرود پاره‌ای خصم پاره‌ای دیگر مدتی در زمین کنید مقر

فَتَلَقَىٰ ءَادَمُ مِنْ رَبِّهِ ۗ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ ۗ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

پس کلامی ز حق گرفت آدم مهر آورد خالق عالم و خداوند کردگار قدیر اهل بخشایش است و توبه‌پذیر

قُلْنَا أَهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا ۖ فَمَا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَن تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

حق تعالی به آدمی فرمودهمه آیید سوی خاک فرود چون پیامد زمن به سوی شما درس دینداری و طریق هدا پیروان ره هدایت من دور مانند از هراس و حزن

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

کافران و مکذبان نشان یار نارند و جاودانه در آن

يٰۤاَيُّهَا اِسْرٰٓءِيْلُ اذْكُرُوْا نِعْمَتِيْ الَّتِيْ اَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَاَوْفُوا بِعَهْدِيْ اُوْفٍ بِعَهْدِكُمْ وَاِيْتِيْ فَاَرْهَبُوْنَ

آل یعقوب یاد نعمت من پاس دارو مباش عهد شکن تا که پیماتان بدارم پاس باش تنها ز کار من به هراس

وَعَامِنُوا بِمَا اَنْزَلْتُ مُّصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوْا اَوَّلَ كٰفِرٍ بِهٖ ۗ وَلَا تَشْتَرُوْا بِآيٰتِيْ ثَمٰنًا قَلِيْلًا وَاِيْتِيْ فَاَتَّقُوْنَ

بهر تنزیل آورید ایمان کاین مصدق بود به نامهی تان هان مباشید اولین کفار [مکنید آیه های حق انکار] مفروشید آیه ام ارزان اهل تقوا شوید با یزدان

وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبٰطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَاَنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ

رخت باطل به حق میوشانید حق چه کتمان کنید؟ و خود دانید

وَأَقِيْمُوا الصَّلٰوةَ وَاَتُوا الزَّكٰوةَ وَاَرْكَعُوْا مَعَ الرَّٰكِعِيْنَ

هم نماز خدا به پا سازید هم زکات خدا بپردازید [به ره عقل و دین رجوع کنید] هم ره راکعین رکوع کنید

اَتَاْمُرُوْنَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ اَنْفُسَكُمْ وَاَنْتُمْ تَتْلُوْنَ الْكِتٰبَ اَفَلَا تَعْقِلُوْنَ

مردمان را به حق شوید آمر؟ لیک خود را برید از خاطر و بخوانید هم کتاب خدا پس تعقل نمی کنید آیا؟

وَأَسْتَعِيْنُوْا بِالصَّبْرِ وَالصَّلٰوةِ وَاِنَّهَا لَكَبِيْرَةٌ اِلَّا عَلَى الْخٰشِعِيْنَ

مددی جوی از شکیب و رکوع وان گران است جز به اهل خشوع

الَّذِيْنَ يٰظُنُّوْنَ اَنْهُمْ مُّلَقُوا رَبِّهٖمْ وَاَنْهُمْ اِلَيْهِ رٰجِعُوْنَ

کگاه از ربّ و شوق دیدارند باز گردنده سوی دادارند

يٰۤاَيُّهَا اِسْرٰٓءِيْلُ اذْكُرُوْا نِعْمَتِيْ الَّتِيْ اَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَاِيّٰى فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعٰلَمِيْنَ

آل یعقوب نعمتم یاد آرکه به اهل جهان شدی سالار

وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِيْ نَفْسٌ عَنْ نَّفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ

خوف کن زان زمان که دادرسی ندهد کیفر کسی به کسی نه شفاعت ز خلق بپذیرنده غرامت ز مجرمی گیرند هم نه یاری شوند اهل خطا [این چنین است کار روز جزا]

وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ  
يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ  
بَلَاءٌ مِّنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ

چون ز فرعون ساختیم رهاجاتان را که می‌کشید بلا  
آنکه می‌کشت از شما پسران زنده می‌داشت از شما نسوان  
بود بهر شما بلای بزرگ آزمون بود از خدای بزرگ

۵۰

وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمْ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ  
وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ

چونکه بشکافتیم دریا را پس رها نمودیم قوم موسی را  
آل فرعون غرق شد دریمو شما دیده‌اید آن را هم

۵۱

وَإِذْ وَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ  
بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ

چون چهل لیله وعده‌ی موسی‌به درازا کشاند حکم خدا  
بود گوساله انتخاب شمابر عبادت به غیبت موسی  
[حق رها کرده و گرفته صنم این شما یید اهل جور و ستم

۵۲

ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

در گذشتیم از شما پس از آن‌بلکه شاکر شوید بر یزدان

۵۳

وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

حق به موسی کتاب و فرقان دادشاید آیین در طریق رشاد

۵۴

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَتَقَوْمِ إِيَّاكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ  
بَاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَىٰ بَارِيكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ  
ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ عِنْدَ بَارِيكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ  
التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

گفت موسی به قوم خود که شما ظلم کردید این زمان خود را  
عبد گوساله بوده‌اید به جان‌توبه آرید سوی خالقان  
پس کشید ای ستمگران خود را این بود خیر از برای شما  
مهر آوردتان خدای قدیر اهل بخشایش است و توبه‌پذیر

۵۵

وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَىٰ اللَّهَ جَهْرَةً  
فَأَخَذْتُمْ الصَّعِقَةَ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ

باز گفتید ای کلیم خدا هیچ ایمان نیاوریم ترا  
[آن زمان مذهب تو بگزینیم که به چشمان خدای را بینیم  
صاعقه برگرفتتان پس از آن‌همه بودید سوی آن نگران

۵۶

ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِّنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

زنده کردیمتان پس از مردن‌شاید این گه شوید شاکر من

۵۷

وَوَهَبْنَا لَكُمْ الْأَنْعَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَىٰ  
كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِن كَانُوا  
أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

ابر شد سایبان برای شما بهرتان بود من و هم سلوا  
رزق دادیم پاک بهر شما تا که از آن خورید [بی‌پروا]  
نکند هیچ کس ستم بر ما که به خود می‌کنند جور و جفا



وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا  
وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةٌ نَّغْفِرَ لَكُمْ  
خَطَايَاكُمْ وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ

و به یاد آورید وقتی راکه بگفتیم در شوید [آنجا]  
گفته بودیم تا به آبادی بخورید از نعم به آزادی  
وارد در شوید سجده کنان وز سر صدق طالب غفران  
بگذریم آنگه از خطای شمالطف افزون کنیم نیکان را

فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى  
الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ

داد تغییر اهل جور و جفا آنچه شد گفته بهرشان [از ما]  
پس عذابی از آسمان [پر بیم بر سر فاسقان فرستادیم

وَإِذِ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ  
فَانفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ  
مَّشْرَبَهُمْ<sup>ط</sup> كُلُوا وَاشْرَبُوا مِن رِّزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعَثُوا فِي الْأَرْضِ  
مُفْسِدِينَ

بهر قوم آب خواست چون موسی گفتمش سنگ را بزین به  
عصا

پس بر آمد دوازده چشمه آگه از سهم خود شدند همه  
بخورید آنچه رزق رحمان داددور باشید در زمین ز فساد

وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَنْ نَّصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا  
رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُثْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا  
وَفُومِهَا وَعَدَسِيهَا وَبَصَلِهَا<sup>ط</sup> قَالَ أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَىٰ  
بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ أَهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَّا سَأَلْتُمْ<sup>ط</sup>  
وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ  
ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيَّ  
بِعَيْرِ الْحَقِّ<sup>ط</sup> ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ

باز گفتید ای کلیم خدانیست طاقت به یک غذا ما را  
به خدا گوی از زمین بدر آربقل و فوم و عدس پیاز و خیار  
گفت موسی اگر کنید گزین خواستهایی فروتر از پیشین  
پس به شهری کنون فرود آیدکنچه خواهید حاضر است و  
پدید  
سخت مسکین شدند و خوار شدنددر خور خشم کردگار  
شدند

این گروه خطاگر جائرشد به [آیات ایزدی کافر  
پس بکشتند انبیا ناحق داشت این قوم سرکشی با حق

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّٰبِغِينَ وَالصَّٰبِغِينَ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

مسلمین آن گروه ایمانی‌صابین و یهود و نصرانی هر که مؤمن به حق و روز جزاست نیز اعمال صالحی او راست اجرشان ثابت است نزد خدانیست حزن و هراس آنان را

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا ءَاتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

چون گرفتیم از شما پیمان‌طور افراشتیم بر سرتان هان بگیرید آنچه دادمتان‌یاد آرید هر چه هست در آن شاید آیین در ره تقوا [و بیایید در طریق خدا]

ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَكُنْتُمْ مِنَ الْخٰسِرِينَ

روگردان شدید بعد از آن‌سخت بودید در خور خسران فضل حق گر نبود شاملتان‌ور نمی‌بود رحمت رحمان

وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدُوا مِنكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خٰسِئِينَ

خوب دانید کز میان شما دسته‌ای روز شنبه کرد خطا هر یک از دسته را خدا فرمود شد به بوزینه‌ای بدل مطرود

فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ

پس نهادیم عبرتی در آن‌بهر مردم در آن زمان و مکان هم پس از مردمان آن دوران‌این بود پند بهر متقیان

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ

گفت موسی به قوم خود که خدا خواسته ذبح ماده گاوی را قوم گفتند این چه استهزاست؟ گفت موسی پناه من به خداست که مبادا ز جاهلین باشم سخره و رزی به کار دین باشم

قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا فَارِصٌ وَلَا بِكْرٌ عَوَانٌ بَيْنَ ذَلِكَ فَافْعَلُوا مَا تُؤْمَرُونَ

قوم گفتند ربّ خویش بخوان که بگوید چه شرط دارد آن گفت گوید خدا که هست از سال‌نه جوان و نه پیر بین دو حال پس بجا آورید حکمی را که رسیدست از برای شما

قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا لَوْهَا قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَّوْنُهَا تَسُرُّ النَّظْرِينَ

قوم گفتند ربّ خویش بخوان که بگوید چه رنگ دارد آن؟ گفت گوید خدا که هستش رنگ‌زرد یکدست رنگ شاد و قشنگ

قَالُوا أَدْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ إِنَّ الْبَقَرَ تَشَبَهَ عَلَيْنَا وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ

قوم گفتند ربّ خویش بخوان که بگوید چه هست؟ شبهه شد آن  
گر بخواهد خدای راهنماست ما هدایت شویم در ره راست

قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلَّمَةٌ لَا شِيَةَ فِيهَا قَالُوا أَلَكِن جِئْتَ بِالْحَقِّ فَذَبْحُوهَا وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ

گفت گوید خدا که باشد آن گاو یکرنگ دور از نقصان نه بود رام بهر شخم زمین نه کشد آب بهر کشت همین قوم گفتند حق مطلب را حال آورده ای به جا بر ما ذبح کردند گاوی آنسان زودوین علی رغم میل آنان بود

وَإِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَّرَأْتُمْ فِيهَا وَاللَّهُ مُخْرِجٌ مَّا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ

چون کسی را به قتل آوردید بر سر آن نزار می کردید به در آرد خدای فاش و عیان آنچه سازید از همه پنهان

فَقُلْنَا أَضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

پس بگفتیم قطعه ای از آن بزنید [این زمان بر آن بیجان آنچنان کردگار بی همتا می کند خلق مرده را احیا آیه هایش نشان دهد به شما تا که شاید شوید اهل دها

ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِن مِّن الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِن مِّنْهَا لَمَا يَشَّقُّ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِن مِّنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَفِيلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ

قلبتان شد سپس به مثل حجر در قساوت ز سنگ هم بدتر کز حجر گاه نهر گشت روان بشکند گاه و آب جوشد از آن گاه سنگ افتد از هراس خدانگیزت غافل خدا ز کار شما

أَفَتَطْمَعُونَ أَن يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلِمَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِن بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ

چشم دارید از این گروه آیا؟ اینکه باور کنند دین شما چون شنیدند بعضی از آنان سخنان خدای عالمیان از پس فهم [آن کلام بلند] منحرف ساختند و خود دانند

وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا قَالُوا ءَامَنَّا وَإِذَا خَلَا بِبَعْضِهِمْ إِلَى بَعْضٍ قَالُوا أَتُحَدِّثُونَهُمْ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

چون به دیدار مؤمنین آیند از در باور و یقین آیند [چون دلیل پیمبران جویند] در نهانی به یکدیگر گویند که چه گویند با مسلمانان؟ آنچه بگشود بر شما یزدان تا خلاف ره شما آن راحتی آورند نزد خدا [این چنین اند آن گروه عنید] اینک آیا در آن نیندیشید؟

أَوْ لَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ

می‌دانند این گروه آیাকে خدای جهان بود دانا؟  
آنچه پنهان و آشکار کنند [و آنچه در کار اختیار کنند]

وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِيٍّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ

زان میان عامیان که قرآن را شناسند جز خیال و هوی  
نسیارند این کسان دل خودجز به پندارهای باطل خود

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُوبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لَيْسَتْ رُؤْيَا بِهِ ثُمَّ نَمَّا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ

وای از آن کس که نامه‌ای مکتوب به خداوند می‌کند منسوب  
[زان کتابی که خویش بنگارند] بهره‌ای کم از آن بدست آرند  
وای از آنچه نوشته‌اند ایشان وای از آنچه کنند کسب از آن

وَقَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَةً قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ ۗ أَمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ

گفته‌اند اینکه آتش جانسوز بهر ما نیست غیر یک دو سه  
روز  
بگو آیا که هیچ خط امان داشتید از خدای یا پیمان؟  
آنکه او را به عهد نیست خلاف یا سخن‌هایتان بود به گزاف  
این سخن را ز سوی حق خوانید آنچه را خود به حق نمی‌دانید

بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۗ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

هر کسی گر ره خطا گیرد و آن خطا جان او فرا گیرد  
آتش دوزخ است یاورشان هم در آن آتشند جاویدان

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ ۗ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

وان کسانی که آورند ایمان و بود کار نیک با ایشان  
هست فردوس یاور آنان ماندگارند جاودانه در آن

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ  
وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ  
وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ  
تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ

آل یعقوب داده‌ای پیمان نپرستید کس بجز رحمان  
نیز نیکی به باب و مادران هم به خویش و یتیم و مسکینان  
هم به قول خوش و قیام صلاه نیز در راه حق ادای زکوه  
جز قلیلی شدید رو گردان این شما بید معرض از پیمان

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُونَ  
أَنْفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ

عهد بستیم با شما یکسره که مرزید خون یکدیگر  
هم مرانید یکدیگر ز دیار خود گواهد و می‌کنید اقرار

ثُمَّ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَتُخْرِجُونَ فَرِيقًا  
مِنْكُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِمْ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِنْ  
يَأْتوكُمْ أُسْرَى تَفْلُدُوهُمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجَهُمْ  
أَفْتُمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ  
مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ  
الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِغَفِلٍ عَمَّا  
تَعْمَلُونَ

این شما ریختید از هم خون نیز کردید از دیار برون  
و به هم می‌شوید پشتیان در طریق گناه و در عدوان  
چون اسیران رسند فدیہ کنیدگر چه اخراجشان بد است و  
پلید  
کرده بعض کتاب را باور لیک کافر به پاره‌ای دیگر  
چیست پاداش آنکه کرد چنان‌غیر خواری و ذلتی به جهان  
و اشدّ عذاب در عقابنیست غافل خدا ز کار شما

أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يُخَفَّفُ  
عَنَّهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ

می‌فروشد این جماعتها آخرت را به عالم دنیا  
نیست تخفیف بهر کیفرشان احدی نیز نیست باورشان

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ  
وَأَتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ  
فَلَمَّا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ  
فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ

به یقین داد داور یکتاییات و کتاب موسی را  
و بیایی گسیل شد یکسر بعد موسی پیمبران دگر  
حق به عیسی نشانه‌ها بخشیدوان به روح القدس شده تأیید  
هر چه آمد رسول سوی شماگفت چیزی خلاف نفس و هوی  
شد به دست شما ز استکبارگه به تکذیب و گه به قتل دچار

وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَّا  
يُؤْمِنُونَ

گفته بودند [از ره تسخر] در غلاف است قلب ما یکسر  
اهل کفرند و لعنت یزدان جز قلیلی نیاورند ایمان

وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا  
مِن قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا  
عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ

چون کتاب آید از سوی یزدان منطبق با شواهد آنان  
مژده فتح مؤمنین در پیش‌به‌زیان گروه کافر کیش  
با همه آگهی کنند انکار لعنت حق به فرقه‌ی کفار

بِئْسَمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَن يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَغْيًا  
أَن يُنَزَّلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ فَبَاءُوا  
بِغَضَبٍ عَلَىٰ غَضَبٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُّهِينٌ

خویشتن را فروختند به شرکفر ورزیده‌اند و برده ضرر  
کافرند آنچه حق فرستادست‌وز عطایش به بندگان دادست  
پس به خشم بی‌پای‌اند دچار کافران را عذاب سازد خوار

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ءَامِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا نُؤْمِنُ بِمَا أَنْزَلَ  
عَلَيْنَا وَيَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ وَهُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَهُمْ  
قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ

گفته شد چونکه آورید ایمان آنچه نازل کند خدای جهان  
گفته‌اند اینکه ما کنیم قبول آنچه زین پیش یافتست نزول  
غیر آن منکرند و حق آن است‌گر چه شاهد به نزد آنان است  
گو گر از پیش مؤمنید شما از چه کشتید انبیای خدا؟

وَلَقَدْ جَاءَكُمْ مُوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِن  
بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ

چونکه آورد آن زمان موسی‌بینات و دلیل بهر شما  
بود گوساله انتخاب شما در عبادت به غیبت موسی  
[حق رها کرده و گرفته صنم این شما یید اهل جور و ستم

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا  
ءَاتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَأَسْمِعُوا قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأُشْرِبُوا فِي  
قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ قُلْ بِئْسَمَا يَأْمُرُكُمْ بِهِ  
إِيمَانُكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ

چون گرفتیم از شما پیمان‌طور افراشتیم بر سرتان  
بستانید آنچه دادمتان بشنوید [آنچه گفته‌ایم به جان  
قوم گفتند ما شنیدیم آن‌لیک بودست کار ما عصیان  
مهر گوساله بود در دلشان کفرشان بود اصل مشکلشان  
گو که بد حکم داد باورتان‌گر شما یید پیرو ایمان

قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِّنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

گو اگر هست خاص بهر شماخانه آخرت به نزد خدا پس کنون آرزوی مرگ کنیدگر شما صادقید [و بی تردید]

وَلَنْ يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْت أَيْدِيَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ

و ندارند آرزو بر آن ز آنچه از پیش کرده اند آنان [کارهایی ز راه جور و جفا] حق بود بر ستمگران دانا

وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَوٰةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرَ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُزَحِّزِهِءَ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ

تو بیابی همین جماعت را آرمند حیات در دنیا از همه خلق بیشتر در آریل ز آن کاورد به حق انباز آرزو هست این جماعت راکه بماند هزار سال به جا ورزید از عذاب نیست رهاحق به اعمالشان بود بینا

قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلٰى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ

بگو آن را که دشمنی داردبهر جبریل آنکه وحی آرد به یقین بر دل تو قول هدااو فرود آورد به اذن خدا هست تصدیق قول پیشین رامؤمنان را بشارت است و هدا

مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ

آنکه شد دشمن خدا و رسول حکم پیغمبران نداشت قبول دشمن هر فرشته از [تضلیل دشمن جبریل و میکائیل [بهر آنان چنین بده اخبار] که خدا هست دشمن کفار

وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ

ما فرستاده ایم بی تردیدسویت آیات بینات مجید کس ندارد بر این نشان کفران جز گروهی که هست نافرمان

أَوْ كَلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا نَّبَذَهُ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

هر زمان بسته اند یک پیمان نقض کردند جمعی از آنان نیست ایمان برای اکثرشان و نمانند بر سر پیمان

وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

چونکه آمد رسولی آنان را داشت تصدیق نامه های خدا عده ای زین گروه اهل کتاب دور از راه صدق و حق و حساب پشت سر افکند کتاب خداگویی نیستند از آن دانا

وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيْطَانُ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَنَ ۖ وَمَا كَفَرًا  
 سُلَيْمَنُ وَلَكِنَّ الشَّيْطَانَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ  
 السِّحْرَ وَمَا أُنزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَرْوَتَ  
 وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا  
 تَكْفُرْ ۖ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ  
 وَزَوْجِهِ ۚ وَمَا هُم بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ  
 وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ ۚ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ  
 اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ  
 أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

۲  
 بقره  
 ۱۰۲  
 ۲۸۶

چونکه در دوره‌ی سلیمانند پیرو گفته‌های شیطانند  
 خود سلیمان رهش نشد کفران بلکه کافر شدند اهرمان  
 [جمع اهریمنان کافر خو] یاد دادند خلق را جادو  
 [نیز آن قوم بود در باطل زانچه بر دو فرشته شد نازل  
 که یکی بود نام او هاروت دیگری بود نام او ماروت  
 نمی‌آموختند کس را علم‌جز که گویند بهرشان با علم  
 آزمونیم ما برای شما پس مباحثید کافران خدا  
 زان دو آموختند قوم عنید [سحر و افسون و حیل‌های پلید  
 فی‌المثل شد تلاش قوم و فنش بهر تفریق بین مرد و  
 زنش

گر چه کس راز کس نبود زیان‌جز به اذن خدای عالمیان  
 قوم آموختند علم ضرر آنچه سودی نداشت بهر بشر  
 داشتند آگهی که روز جزا بهرشان نیست بهره زین سودا  
 بد متاعی خریده‌اند به جان آگهی داشتند اگر ایشان

اگر این قوم داشتند ایمان زهد و پرهیز داشتند به جان  
 بود بهتر ثوابی از یزدان آگهی داشتند اگر اینان

وَلَوْ أَنَّهُمْ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَمَثُوبَةٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ لَّوْ كَانُوا  
 يَعْلَمُونَ

۱۰۳

ای کسی کاوری به حق ایمان پس تو بر «راعنا» بیند دهان  
 بلکه بر گو «نگاه کن ما را» گوش کن [قول رب یکتا را]  
 دردناک است کیفر کفار [این بود بهر کافران هشدار]

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انظُرْنَا  
 وَاسْمَعُوا ۗ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ

۱۰۴  
 ۱۴۳

میل اهل کتاب نیست چنین که دهد خیر حق به اهل یقین  
 نیز کفار و مشرکین به خدامیلشان نیست سوی خیر شما  
 داد رحمت به هر که خواست رحیم که از آن خداست فضل  
 عظیم

مَا يَوْدُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ  
 أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِّن رَّبِّكُمْ ۗ وَاللَّهُ يَخْتَصُّ  
 بِرَحْمَتِهِ مَن يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

۱۰۵



گر شود نسخ آیهی قرآن یا نهیمش به بوتهی نسیان  
مثل آن آوریم یا به از آن حق به هر چیز قادر است بدان

مَا نَسَخَ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَا أَوْ مِثْلَهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

[ای که گیری به غیر حق مولا] می‌ندانی تو این سخن آیا؟  
ملک ارض و سماست زان خداغیر او نیست یار بهر شما

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مَلِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ

دوست دارید پرستی آریدبه رسولی که نزد خود دارید  
آنچنان پرستی که از موسی‌داشتند [آن گروه بی پروا]  
هر که بگزید کفر بر ایمان‌گمره است و به راه بد پویان

أَمْ تُرِيدُونَ أَن تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سُئِلَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ ۗ وَمَنْ يَتَّبِعِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ

بین اهل کتاب بسیارندکز ره رشک آرزو دارند  
که برون آوردن از دین‌بعد از آنکه بر آن کنید یقین  
گر چه حق است بهرشان روشن‌بگذرید از خطایشان به سخن  
تا رسد امر دیگری ز خداو خدا قادر است بر اشیا

وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ ۖ فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

هم نماز خدا به پاسازیدهم زکات خدا بپردازید  
هر چه نیکی به خود کنی تقدیم‌یابی آن را به نزد حق قدیم  
به یقین آن خدای بی همتا هست بر کارهایتان بینا

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

سخن اهل کتاب را این بودکه به غیر از مسیحیان و یهود  
نرود هیچکس دگر به جنان‌این بود آرزوی باطلشان  
گو دلیلی بیاورید پدیداگر از جمع راستگویانید

وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَن كَانَ هُودًا أَوْ نَصْرِيًّا ۗ تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ ۗ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

هر که آورد رو به سوی خداگر نکوکار بود در دنیا  
اجرشان ثابت است نزد خدانیست حزن و هراس ایشان را

بَلَىٰ ۗ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ ۗ عِنْدَ رَبِّهِ ۗ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصْرَىٰ عَلَىٰ شَيْءٍ وَقَالَتِ  
النَّصْرَىٰ لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَهُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ<sup>ط</sup>  
كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللَّهُ يَحْكُمُ  
بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

۲:  
بقره  
۱۱۳  
۲۸۶/  
۱۵ر

هم نصارا به قول اهل یهودیود بی اعتبار و هیچ نبود  
هم یهودان به قول نصرانی هیچ و پوچند و [غرق نادانی  
گر چه آنان کتاب می خوانند یکدیگر را کسی نمی دانند  
این چنین گفته اند نادانان پس خدا حاکم است بر آنان  
چون به روز حساب رو آرند آنچه در آن خلافا دارند

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن مَّنَعَ مَسْجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ  
وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا  
خَافِينَ<sup>ع</sup> لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ<sup>ع</sup> وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ  
عَظِيمٌ

۱۱۴

کیست ظالمتر از کسی که کند منع ذکر خدا به هر معبد  
منع ذکر خدا به مسجد راسعی هم بر خرابی آنها  
این چنین کس به ساحت مسجد جز به خوفی نمی شود وارد  
اجر دنیای اوست خواری و بیم هم به روز جزا عذاب عظیم

وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهَ اللَّهِ إِنَّ  
اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

۱۱۵

شرق و غرب جهان از آن خداست هر کجا رو کنی خدا  
آنجاست  
هم محیط است بر جهان عظیم هم به سرو نهان اوست علیم

وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا<sup>ط</sup> سُبْحٰنَهُ<sup>ط</sup> بَلْ لَهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ  
وَالْأَرْضِ<sup>ط</sup> كُلُّ لَّهُ قٰنِیٰنٌ

۱۱۶

گفته اند اینکه خالق سبحان ولدی بر گرفته [چون انسان  
بهر او هست آسمان و زمین همه در راه او نهاده جبین

بَدِيعُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ<sup>ط</sup> وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ  
كُنْ فَيَكُونُ

۱۱۷

ساخت از هیچ آسمانها را هم زمین شد به امر او پیدا  
چون به امری گذشت حکم احد چونکه فرمود باش پس باشد

وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ<sup>ط</sup>  
كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِثْلَ قَوْلِهِمْ تَشَبَهَتْ قُلُوبُهُمْ<sup>ط</sup>  
قَدْ بَيَّنَّا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ

۱۱۸

گفت نادان جماعتی که چرا هیچ با ما سخن نگفت خدا؟  
یا چرا بهر ما نداد نشان؟ پیش از این نیز گفته اند چنان  
قلب ایشان و مردم پیشین شد مشابه به یکدیگر به یقین  
ما بیان کرده ایم آیت دین بهر آنان که آورند یقین

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا<sup>ط</sup> وَلَا تُسْئَلُ عَنْ  
أَصْحَابِ الْجَحِيمِ

۱۱۹

تو رسولی به حق بشیر و نذیر و نه مسئول ساکنان سعیر

وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ ۗ قُلْ إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ ۗ وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ ۗ

این نصارا و این گروه یهود نیستند این زمان ز تو خشنود جز که پیرو شوی به باورشان گو هدایت مر است از یزدان گر شوی پیرو هوسهاشان بعد از آنکه که آگهی از آن [گر نباشی به راه حی قدیر] نیست از حق ترا ولی و نصیر

الَّذِينَ ءَاتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ ۗ أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ ۗ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ ۗ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

به کسانی که داده ایم کتاب هم تلاوت کنند خوب و صواب این جماعات اهل ایمانند کافران نیز اهل خسرانند

يٰۤاَيُّهَا اِسْرَائِيْلُ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي اَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَاِنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعٰلَمِيْنَ

آل یعقوب نعمتم یاد آر که به اهل جهان شدی سالار

وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنْفَعُهَا شَفَعَةُ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ

خوف کن زان زمان که دادرسی ندهد کیفر کسی به کسی نه عدیل و شفاعت است آنجا هم نه یاری شوند اهل خطا

وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ ۗ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا ۗ قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي ۗ قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ

چونکه پروردگار ابراهیم امتحان کرد کار ابراهیم آزمون را خدای کرد تمام ساختش از برای خلق امام گفت رهبر شوند ولدانم گفت ظالم کجا و پیمانم

وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّٰٓءٍ وَعَهْدِنَا إِيَّاهُ ۗ وَإِسْمَاعِيلَ ۗ أَن طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ

کعبه را مرجعی بنا کردم مامن خلق آن سرا کردم کن گزین از مقام ابراهیم هم نیایشگهی [به یاد قدیم هم ابراهیم و نیز اسماعیل عهد کردند با خدای جلیل که بدارند پاک بیت و دودبهر طوف و رکوع و عکف و سجود

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا ءَامِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ ۗ مَنْ ءَامَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۗ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ ۗ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ

یاد آر آن زمان که گفت خلیل هم در این شهر با خدای جلیل که به این شهر بخش امن و امان رزق اهلش بده ز حاصل آن آنکه را هست معتقد به خدائیز مؤمن بود به روز جزا گفت آن کس که بود در کفران بهره ی او کنیم در نقصان پس در آتش در آرمش به عذاب هم سر انجام او بد است و خراب

وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا  
تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

پایه‌ی بیت حق چو ساخت خلیل‌یاورش در تلاش اسماعیل  
گفت یا ربّ تو این ز ما پذیرای خدا هم تویی سمیع و خبیر

رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِن ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُّسْلِمَةً لَّكَ  
وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

ای خدا ما و عترت ما را اهل اسلام کن برای خدا  
هم نشان ده به ما مناسکمان توبه‌ما پذیر ای یزدان  
که تویی بر گناه توبه‌پذیرو تویی مهربان به عبد و مجبر

رَبَّنَا وَأَبْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ  
وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ  
الْحَكِيمُ

ای خدا در میان عترت‌مان کن گزینش کسی هم از آنان  
خواند آیات حق به عترت ماحکمت آموزد و کتاب خدا  
هم کند پاک جان ایشان را و توانا تویی و هم دانا

وَمَنْ يَّرْغَبْ عَن مِّلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَن سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدِ  
أَصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ

هیچکس برنگشت از این کیش‌غیر آنکه سفیه دارد خویش  
برگزیدم خلیل را به جهان در قیامت هم اوست از نیکان

إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ

گفت پروردگار ابراهیم که به اسلام حق شود تسلیم  
گفت اسلام آورم از جان‌بهر پروردگار عالمیان

وَوَصَّىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَبْنَئِي إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ  
لَكُمْ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُّسْلِمُونَ

نسل خود هم به راه‌ی و دودهم‌چو یعقوب توصیت فرمود  
که خدا دین برایتان برگزیدجز به اسلام از جهان نروید

أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا  
تَعْبُدُونَ مِن بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ  
إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ  
مُّسْلِمُونَ

یا گواهد چون به موت افتادگفت یعقوب با همه اولاد  
چه پرستید بعد من؟ گفتندمی‌پرستیم کردگار بلند  
آنکه معبود بر تو بود و خلیل نیز اسحاق و نیز اسماعیل  
آن خدایی که هست فرد و قدیم‌نیز ماییم در رهش تسلیم

تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ  
وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ

امتی رفت و ماند از او آثار از شما هم بجای ماند کار  
زانچه اعمال هشته‌اند به جانیست مسئول آن کسی ز شما

وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصْرَى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ  
حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

و بگفتندتان به راه هدایا یهودی شوید یا ترسا  
گو که ناب است دین ابراهیم دور از شرک بر خدای عظیم

و بگویند مؤمنیم اینجابه خدا و آنچه نازل است به ما  
و آنچه نازل شدست بهر خلیل نیز اسحاق یا که اسماعیل  
نیز یعقوب و عترت او را و آنچه آمد به موسی و عیسی  
و آنچه بر انبیا ز سوی خدا [گشت نازل به راه دین هدا]  
نیست فرقی در انبیای عظاما گزیدیم بهر حق اسلام

قُولُوا ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ  
وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ  
وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ  
مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ

۱۳۶

گر که مؤمن شوند همچو شماره یابند بر طریق هدا  
ور بیچند سر ز راه خدامی شوند از طریق خیر جدا  
بس بود دفع شر آنان را کردگار سمیع و هم دانا

فَإِنْ ءَامَنُوا بِمِثْلِ مَا ءَامَنْتُمْ بِهِ فَقَدْ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا  
فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ ۖ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ  
الْعَلِيمُ

۱۳۷

بهرتر از رنگ حق کجاست کجا؟ ما عبادت کنیم بهر خدا

صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً ۖ وَنَحْنُ لَهُ  
عَبِيدُونَ

۱۳۸

در خدا می کنی جدل با ما اوست پروردگار ما و شما  
بهر ما نیست جز عمل از مانیز بهر شماست کار شما  
[اجر هر کس دهد خدای وحید] ما به حق خالصیم در توحید

قُلْ أَتُحَاجُّونَنَا فِي اللَّهِ وَهُوَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ وَلِنَا أَعْمَلُنَا  
وَلَكُمْ أَعْمَلُكُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ

۱۳۹

یا بگویند بوده است خلیل نیز اسحاق نیز اسماعیل  
نیز یعقوب و عترت او بودیا نصاری و یا ز قوم یهود  
گو شما بیشتر شدید آگاه؟ [از چنین سر گذشت یا الله  
کیست ظالمتر از کسی که نهفت خود گواهی ز حق و هیچ  
نگفت  
نیست پروردگار بی همتا غافل از آنچه می کنید شما

أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ  
وَالْأَسْبَاطَ كَانُوا هُودًا أَوْ نَصْرَى قُلْ ءَأَنْتُمْ أَعْلَمُ أَمْ اللَّهُ  
ۗ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ  
بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ

۱۴۰

امتی رفت و ماند از او آثار از شما هم به جای ماند کار  
و آنچه اعمال هشته اند به جانیست مسئول آن کسی ز شما

تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ  
وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ

۱۴۱

سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّيْتُمْ مَا وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ سَأَدَّبُنَا رَبِّي وَعَلَىٰ قَدْرِكُمْ أَفَلَا تُعْقِلُونَ  
سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّيْتُمْ مَا وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ سَأَدَّبُنَا رَبِّي وَعَلَىٰ قَدْرِكُمْ أَفَلَا تُعْقِلُونَ  
كَانُوا عَلَيْهَا قُلُوبًا غَافِلِينَ أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ الْفِتْنَةَ وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ  
إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

زود گویند جمع نادانان که چه گرداند قبله‌ی آنان  
که به آن داشتند روی دعاگو که شرق است و غرب از آن  
خدا  
او هدایتگر است و هر کس خواست رهنمایی کند سوی ره  
راست

وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَىٰ  
النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا  
الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ  
يَنْقَلِبُ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ  
هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ  
لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ

و شما را بساخت خالقن امتی شهره در میانه روان  
تا به خلق خدا شوید گواه هم گواه شما رسول الله  
ما بگردانده ایم قبله‌ی خویش که به آن روی داشتی از پیش  
تا مطیع رسول بشناسیم زان که برگردد از ره تسلیم  
این گران است و سخت بر هر فرد جز کسی را که حق  
هدایت کرد  
نشود ضایع از شما باور که خدا هست مهربان به بشر

قَدْ نَرَىٰ تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً  
تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا  
كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ  
لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَفِلٍ غَمًّا  
يَعْمَلُونَ

روی گرداندن تو را دیدیم در سپهر [و ترا پسندیدیم  
قبله‌ای تا کند تو را خشنود روی کن سوی کعبه‌ی مقصود  
هر کجا بید روی گردانید سوی بیت الحرام [اگر دانید]  
آنکه بهرش عطا کتاب هداست خوب داند که حق ز سوی  
خداست  
[و آنکه این امر را کند پنهان نیست غافل ز کار او یزدان

وَلَيْنِ اتَّيْتِ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ بِكُلِّ آيَةٍ مَا تَبِعُوا  
قِبْلَتَكَ وَمَا أَنْتَ بِتَابِعٍ قِبْلَتَهُمْ وَمَا بَعْضُهُمْ بِتَابِعٍ قِبْلَةَ  
بَعْضٍ وَلَيْنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ  
الْعِلْمِ إِنَّكَ إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ

گر که این دسته را ز اهل کتاب دهی آیات [روشن از هر  
باب  
قبله‌ات را نمی‌شود تابع نه تو گردی به قبله‌اش راجع  
کس ندارد متابعت ز کسی‌گر کنی پیروی تو از هوسی  
بعد از آن کز خبر شدی آگاه تو هم اهل ستم شوی آنگاه

الَّذِينَ ءَاتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ<sup>ط</sup>  
وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ

آنکه را داده‌ام کتاب و نشان می‌شناسد به مثل فرزندان  
عده‌ای زان کسان کند مکتوم‌گر چه حق است نزدشان معلوم

الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ

حق بود نزد قادر مطلق پس مکن شکّ و شبهه‌ای در حق

وَلِكُلِّ وِجْهَةٍ هُوَ مُوَلِّيهَا<sup>ط</sup> فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا  
تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ  
قَدِيرٌ

بهر هر قوم قبله‌ای شایدسوی خیرات سبقتی باید  
هر کجایید حق برد همه را بر همه چیز قادر است خدا

وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ  
وَإِنَّهُ لَلْحَقُّ مِن رَّبِّكَ<sup>ط</sup> وَمَا اللَّهُ بِغَفِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ

و به هر ره که می‌شوی پویان هر کجایی به کعبه رو گردان  
به یقین راستی بود ز خدانگیزت غافل خدا ز کار شما

وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ  
وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ<sup>ط</sup> لِئَلَّا يَكُونَ  
لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا  
تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي وَلَا تُمِنَّا<sup>ط</sup> نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ  
تَهْتَدُونَ

و به هر ره که می‌شوی پویان هر کجایی به کعبه رو گردان  
هر کجایید روی گردانیدسوی بیت الحرام [اگر دانید]  
تا نباشد ز مردم نادان به زیان شما ره برهان  
جز ستم پیشگان [طعن زدن و ستمگر ترس بل از من  
گشت تکمیل نعمتم به شما شاید آید در طریق خدا

كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ ءَايَاتِنَا  
وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا  
لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ

ما فرستاده‌ایم سوی شما رسولی را  
تا تلاوت کند برای شما آیات کتاب و قرآن را  
هم کند پاک جاتان از بدهم کتاب و حکم بیاموزد  
این زمان یادتان دهد ره دین که ندانسته‌اید پیش از این

فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ<sup>ط</sup> وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ

پس بدارید ذکر و یاد مرا من هم اینگونه‌ام به یاد شما  
شکر از بهر من بجا آریدراه کتمان و کفر مسپارید

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ  
مَعَ الصَّابِرِينَ

ای کسانی که اهل ایمانیداز نیایش مدد فراخوانید  
صبر هم چون دعا مددکار است و خدا بهر صابران یار است

وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمُوتَ بَلْ أَحْيَاءُ  
وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ

آنکه او کشته در طریق خداست از چه خوانید مرده کز  
احیاست  
[گر چه در بین خلق نیست پدید] لیک این نکته را نمی‌دانید

وَلَتَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ  
الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ ۗ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ

خوف و جوع است آزمایش‌تان نیز نقصان ز مال یا کز جان  
یا به نقصان حاصل [دنیا] پس بشارت بده شکیبا را

الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

در مصیبت بود چنین گویا از خداییم و سوی او پویا

أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ  
الْمُهْتَدُونَ

صلوات خداست آنان راراه ایشان بود طریق هدا

إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِن شَعَائِرِ اللَّهِ ۗ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ  
أَعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا ۗ وَمَن تَطَوَّعَ  
خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ

مروه است و صفا نشانه‌ی حقه‌ر که را بود حج خانه‌ی حق  
یا که در عمره بود نیست گناه‌که کند سعی و طوف این دو به  
راه  
هر که فرمان حق کند اجرا پس خدا شاکر است و هم دانا

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ  
بَعْدِ مَا بَيَّنَّهٖ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ ۗ أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ  
وَيَلْعَنُهُمُ اللَّعِنُونَ

مردمی را که می‌کنند نهان آنچه دادم ز بینات و نشان  
وز هدایت که ساختیم بیان از نزول کتاب بر ایشان  
هم خدا می‌کند بر او نفرین هم دگر لاعنان کنند چنین

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُّوا فَأُولَئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ  
وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

غیر آنکس که توبه کرد ز جان‌وز بهی حق به خلق ساخت  
عیان  
مهر ورزد به بنده‌ی قدیر حق بود مهربان و توبه‌پذیر

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارًا ۗ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ  
اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ

آن کسی را که راه کفر سپردنیز در راه کفر و عصیان مرد  
هست لعنت برای او کيفراز خدا و فرشتگان و بشر

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ

جاودان در عذاب بی کم و کاستو نه وقتی ز مهلت آنان  
راست

وَاللَّهُمَّ إِلَهٌ وَاحِدٌ ۗ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

هست معبودتان خدای احدفرد و بخشنده است و بخشاید



إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ  
وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ  
اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَّاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا  
وَبَتَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيْحِ وَالسَّحَابِ  
الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

به یقین خلقت سپهر و زمین آمد و رفت روز و شب چندین  
خلقت کشتی روان دریم و آنچه زان سود می برد آدم  
و آنچه آب آورد خدا ز سماتا کند ارض مرده را احیا  
انتشار دواب در همه جاگردش باد و ابر بین هوا  
از خدای جهان نشان داردبهر قومی که هست اهل خرد

۲  
بقره  
۱۶۴  
۲۸۶  
۲۱۲

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ  
كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ  
ظَلَمُوا إِذْ يَرُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ  
شَدِيدُ الْعَذَابِ

مردمی بر خدا گرفت رقیب چون خدا هم به خویش ساخت  
حبیب  
مؤمنان را محبتی است اشدبهر پروردگار حی صمد  
آن کسانی که ظلم ورزیدند چون عذاب خدای را دیدند  
خوب دانند کز خداست توان و شدید است کیفر یزدان

۱۶۵

إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوْا الْعَذَابَ  
وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ

آن زمان پیروان اهل بوارهست از آن قوم رهبران بیزار  
بیند این قوم از خدای عذاب هم شود قطع از آن گروه  
اسباب

۱۶۶

وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّءُوا  
مِنَّا كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَلَهُمْ حَسْرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ  
بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ

آن کسانی که پیروی کردندفاش گویند اگر که برگردند  
اهل ایمان شوند و هم بیزاران که امروزشان نباشد یار  
آنچنان می دهد خدای نشان کارشان بافسوس بر ایشان  
[کو کسانی که بهرشان یارند] تا کز آتش برونشان آرند

۱۶۷

يَأْتِيهَا النَّاسُ كُلُّوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَلًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا  
خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ

ایها الناس برخورید از خاکهر چه را کان حلال باشد و پاک  
تابع گام اهرمن نشویدبهرتان زو عدواتی است پدید

۱۶۸  
۲۲۲

إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا  
لَا تَعْلَمُونَ

زوست فرمان به زشتی و فحشانیز تهمت به حق زدن به خطا

۱۶۹

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْلُو كَانِ ءَابَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ

هر زمان گفته شد کنید قبول آنچه از کردگار یافت نزول گفته‌اند اینکه پیروی ما راهست از یافته‌هایی از آبا گر چه آنان ز عقل مهجورندوز طریق هدا و حق دورند

وَمَثَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً صُمُّ بُكُمْ عُمَىٰ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ

مثل کافران به مثل کسی استکه ورا بانک و داد ملتسمی است نیستش بهر غیر بانگ بلندکر و کورند و گنگ و بی‌خردند

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ

ای کسانی که آورید ایمانز آنچه ما ساختیم روزی‌تان بخورید و به شکر روی آریدگر پرستش برای حق دارید

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهْلَ بِهِ ۖ لِغَيْرِ اللَّهِ ۖ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

میته و خون و خوک و آنچه وراموقع ذبح نیست نام خدا کرد تحریم بر شما یزدان‌جز گه اضطرار بی طغیان نیست دارای اضطرار اثم‌و خداوند غافر است و رحیم

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتُرُونَ بِهِ ۖ ثَمَنًا قَلِيلًا أَوْلِيَّكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

آن گروهی که می‌کند کتمان آنچه آورد در کتب یزدان می‌فروشد آن به قیمت کم‌نبود غیر نارشان به شکم پس به روز جزا گه عقابح نگوید کلامی آنان را و نه از لوث و عیب پاک شونداهل تعذیب دردناک شوند

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلٰلَةَ بِالْهُدٰى وَالْعَذَابَ بِالْمَغْفِرَةِ ۖ فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ

آن کسان راست بهره گمراهی‌داده از کف هدا و آگاهی مغفرت داده بر عذاب دچارچه شکیبایی آورند به نار

ذٰلِكَ بِاَنَّ اللّٰهَ نَزَلَ الْكِتٰبَ بِالْحَقِّ ۗ وَاِنَّ الَّذِيْنَ اٰخْتَلَفُوْا فِي الْكِتٰبِ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيْدٍ

این بود ز انکه قادر مطلق‌می‌فرستد کتاب را بر حق قوم ناسازگار از این گفتاربه ستیزی بعید گشت دچار

لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ  
وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ  
وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَءَاتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى  
وَالْيَتَامَى وَالْمَسْكِينِ وَأَبْنَى السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ  
وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَءَاتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا  
وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ ۗ أُولَئِكَ  
الَّذِينَ صَدَقُوا ۗ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ

۴  
بقره  
۱۷۷  
۲۸۶  
حزب  
۱۱  
۲۳ ر

نیست خوبی که روی گردانید جانب شرق و غرب [اگر دانید]  
بلکه خوبی است کاورید ایمان به خدا و فرشته و یزدان  
به کتاب و به انبیا یکسریه حساب و به عالم دیگر  
هست خوبی که بذل مال کنند در رضای خدا به خویشاوند  
به یتیم و فقیر و ابن سبیل هم به اهل سؤال و عبد ذلیل  
هست نیکی قیام بهر صلاه است خوبی ادای دین و زکوه  
هست خوبی وفا به عهد و شکیب آن زمان کز تعب توراست  
نصیب  
راستگویان واقعی اینند اهل پرهیز و زهد در دینند

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ ۗ  
الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنثَىٰ بِالْأُنثَىٰ ۗ فَمَنْ عُفِيَ لَهُ  
مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتِّبَاعُ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ۗ  
ذَٰلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ ۗ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَٰلِكَ  
فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ

۱۷۸

ای کسانی که آورید یقین حکمتان در قصاص هست چنین  
حر به حر است چونکه گشت قتل زن به زن عبد عبد راست  
عدیل  
گر کسی هم گذشت کرد بر او بایدش پیروی ز راه نکو  
هم ادای دیت بود احسن لطف و تخفیف هست از ذو المن  
گر تعدی کند کسی پس از آن کیفر او بود عذاب گران

وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيٰوةٌ يٰۤاُولِى الْاَلْبٰبِ لَعَلَّكُمْ  
تَتَّقُونَ

۱۷۹

در قصاص است زندگانی تان صاحبان خرد بدانید آن  
[مکنید از ره خرد تردید] شاید ای قوم رستگار شوید

كُتِبَ عَلَيْكُمُ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا  
الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ ۗ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ

۱۸۰

شد نوشته به مؤمنین که اگر یافتند از حضور مرگ خبر  
در حق باب و مام و خویشاوند خوب و شایان وصیتی بنهند  
[کار اهل ره یقین این است مؤمنین حق به متقین این است

فَمَنْ بَدَّلَهُ وَبَعَدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ  
يُبَدِّلُونَهُ ۗ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

۱۸۱

کس چو بشنید آن وصیت راگر عوض کرد مطلب موسى  
در حقیقت مبدل است اثیم به یقین حق بود سمیع و علیم

فَمَنْ خَافَ مِنْ مَوْصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَا  
إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

گر بترسد که آن بود بی راهیا طرفداری است یا که گناه  
به تراضی جمع کار کنند بینشان صلح اختیار کنند  
هیچ کس زین رویه نیست ائیمهم خداوند غافر است و  
رحیم

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ  
عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

ای کسانی که مؤمنید به ما روزه مکتوب شد برای شما  
نیز پیش از شماست بر اقوام فرض امساک روزهای صیام  
شاید از آن شوید با تقوی

أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ  
فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ  
مِسْكِينٍ فَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَن تَصُومُوا  
خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ

چند روزی است روزهای شما  
هر که باشد مریض یا به سفر صوم او هست روزهای دگر  
و انکه طاقت نداشت بهر صیام به فقیری دهد به فدیة طعام  
هر که با طوع کرد کار نکوبیشتر خیر می دهند به او  
روزه خیر است از برای شماگر شما بید آگه و دانا

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْءَانُ هُدًى لِّلنَّاسِ  
وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَن شَهِدَ مِّنكُمُ الشَّهْرَ  
فَلْيُصِمْهُ ۖ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ  
أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ  
وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَيْتُمْ  
وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

[ماه صوم است این مه رمضان آنکه نازل بود در آن قرآن  
بهر مردم هدایت ایمان بینات هدایت و فرقان  
هر که یابد ز فیض این مه بهر بایدش حکم روزه در این  
شهر  
و انکه باشد مریض یا به سفر صوم او هست روزهای دگر  
به تو خواهد خدا سهولت و یسر حق نخواهد به تو صعوبت و  
عسر  
کامل این روزه های خود سازیدو به تکبیر حق پردازید  
چون خدا راه را نمود پدید شاید اهل سپاس او باشید

وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ ۖ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ  
إِذَا دَعَانِ ۖ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ

چون بپرسند بندگان از من منم اینک به نزدتان [به ز من  
دعوت بنده را جواب کنم چون دعا کرد مستجاب کنم  
بپذیرند دین و دعوت من راه یابند بر هدایت من

أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَأَبْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتُمُوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ وَلَا تُبَشِّرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ

۲۰  
بقره  
۱۸۷  
۲۸۶

در شب ماه روزه گشت حلال رفتن زوجه [چون بقیه سال جامه‌ای بر شماست همسران هم شما باید جامه بر آنان می‌شکستید چون به خود پیمان مهر آورد بر شما یزدان حق ببخشیدتان جماع نسا [پس مدارید از این عمل پروا] و بخواب آنچه حکم یزدان داد اکل و شرب شما بود آزاد [تا زمان سحر] که تار سپید شود از رشته سیاه پدید روزه را تا به شب کنید تمام این چنین تا به سلخ ماه میام هم مشو در ره رفتن وارد چون شوی معتکف تو در مسجد آن حدود خداست [پس باریک به حدود خدا مشو نزدیک کند آیات حق به خلق بیان تا که تقوا گزین کنند آنان

وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ

۱۸۸

به خطا ملک و مال را مخورید هم به نزدیک حاکمان مبرید پس مخور مال مردمان به گناه و شما باید از این خطا آگاه

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

۱۸۹  
حزب  
۱۲  
۲۵۹

از تو پرسند چیست سود هلال؟ گو که میقات حج و هم مه و سال نیست خیری در این طریقه که کس وارد خانه‌ها شود از پس لیک خوب است این که با آداب داخل خانه‌ها شوید از باب اهل تقوای کردگار شوید شاید ای قوم رستگار شوید

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقْتُلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ

۱۹۰

جنگ آرید در طریق خدایه کسی کاید او به جنگ شما متجاوز مشو [به حق بشر] نیست حق یار با تجاوزگر

۲۰  
بقره  
۱۹۱  
۲۸۶

وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِّنْ حَيْثُ  
أَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تَقْتُلُوهُمْ عِنْدَ  
الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقْتَلُوكُمْ فِيهِ ۖ فَإِن قَتَلُوكُمْ  
فَأَقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ

بکشید آن گروه بی پروا هر کجا یافتید آنان را  
هم بر آریدشان از آن بلدان که شما را برون کنند از آن  
فتنه باشد شدیدتر از قتل حرمت کعبه را مبر از قتل  
در حرم کن ز جنگ و کین پروا جز که جنگ آورند در آنجا  
بکشید آن زمانشان ناچار این چنین است کیفر کفار

۱۹۲

فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

گر که باز ایستند از پیکار حق خطا بخش باشد و غفار

۱۹۳

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ ۚ فَإِنِ  
انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ

جنگ آرید تا که فتنه ز پا افتد و دین شود برای خدا  
گر که باز ایستند جنگ و غزانیست الا به اهل ظلم روا

۱۹۴

الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَتُ قِصَاصٌ ۚ فَمَن  
أَعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَأَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا أَعْتَدَىٰ  
عَلَيْكُمْ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ

هست شهر حرام بهر حرام جائز آید قصاص شهر حرام  
متجاوز شوند اگر آنان پس تجاوز کنید چون ایشان  
اهل تقوی شوید و هم دانا که خدا هست یار اهل تقا

۱۹۵

وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ  
وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

به طریق خدا بپردازید خویش را در فنا میندازید  
کار نیکو کنید و هم احسان دوست با محسنین بود یزدان

۱۹۶

وَأْتِمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ  
الْهَدْيِ ۖ وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ ۚ  
فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِّن رَّأْسِهِ ۖ فَفِدْيَةٌ  
مِّن صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمَن تَمَتَّعَ  
بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ ۚ فَمَن لَّمْ يَجِدْ  
فَصِيَامٌ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةً إِذَا رَجَعْتُمْ ۚ تِلْكَ عَشْرَةٌ  
كَامِلَةٌ ۚ ذَٰلِكَ لِمَن لَّمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ  
الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

[چون برای حق اهتمام کنید] حج و هم عمره را تمام کنید  
اگر از ترس جان شدی محصور ذبح کن هدی هر چه شد  
مقدور  
متراشید سر مگر حیوان بشود در محل خود قربان  
هر که باشد دچار بیماری که تراشد سرش به ناچاری  
روزه یا گوسفند کفاره است هم تصدق به جرم او چاره است  
چونکه ایمن شوید از هر بدانکه در ختم عمره حج آرد  
بایدش ذبح کرد یک حیوان هر چه مقدور بود از قربان  
ور نیابد کسی سه روز صیام واجب آید بر او در آن ایام  
چونکه برگشت هفت روز دگر تا که آن روزهها شوند عشر  
این بود حکم آن کسی که عیال نیست او را به مکه در آن  
حال  
اهل پرهیز و با خبر باشید که عذاب خدا بسی است شدید

۲۰  
بقره  
۱۹۷  
۲۸۶  
۲۶ر

الْحُجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَةٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ  
وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ  
يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونِ  
يَأْتُوا لِيَأْتُوا الْأَلْبَابَ

وقت حج ماههای معلوم است هر که دانست فرض محکوم  
است  
دور ماند در آن مقام و مجال از رفث وز فسوق هم ز جدال  
آنچه انجام می‌دهید از خیر حق بدانند و گر ندانند غیر  
زاد گیرید در طریق خدا بهترین زاد و توشه شد تقوی  
[بهر تقوای حق شوید مرید] ای کسانی که پیرو خریدید

۱۹۸

لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ فَإِذَا  
أَفْضْتُمْ مِّنْ عَرَفَاتٍ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ  
وَأَذْكُرُوهُ كَمَا هَدَيْتُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِّن قَبْلِهِ لَمَنِ  
الصَّالِينَ

نیست بهر شما گناه و خطاکه بخواهید نعمتی ز خدا  
چونکه کردید کوچ از عرفات ذکر حق کن به معشر این میقات  
ذکر او کن که راه داد نشان پیش از این گر بدی ز گمراهان

۱۹۹

ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ  
اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

لازم آید شوی روان پس از آن هر کجا دیگران شوند روان  
و خداوند را کن استغفار آن خدای رحیم و هم غفار

۲۰۰

فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَسِكَكُمْ فَادْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ  
ءَابَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا  
فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ

چونکه آداب حج تمام کنید یاد خالق در آن مقام کنید  
آنچنانکه کنید یاد پدر بلکه از یاد باب هم بهتر  
بعضی از مردمان کنند دعا که خدا ده به ما تو در دنیا  
[حق دنیا فقط به جا آرند] از قیامت چه بهره‌ای دارند

۲۰۱

وَمِنْهُمْ مَّن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ  
حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

لیک برخی دعا کنند چنین که به دنیا و روز باز پسین  
کن عطا لطف و خیرت ای دادار و نگهدارمان ز کیفر نار

۲۰۲

أُولَئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ

بهرشان ز آنچه کرده‌اند نصیب دهد آن خالق سریع حساب

وَأَذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ  
فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَىٰ وَاتَّقُوا  
اللَّهَ وَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

روزهایی که بر شماست عیان‌یاد آرید از خدای جهان  
هر که او بر دو روز داشت شتاب‌بهر او نیست هیچ جرم و  
عذاب  
و انکه او در سه روز داشت نگاه‌نیز از بهر او نبود گناه  
اهل تقوی شوید و اهل شعورکه شماست سوی حق محشور

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ  
اللَّهَ عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ ۖ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ

برخی از خلق در حیات جهان در شگفت افکند تو را ز بیان  
بر دل و جان گواه گیرد حق‌گر چه او هست دشمن مطلق

وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ  
وَالنَّسْلَ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ

چونکه برگشت داشت سعی تمام‌تا کند در زمین فساد مدام  
کشت و نسل بشر کشد به فسادو خدا دوست نیست با  
افساد

وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ ۗ جَهَنَّمُ  
وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ

گفته شد چونکه خویش دار نگاه‌از تعصب در اوفتد به گناه  
بهر او آتش جحیم بس استوان چه بد جایگه برای کس  
است

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ أُتْبَعَاءَ مَرَضَاتٍ ۗ وَاللَّهُ  
رَعُوفٌ بِالْعِبَادِ

برخی از خلق در رضای خداجان خود را دهد به بیع و شرا  
[چونکه تا پای جان به حق استاد] هم خدا هست مهربان به  
عباد

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَآفَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا  
خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ ۚ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ

ای کسانی که آورید ایمان‌پس در آید سلم را همگان  
پیرو گام اهرمن نشویداو عدوی شماست بی‌تردید

فَإِنْ زَلَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمْ الْبَيِّنَاتُ فَأَعْلَمُوا أَنَّ  
اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

بعد از آن کاوریدتان آیات‌گر بلغزید از طریق نجات  
پس بدانید اینکه حق عظیم‌هست در کارها عزیز و حکیم

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِّنَ الْغَمَامِ  
وَالْمَلَائِكَةُ وَوُضِيَ الْأَمْرُ إِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ

چشم دارند از سما آیابا ملائک رسد ز ابر خدا؟  
قضی الامر و کارها شد جورباز گردد به حق جمیع امور



سَلَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمَا آتَيْنَاهُمْ مِّنْ آيَةٍ بَيْنَهُ وَبَيْنَ رَبِّهِمْ فَمَا يَخْلِفُونَ عِذًّا عَلَيْهِمْ يَوْمَ هُمْ كَاكِبُونَ  
يُبَدِّلُ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

ز آل یعقوب پرس چند نشان به شما داده ایم و گشته بیان  
[هست آیات خیر و رحمت حق هر که تغییر داد نعمت حق  
بعد از آنکه که یافتست خبرپس خدا سخت می‌دهد کیفر

زَيْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَلْحِيوُةُ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ  
ءَامَنُوا وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ  
يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ

بهر کفار داده است خدازینت زندگانی دنیا  
سخره دارند از این به اهل یقین که شما را حیات نیست  
چنین  
گر کسی اهل دین و تقوی شدچون به عقبا رسید والا شد  
حق به هر کس که خواست [از هر باب رزق و روزی دهد به  
غیر حساب

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ  
وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ  
النَّاسِ فِي مَا اُخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اُخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ  
أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَعِيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى  
اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَا اُخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ  
يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

خلق بودند امتی یکتاپس بر انگیخت حق رسولان را  
تا به مردم دهند بیم و امیدبهر آنان کتاب حق برسید  
تا کند داوری به خلق جهان آنچه بودست اختلاف در آن  
چونکه آمد به سوی خلق نشان پس از آن اختلاف گشت عیان  
آن کسانی که آورند ایمان اختلافی اگر کنند در آن  
بهرشان از خدای بود هدالاین عطا بودشان به اذن خدا  
حق بود رهنمای هر کس خواستدر طریق هدایت و ره  
راست

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ  
خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَّاءُ وَزُلْزِلُوا حَتَّى  
يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصْرُ اللَّهِ أَلاَ إِنَّا  
نَصْرُ اللَّهِ قَرِيبٌ

مردمان در گمان شدید آیا؟ که در آید در بهشت خدا  
نرسیدست بر شما آن حال زان جماعت که بود در زلزال  
در گذشتند پیشتر ز شمابهرشان بود بیش رنج و عنا  
آنچنان که رسول و اهل یقین به حق اظهار داشتند چنین  
یاری حق کجاست؟ گفت مجیب به یقین یاری خداست قریب

يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِللَّهِ  
وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا  
مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ

از تو پرسند خلق از احسان گو که هر کار خیر باشد آن  
هست از باب و مام و مردم خویش از یتیم و مسافر و  
درویش  
هر که انجام داد کار نکوبه یقین خالق است آگه از او

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ  
تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا  
وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

بهرتان فرض گشته است غزاین خوشایند نیست بهر شما  
ای بسا کار ناخوشایند است و در آن خیر و نعمتی چند است  
وی بسا خوب می‌رسد به نظر که در آن هیچ نیست غیر از شر  
از همه آگه است رب مجید [همه چیزی شما نمی‌دانید

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ  
كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ  
وَإِخْرَاجِ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ  
الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يُقْتَلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ  
إِنِ اسْتَطَعُوا وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَن دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ  
كَافِرٌ فَأُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ  
وَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

از تو پرسند جنگ ماه حرام‌گو که این معبر است راه حرام  
سد راه خدا و کفر به او هتک بیت عظیم نیست نکو  
هست اخراج اهل آن اکبرفته باشد ز قتل هم بدتر  
کافرانند در قتال مدام با شما در جدال بی‌آرام  
تا که از دین حق بگردانند مؤمنین را اگر که بتوانند  
هر که برگشت از ره ایمان پس بمیرد به کفر در کفران  
کارشان شد تباه در دو جهان یار نارند و جاودانه در آن

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ  
أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

مؤمنان و مهاجران به عنانیز رزمندگان راه خدا  
همه را رحمت خداست رجاهم غفورست و هم رحیم خدا

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ  
وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَّفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ  
مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ  
لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ

از تو پرسند از شراب و قمارگو در اینهاست معصیت بسیار  
گر چه دارند سود بهر بشر هست اما گناه آن بدتر  
وز تو پرسند خلق از احسان‌گوی هر چیز زاید آید آن  
به شما حق چنان نمود پدیدآیه‌هایش مگر بیندیشید

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الَّتِي مَنَىٰ قُلْ إِصْلَاحٌ لَّهُمْ خَيْرٌ وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمَصْلِحِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَعْنَتَكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَةَ حَتَّىٰ تُؤْمِنَ وَلَا أُمَّةٌ مُّؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَلَا تُنكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ أُولَٰئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُوا إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَىٰ فَأَعْتَزِلُوا النَّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهَرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ

نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّىٰ شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُّلَقَوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ

وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصَلِّحُوا بَيْنَ النَّاسِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

بهر دنیا و آخرت شاید [کادمی در ره خرد آید]

از تو پرسند از یتیم اگرگو که اصلاح کارشان بهتر

ور به ایتم هم در آمیزید چون برادر [قرین پرهیزید]

می‌شناسد ز مفسدان مصلح‌حق [که بر اوست چیزها واضح

افکند حق به رنجتان گر خواست به یقین حق عزیز و هم

داناست

مستان مشرکات را به نکاح‌مگر آیند در طریق فلاح

برده‌ی مؤمنه ز مشرک به‌گر چه تحسین کنی ز دست بده

بهر مشرک مرو به قید نکاح‌مگر آید به راه دین و فلاح

مؤمن برده هم ز مشرک به‌گر چه تحسین کنی ز دست بده

دعوت می‌کنند بر نیران و خدا می‌برد بسوی جنان

نیز بخشنده گناه و خطاست هم ره مغفرت به اذن خداست

آیه‌هایش به خلق کرد بیان شاید این قوم پند گیرد از آن

از تو پرسند از محیض بگوکه زیان و اذیت است در او

از زنان در محیض دور شوید مگر آنکه که طهر گشت پدید

هم پس از طهر از آن طریق روید که به آن امر کرد حی مجید

مهر ورزد خدا به توبه کنان هم به پاکان [پاک جسم و روان

زوجه‌ها کشتگاه شد به شما هر زمان خواستی به کشت در آ

بفرستید بهر خویش از پیش‌راه تقوا گزین کنید به خویش

و بدانید خویش را حق بین و بشارت بده به اهل یقین

و مسازید [از ره ترفند] نام حق را بهانه در سوگند

بهر تقوا و نیکی و اصلاح بین مردم به راه خیر و صلاح

[این عیان است نزد حی کریم و خدا هم بود سمیع و علیم

لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ  
يُؤَاخِذُكُم بِمَا كَسَبْتُمْ قُلُوبُكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ

باز خواهی نمی‌کند ز شما بهر سوگندهای لغو خدا  
باز خواهی کند ولی ز شما آنچه را کسب می‌کند دلها  
اوست بخشنده‌ی گناه کسان و حلیم است و مهربان بزدان

لِلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرَبُّصًا أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ ط فَإِنْ فَاءُوا  
فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

آن کسانی که می‌کنند ایلاچار ماه است انتظار نسا  
گر که برگشت شخص از تصمیم‌پس خدا نیز غافر است و  
رحیم

وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

ورکه خواهد شود ز زوجه جدا هم سمیع است حق و هم دانا

وَالْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ  
أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنْنَ  
بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَبِعُولَتِهِنَّ أَحَقُّ بِرِدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ  
أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ  
وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

به زنان مطلقه باید که سه مهر تمام سر آید  
نیست جائز زنی کند پنهان آنچه سازد در او خدای جهان  
گر که او معتقد بود به خدائیز دارد یقین به روز جزا  
گر ره صلح شوهر او خواست در چنان دوره نیز زن او راست  
بهر زن گر نوشته شد تکلیف نیز حقی بر اوست بی تخفیف  
و مزیت بود به زن شور او خدا قادر است و هم دانا

الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ ط فإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ ط  
وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ  
يَخَافَا إِلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ ط فَإِنْ خِفْتُمْ إِلَّا يُقِيمَا حُدُودَ  
اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا أُفْتَدَتْ بِهِ ط تِلْكَ حُدُودُ  
اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ  
الظَّالِمُونَ

شد جدایی زن دوبار روایا نگهدار یا بساز رها  
یا نگه داشتن به وجه نکویا به خوبی جدا شدن از او  
نیست جائز کز او بگیرد باز آنچه را داده‌ای به او ز آغاز  
غیر جایی که حق فتد به خطر [هست جائز برای دفع ضرر]  
گر زیان می‌رسد به حق و به حدهست جائز که زوجه فدیة  
دهد  
نیست اینجا بر آن دو زوج خطاپس تجاوز مکن به حد خدا  
گر تجاوز کند کسی از حد اوست از ظالمین [به نزد احد]

فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا  
غَيْرَهُ ط فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا  
أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ ط وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ  
يَعْلَمُونَ

چونکه اینان ز هم شوند جدانیست تزویجشان دوباره روا  
جز که مردی دگر برد او را پس از آن ز هم شوند جدا  
پس نباشد گناه بر آنان ازدواج مجدد ایشان  
هست امید تا حدود خدا گردد از سعی مؤمنین بر پا  
و بیان می‌شود حدود خدا بهر افراد عالم و دانا

وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ  
 أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا<sup>ع</sup>  
 وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا تَتَّخِذُوا عَآئِيتِ  
 اللَّهِ هُزُورًا وَأَذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ  
 عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهِ<sup>ع</sup> وَاتَّقُوا اللَّهَ  
 وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

۲  
 بقره  
 ۲۳۱  
 /۲۸۶

وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ  
 يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضُوا بَيْنَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ<sup>ظ</sup> ذَلِكَ  
 يُوعِظُ بِهِ<sup>ع</sup> مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ<sup>ظ</sup>  
 ذَلِكَمُ أَرْكَى لَكُمْ وَأَطْهَرٌ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

۲۳۲  
 ۳۱

وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ<sup>ط</sup> لِمَنْ أَرَادَ أَنْ  
 يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ  
 بِالْمَعْرُوفِ<sup>ع</sup> لَا تُكَلِّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ  
 بِوَالِدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدَيْهِ<sup>ج</sup> وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ<sup>ظ</sup> فَإِنْ  
 أَرَادَا فِصَالًا عَنِ تِرَاضٍ مِّنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ  
 عَلَيْهِمَا<sup>ط</sup> وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ  
 عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ<sup>ظ</sup> وَاتَّقُوا اللَّهَ  
 وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

۲۳۳  
 حزب  
 ۱۵

چون جدا گشته‌ای تو از همسرو رسد وقت عده نیز به سر  
 یا به طرزی نکو نگه دارش یا رهایش کن و میازارش  
 هر که راه جفا گرفت به پیش‌خود ستمکار شد به هستی  
 خویش  
 و به سخره مگیر آیت حق و به یاد آورید نعمت حق  
 ز آنچه نازل شدست بهر شما از حکم نیز از کتاب خدا  
 که در آن هست پند بهر شما نیز تقوا کنید بهر خدا  
 و بدانید ایزد یکتا بر همه چیزها بود دانا

چون جدا می‌شوید از همسرمی‌رسد وقت عده نیز به سر  
 پس مباشید بهرشان مانع‌که شود شوی زن به او راجع  
 چون به خوبی موافقت کردند این سخن هست بهر مردم پند  
 آنکه دارد به کردگار یقین‌نیز ایمان به روز باز پسین  
 بهر تان این کلام پاکتر است‌نه شما که خدای با خبر است

مادران در کمال بر فرزند به دو سال تمام شیر دهند  
 بر پدر واجب است روزیشان و لباسی که خوب باشد آن  
 نیست تکلیف ما به خلق روان‌جز به مقدار وسع و طاقتشان  
 نیست جائز به مادر و به پدر که رساند به طفل خویش ضرر  
 [و اگر رفت باب از ز جهان بهر وارث و وظیفه‌ای است چنان  
 گر کسی از طریق شور و رضاباز گیرد ز شیر کودک را  
 سپس او را به دایه‌ای سپرندهیج جرمی از این عمل نبرند  
 چونکه پرداختند حق کسان هیچ کس زین عمل نبرد زیان  
 اهل تقوی شوید و نیز خبیر که به کار شما خداست بصیر

وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ  
بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا ۖ فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا  
جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ ۗ وَاللَّهُ  
بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

زوجه‌ای را اگر بمیرد شوچار ماه و ده است عده بر او  
چون رسد وقت او ز عده به سرهست آزاد بر نکاح دگر  
راه معروف و خیر نیست گناه‌حق ز کردار خلق هست آگاه

وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ  
أَوْ أَكَنَنْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ ۚ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ  
وَلَكِنْ لَا تُوعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا ۚ  
وَلَا تَعْزِمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّى يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ ۚ  
وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ ۚ وَأَعْلَمُوا  
أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ

خواستگاری کنید اگر ز نسابا کنایه گنه نشد ز شما  
ورکه در ذهن خود ننگه داریدحق بدانند که آن به یاد آرید  
و مبندید عقد و عهد نهان‌آورید از رهی نکو به زبان  
مکنید این نکاح را اقدام‌مگر آنکه که عده گشت تمام  
و بدانید حق بود داناز آنچه باشد درون جان شما  
پس بترسید از حق و دانیدبا شکیب و غفور رب مجید

لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ  
تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً ۚ وَمَتَّعُوهُنَّ عَلَى الْمَوْسِعِ قَدَرَهُ ۚ وَعَلَى  
الْمُقْتِرِ قَدَرَهُ ۚ مَتَّعًا بِالْمَعْرُوفِ ۗ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ

زوجه‌ای گر نداشت مس و صداق‌نیست بر شو گناه کار طلاق  
لیک باید دهند در آن حال‌هدیه‌هایی به قدر وسع از مال  
این بود حق زوجه و یزدان‌کرد تکلیف بر نکوکاران

وَإِنْ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ  
فَرِيضَةً ۖ فَانصِفْ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوا الَّذِي  
بِيَدِهِ عَقْدَةُ النِّكَاحِ ۚ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ ۚ وَلَا تَنْسُوا  
الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

زوجه‌ای را که بود مهر و صداق‌قبل از آمیزش ار دهند طلاق  
می‌شود نصف مهر بهر زنان‌جز به وقتی که بگذرند از آن  
یا که خود بخشش آورد بر شویا کسی که ولی بود بر او  
ور بخشی تمام مهر به زن‌بهر تقواست اقرب و احسن  
نرود لطف هان ز یاد شماحق به کار شما بود بینا

حَفِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ

جهد آرید از برای صلاه و نماز وسط هم از صلاه با کمال خشوع برخیزید از برای خدای حی مجید

پس سواره بخوان به گاه خطریا پیاده بخوان به وقت سفر چونکه ایمن شدید از آن بیم‌پس بیاد آورید حی قدیم به طریقی که یاد داد خداو نبودید پیش از آن دانا

فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ

۲۳۹

داری ای مرد بهر زوجه خویش وقت مردن وصیتی در پیش که به یک سال خرجیش بدهندگر به مردی نباشدش پیوند ورنه تزویج کرد در آن سال نیست در آن گناه یا اشکال [کار شایسته‌ای است دور از بیم و خدا هم عزیز هست و حکیم

وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لِأَزْوَاجِهِمْ مَتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرِ إِخْرَاجٍ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَّعْرُوفٍ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

۲۴۰

هست بهر مطلقات ضرورهدیه‌های مناسب و مقدور وین که حقی بود ز زن در آن فرض باشد برای متقیان

وَالْمُطَلَّاتِ مَتَعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ

۲۴۱

بر شما حق بس آیه کرد پدیدشاید ای قوم اهل عقل شوید

كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

۲۴۲

نشینی تو حال قومی را؟ که برون آمدند از ماوا داشتند از جهاد یا وسواس آن هزاران نفر ز مرگ هراس حق به آنان بداد حکم ممتو ز پس مرگشان بداد حیات باشدش لطفها خدا با ناس اکثر خلق نیست اهل سپاس

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ

۲۴۳

حزب  
۱۶  
۳۳۹

در طریق خدا برو به غزادان سمیع و بصیر خالق را

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

۲۴۴

هر که وامی دهد برای خدا آن بود وام خیر در معنا پس زیادش کند خدا بسیار دو برابر کند به چندین بار قبض و بسط از خداست بی تردید باز گردید سوی حی مجید

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضْعِفُهُ لَهُ وَأُضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْصُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

۲۴۵

أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَأِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّ لَهُمْ أُبْعَثْ لَنَا مَلِكًا نُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا قَالُوا وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أُخْرِجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَائِنَا فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ

۲  
بقره  
۲۴۶  
/۲۸۶

آن شنیدی که مردمی درواز آل یعقوب از پس موسی به نبی زمان بگفت چنین که شهبی بهر ما کنید گزین [تا که فرمانش آوریم به جا] بهر پیکار در طریق خدا گفت شاید اگر ره پیکار بهر تان شد نوشته از دادار سر بیچید گفته اند چرا؟ ما نجنگیم در طریق خدا کاین زمان گشته ایم بیچاره هم ز فرزند و خانه آواره جنگ چون فرض گشت بر آنان شد جماعت ز جنگ رو گردان جز که از بینشان گروهی کم هست آگاه حق به اهل ستم

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَأَتَى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِّنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ أُصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

۲۴۷

گفت پیغمبر اینکه بهر شما پادشاهی گزیده ساخت خدا هست طالوت نام آن حاکم این چنین خواست ایزد عالم گفت امت چگونه او شه ماست که به زر بس ز ما بر او اولاست گفت کردش گزین حق ذو المن و ببخشید علم و نیروی تن حق دهد ملک خود به هر کس خواست و خدا فضل گستر و داناست

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آءَالُ مُوسَى وَعَالُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

۲۴۸

گفت پیغمبر اینکه بهر نشان آورد جعبه ای ز امن و امان یادگار آنچه مانده است به جال موسی و آل هارون را می کشندش فرشتگان خدا در آن آیتی است بهر شما [باید اکنون براه دین باشید] اگر از جمع مؤمنین باشید



فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ  
 فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي  
 إِلَّا مَنْ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ  
 فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا  
 الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُونَ أَنَّهُمْ مُّلاقُوا  
 اللَّهَ كَم مِّن فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَت فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ  
 وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ

۲۰  
 بقره  
 ۲۴۹  
 /۲۸۶  
 ۳۴ ر

وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا  
 وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ

۲۵۰

فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَءَاتَاهُ اللَّهُ  
 الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ  
 النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَّفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ ذُو  
 فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ

۲۵۱

تِلْكَ ءَايَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّكَ لَمِنَ  
 الْمُرْسَلِينَ

۲۵۲

چونکه طالوت رفت با آنان گفت دادار آزمایدتان

ز آب نهی که هر که نوشد از آن نیست از ما و امت رحمان  
 گر ننوشد به غیر یک کف دست اوست اهل من و از آن من  
 است

همه خوردند آب را افزون جز گروهی قلیل [در هامون  
 پس چو طالوت و جمع لشگریان بعد از این فتنه‌ها] گذشت  
 از آن

گفت جمعی ز لشکر طالوت نیست تاب نبرد با جالوت  
 لیک جمع تشنه‌ی دیدار با خدا داشت بهر جنگ اصرار  
 کای بسا فوج کم به اذن قدیر گشته پیروز بر سپاه کثیر  
 [پایداری کنید و صبر در آن که خدا هست با شکیبایان]

بعد از آن حال لشکر طالوت شد مقابل به لشکر جالوت  
 گفت یا رب تو صبر ده ما را [در طریق نبرد با اعدا]  
 تو بکن گامهای ما استوار چیره کن جمع ما تو بر کفار

پس شکستندشان به اذن و دودکشت جالوت را سپس داود  
 و به او حکمت و حکومت رداد و ز علم هر چه خواست خدا  
 گر نمی‌کرد دفع شر کسان با گروهی دگر خدای جهان  
 این جهان بود در فساد املطف دارد خدا خلیق را

آن نشانه‌ها که بر تو خواند خدا هست صدق و تویی رسول او  
 را

تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ مِّنْهُمْ مَّن كَلَّمَ اللَّهُ<sup>ص</sup>  
وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ وَعَاتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ  
وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ<sup>ط</sup> وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَقْتَلْنَا الَّذِينَ مِنْ  
بَعْدِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ وَلَكِنْ اخْتَلَفُوا  
فَمِنْهُمْ مَّنْ ءَامَنَ وَمِنْهُمْ مَّنْ كَفَرَ<sup>ج</sup> وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا  
أَقْتَلُوا وَلَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ

زان رسل فضل داد برخی را بر گروه دگر ز لطف خدا  
آن یکی را خدا منادا کرد دیگری را به رتبه والا کرد  
حق به عیسی نشانه‌ها بخشیدوان به روح القدس شده تأیید  
گر که می‌خواست حق نبود قتال بعد از آن [انبیای ذو الاجلال  
] هر که زان بعد در حیات آمد [بعد از آنکه که بینات آمد  
بود بس اختلاف در ایشان گاه در کفر و گاه در ایمان  
گر نمی‌خواست حق نبود پیکار آنچه را خواست می‌کند دادار

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِّن قَبْلِ أَنْ  
يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعُ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفِيعَةٌ<sup>ط</sup> وَالْكَافِرُونَ هُمُ  
الظَّالِمُونَ

ای کسانی که آورید ایمان بخل و احسان کنید روزی‌تان  
پیش از آنکه که در رسد عقباکه نباشد مجال بیع و شرا  
نه ره دوستی شفاعت هم کافرانند اهل ظلم و ستم

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ<sup>ج</sup>  
لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ<sup>ط</sup> مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ  
عِنْدَهُ<sup>و</sup> إِلَّا بِإِذْنِهِ<sup>ج</sup> يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ<sup>ط</sup> وَلَا  
يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ<sup>ج</sup> إِلَّا بِمَا شَاءَ<sup>ج</sup> وَسِعَ كُرْسِيُّهُ  
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ<sup>ط</sup> وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا<sup>ج</sup> وَهُوَ الْعَلِيُّ  
الْعَظِيمُ

نیست معبود کس به غیر خدازنده و پایدار و پابرجا  
نبرد خواب و بینگی او را و هموراست ملک ارض و سما  
چه کسی می‌شود شفیع شمانزد او جز به اذن و حکم خدا  
داند او کل آشکار و نهان حال و هم ماضی خلق جهان  
کس به آگاهی فرا نرسد جز که خواهد خدای حی و صمد  
کرسی حکم او سپهر برین تا فرودین‌ترین نقاط زمین  
نشود رنجه بهر حفظ جهان اوست والامقام و عالیشان

لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ<sup>ط</sup> قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ<sup>ج</sup> فَمَنْ يَكْفُرْ  
بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا  
أَنْفِصَامَ لَهَا<sup>ط</sup> وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

نیست اکراه بهر خلق به دین که ره از گمراهی شده تبیین  
هر که ورزید کفر با طاغوت به خدا معتقد شد و لاهوت  
به چنان دستگیره‌ای زد دست که بر آن نیست هیچ قطع و  
گسست  
شود حق هر آنچه هست نداوز همه چیز آگه است خدا

اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ  
وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَآؤُهُمُ الظَّالِمُونَ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ  
إِلَى الظُّلُمَاتِ ۗ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۗ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

هر گروهی که اهل ایمان استحق مطلق ولی آنان است  
به در آوردشان ز ظلمت‌ها به سوی روشنی [به رحمت‌ها]  
نیز یاران کفر و هم کفران‌که بود سر پرستان شیطان  
بدر آوردشان به سوی ظلم از ره نور [و علم و پند و حکم  
آن گروه تباہ [بی ایمان یار نارند و جاودانه در آن

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ حَاجَّ إِبرَاهِيمَ فِي رَبِّهٖ أَنْ ءَاتَهُ اللَّهُ  
الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا  
أَحْيِي وَأُمِيتُ ۗ قَالَ إِبرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالسَّمَسِ مِن  
الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ ۗ وَاللَّهُ  
لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

تو ندیدی که داشت ابراهیم؟ گفتگو در وجود رب کریم  
با کسی که شهیش داد خداگفت رب من است آن مولا  
که کند زنده و بمیراندگفت این شاه نیز بتواند  
گفت پیغمبر خدا خور راسوی غرب آورد ز شرق خدا  
گر توانی ز مغرب آر به درگشت مبهوت شاه و شد مضطر  
نگشاید خدا در این عالم از هدایت دری به اهل ستم

أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَىٰ قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى  
يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعَدَ مَوْتِهَا ۗ فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ  
بَعَثَهُ ۗ قَالَ كَمْ لَبِثْتُ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ ۗ قَالَ  
بَل لَّبِثْتُ مِائَةَ عَامٍ ۗ فَانظُرْ إِلَىٰ طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ  
يَتَسَنَّهٗ ۗ وَانظُرْ إِلَىٰ حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ ءَايَةً لِلنَّاسِ ۗ وَانظُرْ  
إِلَىٰ الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِرُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا ۗ فَلَمَّا تَبَيَّنَ  
لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

یا همانند آن کسی که گذشت بر دهی سقف خفته در ره و  
گشت  
[کس نمانده ز ماجرا زنده استخوانهایشان پراکنده  
گفت با خود چگونه زنده کن‌داین چنین مرده‌ها خدای احد  
پس بمیراند صد سنه او را پس بر انگیخت [آن سخنگو را]  
گفت ماندی به چند روز چنان؟ گفت یک روز یا که لختی زان  
گفت صد سال مانده‌ای ایدر به طعام و شراب خود بنگر  
که نگشته است آن خراب و تباہ به خر خویش نیز کن تو نگاه  
ما تو را ساختیم از برهان آیتی از برای خلق جهان  
و نگه کن به استخوانهایش که نشانیم بر سر جایش  
سپس آن را به گوشت پوشانیم پس چنین کرد حق به او  
تفہیم  
آن زمان گفت دانم اینکه خدا هست قادر به جمله‌ی اشیا

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ قَالَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِن لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ أَجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

۲  
بقره  
۲۶۰  
۲۸۶

و زمانی که گفت ابراهیم تو نشانم ده ای خدای عظیم مرده‌ها را چگونه زنده کنی؟ [جسد مرده را رونده کنی گفت آیا نه‌ای تو بر ایمان؟ گفت قلبم بیابد اطمینان گفت برگیر از طیور چهارریز ریزش بکن [پس از کشتار] پس به هر کوه جزیی از آن نهو به آن جزءها ندا در ده تا شتابان به سوی تو آیندکه خدا قادر است و دانشمند

مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضْعِفُ لِمَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

۲۶۱  
۳۷۲

مثل آن کسی که از ارزاق می‌کند در طریق حق انفاق هست چون دانه‌ای کز و رویدهفت خوشه به دانه هر یک صد حق مضاعف کند به هر کس خواست و خدا واسع است و هم داناست

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتَّبِعُونَ مَأْنَفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذَىٰ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

۲۶۲

آن کسانی که ثروت خود را بخشش آرند در طریق خدا هم ندارند در پی ایثارمتنی بهر مردم و آزار اجرشان هست نزد خالقشان نیست حزن و هراس بر ایشان

قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّنْ صَدَقَةٍ يَتَّبِعُهَا أَذَىٰ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ

۲۶۳  
حزب  
۱۸

سخن خوب و عفو مردم دان بهتر از کار بخشش و احسان که به آزار می‌شود تقدیم و خدا هست بی‌نیاز و حلیم

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَىٰ كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ

۲۶۴

ای کسانی که آورید ایمان از چه باطل کنید هر احسان منت و هم اذیت مردم می‌کند کار بخل و احسان گم همچو آن کس که ثروت خود را کند انفاق در طریق ریا همچو یک تخته سنگ و بر آن خاک‌پس شود با نزول باران پاک پس نهد سنگ سخت را ستوارتتوانند سود برد از کار نکند حق قادر و قاهر رهنمایی به مردم کافر

۲  
بقره  
۲۶۵  
۲۸۶

وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ آتِبَعَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا  
مِّنْ أَنفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ  
أَكْلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلَّ وَاللَّهُ بِمَا  
تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

و کسانی که با رضای خدا و به تثبیت خاطر و به رضا  
میکنند از متاع خود احسان مثلش هست چون یکی بستان  
که به باران شود بسی خرم جای او در زمین عالی هم  
میوهی آن شود دو چندان همگر چه باران بباردش کم کم  
و خداوند قادر بکتابت است بینا به کارهای شما

۲۶۶

أَيُّودٌ أَحَدُكُمْ أَن تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِّن نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ  
تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ  
الْكِبْرُ وَهُوَ ذَرِيَّةٌ ضِعْفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ  
فَأَحْتَرَقَتْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ  
تَتَفَكَّرُونَ

دوست دارد کس از شما آیا؟ که ز انگور و نیز از خرما  
باشد از بهر او یکی بستان زیر اشجارش آبهای روان  
میوهها جمله بر درخت عیان سن پیری و بهر او صبیان  
ناگهان تند باد بر خیزد و آتشی از درون بر انگیزد  
حق برای شما بیان دارد آیهها تا شوید اهل خرد

۲۶۷  
۳۸۹

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْفِقُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا  
أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ ۖ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ  
تُنْفِقُونَ ۚ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَن تُغْمِضُوا فِيهِ ۚ وَاعْلَمُوا أَنَّ  
اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ

ای کسانی که آورید ایمان روزی پاک را کنید احسان  
و آنچه بهر شماست از دل خاک و نبخشید حاصلی ناپاک  
و آنچه را خویش نیز نستانید جز که در آن به غمض درمانید  
و بدانید اینکه رب مجید از جهان است بی نیاز و حمید

۲۶۸

الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ ۗ وَاللَّهُ  
يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا ۗ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

اهرم بر تو فقر مزده دهد نیز او امر می کند بر بد  
و بود لطف و مغفرت ز خدا و خدا واسع است و هم دانا

۲۶۹

يُوتِي الْحِكْمَةَ مَن يَشَاءُ ۚ وَمَن يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ  
خَيْرًا كَثِيرًا ۗ وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ

هر که را خواست داد حکمت خویش و انکه را داد داد خیری  
بیش  
متذکر نشد کسی از آن بجز از تیره‌ی خردمندان

وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِّنْ نَّفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُمْ مِّنْ نَّذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهَا  
وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ

آنچه بخشید مال از احسان یا که دارید نذر بخشش آن  
پس خدا خوب آگه است آن رانیست یاری برای اهل جفا

گر که در بذل خیر کار کنید خوب باشد که آشکار کنید  
ور نهانی دهید بر فقرا خیر آن بهتر است بهر شما  
وان گناهاتان ببوشانندو خدا کارهایتان داند

إِن تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ وَإِن تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا  
الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَيُكَفِّرُ عَنْكُمْ مِّنْ  
سَيِّئَاتِكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

نیست بر تو وظیفه تا کفار بکشانی به راه دین ناچار  
بلکه هر کس که حق تعالی خواست خود هدایت کند طریقه‌ی  
راست  
هر چه از خیر می‌کنید احسان نفع آن کار هست از خودتان  
و ندارید هیچ‌گه احسان جز برای خدای عالمیان  
هر چه خیرات می‌کنید ادا باز گردد تمام سوی شما  
[نکند ظلم خالق عالم و شما هم نمی‌شوید ستم

لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَن يَشَاءُ وَمَا  
تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَأَنْفُسِكُمْ وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ  
اللَّهِ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُؤَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ

بخششی لازم است بر فقرا گر که احصار شد به راه خدا  
تتواند به شغل روی آردیا که راهی به ارض بسپارد  
جاهلش بی نیاز پندارد بسکه توقیر و آبرو دارد  
بر شناساییش عذار گواست نکند چیزی از کسی در خواست  
و آنچه از خیر می‌کنید عطا به یقین حق بود از آن دانا

لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ  
ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ  
تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا وَمَا تُنْفِقُوا  
مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَالِمٌ

و آنچه از مال می‌کنید احسان به شب و روز آشکار و نهان  
اجرشان ثابت است نزد خدانیست حزن و هراس آنان را

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ  
أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

۴  
بقره  
۲۷۵  
/۲۸۶

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي  
يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ  
مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ  
مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ  
وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

آن کسانی که می‌خورند رباچونکه خیزند بعد مرگ از جا  
گیج و گولند و بی اراده و مست‌گویی دیوشان به تن زده  
دست  
این چنین‌اند چونکه در دنیا بیع را گفته‌اند همچو ربا  
لیک از سوی ایزد دانای بیع شد حل و هم حرام ربا  
آنکه پند خدا به او برسید پس ز کار حرام دست کشید  
آنچه بگذشته است هست او را امرا و می‌رود به سوی خدا  
و آنکه برگشت [سوی آن عصیان یار نار است و جاودانه در  
آن

۲۷۶

يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ  
كَفَّارٍ أَثِيمٍ

حق ربا را کند همه نابود و دهد خیر صالحان را سود  
و ندارد خدای حی قدیم مهرورزی به کافران اثم

۲۷۷

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ  
وَأَتَوْا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ  
وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

آن کسانی که آورند ایمان نیز هستند از نکوکاران  
هم نماز خدا بی‌سازندهم زکات خدا بپردازند  
اجرشان ثابت است نزد خدانیست حزن و هراس آنان را

۲۷۸

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن  
كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

ای کسانی که آورید ایمان اهل تقوا شوید با یزدان  
واگذارید مانده‌ها ز رباگر که هستید معتقد به خدا

۲۷۹

فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتُمْ  
فَلََكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ

گر ندارید این کلام قبول جنگ دارید با خدا و رسول  
ور که سازید توبه از دل و جان اصل سرمایه هست از  
خودتان  
نه ستم کار و سختگیر شوید و نه هرگز ستم‌پذیر شوید

۲۸۰

وَإِن كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَن تَصَدَّقُوا خَيْرٌ  
لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

ور بدهکاران بود در عسر مهلتی بایدش که آید یسر  
ور که آن وام را ببخشاید هست بهتر اگر که دانایید

۲۸۱

وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّىٰ كُلُّ نَفْسٍ مَّا  
كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

و بترسید از آن زمان که در آن باز گردید سوی خالقان  
هر کسی کار او بود او رابه کسی هم نمی‌کنند جفا

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدَيْنٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى  
فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُب بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْب  
كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ  
الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا  
فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا  
يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُوا  
شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ  
وَأَمْرَاتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا  
فَتَذَكَّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَىٰ وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا  
وَلَا تَسْمُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلِهِ  
ذَٰلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمٌ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا  
إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجْرَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ  
عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَأَشْهِدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا  
يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِنْ تَفَعَّلُوا فَإِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُمْ  
وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

:۲  
بقره  
۲۸۲  
/۲۸۶  
۴۵ر

ای کسانی که آورید ایمان‌گر که دینی بود به عهده‌تان  
بنویسید و کاتبش بایدراه صدق و سداد پیماید  
بنویسد چو یاد داد خداوانکه مدیون بود کند املا  
نیز بهر خدا کند پرهیزبنویسد دقیق از هر چیز  
گر که مدیون ضعیف یا کاناستیا که او ناتوان در این  
املاست  
کند املا ولی او آنگاهو بگیرد بر آن دو مرد گواه  
گر یکی مرد بیش نیست دو زن هم‌هی می‌کند به آن یک تن  
گر بلغزد یکی ز راه خطرشود آن دیگریش یاد آور  
[باید این شاهدان خطا نکنند]وز شهادت ز حق ابا نکنند  
بنویسند [هر قرار از پیش تا گه سر رسید از کم و بیش  
هم بدانید کاین برای شماعادلانه‌تر است نزد خدا  
وز برای شهادت است بهین‌نیز نزدیکتر به حق و یقین  
نسیه‌ای گر در آن تجارت نیست‌حاجتی هیچ بر کتابت نیست  
و بگیرید دو گواه بر آن‌گر تجارت نداشت قید زمان  
و نباید زیان رسد به گواهی‌ها به کاتب [که هست زان آگاه  
و چنان کار هست فسق و پلیداز گناه خدا پرهیزید  
حق چنین یاد می‌دهد به شماو به هر کار حق بود دانا



وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَانٌ مَّقْبُوضَةٌ فَإِنْ  
أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُؤْتِمِنَ أَمْنَتَهُ وَلْيَتَّقِ  
اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ عِشْمٌ  
قَلْبُهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ

و اگر در سفر شدید شماو نیابید کاتبی آنجا  
پس بگیرید از او گروگانی گر نپرداخت هست تاوانی  
اعتماد ار به یکدیگر داریدپس امانت به اهل آن آرید  
متقی باش از برای خدانیز کتمان مکن شهادت را  
هر که این کرد قلب اوست پلیدو خدا آگه است از آنچه  
کنید

لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ تُبَدُّوا مَا فِي  
أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفَوْهُ يُحَاسِبْكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَعْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ  
وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

آنچه در پهنه‌ی زمین و سماست و همه کائنات از آن  
خداست  
آنچه سازید از ضمیر عیان وانچه دارید از همه پنهان  
همه را می‌رسد حساب خدا [جمله افکار و قول و فعل شما]  
هر که را خواست می‌دهد غفران هر که را خواست می‌دهد  
نیران  
همه در دست اوست جنت و نارو خدا قادر است بر هر کار

ءَامَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ ؕ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ  
ءَامَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ ؕ وَكُتِبَ عَلَيْهِ وَرُسُلِهِ ؕ لَا نُنْفِرُكَ بَيْنَ  
أَحَدٍ مِّن رُّسُلِهِ ؕ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا ؕ غُفْرَانَكَ رَبَّنَا  
وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ

هست بهر رسول حق ایمان ز آنچه بر وی رسید از یزدان  
مؤمنین نیز آورند ایمان به کتاب و ملائک یزدان  
به رسولان بیاورند ایمان و چنین است گفته‌ی آنان  
نیست فرقی به انبیای عظیم ما شنیدیم و پیروی کردیم  
ما و غفران و عفو رب کریم همه سوی تو باز می‌گردیم

لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا  
مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا  
وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا  
رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ ؕ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ  
لَنَا وَارْحَمْنَا ؕ أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ

حق مکلف نکرد خلق جهان بهر کاری مگر به حد توان  
آنچه نیکی کنید سود شماست هم زیان تو آنچه از تو  
خاست  
ای خدا جرم ما مگیر به ماعفو کن این خطا و نسیان را  
ای خدا بر منه تو بار گران بهر ما آنچه‌ان که بر دگران  
بهر پیشینیان ما چندین فرض و تکلیف کرده‌ای سنگین  
ای خدا بر منه تو بار گران جان ما را که نیست طاقت آن  
بگذر از ما و جرم و لغزشها رحمت خویش را بخش به ما  
سرور ما تویی تو ای غفاردار پیروزمان تو بر کفار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الْم

[الف و لام و میم کاغازستیین حق و رسول او راز است

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ

نیست معبود کس به غیر خدازنده و پایدار و پا برجا

نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ  
التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ

به تو از حق کتاب نازل کرده‌م ز پیشینه‌ها گواه آورد  
و فرستاد نامه‌ی تورات نیز انجیل را [به راه نجات

مِن قَبْلِ هُدَى لِلنَّاسِ وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا  
بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ

پیش از آن رهنما به خلق جهان و فرستاد نامه‌ی فرقان  
آنکه آیات حق کند کفران بهر او می‌رسد عذاب گران  
و خدا هست صاحب قدرت و همو هست واجد نعمت

إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ

آنچه باشد به ارض یا به سمانبود ذره‌ای نهان ز خدا

هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ  
الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

هم به زهدان نگاشت شکل شمایه همان صورتی که  
خواست خدا  
نیست معبود کس به غیر خدا آن خدای توانگر و دانا

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ  
الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَبِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ  
فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَبَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا  
يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا  
بِهِ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ

او همان منزلی بود که کتاب‌کرد نازل به تو [در او هر باب  
برخی آیات آن بود یک لاکه بود محور کتاب خدا  
و ان دگر آیه‌های تو در تو] که در آن آیه‌هاست چندین رو  
آن جماعت که کج دل و راینددر پی آیه‌های بس لایند  
فته جویند از کنایه‌ی آن و نداند کنایه جز یزدان  
و فرو رفتگان به دانش و دین‌همه گویند کاورند یقین  
همه اینها بود ز سوی خدادر نیابند غیر اهل دها

رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِن لَّدُنكَ  
رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ

ای خدا قلب ما مکن گردان‌پس از این رهنمایی و ایمان  
رحمت از سوی خود ببخش به ما این تویی رب مرحمت بخشا

رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَّا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ  
الْمِيعَادَ

ای خدا مردم آوری یکجادر زمانی که نیست شک آن را  
این بود وعده‌ی خدای جهان‌خلف پیمان نمی‌کند یزدان

بهر کفار مال و فرزندان می‌بخشد رهایی از یزدان  
 [چون قیامت فرا رسد ناچار] هیمه‌ی آتشند آن کفار

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ  
 مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَئِكَ هُمْ وَقُودُ النَّارِ

آل فرعون و پیشتر ز آنها داشت تکذیب آیه‌های خدا  
 به گناهان گرفتشان یزدان و عذاب خدا بسی است گران

كَذَابِ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا  
 فَآخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ

گو به کفار ای رسول خدازود مغلوب می‌شوید شما  
 به جهنم شوید پس محشور بد بود جایگاه قوم کفور

قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سَتُغْلَبُونَ وَتُحْشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ  
 وَبِئْسَ الْمِهَادُ

بود از بهرتان دو دسته نشان‌چو بهم رو به رو شدند آنان  
 دسته‌ای در نبرد راه خدا و آخرت و آن دگر به راه خطا  
 اهل ایمان به دیده‌ی کفار شد دو چندان به موقع دیدار  
 هر که را خواست می‌کند تأییدبا کمکهای خود خدای مجید  
 این نشان است عبرتی در آن‌بهر بینندگان و دیده‌وران

قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ اللَّتَقَتَا فِئَةٌ تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ  
 اللَّهِ وَأُخْرَىٰ كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلَيْهِمْ رَأَىٰ الْعَيْنُ وَاللَّهُ  
 يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَن يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ

بهر مردم شدست زیب نشان‌مهر بهر زنان و فرزندان  
 نیز قنطارها ز نقره و زرچارپایان و کشتزار و شجر  
 بهره زندگانی دنیا است لیک فرجام نیک نزد خداست

زَيْنَ النَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ  
 وَالْقَنْطَرِ الْمَقْنَطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ  
 الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَمِ وَالْحَرْثِ ذَٰلِكَ مَتَعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا  
 وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ

گو که آیا خبر دهم به شما؟ چیزهایی نکوتر از اینها  
 متقین راست نزد حق بستان‌زیر اشجارش آبهای روان  
 جاودانند این چنین به بهشت‌بهرشان همسران پاک سرشت  
 نیز از بهرشان رضای خداست و خدا هم به بندگان بیناست

قُلْ أُوْنِبْتُكُمْ بِخَيْرٍ مِّنْ ذَٰلِكُمْ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ  
 جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ  
 مُّطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ

الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنَا عَامِنَا فَأَعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَفِنَا  
عَذَابَ النَّارِ

آن کسانی که گفته‌اند از جان‌بهر پروردگار عالمیان  
کای خدا ما که اهل ایمانیم خاطی و خواستار غفرانیم  
از لهیب عذابمان تو برآرو فنا ربنا عذاب النار

۱۷

الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَانِتِينَ وَالْمُنْفِقِينَ  
وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ

یاوران شکیب و صدق مقال قانتان نیز منفقان از مال  
نیز مستغفران به وقت سحر همه خوبان و صالحان یکسر

۱۸

شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ  
قَابِئًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

حق بود شاهد اینکه نیست الاه‌جز خداوند قادر و آگاه  
نیز جمع ملائکند گواه‌همره اهل علم در این راه  
اوست در کار عدل پا برجاهیج معبود نیست غیر خدا  
ذات او مظهر توانایی‌منبع حکمت است و دانایی

۱۹

إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا  
الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ  
يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ

دین جز اسلام نیست نزد خدا اختلافی نبود مردم را  
خلق چون با کتاب شد آگاه از ستم و ز خلاف رفت از راه  
کافران نشانه‌ی حق را در حسابش بود سریع خدا

۲۰

فَإِنْ حَاجَّوكَ فَقُلْ أَسَلَمْتُ وَجْهِي لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِي فَقُلْ  
لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ ءَأَسَلَمْتُمْ فَإِنْ أَسَلَمُوا  
فَقَدْ أَهْتَدُوا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ  
بِالْعِبَادِ

گر جدل داشت با تو کس به سخن‌گو من و هر که تابع است  
به من  
روی‌مان سوی حق بود تسلیم نپرستیم جز خدای رحیم  
بهر اهل کتاب و امی‌هاگو مسلمان شوید بهر خدا  
به هدایت رسند از اسلام‌بر تو تکلیف نیست غیر پیام  
[ور بگردند از طریق هدا] هست بیننده‌ی عباد خدا

۲۱  
۴۴۲

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيَّكَ بِغَيْرِ  
حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ  
فَبِشْرِهِمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

آنکه کفران کند نشان خدا و کشد ناروا رسولان را  
و کشد آمران به عدل رحیم‌مژده ده بهرشان عذاب الیم

۲۲

أُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَلُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا  
لَهُمْ مِنْ نَّاصِرِينَ

کارشان در دو عالم است هدر نیست از بهرشان کسی یاور

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يُدْعَوْنَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِّنْهُمْ وَهُمْ مُّعْرِضُونَ

می‌دیدید تو آن کسانی را که نصیبی از نامه داد خدا کرد سوی کتاب دعوتشان تا دهد بینشان به حق فرمان جمعی از قوم رویگردان شد رویگردان ز حکم و فرمان شد

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَن نَّمَسَّنَا النَّارَ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ وَغَرَّهُمْ فِي دِينِهِمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

گفته‌اند اینکه آتش جانسوز بهر ما نیست غیر یک دو سه روز ساخت مغرور دینشان اینچا چونکه بستند افترا به خدا

فَكَيْفَ إِذَا جَمَعْتَهُمْ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

چونکه گرد آوریمشان به زمان روزگاری که نیست شک در آن مزد گیرد ز کار خود هر کس هیچ ظلمی نمی‌رود بر کس

قُلِ اللَّهُمَّ مَلِكُ الْمَلِكِ تُؤْتِي الْمَلِكَ مَن تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمَلِكَ مِمَّن تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَن تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَن تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

گو خدایا تویی به ملک خداهر که را خواستی دهی آن را هر که را خواستی ستانی زوپادشاهی و عزت و نیرو هر که را خواستی دهی عزت‌هر که را خواستی دهی ذلت خیر آید اگر تو فرمایی‌این تو بر کارها توانایی

تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَن تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ

شب به روز آوری درون [به شفق روز در شب کنی درون [به فلق از تو نابود گشت و باشنده‌زنده از مرده مرده از زنده می‌دهی رزق هر که را خواهی‌بی‌حساب] و از آن تو آگاهی

لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَن يَفْعَلْ ذَٰلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَن تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَنَّةً وَيُحَدِّثْكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ

[گو] نگیرند مؤمنان خدا اولیاء مردمان کافر را هر که این کار کرد از آنان نیست از سوی حق بر او پیمان جز کز آنان تقیه‌ای دارد [راه خیر و صلاح بسپارد] و خدا خواست دورتان ز گناه و بود بازگشت بر الله

قُلْ إِن تَخَفُوا مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تُبْدُوهُ يُعَلِّمَهُ اللَّهُ وَيَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

آنچه در سینه‌ها کنید نهان و آنچه را در عمل کنید عیان همه چیزی خدای می‌داند [هر چه پنهان کنید می‌خواند] و آنچه را نیز در زمین و سماستدر همه کارها توان خداست

يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا  
عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا  
وَيُحَذِرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَعُوفٌ بِالْعِبَادِ

آن زمان هر که از نکو یابدهر چه کردست رو به رو یابد  
بد کنش آرزو کند آنگاه کاش می بود دور خود ز گناه  
دور خواهد خدایتان ز خطامهربان است بر عباد خدا

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ  
لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

گو اگر دوستدار داداریدامر و حکم مرا به جا آرید  
تا خدا دوستدارتان باشدو شما را ببخشد از هر بد  
[تو بیا در ره خدای کریم که خدا هم بود غفور و رحیم

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ  
الْكَافِرِينَ

گو اطاعت کنید از یزدان و ز رسول خدا [و از فرمان  
گر بگردید از ره دادارپس خدا نیست یار با کفار

إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَعِيسَىٰ ابْنَ مَرْيَمَ وَآلَ  
عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ

به یقین بر گزید حی قدیم آدم و نوح و آل ابراهیم  
نیز بگزید از بنی عمران رهبرانی برای خلق جهان

ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

عده ای بهر عده ای فرزندهست یزدان سمیع و دانشمند

إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي  
مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

به خدا گفت همسر عمران نذر کردم برایت ای یزدان  
کودکی را که در شکم دارم بهر تحریر بر تو بسپارم  
بپذیر ای خدا تو این فرزنده که تو هستی سمیع و دانشمند

فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا  
وَضَعْتُ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَىٰ وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي  
أُعِيدُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

چون نهاد آن ولید را در برگفت یا رب ولد بود دختر  
نیست دختر برای من چو پسرگر چه یزدان ز حمل داشت  
خبر  
نام او را نهاده ام مریم این ولد نیز بر تو بسپارم  
او و ذریه اش بدار سلیم از همه فتنه های دیو رجیم

فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا  
زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا  
رِزْقًا قَالَ يَمْرِئُمُ أَنَّىٰ لَكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ  
إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ

پس پذیرفت حق چو خواشش اورویشش داد رویشی نیکو  
زکریا از او کفالت کرد [و خدا هم از او حمایت کرد]  
تا به محراب می شد او وارد بود رزق ولید را واجد  
گفت مریم! بیامد این ز کجا؟ گفت از نزد خالق یکتا  
به یقین هر که را که خواست خداروزی بی حساب هست او  
را

هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ <sup>ط</sup> قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً  
طَيِّبَةً <sup>ط</sup> إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ

زکریا دعا بکرد اینجاکای خدای جهان ببخش مرا  
نسل طیب به من عطا فرمای خدا این تویی سمیع دعا

چون به محراب بر نماز استادپس ملائک به او ندا در داد  
که بشارت دهد خدای تو راراست دارندهی کلام خدا  
اوست یحیی و رهبری خود دارو پیام آوری نکو کردار

فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ  
يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَىٰ مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَسَيِّدًا  
وَحْصُورًا وَنَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ

۳۹

گفت یا رب چسان پسر آرمن که در سال و سن کبر دارم  
هم زن من بود زنی نازاگفت سازد هر آنچه خواست خدا

قَالَ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَقَدْ بَلَغَنِيَ الْكِبَرُ وَامْرَأَتِي  
عَاقِرٌ <sup>ط</sup> قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ

۴۰

گفت بر گو نشانه‌ای گفتاتو نباشی سه روز و شب گویا  
جز که با رمز و بهر این کارت‌یاد کن کردگار غفارت  
هم تو تسبیح گوی بر الله‌به شب و روز شامگاه و پگاه

قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً <sup>ط</sup> قَالَ آيَتُكَ إِلَّا نُكَلِّمَ النَّاسَ  
ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمَزًا <sup>ط</sup> وَادْكُرْ رَبَّكَ كَثِيرًا وَسَبِّحْ بِالْعِشِيِّ  
وَالْإِبْكَرِ

۴۱

و ملائک بگفت با مریم‌ساخت حقت گزیده در عالم  
پاک گرداند و برگزید تو رابر زنان جهان [تویی والا]

وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ  
وَاصْطَفَاكِ عَلَىٰ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ

۴۲

۴۶ر

مریما بهر حق نما تو خضوع‌در نماز آی و در سجود و رکوع

يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَأَسْجُدِي وَأَرْكُعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ

۴۳

بر تو اخبار غیب وحی کنیم‌تو نبودی به نزد جمع مقیم  
می‌فکندند از قلمها بس‌تا به مریم شود کفیل چه کس  
نزد آنان نبودی آنکه نیزکه در این کار داشتند ستیز

ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ  
يُلْقُونَ أَقْلَمَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ  
يَخْتَصِمُونَ

۴۴

چون ملائک بگفت با مریم‌مزدهات داد خالق عالم  
به کلام خدا به نام مسیح آن نبی خدا و پاک و صبیح  
آبرو دار خلق در دو جهان هم مقرب به درگه یزدان

إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ  
أَسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا  
وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ

۴۵

هم به مهد و به کهل اهل بیان بهر مردم هم از نکوکاران

وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ

گفت یا رب چه آورم پسری که نسدست جسم من بشری  
گفت چون امر حق تعالی بودهر چه را خواست می‌کند موجود  
[این چنین است حکم حی احد] چون بگویند که باش پس  
باشد

قَالَتْ رَبِّ أُنَّى يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ قَالَ  
كَذَلِكَ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ  
كُنْ فَيَكُونُ

۴۷

هم بیاموزدش کتاب جلیل هم ز تورات و حکمت و انجیل

وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنجِيلَ

۴۸

آل یعقوب را پیام آورکه نشان آورم من از داور  
آفرینم ز گل به خاطر تان پیکر مرغ و پس دمیم در آن  
می‌شود طائری به اذن خداکوری و پیس را دهیم شفا  
می‌کنم خلق مرده را احیاءو خبر می‌دهم برای شما  
آنچه را می‌خورید [روزانه و آنچه را می‌نهد در خانه  
هست در آن نشانه‌ی یزدان اگر ای قوم آورید ایمان

وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِّن  
رَّبِّكُمْ أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ  
فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ  
وَأُحْيِي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُنَبِّئُكُم بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا  
تَدْخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّكُم إِن كُنْتُمْ  
مُؤْمِنِينَ

۴۹

حکم پیشینیان کنم تصدیق آنچه آورده شد به عهد عتیق  
پاره‌ای را روا کنم به شما آنچه از بهرتان نبود روا  
و فرو آورم برای شما آیه از جانب خدای شما  
اهل تقوا شوید بهر خدا و اطاعت کنید حکم مرا

وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْ مِنَ التَّوْرَةِ وَلِأَحِلَّ لَكُمْ بَعْضَ  
الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ وَجِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَاتَّقُوا  
اللَّهَ وَأَطِيعُوا

۵۰

رب ما و شما به حق که خداست پس پرستش کنید این ره  
راست

إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ

۵۱

چونکه دریافت کفر آنان راگفت یارم که هست سوی خدا  
بهر عیسی حواریان گفتند یار ماییم و بهر دین پابند  
و گواهی دهیم ما به خدا بهر اسلام دین پاک خدا

فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَىٰ مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَىٰ  
اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَأَشْهَدُ  
بِأَنَّا مُسْلِمُونَ

۵۲  
حزب ۲۳



رَبَّنَا ءَامَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ

ای خدا آنچه کرده‌ای نازل باور ماست [باوری کامل پیروانیم بر رسول خدا از گواهان حساب کن ما را

مکر کردند و مکر کرد خدا او بود بهترین ماگرا

۵۴ وَمَكْرُؤًا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَكْرِينَ

إِذْ قَالَ اللَّهُ يٰعِيسَىٰ إِنِّي مُتَوَفِّيكَ وَرَافِعُكَ إِلَيَّ وَمُطَهِّرُكَ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَجَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ۗ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ

چون خداوند گفت با عیسی‌باز گیریم و بر کشیم تو را پاک سازم تو را ز کفر و ز شریروان تو را کنم برتر در قیامت به کافران و بدان‌پس به سوی من است مرجعتان بیتان داوری کنیم پدیدز آنچه در آن نزاع داشته‌اید

۵۵  
۴۷

فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَأَعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِّن نَّاصِرِينَ

آن کسانی که کفر ورزیدند [در جهان آیت مرا دیدند] در دو عالم دهم عذاب گران‌هم کسی نیست یار با آنان

۵۶

وَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ

و کسانی که آورند ایمان‌نیز باشند از نکوکاران اجرشان حق دهد به وجه اتم‌نیست حق دوستدار اهل ستم

۵۷

ذٰلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ وَالذِّكْرِ الْحَكِيمِ

آنچه خواندیم بر تو هست نشان‌نیز ذکری است از حکیم جهان

۵۸

إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ ءَادَمَ ۗ خَلَقَهُ مِن تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ ۖ كُنْ فَيَكُونُ

شد مثال مسیح نزد خدا مثل آدم که خلق کرد او را خواست آدم ز خاک چون فرمود پس به او گفت باش و شد موجود

۵۹

أَلْحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَلَا تَكُن مِّنَ الْمُمْتَرِينَ

سخن حق بود ز سوی خدا شک به کار خدا مباد تو را

۶۰

فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِن بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ۗ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَل لَّعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكٰذِبِينَ

هر که را با تو بود راه جد بعد از این علم و وحی ما انزل گو که دعوت کنیم ما و شما خویش را با زنان و هم ابنا پس کنیم ابتهال و نیز دعا لعنت حق دروغگویان را

۶۱

إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَإِنَّ اللَّهَ  
لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

به یقین این قصص بود بر حق هست از سوی قادر مطلق  
نیست معبود کس به غیر خدا و خدا هست قادر و دانا

۶۳

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِالْمُفْسِدِينَ

رویگردان اگر شوند خدا هست بر کار مفسدین دانا

۶۴

۴۸۸

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ  
أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا  
بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا  
مُسْلِمُونَ

گو که اهل کتاب باز آید به کلامی که بین ماست پدید  
نپرستیم کس به غیر خدا هم نه انباز آوریم او را  
و نداند کسی کسی از مارب و پروردگار غیر خدا  
گر بیچند سر بگو آنگاه که به اسلام ما شوید گواه

۶۵

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تُحَاجُّونَ فِي إِبْرَاهِيمَ وَمَا أُنزِلَتْ  
التَّوْرَةُ وَالْإِنْجِيلَ إِلَّا مِنْ بَعْدِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

بهر اهل کتاب گو به مقال از چه دارید در خلیل جدال  
بود تورات و همچنین انجیل نازل از سوی حق ز بعد خلیل  
[وین دو ذکر خلیل را دارد] پس شما نیستید اهل خرد

۶۶

هَآأَنْتُمْ هَآؤُلَآءِ حَآجَجْتُمْ فِيمَا لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ  
تُحَآجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا  
تَعْلَمُونَ

راهی از احتجاج بسپارید بهر چیزی که علم از آن دارید  
از چه راه جدال می‌خواهید بهر چیزی که آن نه آگاهید  
بر همه چیز آگه است خدا و همه علم نیست بهر شما

۶۷

مَا كَانَ إِبْرَاهِيمُ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا  
مُسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

نه خلیل است بر طریق یهودو نه از فرقه‌ی نصارا بود  
او مسلمان و پاک بود و سلیم نیز مشرک نبود ابراهیم

۶۸

إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ  
وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ

بهترین خلق بهر ابراهیم آنکه در راه او بود تسلیم  
به نبی پیرو است و اهل یقین و خدا شد ولی مؤمن دین

۶۹

وَدَّتْ ظَآئِفُهُ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَضِلُّونَكُمْ وَمَا  
يُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ

هم ز اهل کتاب جمعی چندتا شما را به گمراهی فکنند  
سعی دارند و خود شدند از راه نیستند این گروه خود آگاه

۷۰

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأَنْتُمْ  
تَشْهَدُونَ

از چه اهل کتاب کفارید به نشان خدا و نظارید

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ  
الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ

۳۰  
آل عمران  
۷۱  
/۲۰۰

از چه اهل کتاب پوشانید حق به باطل [گر اهل ایمانید]  
از چه سازید کار حق پنهان‌گر چه آگاه گشته‌اید از آن

وَقَالَتْ طَّائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ ءَامِنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَيَّ  
الَّذِينَ ءَامِنُوا وَجَهَ النَّهَارِ وَكُفِّرُوا ءَاخِرَهُ لَعَلَّهُمْ  
يَرْجِعُونَ

۷۲  
۴۹۱

هم ز اهل کتاب جمعی چند [به رفیقان خود] چنین گفتند  
اول روز آورید ایمان بر همه باور مسلمانان  
شامگاهان شوید کافر آن‌تا برآیند از ره ایمان

وَلَا تُؤْمِنُوا إِلَّا لِمَنْ تَبِعَ دِينَكُمْ قُلْ إِنَّ الْهُدَىٰ هُدَىٰ  
اللَّهِ أَنْ يُؤْتَىٰ أَحَدٌ مِّثْلَ مَا أُوتِيتُمْ أَوْ يُحَاجُّكُمْ عِنْدَ  
رَبِّكُمْ قُلْ إِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ  
وَاسِعٌ عَلِيمٌ

۷۳

و به آنان نیاورید ایمان جز که باشند پیرو رهتان  
گو هدایت بود هدای خدا [و چنین گفته‌اند یاران را]  
که مبادا رسد دگر کس رامثل آنچه رسید بهر شما  
که دلیل آورند بهر شما نزد پروردگارتان ز آنها  
گو که فضل است در توان خدا بدهد هر که را که خواست  
عطا  
و خدا واسع است بر همه جاو به هر نکته‌ای بود دانا

يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

۷۴

هر که را خواست فضل خاص دهد و بزرگ است فضل حی  
احد

وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ  
وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ  
عَلَيْهِ قَائِمًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيَّةِ  
سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ

۷۵  
حزب ۲۴

بعض اهل کتاب باز دهند بدره‌ها گر به نزدشان بنهند  
پاره‌ای را اگر دهی دینار وقت ارجاع می‌کنند انکار  
مگر آنکه که ایستی به سرشز آنکه در دیده است این  
نظرش  
که جز آن قوم هیچ ذیق نیست وین سخن از حکیم مطلق  
نیست  
گر چه این قول را ز حق خوانند این دروغ است و خویش هم  
دانند

بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ

۷۶

هر که دارد وفا به عهد و تفاحق محب است اهل تقوی را

إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا  
أُولَٰئِكَ لَا خَلْقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا  
يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

۷۷

آن کسانی که عهد و هم سوگند به بهایی قلیل بفروشد  
بر ندارند بهره‌ای به جز او نگردند همسخن به خدا  
حق به آنان نمی‌کند نگی‌نکند پاکشان ز هر گنهی  
[پس به دوزخ شوند یار و مقیم بهر آنان بود عذاب الیم

وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُودُونَ أَلْسِنَتَهُم بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ  
مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ  
اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ  
وَهُمْ يَعْلَمُونَ

پاره‌ای از کسان به وقت بیان آنچنان پیچ می‌دهند زبان  
که بداری گمان کتاب خداست و به واقع نه آن کتاب خداست  
و بگویند آن ز نزد خداست و به واقع نه آن ز نزد خداست  
کذب را از خدای می‌خوانند و به واقع خود این سخن دانند

مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ  
ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ  
كُونُوا رَبَّانِيِّينَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ  
تَدْرُسُونَ

نیست هرگز روا به هیچ انسان اگر از حق رسد به او فرمان  
با کتاب و نبوت و دستور او شود سوی مردمان مأمور  
پس بگوید به مردمان که مرا پرستید هم به جای خدا  
بلکه حق است اینکه گویدشان خود الهی شوید در ایمان  
آنچنان کز کتاب آموزید و آنچنان که ز درس اندوزید

وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا  
أَيَأْمُرُكُمْ بِالْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ

و شما را نمی‌رسد فرمان که بگیری فرشته را یزدان  
نیز پیغمبران پاک خدانیست جایز پرستش آنان را  
داد فرمان به کفرتان آیا؟ بعد از آنکه که مسلمید شما

وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ  
وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ  
بِهِ ۗ وَلَتُنصُرُنَّهُ ۗ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ  
إِصْرِي ۗ قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا ۗ وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ  
الشَّاهِدِينَ

ما گرفتیم از انبیا پیمان داده شد چون کتاب و حکمتشان  
و بگفتیم اگر رسید رسول راست دانست آنچه یافت نزول  
آنکه آرید بهر او ایمان یار باشید با وی از دل و جان  
اینک آیا مقرر شدید به آن؟ که به من بسته‌اید آن پیمان  
همه گفتند می‌کنیم اقرار گفت حق بهرشان پس این گفتار  
پس گواهی دهید و این من هم با شما همراه گواهانم

فَمَنْ تَوَلَّىٰ بَعْدَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ

هر که برگشت از آن پس از این کار هست از مردم تبه  
کردار

أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ  
وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ

از چه جویند غیر دین خدا که به تسلیم اوست ارض و سما  
و آنچه در آن به جبری را رغبت همه را هست سوی او رجعت

قُلْ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ  
وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ  
وَعِيسَىٰ وَالنَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ  
وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ

گو که ایمان بود دل ما رابه خدا و آنچه نازل است به ما  
و آنچه نازل شدست بهر خلیل نیز اسحاق نیز اسماعیل  
نیز یعقوب و عترت او راوحی موسی و نامی عیسی  
و آنچه از انبیا ز سوی خداگشت نازل به راه دین و هدا  
نیست فرقی در انبیای عظاما گزیدیم بهر حق اسلام

غیر اسلام هر که کرد قبول هرگز از او نمی‌شود مقبول  
در قیامت [که کارهاست عیان اوست از دسته‌ی زیانکاران

وَمَنْ يَّبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَن يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي  
الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ

۸۵

چون هدایت کند خدای جهان فرقه‌ی کافران پس از ایمان؟  
زان که بودند بر رسول گواکه بود حق [و از سوی الله  
آمد از بهرشان نشانها هم‌نیست هادی خدا به اهل ستم

كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَشَهِدُوا أَنَّ  
الرَّسُولَ حَقٌّ وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ  
الظَّالِمِينَ

۸۶

هست لعنت بر ایشان کیفر از خدا و فرشتگان و بشر

أُولَٰئِكَ جَزَاءُهُمْ أَنَّ عَلَيْهِمْ لَعْنَةَ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ  
أَجْمَعِينَ

۸۷

جاودان در عذاب بی‌کم و کاست و نه وقتی به مهلت ایشان  
راست

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ

۸۸

جز کسانی که توبه ورزیدند پس از آن راه خیر بگزیدند  
[دور گشتند چون ز دیو رجیم پس خدا هست هم غفور و  
رحیم

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ  
رَّحِيمٌ

۸۹

هر که کافر شود پس از ایمان پس فزودست بیش بر کفران  
نیست مقبول توبه‌اش ز گناه‌هست در راه زندگی گمراه

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ ثُمَّ أَزْدَادُوا كُفْرًا لَّنْ  
تُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الضَّالُّونَ

۹۰

هر که کافر شد و به کفران مردنیست مقبول از او اگر چه  
سپرد  
زر روی زمین به کفاره‌هم ز کیفر نباشدش چاره  
بهر او نیست جز عذاب الیم‌یار و یاور نباشدش [به جحیم

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَن يُقْبَلَ مِنْ  
أَحَدِهِمْ مِّلٌّ أَلَّارِضِ ذَهَبًا وَلَوْ أَفْتَدَىٰ بِهِ ۗ أُولَٰئِكَ لَهُمْ  
عَذَابٌ أَلِيمٌ وَمَا لَهُمْ مِّن نَّاصِرِينَ

۹۱

لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ

كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حَلَالًا لِبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَى نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنَزَّلَ التَّوْرَةُ قُلْ فَأْتُوا بِالتَّوْرَةِ فَآتُوهَا إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

فَمَنْ أَفْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

قُلْ صَدَقَ اللَّهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ

فِيهِ ءَايَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ ءَامِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ

قُلْ يَٰٓأَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا تَعْمَلُونَ

قُلْ يَٰٓأَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ ءَامَنَ تَبِعُونَهَا عِوَجًا وَأَنْتُمْ شُهَدَاءُ وَمَا اللَّهُ بِغَفِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ

يَٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَطِيعُوا فَرِيقًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ

بخشش تو قرین اجر نکوستگر ببخشی هر آنچه داری دوست

هر چه انفاق می‌کنید و عطابه یقن حق بود از آن دانا

هر غذایی که بود بود حلال بهر یعقوب و آل در همه حال جز غذایی که گشته بود حرام بهر یعقوب [در همان ایام بیشتر از نزول عهد عتیق این چنین بود حکم اهل طریق گو بیار و بخوان تو عهد عتیق‌گر شمایید در سخن صدیق

هر که زان پس زد از ره بهتان‌کذب بر حق شد از ستمکاران

گو که صدق است قول رب جلیل‌پیروی کن ز کیش پاک خلیل

او نیاورد شرک بهر خدا [و چنین است راه حق و هدا]

اولین بیت بود مردم را آنچه در مکه شد به خلق هدا

بس نشان مبین در اوست مقیم‌بین آنها مقام ابراهیم هر که داخل شود بود ایمن از بلاهای ظاهر و باطن حج بیت است بر بشر ز خداگر توانست کس رود آنجا هر که کافر شد از عذاب نرسد پس خدا بی‌نیاز از خلق است

گو که اهل کتاب از چه شماکفر ورزید با نشان خدا [کار کفرست عیب و زشت و گناه و به اعمالتان خداست گواه

گو که اهل کتاب از چه شما باز دارید از طریق خدا و بخواهید کج کنید آن راه بهر افراد مؤمن و آگاه خود گواهد و نیست آن علام‌غافل از آنچه می‌دهید انجام

ای یقین آورندگان به خداگر اطاعت کنید مردم را که به آنان کتاب شد تبیین‌به ره کفرتان کشند از دین

وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ  
وَفِيكُمْ رَسُولُهُ ۗ وَمَنْ يَعْتَصِم بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَىٰ  
صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

از چه کافر شوید بهر خداخوانده شد آیه‌های حق به شما  
در میان شما رسول آمد [تا که روی آورید سوی احد]  
آنکه خود معتمصم به حبل خداست رهنمایی شود به معبر  
راست

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ ۚ وَلَا تَمُوتُنَّ  
إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ

مؤمنان نیک حق تقوی را از برای خدا کنید ادا  
و زمانی که مرگتان برسیدنا مسلمان از این جهان نروید

وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا ۚ وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ  
اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءَ فَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ  
فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ  
النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِّنْهَا ۚ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ ۚ  
لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

معتمصم شو به رشته‌ی یزدان با همه مردمان با ایمان  
یاد آرید نعمت حق را چونکه با خویش بوده‌اید اعدا  
پس به دلهایتان فکند الفت پس برادر شدید زان نعمت  
بر لب حفره‌ای پر از نیران داد یزدان نجاتتان از آن  
این چنین می‌کند بیان به شماحق نشانهای خود به راه هدا

وَلَتَكُن مِّنكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ  
بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ۚ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

جمعی از مردم شما بایدراه خوبی به خلق بنماید  
وز بدی باز دارد آنان راستگاران آن جماعت‌ها

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِن بَعْدِ مَا  
جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ ۚ وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

و مباشید مثل آن امت‌که پراکنده گشت با غفلت  
بعد از آن بینات بر آنان بهر آنان بود عذاب گران

يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ أُسَوِّدَتْ  
وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا  
كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ

باش آگاه از اینکه روز جزارو سپیدند و رو سیاه جدا  
به سیه رو خطاب آید هان از چه کافر شدی پس از ایمان؟  
بچشید از عذاب دوزخ و نار چونکه کافر شدید بر قهار

وَأَمَّا الَّذِينَ أَبْيَضَتْ وُجُوهُهُمْ فَمِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ ۖ هُمْ فِيهَا  
خَالِدُونَ

مردمان سپید رو اما جاودانند در نعيم خدا

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ ۗ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ  
ظُلْمًا لِّلْعَالَمِينَ

به حق آیات خوانده شد به شما و نخواهد ستم به خلق خدا

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ

۱۱۰  
۵۳۲

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ ءَأْمَنَ أَهْلُ الْأَكْتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ مِمَّنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ

۱۱۱

لَنْ يَضُرُّوكُمْ إِلَّا أَذًى ۖ وَإِنْ يُقْتَلُوا يُوَلَّوْكُمْ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ

۱۱۲

ضَرَبْتَ عَلَيْهِمُ الدِّلَّةَ أَيْنَ مَا تُقِفُوا إِلَّا بِحَبْلِ مِّنَ اللَّهِ وَحَبْلِ مِّنَ النَّاسِ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَضَرَبْتَ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةَ ۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقِّ ۚ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ

۱۱۳  
حزب ۲۶

لَيْسُوا سَوَاءً ۗ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ ءَأَنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ

۱۱۴

يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ ۗ وَأُولَٰئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ

۱۱۵

وَمَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُكْفَرُوهُ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ

از حق است آنچه در زمین و سماست بازگشت امور سوی خداست

بهترین امت ای مسلمانان این شماست بهر خلق جهان که به هر کار نیک امر کنید نهی سازید کار زشت و پلید به خدای جهان یقین دارید [ترس از رب عالمین دارید] گر که این بود حال اهل کتاب بهر این قوم خیر بود و صواب مؤمنانند برخی از ایشان بیشتر فاسقند و نافرمان

جز اذیت نیاورند زیان وز نبردند نیز رو گردان [به شکستی چو می‌شوند دچار] هیچ کس نیست بهر آنان یار

هم به هر نقطه خوار و زار شدند هم به خشم خدا دچار شدند

جز که پیوند با خدا سازندو به خلق خدا بپردازند مهر بیچارگی بر آنان خورد چونکه این قوم راه کفر سپرد کافر آیه‌های حق گشتند انبیا را به ناروا کشتند چون به حق گشته‌اند نافرمان و برفتند در ره عدوان

همه یکسان نیند اهل کتاب دسته‌ای قائمند بهر صواب نیز خوانند آیه‌های خدایمگهان به سجده‌اند و دعا

مؤمنان بر خدا و روز جزا امر خیر و ناهیان ز خطا پیشتازند در ره احسان این گروهند از نکوکاران

جمله اعمال خیر از آنان هیچ‌گه نیست قابل کفران [این چنین دسته در ره تقواست و خدا هم به متقین داناست



إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ  
مِنَ اللَّهِ شَيْئًا ۖ وَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا  
خَالِدُونَ

بهر کفار مال و فرزندان ندهد سود در بر یزدان  
[چون قیامت فرا رسد آنان اهل نارند و جاودانه در آن

مَثَلُ مَا يُنْفِقُونَ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا  
صِرٌّ أَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ فَأَهْلَكَتُهُ ۖ وَمَا  
ظَلَمَهُمُ اللَّهُ ۖ وَلَكِنْ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

مثل خرجشان به دار جهان مثل بادی است سرد و سخت  
وزان  
آن کسانی که داشتند ستم می برد باد کشتشان به عدم  
نکند بر کسی ستم یزدان بلکه دارند ظلم بر خودشان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةَ مِّنْ دُونِكُمْ لَا  
يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ  
أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ  
الْآيَاتِ ۖ إِن كُنتُمْ تَعْقِلُونَ

ای جماعت که آوری ایمان رازداری مگیر جز خودتان  
نکند از فساد کوتاهی رنجه دارندتان ز خودخواهی  
بغضشان در کلام هست عیان و آنچه پنهان کنند بدتر از آن  
ما نشانها نموده ایم عیان اگر اندیشه ای کنید در آن

هَٰئَنتُمْ أَوْلَاءُ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ  
بِالْكِتَابِ كُلِّهِ ۗ وَإِذَا لَقُوكُمْ قَالُوا ءَامَنَّا وَإِذَا خَلَوْا عَضُوا  
عَلَيْكُمْ بِالْأَنَامِلِ ۖ مِنَ الْغَيْظِ ۗ قُلْ مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ ۖ إِنَّ  
اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

هان شما یید دوست آنان را و ان جماعت نیند یار شما  
به تمام کتب کنید یقین و ان جماعات نیستند چنین  
چونکه بیندندان کنند بیان اینکه دارند بهر حق ایمان  
چون به خلوت نهان شوند از چشم سر انگشت می جوند از  
خشم  
گو بمیرید از غضب که رواست حق هم از راز سینه ها  
دانااست

إِن تَمَسَّكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِن تُصِبْكُمْ سَيِّئَةٌ  
يَفْرَحُوا بِهَا ۖ وَإِن تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ  
شَيْئًا ۖ إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ

گر که خیری رسد به سوی شما می شوند از خبر به رنج و عنا  
و به شری کنند شادیها هست بر کارشان محیط خدا  
گر شکیباید و با تقوانزند کیدشان زیان به شما

وَإِذْ غَدَوْتَ مِنْ أَهْلِكَ تُبَوِّئُ الْمُؤْمِنِينَ مَقْعِدًا لِلْقِتَالِ  
وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

بامدادان برون ز خانه شدی جانب رزمگه روانه شدی  
تا نمایی به مؤمنان سنگر هست یزدان سمیع و داشت خبر

إِذْ هَمَّتْ طَّائِفَتَانِ مِنْكُمْ أَنْ تَفْشَلَا وَاللَّهُ وَلِيَهُمَا وَعَلَى  
اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

دو گروه از شما به وقت نبردبهر سستی تمایلی آورد  
و خدا گشت یارشان زان بندمؤمنان کار خود به حق سپرند

۱۲۳

وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ  
تَشْكُرُونَ

کرد یاری خدایتان در بدرگر چه بودید آن زمان بی قدر  
اهل تقوا شوید بهر خداتا که آرید حق شکر به جا

۱۲۴

إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ  
بِثَلَاثَةِ آءَالِفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ

گفته بودی به مؤمنین که خدابس نبود از برایتان آیا؟  
آمدند از فرشتگان سه هزاراز سوی حق برایتان انصار

۱۲۵

بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُمْ مِنْ فَوْرِهِمْ هَذَا  
يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آءَالِفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ  
مُسَوِّمِينَ

هان اگر اهل صبر و تقواییدو گر آماج جنگ اعدایید  
ملک با نشانه پنج هزاررسد از حق برایتان انصار

۱۲۶

وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُمْ بِهِ  
وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

این بشارت بود برای شماو به تحکیم باور دلها  
نیست یاری مگر ز سوی خداآن خدای عزیز و هم دانا

۱۲۷

لَيَقْطَعَنَّ طَرْفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْ يَكْبِتُهُمْ فَيَنْقَلِبُوا  
خَائِبِينَ

بشکند تا گروهی از کفاریا کند ناامید و سازد خوار

۱۲۸

لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ أَوْ يُعَذِّبُهُمْ  
فَإِنَّهُمْ ظَالِمُونَ

بهر تو نیست اختیار و توانجز به امر خدا یگان جهان  
هست عفو و عذاب از آن خداوین گروه است اهل جور و جفا

۱۲۹

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ  
وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

آنچه باشد در این زمین و سماهست از بهر قادر یکتا  
هر که را خواست می‌دهد غفران هر که را خواست می‌دهد  
نیران  
زو بود کیفر و عذاب الیمو خدا هست هم غفور و رحیم

۱۳۰  
۵۵

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً  
وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

ای کسانی که آورید ایمانمخورید از ربای بس چندان  
و به راه تقای حق برویدشاید ای قوم رستگار شوید

۱۳۱

وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ

و بمانید دور از آن نارکه مهیا شدست بر کفار

۱۳۲

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

و اطاعت کن از خدا و رسول تا که رحمت کند سوی تو نزول

وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَوَاتُ  
وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ

بشتابید بهر عفو خداو بهشتی به عرض ارض و سما  
این چنین باغ و آن چنان غفران شد مهیا برای متقیان

آن کسانی که می‌کنند انفاق هم به وقت توان و هم املاق  
و انکه هر خشم خود فرو ببردو انکه از خبط خلق در گذرد  
یارشان هست کردگار جهان هست حق یار بر نکوکاران

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكُظُمِينَ الْعَظِيمِ  
وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ ۗ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

۱۳۴

و کسانی که چون خطا کردندیا که بر نفس خود جفا کردند  
یاد کردند نام پاک خداو از خدا خواستند غفران را  
و چه کس ز اشتباه در گذردجز خدا کز گناه در گذرد  
و ندارند بر گنه اصرارز انکه دانند حاصل آن کار

وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ  
فَأَسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَن يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ  
يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ

۱۳۵

هست پاداش آن نکوکاران مغفرت از خدا و نیز جنان  
زیر اشجارش آبهای روان ماندگارند جاودانه در آن  
و چه خوب است اجر کارکنان که بود کار خیر با ایشان

أُولَٰئِكَ جَزَاؤُهُم مَّغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَجَنَّةٌ تَجْرِي مِن  
تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَنِعْمَ أَجْرُ الْعَمَلِينَ

۱۳۶

بود قبل از تو سرنوشت کسان پس بگردید در زمین نگران  
پس ببینید چیستش فرجام آنکه تکذیب کرد [هر پیغام

قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا  
كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكذِّبِينَ

۱۳۷

این بیانی است بهر خلق جهان رهنمایی و پند متقیان

هَذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ

۱۳۸

و مباشید سست و هم غمگین که شما بید برتر از ره دین

وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ

۱۳۹

بر شما گر جراتی برسیدمثل آن بهر خصم گشت پدید  
ما در این روزها بگردانیم بین مردم [شکست و نصرت و بیم  
و خدا می‌شناسد اهل یقین و گرفت از شما گواه در این  
] گو به آن کس که نیک عالم نیست که خدا دوستدار ظالم  
نیست

إِن يَمَسُّكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلُهُ ۗ وَتِلْكَ  
الْآيَاتُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا  
وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ

۱۴۰

و خدا ناب سازد اهل یقین و کند محو کافر ره دین

وَلِيْمَحِصَ اللّٰهُ الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا وَيَمْحَقَ الْكٰفِرِيْنَ

در گمانی که می‌روی به جان جهد ناکرده این مدار گمان نیست معلوم کیست رزم آورو که در کار صبر داشت ظفر

اَمْ حَسِبْتُمْ اَنْ تَدْخُلُوْا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللّٰهُ الَّذِيْنَ جَاهَدُوْا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصّٰبِرِيْنَ

۱۴۲

آرزوی ممات می‌کردید پیش از آنکه که رو به رو گردید پس بدیدید و بنگرید آن را [که چه اندیشه‌ها که بود خطا]

وَلَقَدْ كُنْتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ اَنْ تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَاَيْتُمُوْهُ وَاَنْتُمْ تَنْظُرُوْنَ

۱۴۳

و محمد بجز رسولی نیست نیز زان پیش بس رسل می‌زیست گر بمیرد و گر شود مقتول بر مگردید از یقین و قبول و برگردند چه زیان به خداحق دهد زود بر شکور جزا

وَمَا مُحَمَّدٌ اِلَّا رَسُوْلٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهٖ الرُّسُلُ اَفَاِيْنَ مَاتَ اَوْ قُتِلَ اَنْقَلَبْتُمْ عَلٰى اَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلٰى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللّٰهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللّٰهُ الشّٰكِرِيْنَ

۱۴۴  
۵۶ر

و نمیرند جز به اذن خدا و نوشته است وقت آن بر جا هر که خواهد ثواب دنیا رامی‌دهیمش از آن در این دنیا و انکه خواهد ثواب روز جزامی‌دهیمش ثواب آن او را و به زودی دهیم اجر شکور [مشو از راه شکر خالق دور]

وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ اَنْ تَمُوْتَ اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ كِتٰبًا مُّوَجَّلًا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهٖ مِنْهَا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْاٰخِرَةِ نُؤْتِهٖ مِنْهَا وَسَنَجْزِي الشّٰكِرِيْنَ

۱۴۵

ای بسا انبیا که در بیکارداشت هم‌ره الهیان بسیار هر چه دیدند در ره یزدان‌ضعف و سستی نبود با ایشان خواری از بهرشان نبود نصیب و خدا دوست دارد اهل شکیب

وَكَايِنٍ مِّنْ نَّبِيٍّ قَتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيْرًا فَمَا وَهَنُوْا لِمَا اَصَابَهُمْ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَمَا ضَعُفُوْا وَمَا اسْتَكٰنُوْا وَاللّٰهُ يُحِبُّ الصّٰبِرِيْنَ

۱۴۶

بود گفتارشان چنین به خدا [آن جماعات اهل صدق و صفا] ای خدا عفو کن گناهان رانیز اسرافها به کرده‌ی ما گام ما را به کار کن ستوارساز پیروزمان تو بر کفار

وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ اِلَّا اَنْ قَالُوْا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوْبَنَا وَاِسْرَافَنَا فِيْ اَمْرِنَا وَثَبَّتْ اَقْدَامَنَا وَاَنْصُرْنَا عَلٰى الْقَوْمِ الْكٰفِرِيْنَ

۱۴۷

دادشان حق ثواب هر دو جهان‌حق بود دوست با نکوکاران

فَعَاثَلَهُمْ اللّٰهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحُسْنَ ثَوَابِ الْاٰخِرَةِ وَاللّٰهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِيْنَ

۱۴۸

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَرُدُّوكُمْ  
عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ

ای کسانی که آورید یقین‌گر اطاعت کنید کافر دین  
باز گردید بر گذشته‌ی خویش‌راه خسران گرفته‌اید به پیش

هست مولایان خدای جهان‌اوست نیکوتر از همه یاران

۱۵۰ بَلِ اللَّهُ مَوْلَاكُمْ ۖ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ

زود باشد که افکنیم هر اس‌در دل آنکه هست حق نشناس  
چونکه شرک آورند بر یزدان و دلیلی نیامدست به آن  
هست آتش بر ایشان ماواید مکانی است جای اهل جفا

سَأَلْتَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ  
مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا ۖ وَمَأْوَهُمُ النَّارُ وَبِئْسَ مَثْوَى  
الظَّالِمِينَ

به یقین راست گفته است خدا وعده‌ی خویش را برای شما  
چونکه کشتیدشان به اذن خداست گشتید بعد از آن به  
غزا

وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ ۖ إِذْ تَحُسُّونَهُم بِإِذْنِهِ ۖ حَتَّىٰ  
إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَزَّعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِمَّنْ بَعْدَ مَا  
أَرْسَلْنَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ مِنْكُمْ مَّن يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَّن  
يُرِيدُ الْآخِرَةَ ۖ ثُمَّ صَرَفَكُم عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ ۖ وَلَقَدْ عَفَا  
عَنْكُمْ ۗ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ

و به امری نزاع می‌کردید گشته عصیان میان جمع پدید  
و نشان داده شد ز سوی خدا آنچه مطلوب بود بهر شما  
پاره‌ای دوستدار بر دنیا عده‌ی خواستار بر عقبا  
باز گرداندتان از آن هیجاو آزمونی نمودتان آنجا  
و خدا زان خطا بیخشدتان لطف دارد خدا به با ایمان

آن زمان که صعود می‌کردید و کسی هم نبودتان در دید  
چون بیامد برایتان غم بس‌پس فرا خواندتان رسول از پس  
تا نباشید از آنچه رفت غمین‌وز مصیبات و رنجهای غمگین  
و خدا آگه است و هم دانان آنچه انجام می‌دهید شما

۱۵۳ إِذْ تُصْعِدُونَ وَلَا تَلَوْنَهَا عَلَىٰ أَحَدٍ ۖ وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِي  
أُخْرَىٰكُمْ فَأَتْبَبِكُمْ غَمًّا بَعِمَ لِكَيْلًا تَحْزَنُوا عَلَىٰ مَا  
فَاتَكُمْ وَلَا مَا أَصَابَكُمْ ۗ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِّنْ بَعْدِ الْغَمِّ أَمَنَةً نُّعَاسًا يَغْشَى طَافِيفَةً مِّنْكُمْ وَطَافِيفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنْفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَل لَّنَا مِنَ الْأَمْرِ مِنْ شَيْءٍ قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ يُخْفُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ مَا لَا يُبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَا قُتِلْنَا هَاهُنَا قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

۳۰  
آل عمران  
۱۵۴  
/۲۰۰

إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ

۱۵۵

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غُزًى لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قُتِلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ يُحِيءُ وَيُمِيتُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

۱۵۶  
۵۸۰

وَلَيْنِ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتْتَمَّ لِمَعْفِرَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٍ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ

۱۵۷

حق بیاورد بعد حزن فرودامنی از بهر تان به شکل غنود پاره ای از شما به امن و قرار پاره ای را نجات جان پندار به خدا نادرست برده گمان چون گمان سخیف جاهلیان چیزی از امر حق مگر از ماست گو که هر امر و حق از آن خداست

در دل خویش می کنند نهان نکنند این نهفته بر تو عیان گر که چیزی ز حق بود ما را از چه گردیدیم کشته در اینجا گو چو بر خلق قتل بنوشتند گر که خود را به خانه ها هشتند خود روان می شوند جانب گور آرماید خدای راز صدور ناب سازد خدا ضمیر شما اوست از راز سینه ها دانا

چونکه دو جمع رو به رو گشتند آن کسان از شما کزو گشتند دیو لغزاندشان به راه ضلال بهر شان شد ز حاصل اعمال و خدا در گذشت از آنان حق بود با شکیب و ذو غفران

اهل ایمان مباش چون کفار که به اخوان چنین نمود اظهار چون برفتند سوی جنگ و سفر گر که بودند این زمان ای در قتل و مردن نبود ایشان را [و مگویند این کلام شما] تا به دل هایشان نهد یزدان حسرت و رنج و سوز را از آن حق بمیراند و کند احیاء و به هر کار تان بود بینا

کشته گردید اگر به راه خدایا بمیرید هر زمان هر جا رحمت و بخشش خدای مجید بهتر است از هر آنچه جمع کنید

وَلَيْنَ مُتَمِّمٍ أَوْ قَاتِلْتُمْ لِإِلَى اللَّهِ تُحْشَرُونَ

گر بمیرید یا شوید قتل‌حشرتان هست سوی رب جلیل

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ  
الْقَلْبِ لَأَنفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ  
وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ  
يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ

۱۵۹

از ره رحمت خدای جهان‌نرم دل گشته‌ای تو بر آنان  
بودی ار از خشونت آکنده‌می‌شدند از برت پراکنده  
عفویشان بخش و نیز استغفارجوی از ایشان مشاورت در کار  
چونکه تصمیم داشتی هر جاپس توکل کن آن زمان به خدا  
دوست دارد خدای بی‌همتامردم صاحب توکل را

إِن يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِن يَخْذَلْكُمْ فَمَنْ  
ذَا الَّذِي يَنْصُرْكُم مِّن بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ  
الْمُؤْمِنُونَ

۱۶۰

گر شما را خدا کند مددی‌نیست پیروز بر شما احدی  
ور خدا بهرتان دهد خواری‌چه کسی با شما کند یاری  
بعد از او کیست یار بهر شما؟ مؤمنان کار بسپرنند او را

وَمَا كَانَ لِنَبِيِّ أَنْ يَعْلَلَّ مَن يَعْلَلُ وَمَنْ يَعْلَلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ  
الْقِيَامَةِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

۱۶۱

نیست جائز خیانتی ز رسول هر که خائن شود بود مسئول  
هر که کار خیانتی دارد در قیامت به همراهی آرد  
گیرد آن هر چه می‌کند هر کس ظلم هرگز نمی‌شود بر کس

أَفَمَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِّنَ اللَّهِ وَمَا أَوْهَتْ  
جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ

۱۶۲

آنکه خواهد رضای حق آیاهست چونانکه خواست خشم خدا؟  
که بود جای او به دار بواربد سر انجامی است او را نار

هُم دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ

۱۶۳

همه را پایه‌ای است نزد خداحق به اعمالشان بود بینا

لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ  
أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ  
الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

۱۶۴

داشت منت به مؤمنان یزدان‌که گزیند رسولی از ایشان  
آیه‌هایش برایشان خواندپاک و پاکیزه‌شان بگرداند  
هم کتاب و حکم دهد تعلیم‌بهر ایشان ز سوی رب حکیم  
گر چه زان قبل بوده‌اند آنان‌گم‌هی آشکاره و به عیان

أَوْلَمَّا أَصَبْتُمْ مُمْسِيَةً قَدْ أَصَبْتُمْ مِثْلَهَا قُلْتُمْ أَلَيْسَ  
هَذَا قُلُّ هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ  
قَدِيرٌ

۱۶۵

گر که آماج محنت و دردیدخود دو چندان به دشمن آوردید  
و بگفتید از کجا بود آن؟ هست آن رنج از بر خودتان  
[و بدانید در زمین و سما] بر همه چیز قادر است خدا

وَمَا أَصَابَكُمْ يَوْمَ التَّقِي الْجَمْعَانِ فَيَاذَنِ اللَّهُ وَلِيَعْلَمَ  
الْمُؤْمِنِينَ

آنچه از رنج بر شما برسید شد چو برخورد دو گروه پدید  
بود با اذن کردگار چنین تا مشخص شوند اهل یقین

۱۶۷

وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ  
اللَّهِ أَوْ ادْفَعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَاتَّبَعْنَاكُمْ هُمْ  
لِلْكَفْرِ يَوْمَئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا  
لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ

و مشخص کند دورویان را هر زمان شد خطاب ایشان را  
که بیابید در طریق خدا بهر پیکار یا دفاع شما  
گفته اند اینکه گر بدانستیم جنگ قطعی است جنگ  
می جستیم  
بود نزدیکتر در آن هنگام بهر آن قوم کفر تا اسلام  
آنچه در گفتگو کنند بیان نیست آن در ضمیر باطنشان  
هست دانانتر از همه یزدان ز آنچه در سینه ها کنند نهان

۱۶۸

الَّذِينَ قَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ وَقَعَدُوا لَوْ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُوا قُلْ  
فَادْرَعُوا عَنْ أَنْفُسِكُمُ الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

[خویش در کنج خانه گشته نهان آن کسان گفته اند با اخوان  
پیروی گر که داشتند از مایه ر آنان نبود قتل و فنا  
گو که از خویش مرگ را رانید اگر از جمع راستگویانید

۱۶۹

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ  
عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَزَقُونَ

هر که شد کشته در طریق خداتو مپندار اهل مرگ و فنا  
بلکه جاوید زنده اند ایشان نزد حق می دهند روزی شان

۱۷۰

فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ  
لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ  
يَحْزَنُونَ

شادمانند از اینکه داده خدا بهر این جمع لطف و فضلش را  
و بشارت دهند بر آن جان که نرفته هنوز در پیشان  
نیست حزن و هراس آنان را [این چنین است بهره ی شهدا]

۱۷۱  
جزب ۲۹

يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ  
أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ

مژده دارند لطف و فضل خدا اجر مؤمن خدا نساخت فنا

۱۷۲  
۵۹ر

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ  
لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ

آن کسانی که داشتند قبول دعوت و حکم از خدا و رسول  
از پس آن جراحی که رسید انبیا بر آن نگشته پدید  
بهر این محسنان و متقیان از چنین جمع هست اجر کلان

۱۷۳

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ  
فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ

چونکه گفتند خلق با آنان دشمن آورده اجتماع گران  
پس بترسید از آن گروه عنود این سخن بر یقینشان افزود  
حق بگفتند بهر ما کافی است و خداوند بهترین حامی است



بازگشتند از آن به لطف خدا هیچ شری نبود ایشان را  
پیروانند بر رضای خدا و خدا راست رحمتی والا

فَأَنْقَلِبُوا بِنِعْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَّمْ يَمَسَّهُمْ سُوءٌ  
وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ

اوست شیطان که می‌کند تهدیدیاور خویش را چرا ترسید؟  
خائف از من به راه دین باشیداگر از جمع مؤمنین باشید

إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ  
وَخَافُونِ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ

کار آنان نسازدت نگران که شتابند در ره کفران  
هرگز آنان به حق زیان نزنندبهرشان حق چنین بکرد پسند  
بهره از آخرت نباشدشان و بر آنان بود عذاب گران

وَلَا يَحْزَنكَ الَّذِينَ يُسْرِعُونَ فِي الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَن يَضُرُّوْا  
اللَّهَ شَيْئًا يُرِيدُ اللَّهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حِزًّا فِي الْآخِرَةِ وَلَهُمْ  
عَذَابٌ عَظِيمٌ

گر گزینند کفر بر ایمانبهر دادار هیچ نیست زیان  
[و زمانی که ما جزا بدهیم بهر آنان بود عذاب الیم

إِنَّ الَّذِينَ أَشْرَكُوا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ لَن يَضُرُّوْا اللَّهَ شَيْئًا  
وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

گو مپندار آنکه کفران کردمهلنش داده‌ایم و سود آورد  
شد گناهش در این میان سنگینبهر آنان بود عذاب مهین

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّ لَهُمْ خَيْرًا لِّأَنفُسِهِمْ  
إِنَّمَا نُمَلِّ لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ

مؤمنین را خدا نکرد رها به همان گونه که شدید شما  
تا که سازد تمیز پاک و پلیدو شما از نهران خبر نشوید  
حق تعالی گزید هر کس خواستاز رسولان [هادی ره راست  
باور آرید سوی رب جلیل و رسولان که داشته‌ست گسیل  
گر که مؤمن شوید و با تقوا هست اجری عظیم بهر شما

مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ  
الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى  
الْغَيْبِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِيٰ مِن رُّسُلِهِ مَن يَشَاءُ فَآمِنُوا  
بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَإِن تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ

آن کسانی که گشته‌اند بخیل آنچه را لطف کرد رب جلیل  
به گمانی که خیر آنان استلیک شر از برای ایشان است  
آنچه از بذل آن بپرهیزنددر قیامت به گردن آویزند  
حق که میراث دار ارض و سماست آنچه را می‌کنید او  
دانااست

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ  
هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ  
يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا  
تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ  
أَغْنِيَاءُ سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَقَتْلَهُمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقِّ  
وَنَقُولُ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ

قولشان بشنود خدا به یقین آن کسانی که گفته‌اند چنین  
که بود حق فقیر و ما دارا می‌نویسیم قول آنان را  
بس نبی کشته‌اند ناهنجار پس بگویم چشید کیفر نار

ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ

بهر خود پیش از این فرستادید و ندارد خدا ستم به عبید

الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَمَدٌ إِلَيْنَا أَلَّا نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّى  
يَأْتِيَنَا بِقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ  
قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالَّذِي قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِنْ كُنْتُمْ  
صَادِقِينَ

گفته‌اند اینکه حق به ما پیمان‌بست کنگاه آوریم ایمان  
که بیاید برای ما قربان و شود طعمه‌ای به آتش آن  
گو که آمد رسولها زین پیش‌همه با آیه‌های روشن خویش  
از چه کشتیدشان [و خود دانید] اگر از جمع راست‌گویانید

فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ رَسُولٌ مِّنْ قَبْلِكَ جَاءُوا بِالْبَيِّنَاتِ  
وَالزُّبُرِ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ

گر کنند این زمان ترا انکار کرده بر امر انبیا انکار  
با رسولان پیش بود نشان‌کتاب و نامه‌های نور افشان

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أَجُورَكُمْ يَوْمَ  
الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ  
وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْعُرُورِ

همه کس مرگ را چشد ناچار اجر گیرید هم به روز شمار  
هر که شد دور از آتش عقبا شد درون بهشت و گشت رها  
[بهره‌ی این جهان نداشت سرور] نیست دنیا مگر متاع غرور

لَتَبْلَوُنَّ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعُنَّ مِنَ الَّذِينَ  
أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذَى  
كَثِيرًا وَإِنْ تَصَبَرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ

می‌کند آزموتان یزدان‌گه به اموالتان و گه با جان  
وز سخن مشرکین و اهل کتاب به شما می‌دهند رنج و عذاب  
ور که پرهیز و صبر پیشه کنید این مهم را سزاست عزم  
شدید

وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَأَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَبُئِسَ مَا يَشْتَرُونَ

حق گرفت اهل نامه را پیمان که به مردم ز حق کنند بیان و نسازند نکته‌ها پنهان پس فکندند پشت سر پیمان می‌فروشد آن به قیمت کم و چه بد باشد این معامله هم

لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا أَتَوْا وَيُحِبُّونَ أَنْ يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسَبَنَّهُمْ بِمَفَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

هر که باشد به کار خود مسرور دوستدار سپاس بهر قصور تو میندارش از عذاب سلیم بهر آنان بود عذاب الیم

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

ملک ارض و سما از آن خداست حق توانا به جمله‌ی اشیاست

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ

به یقین خلقت سپهر و زمین آمد و رفت روز و شب چندین در همه حکمت است و رمز و نشان بهر یاران عقل و دیده‌وران

الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطْلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

آنکه او راست ذکری از داوردر قیام و قعود و خفته به بر و بیندیشد از زمین و سماکه نبودست خلقتش بیجا گوید ای حق منزهی و غفور از عذاب جحیم مان کن دور

رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ

هر که را افکنی به آتش‌ها به یقین خوار کرده‌ای او را [و زمانی که می‌رسد کیفر] نیست از بهر ظالمین یاور

رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ ءَامِنُوا بِرَبِّكُمْ فَءَامَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ

ای خدا ما شنیده‌ایم ندا آن ندای یقین و ایمان را اینکه مؤمن شوید بهر خدا اهل ایمان شدیم اینک ما ای خدا از گناه ما بگذرزان همه سیئات پرده مدر [چونکه ما می‌رویم از دنیا] همچو نیکان ممت ده ما را

رَبَّنَا وَعَايِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ

ای خدا [کز وجود تست عطا] وعده‌های رسل ببخش به ما هم مکن خوارمان به روز جزان نیست در وعدهات خلاف و ابا

۳  
آل عمران  
۱۹۵  
/۲۰۰

فَأَسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَمَلٍ مِّنْكُمْ  
مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنثَىٰ بَعْضُكُم مِّنْ بَعْضٍ ۖ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا  
وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُودُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا  
لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ  
تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ ۖ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ  
الْثَوَابِ

پس پذیرفتشان و گفت خدامن نسازم تباه کاری را  
هر که کاری کند ز زن یا مرد او بود همچو دیگری یک فرد  
هاجران نیز مخرجان ز دیاررنجگان در ره حق و پیکار  
نیز آن کشتگان [راه خدا] پرده پوشم گناه آنان را  
میدهم من مکانشان به جنان زیر اشجارش آبهای روان  
این ثواب است هم ز نزد خداچونکه نزد خداست حسن جزا

نفریبید تو را چنان آرزو آمد و رفت کافران به بلاد

لَا يَغُرَّتْكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبَلَدِ

۱۹۶

این متاعی کم است و در نیران جایگاهی بد است بر آنان

مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ ۖ وَبِئْسَ الْمِهَادُ

۱۹۷

لَكِنِ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا  
الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نُزُلًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ ۖ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ  
خَيْرٌ لِّلْأَبْرَارِ

قوم پرهیزکار بهر خدا باغها از خداست آنان را  
رزق دارند جاودانه در آن زیر اشجارش آبهای روان  
آنچه باشد به نزد خالقشان هست خیر و ثواب بر نیکان

۱۹۸

هم ز اهل کتاب جمعی چند بهر وحی خدا یقین دارند  
آنچه نازل به اهل قرآن شدو آنچه نازل به سوی آنان شد  
بهر حق در تواضعند و خشوع همه اهل عبادتند و رکوع  
نفروشند آیه‌های خدا بهایی قلیل در دنیا  
اجر آنان به نزد رحمان استدر حسابش خدا شتابان است

وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ  
وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ خَشَعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتَرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا  
قَلِيلًا ۖ أُولَٰئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۖ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ  
الْحِسَابِ

۱۹۹

ای کسانی که آورید یقین صبر و تثبیت را شوید قرین  
اهل تقوا و مرزدار شوید شاید ای قوم رستگار شوید

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا  
اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

۲۰۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَأْتِيهَا النَّاسُ آتَقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ  
وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً  
وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ  
عَلَيْكُمْ رَقِيبًا

۱  
حزب  
۳۱  
۶۲ر

ایها الناس متقی باشید که شما را خدای ساخت پدید  
از یکی نفس و جفت او از آن زن پراکند بس رجال و زنان  
و بترسید از خدا که ز هم می‌خواهد نام او به قسم  
نیز پروا کنید بر خویشان به یقین حق بود مراقبتان

وَأْتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ وَلَا  
تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا

۲

مال ایتام را درست دهید و مکن پاک را بدل به پلید  
مخور آن مال هم ز خویش بدان به یقین هست آن گناه  
گران

وَأِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ  
لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبْعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا  
تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا  
تَعُولُوا

۳

گر بترسید از ستم به یتیم زن ستانید خوب و پاک و سلیم  
دو و سه یا چهار بستان زن ور ز بیداد خائفی یک تن  
یا کنیزی که مالکی او رابه بود تا نیاورید جفا

وَأْتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ  
مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَّرِيئًا

۴

بدهید آنچه هست مهر زنان مگر آن را که خود ببخشدتان  
گر که زن خود ببخشدت آن مال آن گواراست بر شما و حلال

وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَمًا  
وَأَرْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا

۵

به سفیهان مده تو از اموال که خدا دادتان قوام به مال  
رزق و جامه ببخششان و بگوبهرشان گفته‌ی خوش و نیکو

وَابْتَلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ  
رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا  
أَنْ يَكْبَرُوا وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا  
فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهَدُوا  
عَلَيْهِمْ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا

۶

آزمون کن یتیم را به توان تا شود بالغ آن یتیم جوان  
چونکه دیدید رشد در حالش پس بپرداز سوی او مالش  
مکن اسراف مال او به شتابتا شود او بزرگ [از هر باب  
] هست در مال حق زحمت نیز [گر غنی بود از آن کند پرهیز  
گر فقیر است بر خورد از آن خوب و شایسته تا به حد توان  
چون که پرداختید آن اموال پس گواهی بگیر در آن حال  
] همه جا با حساب باید زیست و خدا بر حسابها کافی است

لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ  
نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ  
نَصِيبًا مَّفْرُوضًا

وَإِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينُ  
فَارزُقُوهُمْ مِنْهُ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَّعْرُوفًا

وَلِيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكُوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعْفًا خَافُوا  
عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا

إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي  
بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلُونَ سَعِيرًا

يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ فَإِن  
كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِن كَانَتْ  
وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ  
مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَوَلَدٌ فَإِن لَّمْ يَكُنْ لَهُ وَوَلَدٌ وَوَرِثَةٌ  
أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ فَإِن كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ مِنْ  
بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ لِأَبَائِكُمْ وَأَبْنَاؤِكُمْ لَا  
تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفَعًا فَرِيضَةٌ مِّنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ  
كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا

آنچه را باب و مام و خویشاوندان پس مرگ خود به جای نهند  
از کم و بیش هست زان اموال سهم مفروضی از نساء و  
رجال

گر ز خویشان به موقع تقسیم بود مسکین و مستمند و یتیم  
زان همه رزقشان ببخش و بگوسخی بهرشان خوش و نیکو

گر کسانی ضعیفی از فرزندان پس مرگ خود به جای نهند  
و بسوزند دل به فرزندان اهل تقوا شوند با یزدان  
[و نگردند دور از ره داد] و بگویند گفته‌ای به سداد

آن کسی کز طریق جور و جفامی خورد مالی از یتیمان را  
در دل خویش بر نهد آتش زود افتد به شعله‌ای سرکش

هست فرمان حق برای بشر به پسر دو برابر از دختر  
ور که بیش از دو تن بود ز اناشیر آنان دو سوم میراث  
ور یکی بود بهره‌اش نیم است والدین ار به وقت تقسیم  
است  
یک ششم بهر مادر و پدر است گر که از مرده دختر و پسر  
است  
ور که او را ولد نبود از مال ثلث از مادر است در آن حال  
ور که باشد کسی برادر او یک ششم هست زان مادر او  
هست بعد از وصیت این تقسیم نیز دینی [که می‌شود  
تسلیم  
زین همه والدین و دخت و پسر بهرتان بیش کیست سود  
آور؟  
بهرتان شد معین این ز خدا و خدا هست آگه و دانا

وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ  
فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمْ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّتِ  
يُوصِيَنَّ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَلَهُنَّ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ  
لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمْنُ مِمَّا تَرَكَتُمْ مِنْ  
بَعْدِ وَصِيَّتِ تَوْصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ  
كَلَّةً أَوْ امْرَأَةً وَوَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا  
الْسُدُسُ فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ  
مِنْ بَعْدِ وَصِيَّتِ يُوصَىٰ بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرَ مُضَارٍّ وَصِيَّةً مِّنَ  
اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ

:۴  
نساء،  
۱۲  
/۱۷۶  
حزب  
۳۲

تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ  
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

۱۳

وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا  
خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُّهِينٌ

۱۴

گر زنی مرد و خود نداشت ولد نصف میراث او به زوج رسد  
ور که بود از برای او فرزند ربع میراث او به زوج دهند  
هست بعد از وصیت این تقسیم نیز دینی [که می‌شود  
تسلیم

مرد اگر مرد و خود نداشت ولد ربع میراث او به زوجه رسد  
ور که بود از برای او فرزند ثمن میراث او به زوجه دهند  
هست بعد از وصیت این تقسیم نیز دینی [که می‌شود  
تسلیم

گر که دارد برادر و خواهر سهم او سدس [همچو یکدیگر]  
گر که بیش از یکی شود اخوان بخش سازند ثلث بر آنان  
هست بعد از وصیت این هنجار نیز دینی که هست غیر مضار  
این سفارش بود ز سوی خدا و است هم بردبار و هم دانا

آن حدود خداست گشته نزول هر که باشد مطیع حق و  
رسول  
در قیامت درون شود به جنان زیر اشجارش آبهای روان  
و در آنجاست جاودانه مقیم و ان بود بهر خلق فوز عظیم

هر که عصیان کند به حق و رسول و حدود خدا نکرد قبول  
جاودانه در آورند به نار و عذابی که سازد او را خوار

وَالَّتِي يَأْتِيَنَّ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ  
أَرْبَعَةً مِّنْكُمْ ۖ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّىٰ  
يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا

گر زنی رفت در طریق گناه پس بجویند از او چهار گواه  
گر گواهی دهند امر پلید پس به کاشانه اش نگهدارید  
تا که مرگش فرا رسد ناگه‌ها گذارد خدا برایش راه

گر که مرد و زنی کنند زنا پس اذیت کنید آنان را  
گر که تائب شدند از کردار نیز مصلح شدند و نیکوکار  
پس ببخشیدشان که حی قدیر مهربان است و نیز توبه پذیر

وَالَّذَانِ يَأْتِيَنَّهَا مِنْكُمْ فَاعْذُوهُمَا فَإِنْ تَابَا وَأَصْلَحَا  
فَاعْرِضُوا عَنْهُمَا ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَّحِيمًا

توبه زانان بود که نادانندوز جهالت گناهکارانند  
زود تائب شوند سوی قدیر و خدا نیز هست توبه‌پذیر  
[بندگان نادمند و اوست حلیم و خدا عالم است و نیز حکیم]

إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهْلَةٍ ثُمَّ  
يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَٰئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ  
عَلِيمًا حَكِيمًا

هرگز از توبه بهره‌ای نبرندگر که راه گناه می‌سپزند  
تا رسد مرگ بر یکی زیشان گوید او توبه می‌کنم الآن  
[هم نه آنان که راه کج دارند] از جهان می‌روند و کفارند  
آن کسان را تهیه گشت جحیم‌بهر آنان بود عذاب الیم

وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّىٰ إِذَا حَضَرَ  
أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ إِلَيْنَ وَلَا الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَهُمْ  
كُفَّارٌ ۚ أُولَٰئِكَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

ای کسانی که آورید ایمان نیست تحمیلتان روا به زنان  
که ز آنان برید ارث به قهر یا ستانید آنچه بوده ز مهر  
جز که ظاهر شوند در فحشا خوب صحبت کنید آنان را  
گر خوشایند نیستت دیگر [زندگی در کنار آن همسر]  
چه بسا چیز ناخوشایند است و در آن خیر از خداوند است

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرهًا  
وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا ءَاتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ  
بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ ۚ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ ۚ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ  
فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا



وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَسْتَبْدَالَ زَوْجَ مَكَانَ زَوْجٍ وَعَأْتَيْتُمْ إِحْدَهُنَّ  
فِنظَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بِهْتِنَا وَإِنَّمَا  
مُبِينًا

گر که خواهید همسری دیگری را دهید بدره زر  
پس مگیرید هیچ از آن کابین و نزن تهمت و گناه مبین

وَكَيفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَ  
مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا

از چه گیرید [و چون کنید ستم که به افضا رسیده‌اید از  
هم  
و گرفتند از شما پیمان و چه میثاق محکمی است همان

وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ  
سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا

مستانید همسر پدران جز که چیزی گذشته باشد آن  
هست این کار زشت و هم منفورید طریقی است [و ز  
هدایت دور]

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ  
وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ  
وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُم مِّنَ الرَّضَاعَةِ  
وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَّاتِبِكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِّن  
نِّسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُم بِهِنَّ فَإِن لَّمْ تَكُونُوا دَخَلْتُم بِهِنَّ  
فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ  
أَصْلَابِكُمْ وَأَن تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ  
اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا

به شما شد حرام مادران دختران شما و خواهرتان  
عمه‌های شما و خاله دگردختران برادر و خواهر  
مادران رضاعی و خواهرمادران زانتان دیگر  
هم ریببات در حجور شما از زمانی که کرده‌اید افضا  
ور نکردید نیست هیچ جناح که در آریدشان به عقد نکاح  
و انکه باشد حلال بر اباوین چنین جمع بین خواهرها  
جز که بگذشته در زمان قدیم که خدا هست هم غفور و  
رحیم

وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ  
اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأُحِلَّ لَكُمْ مَّا وَرَاءَ ذَٰلِكُمْ أَن تَبْتَغُوا  
بِأَمْوَالِكُمْ مُّحْصِنِينَ غَيْرَ مُسْفِحِينَ ۚ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ  
مِنْهُنَّ فَعَاتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا  
تَرَاضَيْتُمْ بِهِ ۚ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا  
حَكِيمًا

وَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَن يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ  
الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِّن فَتْيَتِكُمْ  
الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِأَيْمَانِكُمْ بَعْضُكُمْ مِّن بَعْضٍ  
فَأَنكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَعَاتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ  
مُحْصَنَاتٍ غَيْرِ مُسْفِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ فَإِذَا  
أُحْصِنَ فَإِنَّ أَتَيْنَ بِفَحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى  
الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ۚ ذَٰلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ  
وَأَن تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَّكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

يُرِيدُ اللَّهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ  
قَبْلِكُمْ وَيَتُوبَ عَلَيْكُمْ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

همچنین از زنان شوهردار جز کنیزان [عرضه‌ی پیکار]  
این نوشته است از برای شما جز آن هر چه هست روا  
که به اموال خود به عقد آریدپاکدامن شوید و غیر پلید  
و انکه را متعه کرده‌ای ز نسایس بپرداز مهر آنان را  
بر شما نیست از گناهی بهرگر توافق کنید بعد از مهر  
[این چنین حکم داده شد تعلیم و خدا هست هم علیم و  
حکیم

هر که را از شما که نیست توان به نکاح زنان با ایمان  
پس کنیزی قرین دین و صلاح برگزینید بهر عقد نکاح  
بیش داند خدا از ایمانهاجز یکدیگرند انسانها  
اذن مالک بگیر بهر نکاح اجر آنان بده به خیر و صلاح  
تا که باشید پاک و رو گردان از گناه زنا و یار نمان  
کیفر اوست گر که کرد فسادنیمی از کیفر زن آزاد  
این بود بهر آنکه می‌ترسد رنجه گردد [ز هر طریقه بد]  
وز شکیبایی است خیر شماهل غفران و رحمت است خدا

خواست حق تا بیان کند به شما شیوه‌ی مردمان پیشین را  
اوست توبه‌پذیر و راهنما و خدا هست عالم و دانا

و خدا خواهدت بخشاید به شما راه توبه بگشاید  
پیرو شهوت از شما خواهدکه ز ره کج شوید خیلی بد

وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ  
الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا

يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا

خواست یزدان برایتان تخفیف و بشر خلق گشته است  
ضعیف

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم  
بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا  
تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا

ای کسانی که راه دین سپردناروا مال یکدیگر مخورید  
جز که باشد تجارتنی به رضو نباید کسی کشد خود را  
و نباید کشید یکدیگر و خدا بر شماست بخششگر

وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصَلِّيهِ نَارًا وَكَانَ  
ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا

هر که این ظلم کرد و این عدوان زود داخل کنیم در نیران  
و ان بود بهر حق بسی آسان دور باشید از ره عدوان

إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ  
سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا

از کبایر که نهی از آن شده ایدگر که دوری کنید بی‌تردید  
پرده پوشیم بهرتان به ذنوب و در آریمتان به جایی خوب

وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ  
نَصِيبٌ مِّمَّا أَكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا أَكْتَسَبْنَ  
وَسَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا

و نخواهید برتری که خدا امتیازی دهد به بعض شما  
آنچه مردان کنند از آنان است و آنچه نسوان کنند از ایشان  
است  
و بخواهید لطف و فضل خدا و خدا عالم است بر اشیاء

وَلِكُلِّ جَعَلْنَا مَوَالِي مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَالَّذِينَ  
عَقَدْتَ أَيْمَانَكُمْ فَأَتَوْهُمْ نَصِيبُهُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ  
شَيْءٍ شَهِيدًا

آنچه را والدین و خویشاوندان پس مرگ خود به جای نهند  
وارثانی خدا نهاده بر آن و کسی را که بسته شد پیمان  
سهمشان را دهید بی کم و کاست به یقین حق بر آنچه هست  
گواست

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَنِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَالَّتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَأَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَأَضْرِبُوهُنَّ <sup>ط</sup> فَإِنِ اطَّعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا <sup>ط</sup> إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا

۴  
نساء  
۳۴  
۱۷۶  
۶۷ ر

مردها سرپرست نسوانند [صاحب برتری بر آنانند] که خدای جهان به بعض بشر می‌دهد برتری ز بعض دیگر هم از آن رو که می‌دهند رجال به زنان بخشهایی از اموال زن نیکو فروتن است به شوهم نگهدار حق غیبت او و زمانی که سرکشی دارند بهر آنان سخن ز پند آرند پس کنند از منامشان دوری و زند آن زنان به دستوری گر اطاعت کنندشان زان پس راه تنبیهشان نجوید کس هیچ‌گه بر زنان بهانه مگیر و خدا هست هم علی و کبیر

وَإِنِ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِن يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا <sup>ط</sup> إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا

۳۵

نگرانید اگر ز امر شقاق که فتد بین زوج و زوجه طلاق ز اهل زن داوری کنید گزین نیز از زوج او شود تعیین گر که خواهند بینشان اصلاح حقشان می‌کند کمک به نجات گر به راه خدا بود تدبیر به یقین حق بود علیم و خبیر

وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ <sup>ط</sup> إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا

۳۶  
حزب  
۳۴

بپرستید ایزد یکتا و شریکی نیاورید او را نیز با والدین کن احسان هم قریب و یتیم و درویشان پس به همسایه خویش و بیگانه‌همنشینان و دور از خانه و انکه او ملک از برای شماسست اولین گام خیر ایشان راست نیست لایق به مهر بی انبازهر که خود بین شدست و صاحب ناز

الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ <sup>ط</sup> وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا

۳۷

آن کسانی که خود شدند بخیل و به خلقند سوی بخل دلیل و آنچه را حق ز فضل بر آنان داد سازند آن عطا کتمان شد عذابی تهیه بر کفار که کند این ستمگران را خوار

وَالَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا  
بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا

و کسانی که می‌کنند انفاق مالشان از ره ریا و نفاق  
نیست ایمان برایشان به خداهم نه ایمانشان به روز جزا  
و انکه شیطان برای اوست رفیق بد رفیقی است بهر او [به  
طریق

وَمَاذَا عَلَيْهِمْ لَوْ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَنْفَقُوا مِمَّا  
رَزَقَهُمُ اللَّهُ وَكَانَ اللَّهُ بِهِمْ عَلِيمًا

و چه باشد اگر که [بی ترسند] مؤمن حق و آخرت باشند  
بخش دارند روزی خود را و خدا هست بهرشان دانا

إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَإِنْ تَكَ حَسَنَةً يُّضَعِفْهَا  
وَيُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا

به یقین حق به کس ستم نکند و ان به مقدار ذره هم نکند  
دو برابر کند ثواب کسان دهد از نزد خویش اجر کلان

فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَىٰ  
هَؤُلَاءِ شَهِيدًا

چون رسد روز آخرت آنگاه بهر هر امت آوریم گواه  
و تو را از میان خلق جهان ما گواه آوریم بر اینان

يَوْمَئِذٍ يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصُوا الرَّسُولَ لَوْ تُسَوَّىٰ بِهِمُ  
الْأَرْضُ وَلَا يَكْتُمُونَ اللَّهَ حَدِيثًا

آن زمان آنکه می‌کند کفران و رسول خدای را عصیان  
گوید ای کاش خاک بودم من و نسازد ز حق نهفته سخن

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَرَىٰ حَتَّىٰ  
تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّىٰ  
تَغْتَسِلُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ  
مِّنْكُمْ مِنَ الْغَايِبِ أَوْ لَمَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً  
فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ  
اللَّهَ كَانَ عَفْوًا غَفُورًا

ای کسی کاوری به حق ایمان دور باش از نماز در سکران  
تا بدانی که خود چه می‌گویی نه جنب باش جز که ره پویی  
الغرض رو مکن به سوی نماز تا کنی غسل [در زمان نیاز]  
گر که بودی مریض یا که به راه یا پلیدی رسد ز غایب و باه  
و نبود آب بهر غسل و وضو پس تیمم بکن به خاک نکو  
مسح کن روی خویش و پس دستان حق بود خود عفو و ذو  
غفران

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يَشْتَرُونَ  
الضَّلَالََةَ وَيُرِيدُونَ أَنْ تَضِلُّوا السَّبِيلَ

تو ندیدی مگر کسانی را که بود سهمشان کتاب خدا  
گمراهی می‌خرند و گمراهند گمراهی بهر خلق هم خواهند

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِأَعْدَائِكُمْ وَكَفَى بِاللَّهِ وَلِيًّا وَكَفَى بِاللَّهِ نَصِيرًا

و خدا اعلم است و داناتر به ره دشمنانتان یکسر  
و خدا بس بود ولایت راو خدا کافی است نصرت را

مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ  
سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأَسْمَعُ غَيْرَ مُسْمِعٍ وَرَاعِنَا لَيًّا بِالسِّنْتِهِمْ  
وَطَعْنَا فِي الدِّينِ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأَسْمَعُ  
وَأَنْظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَأَقْوَمَ وَلَكِن لَّعَنَهُمُ اللَّهُ  
بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا

۴۶

از یهودان کسی بود که کلام منحرف سازد از محل و مقام  
گوید او که «شنید و عصیان کرد» و «شنو کر شوی» پی آن  
کرد  
«راعنا» گفت و پیچ داد زبان طعنه زن شد به دین و بر ایمان  
گر که می‌گفت ما شنیدیم آن و اطاعت کنیم از آن فرمان  
«بشنو» گفته بود و «انظرنا» که خدایا نگاه کن ما را  
راست‌تر بود و بهتر آنان را کرد نفرینشان به کفر خدا  
به ره حق نیاورند ایمان کافران جز قلیلی از آنان

يَتَّيُّهَا الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ ءَامِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِّمَا  
مَعَكُمْ مِّن قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرَدَّهَا عَلَيَّ أَدْبَارَهَا أَوْ  
نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعْنَا أَصْحَابَ السَّبْتِ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا

۴۷

ای کسانی که داده شد به شما [آیه روشن و] کتاب خدا  
آنچه تنزیل شد یقین آرید اوست تصدیق آنچه را دارید  
پیش از آنکه رخان کنیم تباه افکنیمش به پشت سر آنگاه  
یا که نفرین کنیمشان که چنین بهر اصحاب سبت شد نفرین  
[هیچ شکی به کار یزدان نیست حکم و امر خدا یقین شدنی  
است

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ  
يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدِ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا

۴۸

نیست از بهر شرک حق غفران و بیامزد آنچه خواست جز آن  
هر که آورد شرک بهر علیم مرتکب می‌شود گناه عظیم

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُزَكُّونَ أَنفُسَهُمْ بَلِ اللَّهُ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ  
وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا

۴۹

دیدی آنان که خودستا بودند [هیچ راهی به حق نپیمودند]  
و خدا هر که را که خواست ستودو به او اندکی ز ظلم نبود

أَنْظُرْ كَيْفَ يَقْتُرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَكَفَىٰ بِهِ إِثْمًا مُّبِينًا

۵۰

بین که تهمت ز کذب زد به خدا این گناه مبین بس است او  
را

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أَوْتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ  
بِالْحَبِيبِ وَالطَّلُوعِ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَىٰ  
مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا سَبِيلًا

۵۱  
۶۹

تو ندیدی مگر کسانی را که بود سهمشان کتاب خدا  
بت و طاغوت را کنند گزین بهر کفار گفته‌اند چنین  
از کسانی که آورند ایمان در هدایت نکوترند اینان

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَمَنْ يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ  
نَصِيرًا

آن کسان را خدا کند نفرین‌نیست یاور بر آنکه هست چنین

أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِنَ الْمُلْكِ فَإِذَا لَا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَصِيرًا

بهرشان سهم ملک اگر شد پس هیچ چیزی نمی‌دهند به کس

أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ  
آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا  
عَظِيمًا

رشک دارند بر کسی که خداداد از فضل و خیر خود او را  
نیز دادیم به آل ابراهیم حکمت و هم کتاب و ملک عظیم

فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِءِ وَمِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ وَكَفَىٰ بِجَهَنَّمَ  
سَعِيرًا

بعضشان مؤمنند و بعضی شان رویگردان شدند از ایمان  
[اگر از راه حق گریزد کس شعله‌ی دوزخ است او را بس

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصَلِّيهِمْ نَارًا كَلَّمًا  
نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ  
إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا

هر که کفران کند نشانه‌ی مایوس در آتش در افکنیم او را  
چونکه بریان کنند جلد تنش جلد دیگر کنیم بر بدنش  
تا چشند از عذاب رب علیم و خدا هست هم عزیز و حکیم

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ  
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ  
مُطَهَّرَةٌ وَنُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا

مؤمنی را که داشت کار نکوپس فرود آوریم در مینو  
زیر اشجارش آبهای روان ماندگار است جاودانه در آن  
بهرشان همسران پاک سرشت ساکن سایه‌های باغ بهشت

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا  
حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا  
يَعِظُكُمْ بِهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا

داد فرمان خدا برای شما که به اهلش دهید امانت را  
چونکه داور شدید بهر کسان داورزی کنید با ایشان  
خوب پندی دهد خدا به شما هست بینا خدا و هم شنوا

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي  
الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ  
وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۚ ذَٰلِكَ خَيْرٌ  
وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا

ای کسانی که دین کنید قبول پس اطاعت کنید حق و رسول  
و اولو الامر را کنید مطاع پس به کاری اگر کنید نزاع  
رد کنیدش سوی خدا و رسول‌گر خدا و جزا کنید قبول  
[هر که این کار را دهد انجام آن بود خیر و بهترش فرجام

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ ءَامَنُوا بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا  
أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ  
أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ ۗ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا  
بَعِيدًا

دیدى آنان که داشتند گمان که به حق گشته اند با ایمان آنچه سوى تو یافته است نزول و انکه پیش از تو بوده است رسول نزد طاغوت داوری آرندگر چه فرمان به رد او دارند خواست شیطان که آن گروه کفوربه ضلال افکند ضلالی دور

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ  
الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا

هر زمان گفته شد که شو مقبل به رسول و هر آنچه شد نازل آن منافق [که خصم ایمان است بنگری کز تو رویگردان است

فَكَيْفَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ثُمَّ  
جَاءُوكَ يَحْفَافُونَ بِاللَّهِ إِنَّ آرْدَنَّا إِلَّا إِحْسَنًا وَتَوْفِيقًا

چون مصیبت رسد سوى ایشانز آنچه کردند ظلم پیش از آن سویت آیند با قسم به خداکه وفاق است و خیر خواهش ما

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ  
وَعِظْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا

آگه است از ضمیرشان یزدان رویگردان شوید از آنان پند گوی و به جانشان بر خوان سخنان رسا به لفظ و بیان

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ  
ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمْ  
الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا

نفرستاده ایم هیچ رسول جز که اذن خدا کنند قبول چون به خود داشتند ظلم و ضار سویت آیند بهر استغفار گر که غفران طلب کنی ز قدیر هست یزدان رحیم و توبه پذیر

فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ  
لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

به خدا نیست بهرشان ایمان بلکه دارند چون جدال ایشان پیشت آیند تا شوی داوور و دهی رأی بینشان به نظر پس شوند از حرج رها و سلیموز دل و جان به حکم تو تسلیم



وَلَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنْ اقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ أَوْ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ مَا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ مِّنْهُمْ وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِهِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَشَدَّ تَثْبِيتًا

می‌نوشتیم اگر که بر ایشان این‌که خود را کشید از این فرمان و بیایید از دیار به درجز قلیلی نبود فرمانبر و ر که این پند می‌گرفت انجام‌بهرشان خیر بود و استحکام

وَإِذَا لَأَتَيْنَهُمْ مِّن لَّدُنَّا أَجْرًا عَظِيمًا

و انگه از سوی خویش می‌دادیم‌بهر این قوم مزد و اجر عظیم

وَأَهْدَيْنَهُمْ صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا

به یقین می‌شدیم آنان راهی مستقیم راهنما

وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَٰئِكَ رَفِيقًا

هر که باشد مطیع حق و رسول‌نعمت حق بر او شدست نزول هست با انبیا و صدیقان با شهیدان [عرصه‌ی ایمان نیز با صالحان راه خداو چه نیکوست صحبت آنان را

ذَٰلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ عَٰلِمًا

آن بود رحمتی ز سوی خداو بس است اینکه حق بود دانا

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانفِرُوا ثُبَاتٍ أَوْ انفِرُوا جَمِيعًا

ای کسانی که آورید ایمان‌بازگیرید ساز و برگ و توان سوی دشمن روان شوید چو موج‌دسته جمعی و یا که فوج به فوج

وَإِنَّ مِنْكُمْ لَمَنْ لَّيَبْطِئَنَّ فَإِنْ أَصَابَكُمْ مُّصِيبَةٌ قَالْ قَدْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيَّ إِذْ لَمْ أَكُنْ مَعَهُمْ شَهِيدًا

هست در بیستان کسانی چندکه شما را به رزم سست کنند چونکه آید مصیبتی گویند[که از این قسمتند بس خرسند] حق بدادست نعمتی بر ماکه نبودیم همراه شهدا

وَلَيْنُ أَصَابَكُمْ فَضْلٌ مِّنَ اللَّهِ لَيَقُولَنَّ كَأَن لَّمْ تَكُنْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ مَوَدَّةٌ يَلَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا

ور که خیری ز سوی حق آیدپس ره اعتراض بگشاید که نبودست گوییا یاری‌بین ما و شما ز همکاری کاش بودیم با شما در آن‌می‌رسیدیم پس به اجر کلان

فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا

پس بجنگد به راه حق و خداآنکه داده به آخرت دنیا هر که جنگید در طریق خداگشت پیروز یا شد از دنیا زود باشد که در بهشت نعیم‌بدهیمش ثواب و اجر عظیم

وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا

۴۰  
نساء  
۷۵  
/۱۷۶

چیست برهانی از برای شما؟ که نجنگید در طریق خدا وان رجال و زنان و فرزندان که ضعیفند و داده‌اند توان همه گویند کای خدا ما راکن برون از دیار جور و جفا و به ما رهبری عطا فرماو ز سوی خود فرست نصرت ما

الَّذِينَ ءَامَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا

۷۶

آن کسانی که آورند ایمان جنگ دارند در ره یزدان و ان کسانی که کافرند به جان جنگ دارند در ره شیطان جنگ کن با صحابه‌ی شیطان کید شیطان نداشت هیچ توان

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَءَاتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَىٰ وَلَا تُظْلَمُونَ فَتِيلًا

۷۷  
۷۲ر

دیدی آنان که گفتشان دادار باز دارید دست از پیکار و نماز خدا به پا سازیدو زکات خدا بپردازید چونکه فرمان جنگ شد مکتوب بعض آنان ز خلق شد مرعوب همچو خوف از خدا و برتر از آن پس بگفتند با خدای جهان از چه بنوشته‌ای تو بر ما جنگ‌کاش بود اندکی به جنگ درنگ گو قلیل است بهره‌ی دنیا آخرت به بود به اهل تقا نیست هرگز ستم برای شماهم به حد فتیلی از خرما

أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِككُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ وَإِنْ تُصِبْهُمْ حَسَنَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِكَ قُلْ كُلُّ مَنْ عِنْدَ اللَّهِ فَمَالٍ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا

۷۸

ایها الناس هر کجا باشیدهمه را مرگ می‌کند تهدید نیز دریابدت اجل ناچارگر چه باشی به قلعه‌ای ستوار چون رسد لطف و خیر آنان راگفته‌اند این بود ز نزد خدا چون رسد شری آن زمان آنان گفته‌اند از تو بود این خذلان همه از نزد حق بود تا چنداین جماعت سخن نمی‌فهمند

مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنَ نَفْسِكَ وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا

۷۹

آنچه از خیر می‌رسد ز خداستو آنچه از بد رسد ز نفس شماست من فرستادمت به خلق رسول‌حق گواهی است کافی و مقبول

مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّى فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا

گر اطاعت کند کسی ز رسول پس اطاعت ز حق بکرده قبول  
ور شدند از خدای رو گردان نیستی تو محافظ آنان

گر چه گویند اطاعت از فرمان چون برفتند قومی از آنان  
دارد اندیشه‌ی خلاف به شبها سخنها که آوری بر لب  
و خدا می‌نویسد آنچه به شب‌بر خلاف تو آورند به لب  
پس بگردان تو روی از آنان کار خود را سپار بر یزدان  
[هم اعانت بخواه از دادار] که خدایت بس است کارگزار

وَيَقُولُونَ طَاعَةٌ فَإِذَا بَرَزُوا مِنْ عِنْدِكَ بَيَّتَ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ  
غَيْرَ الَّذِي تَقُولُ وَاللَّهُ يَكْتُبُ مَا يُبَيِّتُونَ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ  
وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا

۸۱

چون تدبر کنید در قرآن‌گر نباشد ز جانب یزدان  
اختلافی زیاد می‌یابید [در کتابی که گشته است پدید]

أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْفُرْعَانَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا  
فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا

۸۲

امن و ترسی که بود آنان رام‌تشر می‌کنند در همه جا  
گر نسانند این سخن منقول به اولو الامر رد کنند و رسول  
پس بدانند چون بود آن کار ریشه یابی کنند آن گفتار  
گر نباشد ز ربتان کر می‌دیو را پیروید غیر کمی

وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ  
إِلَى الرَّسُولِ وَالِىَّ أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ  
يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ  
لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا

۸۳

کن تو پیکار در طریق خدانیست مسئول کس مگر خود را  
مؤمنان را به رزم کن تشویق شاید از رزم حق دهد توفیق  
قدرت کافران کشد به شکست‌کیفر و خشم حق شدیدتر  
است

فَقَتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسَكَ وَحَرِّضَ  
الْمُؤْمِنِينَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَكْفِ بِأَسْ أَلَّذِينَ كَفَرُوا وَاللَّهُ  
أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ تَنْكِيلًا

۸۴

گر شفاعت کند به کار نکوهر کسی خیر آن رسد بر او  
گر وساطت کند به کاری بدسهمی از آن گنه به او برسد  
و قدیر و گواه یزدان است بر همه چیز حق نگهبان است

مَنْ يَشْفَعْ شَفْعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِّنْهَا وَمَنْ  
يَشْفَعْ شَفْعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ لَهُ كِفْلٌ مِّنْهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ  
شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا

۸۵

گفته شد گر سلام بهر شامبه از آن پاسخ آورید آن را  
یا که پاسخ دهید چون آن راهبر هر چیز حاسب است خدا،

وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ  
كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا

۸۶

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا

هیچ معبود نیست غیر خداجمعتان می‌کند به روز جزا هیچ شکی به روز محشر نیست از خدا راستگوی‌تر چه کسی است؟

فَمَا لَكُمْ فِي الْمُنَافِقِينَ فِئَتَيْنِ وَاللَّهُ أَرْكَسَهُم بِمَا كَسَبُوا أَتُرِيدُونَ أَنْ تَهْدُوا مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَنْ يُضِلِّ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا

باور فرقه‌ی دورویان رادو گروه از چه گشته‌اید شما هر چه انجام داده‌اند آنان واژگون کردشان خدا از آن از چه رو رهنمون شوید بر آن‌که به گمراهی افکند یزدان آنکه گردید گمراه از الله‌تو نیابی ز خیر بهره‌ش راه

وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَخُذُوهُمْ وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وِلِيًّا وَلَا نَصِيرًا

دوست دارند کافران که شماکفر ورزید در طریق خدا تا شوید از لحاظ دین یکسان‌پس مگیرید اولیا ز آنان رویگردان شوند اگر مطلق‌جز که هجرت کنند در ره حق پس بگیریدشان به قصد فناهر کجا یافتید آنان را [و اگر مؤمنی تو] هیچ مگیر از چنین کافران ولی و نصیر

إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُم مِّيثَاقٌ أَوْ جَاءُوكُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ أَنْ يَقْتُلُوكُمْ أَوْ يُقْتَلُوا قَوْمَهُمْ وَلَاوُ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَطُهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَاتِلُوكُمْ فَإِنِ اعْتَزَلُوكُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَالْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلَامَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا

جز گروهی که مؤمنین پیمان از وفا بسته‌اند با ایشان یا که آرند روی با دل تنگ‌سویت آیند منزجر از جنگ سلطه‌شان را اگر خدا می‌خواست‌بهرشان جنگ را همی آراست  
گر ز پیکار روی گردانندصلح کن چونکه طالب آنند  
بهرتان از سوی خدای جهان‌راه پیکار نیست با ایشان

سَتَجِدُونَ ءَاخِرِينَ يُرِيدُونَ أَنْ يَأْمَنُوكُمْ وَيَأْمَنُوا قَوْمَهُمْ كُلًّا مَا رُدُّوا إِلَى الْفِتْنَةِ أُرْكَسُوا فِيهَا فَإِن لَّمْ يَعْزِلُوكُمْ وَيُلْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلَامَ وَيَكْفُرُوا أَيْدِيَهُمْ فَخُذُوهُمْ وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأُولَٰئِكُمْ جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مُّبِينًا

و ان گروهی که خواستند امان از شما وز جماعت خودشان لیک در وقت حيله و ترفندسوی آن فتنه باز می‌گردند گر نکردند از این عمل پرهیزوز ره صلح داشتند گریز ور گشایند دست بهر فساد[پیش گیرید راه جنگ و جهاد] و بگیریدشان به قصد فناهر کجا یافتید آنان را این چنین در نبرد اهل خطاسلطة دادیم از برای شما

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا  
 خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ  
 يَصَّدَّقُوا فَإِنْ كَانَ مِنَ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ  
 رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَإِنْ كَانَ مِنَ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ  
 فَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ  
 فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِّنَ اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا  
 حَكِيمًا

:۴  
 نساء  
 ۹۲  
 /۱۷۶  
 ۷۴ر

قتل مؤمن به کس نگشت رواگر افتد ز راه سهو و خطا  
 ور کس این سهو و این خطا سازد بایش برده ای رها سازد  
 اهل هم حق خونیا گیرند جز که بخشش کنند و نپذیرند  
 کشته گر مؤمنی به قوم عدوستکار تحریر برده چاره ای  
 اوست  
 ور که دارند با شما پیمان حکم تحریر و خونیه است در آن  
 ور نیاید آن دو ماه تمام متوالی بیاورید صیام  
 توبه و عفو خویش جو ز خدا و خدا هست عالم و دانا

وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُّتَعَمِّدًا فَجَزَاءُ لَهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا  
 وَغَضَبَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَلَعْنَهُ وَوَعَدَ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا

۹۳

گر کسی مؤمنی به عمد کشد کیفرش دوزخ است تا به ابد  
 هم بر او خشم و لعنت یزدان هم مهیا بر او عذاب گران

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا  
 تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَىٰ إِلَيْكُمْ أَلْسَلَمَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبَتُّعُونَ  
 عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمٌ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ كُنْتُمْ  
 مِّن قَبْلُ فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا  
 تَعْمَلُونَ خَبِيرًا

۹۴

مؤمنان چون مسیر حق پویید همه در این مسیر حق جویید  
 با شما هر که طرح صلح افکند نسبت کافری به او میسند  
 و مجوید مکتب دنیا پیش از این مالهاست نزد خدا  
 آنچه نیز بوده اید شمارش شما متنی نهاده خدا  
 اهل تحقیق باش و در ره راست آنچه را می کنی خدا داناست

لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ  
وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ  
الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا  
وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ  
أَجْرًا عَظِيمًا

۴  
نساء  
۹۵  
۱۷۶

مؤمنی را که نیست عذر و زیان و نباشد به راه جنگ روان  
نیست او چون مجاهد یزدان که ز اموال بگذرد و ز جان  
حق دهد برتری مجاهد راکه زر و جان خویش کرد فدا  
همه را مزده داد لطف کریم برتری دادشان به اجر عظیم

دَرَجَاتٍ مِّنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا

۹۶

رتبه از حق و خیر و غفران است و غفور و رحیم یزدان است

إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّيْتُمُ الْمُتَلَبِّكَةَ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ  
كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ  
أَرْضَ اللَّهِ وَسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَٰئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ  
وَسَاءَتْ مَصِيرًا

۹۷  
۷۵

آنکه بر خود پسند داشت جفا به ملائک چو داد جانش را  
پس بگفتند بوده ای به چه سان گفت بودیم بی توان به جهان  
پس بگفتند اینکه ارض مگر بهر هجرت نبود پهناور  
جایشان در جهنم است آنان بد سر انجامی است بر ایشان

إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانَ لَّا  
يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا

۹۸

و ان کسان را که نیست تاب و توان از رجال و زنان و  
فرزندان  
و ندارند چاره ای در کار و نیابند راه بر رفتار

فَأُولَٰئِكَ عَسَىٰ اللَّهُ أَنْ يَعْفُوَ عَنْهُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَفُورًا  
غَفُورًا

۹۹

شاید آنان به عفو حق برسند هست یزدان غفور و بخشش مند

وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعًا كَثِيرًا  
وَسِعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ  
يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا  
رَّحِيمًا

۱۰۰  
حزب  
۳۸

هر که هجرت کند به راه خدایابد او در زمین گشایش و جا  
و انکه از خانه اش برون آید راه حق و رسول پیماید  
موت اگر در ربایدش در راه اجر او ثابت است عند الله  
[پس مباح از مهاجرت در بیم و خدا هست هم غفور و  
رحیم

وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ  
تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنَّ خِفْتُمْ أَنْ يُفْتِنَكُمْ الَّذِينَ  
كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا

۱۰۱  
۷۶

در سفر نیست هیچ جرم و گناه که نماز شما شود کوتاه  
گر بترسی ز فتنه ی دشمن کافران راست دشمنی روشن

وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَافِيَةً مِنْهُمْ  
 مَعَكَ وَلِيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ ۗ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ  
 وَرَائِكُمْ وَلِتَأْتِ طَافِيَةٌ أُخْرَىٰ لَمْ يَصْلُوا فَلْيَصْلُوا مَعَكَ  
 وَلِيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ ۗ وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ  
 تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ  
 مَيْلَةً وَاحِدَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أَذَىٰ مِّنْ  
 مَّطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَّرْضَىٰ أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ ۗ وَخُذُوا  
 حِذْرَكُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا

۴:  
 نساء  
 ۱۰۲  
 ۱۷۶

چونکه باشی میان اهل هداو بسازی نماز را بر پا  
 عده‌ای با سلاح رزم تمام‌با تو باشند در محل قیام  
 چونکه باشید در سجود خدادیده بانی کنند بهر شما  
 آن گروه دگر دوباره تمام‌با تو سازند در نماز قیام  
 باید ای مؤمنین به جنگ افزار پاس دارید از ره دادار  
 کافران غفلت شما خواهندوز سلاح و متاع آگاهند  
 یورش آرند پس به سوی شماپورشی دسته جمعی و یکجا  
 رنجه باشید اگر که از باران‌یا که باشید خود ز بیماران  
 به زمین گر نهید جنگ افزاریستید این زمان گنه کردار  
 پاسداری کنید از ره حق این شما وین وظیفه‌ی مطلق  
 شد عذابی تهیه بر کفارکه کند این ستمگران را خوار

فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَمًا وَقُعودًا وَعَلَىٰ  
 جُنُوبِكُمْ ۗ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ ۗ إِنَّ الصَّلَاةَ  
 كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا

۱۰۳

چون به جای آوری نیایش رامبر از یاد خویش ذکر خدا  
 ایستاده نشسته خفته به برهر گه آرامشی تورااست به سر  
 پس به هر جا نماز بر پا دارکان معین شدست بر دیندار

وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ ۗ إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ  
 يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ ۗ وَكَانَ  
 اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا

۱۰۴

وز پی کار خصم سست مباش‌گر که با رنج همدمی به تلاش  
 رنج و غم نیز همدم اعداستو امید شما به لطف خداست  
 نیست بهر عدو امید خداو خدا هست عالم و دانا

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا  
 أَرْنَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِبِينَ خَصِيمًا

۱۰۵  
 ۷۷ر

ما فرستاده‌ایم بر تو کتاب‌که به حق است و در طریق صواب  
 تا تو حاکم شوی میان کسان‌در رهی که خدات داد نشان  
 خائنان را مباش تو حامی‌گر که مؤمن به دین اسلامی

وَأَسْتَغْفِرِ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا

مغفرت جو ز جانب یزدان هست حق مهربان و ذو غفران

وَلَا تُجَادِلْ عَنِ الَّذِينَ يَخْتَانُونَ أَنفُسَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ  
مَنْ كَانَ خَوَّانًا أَثِيمًا

و نگیری ره دفاع به پیش از کسانی که خائنند به خویش  
دور ماند از محبت دادار آنکه خائن شد و گنه کردار

۱۰۷

يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ اللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمْ  
إِذْ يُبَيِّتُونَ مَا لَا يَرْضَىٰ مِنَ الْقَوْلِ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ  
مُحِيطًا

۱۰۸

کار خود از کسان کنند نهان و نسازند از خدا پنهان  
و خدا هست همره ایشان و آنچه در شب به هم کنند بیان  
نیست راضی ز قولشان یزدان و محیط است حق به  
کرده‌ی‌شان

هَآأَنْتُمْ هَآؤُلَآءِ جَدَلْتُمْ عَنْهُمْ فِي الْحَيَوةِ الدُّنْيَا فَمَنْ  
يُجَادِلُ اللَّهَ عَنْهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَمْ مَن يَكُونُ عَلَيْهِمْ  
وَكِيلًا

۱۰۹

این شما یید آنکه در دنیا حایمانی شدید آنان را  
چه کسی می‌کند حمایتشان در قیامت به درگه یزدان  
و چه کس می‌کند وکالتشان از عذاب جحیم و از نیران

وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ  
اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا

۱۱۰

هر که راه خطا گرفت به پیش یا ستم کرد در جهان بر خویش  
پس طلب کرد عفو از یزدان یافت حق را رحیم و ذو غفران

وَمَنْ يَكْسِبْ إِثْمًا فَإِنَّمَا يَكْسِبُهُ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَكَانَ  
اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا

۱۱۱

هر که راه گنه گرفت به پیش زان گنه می‌زند زیان بر  
خویش  
و خدا عالم است و دانشمند [هر چه کار بد و گناه کنند]

وَمَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئًا فَقَدِ  
أَحْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا

۱۱۲

هر که کسب گناه کرد و خطاو در افکند بی گناهی را  
متحمل شود ره بهتان راه بهتان و هم گناه عیان

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ لَهَمَّتْ طَآئِفَةٌ مِّنْهُمْ أَن  
يُضِلُّوكَ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَضُرُّونَكَ مِن شَيْءٍ  
وَأَنزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ  
تَكُن تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا

۱۱۳  
۷۸

بهر تو گر نبود لطف خداجمعی از دشمنان راه هدا  
داشت اندیشه‌ای به ذهن و خیال تا کشاند تو را به راه  
ضلال  
نیست گمراه کسی بجز خودشان و ندارند هیچ بر تو زیان  
کرد نازل کتاب و دانش را از برای رسول خویش خدا  
و ندانسته یاد داد تو را بر تو باشد بزرگ فضل خدا



۴  
نساء  
۱۱۴  
۱۷۶  
حزب  
۳۹

لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّنْ تَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَن يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا

نیست نیکو بسی ز نجواشان جز که امری کنند بر احسان  
یا که اصلاح در میان کسان و انکه انجام داد کار چنان  
بهر خشنودی و رضای خدامزد و اجری گران دهیم او را

۱۱۵

وَمَن يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصَلِّهِ ۗ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا

چونکه روشن شود طریق هداهر که شد دشمن رسول خدا  
و نشد یار خلق با ایمان و انهمیش به هر چه گشت روان  
افکنیمش به دوزخ از فرجام و چه جای بدی است آن انجام

۱۱۶  
۷۹

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَن يَشَاءُ ۗ وَمَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا

هر که شرک آورد برای خدا بخشش حق نمی‌رسد او را  
و انکه جز آن کند خدای جهان هر که را خواست می‌دهد  
غفران  
و انکه شرک آورد به رب مجید او فتادست در ضلال بعید

۱۱۷

إِن يَدْعُونَ مِن دُونِهِ إِلَّا إِنثًا وَإِن يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَّرِيدًا

بت بخوانند جای رب وحید و خوانند غیر دیو مرید

۱۱۸

لَعَنَهُ اللَّهُ وَقَالَ لَأَتَّخِذَنَّ مِنْ عِبَادِكَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا

گفت ملعون حق که من در بندگیرم از بندگان تو یک چند

۱۱۹

وَلَا ضَلَّتْهُمْ وَلَا مَنِينَهُمْ وَلَا مَرْنَهُمْ فَلْيَبْتِكُنَّ ۗ ءَاذَانَ الْأَنْعَامِ وَلَا مَرْنَهُمْ فَلْيَغِيرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَمَن يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِّن دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُّبِينًا

افکنم آن گروه را به ضلال آرزوهای دور و راه خیال  
می‌کنم امرشان کزان ترفندگوش انعام خویش بشکافند  
می‌کنم امرشان کزان افسون‌خلق حق را کنند دیگرگون  
هر که شیطان کند گزین به خدا پس خسارت کشید بس  
رسوا

۱۲۰

يَعِدُهُمْ وَيُمَنِّيهِمْ ۗ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا

زو نوید است و آرزوی غریب و عد ابلیس نیست غیر فریب

۱۲۱

أُولَٰئِكَ مَا أَوْلَاهُمُ جَهَنَّمَ وَلَا يَجِدُونَ عَنْهَا مَحِيصًا

بهرشان در جهنم است مقرو نیابند از آن گریز و مفر

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ  
تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا  
وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا

و کسانی که آورند ایمان کار نیکوست نیز حاصلشان  
پس در آریم آن کسان به جنان زیر اشجارش آبهای روان  
و مقیمند جاودانه در آن همه حق است وعدهی یزدان  
چه کسی از خداست صادقتر؟ [در همه گفته‌های او بنگر]

لَيْسَ بِأَمَانِيِّكُمْ وَلَا أَمَانِي أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ يَعْمَلْ  
سُوءًا يُجْزَ بِهِ وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا

نیست آمال مسلمین مطلق و نه اهل کتاب هست به حق  
هست کیفر به هر گنه کاری و نیابند غیر حق یاری

وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ  
فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا

و انکه راه صلاح و احسان داشت از زن و مرد گر که ایمان  
داشت  
پس به جنت درون شوند آنان و ستم هم نمی‌شوند ایشان

وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ  
وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا

چه کسی به بود به دین ز مقام از کسی کاورد به حق اسلام  
اوست نیکو خصال و اوست سلیم‌پیرو کیش پاک ابراهیم  
نام او را خلیل رب علیم‌خواند [چون بود یار ابراهیم]

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ  
شَيْءٍ مُّحِيطًا

از حق است آنچه در زمین و سماست به همه چیزها خدا  
دانااست

وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَمَا يُتْلَىٰ  
عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي يَتْلَىٰ النِّسَاءِ الَّتِي لَا تُوْتُونَهُنَّ  
مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ  
مِنَ الْوَالِدَانِ وَأَنْ تَقُومُوا لِلْيَتَامَىٰ بِالْقِسْطِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ  
خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِهِ عَلِيمًا

از تو خواهند فتوی نسوان گو خدا گفته فتوی آنان  
بر شما خوانده در کتاب حکیم‌دختری را که گشته است یتیم  
نیست جائز تباه حق کردن خواهی ار ازدواج با آن زن  
با یتیمان عمل کنید به دادکودکان ضعیف را به وداد  
هر چه از خیر می‌دهی انجام‌پس خدا هست آگه و علام

وَإِنِ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِن تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا

۴:  
نساء:  
۱۲۸  
/۱۷۶

وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ وَإِن تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا

۱۲۹

وَإِن يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلًّا مِّن سَعَتِهِ وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا

۱۳۰

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنْ اتَّقُوا اللَّهَ وَإِن تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ غَنِيًّا حَمِيدًا

۱۳۱

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا

۱۳۲

إِن يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ وَيَأْتِ بِآخَرِينَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى ذَلِكَ قَدِيرًا

۱۳۳

مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا بَصِيرًا

۱۳۴

گر زن از شوی خویش شد نگران که شود بد سلوک و رو گردان  
پس گنه نیست بینشان اصلاح تا در آیند در طریق صلاح  
صلح خوب است بین خلق خدا و بخیلی گرفت جانها را  
گر که باشید خوب و با تقوا حق به کار شما بود دانا

تتوانید عدل بین زنان گر چه بسیار راغبید به آن  
پس مکن میل تام زوجی راو به تعلیق هم مساز رها  
گر که باشید خوب و با تقوی حق بود غافر و گنه بخشا

ور جدایی رسید بر آنان می کند بی نیازشان یزدان  
همه هست از عطای رب رحیم و خدا واسع است و نیز حکیم

آنچه در پهنه‌ی زمین و سماست همه بی شک و ریب زان  
خداست  
بهر اهل کتاب گفت خداهم سفارش کند برای شما  
متقی باش اگر کنی کفران بی نیاز است آن حمید جهان

آنچه در پهنه‌ی زمین و سماست همه بی شک و ریب زان  
خداست  
از حق است آنچه در زمین و سماست و وکالت به خلق بس او  
راست

ایها الناس خواهد ار یزدان همه را می برد ز دار جهان  
آورد مردمی به جای شما و خدا قادر است بر اینها

هر که خواهد ثواب دنیا راهست دنیا و آخرت ز خدا  
خیر دنیا و آخرت زو گیری گمان حق بود سمیع و بصیر

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ  
وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ ۚ إِن يَكُنْ غَنِيًّا  
أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا ۗ فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَن تَعْدِلُوا  
وَإِن تَلَوُا أَوْ تَعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا

مؤمنان عدل را به پا دارید و گواهی برای حق آرید  
و ر که باشد زیانتان در آن یا که از والدین و نزدیکان  
گر که نادر بود و یا دارادر همه حال حق بود اولی  
پیروی از هوا مکن در دادگر شوی منحرف ز حق و سداد  
وز گواهی شوید رو گردان هست آگه ز کارتان یزدان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ءَامِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ۗ وَالْكِتَابِ  
الَّذِي نَزَّلَ عَلَىٰ رَسُولِهِ ۗ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِن قَبْلُ  
وَمَن يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ ۗ وَالْيَوْمِ  
الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا

ای کسانی که دین کنید قبول باور آرید بر خدا و رسول  
و آنچه یابد بر این رسول نزول و آنکه از پیش بوده است  
رسول  
هر که شد کافر خدای جلیل و ملائک که گشته اند گسیل  
و کتاب و رسول و روز جزا پس ضلالی بعید هست او را

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ  
أَزْدَادُوا كُفْرًا لَّمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُغْفِرْ لَهُمْ وَلَا لِيُهْدِيَهُمْ  
سَبِيلًا

آنکه مؤمن بد و سپس کافر باز مؤمن شد و سپس کافر  
پس بیفزود در ره کفران نیست او را ز سوی حق غفران  
نیست او را هدایتی از حق به یقین هست کافر مطلق

بَشِيرِ الْمُنْفِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

به دورویان بده بشارت و بیم که بود بهرشان عذاب الیم

الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ ۚ  
أَيَّبَتُّغُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا

آنکه گیرد محبت کفارو نه از مؤمنین بگیرد یار  
خواهد از اهل کفر عزّ و توان کل عزّ است از خدای جهان

وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَن إِذَا سَمِعْتُمْ ءَايَاتِ اللَّهِ  
يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَعْدُوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا  
فِي حَدِيثِ غَيْرِهِ ۗ إِنَّكُمْ إِذَا مِثْلُهُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ  
الْمُنْفِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا

در کتاب خدا بسی ز نشان به شما گشت نازل از رحمان  
چون شنیدند آیه های خداکارشان کفر بود و استهزا  
همنشینی مکن تو با ایشان تا نیفتی به یاوه از دگران  
و نه با همنشینی کفار مثل آنان شوید در کردار  
به یقین حق به آخرت در نار جمع سازد منافق و کفار

۴  
نساء  
۱۴۱  
۱۷۶

الَّذِينَ يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فِتْحٌ مِّنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُن مَّعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحْوِذْكُمْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعَكُمْ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا

آن جماعت که شد مراقبتان فتح اگر با شما شد از یزدان گوید آن قوم [در طریق غزا] ما نبودیم با شما آیا؟  
ور که یابند بهره‌ای کفار بهر کفار می‌کنند اظهار ما مسلط نبوده‌ایم آیا؟ نیز مانع شدیم بهر شما تا که از مؤمنان خورید شکست هم ز کفارشان امیدی هست پس خدا داور است بین شما فرقه‌ی کفر و دین به روز جزا و خدا بهر کافران در کین نگشاید دری بر اهل یقین

۱۴۲  
۸۲

إِنَّ الْمُنْفِقِينَ يُخَدِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَدِيعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا

و منافق دهد فریب خدا و خدا می‌دهد فریب او را چون نیایش به پای می‌دارند سست خاند و هم ریا کنند و ندارند یاد رب جلیل این دورویان مگر گروه قلیل

۱۴۳

مُذَبِّبِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَلَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا

سست و ناپایدار در ره دین‌گه چنانند و گاه نیز چنین هر که را حق بخواست راه ضلال‌ره نیابد به قادر متعال

۱۴۴

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُّبِينًا

ای کسی کاوری به حق ایمان‌کافران را ولی خویش مخوان خواهی آیا دهد خدا به عیان؟ سلطه‌ی اهل کفر بر ایمان

۱۴۵

إِنَّ الْمُنْفِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا

بر دو رو درک اسفل است ز نار و نیابند هیچ آنجا یار

۱۴۶

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَاعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَأَخْلَصُوا دِينَهُمْ لِلَّهِ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ وَسَوْفَ يُؤْتِ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا

جز کسانی که توبه ورزیدند هم به اصلاح خویش کوشیدند معتمصم با خدا و مخلص دین‌مؤمنان را شدند یار و قرین زود باشد دهد خدای کریم مؤمنان را ثواب و اجر عظیم

۱۴۷

مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَعَامَنْتُمْ وَكَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا

نرسد کیفر از خدای جهان‌گر که شاکر شوید و با ایمان [خویشتن بر خدای کن تسلیم که خدا نیز شاکر است و علیم

لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوِّءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ وَكَانَ  
اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا

خوش ندارد خدا به بانگ بلندسخن بد به یکدیگر گویند  
غیر از آن کس که دیده است جفاو خدا آگه است و هم  
شنوا

إِنْ تُبَدُّوا خَيْرًا أَوْ تُخَفُّوهُ أَوْ تَعْفُوا عَنْ سُوءٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ  
عَفُوًّا قَدِيرًا

گر کنی خیر آشکار و نهان ور ببخشی گناه بر دگران  
به یقین نیز حق گنه بخشاست و خدا قادر است بی کم و  
کاست

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا  
بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ  
وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا

کافران بر خدا و پیغمبر فرق خواهند در رسل یکسر  
برخی از انبیاست باورشان شده کافر به بعضی دیگرشان  
خواستند این گروه با ترفندزان میان راه دیگری گیرند

أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا  
مُهِينًا

کافرانند این کسان به یقین هست از بهرشان عذاب مهین

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ  
أُولَئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أَجْرُهُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

و کسانی که آورند ایمان به خدا و پیمبر بزدان  
و ندارند فرق را باوردر میان پیمبران یکسر  
زود یابند اجرشان به جنان و رحیم است حق و ذو غفران

يَسْأَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَنْ تُنزِلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِّنَ السَّمَاءِ  
فَقَدْ سَأَلُوا مُوسَىٰ أَكْبَرَ مِنْ ذَلِكَ فَقَالُوا أَرِنَا اللَّهَ جَهْرَةً  
فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ ثُمَّ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِ  
مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ فَعَفَوْنَا عَنْ ذَلِكَ وَعَاتَيْنَا مُوسَىٰ  
سُلْطَانًا مُّبِينًا

خواهد اهل کتاب اینکه خدا بهرشان نامه ای دهد ز سما  
پیش از این خواست امت موسی که خدا را نشان بده بر ما  
صاعقه پس گرفتشان ز ستم عجل را پس گرفته اند صنم  
پس از آیات بینات که ماداده بودیم آن جماعت را  
عفو کردیمشان و داد خدا سلطه ای آشکار بر موسی

وَرَفَعْنَا فَوْقَهُمُ الطُّورَ بِمِيثَاقِهِمْ وَقُلْنَا لَهُمْ ادْخُلُوا الْبَابَ  
سُجَّدًا وَقُلْنَا لَهُمْ لَا تَعْدُوا فِي السَّبْتِ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ  
مِيثَاقًا غَلِيظًا

طور افراشتیم بر سرشان و گرفتیم از همه پیمان  
و ان زمان گفته ایم با ایشان وارد در شوید سجده کنان  
حرمت شنبه را نگهدارید نیز پیمان گرفته ایم شدید

فِيمَا نَقَضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ وَكُفِّرِهِمْ بِآيَاتِ اللَّهِ وَقَتْلِهِمْ  
الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَقَوْلِهِمْ قُلُوبُنَا غُلْفٌ ۚ بَلْ طَبَعَ اللَّهُ  
عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا

از چه بشکسته‌اند پیمان را کفر ورزیده با نشان خدا  
کشته‌اند انبیای حق به خلاف دلشان شد به قولشان به غلاف  
و خدا مهر زد به دلهاشان جز قلیلی نیاورند ایمان

وَبِكُفْرِهِمْ وَقَوْلِهِمْ عَلَىٰ مَرْيَمَ بُهْتَنًا عَظِيمًا

در سخن داشتند کفرانی و به مریم عظیم بهتانی

وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَىٰ ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ  
وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَٰكِن شُبِّهَ لَهُمْ ۚ وَإِنَّ الَّذِينَ  
أَخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ ۚ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا  
اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا

گفته‌اند اینکه ساختیم فناعیسی مریم آن رسول خدا  
و نه کشتند و نه زدند به داربلکه شد مشتبه برایشان کار  
و کسانی که اختلاف آرندو به امر مسیح شک دارند  
عوض علم ظن کنند قبول به یقین آن نبی نشد مقتول

بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا

که ببردش به سوی خویش خداو خدا قادر است و هم دانا

وَإِنَّ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ ۚ قَبْلَ مَوْتِهِ ۗ وَيَوْمَ  
الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا

کس ز اهل کتاب نیست مگر پیش از مرگ آورد باور  
و ان رسول خدا به روز جزا می‌شود خود گواه ایشان را

فَظُلْمٍ مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ  
لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا

از جفای یهود گشت حرام بهرشان طیبیات حل طعام  
و چه بسیار کرده‌اند جدامردمان را ز راه پاک خدا

وَأَخَذَهُمُ الرَّبُّوْا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ  
بِالْبَطْلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

و ربا خورده‌اند از دگران که خدا نهی کرده بود از آن  
مال مردم به ناروا خوردند [با گنه آبروی خود بردند]  
کرد آماده کردگار عظیم بهر کفارشان عذاب الیم

لَٰكِنِ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا  
أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ ۚ وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ  
وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۚ أُولَٰئِكَ  
سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا

استواران به علم از آنان آن کسانی که آورند ایمان  
آنچه را بر تو یافتست نزول و انکه پیش از تو بوده است  
رسول  
به اقامه کنندگان ملائو کسانی که می‌دهند زکوة  
مؤمنان قیامت و یزدان زود باشد دهیم اجر گران

۴:  
تساء  
۱۶۳  
۱۷۶  
حزب  
۴۲  
۸۴ر

إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ  
بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ  
وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَىٰ وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ  
وَعَاتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا

وحی ما داده ایم بر تو نبی نیز دادیم بهر نوح نجی  
به خلیل خدا و اسماعیل و به اسحاق و نیز اسرائیل  
هم به اسباط و عیسی و هارون نیز ایوب و یونس ذا النون  
و سلیمان که شد به حق مأمور و به داود داده ایم زبور

۱۶۴

وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَرُسُلًا لَمْ  
نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَىٰ تَكْلِيمًا

انبیایی که بر تو گشت بیان و انکه را قصه بر تو نیست عیان  
بود موسی کلیم آن ذو المن با کلیمش خدای گفت سخن

۱۶۵

رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ  
حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا

رسلی با بشارت و هشدار بهر خلقتند حجت از دادار  
حجتی نیست با کسان دگرو خدا قادر است و دانشور

۱۶۶

لَكِنِ اللَّهُ يَشْهَدُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ أَنْزَلَهُ وَيَعْلَمُ  
وَالْمَلَائِكَةُ يَشْهَدُونَ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا

آنچه بر توست نازل از الله هست از علم حق و اوست گواه  
و ملائک گواه شد بر آن و گواهی بس است از یزدان

۱۶۷

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا  
ضَلَالًا بَعِيدًا

کافرانی که جمع مردم را بازدارند از طریق خدا  
بهر ایشان بود ضلال بعید [دور گشتند از خدای مجید]

۱۶۸

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرْ لَهُمْ وَلَا  
لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقًا

کافرانی که می کنند جفانیست آمرزش حق ایشان را  
رهنمایی نکردشان یزدان

۱۶۹

إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ  
يَسِيرًا

جز به دوزخ که خالدند در آن  
وین برای خداست بس آسان و تواناست کردگار جهان

۱۷۰

يَأْتِيهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمُ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّكُمْ  
فَأَمِنُوا خَيْرًا لَّكُمْ وَإِن تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي  
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا

مردمان این رسول بر حق راحق فرستاده است سوی شما  
خیر بهر شما بود ایمانور که کافر شوید بر یزدان  
از حق است آنچه در زمین و سماست و خدا هم حکیم و هم  
دانااست



يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ  
 إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ  
 وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِّنْهُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ  
 وَرُسُلِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ انْتَهُوا خَيْرًا لَّكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهُ  
 وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ  
 وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا

۴  
 نساء  
 ۱۷۱  
 /۱۷۶

و مباح از غلاة اهل کتاب و مگو بهر حق به غیر صواب  
 عیسی مریم آن رسول خداست و روحی از دادار به خدا و رسول ایمان آر  
 کار تثلیث را کنید رها این طریق است خیر بهر شما  
 نیست معبود جز خدای احدی که باشد از این کزوست ولد  
 زو بود آنچه در زمین و سماست هست کافی اگر و کیل  
 خداست

لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا  
 الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَمَنْ يَسْتَنْكِفْ عَنْ عِبَادَتِهِ  
 وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا

۱۷۲  
 ۸۵ر

و ندارد مسیح هیچ اباکه بود بنده ای برای خدا  
 ملکی که مقرب حق است نکشد از عبادت حق دست  
 هر که ورزید کبر و کرد اباحش سوی خدا بود همه را

فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ  
 وَيَزِيدُهُم مِّن فَضْلِهِ وَأَمَّا الَّذِينَ اسْتَنكَفُوا وَاسْتَكْبَرُوا  
 فَيُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَلَا يَجِدُونَ لَهُم مِّن دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا  
 وَلَا نَصِيرًا

۱۷۳

مؤمنانی که کار خیر آرنند اجرشان را تمام بردارند  
 و خدای جهان ببخشد بیش آن کسان را ز فضل و رحمت  
 خویش  
 هر که ورزید کبر و کرد اباح عذابی الیم داد او را  
 و نیابند جز خدا یاری بهر خود یاوری و غمخواری

يَأْتِيهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُم بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا  
 إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا

۱۷۴

مردمان آمد از خدا برهان بر شما نازل است نور عیان

فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَأَعْتَصَمُوا بِهِ فَيَسِيذُ خَلْفَهُمْ فِي  
 رَحْمَةٍ مِّنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمًا

۱۷۵

و کسانی که آورد ایمان متوسل شوند بر یزدان  
 رحمت حق و فضل ایشان راست و هدایت شوند در ره  
 راست

يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ إِنَّ أَمْرًا هَلَكَ  
 لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَلَهُ أُخْتٌ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ وَهُوَ يَرِثُهَا  
 إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهَا وَلَدٌ فَإِنْ كَانَتَا أُثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الشُّلْثَانِ مِمَّا  
 تَرَكَ وَإِنْ كَانُوا إِخْوَةً رِجَالًا وَنِسَاءً فَلِلَّذَكَرِ مِثْلُ حِظِّ  
 الْأُنثَيَيْنِ ۗ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ أَنْ تَضِلُّوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ  
 عَلِيمٌ

۴  
 نساء  
 ۱۷۶  
 ۱۷۶

از تو پرسند گر که فتوا را از کلاله بگویی حکم خدا  
 مردی از مرد و خود نداشت ولد نصف میراث خواهرش ببرد  
 زنی از مرد و هم نداشت ولد ارث او را برادرش ببرد  
 و کلاله دو تن بود ز انان سهم آنان دو سوم میراث  
 و هر که باشند از رجال و نساء مذکر دو بهره از انان  
 حق عیان کرد ره به گمراهی حق به هر چیز دارد آگاهی

صفحه ۲۲

آیه ۱۲۰

مدنی

المآیة: سفره غذا

۵. مائده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ  
 الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُنْتَلَىٰ عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحِلِّي الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ  
 إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ

۱  
 حزب  
 ۴۳  
 ۸۶  
 منزل  
 ۲

ای کسانی که آورید ایمان پایداری کنید بر پیمان  
 شد حلال از برایتان انعام جز که باشد حرام در احرام  
 حکم و فرمان خدای را شاید هر چه را خواست حکم فرماید

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تُحِلُّوا شَعِيرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ  
 وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا ءَامِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَبْتِغُونَ  
 فَضْلًا مِّن رَّبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا  
 يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ أَن صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ  
 أَن تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى  
 الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

۲

ای کسانی که آورید ایمان مگذرید از شعائر یزدان  
 هم ز ماه حرام حرمت دان هم زهدی و قلاند از قربان  
 محترم دار کعبه جویان را خواستاران فضل و رضوان را  
 چون ز احرام آمدید برون نیست جرمی برای صید اکنون  
 گفته‌ی آن گروه ناخرسند که ره کعبه بر شما بستند  
 و ندارد تو را به راه جفایار باشید بهر خیر و تقا  
 هان مباشید یار یکدگر در گناه و ره تعدی و شر  
 بهر دادار متقی باشید به یقین کیفر خداست شدید

حَرَمَتْ عَلَيْكُمْ أَلْمَيْتَةَ وَالْدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنزِيرِ وَمَا أُهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةَ وَالْمَوْقُوذَةَ وَالْمُتَرْدِيَةَ وَالنَّطِيحَةَ وَمَا أَكَلَ السَّبْعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصَبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَمِ ذَلِكُمْ فِسْقٌ الْيَوْمَ يَيسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

ناروا گشت خون و هم مرده خوک و نام خدای نابرده خفه گشته و یا که مرده به چوب مرده از شاخ و از سقوط و ضروب و آنچه را دد خورد مگر آن را ذبح سازید پس به نام خدا و ذبیح بتان و هم از لام این عمل بر شماست جرم و حرام کافرانند این زمان نومیددیتان را خدا کند تأیید پس از ایشان مترس بل از من دیتان گشت کامل و روشن نعمتم بر شما شدست تمام دین گزیدم برایتان اسلام هر که باشد گرسنه و مضطرب به عصیان نداشت میل و نظر [بود ناچار بهر خوردن آن حق بود مهربان و ذو غفران

يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَكُمْ أَلْطَيْبَاتُ وَمَا عَلَّمْتُمْ مِنَ الْجَوَارِحِ مُكَلَّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَاذْكُرُوا أَسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَأَتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ

از تو پرسند چیست حل و روا؟ گو حلال است پاک کل غذا و آنچه آموختید بر حیوان صید را چون سگ شکاری تان یاد دادیدشان از آنچه خدایاد داد از نعیم خود به شما چون نگهداشت بهرتان حیوان یاد آرید نام حق بر آن بهر یزدان شوید با تقوی و شتابان بود حساب خدا

الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ أَلْطَيْبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرِ مُسْلِفِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَسِرِينَ

بر شما هست طیبات روا و آنچه اهل کتاب راست غذا و ز شما هم حلال بر ایشان این چنین حکم می دهد یزدان به زن پارسای مؤمن ناب و زن پارسای اهل کتاب چونکه حقیقت دهید پس باشید پارسایان نه یارگیر و پلید هر که کافر شود به دین خدابه هدر داده کارهایش را و به عقابست از زیانکاران این بود کیفر از خدای جهان

يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا  
وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ  
وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ  
كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُمْ مِنَ الْغَايِطِ  
أَوْ لَمَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا  
فَأَمْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ  
عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَٰكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ  
وَعَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

۵:  
مانده  
۶  
/۱۲۰  
۸۷ر

مؤمنان از برای راز و نیاز چونکه برخاستید بهر نماز  
پس بشویید روی خود مطلق و بشویید دست تا مرفق  
مسح سر را بیاورید به جاو پس آنگاه پا الی مچ پا  
تنتان گر بود ز باه پلیدپس برای نماز غسل کنید  
چونکه باشی مریض یا در راه یا پلیدی رسد ز غایط و باه  
گر نبود آب بهر غسل و وضو پس تیمم بکن به خاک نکو  
مسح کن روی و هر دو دستت راحق نخواهد حرج برای شما  
بلکه خواهد که پاکتان سازد [پس به تطهیر جان بپردازد]  
نعمتش بر شما کند اتمام تا که شاکر شوید بر انعام

وَأذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمِيثَاقَهُ الَّذِي وَاثَقَكُمْ بِهِ  
إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ  
الصُّدُورِ

۷

یاد آرید لطف و فضل خدائیز عهدی که بسته‌اید شما  
گفته بودید [اینکه ستواریم ما شنیدیم و پیروی داریم  
اهل تقوی شوید با یزدان و خدا آگه است از دل و جان

يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوْمِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ  
وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ ءَلَّا تَعْدِلُوا اَعْدِلُوا هُوَ  
اَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

۸

مؤمنان بهر حق شوید سدیدو گواهان به عدل و داد شوید  
کینه دارید اگر که قومی رانشود باعث طریق جفا  
عدل ورزید چونکه عدل شما هست نزدیکتر به راه تقا  
اهل تقوی شوید بهر خداحق به کار شما بود دانا

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ  
وَأَجْرٌ عَظِيمٌ

۹

آن کسانی که آورند ایمان و بود کار خوب با ایشان  
مژده دارد خدای بر آنان لطف و آمرزش و ثواب گران

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ

کافران مکذب آیات یار دوزخ شوند در عرصات

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هُمْ  
قَوْمٌ أَن يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ  
وَأَتَقُوا اللَّهَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

۱۱

ای کسانی که آورید ایمان یاد آرید نعمت یزدان  
خواست قومی که برگشاید دست بر شما لیک دستشان را  
بست  
اهل تقوا شوید با دادار اهل ایمان به حق سپارد کار

وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ  
عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِن أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ  
وَعَاتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَعَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ  
قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ  
جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ  
مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ

۱۲  
حزب  
۴۴  
۸۸ر

و یقینا ز آل اسرائیل عهد بگرفت کردگار جلیل  
برگزید از میانشان دادار از بزرگان دوازده سالار  
گفت حق با شما منم همراه هم ز اعمالتان منم آگاه  
تا نماز خدا به پا سازیدو زکات خدا بپردازید  
به رسولانم آورید ایمان عز و نصرت دهید بر ایشان  
وام نیکو دهید بهر خداتنا کنم عفو سیئات شما  
پس شما را در آورم به جنان زیر اشجارش آبهای روان  
پس از آن گر کسی کند کفران پس به راهی بد است  
سرگردان

فِيمَا نَقَضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً  
يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهَا وَتَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ  
وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ  
عَنْهُمْ وَأَصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

۱۳

پس چو بشکسته اند آن پیمان لعن و نفرین ماست بر ایشان  
سخت گردانده ایم ما دلشان نیز تحریف ساختند بیان  
شد فراموش بهره ها زانان آنچه هم پند بود بر آنان  
دائما بنگری خیانتشان غیر جمعی قلیل از ایشان  
عفو کن درگذر تو از ایشان دوست دارد خدا نکوکاران

وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصْرِي أَخَذْنَا مِيثَقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا  
مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ  
الْقِيَامَةِ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ

از نصارا گرفته شد پیمان پس فراموش گشت بهری از آن  
و آنچه را پند بود بر ایشان پس فکندیم کینه در دلشان  
دشمن هم شدند تا محشر حق دهد زودشان ز کار خبر

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا  
مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ  
جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ

ای گروه کتاب سوی شمایه یقین آمد این پیامبر ما  
تا کند او برای خلق بیان آنچه از نامه کرده اید نهان  
عفو دارد بسی و از یزدان آورد نور و هم کتاب عیان

يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُمُ  
مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ  
مُسْتَقِيمٍ

آنکه رضوان حق گزید مرام حق هدایت کند به راه سلام  
از سیاهی به روشنی گر خواستو هدایت کند به راهی  
راست

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ قُلْ  
فَمَنْ يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ أَنْ يُهْلِكَ الْمَسِيحُ ابْنُ  
مَرْيَمَ وَأُمَّهُ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ  
وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ  
قَدِيرٌ

کافر است آنکه گفت [بی پروا] که مسیح بن مریم است خدا  
گو چه کس را چنین بود یار که کند منع و دخل کار خدا  
گر بخواهد هلاک عیسی و مامو آنچه خلق زمین بود به تمام  
ملک ارض و سما از آن خداست و آنچه مخلوق بین ارض و  
سماست  
هر چه را خواست آفریند نیزو خدا قادر است بر هر چیز

وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصْرَىٰ نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّوهُ ۗ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُم بِذُنُوبِكُمْ ۗ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ ۗ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ ۗ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۗ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ

گفت قوم مسیح و قوم کلیم بر خدا یاوریم و فرزندیم  
گو چرا پس خدایتان به شما می‌دهد کیفر گناهان را  
گو که هستید همچو خلق شامبشری ز آنچه آفرید خدا  
هر که را خواست می‌دهد غفران هر که را خواست می‌دهد  
نیران  
ملک ارض و سما و بینهماست از وی و بازگشت سوی  
خداست

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَىٰ فَتْرَةٍ مِّنَ الرَّسُلِ أَن تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِن بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ ۗ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ ۗ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

ای گروه کتاب سوی شما به یقین آمد این پیامبر ما  
تا بیان دارد از برای تمام فترتی بود این زمان به پیام  
تا نگوید کو نذیر و بشیر آمده سویتان بشیر و نذیر  
و خدا قادر است بر هر کار [پس مابشید بهر حق کفار]

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ ۖ يَقَوْمِ ۖ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ ۖ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَءَاتَاكُمْ مَّا لَمْ يُوْتِ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ

گفت با قوم خود چنین موسی‌یاد آرید لطف یزدان را  
دادتان انبیا و حکم چنان که ندارد کسی ز عالمیان

يَقَوْمِ ۖ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ

و در آید ارض پاکی را که معین شدست بهر شما  
گر به پیشینه روی گردانید در چنان حال اهل خسرانید

قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ وَإِنَّا لَن نَّدْخُلَهَا حَتَّىٰ يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِن يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنَّا دَاخِلُونَ

قوم گفتند اینکه ای موسی قومی اهل ستم بود آنجا  
ما بدانجا نمی‌شویم درون جز که آیند آن گروه برون  
گر که بیرون روند از آنجا در آنجا رویم [بی پروا]

قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخْفَوْنَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِنَّ ۖ ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَانْتِكُمُ غَلِبُونَ ۗ وَعَلَىٰ اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا ۗ إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ

دو نفر زان جماعت ترسان که خدا فضل داد بر آنان  
رای دادند رو کنید به درو در آید با شماست ظفر  
پس توکل کنید بر یزدان گر شما می‌دید پیرو ایمان

قَالُوا يَمُوسَىٰ إِنَّا لَن نَّدْخُلَهَا أَبَدًا مَّا دَامُوا فِيهَا فَادْهَبْ  
أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ

قوم گفتند ما درون نرویم تا به شهرند آن گروه مقیم  
تو و پروردگارت ای موسی بروید از برای جنگ آنجا  
ما همین جا به جای بنشینیم تا که پایان جنگ را ببینیم

قَالَ رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَأَخِي ۖ فَافْرُقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ  
الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ

گفت یا رب بجز برادر من نیست کس بهر [جنگ یاور من  
پس جدایی بیفکن ای یزدان بین ما وین گروه نافرمان

قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ  
فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ

گفت حق شد حرام بر ایشان این دیار و شوند سرگردان  
تا چهل سال پس مباحش غمین بهر این مردم گنه آیین

وَأْتَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقُبِّلَ  
مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ ۗ قَالَ إِنَّمَا  
يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ

و بخوان از برای خلق خبر از دو فرزند آدم آن دو پسر  
گشت قربانی یکی مقبول و از آن دیگری نگشت قبول  
گفت پس می‌کشم ترا گفتا حق پذیرد فقط ز با تقوی

لَئِن بَسَطْتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَّا أَنَا بِبَاسِطٍ يَدِيَ إِلَيْكَ  
لَأَقْتُلَنَّكَ ۗ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

دست آری اگر به کشتن من نکنم دست باز بر کشتن  
می‌هراسم من از خدای جهان حق و پروردگار عالمیان

إِنِّي أُرِيدُ أَنْ تَبُوءَ بِإِثْمِي وَإِثْمِكَ فَتَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ  
وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ

خواهم از درگه خدای احدکه گناه من و تو بر تو رسد  
پس شوی زین گنه به آتش یارو آن بود کیفر ستم کردار

فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ وَ قَتَلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ ۗ فَأَصْبَحَ مِنَ  
الْخَاسِرِينَ

پس بکشت او برادرش آسان شد از این کار از زینکاران

فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ ۗ كَيْفَ يُورِي  
سَوْءَةَ أَخِيهِ ۗ قَالَ يُؤَيِّلَتِي ۙ أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا  
الْغُرَابِ فَأُورِيَ سَوْءَةَ أَخِي ۗ فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ

پس کلافی خدای کرد گزین جستجو گر در آن دیار و زمین  
تا دهد بهر او نشان که چسان پیکر کشته را کند پنهان  
گفت ای وای بر من [بیتاب عاجزم تا شوم به مثل غراب  
دفن سازم تن برادر را پس پشیمان شد [از گناه و خطا]



مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا  
بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا  
وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ  
رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ بَعَدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ  
لَمُسْرِفُونَ

و از آن بهر آن اسرانیل شد معین چنین برای قتل  
گر کسی را کشند از بیدادیا که روی زمین کنند فساد  
گویا کشته‌اند جمع کسان وین چنین کار زنده کردنشان  
گر کسی را ز مرگ داد نجات به همه خلق داده است حیات  
بس رسولان که داشتیم گسیل همه را بینات بود و دلیل  
چه بسا بعد از آن به ارض خدا اهل اسراف بوده‌اند و جفا

إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي  
الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ  
وَأَرْجُلُهُمْ مِّنْ خَلْفٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ  
فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ

آنکه جنگید با خدا و نبی‌بهر افساد ارض شد سعی  
کیفرش قتل و دار و تبعید است قطع کردن خلاف پا و دو  
دست  
این به دنیاست ذلت ایشان و به عقابست هم عذاب گران

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِن قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَاعْلَمُوا أَنَّ  
اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

جز که تائب شوند و رو گردان نه پس از دستگیری آنان  
پس بدانید اینکه با ایشان حق بود مهربان و ذو غفران

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ  
وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

ای کسانی که آورید ایمان اهل تقوا شوید با یزدان  
و به سویش وسیله‌ای جویید [و ره اولیای حق پویید]  
و به راه خدا به جنگ روید شاید ای قوم رستگار شوید

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ  
مَعَهُ لَيَفْتَدُوا بِهِ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَا تُقْبَلُ مِنْهُمْ  
وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

گر متاع زمین دو چندان بودو آنهمه بهر اهل کفران بود  
و همه چیز را فدا بدهند از عذاب گه جزا نرهند  
نپذیرد خدای حی و علیم بهر ایشان بود عذاب الیم

يُرِيدُونَ أَنْ يُخْرِجُوا مِنَ النَّارِ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنْهَا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ

آرزو مانده است بر دلشان که بر آیند از دل نیران و نگردند خارج از آن نار بهر آنان عذاب شد ستوار

وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

قطع کن دست دزدها یکسر این بود بر گناهشان کیفر این عقوبت بود ز سوی خدا و خدا هست قادر و دانا

فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

ظالم ار توبه کرد بعد جفا و نکو ساخت کرده‌ی خود را توبه‌اش را کند قبول خدا حق بود غافر و عطا بخشا

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَعْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

تو ندانی مگر کز آن خداست آنچه در پهنه‌ی زمین و سماست هر که را خواست می‌دهد کیفر هر که را خواست بخشد آن داور و خدا قادر است بر هر کار [از خدا جوی نیکی کردار]

يَأْتِيهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنكَ الَّذِينَ يُسْرِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَّعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَّعُونَ لِقَوْمٍ ءَاخِرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هَذَا فَخُذُوهُ وَإِنْ لَمْ تُؤْتُوهُ فَاَحْذَرُوا وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنْ اللَّهِ شَيْئًا أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يُطَهِّرَ قُلُوبَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ

ای پیامبر مشو غمین ز آنان که شتابند در ره کفران هست ایمانشان به لفظ و بیان و نگشتند مؤمن از دل و جان از بیهودند جمع کذب نبیوش داده بر قول جمع دیگر گوش که نیابند نزد تو خرسند سخن از جای خویش گردانند و بگویند اگر که گفتند آن‌پس بگیرد گوش از دل و جان و نیارند آن سخن به زبان دور باشید از چنان سخنان هر که را حق به فتنه کرد دچار کیست آنکو ز حق ستاند کار؟ آن کسان را نخواست رب جهان تا که تطهیرشان کند دل و جان هم به دنیاست ذلت از ایشان هم به عقبا بود عذاب گران

سَمَّعُونَ لِلْكَذِبِ أَكْثَرُونَ لِلسُّحْتِ فَإِنْ جَاءُوكَ فَأَحْكُمْ  
بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ<sup>ط</sup> وَإِنْ تَعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرُّوكَ  
شَيْئًا<sup>ط</sup> وَإِنْ حَكَمْتَ فَأَحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ  
الْمُقْسِطِينَ

۵:  
مانده  
۴۲  
/۱۲۰

سخت خواران و قوم کذب نبوش چون ببیند سوی تو [به  
خروش  
یا بکن داوری و حکم بخوان یا که اعراض داری از ایشان  
ور که اعراض داری از ایشان نرسانند بر تو هیچ زیان  
در قضاوت به داد ده فرمان و خدا هست یار دادگران

وَكَيفَ يُحْكِمُونَكَ وَعِنْدَهُمُ التَّوْرَةُ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ ثُمَّ  
يَتَوَلَّوْنَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ

۴۳

داوری خواستند از تو چرا؟ چونکه تورات هست آنان را  
حکم یزدان دروست گردانند پس از آن روی خود بگردانند  
نیست از بهر این گروه ایمان وین چنین مانده اند در کفران

إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ  
الَّذِينَ اسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا  
اسْتَحْفَظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا  
النَّاسَ وَآخِشُوا وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَمَنْ لَمْ  
يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ

۴۴  
۹۲

ما فرستاده ایم عهد عتیق زوست نور و هدایت و تحقیق  
باز گفتند زان کتاب احکام انبیا کاوریده اند اسلام  
بهر قوم یهود در کردار نیز ربانیون و هم احبار  
گر کتاب خدا نگهدارند خویشتن را بر آن گواه آرند  
پس مترس از کس و بترس از من مده آیات با قلیل ثمن  
آنکه حاکم نشد به ما انزل اوست از جمع کافران به عمل

وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ  
وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ  
قِصَاصٌ<sup>ج</sup> فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ ۖ فَهُوَ كَفَّارَةٌ<sup>لَهُ</sup> وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ  
بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

۴۵

ما نوشتیم بهر ایشان آن چشم با چشم هست و جان با جان  
انف انف است و گوشها آذان نیز دندان برابر دندان  
و برای جروح هست قصاص هر که خواهد رسد به کار تقاص  
گر که راضی شود به کفاره فدیه باشد به کار او چاره  
هر که حاکم نشد به ما انزل اوست از جمع ظالمان به عمل

وَقَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَرِهِمْ بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَعَاتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ

عیسی مریم از پی آثار ما فرستاده ایم بر هشدار بود در نزد آن نبی تصدیق از کتاب قدیم عهد عتیق داده ایم از برای او انجیل اوست نور خدای رب جلیل و به تورات شد گواه همان رهنمایی و پند متقیان

وَلِيَحْكُمَ أَهْلَ الْإِنجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ

اهل انجیل بایدش فرمانز آنچه نازل شدست از یزدان و آنکه حاکم نشد به ما انزل اوست از جمع فاسقان به عمل

وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَا جَاةٌ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَٰكِن لِّيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ

و به حق [ای پیامبر مرسل شد کتاب از خدا به تو منزل اوست تصدیق نامه‌ی پیشین و بر آن شد محافظ از آیین پس تو در دینشان بده فرمانز آنچه نازل شدست از یزدان و مکن پیروی تو از اهوکه بمانی از آنچه داده خدا داده ام بهر هر کسی دینی بهر هر قوم شرع و آیینی امتی واحد از خدا می‌خواست همه را می‌نمود یک ره راست تا شوید آزمون به داده‌ی او بشتابید سوی کار نکو بازگشت شماست سوی خدا و کند بر خلافتان دانا

وَأَن اِحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَأَحْذَرَهُمْ أَن يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِن تَوَلَّوْا فَاعْلَمْنَا أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَن يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ

داوری کن به نامه‌ی یزدان و مشو پیرو دل ایشان حذر از فتنه‌هایشان کز آن دور گردی ز گفته‌ی یزدان و بر بیچند سر بدانکه خدا خواست بر جرمشان عقوبتها بسی از مردمند نافرمان بهر فرمان قادر سبحان

أَفْحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ

این جماعت به داوری آیا؟ خواستارند جاهلیت را کیست در حکم بهتر از یزدان بهر قومی که آورند ایمان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَرَىٰ أَوْلِيَاءَ  
بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ  
اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

بر مگیر ای گروه ایمانی اولیا از یهود و نصرانی  
اولیای همد در آیین زان گروهید اگر کنید چنین  
رهنمایی نمی کند دادار بهر قومی که شد ستم کردار

فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسْرِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ  
نَحْشَىٰ أَنْ تُصِيبَنَا دَآئِرَةٌ فَعَسَىٰ اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ  
مِّنْ عِنْدِهِ فَيُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا أَسْرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ نَدِمِينَ

جمعی آزار هست در دلشان می شتابند جانب ایشان  
در هراس از گزند تا شاید فتح و امری ز سوی حق آید  
پس پشیمان شوند و رو گردان ز آنچه در جان خود کنند  
نهان

وَيَقُولُ الَّذِينَ ءَامَنُوا أَهَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ  
أَيْمَانِهِمْ إِنَّهُمْ لَمَعَكُمْ حَبِطَتْ أَعْمَلُهُمْ فَأَصْبَحُوا  
خَاسِرِينَ

مؤمنان از چنین کسی گویند آنکه ابرام داشت در سوگند  
که منم با شما قسم به خدا چون شد اعمال او به باد فنا  
و شد از دسته ی زینکاران وین چنین اند در ره خسران

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَن دِينِهِ فَسَوْفَ  
يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ  
عَلَى الْكٰفِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ  
لَآئِمٍ ذَٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

مؤمنان هر که بازگشت از دین زود آرد خدای قوم گزین  
این گروهند دوستدار خدا و خدا دوست دارد ایشان را  
مؤمنان را فروتنی دارند بهر کفار سخت و دشوارند  
در ره حق مجاهدند به جان نیستند از ملامتی ترسان  
فضل حق است هر کسی را خواست و خداوند واسع و  
دانا است

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ  
الصَّلٰوةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكٰوةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ

شد ولی شما خدا و رسول و کسانی که دین کنند قبول  
آن اقامه کنندگان صلاه در رکوعند معطیان زکوه

وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ  
الْغَالِبُونَ

یار حق و رسول و مؤمن دین هست پیروز حزب حق به یقین

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ  
هُزُوعًا وَلَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَالْكَفَّارَ  
أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ

مؤمنان از جماعت کفار هم ز اهل کتاب مسخره کار  
آنکه بگرفت دین حق بازی هان مبدا که یار خود سازی  
اهل تقوی شوید با یزدان گر که دارید بهر حق ایمان

وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوعًا وَلَعِبًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ

چون ندا در دهید بهر نماز سرخه گیرند لهو و لعب و مجاز چون چنین مردمی نیندیشند [اهل لهوند و مسخره کیشند]

گو به اهل کتاب داری کین بهر ما که خدا به ماست یقین نیز تنزیل این زمان و ز پیش‌بیشتر فاسقید و عصیان کیش

۵۹

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ هَلْ تَنقِمُونَ مِنَّا إِلَّا أَنْ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلُ وَأَنَّ أَكْثَرَكُمْ فَاسِقُونَ

۶۰

قُلْ هَلْ أَنْبِئُكُمْ بِشَرِّ مِّنْ ذَلِكَ مَثُوبَةً عِنْدَ اللَّهِ مَن لَعَنَهُ اللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمْ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتِ أُولَئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضَلُّ عَن سَوَاءِ السَّبِيلِ

کنم آگاهتان که نزد خدا کیست بدتر به کیفر و به جزا؟ آنکه مغضوب حق شد و ملعون و انکه ممسوخ گشت چون میمون چون پرستد بتان و هم شیطان‌بدترین جا برای اوست مکان نیز گمراه‌ترین خلق خداست از چنین کار گم شد از ره راست

۶۱

وَإِذَا جَاءُوكُمْ قَالُوا ءَامَنَّا وَقَدْ دَخَلُوا بِالْكُفْرِ وَهُمْ قَدْ خَرَجُوا بِهِ ؕ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا كَانُوا يَكْتُمُونَ

چون بیایند سویتان به زبان آن گروهند پیرو ایمان شده در دین حق به کفر درون هم به کفر آمدند زان بیرون هست آگاه‌تر خدای جهان ز آنچه این قوم می‌کند کتمان

۶۲

وَتَرَى كَثِيرًا مِّنْهُمْ يُسْرِعُونَ فِي الْأَثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتِ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

بینی از بینشان گروهی راکه شتابند در گناه و جفا قوت ایشان بود خوراک حرام‌بد بود آنچه می‌دهند انجام

۶۳

لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ عَن قَوْلِهِمُ الْأَيْمَانَ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتِ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ

از چه ربانیان و هم احبار می‌نکردند نهیشان زان کار؟ از سخنهاى اثم و اكل حرام‌بد بود آنچه می‌دهند انجام

۶۴

وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلَعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا وَالْقِيَامَةَ بَيْنَهُمُ الْعَدَاةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ

گفت قوم یهود دست خداست بسته بل بسته قدرت آنهاست هر که گفت این کلام ملعون است از خداوند باز هست دو دست هر که را خواست می‌کند احسان‌گشت نازل به سوی تو قرآن وان جماعت فزود بر کفران‌پیشتر رفت در ره طغیان بین آنان عداوت و بغض‌اما فکندیم تا به روز جزا چون بر افروختند نار غزا کرد خاموش آن لهیب خدا و بکوشند در ره افساد‌نیست حق دوستدار اهل فساد

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ  
سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأَدْخَلْنَاهُمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ

گر که مؤمن شوند اهل کتاب اهل تقوی شوند و خیر و صواب پس گناهانشان ببوشانیم و در آریمشان به باغ نعیم

وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِن تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ

گر به عهد عتیق و عهد جدیدو آنچه از حق به سویشان برسید بهره اجرا شوند پا بر جابر خورند از نعیم ارض و سما بعض ایشان میانه رفتارند و از ایشان بسی تبهارند

يَأْتِيهَا الرُّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ  
فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا  
يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ

ای پیامبر به مردمان برسان آنچه بر تو رسید از یزدان و نکردهای ندادهای انجام از خداوند خویش امر پیام شد نگهدارت از کسان دادار حق هدایت نمیکنند کفار

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى تُقِيمُوا التَّوْرَةَ  
وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا  
مِنْهُمْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا فَلَا تَأْسَ عَلَى  
الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ

ای پیامبر بگو به اهل کتاب بهرتان نیست هیچ خیر و صواب جز که عهد عتیق و عهد جدیدو آنچه از حق بسویتان برسید پای دارید و پاس دارید آن گشت نازل به سوی تو قرآن وین جماعت فزود بر کفران پیشتر رفت در ره طغیان پس تأسف مخور تو بر کفار [که به خشم خدا شوند دچار]

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِغُونَ وَالنَّصْرَىٰ مَنْ  
ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ  
وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

از یهود و گروه ایمانی صابئین و ز گروه نصرانی هر که شد مؤمن خدا و جز او نکوکار بود در دنیا نیست حزن و هراس بر ایشان نه به دنیا و نه باغ جنان

لَقَدْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَارْسَلْنَا إِلَيْهِمْ رَسُولًا قُلْنَا  
إِذَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنْفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا  
يَقْتُلُونَ

عهد بستند آل اسرائیل سویشان انبیا شدند گسیل چون پیامد رسول بر ایشان بر خلاف هوای خاطرشان گاه تکذیب کرده اند او را گاه کشتند [آن سخنگو را]

وَحَسِبُوا أَلَّا تَكُونَ فِتْنَةً فَعَمُوا وَصَمُوا ثُمَّ تَابَ اللَّهُ  
عَلَيْهِمْ ثُمَّ عَمُوا وَصَمُوا كَثِيرٌ مِّنْهُمْ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا  
يَعْمَلُونَ

و بلا را نداشتند گمان پس کر و کور شد بسی زانان  
و خدا کارهایشان بیند[گر که نیک آورند یا از بد]

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَقَالَ  
الْمَسِيحُ يَبْنِي إِسْرَائِيلَ أَعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَن  
يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا  
لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ

کفر ورزید آنکه شد گویاکه مسیح بن مریم است خدا  
گفت عیسی به آل اسرائیل پیوستید حق و رب جلیل  
آنکه رب من است و رب شماور کسی شرک داشت بهر خدا  
حق کند جنتش به وی تحریم و به عقباست در جحیم مقیم  
[در قیامت درون دوزخ و نار] نیست بهر ستمگران انصار

۷۲

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا  
إِلَهُ وَاحِدٌ وَإِن لَّمْ يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ  
كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

آنکه تثلیث باشدش ایمان در حقیقت به حق کند کفران  
نیست معبود جز خدای احدگر به پایان چنین سخن ترسد  
کافران را بود عذاب الیم در قیامت به دوزخند مقیم

۷۳

أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَهُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

نمی آرند توبه ای آیا؟ یا بخواهند مغفرت ز خدا  
هست رب جهان غفور و رحیم توبه آرید بر خدای کریم

۷۴

مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ  
وَأُمُّهُ وَصِدِّيقَةٌ كَانَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ أَنْظِرْ كَيْفَ نُبَيِّنُ  
لَهُمُ الْآيَاتِ ثُمَّ أَنْظِرْ أَلَيْ يُؤْفَكُونَ

نیست عیسی بجز رسول هدایش از او بود انبیای خدا  
مام او راستگوی بود مدام و آندو می خورده اند قوت و طعام  
می نگر چون بیان کنیم آیات و کجا کج برنشان به حیات

۷۵

قُلْ أَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا  
نَفْعًا وَاللَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

گو بجز حق پرستش چه کنید؟ که نباشد مضر و نیست مفید  
آنکه بشنید هر کلام خداست و به اعمال مردمان داناست

۷۶



قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ

گو به اهل کتاب بی آیین نشوید از غلات در آن دین و مباحثید پیروان هوی مردمانی ز پیش گمره را که بسی خلق را برد از راه از ره راست گشته نا آگاه

لَعْنَةُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ

ز آل یعقوب کافران را بود لعن عیسی بن مریم و داود ز انکه بودند در ره عصیان سرکشی داشتند از یزدان

كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ

نکشیدند دست از منکر آنچه کردند بود زشتی و شر

تَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ

بینی از بین این کسان بسیار که بگیرند دوست از کفار بد بود آنچه می کند تقدیم جانشان بهر آن گروه اثم قهر و خشم خداست آنان را جاودانند در عذاب خدا

وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالنَّبِيِّ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوهُمْ أَوْلِيَاءَ وَلَٰكِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ فَسِقُونَ

گر یقین داشتند حق و رسول و آنچه را سوی او شدست نزول نگرفتند اولیا ز آنان لیک از ایشان بسی است نافرمان

لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ ءَامَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصْرَىٰ ذَٰلِكَ بَأَنَّ مِنْهُمْ قِسِيَسِينَ وَرَهْبَانًا وَآنَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ

اهل شرک و یهود مؤمن راهست دشمن ترین دشمنها و بیا بی محبت انصار بین نصرانیان خوش رفتار چون کشیشان و راهبان دارندوز تکبر همیشه بیزارند

وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَىٰ أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا ءَأَمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ

چون شنیدند آنچه یافت نزول آیه‌های خدا به سوی رسول پر کند اشک چشم ایشان راز آنکه حق را شناختند به جا پس بگویند مؤمنیم خدا از گواهان حساب کن ما را

وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَنَطْمَعُ أَنْ يُدْخِلَنَا رَبَّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ

و چرا ما نیاوریم ایمان به خدا و آنچه آید از یزدان دوست داریم حق برد ما رادر میان جماعت صلحا

فَأَثَبَهُمُ اللَّهُ بِمَا قَالُوا جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ

اجرشان داد حق بسی بستان زیر اشجارش آبهای روان پس مقیمند جاودانه در آن این جزا هست با نکوکاران

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ

کافران مکذب آیات یار نارند جمله در عرصات

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تُحَرِّمُوا طَيِّبَاتٍ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ

مؤمنان پاکها مکن تحریم آنچه دارد حلال رب کریم و مباشید در ره عدوان نیست مهرش به سرکشان یزدان

وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِءِ مُؤْمِنُونَ

بخورید آنچه داده است خدارزق پاک و حلال بهر شما اهل تقوی شوید با یزدان که شما را به او بود ایمان

لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَٰكِنْ يُؤَاخِذُكُم بِمَا عَقَدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَّرْتُهُ وَإِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسْكِينٍ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَٰلِكَ كَفَّرَةٌ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ ءَايَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

حق نگیرد گناه بهر شما قسم لغو را که گشته ادا و مؤاخذ شود اگر که قسم بود با اعتقاداتان توأم فدیهای شد غذای ده درویش از طعام وسط به خانه‌ی خویش یا لباس است یا بود تحریرور نیابی سه روز روزه بگیر پس قسم را نگاه دار درست که در آن سود زندگانی توسط حق کند آیه‌های خویش بیان تا که شاکر شوید بر یزدان

يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْحُمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ  
وَالْأَزْلَمُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ  
تُفْلِحُونَ

مؤمنان خمر و میسر است حرام نیز انصاب بازی و از لام  
کار اهریمن است و هست پلیدالحدز تا که رستگار شوید

إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي  
الْحُمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ  
فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ

دیو خواهد عداوت و بغضادر شراب و قمار بهر شما  
و کند دورتان ز ذکر و نمازدست آیا کشید از آنها باز؟

و مطیع خدای باش و رسول و حذر کن که رد کنی و نکول  
پس بدانید بر رسول امین نیست تکلیف جز بلغ مبین

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأَحْذَرُوا فَإِن تَوَلَّيْتُمْ  
فَاعْلَمُوا أَنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلْغُ الْمُبِينُ

نیست بر مؤمنان نیکوکارگنهی گر شوند برخوردار  
از طعام و شوند با تقوا اهل ایمان شوند و از صلحا  
اهل تقوا شوند و با ایمان باز تقوا کنند و هم احسان  
دوست دارد خدا نکوکاران

لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا  
طَعَمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا  
وَءَامَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

ای کسانی که آورید ایمان  
میکنند امتحانتان بزدان از شکاری که می رسید به آن  
یا به دست و به تیر و نیزه رسد که چه کس در نهان از او  
ترسد  
گر تجاوز کند سپس [ز حریم بهره ی او بود عذاب الیم

يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِيَلْبُوتَكُمْ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِّنَ الصَّيْدِ  
تَنَالَهُ أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَخَافُهُ  
وَالْغَيْبِ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ

يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ وَمَن  
قَتَلَهُ مِنكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ  
يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ هَدِيًّا بَلِغَ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَرَةً  
طَعَامٌ مَسْكِينٍ أَوْ عَدْلٌ ذَلِكِ صِيَامًا لِّيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِهٖ  
عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ  
عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ

مؤمنان بر شما شدست حرام کشتن هر شکار در احرام  
ور به عمدا کشید کفارهمثل حیوان بر او بود چاره  
و دو عادل بود بر او شاهدتا به شهر خدا شود وارد  
یا که اطعام مردم مسکین یا صیامی بود معادل این  
تا چشد از عقوبت کارش بگذرد از گذشته دادارش  
هر که برگشت انتقام خداشامل اوست بهر کیفرها  
و خدا هم عزیز و منتقم است گر که از جرم بر ندارد دست

أَحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَعًا لَكُمْ وَلِلسَّيَّارَةِ  
وَحُرْمَ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرْمًا وَاتَّقُوا اللَّهَ  
الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

صید دریا حلال بهر شماست و طعام شما و قافله‌هاست  
هر زمانی که بسته‌اید احرام بهر تان صید خشکی است حرام  
اهل تقوی شوید بهر خدا و به سوی خداست حشر شما

جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَمًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ  
الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَالْقَلْبَدَّ ذَلِكُمْ لِيَتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا  
فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

و خدا ساخت کعبه بیت حرام و به خلق جهان محل قوام  
ماه عز و قلاند و هدی است محترم کش نبود و نیست  
شکست  
تا بدانید عالم است خدا آنچه را هست در زمین و سما  
و خدا آگه است از همه چیز [وز همه کار بندگانش نیز]

أَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ وَأَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

و بدان کیفر خداست شدیدهم غفور و رحیم رب مجید

مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا  
تَكْتُمُونَ

نیست بهر نبی بجز ابلاغ پس بیان کن علی الرسول بلاغ  
هست آگاه کردگار جهان‌گر که ظاهر کنید یا پنهان

قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ  
الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

گو که پاک و پلید نیست و حیدور شگفت آیدت و فور پلید  
تا شوی رسته‌ای تو اهل ده‌باش پرهیزکار بهر خدا

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءَ إِنْ تُبَدَّ لَكُمْ  
تَسْؤُكُمْ وَإِنْ تَسْأَلُوا عَنْهَا حِينَ يُنزَلُ الْقُرْءَانُ تُبَدَّ  
لَكُمْ عَفَا اللَّهُ عَنْهَا وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ

زان می‌رس ای گروه با ایمان که شود گر عیان بد آیدتان  
گر بی‌رسید از آن گه تنزیل می‌شود بهر تان عیان به دلیل  
بگذرد حق ز کرده‌های شما حق بود غافر و گنه بخشا

قَدْ سَأَلَهَا قَوْمٌ مِّن قَبْلِكُمْ ثُمَّ أَصْبَحُوا بِهَا كَافِرِينَ

قوم قبل از تو هم چو پرسیدند بعد از آن کار کفر ورزیدند

مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ  
وَلَكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ  
وَأَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ

حق ندارد بحیره‌ی نامی سائبه یا وصیله یا حامی  
کذب بستند بر خدا کفار اکثرند این گروه ناهشیار

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا  
حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَّلًا كَانِ آبَاؤُهُمْ لَا  
يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ

هر زمان گفته شد کنید قبول آنچه حق آورد به سوی رسول  
گفته‌اند اینکه هست بس ما را یافتها از طریقه‌ی آبا  
گر چه آبائشان نبود آگاه و هدایت نیافتند به راه

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَن  
ضَلَّ إِذَا أَهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فِينبئُكُمْ  
بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

مؤمنان خویش را بدار نگاه‌نرساند به تو زیان گمراه  
چونکه ره یافتی به سوی خدا سوی حق است بازگشت شما  
کند آگاهتان ز کار خدا آنچه انجام می‌دهید شما

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا شَهَدَةُ بَيْنِكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدُكُمْ  
الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ أَوْ ءَاخِرَانِ  
مِنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصَبْتَكُمْ  
مُصِيبَةُ الْمَوْتِ تَحْسُونَهُمَا مِنْ بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيُقْسِمَانِ  
بِاللَّهِ إِنْ أُرْتَبْتُمْ لَا نَشْتَرِي بِهِ ثَمَنًا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَلَا  
نَكُتُمْ شَهَدَةَ اللَّهِ إِنَّآ إِذَا لَمِنَ الْأَيْمِينَ

مؤمنان چون رسد یکی را موت پیش از آن یا در آستانه‌ی  
فوت  
بر وصیت دو عادل آگاه‌باید از خویش یا ز غیر گواه  
گر که مرگش رسد به وقت سفرجوی بعد از نماز آن دو نفر  
پس قسم می‌خورند بهر خداندهند اعتقاد خود به بها  
گر چه باشد منافی پنهان‌زان گواهی برای نزدیکان  
و گواهی ز حق مکن کتمان‌ور نه باشی تو از گنهکاران

فَإِنْ عَثَرَ عَلَىٰ أَنَّهُمَا اسْتَحَقَّا إِثْمًا فَءَاخِرَانِ يُقْرَمَانِ  
مَقَامَهُمَا مِنَ الَّذِينَ اسْتَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْأَوْلِيَانِ فَيُقْسِمَانِ  
بِاللَّهِ لَشَهَدَتُنَا أَحَقُّ مِنْ شَهَدَتَيْهِمَا وَمَا أَعْتَدْنَا إِنَّآ إِذَا  
لَمِنَ الظَّالِمِينَ

ور که گردند مرتکب به گناه‌پس بیاور بجایشان دو گواه  
وان دو اولی قسم خورند به حق‌کاین دو در این گواهیند  
احق  
و نباشند در ره عدوان‌ور نه باشند از ستمکاران

ذَٰلِكَ أَدَّبْنَا أَن يَأْتُوا بِالشَّهَدَةِ عَلَىٰ وَجْهٍ أَوْ يَخَافُوا أَن تُرَدَّ  
أَيْمَانُ بَعْدَ أَيْمَانِهِمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَسْمَعُوا اللَّهَ لَا يَهْدِي  
الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ

به بود گر به حق گواه شوندو به سوگند رد شود سوگند  
اهل تقوی شو و شنو که خدارهنما نیست قوم فاسق را

يَوْمَ يَجْمَعُ اللَّهُ الرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَا أُجِبْتُمْ قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا  
إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّمُ الْغُيُوبِ

حق کند جمع چون رسولان را که چه دادند پاسخی به شما  
پس بگویند نیست علم به ما تو هستی ز غیبه‌ها دانا

إِذْ قَالَ اللَّهُ يٰعِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ  
وَالِدَتِكَ إِذْ أَيَّدتُّكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ  
وَكَهَلًا وَإِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ  
وَالْإِنْجِيلَ وَإِذْ تَخَلَّقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي  
فَتَنْفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي وَتُبْرِئُ الْأَكْمَةَ  
وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِي وَإِذْ كَفَفْتُ بَنِي  
إِسْرَائِيلَ عَنْكَ إِذْ جِئْتَهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا  
مِنْهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ

گفت پروردگار با عیسی‌یاد کن نعمتم که بود ترا  
نیز مامت [که بود پاک و سعید] شد ز روح القدس ترا تأیید  
و سخن گفته‌ای به مردم سهل‌گانه در مهد و گاه هم در کهل  
یاد دادت کتاب رب جلیل هم ز تورات و حکمت و انجیل  
آفریدی ز گل یکی پیکرهمچو مرغی به قدرت داور  
پس دمیدی در آن به اذن خداگشت مرغی ز مرغهای هوا  
و شفا داده‌ای به اذن خداهم به پیس و به کور مادرزا  
مرده کردی برون به اذن خداوز تو کردم به دور کید و بلا  
آل یعقوب هر چه داشت جفاچون بیاوردی آیه‌های خدا  
کافران زان گروه نافرمان‌پس بگفتند هست سحر عیان

وَإِذْ أَوْحَيْتُ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ أَنْ ءَامِنُوا بِي وَبِرَسُولِي قَالُوا  
ءَامِنًا وَأَشْهَدُ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ

به حواری بدادم این فرمان به رسول و من آورید ایمان  
پس بگفتند مؤمنیم آنگاه‌بهر اسلام ما تو باش گواه

إِذْ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ يٰعِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ  
أَنْ يُنَزِّلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ قَالُوا اللَّهُ إِنْ  
كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

کرد پرسش حواری از عیسی‌هست این شیوه در توان خدا  
که فرستد برای ما ز سماخوانی آراسته ز قوت و غذا  
گفت تقوا کنید بهر خدا اگر از مؤمنین شدید شما

قَالُوا نُرِيدُ أَنْ نَأْكُلَ مِنْهَا وَتَطْمَئِنَّ قُلُوبُنَا وَنَعْلَمَ أَنْ قَدْ  
صَدَقْتَنَا وَنَكُونَ عَلَيْهَا مِنَ الشَّاهِدِينَ

پس بگفتند ما بخواهیم آن‌تا خوریم از خوراکی آن خوان  
بعد از اینها قرار در دل ماست و بدانیم اینکه گویی راست  
و بر این کار تو شویم گواه و نباشیم بعد از آن گمراه

قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ  
السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِنْكَ  
وَأَرْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ

گفت عیسی به حق که یا رباخوان فرست از برای ما ز سما  
تا بود عید خرمی ما را بر نخستین ما و آخر ما  
رزق ما بخش و این ز توست نشان و تو هستی بهینه رزق  
رسان

قَالَ اللَّهُ إِنِّي مُنَزَّلُهَا عَلَيْكُمْ فَمَنْ يَكْفُرْ بَعْدُ مِنْكُمْ  
فَإِنِّي أُعَذِّبُهُ عَذَابًا لَّا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ

گفت حق این غذا فرستمتان هر که کافر شد از شما پس از  
آن  
پس عذابش کنم عذاب چنان که نبودست بهر عالمیان

وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَعْيسَى ابْنُ مَرْيَمَ مَا أَنتَ لِلنَّاسِ  
أَخْذُونِي وَأُمِّي إِلَهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالَ سُبْحَانَكَ مَا  
يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقِّ إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ  
عَلِمْتَهُ تَعَلَّمَ مَا فِي نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ  
أَنْتَ عَلَّمُ الْغُيُوبِ

گفت یزدان به حضرت عیسی این تو گفتی به مردمان آیا؟  
که بجز حق مرا و مام مرا برگزینید بهر خویش خدا  
گفت پاکی تو ای خدای امم تتوانم من این سخن گویم  
گر بگویم چنین سخن دانی و آنچه باشد به جان من دانی  
من نمی دانم آنچه هست ترا و تو هستی به غیبهها دانا

مَا قُلْتَ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي  
وَرَبَّكُمْ وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا  
تَوَفَّيْتَنِي كُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ  
شَهِيدٌ

من نگفتم برایشان الا آنچه فرمان دهی به آن تو مرا  
که عبادت کنید بهر خدای و پروردگار ما و شما  
بوده ام من گواه بر آنان ز آنچه بودم میانهی ایشان  
چون مرا برده ای مرا قبشان این تویی ای گواه کل جهان

إِنْ تُعَذِّبُهُمْ فَإِنَّهُمْ عَبَادُكَ وَإِنْ تُعْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ  
الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

بنده اند از عذاب فرمایی و بربخشی قدیر و دانایی

قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمُ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ  
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ  
عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

سخن صادقان خدا فرمود دارد امروز بهر آنان سود  
هست از بهرشان بسی بستان زیر اشجارش آبهای روان  
پس مقیمند جاودانه در آن و خدا هست راضی از ایشان  
این گروهند راضی از یزدان آن بود بهر خلق فوز کلان

لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ  
قَدِيرٌ

ملک ارض و سما از آن خداست نیز از اوست آنچه در  
آنهاست  
او توانا بود به هر کاری نیست جز او قدیر و قهاری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ  
وَالنُّورَ ۗ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ

۱  
۱۰۲۲

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا ۗ وَأَجَلٌ مُّسَمًّى  
عِنْدَهُ ۗ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ

۲

وَهُوَ اللَّهُ فِي السَّمَوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ  
وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ

۳

وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا  
مُعْرِضِينَ

۴

فَقَدْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا  
كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ

۵

أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَكَّنَّاهُمْ فِي  
الْأَرْضِ مَا لَمْ نُمَكِّنْ لَكُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ  
مِدْرَارًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ  
بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ

۶

وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالَ  
الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ

۷

وَقَالُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ ۖ وَلَوْ أَنْزَلْنَا مَلَكَ لَقُضِيَ الْأَمْرُ  
ثُمَّ لَا يُنظَرُونَ

۸

هر چه حمد است هست از آن خدا آن کسی کافرید ارض و  
سما  
تاری و روشنی است زان قادرپس شریک آورد به حق کافر

از گل آوردتان پدید خدامهلتی پس گذاشت بهر شما  
مهلت قطعی است نزد خدایاز هم شبهه‌ای است بهر شما؟

اوست پروردگار ارض و سما عالم سرّ و آشکار شما  
و آنچه را کسب می‌کنید شما هست بر آن خبیر و هم دانا

نرسد آیه‌ی خدا به کسان جز که آنان شوند رو گردان

چونکه حق می‌رسد سوی ایشان آن جماعت شوند منکر آن  
زود آگه کنند آنان را آنچه را داشتند استهزا

نشنیدند پیش از آنان هم‌مکتبی بوده است در عالم  
که نبودست آن برای شما و فرستاده‌ایم هم ز سما  
شد پیایی بر ایشان باران و نهادیم نهرهای روان  
از گناهان هلاکشان سازیم پس به قرنی دگر بپردازیم

گر فرستیم نامه‌ای مکتوب و بساوند با دو دستان خوب  
گوید آن کس که هست بی‌ایمان نیست این هیچ غیر سحر  
عیان

و بگویند اگر بود ملکی بر تو نازل نمی‌کنیم شکی  
گر ملک هم بیاورد یزدان گذرد کار و نیست مهلتشان



وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا لَجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَلَلَبَسْنَا عَلَيْهِم مَّا يَلْبَسُونَ

گر که او را فرشته‌ای سازیم همچو یک آدمی بپردازیم و بپوشد از آنچه خود پوشند [از چه در کار کافری کوشند]

۱۰

وَلَقَدْ أَسْتَهْزِئُ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ

پیش از تو بسی رسولان را بود از سوی خلق استهزا پس گریبان گرفت آنان را آنچه را داشتند استهزا

۱۱  
۱۰۳

قُل سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ أَنْظِرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ

گو بگرد این زمین و بین به جهان چیست بهر مکذبان پایان

۱۲

قُل لِّمَن مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قُل لِّلَّهِ كَتَبَ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

از که هست آنچه در زمین و سماست گو که ارض و سما از آن خداست کرد مکتوب بهر خویش و دادتا کند گردتان به روز معاد نیست شکی در آن و اهل زیان در دل و جان نیاورند ایمان

۱۳  
حزب  
۵۲

وَلَهُ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

هر چه در روز و شب شدست مقیم هست از ایزد سمیع و علیم

۱۴

قُلْ أَغَيْرَ اللَّهِ أَتَّخِذُ وَلِيًّا فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

گو چه گیرم ولی به غیر خدا آن پدید آور زمین و سما می‌دهد قوت و خود نمی‌گیرد گو که فرمان گرفته‌ام ز احد که شوم ز اولین مسلمانان پس میارید شرک بر یزدان

۱۵

قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

گو که می‌ترسم از ره عصیان وز عذاب خدا به روز کلان

۱۶

مَنْ يُصِرْ فَعَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ

ور رهد کس از آن ز لطف خداست و همان کامیابی پیداست

۱۷

وَإِن يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِن يَمَسُّكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

گر رساند خدای بر تو زیان کیست غیر از خدای دافع آن ور رساند خدا برای تو سودبهر هر کار قادر است و دود

۱۸

وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ

او بود چیره بندگان را و خدا هست آگه و دانا

قُلْ أَىُّ شَىءٍ أَكْبَرُ شَهَدَةً ۖ قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ ۗ  
وَأُوحِيَ إِلَىٰ هَذَا الْقُرْآنِ لِأُنذِرْكُمْ بِهِ ۗ وَمَنْ بَلَغَ أَئِنَّكُمْ  
لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ ءَالِهَةً أُخْرَىٰ قُلْ لَا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا  
هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ وَإِنِّى بَرِىءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ

کیست برتر گواه گو که خداکه گواه است بین ما و شما  
وحی آمد به سویم از دادار به شما و دگر کسان هشدار  
هان بگویند جز حق یکتاهست معبود دیگری آیا؟  
من نگویم چنین بگو تنها او خداوند واحد است به ما  
از چنین شرک سخت بیزارم و گواه خدای غفارم

الَّذِينَ ءَاتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ ۖ كَمَا يَعْرِفُونَ آبْنَآءَهُمْ  
الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

و کسانی که نامه دادمشان می‌شناسند آن چو فرزندان  
آن کسان راست بهرشان خسران از دل و جان نیاورند ایمان

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ ۗ  
إِنَّهُ لَا يَفْلِحُ الظَّالِمُونَ

کیست بدتر به راه جور و جفا؟ از کسی که دروغ زد به خدا  
یا که تکذیب می‌کند آیات بر ستمکاره نیست راه نجات

وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا أَيْنَ  
شُرَكَآؤُكُمْ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ

چون بسازیم جمله را محشور پس بگوئیم بهر قوم کفور  
به کجایند آن همه ز جهان شرکایی که داشتید گمان

ثُمَّ لَمْ تَكُن فِتْنَتُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا وَاللَّهِ رَبَّنَا مَا كُنَّا  
مُشْرِكِينَ

نیست عذری ولی کنند اظهار که نبودیم مشرک دادار

أَنْظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ ۖ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا  
يَفْتَرُونَ

بنگر چون زنند بر خودشان کذب و گم می‌شود بت و بهتان

وَمِنْهُمْ مَّن يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ ۗ وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ  
يَفْقَهُوهُ وَفَىٰ ءَاذَانِهِمْ وَقْرًا ۚ وَإِنْ يَرَوْا كَلَّ ءَايَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا  
حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا  
إِلَّا أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ

بشنوند از تو بعضی از ایشان و نهادیم پرده بر دلشان  
و نفهمند هیچ از آن سخنان چونکه سنگینی است در آذان  
ور ببینند هر چه هست نشان باز ایمان نیاورند آنان  
چون بیابند سوی تو به جدل کافران را سخن بود مهمل  
[پس بگویند این سخنها چیست؟] غیر اسطوره‌های پیشین  
نیست

وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْعَوْنَ عَنْهُ ۗ وَإِنْ يُهْلِكُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ  
وَمَا يَشْعُرُونَ

خود ز حق و کتاب بیزارند خلق را نیز باز می‌دارند  
غیر خود کس نمی‌کنند هلاک و ندارند اندکی ادراک

وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وَقِفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَلَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا  
نُكَذِّبُ بِآيَاتِ رَبِّنَا ۚ وَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

و ببینی در آتشند مقیم پس بگویند کاش برگردیم  
بیش تکذیب آیه‌ها نکنیم مؤمنانی شویم پاک و سلیم

می‌شود آشکار بر آنان آنچه از قبل داشتند نهان  
ور بگردند باز از عرصات باز گردند سوی منہیات  
و یقیناً دروغ می‌گویند] و طریق فساد می‌پویند]

بَلْ بَدَا لَهُمْ مَا كَانُوا يُخْفُونَ مِنْ قَبْلُ وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا  
نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ

و بگفتند غیر از این دنیانیست بعثی برای ما و شما

۲۹ وَقَالُوا إِن هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ

۲۹

آن زمان کایستند نزد خدا گوید ایزد به حق نبود جزا  
قوم گوید چرا قسم به خدا گوید ایزد چشید پس آن را  
چونکه کافر شدی عذاب این است و عذاب کفور سنگین  
است

وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وَقَفُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ قَالَ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا  
بَلَىٰ وَرَبِّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ

۳۰

به زیانی گران شدند دچار چونکه دیدار حق کنند انکار  
چون قیامت فرا رسد ناگاه در فسوسند بر قصور و گناه  
بارهای گنه برند به دوش و چه بد باری آورند به دوش

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَتْهُمْ  
السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا يَحْسِرْتَنَّا عَلَىٰ مَا فَرَطْنَا فِيهَا وَهُمْ  
يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَىٰ ظُهُورِهِمْ أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ

۳۱  
۱۰۵

غیر بازی حیات دنیا نیست بهترین خانه غیر عقبا چیست؟  
بهر آن کس که بود با تقوانیست آیا خرد برای شما؟

وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهُمْ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ  
يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

۳۲

آگهیم اینکه می‌شوی تو دژم از سخنها پوچ اهل ستم  
نیست تکذیبشان تو را امانگر آیه‌اند اهل جفا

قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزُنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا  
يُكَذِّبُونَكَ وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ

۳۳

منکر انبیا شدند از پیش‌پس به تکذیب صبرشان شد بیش  
بس اذیت شدند تا برسید بهرشان نصرت خدای مجید  
نکند کس عوض کلام خدا خبر مرسلین رسید تو را

وَلَقَدْ كَذَّبْتَ رَسُولٌ مِّن قَبْلِكَ فَصَبْرُوا عَلَىٰ مَا كُذِّبُوا  
وَأُوذُوا حَتَّىٰ أَتَاهُمْ نَصْرُنَا وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ وَلَقَدْ  
جَاءَكَ مِنْ نَّبَائِ الْمُرْسَلِينَ

۳۴

گر ز اعراضشان تویی غمگین‌گر توانی بجوی نقب زمین  
یا که با نردبان برو به سماپس بیاور تو آیه‌های خدا  
خواهد از جمعشان کند بیزدان بر هدایت مباح تو نادان

وَإِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَبْتَغِيَ  
نَفَقًا فِي الْأَرْضِ أَوْ سُلَّمًا فِي السَّمَاءِ فَتَأْتِيَهُمْ بِآيَةٍ وَلَوْ شَاءَ  
اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَىٰ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ

۳۵

إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَالْمَوْتَى يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ

و کسانی سخن کنند قبول که سپارند گوش [جان به رسول چون خدا زنده می‌کند موتی‌بازگردند پس به سوی خدا

وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يُنَزِّلَ آيَةً وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

و بگفتند پس چرا اینجا؟ نیست نازل نشانه‌های خدا گو خدا دارد این توان اما بیشتر نیستند از آن دانا

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَيْرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَّةٌ أَمْثَالُكُمْ مَا فَرَقْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ

نیست جنبده‌ای به دشت و جبال و نه مرغی که می‌پرد به دو بال جز گروهی به خلق مثل شما نیست ما را قصور در اشیا همه چیز است در کتاب خدا پس به سوی خداست حشر شما

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا صُومٌ وَبُكْمٌ فِي الظُّلُمَاتِ مَنْ يَشَاءِ اللَّهُ يُضِلِّلْهُ وَمَنْ يَشَاءُ يُجْعَلْهُ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

و ان گروه مکذب آیات کر و لالند در دل ظلمات می‌دهد گمراهی به هر کس خواست و انکه را خواست برد در ره راست

قُلْ أَرَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمُ السَّاعَةُ أَغَيْرَ اللَّهِ تَدْعُونَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

گر عذاب خدا رسد به شما یا قیامت فرا رسد به شما چه کسی جز خدا فرا خوانید؟ اگر از جمع راستگویانید

بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ وَتَنْسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ

پس بخوانید حق که بگشاید مشکلی را که سویتان آید گر بخواهد خدا ز راه و دادش رک بگذشته را برید از یاد

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّنْ قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُم بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ

و فرستاده‌ایم سوی امم روزگاران پیشتر زین هم پس بدادیمشان گرفتاری تا بیارند سوی حق زاری

فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَٰكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

چونکه سختی رسید بر آنان پس به زاری نیامدند ایشان زان که دل‌های قوم شد سنگین دیوشان کارها کند تزیین

فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمُ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ

چون فراموش کرده‌اند اذکار پس گشودیمشان در از هر کار شاد گردند از آن و پس ناکام بازگیریمشان چه بی‌هنگام

فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

ریشه کن گشته‌اند اهل جفاحمد پروردگار عالم را

گر بگیرد خدا ز سمع و بصر و کند مهر قلبتان یکسر  
گو چه کس جز خدا بیاورد آن‌بنگر چون بیان کنیم نشان  
باز اعراض می‌کنند آنان این چنین‌اند قوم بی‌ایمان

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصَرَكُمْ وَخَتَمَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِهِ أَنْظِرْ كَيْفَ نَصَرَفُ الْآيَاتِ ثُمَّ هُمْ يَصْدِفُونَ

۴۶

گر عذاب خدا رسد به شما ناگهان یا که آشکار و به جا  
گو چه کس می‌رود به باد فناغیر قومی که بود اهل جفا

قُلْ أَرَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ بَغْتَةً أَوْ جَهْرَةً هَلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الظَّالِمُونَ

۴۷

نفرستد پیمبری دادار جز برای بشارت و هشدار  
هر که شد مؤمن و نکو اعمال‌بهر او نیست هیچ ترس و ملال

وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ ط فَمَنْ ءَامَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

۴۸

منکران نشان ما به جزا در عذابند از گناه و خطا

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا يَمَسُّهُمُ الْعَذَابُ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ

۴۹

گو نمی‌گوییم از برای شما هست با من خزائی ز خدا  
و ندانم ز رازهای نهان و نگویم فرشته‌ام [به جهان  
پیروی نیست بهر من آواز آنچه وحی است سوی من ز خدا  
کور و بینا مساویند آیا؟ مگر اندیشه نیست بهر شما

قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبِ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ ط إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ

۵۰

و بده بیم آنکه شد ترسان از مجازات و حشر با یزدان  
نیست یار و شفیع غیر خدا شاید آنان شوند با تقوا

وَأَنْذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ يُحْشَرُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ

۵۱

۱۰۷۲

و مکن طرد آنکه راست دعاسوی حق گاه صبح و گاه عشا  
غیر حق دیدگاه آنان نیست بر تو هیچ از حساب ایشان  
نیست

وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ ط مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ

۵۲

وز حساب تو نیست آنان راگر برانی تویی ز اهل جفا

وَكَذَلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لِيَقُولُوا أَهَؤُلَاءِ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْنِنَا أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ

آرمودیمشان به یکدیگرتا نگویند این گروه مگر  
منتی دادشان خدا بر ماهست اعلم به اهل شکر خدا

وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَمٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهْلَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

۵۴

چونکه آیند مؤمنان نشان‌پس بیاور سلام بر ایشان  
حق به خود بر نوشت رحمت را هر که جرمی کند ز جهل و خطا  
پس شود توبه کار و خوشرفتار حق بود مهربان و هم غفار

وَكَذَلِكَ نَفِصِلُ الْآيَاتِ وَلِتَسْتَبِينَ سَبِيلَ الْمُجْرِمِينَ

۵۵

وین چنین ما بیان کنیم نشان‌گشت روشن ره گنه کاران

قُلْ إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قُلْ لَأَتَّبِعَ أَهْوَاءَكُمْ قَدْ ضَلَلْتُ إِذًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ

۵۶  
۱۰۸۸

گو مرا نهی کرده است خداکه پرستم کسی بجز او را  
از بتانی که می‌کنید دعامن نباشم مطیع میل شما  
ورنه کردم از این عمل گمراه‌مهدی نیستم به ره آنگاه

قُلْ إِنِّي عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَكَذَّبْتُمْ بِهِ مَا عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ إِنْ أَحْكُمُ إِلَّا لِلَّهِ يَفْضُ الْحَقُّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ

۵۷

گو منم بر دلیل حق ستوارو شما می‌کنید آن انکار  
آنچه را با شتاب می‌خواهیدنیست در نزد من ز حی مجید  
هست از او حکم و او بگوید راست‌بهرترین داوران به خلق  
خداست

قُلْ لَوْ أَنَّ عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ لَقُضِيَ الْأَمْرُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِالظَّالِمِينَ

۵۸

گو اگر بود نزد من ز خدابه شتاب آنچه خواستید شما  
می‌گذشت امر بین ما و شماهست اعلم خدا به اهل جفا

وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنَ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلْمَتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ

۵۹  
حزب  
۵۴

هست نزدش کلید هر پنهان و نداند و را بجز یزدان  
بر همه برو بحر او دانافتد برگ جز به علم خدا  
دانه‌ای در دل زمین پنهان‌تر و خشکی که هست [در دو  
جهان  
هست مکتوب در کتاب مبین منکر حق مباح و منکر دین

وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُم بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَىٰ أَجَلٌ مُّسَمًّى ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ

او شما را به شب بمیراند نیز اعمال روز می‌داند پس شما را در آن فرا ببرد تا زمان معینی گذرد پس به حق است بازگشت شما پس به اعمالتان کند دانا

وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفِرُّونَ

اوست فوق عباد و قدرتمندی فرستد نگاهبانی چند از شما تا رسد یکی را فوت آن ملائک بیاورندش موت نیست هرگز قصور برایشان

ثُمَّ رُدُّوْا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمْ الْحَقَّ ۚ لَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ

باز گردند سوی سرورشان آنکه حق است و زو بود فرمان اسرع الحاسبین بود یزدان

قُلْ مَنْ يُنَجِّيكُمْ مِّنْ ظُلْمَاتٍ أَلْبَرٍ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً لَّئِن أَنْجَلْنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ

چه کسی می‌دهد نجات ترا؟ از سیاهی به خشکی و دریا خوانیش با تضرع و به نهان‌گر نجاتم دهی از این بحران پس من از جمع شاکران باشم شاکر خالق جهان باشم

قُلِ اللَّهُ يُنَجِّيكُمْ مِّنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنْتُمْ تُشْرِكُونَ

گو خدا می‌دهد نجات شما از گرفتاری وز رنج و بلا پس شما باز شرک می‌ورزید به خدای رحیم و حی مجید

قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيْعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ ۗ أَنْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ

گو که یزدان توان آن دارد که عذابی برایتان آرد کز سما و زمین شوند پدیدیا که در چند دستگی افتید سختی از یکدیگر چشید بین چون کنم آیه‌های حق تبیین شاید ایشان شوند اهل خرد [و بفهمند هر چه گفت احد]

وَكَذَّبَ بِهِ قَوْمُكَ وَهُوَ الْحَقُّ ۗ قُلْ لَسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ

حق همین است و منکرند آن را گو که من نیستم و کیل شما

لِكُلِّ نَبِيٍّ مُّسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ

هر خبر را معین است زمان زود یابید آگهی از آن

وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ ۗ وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِ مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

چون بینی به آیه بازیشان پس بگردان تو روی از ایشان تا بیفتند در حدیث دگربرد از خاطر تو دیو اگر منشین بعد پند و ذکر دگربا چنین فرقه‌ی ستم گستر

وَمَا عَلَى الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَلَكِنْ ذِكْرِي لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ

متقین را حساب آنان نیست‌لیک تقوای قوم را پندی است

وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَلَهْوًا وَعَرَّتْهُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَذَكِّرْ بِهِ أَنْ تُبْسَلَ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ وَإِنْ تَعَدِلْ كُلَّ عَدْلٍ لَّا يُؤْخَذُ مِنْهَا أُولَئِكَ الَّذِينَ أُبْسِلُوا بِمَا كَسَبُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

و رها کن کسی که دینش را الهو خواند و فریفتش دنیا گو که هر کس بر آن گرفتار است‌که از او در عمل پدیدار است نیست جز حق بر او شفیع و خلیل‌نپذیرند از او نظیر و عدیل پس از اعمال خود فتد به عذاب و حمیم از برای اوست شراب و عذابی بر اوست دردآور کافران راست این چنین کیفر

۷۰

قُلْ أَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا وَنُرَدُّ عَلَىٰ أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا اللَّهُ كَالَّذِي أُسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ فِي الْأَرْضِ حَيْرَانَ لَهُ أَصْحَابٌ يَدْعُونَهُ إِلَىٰ الْهُدَىٰ اثْنًا قُلْ إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَأْمُرْنَا لِنُسَلِّمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ

گو چه خوانم به جز خدا دگری‌که نه سودم رساند و نه ضرری نگرديم باز بر اعقاب‌بعد از آن امر حق به راه صواب آنکه از دیو شد به ره حیران‌به هدایت بخواندش اعوان که بیا سوی ما بگو که هدانیست هرگز مگر هدای خدا و به اسلامان دهد فرمان‌حق و پروردگار عالمیان

۷۱  
۱۱۵

وَأَنْ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَاتَّقُوهُ وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

و نماز خدا کنید به پا‌هل تقوا شوید بهر خدا [و بدانید کوست رب غفور] آنکه گردید سوی او محشور

۷۲

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَيَوْمَ يَقُولُ كُن فَيَكُونُ قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ عِلْمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ

حق ارض و سما کند بنیان‌چون بگوید که باش باشد آن سخنش حق بود خدای غفور‌ملک از اوست چون دمد در صور اوست دانای آشکار و نهان‌او حکیم و خبیر کل جهان

۷۳



وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ عَازِرْ أَتَّخِذُ اصْنَامًا ءَالِهَةً إِنِّي  
أَرَاكَ وَقَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

چون ابراهیم با پدر فرموداز چه گیری بتان خود معبود؛  
بینم اینک به این ره و آیین تو و قوم تو در ضلال مبین

وَكَذَلِكَ نُرِيّ إِبْرَاهِيمَ مَلَكَوَتِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ  
مِنَ الْمُوقِنِينَ

و نمودم چنین به ابراهیم ملکوت سما و ارض عظیم  
تا که باشد یقین او محکم اوست بر دین پاک در عالم

فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا ۖ قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ  
قَالَ لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ

چونکه تاریک گشت بروی شب دید در آسمان شب کوكب  
گفت این رب من چو کرد غروب گفت آفل نباشدم محبوب

فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِعًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَئِن لَّمْ  
يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ

ماه را دید و گفت ربّ من این کرد زان پس افول و گفت  
چنین  
گر هدایت نسازدم یزدان می شوم من ز قوم گمراهان

فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَازِعَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا  
أَفَلَتْ قَالَ يَقَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ

مهر را دید و گفت اینم رب برترست این و کرد افول [به  
شب  
گفت ای قوم این منم بیزارزان همه شرک و زان همه پندار

إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا  
وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ

روی خود می کنم به سوی خدا آفریننده ی زمین و سما  
دین من پاک شد برای خدا و شریکی نیورم او را

وَحَاجَّهُ قَوْمُهُ قَالَ أَتُحَاجُّونِي فِي اللَّهِ وَقَدْ هَدَانِ وَلَا  
أَخَافُ مَا تُشْرِكُونَ بِهِ إِلَّا أَن يُشَاءَ رَبِّي شَيْئًا وَسِعَ رَبِّي  
كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ

پس جدل کرد قوم وی او را گفت در حق جدل کنید چرا؟  
که هدایت کند مرا یزدان و نباشد مرا هراس بتان  
جز که چیزی برای من حق خواست و به هر چیز ربّ من  
دانااست  
متذکر نمی شوید آیا؟

وَكَيفَ أَخَافُ مَا أَشْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُمْ  
بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ ءَعَلَيْكُمْ سُلْطَانًا فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ  
أَحَقُّ بِالْأَمْنِ ۖ إِنَّ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

و چرا ترسم از بتان شما؟  
می ترسید بهر شرک خدا؟ نیست نازل دلیل بهر شما  
پس کدامیم ما به حق اولی؟ گر شما ببید آگه و دانا

الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا ءِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ ٱلْأَمْنُ  
وَهُمْ مُّهْتَدُونَ

آن کسانی که آورند ایمان و نیامیختند جور به آن  
بهر این قوم هست امن و یقین و هدایت شدند در ره دین

وَتِلْكَ حُجَّتُنَا ءَاتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَىٰ قَوْمِهِ ۚ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ  
مَّن نَّشَاءُ ۗ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ

آن بود حجتی که ما دادیم به همان قوم بهر ابراهیم  
هر که را خواستم دهیم مقام هست ربت حکیم و هم علام

وَوَهَبْنَا لَهُ ۖ وَاسْحَقَ وَيَعْقُوبَ ۚ كُلًّا هَدَيْنَا ۚ وَنُوحًا هَدَيْنَا مِن  
قَبْلُ ۚ وَمِن ذُرِّيَّتِهِ ۚ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَىٰ  
وَهَارُونَ ۚ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي ٱلْمُحْسِنِينَ

نیز یعقوب را و هم اسحاق داد رزق هدایتش رزاق  
پیش از او نوح را بداد هدایس از او خاندانی از او را  
چون سلیمان و یوسف و ایوب نیز داود [از پس یعقوب  
نیز هارون به همره موسی بهر نیکان چنان دهیم جزا

وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَىٰ وَعِيسَىٰ وَإِلْيَاسَ ۗ كُلٌّ مِّنَ ٱلصَّٰلِحِينَ

زکریا و بعد از او عیسی نیز الیاس و بعد از او یحیی  
همه بودند از نکوکاران

وَإِسْمَاعِيلَ ۚ وَالْيَسَعَ وَيُونُسَ وَلُوطًا ۚ وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلَىٰ  
ٱلْعَالَمِينَ

یسع و لوط و یونسند چنان  
و اسماعیل را چو ابراهیم برتری بر جهانیان دادیم

وَمِنَ ءَابَائِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَإِخْوَانِهِمْ وَاجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ  
إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ

نیز آباشان و فرزندان برگزیدیم نیز از اخوان  
رهنمایی به راه راست شدندو خدا دادشان مقام بلند

ذَٰلِكَ هُدَىٰ ٱللَّهِ يَهْدِي بِهِ ۚ مَن يَشَآءُ ۚ مِّنْ عِبَادِهِ ۚ وَلَوْ  
أَشْرَكُوا لَحَبِطَ عَنْهُمْ مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ

این هدای حق و هدای خداست هر کسی را که از عبادش  
خواست

هر که مشرک شود شود نابودهر چه اعمال او بود موجود

أُولَٰئِكَ ٱلَّذِينَ ءَاتَيْنَاهُمُ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْحُكْمَ وَٱلنُّبُوَّةَ ۚ فَإِن  
يَكْفُرُ بِهَا هَٰؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَّيْسُوا بِهَا  
بِكَٰفِرِينَ

آن کسان را بداده ایم کتاب نیز حکم و نبوت از هر باب  
گر که کافر شوند از آن یکسر پس وکالت دهیم قوم دگر  
که نباشند هیچگه کافر [و نباشند هیچگه فاجر]

أُولَٰئِكَ ٱلَّذِينَ هَدَىٰ ٱللَّهُ فَبِهَدْيِهِمْ أَقْتَدِهِ ۗ قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ  
عَلَيْهِ أَجْرًا ۗ إِن هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ

حق به این مؤمنان هدا بخشیدو شما نیز اقتدا بکنید  
گو که اجری نخواستم بر آن نیست آن غیر پند عالمیان

وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَىٰ بَشَرٍ مِّن شَيْءٍ ۗ قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَىٰ نُورًا وَهُدًى لِّلنَّاسِ ۗ تَجْعَلُونَهُ قَرَاطِيسَ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا وَعُلِّمْتُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَلَا ءَابَاؤُكُمْ ۗ قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ

۶  
انعام  
۹۱  
۱۶۵  
۱۱۳

نشناسند حق و قدر خدا آن کسانی که گفته‌اند به ما نکند حق به آدمی القاگو که تنزیل داشت بر موسی؟ آن کتابی که بود نور و هدایه مردم [ز مؤمنین خدا] پس به کاغذ نموده‌اید پدیدو بسی نیز از آن نهان کردید و آنچه را بر شما و بر آبا بود پنهان شدید از آن دانا گو خدا پس رهایشان بگذار تا به بازی روند در گفتار

وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُّصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا ۗ وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ ۗ وَهُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ

۹۲

این کتابی که ما فرستادیم و نشان خجستگی دادیم هست تصدیق نامی اسلاف نیز هشدار مکه و اطراف مؤمنش مؤمنی به روز جزاست و نگهدار بر نماز خداست

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَلَمْ يُوحَ إِلَيْهِ شَيْءٌ وَمَنْ قَالَ سَأُنزِلُ مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوا أَيْدِيهِمْ أَخْرِجُوا أَنفُسَكُمُ ۗ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ ءَايَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ

۹۳

کیست بدتر به راه جور و جفا؟ آنکه بهتان کذب زد به خدا یا بگوید که فیض و حی مرست و سخنهای او نباشد راست و انکه گوید فرو فرستم زودمثل آنچه خدای منزل بود گر ببینی تو حال اهل جفا سکران ممت ایشان را که ملانک گشوده دستان راکه ستانند جان ایشان را پس بگویند این جزا و عذابز آنچه بستی به حق به غیر صواب و آنچه را داشتید استکبار بر نشانهای ایزد غفار

وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فُرَادَىٰ كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَتَرَكْتُمْ مَا خَوَّلْنَاكُمْ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ وَمَا نَرَىٰ مَعَكُمْ شُفَعَاءَكُمُ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكَؤُا ۗ لَقَدْ تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَضَلَّ عَنْكُمْ مَا كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ

۹۴

پس بیایید سوی ما تنها کافریدیمتان به این معنا و آنچه را داده‌ایم بهر شما بگذارید پشت سر بر جا و نبینیم بهرتان شفاعاز رفیقان و یاوران شما و کسانی که در گمان شما بوده‌اند از برایتان شرکا پس شود قطع و گم میان شما آنچه را بود در گمان شما

إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَىٰ ۗ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ  
وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ ۗ ذَٰلِكُمْ اللَّهُ ۗ فَأَنَّىٰ تُؤْفَكُونَ

از شکافی به دانه و هسته حق کند کشف راز سر بسته  
هم بود او پدید آورنده زنده از مرده مرده از زنده  
او بود قادر و بود الهه کجا کج برندگان از راه

فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ  
حُسْبَانًا ۗ ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ

او شکافنده است پرده بام و سکونی نهاده است به شام  
و مه و مهر با حساب تمام هست تقدیر ایزد عالم

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ  
الْبَرِّ وَالْبَحْرِ ۗ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

و ستاره نهاد بهر شمابر سیاهی به بر و بحر هدا  
به یقین بس نشان کنیم بیان از برای گروه دانایان

وَهُوَ الَّذِي أَدْشَأَكُم مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ  
وَمُسْتَوْدَعٌ ۗ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ

از یکی نفس کردتان ایجاد مستقر کرد و هم ودیعه نهاد  
به یقین بس نشان کنیم بیان از برای گروه فهم کنان

وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ  
شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُّخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُّتَرَاكِبًا وَمِنَ  
النَّخْلِ مِنَ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِّنْ أَعْنَابٍ  
وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَبِهٍ ۗ انظُرُوا إِلَىٰ  
ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكُمْ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ  
يُؤْمِنُونَ

آب از آسمان فرستادست هر گیاهی از آن برون دادست  
سبزه آریم از آن برون کم کم نیز آن دانه های چیده به هم  
خوشه ها از شکوفه ی خرما همه در هم فشرد و یکجا  
باغ زیتون و هم عنب هم انار ناشیبه و شبیه در آثار  
می نگر حاصل و ثمر در آن آن نشانهاست بهر با ایمان

وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ ۗ وَخَرَقُوا لَهُ بَنِينَ  
وَبَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۗ سُبْحٰنَهُ ۗ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُصِفُونَ

آوردند از برای حق شرکا همچو جنی که خلق کرد خدا  
و شناسند هم بنات و بنین بهر خالق بدون علم و یقین  
و میرا و برتر است خداز آنچه توصیف می کنند او را

بَدِيعُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ ۗ أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُنْ  
لَهُ صَاحِبَةٌ ۗ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ ۗ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

اوست سازنده ی زمین و سما ولد و زن کجا بود او را؟  
آفریدست جمله ی اشیابه همه چیز هم بود دانا

ذَٰلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ  
فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ

ربّتان هست آن خدای ودودنیست معبود جز خدا به وجود  
آفریننده همه اشیا [هست معبود ایزد یکتا]  
بپرستید در جهان او را او و کیل است بر همه اشیا

لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَرَ وَهُوَ اللَّطِيفُ  
الْخَبِيرُ

بیند و کس نبیندش به نگاه او لطیف است و از همه آگاه

قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ  
وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ

نازل از حق دلائلی به شماست هر که بیناست منفعت او  
راست  
و زیان کرد اگر شود اعمی نیستم من نگاهبان شما

وَكَذَٰلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِيُقُولُوا دَرَسْتَ وَلِنُبَيِّنَهُ لِقَوْمٍ  
يَعْلَمُونَ

ما چنان آیه‌ها کنیم بیان و بگویند درس خواندی آن  
و به تحقیق می‌کنیم بیان از برای گروه دانایان

اتَّبِعْ مَا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَأَعْرِضْ عَن  
الْمُشْرِكِينَ

پیروی ساز وحی ربت رانست معبود غیر آن یکتا  
نیز از مشرکان بگردان روی راه رضوان حق تعالی جوی

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا وَمَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا وَمَا  
أنتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ

گر بخواهد خدای بی‌همتاسازد آن قوم را ز شرک رها  
و نگهبان نه ای تو بر آنان نیستی هم و کیل بر ایشان

وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا  
بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَٰلِكَ زَيْنًا لِّكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ  
مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

سبّ نباشد مجاز بر اصنام‌تا نگویند بهر حق دشنام  
از ره جهل و از ره عدوان مشرکان را طریقتی است عیان  
آنچنان می‌دهیم ما زینت‌همه اعمال را به هر امت  
پس به سوی خداست مرجعشان‌کند آگه ز کارشان یزدان

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِن جَاءَتْهُمْ آيَةٌ لِّيَوْمِنَ  
بِهَا قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُشْعِرُكُمْ أَنَّهَا إِذَا  
جَاءَتْ لَا يُؤْمِنُونَ

و قسم می‌خورند بس محکم‌که اگر آیتی رسد ما هم  
پس بیاریم سوی او ایمان‌گو که آیات هست با یزدان  
و چه آگاهتان کند زیشان‌چون بیاید نیاورد ایمان

وَنُقَلِّبُ أَفْئِدَتَهُمْ وَأَبْصَرَهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ أَوَّلَ مَرَّةٍ  
وَنَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ

همه برگشته چشم و هم دلشان‌همچو بار نخست از ایمان  
و رها می‌کنیمشان حیران‌مانده در کفر و در ره طغیان

وَلَوْ أَنَّنَا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلٰٓئِكَةَ وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتَىٰ وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبُلًا مَا كَانُوا لِيَوْمِنَا۲ٓ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَلٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ

گر ملائک به سویشان آریم‌ور که با مردگان شوند کلیم همه آید مقابل ایشان به حقیقت نیاورند ایمان جز که خواهد اگر خدای جهان این گروهند بیشتر نادان

وَكَذٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِیْنَ الْاِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِی بَعْضُهُمْ اِلٰی بَعْضٍ زُخْرَفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ ۗ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ

هر نبی راست دشمنی چونان از شیاطین جن و هم انسان یکدگر را به زیور گفتاربه بلای فریب کرده دچار خواهد ار حق نمی‌کنند چنان‌تو رها سازشان در آن بهتان

وَلِتَصْغَىٰ اِلَيْهِ الْاَفْعٰدَةُ الْاٰذِیْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ بِالْاٰخِرَةِ وَلِيَرْضَوْهُ وَلِيَقْتَرِفُوْا مَا هُمْ مُّقْتَرِفُوْنَ

تا گرایند سویشان آنان‌که به عقبا نیاورند ایمان و شوند از خصالشان شادان‌و کنند آنچه می‌کنند آنان

اَفْغٰیرَ اللّٰهِ اَبْتٰغٰی حَكَمًا وَهُوَ الَّذِیۡ اَنْزَلَ اِلَيْكُمْ الْكِتٰبَ مُفَصَّلًا وَالَّذِیْنَ ءَاتٰیْنٰهُمُ الْكِتٰبَ يَعْلَمُوْنَ اَنَّهُۥ مُنْزَلٌ مِّنْ رَّبِّكَ بِالْحَقِّ ۗ فَلَا تَكُوْنَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِیْنَ

از چه جویم حکم به غیر خدانامه‌ای باز داد سوی شما وان کسان را که داده‌ایم کتاب‌می‌شناسند از خدا به صواب پس مباش از گروه شکاکان از خدا دان هر آیه قرآن

وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا ۗ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمٰتِهِۦ ۗ وَهُوَ السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ

حرف حق شد به صدق و عدل تمام‌کس خدا را عوض نکرد کلام هر سخن را خدا بود شنواوز همه چیز آگه است خدا

وَإِنْ تُطِيعْ أَكْثَرٌ مِّنْ فِی الْأَرْضِ یُضِلُّوكَ عَن سَبِیْلِ اللّٰهِ ۗ إِنْ یَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا یَخْرُصُونَ

تو اطاعت مکن ز اکثرشان‌که شوی گمراه از ره یزدان پیروانند جملگی به گمان‌در ره ظن و یاوه سرگردان

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ مَن یَضِلُّ عَن سَبِیْلِهِ ۗ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِیْنَ

هر که گم گشت از ره داوررب تو بهر اوست دانانتر نیز دانانتر است [از دو جهان رب عالم به کار مهتدیان

فَكُلُوا مِمَّا ذُكِّرَ اَسْمُ اللّٰهِ عَلَیْهِۦٓ إِنْ كُنْتُمْ بِآٰیٰتِهِۦٓ مُؤْمِنِیْنَ

مؤمنان نشان حق بخورید آنچه را نام حق بر آن ببرید

وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَقَدْ  
فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ وَإِنَّ  
كَثِيرًا لَيُضِلُّونَ بِأَهْوَاءِهِمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ  
بِالْمُعْتَدِينَ

۶  
انعام  
۱۱۹  
۱۶۵

چیست بهر شما چرا نخورید آنچه نام خدا بر آن ببرید  
و به تفصیل گفته شد به شما آنچه را بر شما نبود روا  
جز گه اضطرارتان در آن هست اعلم به معتدین یزدان  
بسی از مردمان برند از راهدیگران را به میل و ناگاه

وَذَرُوا ظَهْرَ الْأِثْمِ وَبَاطِنَهُ إِنَّ الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الْأِثْمَ  
سَيُجْزَوْنَ بِمَا كَانُوا يَقْتَرِفُونَ

۱۲۰

و رها ساز ظاهر و باطن از گناه و پلیدی ای مؤمن  
و کسانی که مجرمند اینجازود بینند کار خود به جزا

وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ  
وَإِنَّ الشَّيْطَانَ لِيُوحِيَ إِلَىٰ أَوْلِيَآئِهِمْ لِيُجَدِّلُكُمْ وَإِنَّ  
أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ

۱۲۱

آنچه را نام حق بر آن نبرید فسق باشد اگر که آن بخورید  
دیوها نزد دوستان آیند تا طریق جدال بگشایند  
گر اطاعت کنید از ایشان شرک قائل شوید بر یزدان

أَوْ مَنْ كَانَ مِيثًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي  
النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِّنْهَا  
كَذَلِكَ زِينٌ لِّلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

۱۲۲  
۱۱۶ر

مرده‌ای را که می‌کنیم احیاء به ره نور داده‌ایم او را  
نیست همچون کسی که در ظلمات ماند و بر او نبود راه نجات  
آنچنان زینت است بر کفار هر چه باشد برایشان کردار

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكْبَرًا مُّجْرِمِيهَا لِيَمْكُرُوا فِيهَا  
وَمَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنْفُسِهِمْ وَمَا يَشْعُرُونَ

۱۲۳

و نهادیم مهتران به بلاد مجرمانی به کار مکر و فساد  
و ندارند مکر جز بر خویش نیستند آن گروه فهم اندیش

وَإِذَا جَاءَتْهُمْ آيَةٌ قَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ حَتَّىٰ نُؤْتَىٰ مِثْلَ مَا أُوتِيَ  
رُسُلُ اللَّهِ اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ سَيُصِيبُ  
الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا كَانُوا  
يَمْكُرُونَ

۱۲۴

آیتی چون رسید برایشان پس بگویند ناوریم ایمان  
جز که آید نظیر آنچه خداداد بر انبیای پیش از ما  
هست آگاه‌تر ز خلق خدا که گذارد پیام خویش کجا  
زود بینند مجرمان خواری و عذابی ز کار مکاری

فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ وَيُشْرِحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ وَيَجْعَلَ صَدْرَهُ ضَيْقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ

۶  
انعام  
۱۲۵  
۱۶۵

هر که خواهد هدایتش یزدان سینه‌اش را گشاید از ایمان  
ور که خواهد بسازدش گمراه سینه‌اش تنگ می‌کند آنگاه  
آنچنان تنگ گویا او رامی‌کنند از زمین به سوی سما  
آنچنان رجز می‌دهد یزدان بر کسی کاو نیارد ایمان

وَهَذَا صِرَاطٌ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ

۱۲۶

راه حق راست است و راه نجات ما به تفصیل گفته‌ایم آیات  
بهر آن قوم که تذکر و پند از خدا و رسول بپذیرند

لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

۱۲۷  
حزب  
۵۸

داد دار السلامشان دادارو خدا شد ولیشان در کار

وَيَوْمَ يُحْشُرُهُمْ جَمِيعًا يَمْعَشَرُ الْجِنِّ قَدْ أُسْتُكْثِرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ وَقَالَ أَوْلِيَاؤُهُمْ مِنَ الْإِنْسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَبَلَّغْنَا أَجَلَنَا الَّذِي أَجَلْتَ لَنَا قَالَ النَّارُ مَثْوَاكُمْ خَالِدِينَ فِيهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ

۱۲۸

وان زمانی که حشر ایشان راست همه گردند جمع بی‌کم و  
کاست  
حق ندا می‌دهد سوی پریان که زره برده‌اید بس انسان  
پس بگویند عده‌ای انسان‌یاور و دوست بهر آن پریان  
بهره بردیم ما ز یکدیگر مدتی را که بود آمد سر  
پس بگویند خدا که جای شما نار شد جاودانه‌اید آنجا  
جز که چیزی دگر بخواست خدا هست ربت حکیم و هم دانا

وَكَذَلِكَ نُؤَلِّي بَعْضَ الظَّالِمِينَ بَعْضًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

۱۲۹

ظالمان سرپرست یکدیگرند اجرت است این بر آنچه کارگردند

يَمْعَشَرُ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَى أَنْفُسِنَا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ

۱۳۰  
۱۱۷

ای دو مخلوق جن و انس آیامی‌نیامد رسول بهر شما؟  
تا بخواند نشان من به شما و دهد بیمتان زر و ز لقا  
و لقای شما بود امروز همه گویند شاهدیم آن روز  
لیک دنیا فریفت آنان را [و نرفتند در طریق خدا]  
و شهادت دهند بر خودشان که برفتند در ره کفران

ذَلِكَ أَنْ لَمْ يَكُنْ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا غَافِلُونَ

۱۳۱

نفرستد خدا به دار فنا مردمی را ز راه جور و جفا  
گر که باشند قوم ناآگاه جز که گردند ز انبیا آگاه



وَلِكُلِّ دَرَجَتٌ مِّمَّا عَمِلُوا وَمَا رَبُّكَ بِغَفِيلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ

همه دارند پایه‌ای از کار و خدا نیست غافل از کردار

وَرَبُّكَ الْغَنِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ إِنْ يَشَأْ يُدْهِبْكُمْ وَيَسْتَخْلِفْ  
مِنْ بَعْدِكُمْ مَا يَشَاءُ كَمَا أَنْشَأَكُمْ مِنْ ذُرِّيَّةِ قَوْمٍ  
ءَاخِرِينَ

و خدا راست لطف و نیست نیاز خواهد ار می‌برد شما را باز  
می‌کند جانشین ز بعد شما خواهد آن کردگار هر کس را  
آنچنان کافریدتان یکسر از بن خاندان قوم دگر

إِنَّ مَا تُوْعَدُونَ لَأَتِيٌ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ

وعدۀ ماست لازم الاجرا باز دارنده نیستید شما

قُلْ يَتَقَوْمِ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ فَسَوْفَ  
تَعْلَمُونَ مَنْ تَكُونُ لَهُ عَقِيبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ  
الظَّالِمُونَ

گو که ای قوم کار ساز درست تا به حدی که استطاعت تست  
می‌کند کار خویش را الله پس به زودی شما شوید آگاه  
که سر انجام این سراسر است که رارستگاری ندارد اهل جفا

وَجَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْأَنْعَامِ نَصِيبًا فَقَالُوا  
هَذَا لِلَّهِ بِرَعْمِهِمْ وَهَذَا لِشُرَكَائِنَا فَمَا كَانَ لِشُرَكَائِهِمْ فَلَا  
يَصِلُ إِلَى اللَّهِ وَمَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلَىٰ شُرَكَائِهِمْ سَاءَ مَا  
يَحْكُمُونَ

و نهادند سهم بهر خدا آنچه که حق بیافرید آن را  
سهمی از کشت و چارپایان را گفته‌اند این به زعمشان ز خدا  
نیز آن سهم هست از شرکاکه از اینها نمی‌رسد به خدا  
سهم حق می‌رود به سوی بتان بد بود این قضاوت ایشان

وَكَذَلِكَ زَيْنَ لِكَثِيرٍ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ أَوْلَادِهِمْ  
شُرَكَاءُهُمْ لِيُرْدُوهُمْ وَلِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ  
مَا فَعَلُوهُ فَذَرَهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ

شرکا نیز کشتن فرزند بر بسی ز اهل شرک جلوه دهند  
تا که این جمع را تبه سازند دین بر این قوم مشتبه سازند  
خواهد ار حق نمی‌کنند چنان پس رها سازشان تو در بهتان

وَقَالُوا هَذِهِ أَنْعَمٌ وَحَرَّتْ حِجْرٌ لَا يَطْعَمُهَا إِلَّا مَنْ نَشَاءُ  
بِزَعْمِهِمْ وَأَنْعَمٌ حُرِّمَتْ ظُهُورُهَا وَأَنْعَمٌ لَا يَذْكُرُونَ أَسْمَ  
اللَّهِ عَلَيْهَا افْتِرَاءً عَلَيْهِ سَيَجْزِيهِمْ بِمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

۰۶  
انعام  
۱۳۸  
۱۶۵

وَقَالُوا مَا فِي بُطُونِ هَذِهِ الْأَنْعَمِ خَالِصَةٌ لِّذُكُورِنَا وَمُحَرَّمٌ  
عَلَىٰ أَزْوَاجِنَا وَإِنْ يَكُن مَّيْتَةً فَهُمْ فِيهِ شُرَكَاءُ سَيَجْزِيهِمْ  
وَصَفَهُمْ إِنَّهُ وَحَكِيمٌ عَلِيمٌ

۱۳۹

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَّمُوا  
مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا  
مُهْتَدِينَ

۱۴۰

وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَّعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ  
وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ  
مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَعَآتُوا  
حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ

۱۴۱  
حزب  
۵۹  
۱۱۸

وَمِنَ الْأَنْعَمِ حَمُولَةٌ وَفَرَسَاتٌ كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَلَا  
تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ

۱۴۲

و بگفتند کشت و هم انعام نیست جائز برای خلق طعام  
جز کسانی که ما اراده کنیم این بود در گمانشان ترسیم  
و سواری به بعضی از انعام شد به پندار این گروه حرام  
[ذبح سازند چارپایان را] و بر آن ذبح نیست نام خدا  
و به حق میزنند از آن بهتان و جزا می شوند زود به آن  
و بگویند در دل انعام

جمله هست از نر و به ماده حرام  
میته را مشترک اناث و ذکرزود بینند از این بیان کیفر  
و خدا بهر کارهاست حکیم و به ذرات کائنات علیم

هر که فرزند خود به جهل و سفه بکشد خاسر است و هم  
گمره  
کرد تحریم و زد به حق بهتان آنچه رزق خداست بر ایشان  
هست این قوم گمره و نادان نیست در بین جمع مهتدیان

و خدا آفرید بستانهاداربستی و غیر ذلک را  
نخل و هم زرع مختلف اثمار همچو زیتون و چون درخت انار  
متشابه و غیر آن بخوریداز ثمرها چو میوه گشت پدید  
حق آن را دهید وقت حصیدهم ز اسراف بر کنار شوید  
مصرفان را خدا ندارد دوست همه جا اعتدال و عدل  
نکوست

چارپایان کشند بهر تو باردر ره خود بر آن شوید سوار  
بخورید آنچه رزق داد خدانیز تابع مباش شیطان را  
اوست از بهر مؤمنین دشمن دشمنی آشکاره و روشن

ثَمَنِيَّةَ أَزْوَاجٍ مِّنَ الضَّأْنِ أُثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعْزِ أُثْنَيْنِ ۗ قُلْ  
ءَالِدَاكَرِينِ حَرَّمَ أُمَّ الْأُنثِيَيْنِ أَمَّا أُشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ  
الْأُنثِيَيْنِ نَبِّئُونِي بِعِلْمٍ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

هشت زوج از بره ز ماده و نرنیز از بز هم از اناث و ذکر  
نر حرام است یا که ماده حرام یا حرام است بچه در ارحام  
خبرم زان دهید اگر دانیدو گر از جمع راستگویانید

وَمِنَ الْإِبِلِ أُثْنَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ أُثْنَيْنِ ۗ قُلْ ءَالِدَاكَرِينِ حَرَّمَ أُمَّ  
الْأُنثِيَيْنِ أَمَّا أُشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنثِيَيْنِ ۗ أَمْ كُنْتُمْ  
شُهَدَاءَ إِذْ وَصَّيْتُمْ اللَّهَ بِهَذَا فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ  
عَلَى اللَّهِ كَذِبًا لِّيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي  
الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

از شتر هم دو جنس ماده و نرنیز از گاو هم اناث و ذکر  
نر حرام است یا که ماده حرام یا حرام است بچه در ارحام  
باشی آیا ز دستهی شهداگر سفارش کند خدای شما  
کیست بدتر به راه جور و جفازانکه بست افترا به ذات خدا  
تا کشاند کسان به گمراهی و خود از ره نداشت آگاهی  
و هدایت نمی رسد ز خدا بپر قومی که بود اهل جفا

قُلْ لَا آجِدُ فِي مَا أُوْحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا  
أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَّسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنزِيرٍ فَإِنَّهُ  
رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أُهْلًا لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ ۗ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ  
وَلَا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

گو نیابم به وحی خویش حرام بپر مردم ز هیچ نوع طعام  
غیر موتی و خون ریخته رالحم خوک است نیز غیر روا  
و آنچه را نام حق بر آن نبرند جز که در حال اضطرار خورند  
نه که از روی جور و از عدوان هست یزدان رحیم و ذو  
غفران

وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا كُلَّ ذِي ظُفْرٍ ۗ وَمِنَ الْبَقَرِ وَالْغَنَمِ  
حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ شُحُومَهُمَا إِلَّا مَا حَمَلَتْ ظُهُورُهُمَا أَوْ  
الْحَوَايَا أَوْ مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ ۗ ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِبَغْيِهِمْ ۗ وَإِنَّا  
لَصَادِقُونَ

گشت تحریم بپر قوم یهود آنچه در پنجه هاش ناخن بود  
نیز از گاو و گوسفندان هم پیه ها جز به پشت و عظم و شکم  
و جزا داده ایمشان ز جفا و به هر قول صادق است خدا

گر که تکذیب تو کنند جمیع تو بگو رحمت خداست وسیع  
نشود دور کیفر الله از گروهی که هست اهل گناه

فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُهُ  
عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ

سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا  
وَلَا حَرَمْنَا مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ  
حَتَّىٰ ذَاقُوا بَأْسَنَا قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ  
لَنَا إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ

مشرکان را سخن بود که خداخواسته شرک ما و آبا را  
و آنچه را کرده ایم ما تحریم آنچه آنچنان بوده از زمان قدیم  
پیش از این نیز داشتند انکار تا چشیدند کیفر دادار  
گو اگر هست نزدتان برهان بهر اثبات هان بیارید آن  
تبعیت نمیکنند الا از گمان و دروغ و وهم و خطا

۱۴۸

از برای خدا دلیل رساستحق اگر خواست رهنمای شماسست

قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَلِيغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَيْكُمْ أَجْمَعِينَ

۱۴۹

گو بیارید آن گواهان را که گواهی دهند بهر شما  
که خدا کرد تا روا این را که گواهی دهند خود اینجا  
و مشو تو گواه بر آنان هم ز امیالشان مبر فرمان  
هست انکار این جماعت را به نشان خدا و روز جزا  
و نهند این جماعت نادان شرکا را مقابل یزدان

قُلْ هَلَمْ شُهَدَاءَكُمْ الَّذِينَ يَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ هَذَا  
فَإِنْ شَهِدُوا فَلَا تَشْهَدْ مَعَهُمْ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ كَذَّبُوا  
بِآيَاتِنَا وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَهُمْ بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ

۱۵۰

گو بیابید تا که بر خوانیم آنچه حق کرد بهر تان تحریم  
شرک هرگز مورز با یزدان دار با والدین خود احسان  
مکش از ترس فقر فرزندان حق دهد روزی شما و ایشان  
و پرهیز هم ز کار پلیدگر نهان است و گر که هست پدید  
قتل مردم خدای کرد حرام جز به راه حقیقت و احکام  
این سفارش بود ز سوی خدا شاید اهل خرد شوید شما

قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ إِلَّا تَشْرِكُوا بِهِ  
شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِمَّنْ إِمْلَاقٍ  
مَنْ نَرَزَقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ  
مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا  
بِالْحَقِّ ذَالِكُمْ وَصَدَّكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

۱۵۱  
حزب  
۶۰  
۱۲۰هـ

وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ  
أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْكَيْلِ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا نُكَلِّفُ  
نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ  
وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَٰلِكُمْ وَصَلِّكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ  
تَذَكَّرُونَ

هم ز مال یتیم دار حذر جز به وجهی که هست نیکوتر  
تا که یابد بلوغ او اتمام نیز میزان و کیل دار تمام  
نیست تکلیف خلق جز به توان عدل گو ور که بود بر خویشان  
این سفارش شد از سوی یزدان متذکر شوید شاید از آن

وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ  
فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ ذَٰلِكُمْ وَصَلَّكُمْ بِهِ  
لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

این ره راست است از اله پس اطاعت کنید از این راه  
و مباحثید پیرو رهها که کند دورتان ز راه خدا  
این سفارش کند خدا به شماز آنکه شاید شوید با تقوا

ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ  
وَتَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ  
يُؤْمِنُونَ

پس به موسی کتاب شد تنزیل بود بر بهترین روش تفصیل  
و همه چیز گفته شد به عیان بود لطف و هدایت رحمان  
شاید آنان به دیدن یزدان به قیامت بیاورند ایمان

وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ  
تُرْحَمُونَ

وین کتاب خجسته یافت نزول تا اطاعت از آن کنید قبول  
جان خود از گناه دار نگاهتا در آبی به رحمت الله

أَنْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَنْزَلَ الْكِتَابَ عَلَىٰ طَائِفَتَيْنِ مِن قَبْلِنَا وَإِنْ  
كُنَّا عَنْ دِرَاسَتِهِمْ لَغَافِلِينَ

تا نگوید آن دو طایفه بود که به آنان کتاب گشت فرود  
بیخبر بوده ایم از آن ما

أَوْ تَقُولُوا لَوْ أَنَّا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْكِتَابُ لَكُنَّا أَهْدَىٰ مِنْهُمْ  
فَقَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ فَمَنْ أَظْلَمُ  
مِمَّن كَذَّبَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَصَدَفَ عَنْهَا سَنَجْزِي الَّذِينَ  
يَصْدِفُونَ عَنْ آيَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يَصْدِفُونَ

یا نگوید اگر ز سوی خدا  
بهر ما می رسید وحی و کتاب قوم ما بود بیشتر رهباب  
پس بیامد نشان حق به شمارحمتی هم هدایتی ز خدا  
کیست بدتر به راه جور و جفا؟ زان که شد منکر نشان خدا  
روی گرداند از آن و زود آنان به بدی بنگرند کیفرشان

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ ءَامَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا قُلِ أَنْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ

چشم دارند تا فرشته رسد؟ یا خدا و نشانه‌های احد  
گر بیاید نشان ز سوی خدانبود سودشان ز ایمانها  
پیش از این هم نداشتند ایمان و نکردند کار خیر به آن  
گو بمانید بهر آن نگران نیز ماییم هم ز منتظران

إِنَّ الَّذِينَ فَرَقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ

آن کسانی که خود پریشاندمتفرق به دین و ایماند  
بهر آنان ترا نباشد کار امرشان هست جانب دادار  
پس به ایشان خبر دهد دادار آنچه انجام داده‌اند از کار

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

هر که بهر خدا کند احسان بهر او هست ده برابر آن  
و انکه را بود کار زشت و خطا جز به مثلش نمی‌دهند جزا  
ظلم بر هیچ کس نکرد خدا [ظلم بر خود کنند اهل جفا]

قُلْ إِنِّي هَدَيْتَنِي رَبِّيَ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيَمًا مِثْلَهُ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

گو خدایم به راه راهنماست در طریق خلیل و در ره راست  
دین ناب و حنیف داشت خلیل هیچ مشرک نشد به ربّ جلیل

قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

گو نماز است و نسک و مرگ و بقا بهرم از ربّ عالمین ز خدا

لَا شَرِيكَ لَهُ ۚ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ

بی‌شریک است و این بود فرمان منم از اولین مسلمانان

قُلْ أَغَيْرَ اللَّهِ أَبْغِي رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ

گو بجویم چه ربّ بجز یزدان و خدا هست ربّ کون و مکان  
هیچ کاری نمی‌دهید انجام جز که ببیند بهر آن فرجام  
هیچ کس بار دیگری نبرد بازگشت شماست سوی احد  
پس شما را خبر دهد یزدان آنچه ناساز بوده‌اید در آن

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيُبْلِغَكُمْ فِي مَا ءَاتَاكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ

در زمین هشت از شما خلفاداده شد پایه‌ها به بعض شما  
تا کند آزموتان به عطا و شتابان بود عذاب خدا  
و خدا هست صاحب غفران نیز او راست رحمت شایان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الْمَصِّ

۱  
حزب  
۶۱  
۱۳۲

[الف و لام و میم و صاد آمدرازی از سوی کردگار احد]

كِتَابٌ أَنْزَلَ إِلَيْكَ فَلَا يَكُنْ فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِّنْهُ لِتُنذِرَ  
بِهِ ۚ وَذِكْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ

۲

شد کتابی به سوی تو انزال که نباشد به سینه‌ی تو ملال  
مردمان را به آن دهی هشدار و بود بهر مؤمنین تذکار

اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِن دُونِهِ  
أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ

۳

پیروی کن از آنچه شد تنزیل سویتان از خدا و رب جلیل  
اولیایی به پیروی تو مگیر غیر یزدان کمید پند پذیر

وَكَمْ مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا فَجَاءَهَا بَأْسُنَا بَيِّنًا أَوْ هُمْ قَائِلُونَ

۴

ای بسا شهر کرده‌ایم خراب که به شب یا به روز بود به  
خواب

فَمَا كَانَ دَعْوَانَهُمْ إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا إِلَّا أَنْ قَالُوا إِنَّا كُنَّا  
ظَالِمِينَ

۵

وقت کیفر چنین کنند اقرار که ستم بود بهر ما کردار

فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ

۶

آنکه را داده شد کتاب و رسول همچو جمع رسل بود مسؤول

فَلَنَقُصَّنَّ عَلَيْهِم بِعِلْمٍ وَمَا كُنَّا غَائِبِينَ

۷

شرح دادیمشان به علم و صواب نیست از بهر ما به خلق  
غیاب

وَأَلْوَزُنُ يَوْمَئِذٍ الْحُقُوفُ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ  
الْمُفْلِحُونَ

۸

سنجش و کار قادر مطلق در قیامت تمام هست به حق  
هر که میزان کار اوست گران او بود رستگار [و زوست چنان

وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ بِمَا  
كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ

۹

وانکه باشد سبک بر او میزان هست بی‌خیر و خاسر است به  
جان  
چون به آیات ما ستم کردند [در قیامت به دوزخند به بند]

وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعِيشَةً  
قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ

۱۰

ما توان داده‌ایمتان به زمین و بدادیمتان معاش در این  
کمی از خلق شاکرند به آن تو نعیم خدا مکن کفران

وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ  
اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُن مِّنَ  
السَّاجِدِينَ

۱۱  
۱۳۳

آفریدیمتان و پس صورت داده‌ام بهرتان پس از خلقت  
پس به جمع فرشتگان گفتم سجده آرید در بر آدم  
سجده کردند جمله جز شیطان که نبود از گروه سجده‌کنان

قَالَ مَا مَنَعَكَ إِلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ ۗ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ

گفت حق چونکه امر فرمودم از چه مسجود تو نشد آدم  
گفت در خلقتم از او بهتر او ز گل بود و من شدم ز آذر

قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ

گفت پایین برو ترا چه رسد؟ که تکبر کنی [در این معبد]  
پس برون آی از بهشت خداکه تو هستی فروتر از اینجا

قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ

گفت تا حشر ده به من فرصت

قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ

گفت تا حشر دادمت مهلت

قَالَ فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ

گفت اغوا چو گشته‌ام به گناه پس بشر را کمین کنم در راه

ثُمَّ لَا تَأْتِيهِمْ مِّنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ

پس بیایم سراغشان به کمین از پس و پیش و از شمال و  
یمین  
و نیابی شکور اکثرشان

قَالَ أَخْرَجْ مِنْهَا مَذْمُومًا مَّدْحُورًا ۗ لَمَنِ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ

گفت زشت و زیون برو از آن  
و هر آن کس که شد ترا پیرو دوزخ از آن کسان کنم مملو

وَيَعَادِمُ أُسْكُنُ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ

آدم پس تو نیز با همسر در بهشت بلند ساز مقر  
هر چه خواهی بخور مخور اما این شجر را که گردی اهل جفا

فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْآتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَتَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ

کرد وسواس آن دو را شیطان تا زهار نهد پنهان کنند عیان  
گفت نهی شما کند بیزدان که مبادا ملک شوید از آن  
یا که باشید جاودان با هم

وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ

با قسم گفتم من نکو خواهم

فَدَلَّهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ ۗ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَأَقُلَّ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُّبِينٌ

پستشان کرد با فریب چنان چون چشیدند زان شجر ایشان  
شد زهار آشکار بر آنان پس گرفتند برگهای جنان  
و ندا دادشان خدا کایازان شجر نهیتان نکرد خدا؟  
نیز آیا نگفته بودمتان؟ اینکه ابلیس دشمنی است عیان



قَالَ رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ  
مِنَ الْخَاسِرِينَ

پس بگفتند ای خدا زین کار ظلم کردیم بر خود ای غفار  
گر نبخشی تو از ره غفران به یقینیم از زیانکاران

قَالَ أَهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ  
مُسْتَقَرٌّ وَمَتَعٌ إِلَىٰ حِينٍ

گفت نازل شوید بس به زمین بهره گیرید تا زمانی از این  
دشمن هم شوید

قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَفِيهَا تَمُوتُونَ وَمِنْهَا تُخْرَجُونَ

و باشدتان  
زیست و مرگ و بر شوید از آن

يَبْنِيٰٓءَادَمَ قَدْ أَنزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُورِي سَوَآتِكُمْ  
وَرِيشًا ۗ وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِّنْ ءَايَاتِ اللَّهِ  
لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ

ای بنی آدم آورم به بشر  
پوششی بر زهار و هم زیور و به از اوست جامه‌ی تقوی  
بهر پند است آیه‌های خدا

يَبْنِيٰٓءَادَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم  
مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوَآتِهِمَا ۗ إِنَّهُ  
يُرِيكُم هُوَ وَقَبِيلُهُ مِمَّنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ ۗ إِنَّا جَعَلْنَا  
الشَّيْطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ

ای بنی آدم اهرمن به بلا  
می‌فریبید شما و خلق خدا که برون کرد آدم و حوا  
رخت کند و زهار کرد افشاو و اهلش نگه کند به شما  
و شما ننگرید آنان را ما نهادیم دسته‌ی شیطان  
اولیا بهر خلق بی‌ایمان

وَإِذَا فَعَلُوا فَحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا ءَابَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا  
بَهَا ۗ قُلْ إِنَّا لِلَّهِ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ ۗ اتَّقُوا اللَّهَ عَلَىٰ إِلَٰهِ مَا لَا  
تَعْلَمُونَ

چونکه زشتی کنند می‌گویند  
راه آبابی خویش می‌جویندو خدا امر کرده است به ما  
[که بیابیم شیوه‌ی آبا] گو به زشتی نداد حق فرمان  
از جهالت مزن به حق بهتان

قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ ۗ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ  
وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ ۗ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ

گو که پروردگار من فرمود  
عدل پیش آر و روی کن به سجودو به اخلاص دین بخوانش  
باز  
بازگرداندت چنان ز آغاز

فَرِيقًا هَدَىٰ وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ ۗ إِنَّهُمْ اتَّخَذُوا  
الشَّيْطِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ اللَّهِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهم مُّهْتَدُونَ

عده‌ای در هدایتند اما  
عده‌ای راست گم‌رهی بر جاکه گرفتند اهرمنها را  
اولیا بهر خود به جای خداو چنین مردمی کنند گمان  
که شدند از گروه مهتدیان



قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنِّ  
وَالْإِنْسِ فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعْنَتْ أُخْتَهَا حَتَّى إِذَا  
أَدَارَكُوا فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أُخْرِنُهُمْ لِأُولِهِمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ  
أَضَلُّونَا فَعَاتِبِهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِنَ النَّارِ قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٍ  
وَلَكِنْ لَا تَعْلَمُونَ

وَقَالَتْ أُولِهِمْ لِأُخْرِنُهُمْ فَمَا كَانَ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ  
فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ

إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ  
أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلْبِغَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ  
الْحِيَاطِ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ

لَهُمْ مِنْ جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِنْ فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ وَكَذَلِكَ نَجْزِي  
الظَّالِمِينَ

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا  
وُسْعَهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ  
وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا  
أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رَسُولُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَتُودُوا أَنْ  
تَلَکُمُ الْجَنَّةُ أَوْرِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

گوید آنگه درون شوید به ناریا گروهی مشابه از کفار  
جن و انسند و بوده‌اند از پیش هر گروهی به فکر کبیر  
خویش

هر گروهی که رفت در نیران می‌کند سب و لعن بر دگران  
تا همه راه نار را پویند پیروان بهر رهبران گویند  
کای خدا لعن بر مضلان باد کبیر رهبران دو چندان باد  
گوید از جمله هست دو چندان لیک آگاه نیستید از آن

مهران بهر پیروان گویند بر شما نیست امتیازی چند  
بچشید از عذاب همچون ماوین مجازات کارهای شما

آنکه آیات حق کند انکارو به آیات داشت استکبار  
نگشایندشان دری ز سمدار نیابند در بهشت خدا  
تا شتر بگذرد از آن روزن از چه روزن ز روزن سوزن  
و چنین می‌دهیم ما کبیر مجرمین را به عرصه‌ی محشر

دوزخ است از برایشان بستر پوششی نیز بهرشان ز سقر  
ما چنان می‌دهیم اجر و جزابه ستم پیشگان و اهل جفا

و کسانی که آورند ایمان و نکو بود کرده‌ی ایشان  
نیست تکلیف کس به غیر توان به چنانند و جاودانه در آن

حسد و کین بریم از دلشان مشرفند آن زمان به آب روان  
و بگویند حمد بهر خدا که به ما داد این طریق خدا  
گر به ما رهنما نبود خدا بهره‌ی ما نبود راه خدا  
رسل آورده‌اند حق سوی ما [پس بیاید ندا ز سوی خدا]  
دوست داریم ارث بهر شما چنانست از اجر کارتان اینجا

وَنَادَىٰ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَن قَدْ وَجَدْنَا مَا  
وَعَدْنَا رَبَّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُوا  
نَعَمْ فَإِنَّ مُؤَذِّنًا بَيْنَهُمْ أَن لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ

و ندا می‌دهند اهل جنان در قیامت به فرقه‌ی نیران  
یافتیم آنچه وعده داد خدایافتید آنچه وعده داد آیا؟  
و بگویند مجرمان آری که به حق است وعده‌ی باری  
پس منادی ندا دهد به میان‌بر جفا کار لعنت یزدان

الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ  
بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ

آن کسانی که جمع مردم را باز دارند از طریق خدا  
نیز خواهند منحرف آن را و نه باور کنند روز جزا

وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا  
بِسِيمَتِهِمْ وَنَادُوا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَن سَلِّمُوا عَلَيْنَا لَمْ  
يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ

و حجابی است بین این دو خلافو رجالی نشسته در اعراف  
که شناسندشان به روی و کلام بهر اهل جنان کنند سلام  
و نیایند سوی باغ جنان‌گر چه باشد امید برایشان

وَإِذَا صُرِفَتْ أَبْصَارُهُمْ تِلْقَاءَ أَصْحَابِ النَّارِ قَالُوا رَبَّنَا لَا  
تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

چشمشان چون فتد به اهل جحیم‌پس بخواهند از خدای  
علیم  
که مساز ای خدای ما ما راهمره و همنشین اهل جفا

وَنَادَىٰ أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رِجَالًا يَعْرِفُونَهُمْ بِسِيمَتِهِمْ قَالُوا  
مَا أَعْنَىٰ عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ

اهل اعراف می‌دهند ندابه کسانی معرف از سیما  
که چه سودی دهد شما را کار جمع مال و منال و استکبار

أَهْوَلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمْتُمْ لَا يَنَالُهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَةٍ أَدْخُلُوا الْجَنَّةَ  
لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ

نیستند این کسان که با سوگندگفته بودی به خیر حق  
نرسند  
پس ز حق می‌رسد پیام و خبر [بهر اعرافیان چشم به در]  
که در آبیید در جنان خدانیست حزن و هراس بهر شما

وَنَادَىٰ أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ أَفِيضُوا عَلَيْنَا  
مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَهَا عَلَى  
الْكَافِرِينَ

و بخواهند فرقه‌ی نیران‌خواهش خویش را ز اهل جنان  
که ببخشید شربتی ما رایا ز چیزی که رزق داده خدا  
پس بگویند حق بساخت حرام‌بهر کفار [این خور و آشام

الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَلَعِبًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا  
فَالْيَوْمَ نَنسَلُهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا وَمَا كَانُوا  
بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ

هر که بازی گرفت دین خداغره شد بر حیات بر دنیا  
بردم از یادشان که ایشان راشد فرامش لقای روز جزا  
و به آیات خالق قهار برگزیدند شیوه‌ی انکار

وَلَقَدْ جِئْتَهُمْ بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ عَلَىٰ عِلْمٍ هُدًى وَرَحْمَةً  
لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

پس بدادیمشان کتاب و دلیل و بیان کرده‌ایم با تفصیل  
رهنمون است و رحمت یزدان‌بهر آنانکه آورند ایمان

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ يَقُولُ الَّذِينَ  
نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ فَهَلْ لَنَا مِنْ  
شُفَعَاءَ فَيَشْفَعُوا لَنَا أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلْ غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ  
قَدْ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

غیر تأویل را نمی‌جویند چونکه تأویل آن رسد گویند  
که رسول خدا به ما حق دادگر چه از قبل برده‌اند از یاد  
هست آیا برای ما شفعا؟ گر بیاییم باز در دنیا  
ما بگیریم راه دیگر را غیر از این کار و راه رفته‌ی ما  
باختند این فریق گوهر جان‌گم شد از این گروه آن بهتان

۵۳

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ  
أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ  
وَحَيْثَ مَا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ  
الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ

۵۴  
۱۲۸

ربّ تست آن خدای ارض و سماکه به شش روز آفرید آن را  
پس برداخت کار عرش آن ربّ و بیوشد به روز پرده‌ی شب  
شب به دنبال روز در تک و پوست‌مهر و مه و اختران مسخر  
اوست  
نیز از اوست خلق و امر جهان‌پس بزرگ است ربّ عالمیان

أَدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ

۵۵

به تضرع بخوان حق و به نهان و خدا نیست یار معتدیان

وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا  
وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ

۵۶

و مکن در زمین حق افساد بعد از آنکه که شد صلاح و سداد  
و بخوان ربّ خود به خوف و رجاخیر حق دور نیست از صلاح

وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا  
أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَهُ لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ  
فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ  
لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

۵۷

بادها را فرستد از برکت‌که دهد مژده پیش رو رحمت  
برکشد ابر توده‌ای سنگین و برانیم آن به مرده زمین  
پس فرستم فرو از آن باران و بر آریم میوه‌ها از آن  
آنچنان هم بر آورم موتی‌پند گیرید شاید از اینها

وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ ۗ وَالَّذِي خَبِثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ

خاک خوش بر دهد به اذن خدا خاک بد بر نداد جز کم را  
و بیان می‌کنم نشانه چنان‌بهر قومی که شاکرند به آن

لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ ۖ فَقَالَ يَتَقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ ۗ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

به حقیقت که کردگار جلیل‌نوح را سوی قوم کرد گسیل  
گفت ای قوم حق پرست شویدنیست معبود جز خدای مجید  
بهرتان جان من بود پر بیم از عذاب خدا به روز عظیم

قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ ۖ إِنَّا لَنَرَنَّكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

ملاء قوم گفت با نوح این‌هستی اکنون تو در ضلال مبین

قَالَ يَتَقَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِّنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ

گفت گمراه نیستم به جهان‌که رسولم ز ربّ عالمیان

أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ

می‌رسانم پیامهای خدا و نصیحت کنم برای شما  
و بدانم من از خدای جهان‌آنچه آگاه نیستید از آن

أَوْعَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِّنْ رَبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا وَلَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

در شگفتید کامده ز خدا ذکر بر مردی از میان شما  
بهر هشدار خلق و هم تقوارحمت حق مگر رسد به شما

فَكَذَّبُوهُ فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ فِي الْفُلِكِ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا ۖ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا عَمِينَ

بود تکذیب نوح و یاران را پس به کشتی رها نمودم از آنجا  
غرق کردیم منکران نشان‌زان که بودند جمع کوردلان

وَإِلَىٰ عَادِ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَتَقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ ۗ أَفَلَا تَتَّقُونَ

هود هم چون به سوی عاد رسیدگفت ای قوم حق پرست  
شوید  
نیست معبود غیر آن یکتان نیست تقوا برایتان آیا؟

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ ۖ إِنَّا لَنَرَنَّكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ

ملاء قوم کافران گفتادر سفاقت بدیده‌ایم ترا  
و گمان می‌کنیم حرف تو راسخن یک دروغگوی و خطا

قَالَ يَتَقَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِّنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ

گفت ای قوم نیستم نادان‌که رسولم ز ربّ عالمیان

أَبْلَغُكُمْ رَسُولَ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ

می‌رسانم پیام ربم را و منم ناصحی امین به شما

أَوْعَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِّنكُمْ  
لِيُنذِرَكُمْ وَأَذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ  
وَزَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَصْطَةً ۖ فَأذْكُرُوا ءَالَآءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ  
تُفْلِحُونَ

در شگفتید کامده ز خداذکر بر مردی از میان شما  
تا دهد بیمتان ز راه فسادو بدارید آن زمان را یاد  
که پس از نوح جانشین بودیدو به بسط توان بیفزودید  
یاد دارید لطف حی مجیدشاید ای قوم رستگار شوید

۶۹

قَالُوا أَجِئْنَا لِنُعْبَدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا  
فَأَتَيْنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ

پس بگفتند آمدی سوی ما بر عبادت به خالق یکتا  
تا گذاریم شیوهی آبپس بیاور به سوی ما آن را  
که تو ما را از آن بت‌رسانی‌اگر از جمع راستگویانی

۷۰

قَالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُمْ مِّن رَّبِّكُمْ رِجْسٌ وَغَضَبٌ ۖ  
أَتُجَدِلُونَنِي فِي سَمَاءٍ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَءَابَاؤُكُمْ مَّا نَزَّلَ  
اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ ۖ فَانظُرُوا إِلَيَّ مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ

گفت افکند حق میان شمارجس و خشم و جدل کنید مرا  
بهر اسما، جعلی از آباکه نباشد دلیل بهر شما  
پس بمانید بهر خود نگران و منم با شما ز منتظران

۷۱

فَأَنجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَقَطَعْنَا دَابِرَ الَّذِينَ  
كَذَبُوا بِآيَاتِنَا ۖ وَمَا كَانُوا مُؤْمِنِينَ

پس رهان‌دیم او و یاران را بود این رحمتی ز جانب ما  
ریشه کن شد مکذب آیاتو نبودند مؤمنین به نجات

۷۲

وَإِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ أَعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ  
مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ ۖ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ ۖ هَذِهِ نَاقَةٌ  
اللَّهُ لَكُمْ ءَايَةٌ ۖ فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ ۖ وَلَا تَمْسُوهَا  
بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابُ أَلِيمٍ

هود هم چون به سوی عاد رسیدگفت ای قوم حق پرست  
شوید

نیست معبود جز خدای جهان‌آمد از حق ز بینات نشان  
ناقه‌ی حق برایتان آیدآن نشانی بود ز سوی احد  
وانهیدش به ارض حق به چرامرسانید اذیتی او را  
[گر نباشید تابع فرمان پس عذابی الیم گیردتان]

۷۳

۱۳۱ ر

وَأَذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَبَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سُهُولِهَا قُصُورًا وَتَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا فَاذْكُرُوا آيَاتَ اللَّهِ وَلَا تَعْتَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ

و به یاد آورید وقتی راکه پس عاد کردتان خلفا جایتان داد در زمین و شماکاخ کردید روی دشت بنا در دل کوه کنده‌اید سراپس به یاد آورید لطف خدا و مکوشید در ره افساددر زمین [از طریق جور و فساد]

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتَضَعُّوْا لِمَنْ ءَامَنَ مِنْهُمْ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ صَالِحًا مُّرْسَلٌ مِّن رَّبِّهِ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِء مُؤْمِنُونَ

آن تکبرکنان به عز و شرفگفت با مؤمنین مستضعف هیچ دانید این زمان آیا؟ هست صالح رسول راه خدا پس بگفتند کرده‌ایم قبول آنچه را شد به سوی او مرسل

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا بِالَّذِي ءَامَنْتُمْ بِهِء كَافِرُونَ

آن تکبرکنان به عز و شرفشد مخاطب به قوم مستضعف پس بگفتند نیست باورمان آنچه دارید بهر آن ایمان

فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ وَقَالُوا يُصَلِّحُ اتِّتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ

ناقه را پی زدند و هم ز جفاگشته سرکش ز حکم و امر خدا و بگفتند صالحا برسان ز آنچه بر ما تو بوده‌ای ترسان اگر از سوی حق شدی ارسال

فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جِثْمِينَ

برگرفت آن گروه را زلزال قوم گشتند پیکر بیجان در سراهایشان که شد ویران

فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَاقَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِنْ لَا تُحِبُّونَ النَّصِيحِينَ

روی گرداند و گفت سوی شما من رساندم پیام ربم را خیر خواه شما شدم اماخوش ندارید خیر خواهان را

وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِء أَتَأْتُونَ الْفَلْحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ الْعَالَمِينَ

لوط هم چون بگفت قومش را از چه آرید روی بر فحشا که نکردست پیش از این به جهان هیچ کس از میان عالمیان

إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّن دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ

میلتان می‌رود به سوی ذکوروز زناید در جماع به دور و شما مردمی ستم کاریدو تعدی به حق روا دارید



وَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوهُمْ مِّنْ قَرْيَتِكُمْ<sup>ط</sup> إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَّتَطَهَّرُونَ

پاسخ قوم بود اینکه اکنون باید از شهر کردشان بیرون [این گروه است خشک و بی‌تدبیر] خواهد از بهر قوم ما تطهیر

فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا أُمَّرَأَتَهُ وَكَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ

او و اهلش رها شدند الا همسرش کو بماند در آنجا

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَأَنْظَرُ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ

و ببارید از حجر باران بنگر کیفر گنه کاران

وَالِى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَاقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ<sup>ط</sup> قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِّنْ رَبِّكُمْ<sup>ط</sup> فَأَوْفُوا<sup>ط</sup> الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا<sup>ط</sup> النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا<sup>ط</sup> ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

و به مدین شعیب چون برسیدگفت ای قوم حق پرست شوید

که جز او نیست بهر تان معبود و آمد از حق نشانه‌ها مشهود کیل و میزان ادا کنید تمام و مکاهد از حقوق انام و مسازید در زمین افساد بعد از آنکه که صلح بود و سداد این بود بهتر از برای شماگر که مؤمن شدید بهر خدا

وَلَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ وَتَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ مِنْ ءَامَنَ بِهِ<sup>ط</sup> وَتَبْغُونَهَا عِوَجًا<sup>ط</sup> وَأَذْكُرُوا<sup>ط</sup> إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكَثَرْتُمْ<sup>ط</sup> وَأَنْظُرُوا<sup>ط</sup> كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ

مکنید از طریق حق تهدید و مبندید راه رب مجید کج مسازید خلق را ز سیل یاد دارید بوده‌اید قلیل پس فزون ساخت جمعتان یزدان بنگر کیفر گنه کاران

وَإِنْ كَانَ طَآئِفَةٌ مِّنْكُمْ ءَامَنُوا بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ<sup>ط</sup> وَطَآئِفَةٌ لَّمْ يُؤْمِنُوا فَاصْبِرُوا حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا<sup>ط</sup> وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ

از شما جمعی آورند ایمان آنچه را شد گسیل از یزدان عده‌ای نیست بهر شان ایمان صبر کن تا خدا دهد فرمان اوست داور میان ما یکسر و خدا هست بهترین داور

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ  
يَشْعِيبَ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيَتِنَا أَوْ لَتَعُودَنَّ فِي  
مِلَّتِنَا قَالَ أُولَٰئِكَ كُنَّا جَاهِلِينَ

جمعی از قوم و مردم کافر که ز اشراف بود و مستکبر  
گفت هان ای شعیب پیغمبر ما برون می‌کنیمتو از این  
تو و اتباع تو از این استان جز که باور کنی مذهبمان  
گفت هر چند آوریم اکراه؟

چون بگردیم باز از این راه؟

که خدا دادمان نجات از آن از چه بندیم بهر حق بهتان؟  
نیست برگشت ما ز راه رواج که خواهد خدای ما آن را  
و خدا آگه است از هر کار ما توکل کنیم بر دادار  
ای خدا بین ما و مردم ما ز ره خیر و حق دری بگشا  
این تویی بهترین گشاینده باب لطف و صلاح بر بنده

قَدْ أَفْتَرْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا إِنَّا عُدْنَا فِي مِلَّتِكُمْ بَعْدَ إِذْ  
نَجَّيْنَا اللَّهُ مِنْهَا وَمَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَعُودَ فِيهَا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ  
اللَّهُ رَبُّنَا وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا  
أَفْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ

۸۹

وَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَئِنِ اتَّبَعْتُمْ شُعَيْبًا  
إِنَّكُمْ إِذَا لَخَسِرُونَ

۹۰

پس ملاء گفت بس زیانکارید از شعیب ار که پیروی دارید

زلزله برگرفت آنان راتنشاند ماند بی‌روان به سرا

فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جِثْمِينَ

۹۱

الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا كَأَنْ لَّمْ يَعْنُوا فِيهَا الَّذِينَ كَذَّبُوا  
شُعَيْبًا كَانُوا هُمُ الْخَاسِرِينَ

۹۲

آنکه را بر شعیب بود انکارگویی می‌نزیست در آن دار  
آنکه را بر شعیب بود انکار بس زیان کرد از چنین کردار

روی گرداند و گفت مردم رامن رساندم پیامهای خدا  
خیر خواه شما شدم بسیار چه تأسف خوریم بر کفار

فَتَوَلَّىٰ عَنْهُمْ وَقَالَ يَٰ قَوْمٍ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَتِ رَبِّي  
وَنَصَحْتُ لَكُمْ بِكَيْفِ ءَأْسَىٰ عَلَىٰ قَوْمٍ كَافِرِينَ

۹۳

نفرستاده‌ام به هیچ مکان این رسولان مگر به تابعشان  
بدهم سختی و گرفتاری تا که روی آورند بر زاری

وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ  
وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضَّرَّعُونَ

۹۴

۱۳۳

جای شر خیر ساختیم گزین پس فزون گشت قوم و گفت  
چنین  
پدران را رسید رنج و خدانگهان برد قوم نادان را

ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّىٰ عَفَوْا وَقَالُوا قَدْ مَسَّ  
ءَابَاءَنَا الضَّرَّاءُ وَالسَّرَّاءُ فَأَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

۹۵

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ  
مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا  
يَكْسِبُونَ

گر که اهل دیار ایمان داشت‌راه پرهیز بهر یزدان داشت  
برکاتی از آسمان و زمین بود بهر جماعت [از ره دین  
لیک انکار بودشان اقوال‌پس گرفتیمشان بر آن اعمال

ایمنند از عذاب ما آیا؟چون به شب خفته‌اند اهل قرا

۹۷ أَفَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَن يَأْتِيَهُم بَأْسُنَا بَيِّنًا وَهُمْ نَائِمُونَ

ایمنند از عذاب ما آیا؟چون به روزند اهل لهو آنجا

۹۸ أَوْ آمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَن يَأْتِيَهُم بَأْسُنَا ضُحًى وَهُمْ يَلْعَبُونَ

در زیانکاری ایمن است آیا؟کسی از مردمان ز مکر خدا

۹۹ أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يُأْمِنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ  
الْخَاسِرُونَ

بعد اهلش به وارثان زمین‌نشد آیا ز سوی حق تبیین؟  
که اگر خواست خالق یکتامی‌رساند عذابشان ز خطا  
و زند مهر بر دل آنان‌تا دگر هیچ نشنوند ایشان

۱۰۰ أَوْ لَمْ يَهْدِ لِلَّذِينَ يَرِثُونَ الْأَرْضَ مِن بَعْدِ أَهْلِهَا أَن لَّوَّ  
نَشَاءُ أَصَبْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَنَطْبَعُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا  
يَسْمَعُونَ

قومها بر تو داشتیم بیان‌وز خبرها که بوده است در آن  
رسل آوردشان نشان عیان‌که به آنها نداشتند ایمان  
چونکه از قبل داشتند انکار‌حق زند مهر بر دل کفار

۱۰۱ تِلْكَ الْقُرَىٰ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنبِيَآئِهَا ۖ وَقَدْ جَاءَتْهُمْ  
رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا مِن قَبْلُ ۗ  
كَذَٰلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِ الْكَافِرِينَ

بیشتر نیستند بر پیمان‌اکثرند اهل فسق و هم عصیان

۱۰۲ وَمَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِمْ مِّنْ عَهْدٍ ۗ وَإِن وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ  
لَفَاسِقِينَ

و بر انگیختم پس از ایشان‌همچو موسی به بیانات و نشان  
سوی فرعون و قوم [بهر نجات پس ستمگر شدند بر آیات  
پس نگه کن به آن همه آثار‌مفسدان را چه شد نتیجه‌ی کار

۱۰۳ ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِم مُّوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ ۗ  
فَظَلَمُوا بِهَا ۗ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ

بهر فرعون گفت موسی‌هان‌من رسولم ز ربّ عالمین

۱۰۴ وَقَالَ مُوسَىٰ يٰ فِرْعَوْنُ إِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ

حَقِيقٌ عَلَىٰ أَنْ لَا أَقُولَ عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ قَدْ جِئْتُكُمْ  
بِبَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَرْسِلْ مَعِيَ بَنِي إِسْرَائِيلَ

قَالَ إِن كُنتَ جِئْتَ بِآيَةٍ فَأْتِ بِهَا إِن كُنتَ مِنَ  
الصَّادِقِينَ

فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ

وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّظِيرِينَ

قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ عَلِيمٌ

يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِّنْ أَرْضِكُمْ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ

قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَرْسِلْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ

يَأْتُوكَ بِكُلِّ سِحْرِ عَلِيمٍ

وَجَاءَ السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ قَالُوا إِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِن كُنَّا نَحْنُ  
الْغَالِبِينَ

قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ

قَالُوا يَمُوسَىٰ إِمَّا أَنْ تُلْقِيَ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ نَحْنُ الْمُلْقِينَ

قَالَ الْقَوْمُ فَلَمَّا آلَقُوا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ وَاسْتَرْهَبُوهُمْ  
وَجَاءُوا بِسِحْرِ عَظِيمٍ

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَلِقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا  
يَأْفِكُونَ

فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

فَعَلِبُوا هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صَغِيرِينَ

وَأَلْقَى السَّحَرَةُ سَجِدِينَ

نیست شایسته و سزا بر من جز به حق گویم از خدای سخن  
چونکه آوردم از برای شما بیانات از خدای بی‌همتا  
آل یعقوب هم‌ره من دارتا بر آبییم از این زمین و دیار

گفت آورده‌ای اگر تو نشان‌ور که صادق تویی بیار عیان

پس عصایش فکند بهر نشان‌شد در آن حال اژدهای عیان

دست خود را ز جیب کرد بدرگشت رخشان به صاحبان نظر

پس بگفتند مهتران آنجاهست این مرد ساحری دانا

خواهد او تا برون برد ز ینجا قوم را گو که چیست امر شما؟

پس بگفتند بهر این افسون‌مهلتی ده به موسی و هارون  
و روان کن رسول در کشور

تا که جمع آورند افسونگر

ساحران چون بیامدند آنجا پس بگفتند مزد هست آیا؟  
گر که غالب شدیم اینان را

گفت آری مقریبید اینجا

پس بگفتند جمع با موسی‌سحر خود را تو افکنی یا ما

گفت آن بفرمایید و آن ترفندچشم آن جمع را به بند افکند  
و بترساندشان ز سحر عظیم

پس به موسی چو وحی فرمودیم  
که عصایت فکن فکند عصابرگرفت آن دروغ و افسون را

حق عیان گشت و نیز شد به هدرکارها زان گروه افسونگر

گشت مغلوب و خوار آن ترفند

ساحران هم به سجده افتادند

قَالُوا ءَامَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ

پس بگفتند آوریم ایمان بهر پروردگار عالمیان

۱۲۲

رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ

[آنکه نابود ساز افسون است ربّ موسی و ربّ هارون است

۱۲۳

قَالَ فِرْعَوْنُ ءَامَنْتُمْ بِهِ قَبْلَ أَنْ ءَاذَنَ لَكُمْ إِنَّ هَذَا لَمَكْرٌ مَّكْرَتُمُوهُ فِي الْمَدِينَةِ لِتُخْرِجُوا مِنْهَا أَهْلَهَا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ

گفت فرعون آورید ایمان؟ پیش از اینکه دهم اجازه‌ی تان پس فکندید مکر در اینجاست که خارج کنید اهلس را زود یابید اطلاع شما [که چه باشد عذاب و کیفر ما

۱۲۴

لَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِّنْ خَلْفٍ ثُمَّ لَأُضِلِّيَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ

می‌کنم دست و پا یمین و یسارپس برآرم جمیع را بردار

۱۲۵

قَالُوا إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ

پس بگفتند باز می‌گردیم سوی پروردگار حی کریم

۱۲۶

وَمَا تَنْقِمُ مِنَّا إِلَّا أَنْ ءَامَنَّا بِآيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا جَاءَتْنَا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَقَّفْنَا مُسْلِمِينَ

زان ستانی تو انتقام از ماکه بود بهر ما نشان خدا نیز مؤمن شدیم بهر خداسبر یا ربّ به ما عطا فرما چونکه ما را برون بری ز جهان ساز همراه با مسلمانان

۱۲۷  
۱۳۶ر

وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَدْرُ مُوسَىٰ وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَيَذُرِكَ وَعَالِهَتَكَ قَالَ سَنُقْتِلُ أَبْنَاءَهُمْ وَنَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ وَإِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ

گفت اشراف بهر فرعون این از چه موسی و پیروان در دین وانهی بر فساد در دنیاها گذارد تو و الهت را گفت پس می‌کشیمشان پسران و رها می‌کنیم ما نسوان سلطه داریم نیز بر ایشان تا بمانیم ما به امن و امان

۱۲۸

قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ

گفت موسی به قوم خود ز خدایاوری جوی و صبر کن [به بلا] به حقیقت زمین از آن خداست و دهد ارث آن به هر کس خواست ملک بر بندگان دهد یزدان عاقبت هست بهر متقیان

۱۲۹

قَالُوا أُوذِينَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِيَنَا وَمِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا قَالَ عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عَدُوَّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ

پس بگفتند دیده‌ایم ستم‌پیش از آیین تو از آن پس هم گفت امید هست خصم شما برود بعد از این به باد فنا و کند جانشینتان به زمین‌نگرد پس چه می‌کنید [به دین

۱۳۰  
۱۳۷ر

وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَنَقْصِ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ

آل فرعون خشکسالی دیدنیز نقص ثمار گشت پدید [این چنین می‌کند خدای قدیر] شاید آنان شوند پند پذیر

فَإِذَا جَاءَتْهُمْ الْحُسَنَةُ قَالُوا لَنَا هَذِهِ وَإِنْ تُصِبُّهُمْ سَيِّئَةٌ يَطَّيَّرُوا بِمُوسَىٰ وَمَنْ مَعَهُ ۗ أَلَا إِنَّمَا طَّيَّرَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

گر که خیری رسید بر ایشان گفته‌اند اینکه هست از خودمان  
ور که شری رسید ایشان رانسبتش داده‌اند بر موسی  
هان شگون‌هاست جمله نزد خدایبیشتر نیستند از آن دانا

و بگفتند آوری چونشان بر فسونت نیاوریم ایمان

وَقَالُوا مَهْمَا تَأْتِنَا بِهِ مِنْ آيَةٍ لِّتَسْحَرَنَا بِهَا فَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ

پس فرستاده‌ایم بر ایشان ملخ و خون و قمل و طوفان  
و وزغ را جدا جدا ز نشان‌کبر ورزیده‌اند باز ایشان  
بوده‌اند این گروه اهل گناه وز نشانشان نیامدند به راه

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجُرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ  
وَالدَّمَ ۗ آيَاتٍ مُّفَصَّلَاتٍ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ

چون بلا چیره گشت ایشان را قوم گفتند اینکه ای موسی  
پس دعا کن برای ما ز خداکه بیارد وفای عهد تو را  
گر بلا را ز ما بگردانی می‌شویمت گروه ایمانی  
پس از آن می‌کنیم با تو گسیل قوم در بند آل اسرائیل

وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا يَمُوسَىٰ أَدْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا  
عَهِدَ عِنْدَكَ لِنِ كَشَفْتِ عَنَّا الرِّجْزَ لِنُؤْمِنَنَّ لَكَ  
وَلَنُرْسِلَنَّ مَعَكَ بَنِي إِسْرَائِيلَ

چون گرفتیم از آن گروه بلادر زمان رسیدن آنان را  
باز پیمان خویش بشکستند [به شیاطین خویش پیوستند]

فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الرِّجْزَ إِلَىٰ أَجَلٍ هُمْ بَلِغُوهُ إِذَا هُمْ  
يَنْكُثُونَ

انتقامی گرفتم ایشان را غرقشان ساختیم در دریا  
بهر تکذیب آیهی رحمت داشتند از همه نشان غفلت

فَأَنْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا  
وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ

ارث دادیم شرق و غرب جهان‌بهر مستضعفانی از ایشان  
نیز فرخنده ساختیم آن را و ادا شد کلام نیک خدا  
به گروهی ز آل اسرائیل داشت چون این گروه صبر جمیل  
وانچه فرعون ساخت با یاران‌وانچه افراخت ساختم ویران

وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشْرِقَ الْأَرْضِ  
وَمَغْرِبَهَا ۗ الَّتِي بَرَكْنَا فِيهَا ۗ وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ  
عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا ۗ وَدَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ  
فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ ۗ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ

وَجَوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ  
عَلَىٰ أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَىٰ اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ  
آلِهَةٌ قَالِ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ

گذرانديم آل اسرئيل چون ز دريا [به لطف رب جليل  
پس رسيدند بر يکي ز اقوام که نيايش کنند بر اصنام  
پس بگفتند لشکر موسی که خدایی قرار ده بر ما  
همچون معبودهایی از ایشان گفت هستيد امتی نادان

کار ایشان بود تباه و تبار باطل است این گروه را کردار

إِنَّ هَؤُلَاءِ مُتَّبِعُونَ مَا هُم بِفَاعِلُونَ  
فَلْيَلْمُوا كُفْرَهُمْ بَأْسَ اللَّهِ الَّذِي كَفَرُوا بِهِ  
وَمَا لَهُمْ حِسَابٌ يَوْمَ الْقِيَامِ

گفت معبود کیست جز یزدان برتری دادتان به خلق جهان

قَالَ أَغْيِرَ اللَّهُ أْبْغِيكُمْ إِلَهًا وَهُوَ فَضَّلَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ  
وَإِذْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ  
الْعَذَابِ يُقْتُلُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي  
ذَلِكَ بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ

ز آل فرعونتان رهانیدیم بهرتان بود از آن عذاب الیم  
پسران شما همی کشتند دختران لیک زنده می‌هشتند  
و در آن بود آزمون و بلا از خدای بزرگ بهر شما

وَوَاعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأْتَمَمْنَا بِعَشْرِ فِتْنٍ مِّمَّا  
كُفَرُوا بِهِ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا  
فَكُنَّا فِي آيَاتِنَا مُتَكِبِينَ

بودی سی لیله وعده موسی و فرودیم ده دگر آن را  
پس چهل گشت وعده گاه خدا پس به هارون برادرش موسی  
گفت بر قوم من خلیفه تو باش و به اصلاحشان بدار تلاش  
و مکن پیروی ره آنان که به افساد گشته‌اند روان

وَوَاعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأْتَمَمْنَا بِعَشْرِ فِتْنٍ مِّمَّا  
كُفَرُوا بِهِ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا  
فَكُنَّا فِي آيَاتِنَا مُتَكِبِينَ

چونکه موسی ز وعده گاه آمد و بگفتش سخن خدای احد  
گفت یا رب خودت به من بنما گفت ز نهار ننگری تو مرا  
بلکه بنگر به کوه مانده به جازود پس بنگری نشان مرا  
جلوه بر کوه کرد و شد ویران موسی افتاد چون تنی بی‌جان  
چون بیامد به هوش گفت چنان که میرا و پاکی ای یزدان  
باز گشتم به راه و توبه ترا اولین مؤمنم به ذات خدا

وَلَمَّا جَاءَ مُوسَىٰ لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ انظُرْ  
إِلَيْكَ قَالَ لَنْ نَرِيكَ وَلَٰكِنِ انظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ  
مَكَانَهُ وَفَسَّخَ رَبُّنِي فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ  
دَكًّا وَخَرَّ مُوسَىٰ صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ  
إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ

قَالَ يَمُوسَىٰٓ اِنِّي اَصْطَفَيْتُكَ عَلٰى النَّاسِ بِرِسَالَتِي  
وَبِكَلِمٰى فَاخُذْ مَا ءَاتَيْتَكَ وَكُن مِّنَ الشَّاكِرِيْنَ

گفت حق برگزیدم ای موسی به پیام و کلام خویش ترا  
پس بگیر آنچه دادمت ز نشان باش از دسته‌ی سپاسگران

وَكَتَبْنَا لَهُۥ فِى الْاَلْوَاخِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْعِظَةً وَتَفْصِيْلًا  
لِّكُلِّ شَيْءٍ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَّامْرُ قَوْمَكَ يَأْخُذُوْا بِاِحْسَنِهَا  
سَأُوْرِيْكُمْ دَارَ الْفٰسِقِيْنَ

و نوشتم به لوح از هر چیزپند هست و به هر چه هست  
تمیز  
پس به جد گیر و قوم را فرماکه بدارندش احسن و اعلا  
زود باشد برایتان به جحیم‌خانه‌ی فاسقان نشان بدهیم

سَاَصْرِفُ عَنْ ءَايٰتِي الْاٰذِيْنَ يَتَكَبَّرُوْنَ فِى الْاَرْضِ بِغَيْرِ  
الْحَقِّ وَاِنْ يَرَوْا كُلَّ ءَايَةٍ لَا يُؤْمِنُوْا بِهَا وَاِنْ يَرَوْا سَبِيْلَ  
الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوْهُ سَبِيْلًا وَاِنْ يَرَوْا سَبِيْلَ الْعِغْيِ يَتَّخِذُوْهُ  
سَبِيْلًا ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ كَذَّبُوْا بِآيٰتِنَا وَاكٰنُوْا عَنْهَا غٰفِلِيْنَ

از نشانه‌های ما بگردیدند آن کسانی که کبر ورزیدند  
ناحقند و نیاورند ایمان چون ببینند آیه‌ای آنان  
گر که ببینند راه آگاهی‌نشوند از غرور خود راهی  
ور طریق ضلالتی بینندبهر خود آن طریقه بگزینند  
چونکه تکذیب کرده‌اند نشان‌نیز غافل شدند جمله از آن

وَالَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِآيٰتِنَا وَّلِقَاءِ الْاٰخِرَةِ حَبِيْطًا اَعْمَلُوْهُمْ هَلْ  
يُجْزَوْنَ اِلَّا مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ

آنکه تکذیب کرد آیه‌ی مانیز دیدار ما به روز جزا  
به هدر رفت جمله کردارش نیست کیفر بر او جز از کارش

وَاطَّخَذَ قَوْمُ مُوسٰى مِنْۢ بَعْدِهٖ مِنْ حُلِيِّهٖمْ عِجْلًا جَسَدًا  
لَّهُۥ خُوَارًا اَلَمْ يَرَوْا اَنَّهُۥ لَا يُكَلِّمُهُمْ وَلَا يَهْدِيْهِمْ سَبِيْلًا  
اَتَّخَذُوْهُ وَاكٰنُوْا ظٰلِمِيْنَ

قوم موسی گزید بعد از آن‌جسم گوساله‌ای ز زیورشان  
داشت بانگ و نداشت هیچ کلام و نشد رهنمونشان به مرام  
و ستمکار بوده‌اند آنان

وَلَمَّا سَقَطَ فِىْ اَيْدِيْهِمْ وَّرَاوْا اَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوْا قَالُوْا لَئِنْ لَّمْ  
يَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَيَغْفِرْ لَنَا لَنَكُوْنَنَّ مِنَ الْخٰسِرِيْنَ

و مواجه شدند چون با آن  
و چون دیدند گم شدند از راه‌پس بگفتند اینکه از الله  
گر نمی‌بود رحمت و غفران همه بودیم از زیانکاران



وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي ۖ أَعَجَلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ ۖ وَأَلْقَى الْأُلُوحَ وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ ۚ قَالَ ابْنَ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّوْنِي وَكَادُوا يَقْتُلُونِي ۖ فَلَا تَكُنْ لِي مِنَ الْأَعْدَاءِ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

چونکه موسی به قوم باز آمدخشمگین و غمین بگفت چه بد جانشین بدی شدید مرا سبقت آورده بر کلام خدا لوحها را فکند و پیش کشیدسر هارون [چو کار قوم بدید] گفت هارون که یا بن ام موسی قوم بیچاره کرده است مرا بود نزدیک تا کشند مرا نپسندم ملامت اعدا تو مدان ای نبی من مضطرهمره فرقه‌ی ستم گستر

گفت یا رب من و برادر راتو ببخشی و بگذر از سر ما ساز ما را به نعمت ناعم این تویی مهربان‌ترین راحم

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِإِخِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ ۖ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيَنَالُهُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَذَلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۖ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُفْتِرِينَ

آنکه گوساله را نیایش کردخشم حق را به سوی خویش آورد خواری از اوست در حیات جهان اینچنین شد جزای مفتریان

وَالَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُوا مِن بَعْدِهَا وَعَامَنُوا ۖ إِنَّ رَبَّكَ مِن بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ

و کسانی که کار بد کردندپس از آن کار توبه آوردند و به یزدان بیاورند ایمان هست ربت رحیم و ذو غفران

وَلَمَّا سَكَتَ عَن مُّوسَىٰ الْغَضَبُ أَخَذَ الْأُلُوحَ ۖ وَفِي نُسْخَتِهَا هُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْتَابُونَ

خشم موسی نشست و لوح خدا بر گرفت و در او عطا و هدا بهر خلقی که شد ز حق ترسان بهر پروردگار [از عصیان

وَاخْتَارَ مُوسَىٰ قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِّمِيقَاتِنَا ۖ فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُم مِّن قَبْلُ وَإِيَّيَّ أَتَهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا ۖ إِنَّ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَن تَشَاءُ وَتَهْدِي مَن تَشَاءُ ۖ أَنْتَ وَلِيُّنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا ۖ وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ

کرد از آن مردمان گزین هفتادتا که با هم روند در میعاد زلزله برگرفت آنان را این چنین گفت با خدا موسی خواستی پیش از این اگر ما را برده بودی به جایگاه فنا تو به ما می‌دهی هلاک آیا؟ زانچه کردند عده‌ای سفها نیست این غیر آزمون و بلاو تو هستی ولی و والی ما هر که را خواستی کنی گمراه هر که را خواستی کنی آگاه پس بیامرز و بهر ما رحم آر بهترین غافری تو یا غفار

وَكَتُبْنَا لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُدْنَا  
إِلَيْكَ قَالَ عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءُ<sup>ط</sup> وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ  
كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ  
وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ

تو مقدر کن ای خدا ما را نیکی این جهان و هم عقبا  
سوی تو آوریم روی نیازای غفور و رحیم و بنده نواز  
گفت هر کس که خواستم او را می‌رسانم عذاب و رنج و بلا  
رحمتم واسع است بر همه جامی نویسم برای اهل تقا  
آن کسانی که می‌دهند زکات نیز مؤمن شدند بر آیات

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ  
مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ  
وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ  
الْحَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ  
عَلَيْهِمْ<sup>ج</sup> فَالَّذِينَ ءَامَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ  
الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ<sup>و</sup> أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

پیروان پیامبر امی که بیابند در کتاب نبی  
هم به انجیل هست و هم تورات اوست آمر به جمله‌ی  
حسانات  
ناهی منکر است و زو گردیدهم روا پاک و هم حرام پلید  
برگرفتست او ز دوش کسان غل و زنجیرها و بار گران  
آن کسانی که باور آوردند نیز اکرام و یاریش کردند  
تابع نور منزل او بندرستگاریند [و راه او پویند]

قُلْ يَأَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ  
مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ<sup>ط</sup> لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي<sup>ط</sup> وَيُمِيتُ<sup>ط</sup>  
فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ  
وَكَلِمَاتِهِ<sup>ه</sup> وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

بگو ای مردمان به سوی شما بر همه این منم رسول خدا  
آنکه از اوست ملک ارض و سماهیچ معبود نیست غیر خدا  
او کند زنده و بمیراند پس تو ایمان بیار بهر احد  
و رسول و نبی امی را مؤمن حق و هم کلام خدا  
و بدارید پیروی او راتا هدایت رسد به سوی شما

وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ

امتی نیز پیرو موسی‌هادی حق شدند و عدل گرا

وَقَطَعْنَاهُمْ أَثْنَتَيْ عَشْرَةَ أَسْبَاطًا أُمَمًا وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ  
 إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ وَآنِ أَضْرِبَ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ  
 فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ أَثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ  
 مَّشْرَبَهُمْ وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَمَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّ  
 وَالسَّلْوَىٰ كُلُّوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا  
 وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

۰۷  
 اعراف  
 ۱۶۰  
 /۲۰۶

وَإِذْ قِيلَ لَهُمْ اسْكُنُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ وَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ  
 وَقُولُوا حِطَّةٌ وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا نَغْفِرْ لَكُمْ  
 خَطِيئَتِكُمْ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ

۱۶۱

فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ  
 فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَظْلِمُونَ

۱۶۲

وَسَأَلَهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ  
 فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَّعًا وَيَوْمَ لَا  
 يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ

۱۶۳  
 ۱۴۲

بهر تعیین راه آن امتبخش کردم دوازده قسمت  
 قوم چون آب خواست از موسی گفتمش سنگ را بزن به عصا  
 پس بر آمد دوازده چشمه آگه از سهم خود شدند همه  
 ابر گسترده بهر ایشان ظل من و سلوی ز لطف شد نازل  
 رزق دادیم پاک و پالوده تا که از آن خورند آسوده  
 نکنند هیچکس ستم بر ماکه به خود می کنند جور و جفا

یاد آرید قصه ی موسی در زمانی که گفت قومش را  
 باد سکنایتان به آبادی بخورید از نعم به آزادی  
 و بخواهید از خدا غفران هم ز در در شوید سجده کنان  
 پس ببخشیم هر خطای شماجر افزون دهیم نیکان را

آنکه زیشان ز راه جور و جفاداد تغییر گفته ی ما را  
 پس فرستادمش عذاب و بلاز آسمان بهر آن طریق جفا

و از آن شهر ساحل دریاسرگذشتی بپرس ایشان را  
 روز شنبه که اعتدا کردند ماهیان نیز چون شنا کردند  
 بود اگر روز سبت بر آنان بر روی آب می شدند عیان  
 روز سبت ار نبود بر آنان در دل آب می شدند نهان  
 این چنین آزمون کنیم آنان آنچه را بوده اند نافرمان

وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِّنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ  
مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا ۗ قَالُوا مَعذِرَةٌ إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ  
يَتَّقُونَ

۰۷  
اعراف  
۱۶۴  
/۲۰۶

چونکه گفتند جمعی از ایشان پند از چه دهید بر آنان  
که هلاکت رسد ز حی مجیدو به آنها رسد عذاب شدید  
پس بگفتند بهر عذر خدایشاید آنان شوند باتقوا

فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ ۖ أَنجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ  
وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَّئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ

۱۶۵

چون فراموش گشتشان تذکاربرهانیدیم نای از انکار  
ظالمان در عذاب افکنیدیم سخت زیرا که بوده اند اثمیم

فَلَمَّا عَتَوْا عَن مَّا نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ

۱۶۶

پس زمانی شدند نافرمان ز آنچه را نهی کرده ایم از آن  
هر یک از آن جماعت مردودشد به بوزینه ای بدل مطرود

وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لَيَبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَن  
يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ ۗ إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ  
لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ

۱۶۷

و خبر داد حق که تا عقاببرگزیند خدا کسانی را  
که چشاند عذاب بر آنان و سریع است کیفر یزدان  
و خدا مهربان و غفار است بهر نیکان و مؤمنان یار است

وَقَطَّعْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أُمَّمًا مِّنْهُمْ الْأَصْلِحُونَ وَمِنْهُمْ دُونَ  
ذَلِكَ وَبَلَّوْنَهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

۱۶۸

متفرق شدند روی جهان عده ای نیک و عده ای جز آن  
آزمودیمشان ز نیک و ز بدشاید آن قوم باز برگردد

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ  
عَرَضَ هَذَا الْأَدْنَىٰ وَيَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا وَإِن يَأْتِهِمْ عَرَضٌ  
مِّثْلَهُ يَأْخُذُوهُ ۗ أَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِمْ مِيثَاقُ الْكِتَابِ أَن لَا  
يَقُولُوا عَلَىٰ اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ وَدَرَسُوا مَا فِيهِ ۗ وَالذَّارُ الْأَخِرَةُ  
خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ ۗ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

۱۶۹

وارثان کتاب بعد از آن برگرفتند مال پست جهان  
و بگفتند عفو حق با ماست باز هم گر دهند ایشان راست  
نگرفتند گوییا زیشان بر قبول کتاب حق پیمان  
که نگویند ناروا به خدابارها خوانده اند آنها را  
آخرت به بود به اهل تقانیست بهر شما خرد آیا؟

وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ  
أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ

۱۷۰

متمسک به نامه و آیات و اقامه کنندگان صلاه  
[همه را حق کند نکو کردار] و تبه نیست اجر نیکوکار

وَإِذْ نَتَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُ ظُلَّةٌ وَظَنُّوا أَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

بر سر افراشتیم‌شان ز جبال‌سایه‌بانی که می‌فتد به خیال آنچه دادیم‌تان به جد گیرید یاد آرید از آن و بپذیرید شاید اهل هدا شوید شمادر ره حق شوید با تقوی

وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَن تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ

جمله ذریه‌ی بنی آدم آنچه از پیش اوست در عالم همه را برگرفت و کرد گواهی که مگر نیست رب‌تان الله همه گفتند هست تا به جز اکس نگویند شدیم غافل ما

أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِّنْ بَعْدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ

یا بگویند مشرکند آیا؟ نسلی از پی شدیم آنان را از چه خواهی هلاک جمعی چندبهر کاری که مبطلان کردند

وَكَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

آیه‌ها را چنان کنیم بیان‌بلکه برگشت آورند ایشان

وَأْتَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ ءَايَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْعَاوِينَ

بهرشان قصه از کسی برخوان که به او داده‌ام ز خویش نشان دست خود ساخت ز آیه‌ها کوتاه‌پیش‌اش افتاد دیو و شد گمراه

وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلَ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَرَكَهٗ يَلْهَثُ ذَٰلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصِصْ الْقِصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ

گر بخواهم فرا برم او را بر زمین ماند و شد مطیع هوی مثل او بود شبیه سگان‌گر کنی حمله برکشند زبان ور نیاری یورش، کنند این کار این چنین‌اند فرقه‌ی انکار داستانها بگوی بهر کسان شاید اهل خرد شوند ایشان

سَاءَ مَثَلًا الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَأَنفُسَهُمْ كَانُوا يَظْلِمُونَ

مثل منکران ما چه بد استستم این گروه بهر خود است

مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِىٰ وَمَنْ يُضِلِّ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

مهدی حق به شاهراه هداست‌وانکه گمراه شد زیان او راست

وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَّا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَّا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَّا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْعَافِلُونَ

بسی از جن و انس حی‌علیم آفریدست از برای جحیم  
قلب دارند و فهم نیست در آن چشم دارند و دید نیست بر  
آن  
گوش‌ها هست بهرشان و کردند چارپایند و بل از و بترند  
آن کسانند غافلان جهان هر چه دارند غافلند از آن

وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

بهر حق است نامهای نکوبا همین نامها بخواه از او  
و رها ساز ملحد اسم‌زود بیند به کار خویش جزا

وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةٌ يَّهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ

آفریدیم امتی به هداعدل ورزند و حق کنند اجرا

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُم مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ

منکران نشان حق را زودپله پله بیاوریم فرود  
[و در آریم در عذاب آنگاه از محلی که نیستند آگاه

وَأْمَلِي لَهُمْ إِنْ كَيْدِي مَتِينٌ

مهلتی می‌دهیم‌شان زیرانقشه و طرح محکمی است مرا

أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِهِم مِّنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ

از چه اندیشه نیست در آنان‌که جلیس و مصاحب ایشان  
نیست دیوانه [این رسول امین بلکه بر خلق شد نذیر و  
مبین

أَوَلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْ عَسَىٰ أَنْ يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجَلُهُمْ فَبِآيٍ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يَوْمِنُونَ

در نظامات آسمان و زمین‌وانچه را آفرید حق چونین  
کافران از چه رو نمی‌نگرند چه بسا زود وقتشان ببرند  
بعد از آن بر چه آورند ایمان چون ندارند فرصتی به جهان

مَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَيَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ

گمراه از حق نباشدش رهبان‌واگذارش به حیرت و عصیان

يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَّا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَّا تَأْتِيكُمُ إِلَّا بَعْتَةٌ يَّسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

از تو پرسند روز و ساعت‌رانگر افکندن قیامت را  
گو که تنها خداست زان دانانشود آشکار جز به خدا  
هست سنگین بر آسمان و زمین‌ناگهان می‌بریمتان به یقین  
از تو پرسند گوییا داناین تویی گو که آگه است خدا  
لیک اکثر ز مردمان جهان‌آگهی نیست بهره‌ی ایشان

قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ  
كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَأَسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ  
السُّوءُ إِنِّ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

گو ندارم به خویش سود و زیان غیر چیزی که خواست رب  
جهان  
گر که بودم ز علم غیب آگاه می‌فزودم به خیر و نعمت و جاه  
هم نمی‌بود بهر من ضرری یا که پیش آمد بدو خطری  
نیستم من مگر بشیر و نذیر بهر ایمانیان [وحی پذیر]

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا  
لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ  
بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلتْ دَعَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنِ ءَاتَيْتَنَا صَالِحًا  
لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ

اوست آن کافریدت از یک جان جفت او نیز خلق کرد از آن  
تا که پهلوی او بیار آمد چون که با آن جلیس جمع آمد  
اندکی بار برد و گشت روان تا زمانی که بار گشت گران  
خواستند از خدا که یا رب اگر که صالح عطا کنی تو به ما  
به یقین می‌شویم ای رحمان در سپاست به شکر این احسان

فَلَمَّا ءَاتَاهُمَا صَالِحًا جَعَلَا لَهُ شُرَكَاءَ فِيمَا ءَاتَاهُمَا  
فَتَعَلَى اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ

چونکه صالح خدای کرد عطایس نهادند بر خدا شرکا  
و خدا هست اشرف و اعلا آنچه شرک آورند بهر خدا

أَيُّشْرِكُونَ مَا لَا يَخْلُقُ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ

و شریک آورند از اشیا که نسازد پدید چیزی را

وَلَا يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ نَصْرًا وَلَا أَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ

هست مخلوق و نیست بر کس یارو نه خود را مددگر است  
به کار

وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ لَا يَتَّبِعُوكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ  
أَدَعَوْتُمُوهُمْ أَمْ أَنْتُمْ صَالِتُونَ

گر که دعوت کنیدشان به هدانپذیرند این سخن ز شما  
گر بخوانید یا نه آنان راهست یکسان دو حال بهر شما

إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَلُكُمْ فَادْعُوهُمْ  
فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

هر که را خوانده‌اید غیر خدا هست او نیز بنده‌ای چو شما  
پس بخوانید تا جواب دهند راست گویید اگر در این ترفند

اللَّهُمَّ أَرْجُلُ يَمْشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَيْدٍ يَبْطِشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ  
أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ ءَاذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا قُلْ ادْعُوا  
شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ كِيدُوا فَلَا تُنظِرُونَ

هست آیا برای ایشان پا؟ تا بی‌پویند راه در هر جا  
یا که دارند بر گرفتن دست‌یا که چشمانشان به دیدن هست  
یا که باشد دو گوششان شنواگو بخوانند جمله‌ی شرکا  
طرحی از کید بهر من بنهید مهلتی نیز بهر من مدهید

إِنَّ وَلِيََّ اللَّهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ ۖ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ

سرپرست من است آن یزدان که بود منزل کتاب و نشان  
هر که اعمال و نیتش نیکوست سرپرستش حق است و  
یارش اوست

وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ نَصْرَكُمْ وَلَا  
أَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ

هر چه را خوانده‌اید جز یزدان نیست او را توان به یاری‌تان  
نیز آن جمله را نبود توان که بدارند یاری خودشان

وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ لَا يَسْمَعُوا ۖ وَتَرَاهُمْ يَنْظُرُونَ  
إِلَيْكَ وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ

گر که خوانیدشان به سوی هدانشونند و نگه کنند تو را  
و ببینیدشان نمی‌بینند [چونکه باطل پرست و بی‌دینند]

خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ

عفو گیر و به کار خیر بخوان روی گردان ز فرقه‌ی نادان

وَأَمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ ۚ إِنَّهُ  
سَمِيعٌ عَلِيمٌ

گاه وسواس دیو آر پناه به خدا کوست سامع و آگاه

إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا  
فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ

متقین را چو کید دیو رسید روی آرند بر تذکر و دید

وَإِخْوَانُهُمْ يَمُدُّونَهُمْ فِي الْغَيِّ ثُمَّ لَا يُقْصِرُونَ

یارشان می‌کشد به گمراهی و ندارد ز جرم کوتاهی

وَإِذَا لَمْ تَأْتِهِمْ بَأْيَةٌ قَالُوا لَوْلَا أُجْتَبِيتَهَا قُلْ إِنَّمَا أَتَّبِعُ مَا  
يُوحَىٰ إِلَيَّ مِنْ رَبِّي ۚ هَذَا بَصَائِرٌ مِّنْ رَبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ  
لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

چون نیاری نشانه‌ای گویند نیست چیزی تو را ز آیه و پند  
گو که من پیروم به وحی خداکه بود بینش از خدای شما  
رحمت است و هدایت از رحمان بهر قومی که آورند ایمان

وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ  
تُرْحَمُونَ

گر بخواند کسی کتاب خدا گوش دارید [آن کلام هدا]  
و به غیر از سکوت نیست رواتا که رحمت دهد خدا به شما

وَأذْكَرُ رَبِّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرَّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ  
الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُن مِّنَ الْغَافِلِينَ

یاد کن ربّ خویش را در جان هم به حال تضرع و ترسان  
نرم و آرام صبح و شامگهان و مباحثید غافل و نادان

إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ  
وَيُسَبِّحُونَهُ وَوَلَّهُ يُسْجُدُونَ ۝

هر که را کبر نیست بهر خداذکر تسبیح و سجده است او را



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

۱  
حزب  
۷۱  
۱۴۶ر

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ

۲

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ

۳

أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ

۴

كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ لَكُرْهُونَ

۵

يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ وَهُمْ يَنْظُرُونَ

۶

وَإِذْ يَعِدُكُمُ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشَّوْكَةِ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ

۷

لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ

۸

گر ز انفال می‌کنند سؤال از رسول و خدا بود انفال با خدا تقوی اختیار کنید با خدا صلح برقرار کنید و مطیع خدای باش و رسول‌گر که اسلام کرده‌اید قبول

مؤمن است آنکه وقت ذکر خداترس بر جان او بود ز دعا چون بر او خوانده شد نشان خدایس بیفزود باور او را [کارهایی که در جهان دارد] او به پروردگار بسپارد

هم نماز خدا به پا سازدهم ز رزقش به غیر پردازد

اوست مؤمن به حق به نزد خدایاپایه و عفو و روزی است او را

حق برون کردت از سرای به جاعمی از مؤمنان نداشت رضا

با تو در حق جدل کنند کسان بعد از آنکه که داشتیم بیان گوییا رانده می‌شوند به فوت‌نگرانند از این سخن از موت

وعده فرمود حق برای شما بردن قومی از دو طایفه را میلان بود تا شود ز شما کاروانی که خود نداشت قوا خواست حق از سخن شود ستوارو شود کنده ریشه کفار

تا بماند حق و رود باطل‌ور گنهکار هم نشد خوشدل

إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ  
بِأَلْفٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرَدِّينَ

چون کمک خواستید خود ز خدا این چنین داد حق جواب شما  
بهرتان در غزا فرستم یار از ملائک ردیف گشته هزار

این بشارت شد از خدای جهان دلتان زان گرفت اطمینان  
نیست یاری مگر ز نزد خدا و خدا هست قادر و دانا

وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ وَلِتَطْمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُكُمْ وَمَا  
النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

۱۰

چون به خوابی سبک شدید فرو آنچه امن و قرار بود در او  
و فرستاد از آسمان باران بر شما تا شوید پاک به آن  
ببرد از شما پلیدی راکه ز ابلیس می رسد به شما  
و کند قلبهایتان ستوار گامتان را کند به آن ستوار

إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسُ أَمَنَةً مِّنْهُ وَيُنزِلُ عَلَيْكُمْ مِّنَ  
السَّمَاءِ مَاءً لِّيُطَهِّرَكُم بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْسَ الشَّيْطَانِ  
وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ

۱۱  
۱۴۷۲

چون ملایک شنید وحی خدا که منم یار و در کنار شما  
دل ایمانیان قوی سازید کافران را به وحشت اندازید  
ضربه آرید بر سر ایشان نیز ضربت زیند انگشتان

إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبَّتُوا الَّذِينَ  
ءَامَنُوا سَأُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَاضْرِبُوا  
فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَاضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ

۱۲

ز آنکه گشتند این گروه جهول دشمن خوبی و خدا و رسول  
دشمنان خدا و پیغمبر سخت بینند از خدا کیفر

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ  
فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

۱۳

بچشید این بود عذاب شما بر کفار دوزخ است جزا

ذَٰلِكُمْ فَذُوقُوهُ وَأَنَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابَ النَّارِ

۱۴

ای کسانی که آورید ایمان چون بدیدید کافران تا زان  
پشت بر دشمنانتان نکنید [بلکه باشید همچو سد سدید]

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحْفًا فَلَا  
تُوَلُّوهُمْ الْأَدْبَارَ

۱۵

گر کسی پشت کرد بر کفار جز که خواهد مضاف را تکرار  
یا که پیوست دوستان را خواست پس گرفتار خشم و قهر  
خداست  
در دل دوزخ است او را زیست و جهنم چه بد سر انجامی  
است

وَمَنْ يُؤَلِّهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبرَهُ إِلَّا مَتَحَرِّفًا لِّقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّرًا إِلَى  
فِئَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ  
الْمَصِيرُ

۱۶

فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ  
وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ وَلِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا إِنَّ  
اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

کشتنشان حق نه مؤمنان کشتند تو نه بلکه خدای تیر افکند  
جمع مؤمن شد آرمون آنجاو خدا هست آگه و شنوا

۱۸ ذَلِكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ مُوهِنٌ كَيْدِ الْكَافِرِينَ

آن شد و بی‌گمان بود دادارست گردان حیل‌های کفار

۱۹ إِنْ تَسْتَفْتِحُوا فَقَدْ جَاءَكُمْ الْفَتْحُ وَإِنْ تَنْتَهُوا فَهُوَ خَيْرٌ  
لَّكُمْ وَإِنْ تَعُدُّوا نَعْدًا وَلَنْ نُّعْنِيَ عَنْكُمْ فِئَتِكُمْ شَيْئًا  
وَلَوْ كَثُرَتْ وَأَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ

فتح اگر خواستید آن ما را استور به پایان برید خیر  
شماست  
گر برگردید نیز برگردیم نکند سود بهرتان تسلیم  
کثرت عده نیست سودآور [گر نباشد خدایتان رهبر]  
به یقین هست قادر غفارهمره مؤمنان نیکوکار

۲۰ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَوَلَّوْا عَنَّهُ  
وَأَنْتُمْ تَسْمَعُونَ

ای که اسلام را کنی تو قبول پس اطاعت کن از خدا و رسول  
رو مگردان ز گفته‌ی دادار که شما بشنوید آن گفتار

۲۱ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ

و چو آنان مشو که می‌گفتند ما شنیدیم لیک نشنفتند

۲۲ إِنْ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الضُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ

بدترین جانور به نزد خداست کر و لالی که بی‌هشی او راست

۲۳ وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَّأَسْمَعَهُمْ وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوْا  
وَهُمْ مُّعْرِضُونَ

گر که خیری خدا در او می‌دید پس منادی به خیر می‌گردید  
گر رسد حق به گوششان به عیان باز از آن شوند رو گردان

۲۴ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ  
لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ  
وَأَنَّهُ رَئِيفٌ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

ای کسانی که حق کنید قبول بپذیرید حکم حق و رسول  
چون شما را به حکم می‌خواند در طریق حیات می‌راند  
و بدانید حق بود حایل در میان تبار آدم و دل  
جمع گردید پس به نزد خدا [نشوید از ره خدای جدا]

۲۵ وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً  
وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

دور باشید از مصیبت عام‌کان بلا نیست ویژه بر ظلام  
و بدانید اگر گنه کردید کیفر حق به مجرم است شدید

وَأَذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ  
يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَأَيَّدَكُمْ بِنَصْرِهِ  
وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

و به یاد آورید وقتی راکه کم و خوار بوده‌اید شما  
در هراس از کسان به شهر و دیار که ربایندتان ولی دادار  
جایتان داد و کردتان تأییدوز همه رزق پاکتان بخشید  
تا مگر ای جماعت توحیدپاسدار سپاس حق باشید

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا  
أَمْنَتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ

ای که اسلام را کنی تو قبول‌پس خیانت مکن به حق و رسول  
و خیانت مکن امانت را تو هستی بر این سخن دانا

وَأَعْلَمُوا أَنَّ مَا أَمْوَالِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ فَتَنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ  
أَجْرٌ عَظِيمٌ

فتنه هستند مال و فرزندان و به نزد خداست اجر گران

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا  
وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو  
الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

ای کسانی که آورید ایمان‌گر که تقوی کنید با یزدان  
می‌نهد از برایتان فرقان و گناهاتان کند کفران  
و نصیب شما کند غفران و خداوند راست فضل گران

وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ  
يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَكْرِينَ

کافران مکر و حيله‌ای دارند که ترا حبس یا به قتل آرند  
یا برون آورندت از ماوامکر کردند و مکر کرد خدا  
و خدا هست بهترین مکار [هیچ کس نیست به از او در کار]

وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ ءَايَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا  
مِثْلَ هَذَا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ

چون شود خوانده بهرشان ز نشان‌پس بگویند ما شنیدیم  
آن  
گر بخواهیم مثل آن گوییم نیست این جز فسانه‌های قدیم

وَإِذْ قَالُوا اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ فَأَمْطِرْ  
عَلَيْنَا حِجَارَةً مِّنَ السَّمَاءِ أَوْ ائْتِنَا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

و بگویند اگر که باشد راست‌این سخنها و هم ز نزد خداست  
سنگ از آسمان به ما می‌باریا عذاب‌ی الیم بر ما آر

وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ  
وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ

و نسازد عذابشان رحمان‌چون تویی در میانه‌ی ایشان  
و نسازد عذابشان غفارتا که دارند حال استغفار

وَمَا لَهُمْ إِلَّا يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ  
الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ إِنْ أَوْلِيَائِهِمْ إِلَّا الْمُتَّقُونَ وَلَكِنَّ  
أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

ندهد از چه حقشان فرجام منع سازند راه بیت حرام  
و ندارند سرپرستی آن سرپرستی است کار متقیان  
لیک این قوم کافر اکثرشان غره‌اند و به این سخن نادان

وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصَدِيَةً فَذُوقُوا  
الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ

نیست جز سوت و کف نمازی‌شان بچشید از عذاب بر کفران

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ  
فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ وَالَّذِينَ  
كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ

کافران مالشان کنند عطا باز دارند تا ز راه خدا  
هر چه این مالها عطا دارند حسرتی را به خویش بگذارند  
پس از آن در ره شکست روند کافران در جحیم جمع شوند

لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ الْخَبِيثَ بَعْضُهُ  
عَلَىٰ بَعْضٍ فَيَرْكُمَهُ جَمِيعًا فَيَجْعَلُهُ فِي جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ هُمُ  
الْخٰسِرُونَ

تا مشخص کند خدا در خاک خلق ناپاک را ز مردم پاک  
فاسدان وانهد به یکدیگر جمع سازد جمیع در آذر  
آن جماعت [که غرقه در نارند] به حقیقت همه زیانکارند

قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَنْتَهُوا يُغْفَرْ لَهُمْ مَا قَدْ سَلَفَ وَإِنْ  
يَعُودُوا فَقَدْ مَضَتْ سُنَّتُ الْأَوَّلِينَ

گر که باز ایستند آن کفار بر گذشته خدا شود غفار  
ور بگردند باز هم به خطاستت اولین شود اجرا

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ  
فَإِنْ أَنْتَهُوا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

راه پیکار گیر برایشان تا نماند ز شر و فتنه نشان  
دین شود کامل از برای خدا [و نماند معارضی بر جا]  
گر که باز ایستند این ره راحق به اعمالشان بود بینا

وَإِنْ تَوَلَّوْا فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَوْلٰكُمْ نِعْمَ الْمَوْلٰ وَنِعْمَ  
التَّصِيرُ

رویگردان اگر شدند بدان سرپرست شما بود یزدان  
و خدا یار و یاور خوبی است سرپرستی به از خدا گو  
کیست؟]

وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِّن شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ  
وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنْتُمْ  
ءَامَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ  
الْجُمُعَانِ ۗ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

هر غنیمت رسد به دست شما خمس آن هست از رسول و  
خدا  
نیز خویش و یتیم و بیچاره و آنکه از شهر گشته آواره  
گر که مؤمن شدید بهر خدا و آنچه نازل بود به بنده‌ی ما  
روز فرقان دو فرقه را بیکار هست یزدان قدیر در هر کار

إِذْ أَنْتُمْ بِالْعُدْوَةِ الدُّنْيَا وَهُمْ بِالْعُدْوَةِ الْقُصْوَىٰ وَالرَّكْبُ  
أَسْفَلَ مِنْكُمْ ۗ وَلَوْ تَوَاعَدْتُمْ لِاخْتَلَفْتُمْ فِي الْمِيعَادِ ۗ وَلَكِنَّ  
لَيَقْضَىٰ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا لِّيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَن بَيْنَةٍ  
وَيَحْيَىٰ مَنْ حَيَّ عَن بَيْنَةٍ ۗ وَإِنَّ اللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ

چونکه بودید جانب پایین‌دشمنان برتر از شما به زمین  
کاروان نیز پست‌تر ز شما بود در وعده‌تان خلاف اینجا  
و خدا خواست کار را پایان‌به هلاکت رساند با برهان  
و بمانند با دلیل احیاق بود هم سمیع و هم دانا

إِذْ يُرِيكَهُمُ اللَّهُ فِي مَنَايِكَ قَلِيلًا ۗ وَلَوْ أَرْنَكَهُمْ كَثِيرًا  
لَّفَشَلْتُمْ وَلَتَنَزَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَلَكِنَّ اللَّهَ سَلَّمَ إِنَّهُ وَعَلِيمٌ  
بِذَاتِ الصُّدُورِ

و نشان دادتان خدای جلیل‌لشکر کافران به خواب قلیل  
ور که می‌دادتان نشان بسیارست بودید و مختلف در کار  
حق نگهداشت جمله را سالم‌اوست از راز سینه‌ها عالم

وَإِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ التَّقِيْتُمْ فِي أَعْيُنِكُمْ قَلِيلًا  
وَيُقَلِّلْكُمْ فِي أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضَىٰ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا ۗ وَإِلَىٰ  
اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ

چون نشان دادتان خدای جلیل‌لشکر کافران ضعیف و قلیل  
و شما را به دیده‌ی کفارکم نشان داد در عدد دادار  
تا دهد کارها خدا انجام‌و به سوی خدا بود فرجام

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا لَقِيْتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ  
كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

ای کسانی که آورید ایمان‌چون بدیدید عده‌ای نادان  
پس بمانید و یاد حق داریدتا به راه فلاح روی آرید

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنزَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَأَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ

و خدا و رسول گیر مطاع و مباشید خود به راه نزاع که بگردید سست و بی‌مقدار صبر کن حق بود به صابر یار

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطْرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ

و مشو چون کسی که از ماوارفت بیرون پی هوی و ریا و بگرداند از طریق خداحق به اعمالشان بود دانا

وَإِذْ زَيْنَ لَّهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَلَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌ لَّكُمْ فَلَمَّا تَرَأَتِ الْفِئَتَانِ نَكَصَ عَلَى عَقَبَيْهِ وَقَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنْكُمْ إِنِّي أَرَىٰ مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ

و به یاد آر اینکه دیو لعین‌بهرشان کرد کارها تزیین گفت شیطان که از کسان امروز بر شما نیست هیچ کس پیروز و منم یار و جار بهر شما بین دو عده چونکه دید غزا بازگشت و بگفت بیزارم از شما چونکه بینشی دارم و شما ننگرید و من ترسان از عذاب خدا که هست گران

إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ غَرَّ هَؤُلَاءِ دِينُهُمْ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

چون دو رویان و لشکر کفار که بود قلبهایشان بیمار گفته بودند این مسلمانان دینشان غره کردشان به جهان هر که بسپرد کار خود به خدایس خدا هست قادر و دانا

وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةَ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ

چون ببینی ملائک یزدان که بگیرند کافران را جان پشت و روشن به ضربه آزارند پس گرفتار کیفر نارند

ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْت أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَمٍ لِلْعَبِيدِ

ز آنچه از پیش دستهای تو دادنیست بیدادگر خدا به عباد

كَذَّابٍ ءَالٍ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ

آل فرعون و پیش از آنان کرده‌اند آیه‌های حق کفران به گناهان خدا بداد جزاقوی و سخت کیفر است خدا

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

و بدان خاطر است اینکه خداوند خدایان را از خلق نعمت را جز که نعمت دهند خود تغییر و خدا هست هم سمیع و خبیر

كَذَّابٍ ءَالٍ فِرْعَوْنَ وَآلِ الْأَيْمَانِ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَكُلٌّ كَانُوا ظَالِمِينَ

آل فرعون و پیش از آنان داشت تکذیب آیهی رحمان همه گشتند از گناه هلاک و جهان شد ز لوث ایشان پاک آل فرعون غرقه شد در یمرز آنکه بودند جمله اهل ستم

إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

نزد حق بدترین جانوران کافرانند و خلق بی ایمان

الَّذِينَ عَاهَدْتَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ

آنکه چون عهدگیری از آنان پس به هر دفعه بشکنند پیمان نیستند این گروه با تقوا

فَإِذَا تَتَفَقَّهُهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرِدَ بِهِنَّ مَنِ خَلَفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَدَّكُرُونَ

چونکه در جنگ یابی آنان را پشتیبانان پراکنند از جاشاید آرند رو سوی ذکری

وَإِذَا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَأَنْزِلُ إِلَيْهِمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ

چون بترسی ز نقض عهد کسان پس بیفکن به سویشان پیمان به مساوات کار کن که نکوست خائنان را خدا ندارد دوست

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا إِنَّهُمْ لَا يُعْجِزُونَ

گو به کافر سبق مدار گمان ناتوان ساز نیستند آنان

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ ۚ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَعَاخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ ۚ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ

گو بیارید تا به حد توان بهر کفار از قوا و اسبان زان هراس افکنید در دلهادشمن حق و دشمن خود را نیز قوم دگر بجز ایشان که ندانید و داندش یزدان هر چه بخشید در طریق خدا باز گردد تمام سوی شما همچنین بر شما ستم نرسد [ستم از سوی ذو الکریم نرسد]

وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

میل آرند اگر به صلح و صفایر گشا بال صلح آنان را کار خود را سپار سوی خدا که هست سامع و دانا



وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي آتَاكَ  
بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ

خواستند از تو را دهند فریبس بود حق که او تورا ست  
حیب  
نیروی توست یاری یزدان و کسانی که آورند ایمان

وَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَّا  
أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ  
حَكِيمٌ

۶۳

مؤمنانی که از ره احسان الفتی داد حق به دلهاشان  
گر که میدادی آنچه در ارض است نمی آوردی این نعیم به  
دست  
و خدا داد الفت آنان رابه یقین اوست قادر و دانا

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

۶۴

ای نبی بس بود تو را الله همره مؤمنان پیرو راه

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ  
مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ  
مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا  
يَفْقَهُونَ

۶۵  
۱۵۴

ای پیمبر به مؤمنان روی آرو برانگیز در ره پیکار  
از شما گر که بیست صابر هست بر دو صد دشمنان دهند  
شکست  
گر که باشند از شما صد تن می برند از هزار تن دشمن  
نیست سهمی ز فهم در کفار

إِنَّ خَفَّ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ  
يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ  
مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفِينَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ

۶۶

و خدا می کند سبک این کار  
بهرتان شد سبک به حکم خدا چونکه ضعیفی است از برای  
شما  
گر که باشند از شما صد تن می برند از دویست تن دشمن  
ور هزار است مؤمنان را یاریس بگردند چیره بر دو هزار  
و به اذن خدا بود این کار و خدا هست صابران را یار

مَا كَانَ لِنَبِيِّ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَاسْرَىٰ حَتَّىٰ يُثْخِنَ فِي الْأَرْضِ  
تُرِيدُونَ عَرَضَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ  
حَكِيمٌ

۶۷

نیست جائز نبی بگیرد اسیرمگر آنکه که بر زمین شد چیر  
چه بخواهد بهره ی دنیا؟ که خدا خواست آخرت به شما  
و خدا هست قادر هر کار و خدا هست عالم از اسرار

لَوْلَا كِتَابٌ مِّنَ اللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِيمَا أَخَذْتُمْ عَذَابٌ  
عَظِيمٌ

۶۸

گر نمی بود نامه ای ز خدا چونکه بگرفته اید آن اسرا  
بود بهر شما عذاب گران لیک بود از گذشته حکم در آن

فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ  
رَّحِيمٌ

۶۹

از غنیمت خورید پاک و رواهل تقوا شوید بهر خدا  
به یقین هست کردگار جهان بهر تان مهربان و ذو غفران

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ قُلٌ لِّمَن فِي أَيْدِيكُمْ مِّنَ الْأَسْرَىٰ إِن يَعْلَمِ  
اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا يُؤْتِكُمْ خَيْرًا مِّمَّا أَخَذَ مِنْكُمْ  
وَيَغْفِرَ لَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

ای پیامبر بگویی با اسراخیر اگر دید حق ز قلب شما  
به شما می‌رسد بسی اولی‌ز آنچه قبلاً گرفته شد ز شما  
حق ببخشاید از برای شماو بود غافر و رحیم خدا

وَإِن يُرِيدُوا خِيَانَتَكَ فَقَدْ خَانُوا اللَّهَ مِن قَبْلُ فَأَمْكَنَ  
مِنْهُمْ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

خواهد ار کس شکست عهد تو راپیش از آن هم شکست  
عهد خدا  
پس تو پیروز گشته‌ای او راو بود عالم و حکیم خدا

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي  
سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَاوَأُوا وَنَصَرُوا أُولَٰئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ  
بَعْضٍ ۗ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِّنْ وَلِيَّتِهِم  
مِّن شَيْءٍ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا ۗ وَإِنِ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ  
فَعَلَيْكُمْ النَّصْرُ ۗ إِلَّا عَلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُم مِّيثَاقٌ ۗ وَاللَّهُ  
بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

آن کسانی که آورند ایمان و مهاجر شوند در ره آن  
و مجاهد شوند با زر و جان در طریق رضایت یزدان  
و کسانی که داده‌اند پناه و شده یار یکدیگر در راه  
نیست حق و لا برای شماهر مسلمان نامهاجر را  
ور مهاجر شود به راه خدا فرض دانید نصرت او را  
و بخواهند یاری از ایمان بر شما باد یاری ایشان  
جز به ضد گروه هم پیمان‌هست بینا به کارتان یزدان

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ۗ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ  
فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ

اولیای همند این کفارگر شما را چنین نباشد کار  
فتنه‌ای در زمین شود بر پاو فسادی کبیر هست آن را

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ  
ءَاوَأُوا وَنَصَرُوا أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَّهُمْ مَّغْفِرَةٌ  
وَرِزْقٌ كَرِيمٌ

آن کسانی که آورند ایمان و مهاجر شوند در ره آن  
و کسانی که داده‌اند پناه و شده یار یکدیگر در راه  
مؤمنان بحق هم آنانندلایق عفو و رزق شایانند

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْ بَعْدِ وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ  
فَأُولَٰئِكَ مِنْكُمْ وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي  
كِتَابِ اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

مؤمنان و مهاجران خدانیز رزمندگان به راه شما  
از شمایند و بعض خویشان را امتیازی است در کتاب خدا  
به یقین کردگار بی‌همتا بر همه چیزها بود دانا

بَرَاءَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

هست بیزاری خدا و رسول مشرکی را که عهد کرد قبول

فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَأَنَّ اللَّهَ مُخْزِي الْكَافِرِينَ

چار مه مهلت است بهر شما که برگردید در زمین خدا  
نشود ناتوان خدا در کار و خدا خوار می‌کند کفار

وَأَذِّنْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ فَإِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

این پیام از رسول و از یزدان بهر مردم به حج اکبرشان  
که خدا و رسول شد بیزار از شما مشرکان [بد رفتار]  
توبه آرید اگر به سود شماست و برگردید باز از راه راست  
پس بدانید اینکه بهر خدانتوان ساز نیستید شما  
مژده ده بهر کافران یکسریه عذابی که هست دردآور

إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوا شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ

جز که مشرک بیست پیمانی و به کارش نبود نقصانی  
و نبودست پشتبان کسان بهر پیکار با مسلمانان  
عهد کامل کنید تا به زمان و خدا هست یار متقیان

فَإِذَا أَنْسَلَخَ الْأَشْهُرَ الْحُرْمَ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَأَحْضُرُوهُمْ وَأَقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَءَاتَوْا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

سلخ ماه حرام چون برسید مشرکان را به هر کجا یابید  
بکشید و اسیرشان سازید و به حصر و کمین بپردازید  
و اگر سوی توبه روی آرند و نماز خدا به پا دارند  
و زکات خدا کنند اداراهشان را رها کنید شما  
به حقیقت خداست ذو غفران و بود مهربان به خلق جهان

وَإِنْ أَحَدٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلِمَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ

مشرکی گر که خواست از تو پناهنده که تا بشنود کلام الله  
برسان پس به مأمنش او رانیست این قوم آگه و دانا

كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ  
إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَمُوا  
لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ

مشركان را چسان بود پیمان بهر پیغمبر و خدای جهان  
جز که از مشركان کسانی چندعهد در مکه با شما بستند  
بر وفاییشان سزاست وفاکه خدا هست یار اهل تقا

:۹  
توبه  
۷  
/۱۲۹  
۱۵۷۲

كَيْفَ وَإِن يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَلَا  
ذِمَّةً يُرْضُونَكُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ وَتَأْبَىٰ قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ  
فَاسِقُونَ

و ندارند اگر ظفر یابندپاس پیمان و حرمت پیوند  
با زبان می‌کنندتان خشنودو به دلهایشان نهفته جحود  
فاسقند این گروه اکثرشان آگه است از مرامشان یزدان

۸

أَشْتَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَصَدَّوْا عَن سَبِيلِهِ إِنَّهُمْ  
سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

می‌فروشد آیه‌های خداو در این ره کم است اجر و بها  
باز دارند از طریق خدا بد کارهایشان همه جا

۹

لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ

و ندارند پاس از پیمان نیز پیوند با مسلمانان  
این گروهند در ره عدوان و تجاوزگردند از پیمان

۱۰

فَإِن تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَءَاتَوْا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي  
الدِّينِ وَنُفِصِلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

پس اگر سوی توبه روی آرندو نماز خدا به پا دارند  
و زکات خدا کنند ادایس برادر شوید آنان را  
و به تفصیل می‌کنیم ادایه‌ها را به مردم دانا

۱۱

وَإِن نَّكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِّن بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ  
فَقَتَلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَأَيْمَنَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ

چونکه سوگند خویش بشکستندبعد از آنگه که عهدها  
بستند  
و نکوهش کنند دین شما با امامان کفرگیر غزا  
محترم نیست بهرشان سوگندشاید از کار خویش دست  
کشند

۱۲

أَلَا تُقَاتِلُونَ قَوْمًا نَّكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ  
وَهُمْ بَدَءُوكُمْ أُولَٰئِكَ أَلَّا تَخْشَوْنَهُمْ فَأَلَّ اللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ  
إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

و نجنید از چه قومی راکه شکستند جمله پیمانها  
خواستند آن گروه بی‌باورتا که بیرون کنند پیغمبر  
جنگ آغاز کرده‌اند آنان از چه دارید ترس از ایشان  
هست بهر هراس حق اولی‌اگر ایمان بود برای شما

۱۳

قَتَلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِهِمْ وَيَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ

پس بجهنم تا عذاب خدا بهر آنان رسد ز دست شما و کند آن گروه را رسوا و کند نصرتی عطا به شما و کند شاد قادر یکنادل جمعی ز مؤمنین به شفا

وَيُذْهِبْ غَيْظَ قُلُوبِهِمْ وَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

خشمشان را برد ز قلب و ضمیر هر که را خواست هست توبه‌پذیر و خدا هست آگاه از اسرار و حکیم است بر همه کردار

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

به گمانی که گشته‌اید رها و نداند خدا ز کار شما از شما هر که بود در پیکار نیز نگرفت محرم اسرار جز خدا و پیمبر یزدان و کسانی که آورند ایمان حق بود ز آنچه می‌کنید آگاه و بدانند روید در هر راه

مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسْجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِم بِالْكَفْرِ أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ

نیست از بهر اهل شرک رواکه بسازند سجدگاه خدا ز آنکه بر کفر خود شدند گواه‌کارشان را خدای کرد تباه یار نارند و جاودانه در آن این گروه کفور بی‌ایمان

إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسْجِدَ اللَّهِ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَءَاتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ

مسجد حق کسی کند آبادکه دل خویش را به یزدان داد مؤمنان خدا و روز جزا و آنکه دارد نماز را برپا و دهد در زکوة حقش را و ترسد ز کس به غیر خدا پس امید است از خدای جهان‌که شوند از گروه مهتدیان

أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

آب دادن به حاجیان حرم‌کعبه را ساختن ز راه کرم هست چون کار مؤمنان آیا؟ مؤمنان خدا و روز جزا که به راه خدا کنند غزانه مساوی نبیند نزد خدا و خدا نیست هادی و رهبر بهر این فرقه‌ی ستم‌گستر

الَّذِينَ ءَامَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ

مؤمنان و مهاجران هدانیز رزمندگان راه خدا که ز اموال و جان کنند شارنزد حق برترند در کردار و همان قوم رستگار اندک‌امیاب از عطای رحمانند

يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِّنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّتِ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ

حق دهد مزده بهرشان رحمت نیز رضوان حق و هم جنت که در آن هست نعمتی جاوید[و چنین است لطف رب مجید]

خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ

ماندگارند جاودانه در آن نزد او هست مزد و اجر گران

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا ءَابَاءَكُمْ وَءِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

مؤمنان گر برادر و پدران کفر برتر نهند از ایمان پس مگیرید اولیا ز آنان از شما هر که کار کرد چنان اهل بیداد گشته است و ستم

قُلْ إِن كَانَ ءَابَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَءِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ أُقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ

گو به آنان تو ای رسول امم گر که آباستان و فرزندان نیز از همسران و از اخوان قوم و مالی که کرده‌اید زیادو تجارت که ترسایش ز کساد و سرایی که دوست دارید آن نزدتان هست برتر از یزدان وز رسول خدا و نیز جهاد در طریق خدا به راه و داد پس در این حال منتظر باشید تا رسد امر کردگار مجید نیست هادی خدای عالمان بر گنه پیشگان نافرمان

لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبْتَكُمْ كَثَرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُم مُّدْبِرِينَ

و خدا یار بود بهر شما در نبرد حنین و دیگر جا غره باشید اگر به کثرت خویش هیچ کاری نمی‌برید از پیش و زمین فراخ گردد تنگ پس بگردید در گریز از جنگ

ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ

و خدا بهر مؤمنان و رسول کرد آرامش و قرار نزول و سپاهی که ننگرید او را و به کافر رسد عذاب خدا [مؤمنان راست رحمت دادار] و ان عذاب است کیفر کفار

ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

توبه زان پس پذيرد از آنان که بخواهد رحيم ذو غفران

: ۹  
توبه  
۲۷  
/ ۱۲۹

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا ۖ وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ إِنْ شَاءَ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

مؤمنان اهل شرک هست نجس نرود سوی کعبه از اين پس می‌شوی گر ز مسکنت ترسان می‌کند بی‌نیازان رحمان گر بخواهد کند ز فضل عطاو خدا هست عالم و دانا

۲۸

قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ ۖ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّىٰ يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَن يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ

کن تو پیکار آنکه را باور نیست بهر خدا و هم محشر و روا بودنش کنند قبول آنچه تحریم کرد حق و رسول و نسازد قبول دین احدز آنکه را نامه از خدا آمد تا تواضع کنند و جزیه دهند [مسلمین از مزاحمت برهند]

۲۹

وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ ۗ وَقَالَتِ النَّصْرَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ۗ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ ۗ يُضِلُّهُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قَتَلْتَهُمُ اللَّهُ ۗ أَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ

گشت قوم يهود را باور که خدا را بود عزير پسر و نصارا چنین گمان دارند که مسيح است بر خدا فرزند اين سخنها چو گفته‌ی قومی است که ره کفر پيش از اين می‌زیست حق رساند به قتل ایشان رابه کجا کج برنشان آیا؟

۳۰  
۱۶۰

اتَّخَذُوا أَحْبَابَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمْرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا ۗ لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۗ سُبْحٰنَهُ ۖ عَمَّا يُشْرِكُونَ

برگزیدند راهب و احبار رب خود جای قادر قهار نیز عیسی گرفته شد معبود نیست این حکم از خدای ودود که پرستند جز خدای احد نیست معبود غیر ذات صمد هم منزّه بود خدای احد که کسی بهر او شریک آرد

۳۱

يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ  
يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ

۹:  
توبه  
۳۲  
/۱۲۹

قوم خواهد خموش نور خدایا دهان و خدای داشت ابا  
میرساند به اوج نورش را کافران را اگر چه نیست رضا

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى  
الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

۳۳

او فرستد رسول خود به هدانیز آیین حق دهد او را  
چیره سازد به هر مرام این راه مشرکان را اگر چه هست  
اکراه

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ  
لِيَآكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ  
اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي  
سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

۳۴  
حزب  
۷۷

مؤمنان! بس ز راهب و احبار مال مردم خورند بی هنجار  
باز دارند از طریق خداو زر و سیم را نهند به جا  
گر نبخشند در طریق کریم مزده ده بهرشان عذاب الیم

يَوْمَ يُحْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ  
وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا  
كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ

۳۵

بر فروزیمشان به نار جحیم پس به آنها ز نار داغ نهیم  
صورت و پشت و پهلویشان داغ سازیم و پس کنیم بیان  
اینک از گنجهای خود سوزید بچشید آنچه را که اندوزید

إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ  
يَوْمَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ  
الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنفُسَكُمْ وَقَتِلُوا الْمُشْرِكِينَ  
كَأَفَّةٍ كَمَا يَقْتُلُونَكُمْ كَأَفَّةٍ وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ

۳۶

نزد حق از شمار آنچه مه استدر کتاب خدا دوازده است  
آن زمانی که این زمین و سما آفریدست قادر یکتا  
چار مه شد حرام از آنها این بود دین پایدار خدا  
پس در آن بهر خود ستم مکنید [جنگ در ماه محترم نکنید]  
گر به پیکارتان کنند قیام پس به پیکارشان روید تمام  
و بدانید اینکه هست خدادوست با مردمان با تقوا



إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا  
يُحِلُّونَهُ وَّعَامًا وَيُحَرِّمُونَهُ وَّعَامًا لِّيُؤَاطِعُوا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ  
فَيَحِلُّوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ زَيْنَ لَهُمْ سُوءَ أَعْمَالِهِمْ وَاللَّهُ لَا  
يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ

:۹  
توبه  
۳۷  
/۱۲۹

و نمی‌ساخت کفر را افزون‌کافران را ز ره برد بیرون  
سنه‌ای را حلال و دیگر سال‌شد حرام و نبود رزم حلال  
تا برابر کنند شهر حرام‌پس حرام خدا دهند انجام  
سوء رفتار شد به آنان جور نیست حق رهنمای قوم کفور

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ أَنْفِرُوا فِي  
سَبِيلِ اللَّهِ أَتَأْتَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ  
الْآخِرَةِ فَمَا مَتَعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ

۳۸  
۱۶۱

مؤمنان چونکه گفته شد به شماره پویید در طریق خدا  
می‌شدید آن زمان به روی زمین‌سخت چسبیده و بسی  
غمگین  
راضی از زندگانی دنیا عالم آخرت کنید فدا  
بهره‌ی زندگانی دنیان نیست جز کم به عالم عقبا

إِلَّا تَنْفِرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبْدِلَ قَوْمًا غَيْرَكُمْ  
وَلَا تَضُرُّهُ شَيْئًا وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

۳۹

گر نرفتید و بوده‌اید مقیم‌می‌رسد بهرتان عذاب الیم  
قوم دیگر به جایتان برون‌ندرسد بهر او زیان و گزند  
و خدا قادر است بر هر کار

إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِي  
أَثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ  
مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَّمْ تَرَوْهَا  
وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَىٰ وَاللَّهُ هِيَ الْعُلْيَا  
وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

۴۰

ور نبودی خداست او را یار  
و برون شد ز شهر کفر آنگاه‌دومین بود از دو تن در راه  
چونکه بودند آن دو تن در غارگفت پیغمبر خدا با یار  
غم مخور حق به ما بود همراه‌داد آرامشی به او الله  
و خدا ساختش به رزم قوی‌با سپاهی که بود نامرئی  
سخن کافران فرو افکندسخن حق به رتبه هست بلند  
و خدا قادر است بر هر کار و بود آگه از همه اسرار

أَنْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

به در آید در ره پیکاریا سبکبار یا که سنگین بار  
گر مجاهد شوید با زر و جان در طریق خدای عالمیان  
آن بود خیر و فضل بهر شماگر که هستید مردمی دانا

لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَاتَّبَعُوكَ وَلَٰكِن بَعْدَتْ عَلَيْهِمُ الشُّقَّةُ وَسَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَوِ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ يُهْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ

سود نزدیک در رهی آسان همه را تابع تو ساخت به جان  
لیک چون دور شد مسافت و راه پس قسم می‌خورند بر الله  
که اگر بود بهر رزم توان پس برون می‌شدیم هم‌ره‌تان  
لیک افکنده‌اند خود به فناکاذبند و خدا بود دانا

عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذْنَتْ لَهُمْ حَتَّىٰ يَتَّبِعَنَّ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَتَعَلَّمَ الْكَذِبِينَ

بگذرد از تو ربّ عالمیان از چه دادی اجازه بر ایشان  
تا شناسی تو جمع حقگو راوانکه کذب است در سخن او را

لَا يَسْتَعِذُكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ

مؤمنان خدا و روز جزاکی طلب می‌کنند اذن تو را  
بر جهادی به مال و با جانهاحق بود بهر متقین دانا

إِنَّمَا يَسْتَعِذُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ

که طلب می‌کنند اذن تو را کافران خدا و روز جزا  
ظن و ریب است در دل آنان و در این شک شدند سرگردان

وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً وَلَٰكِن كَرِهَ اللَّهُ انبِعَاثَهُمْ فَثَبَّطَهُمْ وَقِيلَ اقْعُدُوا مَعَ الْقَاعِدِينَ

گر که می‌خواستند راه جهادبودشان وسع بر تهیهی زاد  
حق نمی‌خواست رفتن ایشان و جلوگیر گشت بر آنان  
گفته شد پس به جای بنشینیدو گروه نشستگان ببینید

لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَا أُضْعَعُوا خِلَالَكُمْ يَبْغُونَكُمُ الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمَّعُونَ لَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ

گر روان می‌شدند هم‌ره‌تان بیشتر می‌شدید از آن نگران  
می‌فتادند در سخن چینی‌فتنه می‌خواستند و بدبینی  
هست سماع در میان شماحق بود بر ستمگران دانا

لَقَدْ ابْتَعُوا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلُ وَقَلَّبُوا لَكَ الْأُمُورَ حَتَّىٰ جَاءَ  
الْحَقُّ وَظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ كَارِهُونَ

فتنه می‌خواستند از این پیش‌کار بهر تو کرده‌اند پیریش  
حق رسید و امور گشت عیان‌گرچه بی‌میل بوده‌اند از آن

وَمِنْهُمْ مَن يَقُولُ أُنْذِنَ لِي وَلَا تَفْتِنِي ۗ أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا ۗ  
وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ

بعضشان گوید اذن ده بر من و مکن آزمون مرا به فتن  
و هم اکنون به فتنه‌اند دچار شد جهنم محیط بر کفار

إِن تُصِيبَكَ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ ۖ وَإِن تُصِيبَكَ مُصِيبَةٌ يَقُولُوا قَدْ  
أَخَذْنَا أَمْرَنَا مِنْ قَبْلُ وَيَتَوَلَّوْا وَهُمْ فَرِحُونَ

خیر بر تو رسد شوند تژندگر مصیبت رسد تو را گویند  
پیش از این امر داشتیم بیان‌باز گردند با دلی شادان

قُلْ لَن يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ  
فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

گو که جز از خدای حی ممدهیج امری برای ما نرسد  
اوست مولای ما و معتقدان می‌سپارند کار بر یزدان

قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ ۖ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ  
بِكُمْ أَن يُصِيبَكُمْ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِّنْ عِنْدِهِ ۖ أَوْ بِأَيْدِينَا ۖ  
فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبَّصُونَ

گو شما منتظر شدید آیا؟ کز دو نیکو یکی رسد سوی ما  
منتظر می‌شویم ما امانت رسد بهرتان عذاب خدا  
از سوی حق و یا ز جانب مانیز ماییم منتظر چو شما

قُلْ أَنفِقُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا لَّن يُتَقَبَلَ مِنْكُمْ إِن كُمْ كُنْتُمْ  
قَوْمًا فَاسِقِينَ

گو به انفاق اگر برید پناه‌یا که از روی میل یا اکراه  
پس نگردد قبول چیزی از آن‌چون شما مجرمید و نافرمان

وَمَا مَنَعَهُمْ أَن تُقَبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ  
وَبِرَسُولِهِ ۚ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَىٰ وَلَا يُنْفِقُونَ  
إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ

خیر و انفاق از او نگشت قبول‌که بود کافر خدا و رسول  
چون به سستی اقامه کرد صلواتو به اکراه می‌دهد نفقات

فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ  
بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ

به شگفتی نبایدت افکندمال ایشان و کثرت فرزند  
خواست یزدان عذابشان زینها بر سر زندگانی دنیا  
چونکه از جسمشان برآید جان جان سپارند در ره کفران

وَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنَّهُمْ لَمِنكُمْ وَمَا هُمْ مِّنكُمْ وَلَكِنَّهُمْ  
قَوْمٌ يَفْرُقُونَ

و قسم می‌خورند بهر خدا اینکه ما بییم از گروه شما  
نیستند از شما و می‌ترسند [هست سوگند و کذبشان  
ترفند]

لَوْ يَجِدُونَ مَلَجًا أَوْ مَغْرَبًا أَوْ مُدْخَلًا لَّوَلَّوْا إِلَيْهِ وَهُمْ  
يَجْمَحُونَ

گر بیابند ملجای غاری یا که سوراخ بهر جاننداری  
سوی آن با شتاب بگریزند [از ثبات قدم پرهیزند]

وَمِنْهُمْ مَّنْ يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رَضُوا  
وَإِنْ لَّمْ يُعْطُوا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْخَطُونَ

به غنائم چو روی می‌آرنده بعض ایشان نکوهشی دارند  
گر دهی‌شان شوند از آن خرسندور نبخشی از آن به خشم  
آیند

وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ  
سَيُوتِينَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ

گر به رغبت ز جان کنند قبول آنچه را می‌دهد خدا و رسول  
و بگویند بس خدا ما راستوز خدا و نبی امید عطاست  
هست امید ما به سوی خدا [بہتر است این طریق آنان را]

إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَمِلِينَ عَلَيْهَا  
وَالْمَوْلَاةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَرَمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ  
وَأَبْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

شد زکات از فقیر و مسکینان و کسانی که عاملند بر آن  
و به تألیف قلب و بر مولا و بدهکار در طریق خدا  
و به واماندگان راه خدافرض کردست [ایزد یکتا]  
از همه چیز آگه است خدا و به هر کار او بود دانا

وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنٌ خَيْرٌ  
لَّكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا  
مِنْكُمْ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

بعض ایشان نبی بیزارند و به او نسبت «اذن» آرند  
گو «اذن» بہتر است بهر شما که همو مؤمن است بهر خدا  
مؤمن و رحمت مسلمانان بلکه رحمت به کل خلق جهان  
هر که رنجہ کند رسول عظیم‌بهره‌ی او بود عذاب الیم

يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ لِيُرْضَوْكُمْ وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَقُّ أَنْ يُرْضَوْهُ إِنْ كَانُوا مُؤْمِنِينَ

هست سوگندشان به حی و دودکه شما را کنند پس خشنود و خدا و رسول هست اولی که رضایت دهند آنان را گر که ایشان ز مؤمنین باشند پیرو باور و یقین باشند

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّهُ مَن يُحَادِدِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَأَنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَلِيدًا فِيهَا ذَلِكَ الْخِزْيُ الْعَظِيمُ

مگر آنان نداشتند خبر که عدوی خدا و پیغمبر اهل نار است و جاودانه در آن بود خواری بزرگ و گران

يَحْذَرُ الْمُنْفِقُونَ أَنْ تَنْزَلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلِ اسْتَهِزُّوا إِنَّا لِلَّهِ مُخْرِجٌ مَا تَحْذَرُونَ

و دو رو را هراس هست به دل که شود سوره بهرشان نازل تا شود خلق آگه از دهاگو که دائم کنید استهزا؟ که عیان می کند خدای جهان آنچه باشد هراستان از آن

وَلَيْن سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ أَبِاللَّهِ وَعَائِيَّتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِءُونَ

گر بپرسی ز حرفشان گویند این بود بهر شوخی و لبخند گو که آیا کنید استهزا بر رسول و نشانه های خدا

لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ إِنْ نَعْفَ عَن طَائِفَةٍ مِّنْكُمْ نُعَذِّبْ طَائِفَةً بِأَنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ

کفر ورزید گر پس از ایمان پس مباحثید عذر خواه از آن گرچه بخشیده ایم بعض شما کافر آریم بعض دیگر را چون گنهکار بوده اند آنان و به یزدان نداشتند ایمان

الْمُنْفِقُونَ وَالْمُنْفِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِّنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنْفِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ

از دو رویان ز مرد و زن با غیر امر منکر کنند و نهی از خیر هر که او بست دست خود ز عطایاد برد او خدا و ما او را و دو رویان شدند نافرمان بر خدا و رسول و بر قرآن

وَعَدَ اللَّهُ الْمُنْفِقِينَ وَالْمُنْفِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعَنَّ اللَّهُ يُعْطِيهِمْ قِيمًا

به دو رویان و فرقه ای کفار حق دهد وعده بر عذاب النار دائم است و بس است ایشان را و به ایشان رسید لعن خدا و بر آنان بود عذاب مقیم در قیامت درون نار جحیم

كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَكَثْرَ أَمْوَالًا  
 وَأَوْلَادًا فَاسْتَمْتَعُوا بِخَلْقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُمْ بِخَلْقِكُمْ كَمَا  
 اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخَلْقِهِمْ وَخُضْتُمْ كَالَّذِي  
 خَاضُوا أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَلُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ  
 وَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

۹  
 توبه  
 ۶۹  
 /۱۲۹

نیز پیش از شما بسی بودند پیش در مال و قدرت و فرزند  
 بهره بردند از نصیب و شمایره دارید نیز از دنیا  
 یاهو گفتند و یاهو می‌گویند فنا آنچه ساختند پدید  
 کارشان شد تباه در دو جهان همه هستند از زیانکاران

أَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَقَوْمِ  
 إِبْرَاهِيمَ وَأَصْحَابِ مَدْيَنَ وَالْمُؤْتَفِكَاتِ أَتَتْهُمْ رُسُلُهُمْ  
 بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ  
 يَظْلِمُونَ

۷۰

پیش از این نیز داستانها بود قصه‌ی قوم نوح و عاد و ثمود  
 نیز قوم خلیل و از مدین شهرهای خراب دور زمن  
 بهر ایشان پیامبران زمان آیه آورده‌اند خوب و عیان  
 حق ستمگر نبود بر ایشان خود ستم کرده‌اند بر خودشان

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ  
 بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ  
 الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ  
 اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

۷۱

مؤمنان مرد و زن همه در کار بهر یکدیگرند یاور و یار  
 بهر نیکی سفارشی دارند مردم از کار زشت باز آرند  
 هم نماز خدا به پا سازند هم زکات خدا بپردازند  
 و مطیعند بر رسول و خدای دهد زود خیر ایشان را  
 و خدا قادر است بر هر کار و بود آگه از همه اسرار

وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا  
 الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ  
 وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

۷۲

مژده دارد به مؤمنان زن و مرد باغبانی [از میوه‌ها و ز ورد]  
 زیر اشجارش آبهای روان و مقیمند جاودانه در آن  
 مسکنی پاک در جنان جاوید به از آنها رضای رب مجید  
 و چنان رستگاری است عظیم از عطایای کردگار کریم

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ جَهْدَ الْكُفَّارِ وَالْمُنْفِقِينَ وَأَعْلَظَ عَلَيْهِمْ  
وَمَا وَنَهُمْ جَهَنَّمَ<sup>ط</sup> وَبِئْسَ الْمَصِيرُ

ای نبی بر منافق و کفار سخت گیر و بجوره بیکار  
جمله را نار می‌شود مأواید سر انجامی است آنان را

پس قسم می‌خورند بر یزدان که نگفتیم ما چنین و چنان  
و بگفتند حرف کفر پیام‌کفر آرند از پس اسلام  
بود تصمیمشان به کار حرام‌نرسیدند بر مراد و مرام  
و نگیرند انتقام آلاکه غنا دادشان ز لطف خدا  
و خدا و رسول از رحمت خوب دادند بهرشان نعمت  
توبه آرند اگر بود نیکو و اگر رو کنند دیگر سو  
می‌رسد بهرشان عذاب الیم هم به دنیا و هم به دار جحیم  
نیست از بهرشان به روی زمین نه ولی و نه یار [نیک آیین

يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا  
بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ وَهُمْ أُو۟سَمَا لَمَّ يِنَالُوا وَمَا نَقَمُوا إِلَّا أَنْ أَغْنَاهُمْ  
اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ فَإِنْ يَتُوبُوا يَكُ خَيْرًا لَهُمْ وَإِنْ  
يَتَوَلَّوْا يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ  
فِي الْأَرْضِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ

۷۴

بعضشان عهد بست بهر خدا که گر از فضل خود دهد ما را  
ما ببخشیم نعمت باری و رویم از ره نکوکاری

وَمِنْهُمْ مَنۢ عَاهَدَ اللَّهُ لَيْنَۢ عَاتِنَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ  
وَلَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ

۷۵  
حزب  
۸۰

فضل حق چون رسد سوی ایشان بخل کرده شوند رو گردان

فَلَمَّا آتَتْهُمْ مِّنۢ فَضْلِهِۦ بَخِلُوا۟ بِهِۦ وَتَوَلَّوْا۟ وَهُمْ مُّعْرِضُونَ

۷۶

این نفاق است در دل آنان تا لقای خدای عالمیان  
چونکه عهد خدای بشکستند و به راه دروغ پیوستند

فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِيۢ قُلُوبِهِمْ إِلَىٰ يَوْمِ يَلْقَوْنَهُۥ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ  
مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ

۷۷

و ندانند اینکه هست خدا عالم از رازشان و هر نجوا  
و خدای جهان بود دانا از همه رازهای ناپیدا

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ وَأَنَّ اللَّهَ عَلَّمُ  
الْغُيُوبِ

۷۸

آنکه دارد نکوهش از دیندار بهر بخشش که هست بی‌مقدار  
و از آن ریشخندشان دارند که به مقدار وسعشان آرند  
سخره کردند از خدای عظیم و برایشان بود عذاب الیم

الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ  
وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ  
مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

۷۹

أَسْتَغْفِرَ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرَ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرَ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ

گر بخواهی بر ایشان غفران‌ورنه [این هست بهرشان یکسان  
گر که هفتاد بار استغفار بهر ایشان کنی تو از غفار  
پس نبخشد خدایشان زیرا کفر ورزند با رسول خدا  
نیست هادی خدای عالمیان بهر قومی که بود نافرمان

فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلْفَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ

آن کسانی که در طریق غزایر خلاف ره رسول خدا  
باز ماندند از ره پیکار و نبودند مایل ایثار  
در جهادی به مال و با جانها دور ماندند از طریق خدا  
و بگفتند اینکه در گرما از چه آرید روی بهر غزا  
گرمتر زان جهت است بگوگر بفهمند [این سخن نیکو]

فَلْيُضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

خنده را کم کنید و گریه فزون بر مجازات کارتان اکنون

فَإِنْ رَجَعَكَ اللَّهُ إِلَى طَائِفَةٍ مِنْهُمْ فَاسْتَعْذَنُوكَ لِلْخُرُوجِ فَقُلْ لَنْ تَخْرُجُوا مَعِيَ أَبَدًا وَلَنْ تُقَاتِلُوا مَعِيَ عَدُوًّا إِنَّكُمْ رَضِيتُمْ بِالْقُعُودِ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَاقْعُدُوا مَعَ الْخَالِفِينَ

چون گذشتی به قومی از ایشان که بخواهند بر خروج ایذان  
گو میباید هم‌هم ابد او نرزمید جمع دشمن را  
اولین بار مانده‌اید از آن پس بمانید با خلاف گران

وَلَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ

گر بمیرند هر یک از ایشان بر سر پیکرش نماز مخوان  
بر سر قبر او مشو حاضر چون به حق و رسول شد کافر  
فاسقی بوده است و شد ز جهان هم به حالی که بود نافرمان

وَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَأَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ

به شگفتی نبایدست افکنده مال ایشان و کثرت فرزند  
خواست خالق عذابشان زینهار بر سر زندگانی دنیا  
چونکه از جسمشان بر آید جان‌جان سپارند در ره کفران

وَإِذَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ أَنْ ءَامِنُوا بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَعْذَنَكَ أُولُو الطَّوْلِ مِنْهُمْ وَقَالُوا ذَرْنَا نَكُنْ مَعَ الْقَاعِدِينَ

از خدا سوره‌ای چو یافت نزول بهر ایمان و جنگ بهر رسول  
از تو خواهند اجازه بر ماندن گرچه دارند قوتی در تن



و به واماندگی دهند رضائیز دارند مهر بر دلها  
و نفهمند هیچ چیز ایشان از کلام خدا و از قرآن

رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطَبَعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ  
لَا يَفْقَهُونَ

:۹  
توبه  
۸۷  
/۱۲۹

و رسول و گروه با ایمان رو به جنگ آورند با زر و جان  
هست خیرات بهره‌ی ایشان در ره رستگاریند روان

لَكِنَّ الرُّسُولَ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ  
وَأَنْفُسِهِمْ وَأُوْلِيَّكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأُوْلِيَّكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

۸۸

دادشان وعده حق بسی بستان زیر اشجارش آبهای روان  
پس مقیمند جاودانه در آن‌وین چنین کامیابی است گران

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ  
فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

۸۹

عذر خواهان بیامد از اعراب‌که بگیرند اجازه بهر حراب  
کذب بستند بر خدا و رسول که شده ماندن گروه قبول  
کافرانی که گشته‌اند مقیم‌بهر آنان بود عذاب الیم

وَجَاءَ الْمُعَذِّرُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ لِيُؤْذَنَ لَهُمْ وَقَعَدَ الَّذِينَ  
كَذَبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ  
عَذَابٌ أَلِيمٌ

۹۰  
۱۶۷۷

بر ضعیفان و نیز بر مرضاوان کسی که نداشت مال و غنا  
حرجی نیست گر که نیکو خواه‌بر خدا بود و بر رسول الله  
نیست ایراد بر نکوکاران‌حق بود مهربان و ذو غفران

لَيْسَ عَلَى الضُّعَفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا  
يَجِدُونَ مَا يُنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَى  
الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

۹۱

نیست باکی بر آنکه چون برودتا که بر مرکبی سوار شود  
پس چو گویی نیافتم مرکب‌باز گردد دلش به رنج و تعب  
دیده‌ی او ز اشک غم پر بارکه متاعی نیافت بهر نثار

وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَا أَجِدُ مَا  
أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا وَأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا  
يَجِدُوا مَا يُنْفِقُونَ

۹۲

هست ایراد بر کسی که غنی است و به واماندگی خود راضی  
است  
از تو خواهد اجازه بر ماندن از ره جنگ روی گرداندن  
و خدا مهر زد به دل‌هاشان و از این ره شدند بس نادان

إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَسْتَعِذُونَكَ وَهُمْ أَغْنِيَاءٌ رَضُوا  
بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا  
يَعْلَمُونَ

۹۳  
جزء ۱۱  
حزب  
۸۱

يَعْتَذِرُونَ إِلَيْكُمْ إِذَا رَجَعْتُمْ إِلَيْهِمْ قُلْ لَا تَعْتَذِرُوا لَنْ  
تُؤْمِنَ لَكُمْ قَدْ نَبَأْنَا اللَّهُ مِنْ أَخْبَارِكُمْ وَسَيَرَى اللَّهُ  
عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عِلْمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ  
فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

عذر خواهند از شما زان کارچونکه گردید باز از پیکار  
گو مپارید عذرها دیگر نیست ما را به حرفتان باور  
کارتان را خدای داد خبرو خدا و رسول کرد نظر  
باز گردید سوی رب جهان عالم علم آشکار و نهان  
و شما را به حق دهد اخبار آنچه انجام داده اید از کار

سَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ إِذَا انْقَلَبْتُمْ إِلَيْهِمْ لِتُعْرِضُوا عَنْهُمْ  
فَاعْرِضُوا عَنْهُمْ إِنَّهُمْ رَجُوسٌ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ جَزَاءُ بِمَا  
كَانُوا يَكْسِبُونَ

پس قسم می دهند بر یزدان باز گردید چون سوی ایشان  
که از آنان شوید رو گردان رویگردان شوید از آنان  
چونکه رجسند و نارشان مأواست بهر این کار آن عذاب  
جزاست

يَحْلِفُونَ لَكُمْ لِتَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنْ تَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ  
لَا يَرْضَىٰ عَنِ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ

پس قسم می خورند بهر شما اینکه راضی شوید آنان را  
گر که راضی شوید از ایشان نیست راضی خدا ز نافرمان

الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَنِفَاقًا وَأَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَا  
أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

قوم اعراب کفر پیشه ترند و ز حدود خدای بی خبرند  
آنچه دادست بر رسول خدا و خدا هست عالم و دانا

وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ مَغْرَمًا وَيَتَرَبَّصُّ بِكُمْ  
الدَّوَابِّ عَلَيْهِمْ ذَايِرَةٌ السَّوْءِ ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

بعض اعراب آنچه را بدهند نام تاوان به روی آن بنهند  
و بود انتظار ایشان را حادثات بدی برای شما  
حادثات بد است آنان را و خدا هست عالم و شنوا

وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَتَّخِذُ مَا  
يُنْفِقُ قُرْبَتٍ عِنْدَ اللَّهِ وَصَلَوَاتِ الرَّسُولِ ۗ أَلَا إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَهُمْ ۗ  
سَيَدْخِلُهمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

بعض اعراب آورند ایمان به خدا و قیامت و قرآن  
و بدانند داده ی خود را مایه ی قربتی به نزد خدا  
هم دعای رسول نیز بدان کان بود مایه ی تقریبشان  
و در آرد به رحمتش یزدان حق بود مهربان و ذو غفران

وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ  
 اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ  
 جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتَهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ  
 الْعَظِيمُ

:۹  
 توبه  
 ۱۰۰  
 /۱۲۹  
 ۱۶۸

پیشگامان اولین در کار از گروه مهاجر و انصار  
 تابعان بهینه از آنان راضی از حق شدند و حق زیشان  
 ساخت حق بهرشان بسی بستان زیر اشجارش آبهای روان  
 پس مقیمند جاودانه در آن و چنین کامیابی است کلان

وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ مُنْفِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ  
 الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النِّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ  
 سَنُعَذِّبُهُمْ مَّرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ

۱۰۱

بعض اعراب حول و حوش شمانیز هستند در مدینه بسا  
 به نفاقند مبتلا ایشان نشناسید و حق شناسدشان  
 زود کیفر دهیمشان به دو باره عذاب گران کشد پس کار

وَأَخْرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ  
 سَيِّئًا عَسَىٰ اللَّهُ أَن يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

۱۰۲

بعض دیگر مقر به جرم و خطا بد آمیختند نیکی را  
 توبه شاید پذیرد از آنان حق بود مهربان و ذو غفران

خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ  
 عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

۱۰۳

صدقاتی ز مالشان بستان تا که تطهیر و پاکسازی آن  
 و دعا کن برایشان که دعا هست امن و قرار ایشان را  
 و خدا بشنود دعای شماو به اعمالتان بود دانا

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ  
 الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

۱۰۴

می‌دانند اینکه حیّ قدیر هست بهر عباد توبه‌پذیر؟  
 و بگیرد زکات را ز کسان هست تواب و مهربان یزدان

وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ  
 وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عِلْمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ  
 تَعْمَلُونَ

۱۰۵

گو که کار آورید ز انکه خدا هست بینا به کارهای شما  
 مؤمنان و رسول هم بیندهر عمل را که خلق بگزینند  
 زود گردند باز خلق جهان سوی دانای آشکار و نهان  
 پس خبر می‌دهد خدای مجیدبه شما آنچه در جهان کردید

وَأَخْرُونَ مُرْجُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ إِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَإِمَّا يَتُوبُ  
 عَلَيْهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

۱۰۶

و گروهی رها به امر خدایا دهد توبه یا عذاب او را  
 و به خلق جهان خداست علیم و به هر کار عالم است و حکیم

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ  
 الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ  
 وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ  
 لَكَاذِبُونَ

:۹  
 توبه  
 ۱۰۷  
 /۱۲۹

آن کسانی که در طریق زیان بنهادند مسجدی بنیان  
 وز پی کفر و اختلاف به دین بهر کفار حق محل کمین  
 آن جماعت که بود جنگ اندیش با خدا و رسول او از پیش  
 حال سوگند می‌خورند که مامی نخواهیم غیر نیکی را  
 کذبشان را خدا بود شاهد و مکن ایست در چنان مسجد

لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ  
 أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ  
 يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ

۱۰۸

مسجدی بر نهاده بر تقواز اولین روز هست بس اولی  
 که در آن ایستند و نیز در اوست مردمانی نظیف و پاکی  
 دوست  
 دوست دارد خدای عالمیان مردم پاک جسم و پاک روان

أَفَمَنْ أُسِّسَ بُنْيَانُهُ عَلَى تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ  
 مَنْ أُسِّسَ بُنْيَانُهُ عَلَى شَفَا جُرُفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارِ  
 جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

۱۰۹

آنکه تأسیس کرد بنیانش بر تقای خدا و رضوانش  
 به بود یا که برنهد آن را بر لب پرتگاه سست بنا  
 می‌فتد در جحیم و نهر ظلوم نیست رهبر مهیمن قیوم

لَا يَزَالُ بُنْيَانُهُمُ الَّذِي بَنَوْا رِيبَةً فِي قُلُوبِهِمْ إِلَّا أَنْ تَقَطَّعَ  
 قُلُوبُهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

۱۱۰

دائما زین بنا و این بنیان شک و تردید هست در دلشان  
 تا زمانی که بگسلد دلهاو علیم است و هم حکیم خدا

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِآنَ لَهُمْ  
 الْجَنَّةُ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدَا  
 عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَىٰ  
 بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بَبَيْعِكُمْ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ  
 وَذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

۱۱۱  
 حزب  
 ۸۲  
 ۱۶۹

حق ستاند ز مؤمنان زر و جان و به ایشان دهد نعیم جنان  
 قوم رزمنده در طریق خداکشد و کشته می‌شود به غزا  
 وعده‌ی حق محقق است و دقیق وعده عهد جدید و عهد عتیق  
 نیز آن وعده‌های قرآنی‌ای وفادار عهد ربانی  
 مژده بهر شماسست بیع کریم‌وین بود بهر خلق فوز عظیم

التَّائِبُونَ الْعَبِيدُونَ الْحَمِيدُونَ اللَّائِحُونَ الرَّكِعُونَ  
السَّجِدُونَ لِلرَّبِّ وَالْمَكْرُوفُونَ وَالْمُدْجِرُونَ فِي الْأَرْضِ  
وَالْحُقُقَاتُ أُولَئِكَ طَعَامٌ لِّأُولِي الْأَبْصَارِ  
وَالْحَفِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ

تائبان عابدان حمد کنان سائغان راکعان و سجده‌گران  
آمر خیر و ناهی از هر بدحافظان بر حدود حی احد  
مژده ده از خدای بر ایشان بر چنین مردمان با ایمان

مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ  
كَانُوا أُولَىٰ قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ  
الْجَحِيمِ

نیست جائز نبی و هر دیندار بهر مشرک کنند استغفار  
گر چه باشند اقربا پس از آن‌کز خدا شد برای خلق بیان  
که بود اهل نار و اهل جحیم هر که مشرک شود به ربّ  
عظیم

وَمَا كَانَ أَسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَّوْعِدَةٍ وَعَدَّهَا  
إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ  
لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ

گر که غفران باب خواست خلیل بهر این کار وعده بود دلیل  
گشت چون فاش کو عدوی خداست بعد از آن دوری از پدر  
را خواست  
و ان خلیل خدای ابراهیم‌لا به گوی خدای بود و حلیم

وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَهُمْ حَتَّىٰ يُبَيِّنَ لَهُمْ  
مَا يَتَّقُونَ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

نشود در طریق حق گمراه مردمی در هدایت از الله  
تا که گردد بیان ره تقوا به همه چیز عالم است خدا

إِنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَمَا  
لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ

ملک ارض و سماست زان خدا او بمیراند و کند احیا  
نیست غیر از خدای بی‌همتاسرپرست و نصیر بهر شما

لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ  
اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبُ  
فَرِيقٍ مِّنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ

رحمتی داد قادر غفار بر نبی و مهاجر و انصار  
که به هنگام عسرت و حرمان پیروی داشتند از یزدان  
هم پس از آنکه عده‌ای ز آنان بود نزدیک غفلت ایشان  
پس ببخشودشان خدای کریم حق بود بهرشان رءوف و رحیم

وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خُلِفُوا حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ  
بِمَا رَحُبَّتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمُ أَنفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَن لَّا مَلْجَأَ  
مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ  
التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

:۹  
توبه  
۱۱۸  
/۱۲۹

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ

۱۱۹  
۱۷۰ر

مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَن  
يَتَخَلَّفُوا عَن رَّسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْعَبُوا بِأَنفُسِهِمْ عَن  
نَفْسِهِ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا  
مُخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطْئُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ  
وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوِّ نَيْلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُم بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ  
إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ

۱۲۰

وَلَا يُنْفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً وَلَا يَقْطَعُونَ وَادِيًا  
إِلَّا كُتِبَ لَهُم لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

۱۲۱

وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَآفَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ  
مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا  
رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ

۱۲۲  
حزب  
۸۳

و ان سه تن را که باز ماند از جنگ شد زمین با تمام وسعت  
تنگ

تنگ شد جان و دل بر آن سه نژادنا امید از پناهگه گشتند  
جز خدا کو بداد رحمت خویش پس گرفتند راه توبه به پیش  
به یقین خالق است توبه پذیر نیز بخششگر است حیّ قدیر

مؤمنان بهر حق کنید تقانیز با صادقان شوید شما

مردمان مدینه و اطراف هست از بهرشان حرام و خلاف  
که بمانند از رسول خدا خود رهند و رها کنند او را  
این بدان شد که چون به جوع و تعب و عطش نیستند در ره  
رب

و نه در ره چو گام بردارند باعث خشم و رنج کفارند  
و ندارند بر عدو ضربت جز نویسند بهرشان رحمت  
حسنت است جمله عند الله اجر نیکان خدا نکرد تباه

آنچه را می دهند خرد و کبیرو آنچه پیموده اند ارض و مسیر  
بنویسند بهر خلق صواب و بهین کار شد برای ثواب

نیست جائز که مؤمنان اکنون همه از شهر خود روند برون  
به زهر قوم یک نفر برود متفقّه به امر دین بشود  
آید و قوم را کند انذار تا بترسند قوم از آن هشدار

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ  
وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَعَلِّمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ

و بجنگید کافرانی را که مقیمند در کنار شما  
تا بیابند در شما شدت مؤمنان [این بود ره عزت  
و بدانید ایزد مٔان هست با اجتماع متقیان

سوره‌ای چون نزول شد ز احدیض ایشان به دیگران گوید  
چه کسی را فزوده گشت هداگو که ایمان فزود مؤمن را  
و همه شاد می‌شوند از آن ز انکه دارند بر خدا ایمان

وَإِذَا مَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ فَمِنْهُمْ مَن يَقُولُ أَيُّكُمْ زَادَتْهُ  
هَذِهِ ءِيمَانًا فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا فزَادَتْهُمْ ءِيمَانًا وَهُمْ  
يَسْتَبْشِرُونَ

۱۲۴

و ان کسان را که دل شدست پریش‌رجس‌شان را خدای  
سازد بیش  
و بمیرند در ره کفران و به یزدان نیاورند ایمان

وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ فزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَى رِجْسِهِمْ  
وَمَا تَأْتُوا وَهُمْ كَافِرُونَ

۱۲۵

ننگرند این کسان که در هر سال آرماییشان یکی دو مجال؟  
پس نیارند توبه‌ای آنان متذکر نمی‌شوند ایشان

أَوَلَا يَرَوْنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَّرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا  
يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذَّكَّرُونَ

۱۲۶

سوره‌ای چون نزول شد ز احدیض ایشان به دیگران نگرد  
هست آیا کسی که بیندتان این بگویند و پس شوند روان  
و خدا منصرف کند دلشان ز انکه فهمی نبود در آنان

وَإِذَا مَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ نَّظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ هَلْ يَرَيْنَكُمْ  
مِّنْ أَحَدٍ ثُمَّ أَنْصَرَفُوا صَرَفَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا  
يَفْقَهُونَ

۱۲۷

آمده سویتان نبی ز شمامی‌برد رنج اگر کشید عنا  
و مصر است در ره تعلیمو به مؤمن بود رءوف و رحیم

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ  
حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ

۱۲۸

رویگردان شوند اگر تو بگوبس مرا ا اله اله اله  
من توکل کنم به حی علیم‌آن خدا هست رب عرش عظیم

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ  
وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

۱۲۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الرَّتِلَكَ ءَايَتِ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ

[الف و لام و را که آغاز استبین حق و رسول او راز است  
آن نشانهای نامهی داناست

بهر مردم مگر شگفتی زاست  
که فرستیم بر کسی زیشان وحی [پروردگار عالمیان  
که بده بیم آن جماعت راو به مؤمن ده این بشارت را  
که بود ثبت کل سابقهها قدم صدق هست نزد خدا  
کافران گفته‌اند این قرآن نیست چیزی به غیر سحر عیان

أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَى رَجُلٍ مِّنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ  
النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ  
قَالَ الْكٰفِرُونَ إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ مُّبِينٌ

۲

هست پروردگار خلق خداکه به شش روز این زمین و سما  
آفرید و به عرش پردازد نیز تدبیر کارها سازد  
نیست هرگز شفیع مردم راجز به اذن خدای بی‌همتا  
آن خدا هست رب و خالقان بپرستش هم این تذکر دان

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ  
أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُدِيرُ الْأَمْرَ مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا  
مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ ذٰلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ أَفَلَا  
تَذَكَّرُونَ

۳

به سوی اوست بازگشت شما وعده‌ای راست داده است خدا  
کار خلقت نخست آغاز دپس از آن هم اعاده اش سازد  
مؤمنان را ثواب خواهد داد بهر اعمال خیر از ره داد  
کافران را دهد شراب حمیم و بر آنان بود عذاب الیم

إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا إِنَّهُ يَبْدُوَ الْخَلْقَ ثُمَّ  
يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ  
وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا  
كَانُوا يَكْفُرُونَ

۴

مهر و مه را فروغ و نور نهاد بر مه اندازه‌ی منازل داد  
کز حساب و سنین شوید آگاه جز بحق آن نیافرید الله  
کار تبیین آیه گشت ادا از برای جماعت دانا

هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَّرَهُ مَنَازِلَ  
لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذٰلِكَ إِلَّا  
بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

۵

آمد و رفت روزها و شبان در زمین و سپهر و خلقت آن  
به یقین هست [بی‌شمار] نشان از برای گروه متقیان

إِنَّ فِي اٰخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ فِي السَّمَوَاتِ  
وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَّقُونَ

۶



إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا  
بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ

آن گروهی که نیستش امیدبهر دیدار کردگار مجید  
و بر این زندگانی دنیاتکیه دادند و داده‌اند رضا  
غافلند از نشانه دادار

جایشان آتش است از آن کار

أُولَئِكَ مَا لَهُمْ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

آن کسانی که آورند ایمان و فزوندند کار نیک بر آن  
حق شود رهنمونشان به جنان‌زیر اشجارش آبهای روان

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ  
بِأَيْمَانِهِمْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ

هست گفتارشان خدا پاکو تحیاتشان سلام و صفا  
و بود گفتگوی آخرشان حمد بهر خدای عالمیان

دَعْوَاهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَعَآخِرُ  
دَعْوَاهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

به جزا گر خدای داشت شتاب‌کنچنانید بهر نفع و صواب  
پس به سر می‌رسید مدتشان‌پس رها می‌کنیمشان در آن  
که ندارند امید دیدنمان‌زین ره آواره‌اند در طغیان

وَلَوْ يُعَجِّلُ اللَّهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ اسْتَعْجَالَهُمْ بِالْخَيْرِ لَفُضِيَ  
إِلَيْهِمْ أَجَلُهُمْ فَبَدَّرَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا فِي طُغْيَانِهِمْ  
يَعْمَهُونَ

چون زبانی رسد به این انسان‌پس دعا می‌کند سوی یزدان  
گر که او خفته است بر پهلو یا نشسته است یا ستادست او  
چونکه از او کنیم دفع زیان‌گذرد گویا نبودست آن  
آنچنان جلوه داده شد هر کاربر اسرافکار [بدکردار]

وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا  
فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَنْ لَمْ يَدْعُنَا إِلَىٰ ضُرِّ مَسَّهُ  
كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

بسی اقوام کرده‌ایم هلاک‌چونکه بودند اهل ظلم به خاک  
انبیا آمدند با برهان و نیاورد آن گروه ایمان  
مجرمان را جزا دهیم چنان

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونََ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَاءَتْهُمْ  
رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ  
الْمُجْرِمِينَ

پس شما باید از پس ایشان  
جانشین در زمین شدید که مایس نظارت کنیم کار شما

ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ  
كَيْفَ تَعْمَلُونَ

وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا آتَتْ بِقُرْءَانٍ غَيْرِ هَذَا أَوْ بَدَّلَهُ ۗ قُلْ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَبَدِّلَهُو مِنْ تِلْقَائِي نَفْسِي ۗ إِنِّي أَخْبَعٌ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ ۗ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

چون شود خوانده آیه بر ایشان آیه‌هایی که روشن است و عیان  
 ناامیدان ز دیدن دادارپس بگویند نامه جز این آر  
 یا دگرگونه ساز قرآن راگو ندارم من اختیار آن را  
 آنچه وحی است از طریق خدایپروی می‌کنم من از آنها  
 ترسم از حق که آورم عصیان از قیامت و زان عذاب گران

گو نخوانیم آیه‌ای به شما بفرستیم که نخواست خدا  
 بودم از پیش در میان شما نیست عقلی برایتان آیا؟

قُلْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُهُو عَلَيْكُمْ وَلَا أَدْرَاكُمْ بِهِ ۗ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِّن قَبْلِهِ ۗ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

کیست بدتر به راه جور و جفا ز آنکه بندگان دروغ بفرستد  
 یا که آیات حق کند انکار نشود رستگار هر بدکار

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ ۗ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ

بپرستند غیر حق آنان که نه سودی دهندشان نه زیان  
 و بگویند نزد حق آنها همه باشند بفرستد شفاعا  
 گو که آیا خبر کنید خدا؟ که ندارد خبر ز ارض و سما  
 پس منزله بود خدای جهان ز آنچه این مشرکان کنند بیان

وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شَفَعُونَا عِنْدَ اللَّهِ ۗ قُلْ أَتُنَبِّئُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلمُ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ ۗ سُبْحٰنَهُو وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ

امتی بود واحد اهل جهان کرده‌اند اختلاف بعد از آن  
 گر نمی‌بود حکم حق به [معاف دآوری بود بینشان به خلاف

وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً ۗ فَاخْتَلَفُوا ۗ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَقَضَىٰ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

و بگویند اینکه نیست چرا؟ بر تو نازل نشانه‌ای ز خدا  
 گو که غیب است خاص بر یزدان و منم با شما ز منتظران

وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ ۗ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَضِرُوا إِلَيَّ مَعَكُمْ مِّنَ الْمُنتَظِرِينَ

وَإِذَا أَدْفَنَّا النَّاسَ رَحْمَةً مِّنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ مَسَّتْهُمْ إِذَا لَهُمْ  
مَكْرٌ فِي آيَاتِنَا قُلِ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ  
مَا تَمْكُرُونَ

چون چشاندیم بر کسان رحمت پس از آنکه از آنکه بودشان  
زحمت  
مکر کردند در نشانه‌ی ماگو که در مکر اسرع است خدا  
می‌نویسند مرسلان خدا آنچه را مکر می‌کنید شما

هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي  
الْفُلِكِ وَجَرَيْنَ بِهِم بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ  
عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ  
بِهِمْ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِنِ أَنْجَيْتَنَا مِنْ هَذِهِ  
لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ

اوست در بر و بحر رهبرتان چونکه کشتی به باد هست روان  
گر وزد باد خوش از آن شادند چون زهر جای موج گشته بلند  
گوییا در دلش گرفتارند پس به ذکر خدای روی آرند  
و دعا می‌کنند با اخلاص که گر از این بلا شویم خلاص  
پس شویم آن زمان سپاسگزار هم‌ره شاکران نیکوکار

فَلَمَّا أَنْجَاهُمْ إِذَا هُمْ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ يَأْتِيهَا  
النَّاسُ إِنَّمَا بَغْيُكُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ مَتَّعَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ثُمَّ  
إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَنُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

چون خدا دادشان نجات از بیم پس به روی زمین کنند ستم  
مردمان این ستم به جان شماست بهره‌ی زندگانی دنیا است  
پس بود بازگشتشان سوی ما و دهیم آگهی ز کار شما

إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ  
بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّىٰ إِذَا  
أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَأَزْيَنْتَ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَدِرُونَ  
عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَن  
لَّمْ تَعْنِ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

مثل زندگانی دنیا هست آبی که چون رسد ز سما  
هم‌رهش می‌رسد گیاهی چندچارپایان و آدمی بخورند  
و زمین چون گرفت از آن زینت‌اهل آن را گمان بود قدرت  
روز یا شب چو حکم ما برسد شود آن کشتگه بدل به حصید  
گوییا کاین نبود پیش از آن‌ما چنان آیه‌ها کنیم بیان  
گر که اندیشه است در اقوام

وَاللَّهُ يَدْعُوا إِلَىٰ دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ  
مُسْتَقِيمٍ

دعوت حق بود به دار سلام  
و هدایت کند هر آن کس خواست‌ذات پروردگار در ره  
راست

لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ  
وَلَا ذِلَّةٌ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

آن کسانی که نیک کردارند اجرت خوب و برتری دارند  
ننشینند به روی صورتشان گرد اندوه و ذلت و خذلان  
آن کسانی که اهل باغ جنان‌ماندگارند جاودانه در آن

وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَتَرْهَقُهُمْ  
ذِلَّةٌ مَّا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ  
قِطْعًا مِّنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا  
خَالِدُونَ

و کسانی که خود گنه‌کارند اجرتی مثل آن گنه دارند  
گرد خواری به چهره آنان راکه کند حفظشان ز قهر خدا؟  
چهرشان را گرفته گرد غضب‌گویی پاره‌ای است از دل شب  
آن کسانی که در دل نیران‌ماندگارند جاودانه در آن

وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا مَكَانَكُمْ  
أَنْتُمْ وَشُرَكَائِكُمْ فَزَيْلَنَا بَيْنَهُمُ ۖ وَقَالَ شُرَكَائُهُمْ مَا كُنْتُمْ  
إِيَّانَا تَعْبُدُونَ

آن زمان جمع آوریم ایشان پس بگوییم مشرکان را هان  
این مکان شما و آن شرکاهمه از یکدگر کنیم جدا  
پس بگویند بهرشان شرکانه شما بوده‌اید عابد ما

فَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ إِنْ كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ  
لَغَافِلِينَ

حق گواه است بین ما و شماجهل ما را از آن عبادتها

هُنَالِكَ تَبْلُغُوا كُلَّ نَفْسٍ مَّا أَسْلَفَتْ ۚ وَرُدُّوْا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمْ  
الْحَقُّ ۖ وَصَلَّ عَنْهُمْ مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ

همه کس آزمون شود اینجاهر چه انجام داده در دنیا  
بازگردند جانب مولاگم شوند آن همه بت و شرکا

قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّن يَمْلِكُ السَّمْعَ  
وَالْأَبْصَرَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ  
الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ

گو چه کس رزق می‌دهد به شما از دل ارض و از فراز سما  
کیست بر چشم و گوش خود مالک‌حی برون آرد از دل هالک  
زنده را نیز مرده می‌سازد کار تدبیر خلق پردازد  
پس بگویند او خداست خداگو که آیا شوید با تقوا؟

فَذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمُ الْحَقُّ ۖ فَمَاذَا بَعَدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ ۗ  
فَأَلَىٰ تَصْرُفُونَ

آن خدای شما و حق است آن‌به کجا می‌شوید رو گردان؟  
بجز از حق هر آنچه می‌خواهی چیست غیر از طریق گمراهی

كَذَٰلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ فَسَقُوا أَنَّهُمْ لَا  
يُؤْمِنُونَ

شد مسلم به فاسقان کانا‌به ره حق نیاورند ایمان

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَبْدُوا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ قُلِ  
اللَّهُ يَبْدُوا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ فَأَلَيْ تَتُفَكَّرُونَ

گو که هست از میان آن شرکا؟ آنکه خلق جهان کند انشا  
و پس آنگاه بازگرداندگو خدا خلقت جهان داند  
بازگرداند از پیش آن رابه کجا کج برندتان آیا؟

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ  
يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ لَا  
يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ

گو که هست از میان آن شرکا؟ که هدایت کند به حق ما را  
گو خدا هادی است در ره حق پیروی را خدای هست احق  
یا کسی کو نکرد کار هدا جز که در ره بیاورند او را  
پس شما را چه می شود آیا؟ چسان داوری کنید شما

وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ  
شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ

بیشتر شد گمانشان رهبان و کفایت به حق نداشت گمان  
به یقین هست کردگار جهان آگه از کارشان [به سر و عیان

وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَىٰ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ  
تَصَدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ  
مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ

نیست شایسته کاین کتاب هدا خلق نسبت دهد به غیر خدا  
بلکه تصدیق نامهی پیشین و بر آن نامه می شود تبیین  
هیچ از شک و ریب نیست در آن هست از کردگار عالمیان

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا مَنْ  
أَسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

یا که گویند بر خدا بهتان گو بیارید سوره ای چون آن  
هر که را خواستید هم خوانید اگر از جمع راستگویانید

بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ  
كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ  
الظَّالِمِينَ

بلکه تکذیب کرده اند ایشان آن چه را جهل داشتند به آن  
نیز تاویل نیست بر آنان همچنین بوده اند پیش از آن  
تو ببین ز انهمه حدیث امم عاقبت چیست بهر اهل ستم

وَمِنْهُمْ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهِ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ  
بِالْمُفْسِدِينَ

بعضشان مؤمنند و بعض دگر بهر آن نیستش به دل باور  
مفسدان را خداست دانانتر اوست آگاه از همه یکسر

وَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ لِي عَمَلِي وَلَكُمْ عَمَلُكُمْ أَنْتُمْ بَرِيءُونَ  
مِمَّا أَعْمَلُ وَأَنَا بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ

گر که قول تو را کنند انکارگو شما راست کار و ما را کار  
من ز کار شما شدم بیزارو شما ز آنچه شد مرا کردار

وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ وَلَوْ كَانُوا  
لَا يَعْقِلُونَ

بعضشان گوش می دهند تو رابشنوانی سخن به کر آیا؟  
آن کران که سخن نیندیشند گوش دارند و غافل از خویشند

وَمِنْهُمْ مَّن يَنْظُرُ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تَهْدِي الْعُمْىَ وَلَوْ كَانُوا لَا يُبْصِرُونَ

إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ كَأَن لَّمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ

وَأَمَّا نُرِيكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدِ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ إِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَلَا يَسْتَعْجِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنِ اتَّكُمُ عَذَابُهُ بَيِّنَاتًا أَوْ نَهَارًا مَّاذَا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ

أَتُمَّ إِذَا مَا وَقَعَ ءَامَنْتُمْ بِهِ ءَأَلْتَنَ وَقَدْ كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ

ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ

وَيَسْتَنْبِئُونَكَ أَحَقُّ هُوَ قُلْ إِي وَرَبِّي إِنَّهُوَ لَحَقُّ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ

بعض آنان به سوی تو نگرنددر حقیقت و لیک بی‌بصرند کوردل را هدایت تو چه سود[داشت چشمان ولی بصیر نبود]

نکند حق به خلق هیچ جفابلکه هر کس ستم کند خود را

چون که محشورشان کنی گویاکه بماندند ساعتی آنجا تا شناسند یکدیگر حضارو انکه دیدار حق کند انکار نیست از بهر او بجز خسران و نباشد ز جمع مهتدیان

گر ببینی تو پاره‌ای ز وعیدکه به آنان دهیم گشته پدید یا که بیرون بریمت از دنیا هست برگشتشان به جانب ما و خدا شاهد است بر آنان آنچه را می‌کنند [سر و عیان

بهر هر امتی است پیغمبرچون بیامد رسولی از داور داوری بینشان به عدل شودو ستم زان میان به کس نرود

و بگویند کو زمان وعید؟ اگر از جمع راستگویانید

گو ندارم به خویش سود و زیان جز که خواهد به من خدای جهان  
بهر هر امتی است وقت و زمان چون زمان می‌رسد به سر  
زیشان  
ساعتی نیست بهرشان تأخیرو نگیرند سبقت از تقدیر

گو شب و روز آید ار که عذاب مؤمنان بر چه می‌کنند شتاب؟

باور آرید چون رسید عذاب حال و از قبل داشتید شتاب

گفته آید به ظالمان بچشیدکیفر جاودان [که هست شدید]  
و جزا می‌دهندتان آیا؟ جز به کاری که کرده‌اید شما

از تو پرسند حق بود آیا؟گو که آری قسم به ذات خدا و شما نیستید مانع آن پس رسد زود کیفر یزدان

وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ ۗ  
وَأَسْرَأُ التَّأَمَّةَ لَمَّا رَأُوا الْعَذَابَ ۗ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ  
وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

۱۰  
یونس  
۵۴  
۱۰۹  
۱۷۷

ندهد سود بهر اهل ستم‌گر دهد فدیة جملهی عالم  
چونکه بیند عذاب یزدانی‌باز پنهان کند پشیمانی  
بینشان داوری به عدل شودو بر آن مردمان ستم نرود

آنچه باشد درون ارض و سماپاش آگه که هست زان خدا  
و محقق شود نوید خدابیشتتر نیستند از آن دانا

۵۵

أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ  
وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

۵۶

هُوَ يُحْيِي ۚ وَيُمِيتُ ۚ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

او بمیراند و کند احیابازگردید جمله سوی خدا

مردمان آمدست بهر شماپند از سوی قادر یکتا  
نیز بر درد سینه‌هاست شفامؤمنان را تفضل است و هدا

۵۷

يَأْتِيهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ ۚ وَشِفَاءٌ  
لِّمَا فِي الصُّدُورِ ۚ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ

۵۸

قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ ۚ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا  
يَجْمَعُونَ

گو که از فضل و رحمت یزدان‌خلق باشند خرم و شادان  
بهتر از آن چه بهره‌ای دارند؟ آنچه در عمر خویش گرد آرند

گو خبر ده مرا از آنچه خدا بفرستاد رزق بهر شما  
پاره‌ای را حرام می‌دانیددسته‌ای را حلال می‌خوانید  
گو که اذن از سوی خدا دارید؟ یا به حق افترا روا دارید؟

۵۹

قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِّن رِّزْقٍ فَجَعَلْتُم مِّنْهُ  
حَرَامًا وَحَلَالًا قُلْ ءَآلِلَّهِ أَذِنَ لَكُمْ ۗ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ

آنکه از کذب زد به حق بهتان‌بهر روز جزا چه داشت گمان؟  
لطف دارد به مردمان داداربیشتتر نیستند شکرگزار

۶۰

وَمَا ظَنُّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ إِنَّ  
اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ

نیستت هیچ کار و حالت و شان و نداری تلاوت قرآن  
و ندارید هیچ کار شماجز که ما بهر آن شدیم گواه  
نیست پنهان ز دیدگاه خداوزن یک ذره از زمین و سما  
بیش از آن نیز یا از آن کمتردر کتاب مبین بود یکسر

۶۱  
۱۷۸

وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُوا مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ  
مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ ۚ وَمَا  
يَعْزُبُ عَن رَّبِّكَ مِن مِّثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ  
وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

باش آگه که اولیای خدانیست حزن و هراس ایشان را

الَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ

اهل تقوی شدند و هم ایمان بهرشان شد بشارت دو جهان

لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

نیست تبدیل در کلام خداست فوز عظیم ایشان را

وَلَا يَحْزَنكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

نکند حرفشان ترا غمگین که ز حق است عزت و تمکین  
هم خدا عالم است هم شنوا

أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَتَّبِعُ  
الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ شُرَكَاءَ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ  
وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ

نیز او راست ملک ارض و سما  
و انکه خواند بجز خدا شرکاجز گمان نیست مقتدا او را  
سخنش نیست غیر کذب و گمان هر که آرد شریک بر یزدان

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لَتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا  
إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ

اوست کز بهر شب سکون بنهادروز را نور و دید کرد ایجاد  
هست چندین نشانه در آنهاز برای جماعت شنوا

قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحٰنَهُ هُوَ الْغَنِيُّ لَهُ مَا فِي  
السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ إِنْ عِنْدَكُمْ مِنْ سُلْطٰنٍ بِهٰذَا  
أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ

گفته‌اند اینکه حق گرفته ولدگو منزه بود خدای احد  
بی‌نیاز است و او بود دادار آنچه را هست در زمین و سما  
راه برهان شما نمی‌پویید آنچه از جهل بر خدا گویند

قُلْ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ

گو نگردند رستگار آنان که ببندند بر خدا بهتان

مَتَّعٌ فِي الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ نَذِيقُهُمُ الْعَذَابَ  
الشَّدِيدَ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

بهرشان زندگانی دنیاست پس از آن بازگشتشان سوی  
ماست  
می‌چشایمشان عذاب شدیدز آنچه از کفر آورند پدید



وَأْتَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَتَقَوْمِ إِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَتَذْكِيرِي بِآيَاتِ اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرَكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ أَقْضُوا إِلَيَّ وَلَا تُنظِرُونِ

خبر نوح گوی ایشان را که به قومش چنین بداد ندا گر که سخت است ماندنم به شما نیز تذکار آیه‌های خدا سپرم کار خویش را به خدا جمع سازید کار با شرکا کارتان نیست بر شما پنهان‌سویم آید بی‌امان به زمان

روی گردان اگر شوید از ماما نخواهیم اجرتی ز شما نیستیم جز به اجر حق ماجور بهر اسلام گشته‌ام مأمور

فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَأَمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ

قوم کردند گفته‌اش انکار پس رهاندیم نوح با انصار و به کشتی شدند بعد از این‌جانشین ساختیمشان به زمین و ان گروه مکذب آیات ز اب دریا نیافتند نجات پس نگه کن که چیست در پایان؟ امتی را که بیم دادمشان

فَكَذَّبُوهُ فَانجَيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلِكِ وَجَعَلْنَاهُمْ خَلِيفَ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنذَرِينَ

و بدادیم بهر قوم نبی‌پس از آن با نشانه‌های جلی و نکردند آن نشان باور بود پیشینه بهرشان یکسر آنچه‌ان مهر می‌زنیم به جان‌هر که افتاد در ره عدوان

ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ كَذَلِكَ نَطْبَعُ عَلَى قُلُوبِ الْمُعْتَدِينَ

و بدادم بر آن گروه زبون‌نیز موسی به هم‌ره هارون سوی فرعون و لشکرش رفتند و نشانه‌های ما به او گفتند قوم بگرفت راه استکبار چونکه بودند مردمی بدکار

ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِم مُوسَى وَهَارُونَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُجْرِمِينَ

حق چو آمد ز ما سوی ایشان گفته‌اند این بود فسون عیان

فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ مُبِينٌ

گفت موسی که حق به سوی شما آمد و سحر گفته‌اید آن را رستگاری به کار افسون نیست سحر حکم خدای بیچون نیست

قَالَ مُوسَى أَتَقُولُونَ لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَكُمْ أَسِحْرٌ هَذَا وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُونَ

پس بگفتند آمدی ما را باز داری ز شیوه آبا و شود عز ارض از خودتان به شما ما نیاوریم ایمان

قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَلْفِتَنَّا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا وَتَكُونَ لَكُمُ الْكِبْرِيَاءُ فِي الْأَرْضِ وَمَا نَحْنُ لَكُمْ بِمُؤْمِنِينَ

وَقَالَ فِرْعَوْنُ أَتُنُونِي بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ

گفت فرعون تا شود تسلیم به من آرید ساحران علیم

۸۰

فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالَ لَهُم مُّوسَىٰ أَلْقُوا مَا أَنْتُمْ مُّلقُونَ

ساحران آمدند و موسی گفت بکنید آنچه سحر را شد جفت

۸۱

فَلَمَّا أَلْقَوْا قَالَ مُّوسَىٰ مَا جِئْتُمْ بِهِ السَّحَرُ إِنَّ اللَّهَ

چون فکندند گفت خالق مامی کند باطل این فسونها را  
به یقین حق نمی کند اصلاح کار مفسد که دور شد ز صلاح

۸۲

وَيُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ

متحقق شود کلام خداور نخواهند مجرمان حق را

۸۳

۱۸۰

فَمَا ءَامَنَ لِمُوسَىٰ إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِّن قَوْمِهِ عَلَىٰ خَوْفٍ مِّن  
فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِمْ أَن يَفْتِنَهُمْ وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ  
وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ

راه ایمان نیافتند الّکمی از نسل امت موسی  
چون ز فرعون و مردم دربار بود ترسی ز کیفر و آزار  
بود فرعون در زمین والانیز اسرافکار و بی پروا

۸۴

وَقَالَ مُوسَىٰ يَقَوْمِ إِن كُنْتُمْ ءَامِنْتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا إِن  
كُنْتُمْ مُّسْلِمِينَ

گفت موسی اگر مسلمانی دو گر از اهل دین و ایمانید  
بسپارید خود به حی قدیم

۸۵

فَقَالُوا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

قوم گفتند ما چنین کردیم  
مپسند ای خدای ما ما رافتنه ای بهر این گروه جفا

۸۶

وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ

و رها سازمان به رحمت خویش از اسارات قوم کفران کیش

۸۷

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَن تَبَوَّءَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بُيُوتًا  
وَأَجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ

وحی کردم به موسی و هارون قومتان را مکان دهید اکنون  
خانههایی که رو برو آرید و نماز خدا به پا دارید  
و بشارت ده اهل ایمان را

۸۸

وَقَالَ مُوسَىٰ رَبَّنَا إِنَّكَ ءَاتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَئَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا  
فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَن سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ  
عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ وَأَشْدُدْ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّىٰ يَرَوْا  
الْعَذَابَ الْأَلِيمَ

گفت موسی خدای ما ربّا  
توبه فرعون دادی و یاران زینت و مال در حیات جهان  
و برآرند مردمان از راه ای خدا مالشان بساز تباه  
دلشان سخت ساز و ناباور بنگرند آن عذاب درد آور

قَالَ قَدْ أُجِيبَت دَعْوَتُكُمْ فَاَسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانِ سَبِيلَ  
الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

گفت اجابت شود دعای شما پایداری کنید [راه مرا]  
و ماباشید پیرو آن راه که بود بهر خلق ناآگاه

وَجَوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ  
بَغِيًّا وَعَدَّوْا حَتَّى إِذَا أَدْرَكَهُ الْغَرَقُ قَالَ ءَأَمِنْتُ أَنَّهُوَ لَا إِلَهَ  
إِلَّا الَّذِي ءَأَمِنْتُ بِهِء بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ

آل یعقوب بردم از دریا آل فرعون در پی آنان را  
از سر ظلم و از ره عدوان غرق گشتند سر به سر یاران  
گفت مؤمن شدم به حی و دود که جز او نیست در جهان  
معبود  
آل یعقوب بود با ایمان و منم اینک از مسلمانان

ءَالَسَنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ

حال مؤمن شدی و پیش از آن بودی از مفسدان و نافرمان

فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلَقَكَ ءَايَةً وَإِنَّ  
كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ عَن ءَايَاتِنَا لَغَافِلُونَ

پس کنون جسم تو دهیم نجات تا پس از تو بماند این آیات  
و بسی مردمان در این دنیا غافلند از نشانه‌های خدا

وَلَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مَبَوَّأً صِدْقٍ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ  
الطَّيِّبَاتِ فَمَا اخْتَلَفُوا حَتَّى جَاءَهُمُ الْعِلْمُ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي  
بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

جای دادیم آل اسرائیل جای صدقی [به دور از تضلیل  
رزقشان پاک و بعد از آگاهی به ره اختلاف شد راهی  
حق به روز جزا شود داور آنچه را اختلاف بود ایدر

فَإِن كُنْتَ فِي شَكٍّ مِّمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَسْئَلِ الَّذِينَ يُقْرَأُونَ  
الْكِتَابَ مِن قَبْلِكَ لَقَدْ جَاءَكَ الْحَقُّ مِن رَبِّكَ فَلَا  
تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ

اگر شک و شبهه‌ای است به دلز آنچه سوی تو می‌شود  
نازل  
قاریان کتاب پیشین راتو بپرس از حقیقت آنها  
حق به سوی تو آمد از یزدان پس مباح از شمار شبهه‌کنان

وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِءَايَاتِ اللَّهِ فَتَكُونَنَّ مِنَ  
الْخَاسِرِينَ

و مکن آیه‌های حق انکار و به خسران حق مباح دچار

إِنَّ الَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ

هر که محکوم بر عذاب خداست دور از دین و شاهراه  
هداست

وَلَوْ جَاءَتْهُمْ كُلُّ ءَايَةٍ حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ

ور که هر آیه‌ای به او بدهیم ببیند آن سنگدل عذاب الیم

فَلَوْلَا كَانَتْ قَرِيَةً ءَامَنْتَ فَنَفَعَهَا إِيْمَانُهَا إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ  
لَمَّا ءَامَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ ءَعَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا  
وَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ

هیچ قومی چرا ره ایمان نرود تا برد منافع آن؟  
جز که انصار یونس از ایمان شد رها از حیات در خذلان  
تا برد بهره از حیات جهان در زمانی [مشخص از رحمان

وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ  
تُكْرَهُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ

حق اگر خواست آورند ایمان به خدا کل مردمان جهان  
خواهی آیا که مردم از اکراه؟ باور آرند بر رسول الله

وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُوْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَجْعَلُ الرَّجْسَ  
عَلَىٰ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ

نیست آن کس که آورد ایمان جز به اذن خدای عالمیان  
و در آلودگی نهد آن راکه ز عقل و درایت است جدا

قُلِ أَنْظِرُوا مَاذَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا تُغْنِي الْآيَاتُ  
وَالنُّذُرُ عَن قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ

گو نگر آنچه را به ارض و سماست همه آیات بینات خداست  
نبرد بهره زین نذیر و نشان امتی کو نیاورد ایمان

فَهَلْ يَنْتَظِرُونَ إِلَّا مِثْلَ أَيَّامِ الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلِهِمْ قُلْ  
فَأَنْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ

هست در انتظار [ذلت خویش مثل آنان که رفته اند از پیش  
گو بمانید منتظر به جهان و منم با شما ز منتظران

ثُمَّ نُنَجِّي رُسُلَنَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنَجِّ  
الْمُؤْمِنِينَ

رسل و مؤمنین کنیم رها این رهایی مقرر است به ما

قُلْ يَأَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِّن دِينِي فَلَا أَعْبُدُ  
الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ وَلَكِن أَعْبُدُ اللَّهَ الَّذِي  
يَتَوَفَّاكُمْ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

گو ایا مردمان که شک دارید بهر دینم [به این یقین آرید]  
نپرستم الهه های شمامی پرستم خدای بی همتا  
که شما را کند ز دنیا دور من به ایمان خود شدم مأمور

وَأَنْ أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

روی کن سوی دین پاک خدا و مشو اهل شرک در دنیا

وَلَا تَدْعُ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ فَإِن  
فَعَلتَ فَإِنَّكَ إِذَا مِّن الظَّالِمِينَ

بهر طاعت بجز خدای مخوان که نه ات سود می دهد نه زیان  
در ره شرک اگر روان باشی تو هم از جمع ظالمان باشی

وَإِنْ يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ

وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَأَصْبِرْ حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ

گر رسد از خدای بر تو زیان جز خدا نیست دافعی بر آن  
ور که خواهد تفضلی به شما هیچ کس رد نمی‌کند آن را  
می‌رساند به بنده هر کس خواست اوست غفار و هم عطا  
بخشاست

گو که ای مردمان بیامد حق بهرتان از سوی حق مطلق  
هر که ره یافت یافت ره بر خویش‌ور نه راه ضلال یافت به  
پیش  
نیستم من وکیلان در کار [خود از این ره شوید برخوردار]

پیرو وحی حی یکتا باش می‌رسد سوی تو شکبیا باش  
تا کند داوری حق یکتا بهترین داوران خداست خدا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الرَّ كِتَبٌ أَحْكَمْتُ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ  
خَبِيرٍ

أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي لَكُمْ مِّنْهُ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ

وَإِنْ أَسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا  
حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِنْ  
تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ

إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

أَلَا إِنَّهُمْ يَثْنُونَ صُدُورَهُمْ لِيَسْتَخْفُوا مِنْهُ أَلَا حِينٍ  
يَسْتَعْشُونَ ثِيَابَهُمْ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُوَ عَلِيمٌ  
بِدَاتِ الصُّدُورِ

زو شدم بر شما بشیر و نذیر نپرستید کس به جز یزدان

نیز خواهید از خدا غفران پس بیارید رو به جانب او تا  
بباید بهره‌ای نیکو تا به وقتی دقیق رب ودود فضل خود را  
دهد به صاحب جود گر بیچید سر کنم تحذیر بر شما از  
عذاب روز کبیر

بازگشت شما به سوی خداست و به هر کار قادر آن یکتاست

باش آگه ز کار آنان نیک چون بیارند سینه‌ها نزدیک و  
بدارند بهر او پنهان خود بسازند در لباس نهان داند او کار  
مخفی و پیدا اوست از راز سینه‌ها دانا

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ  
مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ

نیست جنبه‌ای به روی زمین جز که رزقش ز حق بود تعیین  
به مقر و سپرد گه داناست همه در آن نوشته‌ی پیداست

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ  
عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ۗ وَلَئِنْ  
قُلْتُمْ إِنَّكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ  
كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ

او به شش روز ساخت ارض و سما عرش او بود بر سر دریا  
همه را آزمون کند دادار که کدام از شماست نیکوکار و  
بگویی به خلق بعد ممات او برانگیزدت برای حیات کافران را  
سخن بود اینسان نیست این کار غیر سحر عیان

وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لَيَقُولَنَّ مَا  
يَجْبِسُهُ ۗ أَلَا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِمْ  
مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ

چون به تأخیر افکنیم عذاب به زمانی دگر ز روی حساب پس  
بگویند چیستش دافع؟ چون رسد آن نباشدش مانع و بیاید  
فرود آنان را آنچه را داشتند استهزا

وَلَئِنْ أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ  
لَيَكْفُرُ

بچشانیم اگر که بر انسان رحمت خویش پس بگیریم آن  
بی‌گمان اوست کافر و نومید

وَلَئِنْ أَذَقْنَاهُ نِعْمَاءَ بَعْدَ ضَرَاءٍ مَسَّتْهُ لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ  
السَّيِّئَاتُ عَنِّي ۗ إِنَّهُ لَفَرِحٌ فَخُورٌ

ور تنعم ز بعد رنج رسید پس بگوید بدی ز من شد دور به  
یقین اوست شادمان و فخور

إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ  
وَأَجْرٌ كَبِيرٌ

جز صبوران و نیک کرداران اهل اجر کبیر و هم غفران

فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضَ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَضَائِقٌ بِهِ ۗ صَدْرُكَ أَنْ  
يَقُولُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ جَاءَ مَعَهُ مَلَكٌ ۗ إِنَّمَا أَنْتَ  
نَذِيرٌ ۗ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ

پاره‌ای ز آنچه وحی شد ز خدا شاید ار ترک سازی آنها را  
سینه‌ات تنگ شد ز قول کسان که چرا نیست گنجی از  
یزدان یا فرشته بیایدت همراه [تو مشو رنجه یا رسول الله  
نیستی تو مگر نذیر و دلیل بر همه چیزها خداست و کیل

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ  
وَادْعُوا مَنْ اسْتَطَعْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

یا بگویند افترا این را گو که ده سوره آر چون اینها راست  
گویند اگر فرا خوانید جز خدا هر که را که بتوانید

فَإِلَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا أُنزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ وَأَنْ لَا  
إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ

گر ندادند پاسخی به شما نازل آن را بدان ز حکم خدا  
نیست معبود جز خدای وحید نیز آیا شما مسلمانید؟

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ  
فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ

هر که خواهد جهان و زیب جهان میدهیمش جزای کار به آن  
بهره‌اش زندگانی دنیاست نیست در این جهان بر او کم و  
کاست

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحَبِطَ مَا  
صَنَعُوا فِيهَا وَبَطِلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

نیست در آخرت بر او جز نار به هدر می‌رود از او هر کار

أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ وَمِنْ  
قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ  
وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ فَلَا تَكُ فِي  
مِرْيَةٍ مِّنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا  
يُؤْمِنُونَ

و انکه باشد بر آیت رحمان وز پی آید شهادتی از آن و از آن  
بیش نامهی موسی رحمتی از خدا و راهنما مؤمن و معتقد  
شود او را [او به راه خداست پا بر جا] و انکه کافر شود به  
آن ز احزاب وعده‌گاهش در آتش است و عذاب پس  
مباشید هیچ در تردید که بود حق ز کردگار مجید ولی از  
مردم اکثر ایشان نیستند اهل و پیرو ایمان

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أُولَئِكَ يُعْرَضُونَ  
عَلَىٰ رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ  
أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ

کیست بدتر به راه جور و جفا؟ ز انکه بندد دروغ بهر خدا  
چون بگردند عرضه پیش خدا پس بگویند شاهدان کاینها  
قول کذب آورند بر یزدان لعن حق باد بر ستمکاران

الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ  
بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ

آن کسانی که باز می‌دارند از طریق خدا [کسانی چند] و  
بخواهند کج کنند آن را کافرنند این کسان به روز جزا

أُولَئِكَ لَمْ يَكُونُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ  
دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ يُضَعِفُ لَهُمْ الْعَذَابُ مَا كَانُوا  
يَسْتَطِيعُونَ السَّمْعَ وَمَا كَانُوا يُبْصِرُونَ

أُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا  
يَفْتَرُونَ

لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ الْأَخْسَرُونَ

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَخْبَتُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ  
أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَىٰ وَالْأَصْمَىٰ وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ هَلْ  
يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ إِذْ قَالَ لِقَوْمِ رَبِّي  
إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ

أَنْ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ ۗ إِنَِّّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمِ  
الْقِيَامِ

فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا نَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا  
مِثْلَنَا وَمَا نَرَاكَ أَتْبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادُوا بِادِّئِ الرَّأْيِ  
وَمَا نَرَىٰ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ

قَالَ يَقَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّنْ رَبِّي وَءَاتَانِي رَحْمَةً  
مِّنْ عِنْدِهِ فَعَمِيَتِ عَلَيْكُمْ أَنْزَلِمُكُمْوهَا وَأَنْتُمْ لَهَا  
كَرِهُونَ

نرهند از عذاب حق به جهان و ندارند یاوری آنان دو برابر  
کنند کیفرشان ناتوان بود سمع و منظرشان

داده‌اند این کسان ز کف خود را گم شدند آن بتان و آن  
شرکا

لا جرم این گروه بهتان بند بیشتر در زیان و خسارند

مؤمنان و کسان نیکوکار که تواضع کنند بر دادار یاورانند  
بهر باغ جنان ماندگارند جاودانه در آن

این دو قومند چون کر و شنوا یا مثال بصیر و نابینا این دو  
دسته مساویند آیا؟ می‌نگیرید هیچ پند آیا؟

نوح را سوی قوم او بردیم گفت روشن دهم شما را بیم

نپرستید کس بجز یزدان که منم بر عذابتان ترسان و عذاب  
قیامت است الیم

گفت اشراف کافر از این بیم ما ببینمت آدمی چون ما و  
نبینیم پیروان شما جز کسانی که خود فرودستند ساده  
لوحند و با تو پیوستند در شما برتری نمی‌خوانیم بل شما را  
دروغگو دانیم

گفت ای قوم آگهم سازید گر نشان از خدای بود پدید رحمت  
از حق برای من می‌بود دیدتان نیز سخت می‌فرسود حال  
مجبورتان کنم آیا؟ که خوشایند نیست بهر شما



وَيَقَوْمٍ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَمَا  
أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّهُمْ مُلَقُوا رَبِّهِمْ وَلَكِنِّي أَرَىٰكُمْ  
قَوْمًا تَجْهَلُونَ

وَيَقَوْمٍ مِّن يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ طَرَدْتُهُمْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

وَلَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا  
أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ وَلَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدَرِي أَعْيُنُكُمْ لَنْ  
يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا فِي أَنْفُسِهِمْ إِنِّي إِذًا لَّمِنَ  
الظَّالِمِينَ

قَالُوا يَنْبُوحُ قَدْ جَدَلْتَنَا فَأَكْثَرْتَ جِدْلَنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا  
إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ

قَالَ إِنَّمَا يَأْتِيَكُمْ بِهِ اللَّهُ إِنْ شَاءَ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ

وَلَا يَنْفَعُكُمْ نُصْحِي إِنْ أَرَدْتُ أَنْ أَنْصَحَ لَكُمْ إِنْ كَانَ  
اللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يُغْوِيَكُمْ هُوَ رَبُّكُمْ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُو فَعَلَىٰ إِجْرَامِي وَأَنَا  
بَرِيءٌ مِّمَّا تُجْرِمُونَ

وَأَوْحَىٰ إِلَىٰ نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِن قَوْمِكَ إِلَّا مَن قَدْ ءَامَنَ  
فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ

وَأَصْنَعِ الْفُلَكَ بِأَعْيُنِنَا وَوْحِينَا وَلَا تَخْطِبْنِي فِي الَّذِينَ  
ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُّعْرِفُونَ

قوم من من نخواستم ز شما بهر این کار مال و اجری را نکنم  
طرد اهل ایمان را که ببینند ربّ به روز جزا بینم اهل  
جهالتید شما [و تترسید از عذاب خدا]

قوم من گر که طرد سازمتان کیست یارم به کیفر یزدان؟  
متذکر نمی‌شوید آیا؟ [به ره حق نمی‌روید آیا؟]

و نگوییم من از برای شما که مرا هست گنجهای خدا عالم  
غیب هم نیم مطلق و نگوییم منم فرشته‌ی حق و نگوییم کسی  
که خوار شماسست نامناسب برای خیر خداست و خدا هست  
بیشتر دانا که چه رای است در دل آنان را و اگر من چنان  
کنم باشم [بی‌خبر از گناه اهل ستم]

پس بگفتند کرده‌ای تو جدال و تو افزون کنی جدل به مقال  
آنچه را داده‌ای به خلق وعید راست گویی اگر بیار پدید

گفت آرد اگر خدا خواهد کیست کز قدرت خدا کاهد

نبود سودی از شما آن را گر خدا خواست گم‌رهی به شما گر  
که اندرز خواستم به شما بازگشت شماسست سوی خدا

گر بخوانند افترا این را گو که جرمش مرا بود اینجا من مبرا  
ز جرمشان هستم [و شما هم ز جرم من بی‌غم]

نوح را وحی آمد از یزدان که دگر کس نیاورد ایمان پس ز  
اعمالشان مشو غمگین

با عنایات ما و وحی مبین یک سفینه بساز در اینجا و شفاعت  
مکن ز اهل جفا می‌شوند این گروه غرغه به یم [این مجازات  
ماسست بهر ستم]

وَيَصْنَعُ الْفُلْكَ وَكَلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا  
مِنْهُ قَالَ إِنْ تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا  
تَسْخَرُونَ

فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ  
عَذَابٌ مُّقِيمٌ

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ  
زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَن سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ ءَامَنَ  
وَمَا ءَامَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ

وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرِبَهَا وَمُرسَلَهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ  
رَّحِيمٌ

وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَىٰ نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ  
فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَب مَعَنَا وَلَا تَكُن مَعَ الْكَافِرِينَ

قَالَ سَآوِيَ إِلَىٰ جِبَلٍ يَْعَصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ  
الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ  
مِنَ الْمُغْرَقِينَ

وَقِيلَ يَا رَأْسُ أَبْلِعِي مَاءَكَ وَيَسْمَأُكِ أَقْلِعِي وَغِيضَ الْمَاءِ  
وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَأَسْتَوَتْ عَلَىٰ الْجُودِيِّ وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ  
الظَّالِمِينَ

وَنَادَىٰ نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ  
الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ

ساخت کشتی و برگذشت آنجا ملا قوم سخره کرد او را گفت  
اگر سخره می‌کنید مرا همچنان من عمل کنم به شما

زود دانید کان عذاب ابد خوارساز است و هر که را برسد

تا زمانی که امر ما آمد آب و سیل از تنور بیرون زد پس  
بگفتم سوار کن بر آن از همه نوع از دو تن حیوان اهل خود  
را بر آن بدار سوار غیر آنان که گفته شد گفتار مؤمنان  
همرهان بر آر از یم بود تعداد این جماعت کم

گفت با نام حق سوار شوید [و روان در دل بحار شوید] و به  
خشکی رسید بعد از آن هست ریم رحیم و ذو غفران

بردشان کوه وش ز موج و ز باد به پسر نوح این ندا را داد  
گوشه‌گیرا سوار شو با ما و مشو کافری برای خدا

گفت در کوه می‌کنم ماوا که نگه داردم ز آب اینجا گفت  
ایمن کنون ز حکم خدا نیست جز آنکه رحم کرد او را موج  
شد حایلی میانه‌ی‌شان غرق شد پور نوح در طوفان

گفته شد ای زمین فرو بر آب و آسمانا دریغ کن به شتاب  
آب بنشست و شد به پایان کار پس به جودی سفینه یافت  
قرار گفته شد آن زمان که بادا دور قوم ظالم [ز مهر حی  
غفور]

نوح سوی خدا بداد ندا پسرهم عضو بود اهل مرا وعده‌ات  
راست است ای داور از همه حاکمان تویی برتر

قَالَ يٰ نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ  
فَلَا تَسْأَلِنِ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّيْ أَعْظَمُكَ أَنْ تَكُونَ  
مِنَ الْجَاهِلِينَ

گفت ای نوح او ز اهل تو نیست بود ناصالحی [و اینسان  
زیست آنچه را نیستی از آن آگاه ای نبی نجی ز من تو خواه  
می‌دهم پند بر تو بپذیر آن تا نباشی ز مردم نادان

قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ  
وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُن مِّنَ الْخٰسِرِينَ

گفت یا رب برم سوی تو پناه کز تو سازم سؤال ناآگاه تو مرا  
بخش رحمت و غفران ورنه باشم من از زیانکاران

قِيلَ يٰ نُوحُ أَهْبِطْ بِسَلَامٍ مِّنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ أُمَمٍ  
مِّمَّنْ مَّعَكَ وَأُمَمٌ سَنُمَتِّعُهُمْ ثُمَّ يَمَسُّهُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ

گفته شد با سلامت آی فرود بر تو و همراهان نعیم و درود ما  
امم را نخست بهره دهیم پس رسد سوبیشان عذاب الیم

تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ  
وَلَا قَوْمُكَ مِن قَبْلِ هٰذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ

این خبرها که بود غیب و نهان بر تو کردیم وحی و پیش از  
آن تو و قوم تو زان نشد دانای صبر کن حق رسد به اهل تقا

وَإِلَىٰ عَادِ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَقَوْمِ أَعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ  
إِلٰهِ غَيْرِهِ ۗ إِن أَنْتُمْ إِلَّا مُفْتَرُونَ

هود هم گشت سوی عاد گسیل تا عبادت کنند رب جلیل  
گفت جز او نباشدم معبود و شما کاذبید [بهر ودود]

يَقَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا ۖ إِن أَجْرِي إِلَّا عَلَىٰ الَّذِي  
فَطَرَنِي ۗ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

قوم من من نخواستم ز شما بهر این کار مزد و اجری را  
خالقم می‌دهد سزای مرا نیست فهمی برایتان آیا؟

وَيَقَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ  
عَلَيْكُمْ مِّدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا  
مُجْرِمِينَ

و بخواهید از خدا غفران توبه آرید جانب یزدان ز اسمان  
آب پشت هم آید پس به نیرویتان بیفزاید و مشو مجرمانه  
رو گردان

قَالُوا يٰ هُودُ مَا جِئْتَنَا بِبَيِّنَةٍ وَمَا نَحْنُ بِتَارِكِي ءَالِهَتِنَا عَنْ  
قَوْلِكَ وَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ

پس بگفتند قوم او اینان تو نمی‌آوری نشان بر ما ما نگردیم  
تارک بتها هر چه گویی به ما تو این سخنان ما نیاریم بهر تو  
ایمان

إِنْ نَقُولُ إِلَّا أَعْتَرْنَاكَ بِبَعْضِ آيَاتِنَا بِسُوءٍ ۖ قَالَ إِنِّي أُشْهِدُ  
اللَّهَ وَأَشْهَدُوا أَنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ

۵۵

مِنْ دُونِهِ ۖ فَكَيْدُونِي جَمِيعًا ثُمَّ لَا تُنظِرُونَ

۵۶

إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ ۚ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ  
أَخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا ۚ إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

۵۷

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ ۚ إِلَيْكُمْ  
وَيَسْتَخْلِفُ رَبِّي قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوهُ ۚ شَيْئًا إِنَّ رَبِّي  
عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ

۵۸

وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا هُودًا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا  
وَنَجَّيْنَاهُمْ مِّنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ

۵۹

وَتِلْكَ ءَادٌ جَحَدُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَعَصَوْا رُسُلَهُ ۚ وَاتَّبَعُوا  
أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ

۶۰

وَأَتَّبِعُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ أَلَا إِنَّ ءَادًا  
كَفَرُوا رَبَّهُمْ ۗ أَلَا بُعْدًا لِّءَادٍ قَوْمِ هُودٍ

۶۱

وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا ۚ قَالَ يَا قَوْمِ أَعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ  
مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ ۗ هُوَ أَنشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا  
فَأَسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوَبُّوا إِلَيْهِ ۚ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُّجِيبٌ

۶۲

قَالُوا يَصَلِحُ قَدْ كُنْتَ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَذَا ۗ أَتَنْهَانَا أَنْ  
تَعْبُدَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا وَإِنَّنَا لَفِي شَكِّ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ  
مُرِيبٍ

بعض بتهای ما ز شر و بدی برده اندت به راه بی‌خردی گفت  
بینید و شاهد است خدا که چه بیزارم از بتان شما

بهر من نقشه‌ای کشید شدید و به من نیز مهلتی ندهید

کار خود را سپرده‌ام به خدا اوست پروردگار ما و شما نیست  
جنبنده در زمین مطلق جز که باشد به زیر سلطه‌ی حق و  
خدای من است در ره راست [حکم او بر همه عباد رواست

رویگردان شوید اگر که تمام من رساندم به سوی خلق پیام  
می‌کند جانشین برای شما ذات پروردگار قومی را از شما کی  
زیان رسد او را ربّ من حافظ است بر اشیا

حکم ما چون به هود گشت فرود پس رساندیم مؤمنان با  
هود با عنایات و مهر و رحمت ما از عذاب شدید گشت رها

عاد شد منکر نشان خدا کرد عصیان پیمبرانش را پیروی  
داشت امر هر جبار که به حق داشت شیوه‌ی پیکار

هم به دنبال اوست در دنیا لعنت حق و هم به روز جزا کفر  
ورزید قوم هود که عاد دور از مهر و رحمت حق باد

گفت صالح برای قوم ثمود از چه گیرید جز خدا معبود او  
شما را بیافرید چنین تا که عمران کنید روی زمین پس  
بخواهید از خدا غفران پس به سویش روید توبه‌کنان ربّ  
من هست بهر خلق قریب و دعا‌های خلق راست مجیب

پس بگفتند بوده‌ای تو رجا بهر ما نهی می‌کنی آیا؟ آنچه  
معبود بود بر پدران ما پرستش کنیم نیز همان هست بس  
شک و ریب در دل ما ز آنچه خواهی بر آن روش ما را

قَالَ يَقَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَعَآتَنِي مِنْهُ رَحْمَةً فَمَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ عَصَيْتُهُ ۗ فَمَا تَزِيدُونَنِي غَيْرَ تَخْسِيرٍ

۱۱  
هود  
۶۳  
۱۲۳

گفت اگر باشدم نشان ز خدا گر دهد نیز رحمت خود را [نرسانم اگر که این فرمان که مرا یار گردد از عصیان؟ نکنید از سخن فزوده مرا غیر خسرانی از برای شما

قوم من ناقه‌ای است این ز خدا آیتی هست از برای شما می‌چرد در زمین حق زنهار نرسانید بهر او آزار گر نباشید بهر حکم مجیب می‌رسد بر شما عذاب قریب

ناقه‌ی حق ز پا در آوردند گفت در خانه بهره‌ور گردند و سه روز است وقت این فرمان و بود راست وعده یزدان

بهر صالح رسید حکم خدا پس رهانیدم او و یاران را رحمت ما رهاندش از خدلان حق عزیزست و بهر اوست توان

صیحه بگرفت ظالمان در بند در سراها به روی افتادند

گویی آنان نبوده‌اند در آن و ثمودند کافر یزدان دور بادا [از مهر رب و دود] کافران ظلوم و قوم ثمود

رسل آمد به سوی ابراهیم نیز تبشیر داد با تسلیم پس درنگی نداشت کامد زود هدیه گوساله‌ای که بریان بود

دید چون دستشان به آن نرسد پس بدانست کارشان را بد و بترسید از جماعتشان پس بگفتند هان مشو ترسان جمع ما آفریدگار جلیل به سوی قوم لوط داشت گسیل

زنش استاده بود شد خندان پس بشارت رسیدش از یزدان کاید اسحاق و بعد از او یعقوب [این بشارات بود بس مطلوب

وَيَقَوْمِ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ فَذُرُّوهَا تَأْكُلُ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ قَرِيبٌ

۶۴

فَعَقَرُوهَا فَقَالَ تَمَتَّعُوا فِي دَارِكُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ ذَٰلِكَ وَعَدٌ غَيْرُ مَكْذُوبٍ

۶۵

فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا صَالِحًا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَمِنْ خِزْيِ يَوْمِئِذٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ

۶۶

وَأَخَذَ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيرِهِمْ جَثَمِينَ

۶۷

كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَا ۗ آلَ إِنْ تَمُودًا كَفَرُوا رَبَّهُمْ ۗ أَلَا بُعْدًا لِّثَمُودَ

۶۸

وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَىٰ قَالُوا سَلَامًا ۗ قَالَ سَلَامٌ ۗ فَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِيدٍ

۶۹  
۱۸۹

فَلَمَّا رَأَىٰ أَيْدِيَهُمْ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكِرَهُمْ وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً ۗ قَالُوا لَا تَخَفْ ۗ إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ قَوْمِ لُوطٍ

۷۰

وَأَمْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاَهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ

۷۱

قَالَتْ يَوَيْلَتِي ءَأَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلِي شَيْخًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ

گفت ای وای من که هستم زال بهر من زادن است امر محال همسر را ز پیری است نصیب وین هم از بهر اوست امر عجیب

قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ ﷻ رَحِمْتُ اللَّهُ وَبَرَكَتُهُ وَعَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ

پس بگفتند [مرسلان هدا] تو تعجب مکن ز کار خدا لطف حق و نوازش یزدان بر شما اهل بیت گشت روان هست والا و هم ستوده خدا

فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الرَّوْعُ وَجَاءَتْهُ الْبُشْرَى يُجْدِلُنَا فِي قَوْمِ لُوطٍ

ترس چون از خلیل گشت جدا و پیامد بشارتی ز خدا جدل از قوم لوط کرد به ما

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُنِيبٌ

چونکه آواه بود ابراهیم بازگردنده بود و نیز حلیم

يَا إِبْرَاهِيمُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا إِنَّهُ قَدْ جَاءَ أَمْرٌ رَبِّكَ ﷻ وَإِنَّهُمْ ءَاتِيهِمْ عَذَابٌ غَيْرُ مَرْدُودٍ

زین سخن ای خلیل رو گردان چون رسید از خدای تو فرمان به یقین می‌شوند قوم دچار به عذابی که می‌رسد ناچار

وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِئَاءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالَ هَذَا يَوْمٌ عَصِيبٌ

چون ملک بهر لوط شد نازل تنگدل شد از آن و هم بد دل گفت این روز هست سخت و گران

وَجَاءَهُمْ قَوْمُهُمْ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَمِنْ قَبْلُ كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ قَالَ يَتَقَوْمَ هَتُولَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَظْهَرُ لَكُمْ ﷻ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ فِي ضَيْفِي ﷻ أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ

قوم پس نزد لوط گشت روان پیش آن اهل سینات همه گفت اینان مرا بنات همه هست پاکیزه‌تر برای شما متقی گر شوید بهر خدا نزد مهمان مرا چه خوار کنید در شما نیست هیچ مرد رشید

قَالُوا لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا لَنَا فِي بَنَاتِكِ مِنْ حَقِّ وَإِنَّكَ لَتَعْلَمُ مَا نُرِيدُ

همه گفتند اهل اکر اهیم تو بدانی هر آنچه ما خواهیم

قَالَ لَوْ أَنِّي لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أَوْ ءَاوِي إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ

گفت می‌بود کاش نیرویی یا پناهی برای من سویی

قَالُوا يَلُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصِلُوا إِلَيْكَ ﷻ فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ إِلَّا أُمْرَاتَكَ ﷻ إِنَّهُ مُصِيبُهَا مَا أَصَابَهُمْ ﷻ إِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ

پس ملک بهر لوط گفت برآر اهل خود را از این زمین و دیار هیچکس پشت سر نگه نکند ما رسولیم از خدای احد نرسد دست کس دگر به شما و میاور تو همسر خود را که بلا نیز بر وی است نصیب وقتشان صبح و صبح هست قریب

فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَلِيَّهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا  
حِجَارَةً مِّن سَجِيلٍ مَّنضُودٍ

مُسَوَّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بَعِيدٍ

و ان نشاندار از خدای مجید نیست این بهر اهل جور بعید

وَإِلَى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ  
مِنَ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَلَا تَتَّبِعُوا الْكَيْدَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أَرَبُكُمْ  
بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ

و به مدین شعیب گشت گسیل که عبادت کنند ربّ جلیل  
گفت جز حق که را شوید عبید؟ نیز از کیل و وزن کم مکنید  
خبر دارید و ترس هست مرا از عذاب محیط بهر شما

وَيَقَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا  
النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ

کیل و وزن آورید هم به کمال کم ندارید از کسان اموال و  
مکشید در زمین به فساد

بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ  
بِخَفِيضٍ

بهتر است آنچه را خدای نهاد گر که مؤمن شدید بهر خدا  
نیستم من نگاهبان به شما

قَالُوا يَشْعِيبُ أَسْلَوْتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ تَتْرِكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا  
أَوْ أَنْ تَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ

پس بگفتند ای شعیب آیا؟ نهی ما از طریقه‌ی آبا که  
عباداتشان کنیم رها شد نمازت دلیل این ره را؟ هم ز  
اموال خویش [از زر و سیم بکنیم آنچه را که می‌خواهیم و  
یقینا تویی حلیم و رشید

قَالَ يَقَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنتُ عَلَىٰ بَيْتَةٍ مِّن رَّبِّي وَرَزَقَنِي مِنْهُ  
رِزْقًا حَسَنًا وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَىٰ مَا أَنهَكُمْ عَنْهُ  
إِن أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ  
عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ

گفت مردم به من خبر بدهید گر که بودم نشانه‌های خدا ور  
خدا رزق نیک داد مرا آنچه را نهی می‌کنم ز شما من نخواهم  
که خود کنم آن را خواهم اصلاح تا به حد توان هست توفیق  
کارم از یزدان هم به او کار خویش بسپارم هم به او روی  
خویش باز آرم

وَيَقَوْمٌ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِي أَنْ يُصِيبَكُمْ مِثْلُ مَا أَصَابَ  
قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ وَمَا قَوْمَ لُوطٍ مِّنكُمْ  
بِعِيدٍ

قوم من هان جدالتان با ما نرساند مصیبتی به شما همچو  
اقوام نوح و صالح و هود نیز لوط از شما بعید نبود

پس بخواهید از خدا غفران توبه آرید جانب یزدان حق و  
پروردگار ماست رحیم [دوست دارد اگر سوبیش برویم

۹۰ وَأَسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ

پس بگفتند ای نبی خدا ما نفهمیم گفته‌های ترا ناتوانی تو  
در میانه‌ی ما گر نباشد قبیله‌ات اینجا سنگ باران کنیم  
سخت تو را و تو را نیست قدرتی بر ما

۹۱ قَالُوا يَشْعِيبُ مَا نَفَقَهُ كَثِيرًا مِّمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرُكَ فِينَا  
ضَعِيفًا وَّلَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْنَا بِعَزِيزٍ

گفت ای قوم اگر قبیلہ‌ی من هست قدرتر از حق ذو المن  
پشت سر افکنید حکم خدا اوست آگه ز کارهای شما

۹۲ قَالَ يَقَوْمِ أَرَهَطِي أَعَزُّ عَلَيْكُمْ مِّنَ اللَّهِ وَاتَّخَذْتُمُوهُ  
وَرَاءَكُمْ ظَهْرِيًّا إِنَّ رَبِّي بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ

بکنید آنچه در توان شماست می‌کنم نیز من هر آنچه  
مراسم زود دانید بهر کیست عذاب؟ کیست رسوا و هم  
بود کذاب؟ خوب باشید منتظر بر آن و منم چون شما ز  
منتظران

۹۳ وَيَقَوْمِ أَعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَمِلٌ سَوْفَ تَعْلَمُونَ  
مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُجْزِيهِ وَمَنْ هُوَ كَذِبٌ وَأَرْتَقِبُوا إِنِّي  
مَعَكُمْ رَقِيبٌ

رحمت از حق رسید و فرمانش پس رها شد شعیب و  
یارانش صیحه بگرفت ظالمان در بند در سراها به روی  
افتادند

۹۴ وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ  
مِّنَّا وَأَخَذَتِ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيرِهِمْ  
جَثْمِينَ

گویی آنان نبوده‌اند در آن دور باد اهل مدین [از رضوان  
آنچنانی که بود قوم ثمود دور از رحمت خدای ودود

۹۵ كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَا ۗ أَلَا بُعْدًا لِّمَدِينٍ كَمَا بَعَدَتْ ثَمُودُ

و فرستاده‌ایم موسی را با دلیل عیان و آیت‌ها

۹۶ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ

نزد فرعون رفت و مهترها آن مطیعان حکم حکمروا حکم  
فرعون در حیات کسان نیست رشد و نجات برایشان

۹۷ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ ۚ فَاتَّبِعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ ۗ وَمَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ  
بِرَشِيدٍ



يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَبِئْسَ الْوَرْدُ الْمَوْرُودُ

در قیامت به قوم پیشاپیش [رهنمایی است بهر امت خویش پس به آتش در آرد آنان را چه بد است آن ورود ایشان را

وَاتَّبِعُوا فِي هَذِهِ لَعْنَةَ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ بئس الرِّقْدُ الْمَرْفُودُ

وز پی آرند لعنت دو جهان چه بد است آن نصیب برایشان

ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْقُرَى نَقُصُّهُ عَلَيْكَ مِنْهَا قَائِمٌ وَحَصِيدٌ

قصه شهرها کنیم بیان آنچه معمور مانده یا ویران

وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَمَا أَغْنَتْ عَنْهُمْ آهَاتِهِمُ الَّتِي يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ لَمَّا جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَمَا زَادُوهُمْ غَيْرَ تَتْسِيبٍ

ما نکردیم بهر خلق جفا بلکه هر کس ستم کند خود را و نکردند یاری ایشان جمله معبودها بجز یزدان و نیفزودشان به غیر فنا چون بیامد مثال و امر خدا

وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَىٰ وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ

آنچنان بر گرفت خشم خدا شهرها را برای جور و جفا خشم حق است سخت دردآور [تا چه آید به عرصه‌ی محشر]

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّمَنْ خَافَ عَذَابَ الْآخِرَةِ ذَلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لَّهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ

آن نشان است بر کسی کو را هست ترس از عذاب روز جزا در همان روز خلق گرد آیند و به آن روز چشم بگشایند

وَمَا نُؤَخِّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مَّعْدُودٍ

و به تأخیر نفکنیم آن را جز زمانی شمرده از سوی ما

يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ

کس نگوید سخن در آن دوران جز به اذن خدای عالمیان بعضشان در شقاوتند مقیم بعضشان در سعادتند مقیم

فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فَفِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ

تیره بختان در آتشدن به بند که زفیر و شهیق از آن شنوند

خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ

ماندگارند در جحیم خدا تا زمین و سماست پا بر جا جز که خواهد خدای عالمیان آنچه را خواست می‌کند یزدان

وَأَمَّا الَّذِينَ سَعِدُوا فَفِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرٌ مَّجْدُودٍ

نیک بختان درون باغ جنان ماندگارند جاودانه در آن ماندگارند در نعیم خدا تا زمین و سماست پا بر جا جز که خواهد خدای عالمیان بخششی بی‌حد است و بی‌پایان

فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّمَّا يَعْبُدُ هَؤُلَاءِ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا كَمَا  
يَعْبُدُ ءَابَاؤُهُمْ مِّن قَبْلُ وَإِنَّا لَمُوقِفُهُمْ نَصِيبُهُمْ غَيْرَ  
مَنْقُوصٍ

شک مکن در عبادت ایشان که عبادت کنند چون پدران  
اجرشان می‌دهیم بی‌کم و کاست [هر عمل را جزای خاص  
سزاست

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ  
سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكِّ مِّنْهُ  
مُرِيبٍ

و به موسی کتاب داد خدا اختلافی در آن بماند به جا گر  
نمی‌بود حکم پیش خدا بینشان رفته بود حکم و قضا و  
هنوزند جمله در تردید [در ثواب و عقاب و وعد و وعید]

وَإِنَّ كَلًّا لَّمَّا لَيُوفِينَئِهِمْ رَبُّكَ أَعْمَلَهُمْ إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ  
خَبِيرٌ

همه را حق دهند بی‌کم و کاست و به اعمالشان خدا داناست

فَأَسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا  
تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

پایداری کن آنچه‌ای که خدا داد فرمان ترا و تائب را اهل  
طغیان مباش ز آنکه خدا هست بینا به کارهای شما

وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم  
مِّن دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ

تکیه بر ظالمان مدار روا که به آتش در افکنند تو را که در  
آن جا ولی شما را نیست جز خدا یار مردمان گو کیست؟

وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفَا مِّنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ  
يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرِي لِلذَّاكِرِينَ

و نماز خدا بدار به پا دو سوی روز و اول شب را کار نیکو  
برد بدیها را شد تذکر به ذاکران خدا

وَأَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ

صبر کن حق نمی‌کند نابود از نکوکار خلق اجرت و سود

فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِن قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ  
عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ  
الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أَتَرُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ

گر که بودند صاحبان ده‌ها در زمانهای پیشتر ز شما نهی  
کردند از فساد زمین و قلیلی رهانده‌ایم چنین آن گروهی  
که شد ستم را یار وز تنعم شدند بر خوردار مجرمند آن  
گروه اهل جفا [پیرو ظالمان مکن خود را]

وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ

نفرستد خدا به دار فنا از ره ظلم و جور شهری را گر که  
اهلش رود به راه صلاح [راه یابند بر طریق فلاح

وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ  
مُخْتَلِفِينَ

گر که خواهد خدای مردم را می‌کند قوم و امتی یکتا اختلاف  
است دائما پیدا

إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ  
لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ

جز به قومی که داشت لطف خدا خلقشان کرد زین ره آنان را  
و محقق بود کلام خدا پر کنم دوزخ از پری و بشر [از همه  
اهل جور و کین یکسر]

وَكَلَّا تَقْصُ عَلَيكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُنَبِّئُ بِهِ فُؤَادَكَ  
وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ

بر تو خوانیم از رسل اخبار تا بگیرد دلت ثبات و قرار بر تو  
حق است و شد تذکر و پند بهر آنان که اهل ایمانند

وَقُلْ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ أَعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنَّا عَمِلُونَ

گو به کافر که تا به حد توان کن که ما نیز می‌کنیم چنان

وَأَنْتَظِرُونَ

منتظر باش بر عذاب گران نیز ماییم خود ز منتظران

وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَيْهِ يُرْجَعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ  
فَاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ

وز خدا علم این زمین و سماست بازگشت امور سوی  
خداست بپرست و توکل آر او را نیست غافل خدا ز کار شما

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الرَّتِّلِكَ ءَايَةُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ

[الف و لام و را که آغاز است بین حق و رسول او راز است  
آن نشانهای نامهای است عیان

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

ما فرستاده‌ایم این قرآن به زبان عرب بیافت نزول تا که  
باشید صاحبان عقول

نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا  
الْقُرْءَانَ وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الْغَافِلِينَ

بهترین داستان کنیم بیان از ره وحی بر تو زین قرآن گر  
نبودی تو پیش از آن آگاه [بشنو قصه‌ی وجیه الله

إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا  
وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ

گفت یوسف به باب خود که پدر خواب دیدم کنار شمس و  
قمر یازده اختر آمدند فرود آمدند از برای من به سجود

قَالَ يَبْنِي لَا تَقْضُصْ رُءْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ

وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِن تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَيُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ آئِلٍ يَعْقُوبَ كَمَا أَتَمَّهَا عَلَىٰ أَبَوَيْكَ مِن قَبْلُ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

إِذْ قَالُوا لِيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَيْنَا مِمَّا نَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّ آبَاءَنَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

أَقْتُلُوا يُوسُفَ أَوْ اطْرَحُوهُ أَرْضًا يَخْلُ لَكُمْ وَجْهَ أَبِيكُمْ وَتَكُونُوا مِن بَعْدِهِ قَوْمًا صَالِحِينَ

قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ لَا تَقْتُلُوا يُوسُفَ وَأَلْقُوهُ فِي غَيَابَتِ الْجُبِّ يَلْتَقِطُهُ بَعْضُ السَّيَّارَةِ إِن كُنْتُمْ فَاعِلِينَ

قَالُوا يَا أَبَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَىٰ يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُو لَنَصِحُونَ

أَرْسَلَهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعُ وَيَلْعَبُ وَإِنَّا لَهُو لَحَافِظُونَ

قَالَ إِنِّي لَيَحْزُنُنِي أَنَّ تَذْهَبُوا بِهِ وَأَخَافُ أَنْ يَأْكُلَهُ الذِّئْبُ وَأَنْتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ

قَالُوا لَئِن أَكَلَهُ الذِّئْبُ وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّا إِذًا لَّخَسِرُونَ

گفت فرزند من، تو با اخوان مگو از آن که ماکرند آنان بیگمان اهرمن بر آدمیان کینه ورز است و دشمنی است عیان

برگزیند تو را خدای جلیل و بیاموزدت ز هر تأویل هم پس از توبه آل اسرائیل نعمتش را خدا کند تکمیل همچو اسحاق و همچو ابراهیم و خدایت بود علیم و حکیم

در حدیثی ز یوسف و اخوان بهر جویندگان بسی است نشان

چون بگفتند اینکه نزد پدر یوسف است و برادرش بهتر و اینکه ما را فروتر است توان پدر ماست در ضلال عیان

یوسف آرید در محل هلاک یا که بیرون کنید از این خاک تا پدر روی آورد به شما و پس از آن شوید از صلحا

آن یکی گفت قتل نیست روا پس به چاهی بیفکنید او را کاروانی بر آورد او را اگر این کار آورید به جا

پس بگفتند ای پدر تو چرا؟ بهر یوسف نه ایمنی از ما خیر خواهیم بهر یوسف ما

بفرستش به جمع ما فردا تا در آید به بازی و تک و پو به یقین ما محافظیم بر او

گفت غمگین شوم گرش ببرید و به من ترس گشته است پدید که خورد گرگ ناگهان او را چونکه غافل از او شوید شما

همه گفتند بهر ماست توان اگر اینسان شود کنیم زبان

فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهِ وَأَجْمَعُوا أَنْ يَجْعَلُوهُ فِي غَيْبَتِ الْجُبِّ  
وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُمْ بِأَمْرِهِمْ هَذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

شب به نزد پدر به گریه شدند

۱۶ وَجَاءُوا أَبَاهُمْ عِشَاءً يَبْكُونَ

۱۷ قَالُوا يَا أَبَانَا إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَتَرَكْنَا يُوسُفَ عِنْدَ مَتَاعِنَا  
فَاكْغَلَهُ الذِّبْطُ وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ

سبقتی بود بین ما بابا ترک کردیم یوسف و کالا گرگ او را  
بخورد و حال پدر حرف ما را نمی‌کنی باور گر چه باشیم  
راستگویی چند

۱۸ وَجَاءُوا عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ  
أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا  
تَصِفُونَ

و لباسش به رنگ خون بردند گفت آراسته‌ست بهر شما  
کارها را فریب نفس و هوی صبر زیبا و هم اعانت را خواهیم  
از حق در این بیان شما

۱۹ وَجَاءَتْ سَيَّارَةٌ فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ فَأَدْلَى دَلْوَهُ قَالَ يَبُشْرَى  
هَذَا غُلْمٌ وَّأَسْرُوهُ بِضَعَّةٍ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَعْمَلُونَ

کاروانی رسید و ساقی آن [به سوی چاه آب گشت روان پس  
بیفکند دلو و مژده بداد که جوانی [درون دلو افتاد] و ان  
متاع از همه نهان کردند حق شد آگاه کانچنان کردند

۲۰ وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمَ مَعْدُودَةٍ وَكَانُوا فِيهِ مِنَ  
الزَّاهِدِينَ

نیز بفروختند و ز آنان بود ثمنی بخرس و درهمی معدود و به  
رغبت نبوده‌اند او را

۲۱ وَقَالَ الَّذِي اشْتَرَاهُ مِنْ مِصْرَ لِأَمْرَأَتِهِ أَكْرِمِي مَثْوَاهُ  
عَسَى أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ  
فِي الْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَاللَّهُ غَالِبٌ  
عَلَى أَمْرِهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

بود از مصری مشتری آنجا چون خریدش بگفت با همسر که  
مقامش عزیز دار ایدر بهره شاید از او کنیم وصول یا به  
فرزندیش کنیم قبول قدر دادیمش آنچنان در خاک علم  
تعبیر خواب کرد ادراک هست غالب خدا به کار جهان اکثر  
الناس جاهلند از آن

۲۲ وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَءَاتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجِّزِي  
الْمُحْسِنِينَ

چون به نیرو رسید در آنجا پس بدادیم حکم و علم او را  
آنچنان مزد می‌دهیم به کار بهر آن کس که شد نکو کردار

وَرَاوَدْتُهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنِ نَفْسِهِ ۚ وَعَلَقَتِ الْأَبْوَابَ  
وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ  
إِنَّهُ لَا يَفْلِحُ الظَّالِمُونَ

آن زنی که همو به بیئتش بود خواهش کامجوییش بنمود  
بست درها و گفت پیش من آی گفت باشد پناه من به خدای  
اوست پروردگار من که مرا داد جاه و مقام بس والا ظالمی را  
[که دور شد ز صلاح نبرد حق به راه خیر و فلاح

وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ ۚ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَعَا بُرْهَانَ رَبِّهِ ۚ كَذَلِكَ  
لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا  
الْمُخْلِصِينَ

زن در آهنگ و مرد بود همان گر نمی‌بود از خدا برهان دور  
از او ساختیم زشتی را او شد از بندگان مخلص ما

وَأَسْتَبَقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهُ مِنْ دُبُرٍ وَأَلْفَا سَيِّدَهَا لَدَا  
الْبَابِ قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَنْ يُسْجَنَ  
أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

سوی در زن ز پشت مرد دوید نیز از پشت جامه‌اش بدرید  
پس بدیدند شوی او بر در گفت بر گو چه باشدش کیفر  
آنکه خواهد برای اهل تو شر غیر حبس و عذاب درد آور

قَالَ هِيَ رَاوَدْتَنِي عَنْ نَفْسِي ۚ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ  
كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ قُبُلٍ فَصَدَقَتْ وَهُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ

گفت او داشت قصد من به نهفت و گواهی ز اهل خانه  
بگفت گر بود پاره جامه‌اش از پیش کذب او دان و صدق  
همسر خویش

وَإِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ فَكَذَبَتْ وَهُوَ مِنَ  
الصَّادِقِينَ

ور بود پاره جامه‌اش از پس راستگو می‌شناس یوسف و بس

فَلَمَّا رَعَا قَمِيصَهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكُنَّ إِنَّ  
كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ

چونکه از پشت پاره دید آن را گفت این است کید و مکر  
نسا و زنان راست کید و مکر گران

يُوسُفُ أَعْرَضَ عَنْ هَذَا ۖ وَاسْتَغْفِرِي لِذَنْبِكِ إِنَّكِ كُنْتِ  
مِنَ الْخَاطِئِينَ

یوسف از این تو باش رو گردان وای زن از جرم کن تو  
استغفار به یقین بوده‌ای خطا کردار

وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتْلَهَا عَنِ  
نَفْسِهِ ۚ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا إِنَّا لَنَرُنَّهَا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

و بگفتند جمع نسوان نیز کامجو گشته است زوج عزیز عشق  
ورزد غلام را از جان همه بینیم گمرهی‌ست عیان

فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ  
مُتَّكِنًا وَعَآتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سِكِّينًا وَقَالَتِ اخْرُجْ  
عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ  
حَسَّ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ

چون زیبا شنید مکر زنان بفرستاد کس سوی ایشان متکاها  
و کاردها بنهاد و سپس بر غلام فرمان داد چون در آمد غلام  
جمع نسا یافتندش بزرگ [و بس زیبا] ببریدند دست خود  
نسوان پس بگفتند حاش لله از آن این بشر نیست [نزد  
عقل سلیم به یقین او فرشته‌ای است عظیم

قَالَتْ فَذَلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنَنِي فِيهِ وَلَقَدْ رَوَدْتُهُ عَن  
نَفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ وَلَئِن لَّمْ يَفْعَلْ مَا ءَامُرُهُ لَيُسْجَنَنَّ  
وَلَيَكُونًا مِنَ الصَّغِيرِينَ

گفت آری غلام باشد این که نکوهش مرا کنید چنین  
خواستم زو چو کام کرد ابا گر که اجرا نکرد حکم مرا زودش  
آرم به بند با خواری [کو ز حکم نمود خودداری

قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا  
تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُن مِّنَ الْجَاهِلِينَ

گفت یوسف خدای من زندان هست به ز آنچه خواندم بر آن  
گر که مکرش ز من نگردانی پس گرایش کنم به نادانی

فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ  
الْعَلِيمُ

پس اجابت شد آنچه او برخواند کید زن را خدا از او گرداند  
شنود او دعای خلق جهان [و بداند حدیث فاش و نهان

ثُمَّ بَدَأَ لَهُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا رَأَوْا الْآيَاتِ لَيْسَجُنَّهُ وَحَتَّىٰ حِينٍ

و پس از رؤیت نشان به عیان باز چندی بماند در زندان

وَدَخَلَ مَعَهُ السِّجْنَ فَتَيَانٍ قَالَ أَحَدُهُمَا إِنِّي أَرْنِي آعْصِرُ  
خَمْرًا وَقَالَ الْآخَرُ إِنِّي أَرْنِي أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْرًا تَأْكُلُ  
الطَّيْرُ مِنْهُ نَبِّئْنَا بِتَأْوِيلِهِ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

دو جوان نیز حبس گشت آنجا یکی از دو جوان بگفت او را  
دیدهام کار خویش را در خواب که فشارم عنب برای شراب  
دیگری گفت خواب دیدم نان بر سرم بود و خورد طیر از آن  
پس تو تأویل را بگو از آن ز انکه بینیمت از نکوکاران

قَالَ لَا يَأْتِيكُمَا طَعَامٌ تُرْزَقَانِهِ إِلَّا نَبَّأْتُكُمَا بِتَأْوِيلِهِ  
قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَكُمَا ذَلِكُمَا مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ  
قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ

گفت قبل از وصول وقت غذا من شما را خبر کنم ز آنها ذات  
پروردگار بی‌همتا علم تأویل یاد داد مرا کرده‌ام کیش آن  
گروه رها که به حق کافرنند و روز جزا

وَاتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ مَا كَانَ لَنَا  
أَنْ نُشْرِكَ بِاللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ذَلِكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَعَلَى  
النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ

پیروی می‌کنم ز ربّ جلیل کیش اسحاق و نیز اسرائیل هم ز  
آبای خود چو ابراهیم نیست جایز به ما که شرک آریم خلق و  
ما راست فضل از یزدان لیک شاکر نیند اکثرشان

يَصَلِحِي السِّجْنِ ءَأَرْبَابٌ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمْ اللَّهُ الْوَّاحِدُ  
الْقَهَّارُ

هان ایا همرهان زندانی تا به کی اینهمه پریشانی این بتان  
بهنترند [در هر کار] یا خداوند قادر قهار؟

مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءَ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ  
وَأَبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا  
لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ  
أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

چه پرستید جز خدا اسما؟ که بنامیده‌اند شان آبا و نیامد  
برای آن برهان نیست حکمی مگر که از یزدان داد فرمان  
خدای بی‌همتا نپرستید کس مگر او را این بود دین حق و  
پابرجا اکثر خلق نیست زان دانا

يَصَلِحِي السِّجْنِ أَمَّا أَحَدُكُمَا فَيَسْقِي رَبَّهُ وَخَمْرًا وَأَمَّا  
الْآخَرُ فَيُصَلِّبُ فَتَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْ رَأْسِهِ فَضِيَ الْأَمْرُ  
الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ

از شما همرهان زندانی آن یکی راست خمر افشانی دیگری  
را کشند بر سر دار وز سرش طیر هست برخوردار این  
چنین کار می‌شود اجرا آنچه را داشتید استفتا

وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِّنْهُمَا اذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ  
فَأَنسَهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ فَلَبِثَ فِي السِّجْنِ بِضْعَ سِنِينَ

آنکه را ظن نجات بود بر او گفت حالم به سرور خود گو برد  
از یادش این سخن شیطان چند سالی بماند در زندان

وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعُ  
عِجَافٍ وَسَبْعَ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ  
أُفْتُونِي فِي رُءْيَايَ إِنْ كُنْتُمْ لِلرُّءْيَا تَعْبُرُونَ

شاه در خواب دید هفت بقر چاق خوردند هفت تن لاغر هفت  
خوشه که بود سبز و جوان هم‌رهش هفت خوشه خشک و  
نوان خواست اشراف را از آن تعبیر باز گویند اگر شدند  
خبیر



پس بگفتند شد پریشان خواب ما نداریم علم در این باب

قَالُوا أَضْغَتْ أَحْلَمٌ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَمِ بِعَلَمِينَ

۴۵

وَقَالَ الَّذِي نَجَا مِنْهُمَا وَادَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ أَنَا أُنَبِّئُكُمْ  
بِتَأْوِيلِهِ فَأَرْسِلُونِ

۴۶

يُوسُفُ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ أَفْتِنَا فِي سَبْعِ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ  
يَأْكُلُهُنَّ سَبْعُ عِجَافٍ وَسَبْعِ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ  
يَابَسَتْ لَعَلِّي أَرْجِعُ إِلَى النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ

۴۷

قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأَبًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي  
سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ

۴۸

ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ  
إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَحْصِنُونَ

۴۹

ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ  
يَعْصِرُونَ

۵۰  
۱۹۹

وَقَالَ الْمَلِكُ أَتُتُونِي بِهِ فَلَمَّا جَاءَهُ الرَّسُولُ قَالَ أَرْجِعْ إِلَى  
رَبِّكَ فَسَأَلَهُ مَا بَالَ النِّسْوَةِ الَّتِي قَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ إِنَّ رَبِّي  
بِكَيْدِهِنَّ عَلِيمٌ

۵۱

قَالَ مَا خَطْبُكُنَّ إِذْ رَاوَدْتَنَّ يُوسُفُ عَنْ نَفْسِهِ قُلْنَ  
حَشَ لِلَّهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِنْ سُوءٍ قَالَتِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ  
أَلَنْ حَصْحَصَ الْحَقُّ أَنَا رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ وَإِنَّهُ لَمِنَ  
الصَّادِقِينَ

۵۲

ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَيْبِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ  
الْخَائِنِينَ

گفت ای یوسف ای که گویی راست گو تو پاسخ به پرسشی  
که مراست آنکه در خواب دید هفت بقر چاق خوردند هفت  
تن لاغر هفت خوشه که بود سبز و جوان هم‌رهش هفت  
خوشه خشک و نوان تا روم باز سوی خلق الله و از این ماجرا  
شوند آگاه

گفت کشت آر هفت سال به بار نیز خرمن به خوشه‌ها بگذار  
جز قلیلی که می‌خورید از آن همه بهر ذخیره کن پنهان

پس از آن هست هفت سال شدید‌کنچه باشد ذخیره‌ها  
بخورید جز قلیلی که بهر بذر نهید [و از آن رزق از بلا  
برهید]

پس از آن سالها رسد باران میوه‌گیرید و پس عصاره از آن

شاه گفتش به نزد من آرید چون فرستاده نزد او برسید  
گفت از او بپرس آن دستان ماجراهای قطع دست زنان به  
یقین از تمام مکر نسا هست پروردگار من دانا

شاه گفتا که بر شما چه رسید چونکه یوسف به خویش  
می‌خواندید همه گفتند حاش لله ما کار زشتی ندیده‌ایم او  
را پس زلیخا بگفت حق الان آشکارست و هیچ نیست نهان  
من به خود خواندمش [که پنهان بود] به یقین او ز  
راستگویان بود

تا بداند که در غیاب مرا نادرستی به او نبود ابدًا و خداوند  
هادی سرمد هادی کید خائنان نشود

وَمَا أُبْرِي نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ

من میرا نمی‌کنم خود را نفس ما بر بدی است حکمروا جز که رحم آورد خدای کریم به یقین حق بود غفور و رحیم

گفت شه سوی من بیاریدش بلکه مخصوص من بداریدش پس چو گفتش سخن بگفت چنین نزد مایی کنون امین و مکین

وَقَالَ الْمَلِكُ أَتُتُونِي بِهِ ۖ أَسْتَخْلِصُهُ لِنَفْسِي ۗ فَلَمَّا كَلَّمَهُ وَقَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ

گفت با من خزاننت بسیار که نگهبان بر آنم و هشیار

قَالَ أَجْعَلُنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ ۗ إِنِّي حَفِيظٌ عَلَيْمُ

نیز دادیم قدر یوسف را بود در اختیار او هر جا هر که خواهیم بهره پردازیم اجر نیکان تبه نمی‌سازیم

وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُونَ مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ ۚ نَصِيبٌ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ ۗ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ

بهرتر است اجر و بهره در عقب اهل ایمان و اهل تقوا را

وَلَا نُجْرُ الْأَخِرَةَ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ

چون به یوسف در آمدند اخوان خوب بشناخت جمله رازیشان لیک نشناختش کسی ز آنان

وَجَاءَ إِخْوَةُ يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ

چونکه محموله داد بر ایشان گفت بار دگر برون آرید آن برادر که از پدر دارید تا دهم کیل بهرتان به کمال و بود بهرتان بهین انزال

وَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَّازِهِمْ قَالَ أَتُتُونِي بِأَخٍ لَّكُمْ مِّنْ أَبِيكُمْ ۚ أَلَا تَرَوْنَ أَنِّي أُوفِي الْكَيْلَ وَأَنَا خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ

گر نیارید بهر من او را نزد من نیست کیل بهر شما گر نیارید بهر من او را پس دگر رو نیارید اینجا

فَإِن لَّمْ تَأْتُونِي بِهِ ۖ فَلَا كَيْلَ لَكُمْ عِنْدِي وَلَا تَقْرَبُونِ

پس بگفتند با پدر گوییم وان رهی را که گفته‌ای پوییم

قَالُوا سَنُرَوِّدُ عَنْهُ أَبَاهُ وَإِنَّا لَفَاعِلُونَ

با غلامان بگفت کان کالا بگذارید بار ایشان را تا به برگشت با خبر گردند بشناسند و باز برگردند

وَقَالَ لِفِتْيَانِهِ اجْعَلُوا بِضَعْتَهُمْ فِي رِحَالِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَعْرِفُونَهَا ۚ إِذَا أَنْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

چون بگشتند باز نزد پدر پس بگفتند با پدر یکسر گشت ممنوع کیل غله به ما نبریم ار دگر برادر را بفرست این سفر به همراه ما که حفاظت کنیم ما او را

فَلَمَّا رَجَعُوا إِلَىٰ أَبِيهِمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مُنِعَ مِنَّا الْكَيْلُ فَأَرْسِلْ مَعَنَا آخَانًا نَّكَتِلُ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ

قَالَ هَلْ ءَامَنُكُمْ عَلَيْهِ إِلَّا كَمَا أَمِنْتُكُمْ عَلَىٰ أَخِيهِ مِنْ قَبْلُ فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

گفت چون ایمنم بر او ز شما؟ همچنانکه گذشت یوسف را بهترین حافظان بود یزدان ارحم الراحمین بود رحمان

وَلَمَّا فَتَحُوا مَتَاعَهُمْ وَجَدُوا بِضَلْعَتَهُمْ رُدَّتْ إِلَيْهِمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مَا نَبَغِيٰ هَذِهِ ۖ بِضَلْعَتِنَا رُدَّتْ إِلَيْنَا وَنَمِيرُ أَهْلَنَا وَنَحْفُظُ أَخَانَا وَنَزِدَادُ كَيْلٍ بَعِيرٍ ۗ ذَٰلِكَ كَيْلٌ يَّسِيرٌ

چون گشودند بارهاشان را جای خود یافتند کالاها پس بگفتند ما چه می‌خواهیم؟ گشت سرمایه‌هایمان تقدیم بهر این بیت توشه می‌جوییم با برادر ره سفر پوییم تا که افزون کنیم کیل بعیر هست کیل بعیر کیل یسیر

قَالَ لَنْ أُرْسِلَهُ ۚ مَعَكُمْ حَتَّىٰ تُؤْتُونِ مَوْثِقًا مِّنَ اللَّهِ لَتَأْتُنَّنِي بِهِ ۖ إِلَّا أَن يُحَاطَ بِكُمْ فَلَمَّا ءَاتَوْهُ مَوْثِقَهُمْ قَالَ اللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ

گفت او را نمی‌دهم به شما جز که پیمان کنید بهر خدا به منش زود باز گردانید جز که در این قرار درمانید چونکه بستند با پدر پیمان گفت باشد و کیل ما یزدان

وَقَالَ يَبْنَئِي لَا تَدْخُلُوا مِن بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُّتَفَرِّقَةٍ ۖ وَمَا أُغْنِيٰ عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ۗ إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ

ای پسرهای من درون نشوید خانه شاه را ز باب وحید بلکه وارد شوید از درها سعی من چیست؟ پیش کار خدا نیست حکمی مگر برای خدا من سپارم به حق ره خود را آن جماعت که شد توکل جو کار خود جمله بسپرنند به او

وَلَمَّا دَخَلُوا مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ أَبُوهُم مَّا كَانَ يُغْنِيٰ عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا حَاجَةٌ فِي نَفْسِ يَعْقُوبَ قَضَلَهَا ۚ وَإِنَّهُ لَذُو عِلْمٍ لِّمَا عَلَّمْنَاهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

چون شدند اندرون به امر پدر کار حق را از آن نبود ضرر حکم یعقوب گشته بود روا بود از بهر کارها دانا ز انکه آموخت بهر او الله اکثر الناس نیستند آگاه

وَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يُوسُفَ ءَاوَىٰ إِلَيْهِ أَخَاهُ ۗ قَالَ إِنِّي أَنَا أَخُوكَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

چون به یوسف در آمدند ایشان نزد خود داد جا یکی ز اخوان گفت این من برادری به توام تو ز اعمالشان مباش دژم

فَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَّازِهِمْ جَعَلَ السَّقَايَةَ فِي رَحْلِ أَخِيهِ ثُمَّ  
أَذَّنَ مُؤَذِّنٌ أَيُّهَا الْعَيْرُ إِنَّكُمْ لَسَّرِقُونَ

چونکه مأمور بارشان را داد جام شه را به بار او بنهاد پس  
منادی بداد صوت و ندا کاروان اهل سرقتید شما

۷۱

قَالُوا وَأَقْبَلُوا عَلَيْهِمْ مَاذَا تَفْقَدُونَ

گفته شد گم شده بگوی چه بود؟

۷۲

قَالُوا نَفَقِدُ صُوعَ الْمَلِكِ وَلِمَنْ جَاءَ بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَا  
بِهِ زَعِيمٌ

گفت جام ملک بود مفقود بهر یابنده یک شتر محمول وین  
منم بهر این سخن مسؤؤل

۷۳

قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كُنَّا  
سَارِقِينَ

پس بگفتند که قسم به خدا همه آگاه بوده‌اید از ما به  
فساد زمین نیامده‌ایم به ره سارقین نیامده‌ایم

۷۴

قَالُوا فَمَا جَزَاؤُهُوَ إِنْ كُنْتُمْ كَاذِبِينَ

پس بگفتا جزا چه خواهد دید؟ گر که جمعی دروغگو باشید

۷۵

قَالُوا جَزَاؤُهُوَ مَنْ وُجِدَ فِي رَحْلِهِ فَهُوَ جَزَاؤُهُوَ كَذَلِكَ  
نَجْزِي الظَّالِمِينَ

پس بگفتند کیفر آن کس اینکه آن شخص برده گردد و بس  
این چنین می‌دهیم ما کیفر بهر هر فرقه‌ی ستم گستر

۷۶

فَبَدَأَ بِأَوْعِيَّتِهِمْ قَبْلَ وِعَاءِ أَخِيهِ ثُمَّ اسْتَخْرَجَهَا مِنْ وِعَاءِ  
أَخِيهِ كَذَلِكَ كِدْنَا لِيُوسُفَ مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ  
الْمَلِكِ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَن نَّشَاءُ وَفَوْقَ كُلِّ  
ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ

پس به دیدار بارها رو کرد سپس از ظرف او برون آورد و  
چنین بهر یوسف آوردیم نقشه‌ای را که یافت او تعلیم  
نگرفتند به حکم مذهب شاه جز که این بود اراده الله و  
بخشیم هر که را خواهیم فوق هر عالمی است نیز علیم

۷۷

قَالُوا إِنْ يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَهُ مِنْ قَبْلُ فَأَسْرَهَا يُوسُفُ  
فِي نَفْسِهِ وَلَمْ يُبْدِهَا لَهُمْ قَالَ أَنْتُمْ شَرُّ مَكَانًا وَاللَّهُ أَعْلَمُ  
بِمَا تَصِفُونَ

پس بگفتند اگر که دزدیدست رسم و راه برادرش دیدست  
گشت یوسف غمین از این سخنان لیک اندوه خود نکرد عیان  
گفت بهر شما بد است مکان و خدا عالم است از این سخنان

۷۸

قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُوَ أَبَا شَيْخًا كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدَنَا  
مَكَانَهُوَ إِنَّا نَرْنَكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

پس بگفتند ای عزیز بگیر یکی از ما به جای فرد اسیر  
پدرش هست پیر مردی زار ما ترا بنگریم نیکوکار

قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ أَنْ نَأْخُذَ إِلَّا مَنْ وَجَدْنَا مَتَّعْنَا عِنْدَهُ إِنَّآ إِذَا لَظَلِمُونَ

گفت باشد پناه من به خدا که بگیریم اسیر جز وی را آن که بودست نزد وی کالا ورنه باشیم اهل جور و جفا

فَلَمَّا أَسْتَيْسُوا مِنْهُ خَلَصُوا نَجِيًّا قَالَ كَبِيرُهُمْ أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ آبَاكُمْ قَدْ أَخَذَ عَلَيْكُمْ مَوْتِقًا مِّنَ اللَّهِ وَمِن قَبْلُ مَا فَرَّطْتُمْ فِي يُوسُفَ فَلَنْ أَبْرَحَ الْأَرْضَ حَتَّى يَأْذَنَ لِي أَبِي أَوْ يَحْكُمَ اللَّهُ لِي وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ

چونکه مایوس از او شدند آنجا پس به سویی شدند بر نجوا مهتر جمع گفتشان آیا؟ نیست پیمانتان برای خدا پدر از ما گرفت آن پیمان و به یوسف چه رفت قبل از آن نروم من مگر به اذن پدر یا خدا بهر ما شود داور و خدا هست بهترین حاکم [ز آنکه از کار ماست او عالم

أَرْجِعُوا إِلَىٰ آبِيكُمْ فَقُولُوا يَا أَبَانَا إِنَّ ابْنَكَ سَرَقَ وَمَا شَهِدْنَا إِلَّا بِمَا عَلَّمْنَا وَمَا كُنَّا لِلْغَيْبِ حَافِظِينَ

بازگردید و با پدر گویید پسرت [جام شاه را] دزدید ما هم از علم خود شویم گواه و نبودیم بهر غیب آگاه

وَسَأَلَ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا وَالْعِيرَ الَّتِي أَقْبَلْنَا فِيهَا وَإِنَّا لَصَادِقُونَ

از دیاری که بوده‌ایم در آن تو از آن سرگذشت شو پرسان یا از آن کاروان که با آنیم تا بدانم که راستگویانیم

قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ عَسَىٰ اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ

گفت یعقوب نفستان آراست کار و صبر جمیل هم ما راست تا به من جمله بازگرداند و خدا علم و حکمتش داند

وَتَوَلَّىٰ عَنْهُمْ وَقَالَ يَا سَفِي عَلَىٰ يُوسُفَ وَأَبِيصَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ

پس از آنان بگشت رو گردان هم ز یوسف دریغ داشت بیان و از این غم سفید شد چشمش و فرو خورد در جگر خشمش

قَالُوا تَاللَّهِ تَفْتَأُ تَذْكُرُ يُوسُفَ حَتَّى تَكُونَ حَرَضًا أَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ

پس بگفتند بر خدا سوگند که مکن یاد یوسفت یک چند ورنه آبی در آستان فنا یا هلاکت شود نصیب ترا

قَالَ إِنَّمَا أَشْكُوا بَنِي وَحُزْنِي إِلَى اللَّهِ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ

گفت من شکوه دل خود را زین غم و درد می‌برم به خدا چیزهایی بدانم از الله که شما نیستید از آن آگاه

يَبْنِي أَذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَأْيَسُوا  
مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَأْيَسُ مِنَ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ  
الْكَافِرُونَ

پسرانم به راهها پویید یوسف و هم برادرش جوید و  
مباشید هیچگه نومید از ره رحمت خدای مجید آن گروهی  
که اهل کفرانند نامید از عطای رحمانند

فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَيْهِ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الضُّرُّ  
وَجِئْنَا بِبِضْعَةٍ مُزَجَّلَةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا  
إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ

چونکه وارد شدند [ناخرسند] با عزیز این چنین سخن گفتند  
که زیانی رسیده است به ما و متاعی است کم کنون ما را  
پس بده کیل را به ما به تمام و تصدق به ما کن و انعام که  
خدا می‌دهد جزای نکو آنکه را بخشش است شیوهی او

قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَأَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ

گفت آگه شدید هیچ آیا؟ بهر یوسف چه داشتید روا چونکه  
بودید جاهل و کانا

قَالُوا أَعِنَّكَ لَأَنْتَ يُوسُفُ قَالَ أَنَا يُوسُفُ وَهَذَا أَخِي قَدْ  
مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ  
أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ

پس بگفتند یوسفی آیا؟ گفت من یوسف این برادر من متنی  
حق نهاد بر سر من هر که باشد صبور و با تقوا نکند حق تباه  
اجرش را

قَالُوا تَأَلَّهَ لَقَدْ ءَاتَرَكَ اللَّهُ عَلَيْنَا وَإِنْ كُنَّا لَخَطِئِينَ

پس بگفتند که قسم به خدا که خدا ساخت برترت از ما نیز  
بودیم ما به راه خطا

قَالَ لَا تَثْرِبَ عَلَيْكُمْ أَيُّومَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ  
الرَّاحِمِينَ

گفت توییخ نیست بهر شما بهرتان از خدا بود غفران ارحم  
الراحمین بود رحمان

أَذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَأَلْقُوهُ عَلَى وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا  
وَأْتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ

ببرید این لباس سوی پدر بکشیدش به روی وجه و بصر  
بازگردد برای چشمش دید پس همه خانواده را آرید

وَلَمَّا فَصَلَتِ الْعِيرُ قَالَ أَبُوهُمْ إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْلَا  
أَنْ تُفَنِّدُون

کاروان رفت و پس بگفت پدر بوی یوسف شنیده‌ام ایدر گر  
که حکم جنون به من ندهند

قَالُوا تَأَلَّهَ إِنَّكَ لَفِي ضَلَالِكَ الْقَدِيمِ

پس بگفتند بر خدا سوگند که به گمراهی قدیمی تو [با  
خیالات خود ندیمی تو]

فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقَاهُ عَلَىٰ وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِيرًا ۗ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ

آمد و جامه را فکند بشیر به رخ آن نبی و گشت بصیر گفت آیا نگفتم به شما؟ که منم آگه از پیام خدا آنچه را نیستید از آن آگه

قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ

پس بگفتند اینکه یا ابناء بر گناهان ما تو غفران خواه که شدیم اهل اشتباه و گناه

قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي ۗ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

گفت خواهم برایتان غفران از خداوند قادر منان به یقین نزد او بود غفران مهربان است هم به خلق جهان

فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يُسُفَ عَاوَىٰ إِلَيْهِ أَبْوِيهِ وَقَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ إِن شَاءَ اللَّهُ ءَامِنِينَ

چون به یوسف در آمدند آنان خواند در نزد خویشتن ابوان گفت در مصر در شوید شما و بمانید اگر که خواست خدا

وَرَفَعَ أَبْوِيهِ عَلَىٰ الْعَرْشِ وَخَرُّوا لَهُ سُجَّدًا وَقَالَ يَا أَبَتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُءْيَايَ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا وَقَدْ أَحْسَنَ بِي إِذْ أَخْرَجَنِي مِنَ السِّجْنِ وَجَاءَ بِكُمْ مِنَ الْبَدْوِ مِنْ بَعْدِ أَنْ نَزَغَ الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَبَيْنَ إِخْوَتِي ۗ إِنَّ رَبِّي لَطِيفٌ لِمَا يَشَاءُ ۗ إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ

والدینش به تخت برد فرا جمع در سجده افتاد او را گفت تأویل ای پدر این است که به رؤیای عهد پیشین است داشت احسان مرا خدای جهان و برآورد از دل زندان و شما را ز بادیه آورد پس از آنکه که دیو وسوسه کرد بین اخوان و من فکند فساد [و نبودند در طریق سداد] لطف دارد خدا به هر کس خواست به یقین او حکیم و بس داناست

رَبِّ قَدْ ءَاتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيَّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ۗ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ

ای خدا داده‌ای تو ملک مرا یاد دادی ز معنی رؤیا آفرینی تو این زمین و سما تو ولی به دنیا و عقبا تو بمیران مرا به مذهب حق و به نیکان مرا بکن ملحق

ذَٰلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ ۗ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ أَجْمَعُوا أَمْرَهُمْ وَهُمْ يَمْكُرُونَ

[ای رسول آن خبر که بود نهان وحی سوی تو گشت از یزدان و نبودی تو همراه ایشان مکرها داشتند همدستان

وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ

خلق اکثر نیاورند ایمان گر چه باشی حریص بر ایشان

و نخواهی تو اجرتی زیشان نیست جز ذکر بهر عالمیان

وَمَا تَسْأَلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ

در زمین و سما بسی است نشان بگذرند و شوند رو گردان

وَكَايِنَ مِّنْ آيَةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ

۱۰۵  
۲۰۴

و ندارند اکثرا ایمان شرک ورزند بهر خالقشان

وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ

۱۰۶

ایمنند از عذاب حق آیا؟ که فرا گیرد آن جماعت را یا قیامت  
فرار رسد ناگاه و نباشند هیچ از آن آگاه

أَفَأَمِنُوا أَنْ تَأْتِيَهُمْ غَشِيَةٌ مِّنْ عَذَابِ اللَّهِ أَوْ تَأْتِيَهُمُ  
السَّاعَةُ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

۱۰۷

گو در این راه من شدم راهی سوی حق خوانمت به آگاهی  
من به همراه جمع متقیان نیستم مشرک حق سبحان

قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنْ  
اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ

۱۰۸

نفرستاده‌ایم پیش از این انبیا را مگر به وحی متین در همه  
روستا و شهر آیا می‌نگردند در زمین خدا؟ بنگرند آنکه  
چیست آخر کار؟ بهر اقوام پیش در ادوار آخرت به بود به  
اهل تقا نیست آیا خرد برای شما؟

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِيَ إِلَيْهِمْ مِنْ أَهْلِ  
الْقُرَى أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ  
الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا  
تَعْقِلُونَ

۱۰۹

بود هر قوم انبیا به گمان که بگویند کذب با ایشان تا  
رسولان شدند از آن نومید یاری ما برای‌شان برسید خشم  
ما رد نمی‌شود ز اثم و رهایی است هرکه را خواهیم

حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْسَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِبُوا جَاءَهُمْ  
نَصْرُنَا فَنُجِّى مَنْ نَّشَاءُ وَلَا يَرُدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ  
الْمُجْرِمِينَ

۱۱۰

عبرت است این قصص به اهل خرد سخن کذب و افترا نبود  
لیک تصدیق نامه‌ی پیشین و به هر چیز می‌شود تبیین  
رحمت است و هدایت رحمان از برای گروه با ایمان

لَقَدْ كَانَ فِي قَصصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا  
يُفْتَرَىٰ وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ  
شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

۱۱۱



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْمَرَّةَ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ  
الْحَقُّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ

۱  
۲۰۵۵

اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ أَسْتَوَىٰ  
عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ  
مُّسَمًّى يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ  
تُوقِنُونَ

۲

وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَواسِيَ وَأَنْهَارًا وَمِنْ كُلِّ  
الْثَمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ يُغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ إِنَّ  
فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

۳

وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُتَجَاوِرَاتٌ وَجَنَّاتٌ مِّنْ أَعْنَابٍ وَزُرْعٌ  
وَنَخِيلٌ صِنَوَانٌ وَغَيْرُ صِنَوَانٍ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنُفِضِلُ  
بَعْضَهَا عَلَى بَعْضٍ فِي الْأَكْلِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ  
يَعْقِلُونَ

۴

وَإِنْ تَعْجَبْ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ أَإِذَا كُنَّا تُرَابًا أَعْنَا لِمَ خَلَقَ  
جَدِيدًا أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ الْأَغْلَالُ فِي  
أَعْنَاقِهِمْ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

۵  
حزب  
۱۰۰

[ الف و لام و میم و را آمدرازی از سویی کردگار احد ]  
آن نشانهاست از کتاب خدا و آنچه از حق نزول یافت ترا  
بیشتر مردم جهان امانیست ایمان به واقع ایشان را

آن خدایی که بر فراشت سماییستونی که بینی آنها را  
شد مسلط به عرش بر تدبیرمهر و مه را گرفت در تسخیر  
همه در مدتی دقیق روان کارگرداند و آیه کرد بیان  
شاید ای قوم آورید ایمان بهر دیدار رب عالمیان

آنکه گسترد ارض و ساخت در آن کوههای بلند و آب روان  
از همه میوهها دو زوج نهادپرده شب از او به روز افتاد  
به یقین هست آیهها در آن بهر اندیشهی خردمندان

در زمین با قطاع جوراجورباغهایی ز کشت و از انگور  
نیز نخل دو پایه و یک پایا یکی آب می‌شوند اسقا  
پاره‌ای بار بهتری آردزان نشانهاست بهر اهل خرد

گر تعجب کنی عجیب است آن سخنانی که می‌کنند بیان  
که بگردیم خاک و پس آیا؟ خلق گردیم بار دیگر ما  
کافرنند آن کسان به رب جهان هست زنجیرها به گردنشان  
آن کسانند یار بر نیران و مقیمند جاودانه در آن

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ وَقَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمُ الْمَثَلُتُّ وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ لِلنَّاسِ عَلَى ظُلْمِهِمْ وَإِنَّ رَبَّكَ لَشَدِيدُ الْعِقَابِ

از تو خواهند کیفری به شتاب پیش از لطف خواستند عذاب گرچه دادیم پیش از ایشان هم بهر عبرت بسی بلا به امم حق بود خلق را خطا بخشا و شدید است هم عذاب خدا

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ

کافران گفته‌اند اینکه چرا؟ نشود نازل آیه‌های خدا نیست بر تو به غیر دادن بیم هست از بهر هر گروه زعیم

اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَىٰ وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ

داند از حمل مادگان یزدان و آنچه می‌کاهد از بسی زهدان و آنچه افزون شود همه مقدار [هست در نزد ایزد قهار]

عَلِيمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ

عالم آشکار و پنهان است و بلند و بزرگ یزدان است

سَوَاءٌ مِنْكُمْ مَنْ أَسَرَ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ وَمَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِاللَّيْلِ وَسَارِبٌ بِالنَّهَارِ

هست بهر شما سخن یکسان گر که ظاهر کنید یا پنهان آنچه باشد به شب ز چشم نهان و آنکه گردد به نور روز روان

لَهُ مَعْقَبَاتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَاٍل

هست مأمور بهر او در پی که به امر خداست حافظ وی هست از پیش و پشت نیز او راکه بود حافظش به امر خدا خلق را حق نمی‌دهد تغییر مگر آنکه که خود شوند بصیر گر بدی خواست بهر شان یزدان چه کسانی شوند مانع آن سرپرستی به غیر یزدان نیست پس توکل به دیگران از چیست؟

هُوَ الَّذِي يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنشِئُ السَّحَابَ الثِّقَالَ

برق را او دهد نشان به شما که امید است و بیم جمعی را نیز ابر گران کند ایجاد

وَيُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ وَهُمْ يُجَادِلُونَ فِي اللَّهِ وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ

رعد بر حمد او کند فریاد و ملائک ز خوف ربّ جلیل‌غرش آتشین کنند گسیل هر که را خواست می‌رساند آن و جدل آورند در یزدان و عذاب خدا بسی است گران پس بترسید از ره عصیان

لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُمْ بِشَيْءٍ إِلَّا كَبْسِطٍ كَفَّيْهِ إِلَى الْمَاءِ لِيَبْلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَالِغِهِ ۗ وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ

دعوت حق از او بود تنهاور که خوانند غیر از او کس را  
بهر آنان نمی‌دهند جواب چون کسی کو رساند دست بر آب  
که رساند به کام و نیست به کام کافران را دعا نشد به مرام

وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَظِلَالُهُم بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ ۝

سجده آرند از برای خداجملهی ساکنان ارض و سما  
خواه و ناخواه بامداد و پسین

قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ قُلْ أَفَاتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ ۗ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَبَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ قُلِ اللَّهُ خَلِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ

گو که ربّ است بر سپهر و زمین؟  
و چه گیرید بهر حق یاران که ندارد به خویش سود و زیان  
گو که بینا برابر است به کور؟ یا که ظلمت مساوی است به نور؟  
و نهادند بهر حق شرکاکه بسازند همچو خلق خدا  
امر شد اشتباه بر آنان همه را خلق می‌کند یزدان  
که خدا هست واحد و قهار [نیست دست کسی دگر در کار]

أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا ۗ وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلَهُ ۗ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ ۗ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً ۗ وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ ۗ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ

آب از آسمان فرو باریدو از آن جوی و رود گشت پدید  
سیل کفها گرفت و گشت روان مثل کفها که هست از نیران  
زانچه در کوره‌ها بپردازندزیب و آلات زندگی سازند  
مثلی را که می‌زند یزدان همه از حق و باطل است نشان  
کف برفت از میان و ماند به جا آنچه سود آور است مردم را  
آنچنان می‌زند خدا امثال بهر اندیشمند در هر حال

لِلَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ الْحُسْنَىٰ وَالَّذِينَ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ ۗ وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ وَمَأْوَهُمُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ

بر مجیبان حق دهند عطاور نخواهند دعوت حق را  
گر متاع زمین دو چندان بودوانهم از بهر جمع ایشان بود  
گر همه چیز را فدا بدهنداز حساب بدو جزا نرهند  
هست دوزخ بر ایشان مأواو چه جای بدی است آنان را

أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ  
أَعْمَىٰ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ

آنکه داند بحق هر آنچه خدا کرد نازل به سوی تو آن را  
گو مساوی بود به کور آیا؟ این تذکر بود به اهل نهی

الَّذِينَ يُفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ

که به پیمان حق پیوستند وفا کرده عهد نشکستند

وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا آمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ  
وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ

نیز پیوند می‌کنند به آن‌کس خدا بوده بهر آن فرمان  
در دل از حق برایشان ارباب و بترسند هم ز سوء حساب

وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا  
مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرَعُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةِ  
أُولَٰئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ

آنکه صابر بود برای خدا و نماز خدا کند بر پا  
و آنچه باشد ز روزی آنان رادر نهان و عیان کنند عطا  
و بدی را به خیر بردارند و سر انجام نیک هم دارند

جَنَّتْ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ  
وَذُرِّيَّتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ

پس در آیند در نعیم جان‌همره باب و زوج و فرزندان  
گر که باشند نیک و بهر درواز همه در کند فرشته ورود

سَلَّمَ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ

بهر صبر شماست این شایاش و چه خوب است آخرین پاداش

وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا  
آمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَٰئِكَ لَهُمُ  
الْعَنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ

و آنکه عهد خدای را بشکست بعد از آن موقعی که پیمان  
بست  
و آنکه از جان برید و بگسستش آنچه فرمود حق به  
پیوستش  
و آنکه افساد می‌کند به زمین‌بهرشان کیفر است و هم نفرین

اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَفَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا  
وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَعٌ

بسط رزق کسان به دست خداست و بگیرد همان ز هر کس  
خواست  
شاد از زندگانی دنیاست عمر دنیا به آخرت کالاست

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ  
إِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أُنَابَ

کافران گفته‌اند اینکه چرا؟ نیست نازل نشانه‌ای ز خدا  
حق کند گمراه آن گروه که خواست و به تائب نشان دهد ره  
راست

الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ  
تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ

مؤمن مطمئن به ذکر خدا ذکر حق امن می‌کند دلها

بهره‌ی مؤمنان نیک اعمال‌خوبی و پاکی است و حسن مآل

الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحَسَنُ مَّآبٍ

آنچنان ای پیمبر رحمت‌تو رسول آمدی بر این امت  
بس امم بوده‌اند پیش از آن‌تو ز وحی خدا بر آنان خوان  
کافرند این گروه بر رحمان‌گو که ربّ من است ربّ جهان  
نیست معبود غیر آن یکتامرجع و هم و کیل اوست مرا

كَذَٰلِكَ أَرْسَلْنَاكَ فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهَا أُمَمٌ لِّتَتْلُوَ  
عَلَيْهِمُ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَهُمْ يَكْفُرُونَ بِالرَّحْمَنِ قُلْ هُوَ  
رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابٍ

۳۰

گر خدا با وسیله‌ی قرآن‌کوهها را کند به راه روان  
پاره پاره شود تمام زمین‌ور که با مردگان شود تبیین  
کارها جمله هست از آن خدانیست باور به مؤمنان آیا؟  
همه مردم روند راه خداگر بخواهد خدای بی‌همتا  
کافران را همیشه هست نصیب‌خشم کوبنده یا بلای قریب  
تا رسد وعد حق سوی آنان‌نیست حق را خلاف در پیمان

وَلَوْ أَنَّ قُرْعَانَ سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ  
كُلِّمَ بِهِ الْمَوْتَىٰ بَل لِّلَّهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا أَفَلَمْ يَأْتِيسِ الَّذِينَ  
ءَامَنُوا أَن لَّو يَشَاءُ اللَّهُ لَهْدَى النَّاسَ جَمِيعًا وَلَا يَزَالُ  
الَّذِينَ كَفَرُوا تُصِيبُهُم بِمَا صَنَعُوا قَارِعَةٌ أَوْ تَحُلُّ قَرِيبًا  
مِّن دَارِهِمْ حَتَّىٰ يَأْتِيَ وَعْدُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ

۳۱

سخره کردند انبیای قدیم‌مهلتی بهر کافران دادیم  
پس گرفتیمشان به درد و عذاب دیدی آنک چگونه بود  
عقاب

وَلَقَدْ أَسْتَهْزَيْتَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَمَلَيْتُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا  
ثُمَّ أَخَذْتَهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ

۳۲  
۲۰۰۹

آنکه آگه بود ز کار کسان هست آیا به غیر او یکسان؟  
و نهادند بهر حق شرکاگو بنامید حق همینها را  
یا خبر می‌دهید بر الله‌سخنی را که نیست زان آگاه  
از سخن لفظ و ظاهری بر جاست‌مکر کفار این سخن آراست  
باز دارند مردمان ز سیبل‌گمره حق نیافت هیچ دلیل

أَفَمَن هُوَ قَائِمٌ عَلَىٰ كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَجَعَلُوا لِلَّهِ  
شُرَكَاءَ قُلْ سَمُّهُمْ أَمْ تُنَبِّئُونَهُ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي الْأَرْضِ أَمْ  
بِظَهْرِ مِّنَ الْقَوْلِ بَل زَيْنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مَكْرُهُمْ وَصُدُّوا  
عَنِ السَّبِيلِ وَمَن يُضِلِّ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن هَادٍ

۳۳

بهر آنان عذاب در دنیاست‌هم از آن سخت‌تر به روز  
جزاست  
و چه کس یار بهر ایشان است؟ کز عذاب خدا نگهبان است

لَهُمْ عَذَابٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلِعَذَابُ الْأٰخِرَةِ أَشَقُّ وَمَا لَهُم  
مِّنَ اللَّهِ مِن وَّاقٍ

۳۴

مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ  
أُكْلُهَا دَائِمٌ وَظُلُّهَا تِلْكَ عُقْبَى الَّذِينَ اتَّقَوْا وَعُقْبَى  
الْكَافِرِينَ النَّارُ

مثل جنتی که رب جهان وعده دادست بهر متقیان  
میوه‌اش دائم است و سایه همان‌زیر اشجارش آب‌های روان  
عاقبت هست بهر متقیان کافران راست عاقبت نیران

وَالَّذِينَ ءَاتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَفْرَحُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمِنَ  
الْأَحْزَابِ مَنْ يُنْكِرُ بَعْضَهُ قُلْ إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ  
وَلَا أُشْرِكُ بِهِ إِلَيْهِ أَدْعُوا وَإِلَيْهِ مَقَابِلُ

آن جماعت که حق کتابش دادبهر منزل به توست خرم و شاد  
پاره‌ای پاره‌ای کنند انکارگو منم بر پرستش دادر  
سخن شرک را ندانم راست‌بازگشت و دعای من به خداست

وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ حُكْمًا عَرَبِيًّا وَلَئِنْ أَتَبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ  
مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا وَاقٍ

و فرستاده‌ایم این فرمان‌به زبان عرب فصیح و روان  
گر شوی تابع تمایلشان‌پس از این علمت از سوی یزدان  
نیست یار و نگاهدار تو را از مجازات ایزد یکتا

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَذُرِّيَّةً  
وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ لِكُلِّ أَجَلٍ  
كِتَابٌ

و فرستاده‌ام رسولی چندپیش از این نیز با زن و فرزند  
ناتوانند کاورند نشان‌جز به اذن خدای عالمیان  
هر زمانی نوشته‌ای دارد

يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ

هست ام کتاب نزد احد  
هر چه را خواست محو ساخت خداهر چه را خواست می‌کند  
ابقا

وَإِن مَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِنَّمَا  
عَلَيْكَ الْبَلَّغُ وَعَلَيْنَا الْحِسَابُ

گر ببینی تو پاره‌ای ز وعیدکه به آنان دهیم گشته پدید  
یا بریمت از این جهان به شتاب‌بر تو ابلاغ و بر من است  
حساب

أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا وَاللَّهُ  
يَحْكُمُ لَا مُعَقِّبَ لِحُكْمِهِ وَهُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ

ننگرند آن کسان مگر این را که بکاهیم در زمین هر جا  
که جلوگیر حکم یزدان است؟ و حساب خدا شتابان است

وَقَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَلِلَّهِ الْمَكْرُ جَمِيعًا يَعْلَمُ مَا  
تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ وَسَيَعْلَمُ الْكُفْرُ لِمَن عُقْبَى الدَّارِ

مکر کردند پیشتر زنان و همه مکرهاست از یزدان  
آگه از کار هر کس و کفارزود داند زکیست عقبی الدار

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا  
بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ

کافران حرف تو کنند انکار که نه ای مرسل از سوی دادار  
گو که ام کتاب نزد خداست حق گواهی میان ما و شماست

صفحه ۷

۵۲ آیه

مکی

ابراهیم: ابراهیم

۱۴ . ابراهیم

[ الف و لام و را که آغاز است بین حق و رسول او راز است  
این کتابی است نازل از یزدان تا برون آوری تو آدمیان  
از سیاهی به روشنایی‌هاذن پروردگار هست ترا  
به ره آن خدای قدرتمند که و را کائنات بستایند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الرَّ كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى  
النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ

۱  
۲۱۱۲

آن خدایی کز او بود به یقین آنچه باشد در آسمان و زمین  
وای بر کافران ز کیفر سخت که کسی نیست مثلشان بدبخت

اللَّهُ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ وَوَيْلٌ  
لِّلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ

۲

هر که این زندگانی دنیا برگزیند به نعمت عقبا  
بازدارنده از طریق خداست در ضلال است و کج کند ره  
راست

الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَن  
سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ

۳

هر رسولی که ما فرستادیم هم به او لفظ قوم او دادیم  
تا به قومش بیان کند حق را و خدا قادر است و هم دانا  
هر که را خواست می‌برد از راه هر که را خواست می‌کند آگاه

وَمَا أَرْسَلْنَا مِن رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ ۗ لِيُبَيِّنَ لَهُم ۗ فَيُضِلُّ  
اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ ۗ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

۴

و فرستاده‌ایم موسی را با نشانهای قادر یکتا  
که شود منجی امت خود راتا به یاد آورند روز خدا  
تا ز ظلمت روند جانب نوروان نشانهاست بر مبرور و شکور

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ  
إِلَى النُّورِ ۗ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِنَا ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ  
صَبَّارٍ شَكُورٍ

۵

چونکه موسی بگفت قومش رایاد آرید مهر و لطف خدا چون ز فرعون ساختیم رهاجاتان را که می‌کشید بلا پسران را به جور می‌کشتند دختران لیک زنده می‌هشتند بود بهر شما بلای بزرگ آزمون بود از خدای بزرگ

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنجَيْنَاكُمْ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ وَيُدَّبِحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَٰلِكُمْ بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ

و به یاد آرید وقتی راکه بیان داشت کردگار شما گر سپاس خدا کنید کنون نعمت خویش را کنیم افزون ور که روی آرید بر کفران کیفر من بسی است سخت و گران

وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ<sup>ط</sup> وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ

گفت موسی به قوم خویش که هان گر شما و تمام اهل جهان روی آرید در ره کفران حق حمید است و بی‌نیاز از آن

وَقَالَ مُوسَىٰ إِن تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَن فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَأِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ

و مگر بر تو ماجرا ننمودحق ز اقوام نوح و عاد و ثمود هم ز اقوام بعد از آنان نیست آگاه کس مگر یزدان شد چو ارسال بینات و پیام‌پس بگفتند دستها در کام ما نداریم بهرتان باور بدگمانیم از آن پیام و خبر

أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبُؤُا الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِن بَعْدِهِمْ لَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرَدُّوا أَيْدِيَهُمْ فِي أَفْوَاهِهِمْ وَقَالُوا إِنَّا كَفَرْنَا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِء وَإِنَّا لَفِي شَكِّ مِمَّا تَدْعُونَنَا إِلَيْهِ مُرِيبٌ

پس بگفتند شک بود آیا؟ در پدید آور زمین و سما او کند دعوت از شما شایدکه گناهاتان ببخشاید یا به تأخیر افکند کیفرتا زمان معین دیگر پس بگفتند مثل ما بشریددوست دارید تا ز ره ببرید از عبادت به شیوهی پدران پس بیارید یک دلیل عیان

قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَفِي اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ<sup>ط</sup> يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرَكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى<sup>ج</sup> قَالُوا إِنَّا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا تُرِيدُونَ أَن تَصُدُّونَا عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتُونَا بِسُلْطٰنٍ مُّبِينٍ



قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ  
يَمُنُّ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ۗ وَمَا كَانَ لَنَا أَنْ نَأْتِيَكُمْ  
بِسُلْطَانٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ۗ وَعَلَىٰ اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

پس بگفتند انبیای خدایا بنی آدمیم مثل شما  
لیک حق خواست هر که را ز عبادیهر آن جمع متنی بنهاد  
توانیم کاوریم دلیل جز به اذن خدای حی جلیل  
آن کسانی که آورند ایمان متوکل شوند بر یزدان

وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَىٰ اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا ۗ وَلَنْ نُصِِرَنَّ  
عَلَىٰ مَا ءَاذَيْنَا ۗ وَعَلَىٰ اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ

نیست از بهر ما رهی آله سپاریم کار خود به خدا  
و نشان داده ره به ما غفارتا شکیبیا شویم بر آزار  
باید اهل توکل از ایمان کار خود بسپرنند بر یزدان

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِّنْ أَرْضِنَا أَوْ  
لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ

پس بگفتند با رسل کفار که برون آوریمتان ز دیار  
جز که بر راه قوم باز آیدوحی پس بر پیمبران برسید  
که ستمگر ز خاک برچینیم

وَلَنُسَكِّنَنَّكُمْ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ ۗ ذَٰلِكَ لِمَنْ خَافَ  
مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدِ

و شما را به حکم بگزینیم  
این سزای کسی که می ترسید از مقام خدا و نیز وعید

وَأَسْتَفْتِحُوا وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ

فتح چون خواستند شد نومیدهر کس از جمع سرکشان عنید

مِّنْ وَرَائِهِ جَهَنَّمُ وَيُسْقَىٰ مِنْ مَّاءٍ صَدِيدٍ

پس از آن می رسد جحیم بر اوتا بنوشد ز آب بس بدبو

يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُ ۗ وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ  
مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ ۗ وَمَنْ وَرَّاهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ

و بنوشد خلاف میل آن را برسد مرگ بهرش از هر جا  
و بمیرد در این غم و خذلان پس از آن هم بود عذاب گران

مِثْلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ ۗ أَعْمَلُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ  
الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ ۗ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَىٰ شَيْءٍ ۗ  
ذَٰلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ

مثل کار کافران به سدادهمچو خاکستریست در ره باد  
هیچ از آنها به دستشان نرسیداین بود بهرشان ضلال بعید

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنْ يَشَاءُ  
يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ

می‌بینی که قادر مطلق آفرید آسمان و ارض به حق  
گر بخواهد برد شما و پدیدآورد بعد از آن گروه جدید

وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ

نیست این مشکل از برای خدا [که همه خلق را کند افنا]

وَبَرَزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا  
كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُعْتَدُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ  
مِنْ شَيْءٍ قَالُوا لَوْ هَدَّيْنَا اللَّهُ لَهَدَيْنَاكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْنَا  
أَجْرَعْنَا أَمْ صَبَرْنَا مَا لَنَا مِنْ مَّحِيصٍ

خلق نزد خدا شود ظاهرهم ز مستضعف و ز مستکبر  
قوم مستضعفان دهند نداییروی داشتیم راه شما  
پس هم اکنون به عرصه‌ی محشر بدر آرید مان از این کیفر  
پس بگویید اگر شویم ره‌ارهنمون می‌شویم بهر شما  
هم مساوی است اضطراب و شکیب‌نیست راه گریز از  
تعذیب

وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ  
الْحَقِّ وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ  
سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُمُونِي  
وَلُمُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ  
إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ  
عَذَابٌ أَلِيمٌ

اهرم ن این چنین دهد پیغام‌چون به کفار کار گشت تمام  
به شما وعد حق بداد خداوعد من کذب بود بهر شما  
بهرتان من نداشتم برهان و پذیرفته‌اید از من آن  
پس نکوهش به من نبود رواو نکوهش کنید از آن خود را  
من نیم دادرس برای شماو شما نیز نیستید مرا  
من نیم منکر خدای قدیم‌بر ستمگر بود عذاب الیم

وَأَدْخَلَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي  
مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا  
سَلَامٌ

مؤمن نیک می‌شود به جنان‌جاودانه به اذن ربّ جهان  
زیر اشجارش آبهای روان و سلام است هم تحیتشان

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ  
أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ

زد مثل هر کلام پاکی رابه درختی لطیف و پاک خدا  
ریشه‌اش ثابت است و میوه‌ی آن‌هست در آسمان به جلوه  
عیان

تُوْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ  
لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

میوه‌هایش به هر زمان برسد به مقیمان به اذن حی احد  
بهر مردم مثل زند غفارتا بود بهر مردمان تذکار

۲۶

وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ  
الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ

مثل گفتهی پلید شمار هیزمی کنده از زمین بی‌بار

۲۷

يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا  
وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ

مؤمنان را خدا کند ستواردر دو دار از ثبات در گفتار  
و کند گمراه اهل جور و جفامی‌کند آنچه را که خواست خدا

۲۸

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ  
دَارَ الْبَوَارِ

آنکه تغییر داد لطف خدابه هلاکت کشاند قومش را

حزب  
۱۰۴  
۲۱۵

۲۹

جَهَنَّمَ يَصَلُّونَهَا وَبَسَّ الْقَرَارُ

بد مقری است دوزخ آنان را

۳۰

وَجَعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعُوا فَإِنَّ  
مَصِيرَكُمْ إِلَى النَّارِ

و نهادند بهر حق شرکا  
و فتادند در طریق ضلال بهرشان یک دو روز هست مجال  
گو بگردید کامیاب از آن بازگشت شماسست در نیران

۳۱

قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنْفِقُوا مِمَّا  
رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً مِّنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعُ فِيهِ  
وَلَا خِلاَلٌ

تو بگو بهر بندگان خدا آن کسانی که مؤمنند به ما  
که نماز خدا کنند به پابخشی از رزق خود کنند عطا  
به عیان و نهان و پیش از آن‌که نباشد فروش و نه یاران

۳۲

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً  
فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمُ  
الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ

آنکه ارض و سما نمود عیان و فرستاد از آسمان باران  
و برآورد میوه‌ها از آن‌بهر روزی برای خلق جهان  
رام گرداند فلک بهر شماتا به اذنش روید بر دریا  
و مسخر کند برای شمارودها را [مثال دریاها]

۳۳

وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَآبِّينَ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ  
وَالنَّهَارَ

رامتان ساخت مهر و مه در کاررامتان ساخت نیز لیل و نهار

وَعَاتِكُمْ مِّنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِن تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ

آنچه را خواستید از رحمان داد بهر شما ز لطف همان  
شمرید ار عطای یزدان را نتوانید بشمرید آن را  
به یقین بس ستمگر است انسان ناسپاس است بر خدای  
جهان

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ ءَامِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ

با خدا چونکه گفت ابراهیم این بلد را بدار امن و سلیم  
هم مرا دور دار و اولاد که عبادت کنیم بهر صنم

رَبِّ إِنَّهُنَّ أَضْلَلْنَ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ ۗ فَمَنْ تَبِعَنِ فَإِنَّهُ وِ مَنِيَّ ۗ وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

بسی از مردمند گمراه از آن از من است آنکه می‌برد فرمان  
وانکه در امر من کند عصیان پس تویی مهربان و ذو غفران

رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِّنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِّنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ

ای خدا بهر خانواده‌ی من در بیابان خشک شد مسکن  
نزد بیت الحرام تو رباکه نماز ترا کنند به پا  
دل مردم به سویشان گردان وز همه میوه دار روزی‌شان  
شاید آنان شوند شکر گزار [بهر پروردگارشان در کار]

رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا نُعَلِنُ وَمَا يَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ

ای خدا آگهی ز سرّ و عیان نیست چیزی نهفته بر یزدان  
آنچه باشد در آسمان و زمین هست آگاه از آن خدا به یقین

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ ۚ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ

حمد بهر خدای ربّ جلیل به من اسحاق داد و اسماعیل  
وین به سن کبر بداد مرا ربّ من بشنود ز خلق دعا

رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ

من و اهل نماز خوان گردان و دعایم پذیرای یزدان

رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ

من و هم والدین و اهل یقین تو ببخشا گنه به یوم الدین

وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَفِيلاً عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ

نه گمان کن که غافل است خدا آنچه انجام داد اهل جفا  
که به تأخیر افکند کیفر بهر روزی که خیره است نظر

مُهْطِعِينَ مُقْنِعِي رُءُوسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ وَأَفْئِدَتُهُمْ  
هَوَاءٌ

در شتابند و سر کنند فراز چشمشان از نگاه ماند باز  
دلشان مانده خالی از آمال این چنین است کافران را حال

بیم ده مردمان ز روز جزا پس بگویند ظالمان به خدا  
که پس افکن برای ما تعذیب تا زمانی دگر زمان قریب  
دعوتت را اجابتی آریموز رسل نیز پیروی داریم  
و قسم خورده‌اید پیش از حال که ندارید ره به سوی زوال

وَأَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ فَيَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُوا  
رَبَّنَا أَخْرِنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ نُّحِبِّ دَعْوَتَكَ وَنَتَّبِعِ الرَّسُولَ  
أَوْ لَمْ تَكُونُوا أَقْسَمْتُمْ مِّنْ قَبْلِ مَا لَكُم مِّنْ زَوَالٍ

۴۴

و به جایی گرفته‌اید مکان که به خود داشتند ظلم در آن  
آگهی داشتید از کیفر که چه آمد ز کارشان بر سر  
ما زدیم از برایتان امثال تا برآیید از طریق ضلال

وَسَكَنتُمْ فِي مَسَاكِنِ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ وَتَبَيَّنَ لَكُمْ  
كَيْفَ فَعَلْنَا بِهِمْ وَضَرَبْنَا لَكُمْ الْأَمْثَالَ

۴۵

بودشان مکر و نقشه‌ها در سر که از آنها خداست مستحضر  
نیست هرگز ز مکرشان به زوال هر چه در روی ارض هست  
جبال

وَقَدْ مَكَرُوا مَكَرَهُمْ وَعِندَ اللَّهِ مَكَرُهُمْ وَإِنْ كَانَ مَكَرُهُمْ  
لِتَرْوُلٍ مِنْهُ الْجِبَالِ

۴۶

و خلاف خدا گمان مکنیدز آنچه از انبیا رسید وعید  
و خدا کامل است در قدرت آنچنان نیز هست در نعمت

فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخِيفَ وَعْدِهِ رُسُلَهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو  
انْتِقَامٍ

۴۷

چونکه ارض و سما شود تبدیل جمع گردند نزد حی جلیل

يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ وَبَرَزُوا لِلَّهِ  
الْوَّاحِدِ الْقَهَّارِ

۴۸

مجرمان را به هم ببیوندند و به زنجیر دست و سر بندند

وَتَرَى الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُّقْرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ

۴۹

همه دارند جامه از قطران‌رخشان مانده در پس نیران

سَرَابِيلُهُمْ مِّنْ قَطْرَانٍ وَتَعْشَىٰ جُوهَهُمُ النَّارُ

۵۰

حق دهد بهر کار خلق جز او سریع است هم حساب خدا

لِيَجْزِيَ اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ  
الْحِسَابِ

۵۱

این پیام است بهر مردم و بیم‌تا بگیرند مردمان تعلیم  
کوست معبود و واحد است واحد تا بگیرند پند اهل خرد

هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنذَرُوا بِهِ ۚ وَلِيَعْلَمُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَهُ  
وَاحِدٌ وَلِيَذَّكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ

۵۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الرَّتِّلِكَ ءَايَاتِ الْكِتَابِ وَقُرْءَانِ مُبِينِ

[الف و لام و را که آغاز استبیین حق و رسول او راز است  
آن نشانهاست از کتاب خداهم ز قرآن آشکار نما

رُبَمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ

کافران آرزو کنند بساکاش اسلام بود مذهب ما

ذَرَهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِيهِمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ

بگذار اهل کام در خور و کامزود آگه شوند [از فرجام

وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٌ مَّعْلُومٌ

هیچ شهری نشد به راه فناجز که مکتوب بود اهلش را

مَا نَسِيقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَخِرُونَ

نه پس آریم سرنوشت امرو نه پیش افکنیم آن را هم

وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ

ای که شد بر تو ذکر حق نازلگفته اندت جنون بود در دل

لَوْ مَا تَأْتِينَا بِالْمَلَكَةِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ

از چه بر ما ملک نمی آری؟ سخن صادقانه گر داری

مَا نُزِّلَ الْمَلَكَةَ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَا كَانُوا إِذًا مُنْظَرِينَ

نکنم جز به حق ملک تنزیل نیست آنگاه بهرشان تمهیل

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ

ما فرستندگان تذکاریم نیز آن ذکر را نگه داریم

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي شِيَعِ الْأَوَّلِينَ

بس رسل بهر ذکر پیش از تستدر میان گروههای نخست

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ

نیست در هیچ قوم پیغمبرجز که بر او شوند مسخرهگر

كَذَلِكَ نَسْلُكُهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ

آنچنان راه می دهیم قرآن در دل دسته‌ی گنه کاران

لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ وَقَدْ خَلَتْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ

نیز جمعی نیاورند یقین و چنان بود شیوه‌ی پیشین

وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَابًا مِنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرُجُونَ

گر گشاییمشان دری ز سماو از آن همچنان شوند فرا

لَقَالُوا إِنَّمَا سُكَّرَتْ أَبْصَرُنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَسْحُورُونَ

پس بگویند چشم ما بندندهما فسون گشته ایم با ترفند

وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ

برجها در سما دهیم مفرکه به بینندگان بود زیور

۱۷ وَحَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ

و نگهداری از سپهر کنیم از فسونها و سحر و دیو رحیم

۱۸ إِلَّا مَنْ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَاتَّبَعَهُ وَشِهَابٌ مُبِينٌ

جز که دزدانه گوش داد فرابه شهاب مبین زنده او را

۱۹ وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْزُونٍ

و زمین گستریم از هر سوو در او کوه کرده ایم فرو  
نیز رویانده ایم بس افزون هر چه سنجیده بود و هم موزون

۲۰ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعْيِشَ وَمَنْ لَسْتُمْ لَهُ بِرَزَقِينَ

زندگی می دهیم بهر شما و انکه رازق شما نه اید او را

۲۱ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ

هست با ما خزائن اموال و به اندازه می کنیم ارسال

۲۲ وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاحٍ فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا أَنْتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ

و فرستاده ایم هر جا ریح تا کند ابر و کشت را تلقیح  
آب را از سما فرستادیم به شما آب زندگی دادیم  
و شما بید بهر آب روان ناتوان از نگاهداری آن

۲۳ وَإِنَّا لَنَحْنُ نُحْيِيهِ وَنُمِيتُهُ وَنَحْنُ الْوَارِثُونَ

زنده سازیم و هم بمیرانیم مرده ریگ جهان ز خود دانیم

۲۴ وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنْكُمْ وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَأْخِرِينَ

خوب دانیم کار خلق زمین خلق پیشین و نیز خلق پسین

۲۵ وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَحْشُرُهُمْ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ

و خدا جمع سازد آنان راهست یزدان حکیم و هم دانا

۲۶ وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَلٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ

آفریدیم آدمی از خاک گل بدرنگ و خشک و هم بوناک

۲۷ وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ تَارِ السَّمُومِ

آفریدیم ز آتش این پریان پیش از اینها ز آتش سوزان

۲۸ وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَلِيقٌ بَشَرًا مِّنْ صَلْصَلٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ

گفت رب با ملک بشر را چون آفریدم من از گل مسنون

۲۹ فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ وَسَجِدِينَ

پس بپرداختم دمیدم هم روح خود را به پیکر آدم  
پس در آبیید بهر او به سجود

۳۰ فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ

ملک آورد سر به سجده فرود

۳۱ إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ أَنْ يَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ

غیر ابلیس کو نکرد سجود و نیارود سر به حکم فرود

قَالَ يٰٓاِبْلٰيسُ مَا لَكَ اَلَّا تَكُوْنَ مَعَ السَّٰجِدِيْنَ

گفت ای اهرمن بگو به چه روسر نیاورده‌ای به سجده فرو

۳۳

قَالَ لَمْ اَكُنْ لِلسُّجْدِ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصَلٍ مِّنْ حَمَآءٍ مَّسْنُوْنَ

گفت سجده نیاورم بر خاک‌خاک خشکیده و گل بوناک

۳۴

قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَاِنَّكَ رَجِيْمٌ

گفت بیرون رو ای رجیم لعین

۳۵

وَ اِنَّ عَلٰیكَ اللّٰعْنَةَ اِلٰى يَوْمِ الدِّينِ

تا به روز جزا به تو نفرین

۳۶

قَالَ رَبِّ فَاَنْظِرْنِيْ اِلٰى يَوْمِ يُبْعَثُوْنَ

گفت تا حشر زنده‌ام می‌دار

۳۷

قَالَ فَاِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِيْنَ

گفت مهلت دهیم بر این کار

۳۸

اِلٰى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُوْمِ

نیز وقتی معین است ترا

۳۹

قَالَ رَبِّ بِمَا اَعْوَيْتَنِيْ لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِى الْاَرْضِ وَلَا اُعْوِيَنَّهُمْ اَجْمَعِيْنَ

گفت یا رب به جای این اغوا  
ارض سازم بر ایشان زیورو به گمراهی آورم یکسر

۴۰

اِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِيْنَ

بجز از بندگان پاک خدا

۴۱

قَالَ هٰذَا صِرَاطٌ عَلٰى مُسْتَقِيْمٍ

گفت این راه راست هست مرا

۴۲

اِنَّ عِبَادِيْ لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطٰنٌ اِلَّا مَنْ اَتَّبَعَكَ مِنَ الْغٰوِيْنَ

چیرگی نیست از تو بر ایشان‌غیر گمراه و پیرو شیطان

۴۳

وَ اِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ اَجْمَعِيْنَ

وعدۀگاه همه بود در نار[ این بود جای مردم بدکار]

۴۴

لَهَا سَبْعَةُ اَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِّنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُوْمٌ

هفت در دارد و به هر در آن‌دسته‌ای می‌روند در نیران

۴۵  
۲۲۱ ر

اِنَّ الْمُتَّقِيْنَ فِىْ جَنَّتٍ وَعُيُوْنٍ

متقینند در عیون و جنان

۴۶

اَدْخُلُوْهَا بِسَلٰمٍ ءَامِنِيْنَ

واردین با سلام و امن و امان

۴۷

وَنَزَعْنَا مَا فِىْ صُدُوْرِهِمْ مِّنْ غَلٍ اِخْوَانًا عَلٰى سُرُرٍ مُّتَقَابِلِيْنَ

کینه از سینه‌ها برون آریم‌همه را چون برادران داریم  
تختها رو به روی یکدیگر

۴۸

لَا يَمَسُّهُمْ فِيْهَا نَصَبٌ وَمَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرَجِيْنَ

و ندارند از ستوه خبر  
و نه از آن مکان برون آریم

۴۹

نَبِيُّ عِبَادِيْ اَنِّيْ اَنَا الْغَفُوْرُ الرَّحِيْمُ

بندگانم منم غفور و رحیم

۵۰  
حزب  
۱۰۶

وَ اَنَّ عَذٰبِيْ هُوَ الْعَذٰبُ الْاَلِيْمُ

و عذابم بود عذاب الیم

۵۱

وَنَبِّئُهُمْ عَن ضَيْفِ اِبْرٰهِيْمَ

یادشان آر ضیف ابراهیم



إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلِّمًا قَالَ إِنَّا مِنْكُمْ وَجِلُونَ

با سلام آمدند مهمانان گفت من هستم از شما ترسان

۵۳

قَالُوا لَا تَوْجَلْ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ

پس بگفتند تو مترس از مامزده بر تو به کودکی دانا

۵۴

قَالَ أَبَشَّرْتُمُونِي عَلَىٰ أَنْ مَسَّنِيَ الْكِبَرُ فِيمَ تَبَشِّرُونَ

گفت پیری رسیده است مرا به چه چیزی دهید مژده شما

۵۵

قَالُوا بَشَّرْنَاكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُن مِّنَ الْقَانِطِينَ

پس بگفتند مژده‌ای است به حق‌نیز نومید هم مشو مطلق

۵۶

قَالَ وَمَنْ يَقْنَطُ مِن رَّحْمَةِ رَبِّهِ ۖ إِلَّا الضَّالُّونَ

گفت نومید رحمت بزدان نیست کس جز ز جمع گمراهان

۵۷

قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ

پس بگفتا که چیست امر شما؟ ای فرستادگان ز سوی خدا

۵۸

قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ

پس بگفتند ما شدیم روان‌سوی آن فرقه‌ی گنهکاران

۵۹

إِلَّا عَالِ لُوطٍ إِنَّا لَمُنَجُّهُمْ أَجْمَعِينَ

بجز از آل لوط پیغمبر که رهایی دهیمشان یکسر

۶۰

إِلَّا أُمَّرَأَتَهُ ۚ قَدَّرْنَا إِنَّهَا لَمِنَ الْغَابِرِينَ

همسرش را نوشته‌ایم از پیش که بماند به شهر و خانه‌ی خویش

۶۱  
۲۲۲

فَلَمَّا جَاءَ عَالِ لُوطٍ الْمُرْسَلُونَ

چون ملایک به آل لوط رسید

۶۲

قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ مُّنْكَرُونَ

گفت ای قوم ناشناخته‌اید

۶۳

قَالُوا بَلْ جِئْنَاكَ بِمَا كَانُوا فِيهِ يَمْتَرُونَ

پس بگفتند آوریم همان که تو گویی و [شک کنند در آن

۶۴

وَأَتَيْنَاكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ

حق رسانیم و صدق در گفتار

۶۵

فَأَسْرِبْ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِّنَ اللَّيْلِ وَاتَّبِعْ أَدْبَارَهُمْ وَلَا يَلْتَفِتْ  
مِنْكُمْ أَحَدٌ وَأَمْضُوا حَيْثُ تُؤْمَرُونَ

پاسی از شب تو اهل خویش بر آر  
از پی اهل خود تو باش روان و مباشید هیچ رو گردان  
و شوید از دیار و شهر به دور به همان جا که می‌شوی مأمور

۶۶

وَقَضَيْنَا إِلَيْهِ ذَٰلِكَ الْأَمْرَ أَنَّ دَابِرَ هَٰؤُلَاءِ مَقْطُوعٌ  
مُّصْبِحِينَ

ساختیمش ز امر خود آگاه که شود قوم ریشه‌کن به پگاه

۶۷

وَجَاءَ أَهْلَ الْمَدِينَةِ يَسْتَبْشِرُونَ

آمدند اهل شهر بس شادان

۶۸

قَالَ إِنَّ هَٰؤُلَاءِ صِيفِي فَلَا تَفْضَحُونِ

[لوط] گفت مرا بود مهمان

۶۹

وَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ

اهل تقوا شوید بهر خدا و مریزید آبروی مرا

۷۰

قَالُوا أَوَلَمْ نَنْهَكَ عَنِ الْعَالَمِينَ

پس بگفتند بود گفته‌ی ما که نیاری تو میهمان اینجا

قَالَ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ

گفت این دختران من آیاعامل کار صالحید شما؟

لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ

آن جماعت به جان تو سوگندسخت سرگرم سکر خود بودند

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُشْرِقِينَ

صیحه‌ای در ربودشان به پگاه

فَجَعَلْنَا عَلَيْهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّنْ سَجِيلٍ

گشت ویران دیارشان آنگاه  
سنگباران شدند از سجیل

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ

وان نشانه‌است بهر قوم عقیل

وَإِنَّهَا لِبِسْبِيلٍ مُّقِيمٍ

به یقین بین ره مقیم است آن

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ

و در آن بهر مؤمن است نشان

وَإِنْ كَانَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ لَظَالِمِينَ

بود اصحاب ایکه اهل جفا

فَأَنْتَقَمْنَا مِنْهُمْ وَإِنَّهُمَا لَبِإِمَامٍ مُّبِينٍ

[کرد تکذیب مرسلین خدا]  
انتقامی گرفتم از آنان‌وان دو شهرند هم به راه عیان

وَلَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَابُ الْحِجْرِ الْمُرْسِلِينَ

نیز اصحاب حجر کرد جفاکرد تکذیب مرسلین خدا

وَعَاتَيْنَهُمْ عَائِيَّتَنَا فَكَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ

و بدادیمشان بسی ز نشان‌پس از آنها شدند رو گردان

وَكَانُوا يَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا ءَامِنِينَ

در دل کوه خانه‌ها کندندتا که یابند ایمنی ز گزند

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُصْبِحِينَ

صیحه‌ای در ربودشان به پگاه

فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

کارشان نیست سودبخش آنگاه

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَإِنَّ السَّاعَةَ لَآتِيَةٌ فَاصْفَحَ الصَّفْحَ الْجَبِيلَ

آفریدیم آسمان و زمین‌وانچه در بینشان بود به یقین  
و به حق می‌رسد زمان جزاپس از ایشان گذشت کن زیبا

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ

هست پروردگار تو دانازو بود خلقت همه اشیا

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْءَانَ الْعَظِيمَ

حمد و سبع المثانیت دادیم‌نیز قرآن همان کتاب عظیم

لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ ءَازْوَاجًا مِّنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَأخْفِضْ جَنَاحَكَ لِّلْمُؤْمِنِينَ

چشم بر بهره‌هایشان تو مدار و مشو بهرشان غمین زین کار  
بال خود کن فرود مؤمن را

وَقُلْ إِنِّي أَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ

گو منم منذر مبین به شما

كَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ

می‌فرستیم همچنان کیفر بهر قومی که هست تجزیه گر

الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْءَانَ عِضِينَ

می‌کند پاره پاره قرآن را

فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ

ما بپرسیم جمع ایشان را

عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ

از همه کارهایشان به خدا [و به هر کارشان دهیم جزا]

فَأُصْدِعْ بِمَا تُمَمَّرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ

فاش گوی آنچه باشدت فرمان‌مشرکان را تو باش رو گردان

إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ

دفع سازیم شر آنان را که تو را آورند استهزا

الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ

آنکه آورد شرک بهر خدازود بر کار خود شود دانا

وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرَكَ بِمَا يَقُولُونَ

می‌شناسیم آنکه [از کفار] سینه‌ات تنگ سازد از گفتار

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُن مِّنَ السَّجِدِينَ

پس به تسبیح حمد او روی آرو برای خدای سجده‌بدار

وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ

و پرستش بکن تو ربت راتا رسد گاه مرگ بر تو فرا

## ۱۶. نحل

النَّحْلُ: زنبور عسل

مکی

۱۲۸ آیه

۱۵ صفحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ

امر حق می‌رسد مباش عجول‌پاک و والاست حق ز شرک [جهول]

يُنزِلُ الْمَلَكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ

آورد روح با فرشته فروبهر امر آنکه را که خواهد او بهر هشدار خلق و نیست خداغیر من پس شوید با تقوا

خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ تَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ

او به حق آفرید ارض و سمائیز از شرکها بود والا

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ

او ز نطفه بیافرید انسان‌وانگهی او مجادلی است عیان

وَاللَّائِمَةَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنْفَعٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ

چارپا آفرید بهر شماکه از آن پوشش است و سود و غذا

وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ

نیز هستند زیب بهر شمارفت و برگشتشان به راه و چرا

وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بَلِغِيهِ إِلَّا بِشِقِّ  
الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَعُوفٌ رَّحِيمٌ

بارتان را کشد به سوی بلاد خود نیارید جز به رنج زیاد  
به یقین ربّ خلق هست رءوف و به نعمت بود رحیم و عطف

وَالْخَيْلِ وَالْبِغَالِ وَالْحَمِيرِ لَتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا  
تَعْلَمُونَ

آفریند ز اسب و استر و خراز برای سواری و زیور  
آفریند هنوز مرکبها که شما نیستید از آن دانا

وَعَلَىٰ اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ وَمِنْهَا جَائِرٌ وَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ  
أَجْمَعِينَ

هست بر حق نمودن ره راست و بس از راهها فریب و  
خطاست  
بهره می‌داد گر خدا می‌خواست همه را از هدایت و ره راست

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ  
شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ

اوست آن کس کز آسمان بارید آب باران از آنچه می‌نوشید  
و از آن هم درخت شد پیدا که در آن دام می‌بری به چرا

يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ  
كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

کشت و انگور و نخل هم زیتون و ز همه میوه‌های گوناگون  
همه رویاند بهر تان و در آن آیتی هست بر خردمندان

وَسَخَّرَ لَكُمْ الَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومُ  
مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِ رَبِّهِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

رامتان ساخت روز و شب مه و مهنیز جمع نجوم را به سپهر  
همه رامند بهر تان و در آن آیتی هست بر خردمندان

وَمَا ذَرَأًا لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً  
لِّقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ

آفرید از برایتان به زمین چیزهای دگر همه رنگین  
و در آن چیزها بسی است نشان بهر قومی که پند گیرد از آن

وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا  
وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَىٰ الْفُلْكَ مَوَاحِرَ  
فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

ساخت تسخیر بهر تان دریا گوشت‌ها تازه داد از آن به شما  
و بر آید زیب بهر ثیاب و شکافنده کشتی است بر آب  
بهره گیرید از نعیم خدای شوید اهل شکر بلکه شما

وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوْسِي أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَأَنْهَرَ وَسْبَلًا  
لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

کوهها در زمین فکند ایزدکه شما را در آن نلرزاند  
رود وره [بهر سیر گشت پدید] بلکه راه هدایتی یابید

۱۶ وَعَلَّمَتْ وَبِالتَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ

و علامات نیز هست به جاهم نجوم است رهنمای شما

۱۷ أَمَنْ يَخْلُقُ كَمَنْ لَا يَخْلُقُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

آنکه خود آفرید اشیا رانزد عاقل برابر است آیا؟  
با کسی کو نکرد خلق اشیا؟ می‌گیرید هیچ پند آیا؟

۱۸ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ

نعمت حق فزون بود ز شمار حق بود مهربان و هم غفار

۱۹ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ

و خدا داند آشکار و نهان

۲۰ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ  
يُخْلَقُونَ

وانچه دعوت کنید جز بزدان  
آنکه خالق به هیچ چیزی نیست و خودش چون بقیه مخلوقی  
است

۲۱ أَمْوَاتٌ غَيْرُ أَحْيَاءٍ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ

مردگانند و نیستند احیاءو ندانند وقت محشر را

۲۲ إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ  
مُنْكَرَةٌ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ

هیچ معبود نیست بهر شما جز خداوند ایزد یکتا  
آنکه بر آخرت بود کافر اوست مستکبر و دلش منکر

۲۳ لَا جَرَمَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ  
الْمُسْتَكْبِرِينَ

حق بود آگه از علن و ز سر‌نیستش دوستی به مستکبر

۲۴ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ مَّاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ

گر کس از وحی رأیشان را جست‌پاسخ آید فسانه‌های  
نخست

۲۵ لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ  
يُضِلُّونَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ

در قیامت کشند بار گناه‌نیز بار مصل نا آگاه  
آنکه را برده‌اند سوی ضلال و چه بار بدی است آن اعمال

۲۶ قَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَأَتَى اللَّهُ بُنْيَانَهُمْ مِنَ الْقَوَاعِدِ  
فَخَرَّ عَلَيْهِمُ السَّقْفُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَأَتَلَّهُمُ الْعَذَابُ مِنْ  
حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ

مکر کردند پیش از آنان حق بیاورد روی بر بنیان  
سقف تخریب کرد بر سرشان داد کیفر به امت نادان  
کان زمان بوده‌اند غافل از آن این چنین است کیفر کفران

ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُخْزِيهِمْ وَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ  
تُشْتَقُونَ فِيهِمْ قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ إِنَّ الْخِزْيَ الْيَوْمَ  
وَالسُّوءَ عَلَى الْكَافِرِينَ

خوار سازد قیامت آنان را و بگوید کجاست آن شرکا؟  
که جدل کرده‌اید بر سر آن‌ها دانش چنین کنند بیان  
هست امروز خواری و زاری بهره‌ی کافران به ناچاری

الَّذِينَ تَتَوَفَّوهُمْ الْمَلَكُتُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ فَأَلْقَوْا السَّلَامَ مَا  
كُنَّا نَعْمَلُ مِنْ سُوءٍ بَلَىٰ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

چون ملک بردشان ز دار جهان که ستم کرده‌اند بر خودشان  
پس به ظاهر شوند خود تسلیم که گناهی نکرده و نکنیم  
حق به اعمالتان بود دانا

فَادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَلَيْسَ مَثْوَى  
الْمُتَكَبِّرِينَ

و در آید باب دوزخ را  
و بمانید جاودانه در آن سرکشان را بد است جا و مکان

وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرًا لِلَّذِينَ  
أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَلَنِعْمَ  
دَارُ الْمُتَّقِينَ

چون بگویند بهر متقیان چه فرستاده است خالقتان  
پس بگویند بهرمان خیر است بهر نیکان در این جهان خیر  
است  
و به عقابست نیز بهتر از آن و چه خوب است جای متقیان

جَنَّتْ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُمْ فِيهَا  
مَا يَشَاءُونَ كَذَلِكَ يَجْزِي اللَّهُ الْمُتَّقِينَ

پس در آیند جاودان به جنان زیر اشجارش آبهای روان  
هر چه خواهند هست ایشان رامتقین را چنین دهند جزا

الَّذِينَ تَتَوَفَّوهُمْ الْمَلَكُتُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ  
أَدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

چون ملک برد پاک ایشان را گفته آید «سلام بهر شما»  
پس در آید در بهشت خدا این بود اجر کارهای شما

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَكُتُ أَوْ يَأْتِيَ أَمْرُ رَبِّكَ  
كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ  
كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

بنگرد اینک کی فرشته رسد یا که فرمان کردگار احد  
ای بسا قوم پیش از آنان بود که بر آن منتظر چو ایشان بود  
نکند حق ستم خلائق را بلکه مردم به خود کنند جفا

فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ  
يَسْتَهْزِءُونَ

آنچه بد کرده‌اند در کردار عاقبت خود بدان شوند دچار  
وانچه را سخره داشتند به آن عاقبت می‌رسد به جانبشان

وَقَالَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا عَبَدْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ نَحْنُ وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَهَلْ عَلَى الرُّسُلِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ

و بگفتند مشرکان که خداگر نمی‌خواست شرک را بر ما و آباء ما نمی‌بودیم بر عبادت به غیر حق تسلیم می‌کردیم هیچ چیز حرام جز به اذن خدای ذو الاکرام و چنان کرده‌اند قبل از این بر رسل نیست جز بلاغ میبین

۱۶  
نحل  
۳۵  
۱۲۸  
۲۲۸

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ

ما برانگیختیم پیغمبر در میان امم همه یکسر که پرستش کنید یزدان را دور باشید نفس طغیان را بعضشان از هداست برخوردار بعضشان بر ضلالتند دچار پس تماشا کنید [در هر گام اهل تکذیب را چه شد فرجام

۳۶

إِنْ تَحَرَّصَ عَلَى هُدَاهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ يُضِلُّ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ

گر حریصی تو بر هدایتشان آنکه را گمراهی دهد یزدان نیست بهرش هدایتی دیگر همچنین نیست بهرشان یاور

۳۷

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ بَلَى وَعَدَّا عَلَيْهِ حَقًّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

و قسم سخت می‌خورد که خدا بر نیانگیزد آنهمه موتی گو که حق است وعده‌های خدا اکثر خلق نیست زان دانا

۳۸

لِيُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي يُخْتَلِفُونَ فِيهِ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كَاذِبِينَ

اختلافاتشان شود اظهار و بدانند کذب خود کفار

۳۹

إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ وَكُنْ فَيَكُونُ

چیزی ار خواستیم ما به بیان چون بگوییم باش باشد آن

۴۰

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَا جُزْءَ الْأَخِرَةِ أَكْبَرَ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

و آنکه بهر خدا بود مهجور پس از آن کز ستم شود محصور بهر او جای نیک در دنیا است به از آن بهره‌ها به روز جزاست گر بدانند

۴۱  
۲۲۹

الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ

صابران جهان کار خود بسپرنند بر یزدان

۴۲

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوْحِيَ إِلَيْهِمْ فَسَعَلُوا أَهْلَ  
الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

نفرستاده‌ایم پیش از این‌انبیا را مگر به وحی مبین  
پس بپرسید اهل ذکری را اگر شما نیستید از آن دانا

بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا  
نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ

و نشانه‌ها و نامه و قرآن‌به تو دادیم و بهر خلق بیان  
آنچه نازل بود سوی ایشان‌شاید اندیشه‌ای کنند در آن

أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ  
الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ

صاحب مکر ایمن است آیا؟که به خاک اندرون کشد او را  
یا عذابی دهند بر ایشان‌کان زمان سخت غافلند از آن

أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي تَقَلُّبِهِمْ فَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ

یا رسد وقت رفت و آمدشان‌توانند خود رهند از آن

أَوْ يَأْخُذَهُمْ عَلَى تَخَوُّفٍ فَإِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ

یا بتدریج گیرد ایشان راربتان هست مهربان به شما

أَوْ لَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ يَتَفَيَّؤُا ظِلَلُهُ عَنِ  
الْيَمِينِ وَالشَّمَائِلِ سُجَّدًا لِلَّهِ وَهُمْ دَاخِرُونَ

بنگرید آنچه حق بساخت پدیدکز چپ و راست سایه‌اش  
گردید  
از برای خدا کنند سجودوز تواضع سر آورند فرود

وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ  
وَالْمَلَائِكَةِ وَهُمْ لَا يُسْتَكْبِرُونَ

آنچه باشد در آسمان و زمین‌جانور هم فرشته نیز چنین  
همه بر خالقند سجده‌گزارو ندارند هیچ استکبار

يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ﴿۵۰﴾

و بترسند از حق از بالاو کنند آنچه هست امر خدا

وَقَالَ اللَّهُ لَا تَتَّخِذُوا إِلَهَيْنِ اثْنَيْنِ ۚ إِنَّمَا هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ  
فَأَيُّيَ فَاَرْهَبُونَ

گفت یزدان که دو الهه مگیراوست یکتا و از من این تحذیر

وَلَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَهُ الدِّينُ وَاصِبًا أَفَغَيْرَ اللَّهِ  
تَتَّقُونَ

هست از او ملک آسمان و زمین‌هست دائم از آن یزدان  
دین  
هست پروایتان ز غیر خدا؟

وَمَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ ۚ ثُمَّ إِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فَإِلَيْهِ  
تَجْعَرُونَ

وز خدا هست جمله خیر شما  
چون رسد بر شما گزند و زیان‌ناله آرید پس سوی یزدان

ثُمَّ إِذَا كَشَفَ الضُّرَّ عَنْكُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْكُمْ بِرَبِّهِمْ  
يُشْرِكُونَ

از شما چونکه دور داشت گزنداز شما یک گروه شرک آرند



لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ

هر چه دادیمشان به کفرانندبهره گیرند و زود می‌دانند

وَيَجْعَلُونَ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ نَصِيبًا مِّمَّا رَزَقْنَاهُمْ تَاللَّهِ  
لَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَفْتَرُونَ

ز آنچه روزی عطایشان کردیم‌شی، مجهول را کنند سهیم  
می‌شود پرسش از جمیع شماز آنچه بندید افترا به خدا

وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ سُبْحَانَهُ وَلَهُمْ مَا يَشْتَهُونَ

و برای خدا بنات نهندو به خود ز آنچه خود شده خرسند

وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ وَمُسُودًا وَهُوَ كَظِيمٌ

گر که دختر دهند مژده به او و سیاه گردد و به خشم فرو

يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ  
هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ

متواری شود ز قوم از شرچون از این مژده‌اش دهند خبر  
یا به خواری نگاه دارد آن‌یا که در خاک سازدش پنهان  
و چه بد داوری کنند آنان با چنین دیدگاه از نسوان

لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ مَثَلُ السَّوِّءِ وَلِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ  
وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

آنکه مؤمن نشد به روز جزاچه صفات بدی بود او را  
و خدا راست شیوه‌ی اعلاهم خدا قادر است و هم دانا

وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ مَا تَرَكَ عَلَيْهَا مِنْ دَابَّةٍ  
وَلَكِن يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا  
يَسْتَعْجِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ

گر بگیرد خدا کسان به جفاپس نماند دگر کسی بر جا  
پس به تأخیر افکند به زمان‌چون بیامد زمان قطعی‌شان  
نیست تأخیر ساعتی به جز او نه پیش اوفتد [عذاب خدا]

وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ مَا يَكْرَهُونَ وَتَصِفُ أَلْسِنَتُهُمُ الْكَذِبَ أَنَّ  
لَهُمُ الْحُسْنَىٰ لَا جَرَمَ أَنَّ لَهُمُ النَّارَ وَأَنَّهُمْ مُّفْرَطُونَ

از برای خدای خویش نهندآن چه را نیستند از آن خرسند  
کذب هم بر زبان خود آرندکه ز خیرات بهره‌ای دارند  
پس به ناچار اهل نیرانند[و به کیفر] ز پیشگامانند

تَاللَّهِ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ  
أَعْمَالَهُمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمُ الْيَوْمَ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

پیش از این نیز داشتیم ارسال‌دیو آراست بهره‌شان اعمال  
اوست امروز بهره‌شان یاوور و عذابی است نیز دردآور

وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا  
فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

نامه بر تو فرو فرستادیم‌تا به خلق جهان کنی تفهیم  
آنچه دارید اختلاف آن رامؤمنان راست نیز مهر و هدا

وَاللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا  
إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ

حق فرستاد آب را ز سماکرد از آن ارض مرده را احیا  
به یقین آیتی است در آنها از برای جماعتی شنوا

وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُّسْقِيكُم مِّمَّا فِي بُطُونِهِ مِنْ  
بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ لَبَنًا خَالِصًا سَائِغًا لِلشَّرِيبِينَ

هم در انعام پند بهر شماست که بنوشید آنچه در آنهاست  
شیر در بین خون و سرگین است خالص و خوشگوار و شیرین  
است

وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا  
وَرِزْقًا حَسَنًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

نیز از بار نخل و از اعناب هست رزقی حلال و پاک و شراب  
به یقین آیتی بود در آن بهر اندیشه‌ی خردمندان

وَأَوْحَى رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ  
الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ

وحی آورد سوی نحل خدا که بگیر از فراز کوه سرا  
نیز از داربست و از اشجار

ثُمَّ كُلِي مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا يَخْرُجُ مِنْ  
بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي  
ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

پس بخور از تمامی اثمار  
پس برو راه ربّ خود راحت از دلش می‌شود برون شربت  
گونه‌گون رنگ و بهر خلق شفاو ان نشان است بهر اهل دها

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفَّاكُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَى أَرْدَلِ  
الْعُمُرِ لِكَيْ لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ

حق شما را حیات و مرگ آرد بعضتان راه عمر بسپارد  
تا پس از علمها شود نادان عالم و قادر است ربّ جهان

وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ فَمَا الَّذِينَ  
فُضِّلُوا بِرَأْدِي رِزْقِهِمْ عَلَى مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَهُمْ فِيهِ  
سَوَاءٌ أَفَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ

برتری داد حق به بعض شما و آنکه را امتیاز داد خدا  
ندهد رزق بر کنیز و غلام تا مساوی شوند در انعام  
نعمتی را که داده است خدایم کند از ره عمل حاشا

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ  
أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ  
أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ

زوجتان را ز نوعتان بنهاد و او داد بهرتان اولاد  
به شما داد رزق پاک و حلال شکر یزدان کنید در هر حال  
بهر باطل به باورند آیا؟ نیز کفران کنند خیر خدا

می‌پرستند جز خدا بتهاکه ندارند رزق ایشان را هیچ چیزی در آسمان و زمین ندارند استطاعت این

وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَهُمْ رِزْقًا مِّنَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ شَيْئًا وَلَا يَسْتَطِيعُونَ

مثل آرید از چه بهر خدا؟ اوست آگاه و نیستید شما

۷۴ فَلَا تَضْرِبُوا لِلَّهِ الْأَمْثَالَ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

برده‌ای را مثل زند یزدان که ندارد به هیچ چیز توان و انکه را نیک داده‌ایم ارزاق‌شان به سر و نهان کند انفاق حمد حق را مساویند آیا؟ اکثرا نیستند از آن دانا

۷۵ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَمْلُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَمَن رَزَقْنَاهُ مِنَّا رِزْقًا حَسَنًا فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَجَهْرًا هَلْ يَسْتَوُونَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

دو نفر را مثل زند دادار آن یکی گنگ و ناتوان در کار او بود بهر صاحبش سر بارو خوش انجام نیست او را کار دیگری هست عدل را آمر نیز بر راه راست او عابر این دو انسان مساویند آیا؟ [این چنین می‌زند مثال خدا]

۷۶ وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَّجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَبْكَمُ لَا يَقْدِرُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَهُوَ كَلٌّ عَلَىٰ مَوْلَاهُ أَيْنَمَا يُوَجِّههُ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ

بهر حق است غیب ارض و سمالمح چشم است امر روز جزا بلکه نزدیکتر بود به شمابر همه چیز قادر است خدا

۷۷ وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا أَمْرُ السَّاعَةِ إِلَّا كَلَمْحِ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

حق برآوردت از دل مادرکه نبودت ز هیچ چیز خبر داد گوش و دل و بصر به شماتا که شاکر شوید بهر خدا

۷۸ وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِّنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

ننگرند آن پرنده را به سما؟ که نگهداردش به غیر خدا؟ به یقین آیتی بود در آن از برای گروه با ایمان

۷۹ أَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ فِي جَوِّ السَّمَاءِ مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا اللَّهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِّنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِّنْ جُلُودِ الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَيَوْمَ إِقَامَتِكُمْ وَمِنْ أَصْوَابِهَا وَأَوْبَارِهَا وَأَشْعَارِهَا أَثْنَا وَمِئَةً إِلَى حِينٍ

و نهادست بهرتان یزدان به سراهیتان قرار و امان جلد انعام خانه‌ی سیارکه خفیف است بهر کوچ و قرار هم ز پشم و ز کرک و مویش خواه‌رخت و کالای زندگی این گاه

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِمَّا خَلَقَ ضَلَالًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْجِبَالِ أَكْنَانًا وَجَعَلَ لَكُمْ سَرَابِيلَ تَقِيكُمُ الْحَرَّ وَسَرَابِيلَ تَقِيكُم بَأْسَكُمْ كَذَلِكَ يُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْلِمُونَ

و نهادست ز آفریده ظلال و محل پناه ساخت جبال جامه‌ها داد حافظ از گرم‌جامه‌ها نیز داد بهر غزا این چنین نعمتش کند اتمام‌شاید ای قوم آورید اسلام

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلْغُ الْمُبِينُ

گر که باشند از تو رو گردان نیست بر تو مگر بلاغ عیان

يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا وَأَكْثَرُهُمُ الْكَافِرُونَ

می‌شناسند نعمت دادارهم پس از آن بیاورند انکار بیشتر در طریق کفرانند [هیچ چیزی ز حق نمی‌دانند]

وَيَوْمَ نَبَعْتُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا ثُمَّ لَا يُؤْذَنُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ

چون برانگیزم از همه امت‌بهر ایشان گواه از رحمت نیست ادنی به فرقه‌ی کفارنه تقاضای عفو در گفتار

وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ ظَلَمُوا الْعَذَابَ فَلَا يُخَفِّفُ عَنْهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ

کافران چون عذاب می‌بینند پس نه تخفیف و مهلتی بینند

وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ أَشْرَكُوا شُرَكَاءَهُمْ قَالُوا رَبَّنَا هَؤُلَاءِ شُرَكَائُنَا الَّذِينَ كُنَّا نَدْعُوا مِن دُونِكَ فَأَلْقُوا إِلَيْهِمُ الْقَوْلَ إِنَّكُمْ لَكَاذِبُونَ

مشرکان وقت دیدن شرکاپس بگویند ای خدا ربّاً اینک این بود بهر ما شرکاما به این دسته داشتیم دعا شرکا رد کنند این اظهارکه شما کاذبید در گفتار

وَأَلْقُوا إِلَى اللَّهِ يَوْمَئِذٍ السَّلْمَ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

همه گردند رام بر یزدان و از ایشان شود گم آن بهتان

الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ زِدْنَاهُمْ عَذَابًا فَوْقَ  
الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يُفْسِدُونَ

کافرانی که جمع مردم را خود برآرند از طریق خدا  
دائماً می‌شود عذاب زیادچونکه بودست کارشان افساد

وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِم مِّنْ أَنفُسِهِمْ وَجِئْنَا  
بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيِينًا لِّكُلِّ  
شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ

چون برانگیزیم از تمام امم‌شاهدی از میانشان به کرم  
پس تو را آورم به خلق شهیدو به سوی تو این کتاب رسید  
همه چیز است از این نوشته پدیدمسلمین از هدا و نور و  
نوبد

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَايِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ  
عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ  
تَذَكَّرُونَ

حق به داد و دهش دهد فرمان نیز انفاق بهر نزدیکان  
نهی دارد ز زشتی و فحشاو دهد پند از برای شما  
شاید اهل تذکرید شماو بگیرید پند از آنها

وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ  
تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ  
مَا تَفْعَلُونَ

و اگر عهد با خدا داریدپس به پیمان خود وفا دارید  
و نه سوگند خویش را شکنیدکه در آن داشتید بس تأکید  
و نهادید حق کفیل بر آن آگه از کارتان بود یزدان

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِن بَعْدِ قُوَّةٍ أَنكَاثًا  
تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ أَن تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ  
أَرْبَىٰ مِنْ أُمَّةٍ إِنَّمَا يَبْلُوكُمُ اللَّهُ بِهِ ۗ وَلِيُبَيِّنَ لَكُمْ يَوْمَ  
الْقِيَامَةِ مَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ

و مباشید چون زنی که رس‌باز پیچید بعد از آنهمه فن  
و مگیرید خدعه در سوگندکه گروهی ز عده بیشترند  
آزمون کرد حق برای شماو بیان می‌کند به روز جزا  
آنچه را اختلاف داشته‌اید[یا از آن بوده‌اید در تردید]

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَٰكِن يُضِلُّ مَن  
يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ ۗ وَلِتَسْأَلَنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

امتی واحد ار خدا می‌خواستهمه را می‌نمود راهی راست  
هر که را خواست می‌کند گمراه‌هر که را خواست می‌کند آگاه  
از شما در قیامت است سؤال‌هر چه دارید از این جهان  
اعمال

وَلَا تَتَّخِذُوا أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا وَتَذُوقُوا السُّوَاءَ بِمَا صَدَدْتُمْ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ لَكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

آنچه را داشتید از سوگندبر مگیرید بین خود ترفند که شود گامها در آن لغزان بعد از امر ثبوت در ایمان از پی منع از طریق خداپسند آن جزای زشتی را و عذاب عظیم بهر شماست و ان عذاب عظیم روز جزاست

وَلَا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا إِنَّمَا عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

نفروشید عهد حق ارزان و بخواهید لطف از یزدان کان عطا بهترست بهر شماگر شما بید عالم و دانا

مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

هر چه نزد شما بود فانی است هر چه نزد خدا بود باقی است صابران را دهیم اجر و جزا بهترین کارهای ایشان را

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

مؤمنی را که کرد کار نکوخواه بد مرد خواه زن بد او زندگی پاک می‌دهیم او را بهترین کار او دهیم جزا

فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْءَانَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

چونکه داری تلاوت قرآن به خدا بر پناه از شیطان

إِنَّهٗ لَيْسَ لَهُ سُلْطٰنٌ عَلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ

مؤمنان را ندارد او سلطان که توکل کنند بر یزدان

إِنَّمَا سُلْطٰنُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ

سلطه‌ی اوست ویژه بر یاران که شریک آورند بر یزدان

وَإِذَا بَدَّلْنَا آيَةً مَّكَانَ آيَةٍ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنزِلُ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتَرٍ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

آیه گر آیه را کند تبدیل که خدا آگه است از تنزیل پس بگویند این بود بهتان بلکه نادان شدند اکثرشان

قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ

گو که از جانب خدا جبریل آرد از بهر مؤمنان تنزیل تا کند استوار آنان را مسلمین را بشارت است و هدا

وَلَقَدْ نَعَلْمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ لِّسَانُ الَّذِي  
يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِيٌّ وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ

و بدانیم قول ایشان راکه بشر یادمی دهد آن را  
آنکه بر او دهند نسبت کار اعجمی باشد و عجم گفتار  
همه دانند اینکه این قرآن عربی باشدش کلام و بیان

کافران نشانه‌های خداحق نمی‌آورد به راه هدای  
بهر آنان بود عذاب الیم جاودانه در آتشند مقیم

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ لَا يَهْدِيهِمُ اللَّهُ وَلَهُمْ  
عَذَابٌ أَلِيمٌ

آن کسی از دروغ زد بهتان‌کش به آیات حق نبود ایمان  
آری آنان دروغ‌گویانند [مستحق عذاب یزدانند]

إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ  
وَأُولَئِكَ هُمُ الْكَاذِبُونَ

گر که کافر شوند بر یزدان‌پس از آنکه که آورند ایمان  
غیر از آنکه شوند خود مجبور و شد ایمانشان نهان به صدور  
آری آنکس که سینه را بگشودبهر کفران کردگار و دود  
پس بر او هست خشم از یزدان و برایش بود عذاب گران

مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أُكْرِهَ وَقَلْبُهُ  
مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا  
فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

آن کسان زندگانی دنیا برگزیدند بر نعیم بقا  
و خدا نیست هادی آنان که روانند در ره کفران

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اسْتَحَبُّوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَأَنَّ اللَّهَ  
لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ

غافلاند و مهر کرد خدا خود دل و چشم و گوش آنان را

أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَسَمِعِهِمْ وَأَبْصَرِهِمْ  
وَأُولَئِكَ هُمُ الْعُفْلُونَ

همه در آخرت زیانکارند [مستحق عذاب قهارند]

لَا جَرَمَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْخَاسِرُونَ

آنکه مهجور شد ز شهر و دیاربعد از آنکه به فتنه بود دچار  
جنگ کرد و به صبر بود ندیم‌حق بر آنان بود غفور و رحیم

ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا فُتِنُوا ثُمَّ جَاهَدُوا  
وَصَبَرُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ

يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ تُجَدِلُ عَن نَّفْسِهَا وَتُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ  
مَا عَمِلَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

همه از بهر خود کنند جدال و بگیرند حاصل اعمال  
و نباشند تحت جور و جفاین چنین است کار روز جزا

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا  
رِزْقُهَا رَغَدًا مِّن كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَقَهَا  
اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ

میزند حق مثال شهری را ایمن و مطمئن ز رزق و عطا  
رزق او می رسید از همه جاگشت کافر به مهر و لطف خدا  
پس از آن خوف و جوع را بچشیدوبین جزا بهر کارشان  
برسید

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْهُمْ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ  
وَهُمْ ظَالِمُونَ

چون رسولی رسید برایشان منکر او شدند و بی ایمان  
پس عذابی گرفت آنان را چونکه آن قوم بود اهل جفا

فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ  
إِن كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ

بخورید آنچه رزق داد خدا رزق پاک و حلال بهر شما  
شکر نعمای او به جای آریدگر عبادت برای او دارید

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَالْحَمَّ الْخَنِزِيرِ وَمَا أَهْلًا  
لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ ۗ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ اللَّهَ  
غَفُورٌ رَّحِيمٌ

میته و خون و خوک و آنچه وراموقع ذبح نیست نام خدا  
کرد تحریم بر شما یزدان جز گه اضطرار بی طغیان  
نیست دارای اضطرار اثم و خداوند غافر است و رحیم

وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتِكُمْ أَلْكَذِبَ هَذَا حَلَلٌ  
وَهَذَا حَرَامٌ لِّتَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ أَلْكَذِبَ ۗ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ  
عَلَى اللَّهِ أَلْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ

و گر از کذب آوری به زبان کاین حلال و حرام باشد آن  
تا ببندی تو افترا به خدا از طریق دروغ [و راه خطا]  
گر کسی افترا زند به خداستگاری نمی رسد او را

مَتَّعٌ قَلِيلٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

بهره ای او قلیل از دنیا و عذابی الیم هست او را

وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا مَا قَصَصْنَا عَلَيْكَ مِن قَبْلُ ۗ وَمَا  
ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

بر یهودان حرام شد تبیین ز آنچه گفتیم بر تو از پیشین  
ما نکردیم جور ایشان را بلکه بر خود کنند جور و جفا



ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُوا السُّوءَ بِجَهْلَةٍ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ

آنکه از جهل کرده است خطاپس از آن توبه کرد سوی خدا رو به اصلاح برد و گشت سلیم هست ربت سپس غفور و رحیم

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

امتی پاک و ناب بود خلیل تابع امر کردگار جلیل و نبودست مشرکی به خدا

شَاكِرًا لِأَنْعَمِهِ أَجْتَبَا وَهَدَاهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

شاکری بود نعمت حق را

برگزیدش خدا و داد هدایه سوی راه راست برد او را

وَعَاتَيْنَهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ

داده‌ایمش نعیم در دنیا هم ز نیکان بود به روز جزا

ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

وحی سوی تو کرد رب کریم تا کنی پیروی ز ابراهیم کیش او پاک بود و راه هداو نبودست مشرکی به خدا

إِنَّمَا جُعِلَ السَّبْتُ عَلَى الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

شنبه بودست حکم بر آنان که نمودند اختلاف در آن حق دهد حکمشان به روز جزا آنچه ناساز بوده‌اند آن را

أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَدِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ

سوی پروردگار کن دعوت از ره پند خوب و هم حکمت و جدل کن به بهترین ره هم هست پروردگار تو اعلم ز آنکه گمراه شد از ره یزدان نیز اعلم به حال مهتدیان

وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ

و مجازات را بدار رواتا به حدی که بوده است ترا و ترا صبر به بود زین راه صبر کن صبر توست با الله

وَأَصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ

و برایشان مشو غمین در کار و در آن تنگنا مباش دچار و در آن کید و مکرها دارند [قصده رنج و غم تو را دارند]

إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ

به یقین هست ایزد غفار متقین را و محسنین را یار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱  
جزء ۱۵  
حزب  
۱۱۳  
ر ۲۴  
منزل  
۴

سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى  
الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَرَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ وَمِنْ آيَاتِنَا  
إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ

پاک آن کس که برد شب هنگام بنده‌ی خویش را ز بیت  
حرام  
سوی بیت المقدس آنکه خدا برکت داد گرد آن جا را  
تا ببیند نشانه‌های مراحق بود هم سمیع و هم بینا

وَعَاتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا  
تَتَّخِذُوا مِنْ دُونِي وَكَيْلًا

و به موسی کتاب داد خداو همان را فرار داد هدا  
بهر اقوام آل اسرائیل که نگیرند جز خدای و کیل

ذُرِّيَّةَ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا

آن به یاران نوح فرزندان بود او عبد شاکر یزدان

وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ  
مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوقًا كَبِيرًا

آل یعقوب را خدا اخبار بدهد در کتاب اینکه دوبار  
می‌گیرند راه استکبار و به افساد می‌شوند دچار

فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي  
بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا

چون رسد وقت وعده‌ی اولی‌برگزینیم رو بروی شما  
بندگان شدید جنگاور که بگردند خانه‌ها یکسر  
و محقق بود وعید خدا

ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ  
وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا

بازگردید چیره آنان را  
و به مال و بنین کنیم مددور شما می‌کنیم بیش عدد

إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا  
جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسْتَوُوا وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ  
كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا

گر که نیکی کنید سود شماست و بدی هم کند کسی او  
راست  
چون رسد وقت وعده‌ی دیگر چهرتان می‌شود غمین یکسر  
پس به مسجد درون شوند آنان همچو بار نخست حمله‌ی شان  
همه سازند سر به سر ویران آنچه را چیره می‌شوند بر آن

عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يَرْحَمَكُمْ وَإِنْ عُدتُّمْ عُدْنَا وَجَعَلْنَا  
جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا

چه بسا بر شما خداست رحیم‌ور بگردید باز برگردیم  
و به دوزخ کنیمشان محصور هر که را هست از گروه کفور

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ  
الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا

رهنمایی است این کتاب مبین‌به طریقی که هست  
راست‌ترین  
مژده بر مؤمنان نیکوکار می‌دهد اجر عمده و بسیار

وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

ور ندارد به آخرت ایمان‌شد مهیا بر او عذاب گران

وَيَدْعُ الْإِنْسَانَ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ  
عَجُولًا

خواهد انسان بدی چو کار نکوچه عجول و شتابکارست او

وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتَيْنِ ۖ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا  
آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا  
عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ ۚ وَكُلُّ شَيْءٍ فَصَلْنَاهُ تَفْصِيلًا

و نهادیم روز و شب دو نشان‌آیت شب چو ساختیم نهان  
روز را ساختیم روشن‌گرتا بجویند فضل حق یکسر  
و بدانید سالها و شمارو بیان داشتیم از هر کار

وَكُلِّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ ۖ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ  
الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا

هر چه را می‌کنند آدمیان افکنم من به گردن ایشان  
در قیامت بر آوریم عیان‌چون کتابی گشوده بیند آن

أَقْرَأُ كِتَابِكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا

نامه‌ات را بخوان و بس باشد این‌که نفست حسابرس باشد

مَنْ أَهْتَدَىٰ فَأِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ  
عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ۗ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ  
نَبْعَثَ رَسُولًا

گر هدا یافت پس از اوست هداور ضلالت رسد بود او را  
هر کسی بار خود برد در راه‌کس نگیرد ز غیر بار گناه  
نرسانیم بر کسی کیفر مگر آن‌گه که داشت پیغمبر

وَإِذَا أَرَدْنَا أَن نُّهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا  
فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا

چون بخواهیم بلده‌ای ویران‌پس بگویم به خلق خوشگذران  
تا به فسق آورند رو آن‌چاپس بگویمشان به راه سزا

وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ مِن بَعْدِ نُوحٍ ۗ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ  
بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا

در قرون پیشتر ز نوح به خاک‌بس امم بود و کرده‌ایم هلاک  
و خبیر و بصیر بر هر کس‌هست پروردگار عالم بس

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ  
ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا

هر که خواهد ز بهره‌ی گذران چون بخواهیم می‌دهیمش آن  
در مذلت در آورم به جحیم‌رانده از رحمت خدای کریم

وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ  
كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا

و انکسی هم که خواست دار بقاو در این راه کوشش است  
او را  
سعی او نزد ما بود مشکور [و نماند ز نعمت حق دور]

كُلًّا نُمِدُّ هَؤُلَاءِ وَهَؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ  
رَبِّكَ مَحْظُورًا

هر دو را از مدد دهیم عطانیست ممنوع بخششی ز خدا

أَنْظِرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ وَلِلْآخِرَةِ أَكْبَرُ  
دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا

بنگر چون کنیم ما برتر بعض مردم ز دسته‌ای دیگر  
پایه‌ها برتر است در عقابضها نیز برتر است آنجا

لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُومًا مَّخْذُومًا

تو مدان با خدا خدای دگرو نه مانی ذمیم و بی‌یاور

وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا  
يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا  
أُفٍ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا

و خدا امر می‌کند به شمانپرستید کس مگر او را  
نیز بر باب و مام کن احسان چون به پیری رسد یکی زیشان  
یا دو تن اف مگو تو ایشان را و بگو قول خوب آنان را

وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِيلِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا  
كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا

بال بگشا ز کرنش آنان رارحمت از بهرشان بگو ز خدا  
کای خدا ز گناهشان بگذرپروریدند چون مرا به صغر

رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ إِنْ تَكُونُوا صَالِحِينَ  
فَإِنَّهُ كَانَ لِلْأَوَّابِينَ غَفُورًا

هست پروردگار دانانتر از آنچه دارید در دل و در سر  
گر که باشید خوب و نیکوکار او بود بهر تائیین غفار

وَعَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تَبْدِرُوا  
تَبْدِيرًا

حق خویشان بخش و بیچاره‌نیز وامانندگان آواره  
مشو از مسرفین تو هم کایشان

إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيْطَانِ ط وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ  
كُفُورًا

همه هستند اخوهی شیطان  
بود شیطان به رب خود کافر [اوست رهبر به فاسق و فاجر]

وَمَا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمْ أَبْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِّن رَّبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَّيْسُورًا

ور تو اعراض داری از آنان در امیدی به رحمت یزدان پس به ایشان سخن بگو آسان‌نرم و آمیخته به لطف بیان

وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسِطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا

دستها را میار در زنجیر بسته بر گردن و تو سخت مگیر نیز بسیار دست باز مدار که بمانی نشسته مانده ز کار

إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُوَ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا

هر که حق خواست روزیش بگشاده که را خواست نیز کاهش داد به یقین حق به بندگان داناست در همه کار آگهی او راست

وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ مِّن نَّرْوَقِهِمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطَاً كَبِيرًا

طفل خود را مکش تو از املاق که منم بر شما و او رزاق قتل آنان بود گناه کبیر [این بود بهر مردمان تحذیر]

وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ الَّذِي هُوَ كَانَ فَحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا

دور باش از زنا که هست پلیدزین ره زشت و عیب دور شوید

وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَن قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطٰنًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا

و مدارید قتل نفس رواقتل ناحق حرام کرد خدا هر که شد کشته در طریق ستم باشدش حق سلطه صاحب دم و به کشتن مباش افزونگر هست منصور [حق خون بشر]

وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا

سوی مال یتیم دست مبرجز به راهی که هست نیکوتر تا شود کودک یتیم رشید نیز پیمان خود به جا آرید عهد و پیمان بود مقام سؤال پس وفادار باش در هر حال

وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذٰلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا

حق پیمان را کنید اداگر به پیمان به بود کار شما با ترازوی راست کن توزین آن به است و به اجر نیکترین

وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا

و مباشید پیرو آن راه که شما نیستید از آن آگاه چشم و گوش و دلی که مشغولند همه در این زمینه مسئولند

وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَن تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَن تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا

در زمین بسپری چو ره زهار متکبر مباش در رفتار نه زمین زیر پای تو شکننده توانی رسی به کوه از قد

كُلُّ ذٰلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا

و گناهی که هست در این کار ناپسند است در ره دادار

ذَٰلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ  
اللَّهِ إِلَهًا ءَاخَرَ فَتُلْقَىٰ فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَّدْحُورًا

أَفَأَصْفَنكُمْ رَبُّكُم بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنثًا  
إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلًا عَظِيمًا

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَٰذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكَّرُوا وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا  
نُفُورًا

قُلْ لَوْ كَانَ مَعَهُ ءَالِهَةٌ كَمَا يَقُولُونَ إِذَا لَأَبْتَغُوا إِلَىٰ ذِي  
الْعَرْشِ سَبِيلًا

سُبْحٰنَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا

تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِّنْ  
شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ  
إِنَّهُوَ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا

وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ  
بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَّسْتُورًا

وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا  
وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَوُا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ  
نُفُورًا

تَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَسْتَمِعُونَ بِهِ إِذْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ وَإِذْ هُمْ  
نَجْوَىٰ إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَّسْحُورًا

أَنْظِرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ  
سَبِيلًا

وَقَالُوا أَإِذَا كُنَّا عِظْمًا وَرُفَاتًا أءِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا

این بود ز آنچه وحی کرد خداسوی تو حکمت و هدایت را  
تو مدان با خدا خدای دگرورنه می‌افکند به نارت در  
پس به دوزخ شوی [تو درمانده هم نکوهیده هم ز حق  
رانده

حق پسر داد بر شما آیا؟وز ملک خود گرفت دخترها  
سخنی بس بزرگ می‌گوید[به یقین راه حق نمی‌پویید]

گونه‌گون بهر پند شد قرآن‌نفرودست جز رمیدنشان

بود اگر همره خدا معبودراهی او را به عرش او می‌بود

پاک و والاست ز آنچه می‌گویندآنکه را پایگاه هست بلند

اهل هفت آسمان و اهل زمین و آنچه در این دو گشته‌اند  
مکین  
اهل تسبیح گشته‌اند او راهست تسبیح گوی او اشیا  
می‌نفهمید هیچ چیز از آن‌هست یزدان حلیم و ذو غفران

چون تویی گرم خواندن قرآن‌ما نهادیم بین تو و آنان  
پرده‌کان حایل است و ناپیدانیست ایمانشان به روز جزا

و به دلها نهاده‌ایم حجاب تا نفهمند آیه‌های کتاب  
گوششان ساختیم هم سنگین‌چون بخوانی تو آن کتاب مبین  
و بخوانی خدای در وحدت‌رویگردان شوند از نفرت

ما بدانیم گوش دادنشان‌هست نجوا میانه‌ی ایشان  
ظالمان گفته‌اند اینکه شماپیروید آدمی فسون شده را

چه مثلها زدند و گمراهندوز هدایات دست کوتاهند

و بگفتند چون شدیم عظام و پراکنده می‌شویم تمام  
باز ما را خدای چون سازدو به بعثی نوین بپردازد

قُلْ كُونُوا حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا

گو که باشید سنگ یا که حدید

أَوْ خَلْقًا مِّمَّا يَكْبُرُ فِي صُدُورِكُمْ فَسَيَقُولُونَ مَن يُعِيدُنَا  
قُلِ الَّذِي فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ رُءُوسَهُمْ  
وَيَقُولُونَ مَتَى هُوَ قُلْ عَسَىٰ أَن يَكُونَ قَرِيبًا

یا که افزوتر آنچه اندیشید  
پس بگویند کیست کارد بازگو همان کافریدتان ز آغاز  
پس به پیش تو آورند فرودسرشان را که کی بود موعود  
گو که شاید بود زمان قریب

۵۱

يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِ ۖ وَتَظُنُّونَ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا  
قَلِيلًا

چون بخواندنتان شوید معیب  
حمد او را کنید و پس به گمان هست کوتاه وقت ماندنتان

۵۲

وَقُلْ لِّعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ ۚ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ  
بَيْنَهُمْ ۚ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنسَنِ عَدُوًّا مُّبِينًا

و بگو با عباد من که سخن بازگویند بهتر و احسن  
دیو سازد فساد بین شما اوست خصم عیان انسانها

۵۳  
۲۴۵

رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ ۖ إِنَّ يَشَاءُ يَرْحَمَكُمُ أَوْ إِن يَشَاءُ  
يُعَذِّبِكُمْ ۚ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا

و خدا اعلم است بهر شما خواست بخشش و گر که خواست  
جزا  
و بر این قوم نیستی تو و کیل نیست بر تو مگر نشان و  
دلیل

۵۴

وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِمَن فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَلَقَدْ فَضَّلْنَا  
بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَىٰ بَعْضٍ ۗ وَعَاتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا

هست پروردگار داناتر از آنچه ارض و سما گرفت مقر  
بس نبی شد به برتری مأمورو به داود داده ایم زبور

۵۵

قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِّنْ دُونِهِ ۖ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ  
الصُّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا

هر چه را جز خدا خدا خوانیدگو به پندار خود فرا خوانید  
نگشایند از شما ضرری و ن سازند جا به جا خطری

۵۶

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ  
أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ ۚ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ  
كَانَ مَحْدُورًا

ملکی را که خواندش معبود [راه جوید به سوی حی و دود]  
خویش جوید وسیله ای به خداتا که گردد قریب مهرش را  
و بترسد ز کیفر داور که عذاب خداست ترس آور

۵۷

وَإِن مِّن قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَوْ  
مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا ۚ كَانَ ذَٰلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا

نیست شهری مگر کنیم فناپیشتر از وصول روز جزا  
یا بر آنان رسد عذاب و بلا این بود ثبت در کتاب خدا

۵۸

وَمَا مَنَعَنَا أَنْ نُرْسِلَ بِالْآيَاتِ إِلَّا أَنْ كَذَّبَ بِهَا الْأَوَّلُونَ  
وَعَاتَيْنَا ثَمُودَ النَّاقَةَ مُبْصِرَةً فَظَلَمُوا بِهَا وَمَا نُرْسِلُ بِالْآيَاتِ  
إِلَّا تَخْوِيفًا

هیچ چیزی نبود مانع ماکه فرستیم آیهی خود را  
جز که قومی بر آن مکذب بودندناقه دادیم بهر قوم ثمود  
بود روشنگری میانه‌ی‌شان‌پس روا داشتند جور بر آن  
نفرستاده‌ایم هیچ نشان‌جز به تهدید خلق [در خسران

وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرُّعْيَا  
الَّتِي أَرَيْنَكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي  
الْقُرْآنِ وَنُحُوفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا

چون بگفتیم بهر تو که خدایس فراگیر هست مردم را  
بر تو خوابی که داده‌ایم نشان‌نیست جز آزمایش ایشان  
وز درختی که لعن شد به کتاب‌هست تهدید و بیم بهر عذاب  
پس نیفزودشان بجز طغیان‌نیز آن سرکشی چه بود گران

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ قَالَ  
ءَأَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طِينًا

با ملائک خدا چنین فرمودکه به آدم بیاورید سجود  
سجده کردند غیر دیو دغاگفت سجده کنم به گل آیا؟

قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ لَئِنِ أَخَّرْتَنِي إِلَى يَوْمِ  
الْقِيَامَةِ لَأُحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا

برتر از من بساختی او رامهلتم بخش تا به روز جزا  
همه را می‌کشم به راه فناجز قلیلی ز خاندانش را

قَالَ أَذْهَبُ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاؤُكُمْ جَزَاءً  
مَوْفُورًا

گفت رو هر که تابع است تراپس جهنم برای اوست جزا

وَأَسْتَفْزِرُ مَنْ اسْتَطَعَتْ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبُ عَلَيْهِمْ  
بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعِندَهُمْ وَمَا  
يَعِدُّهُمْ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا

تو برانگیزشان به حدّ توان‌با ندایت بساز گمرهشان  
یا سوار و پیاده ده آوازشو به مال و به نسلشان انباز  
و بده وعده‌ها [سریع و قریب وعده‌ی دیو نیست غیر فریب

إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكَفَى بِرَبِّكَ وَكِيلًا

نیستت بر عباد من سلطان‌که خدا بس و کیل بر ایشان

رَبُّكُمْ الَّذِي يُزْجِي لَكُمْ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوا مِنْ  
فَضْلِهِ إِنَّهُ وَكَانَ بِكُمْ رَحِيمًا

و خدا راند از برای شماکشتی از لطف خویش بر دریا  
تا بجویید فضل و خیرش رامهربان است از برای شما



وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَٰهًا  
فَلَمَّا نَجَّكُم إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا

خطری چون به یم رسد سویتان پس فراموش می‌کنید بتان  
چون رهاشد شوید رو گردان ناسپاس است بر خدا انسان

أَفَأَمِنْتُمْ أَنْ يُخْسِفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ  
حَاصِبًا ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ وَكِيْلًا

گو که در خشکی ایمنید آیا؟ که شما را برد درون ثری  
یا که طوفان شن کنیم گسیل پس نیابید بهر خویش و کیل

أَمْ أَمِنْتُمْ أَنْ يُعِيدَكُمْ فِيهِ تَارَةً أُخْرَىٰ فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ  
قَاصِبًا مِّنَ الرِّيحِ فَيُغْرِقَكُمْ بِمَا كَفَرْتُمْ ثُمَّ لَا تَجِدُوا  
لَكُمْ عَلَيْنَا بِهِ تَبِيعًا

یا شما را دوباره باز آردو به کوبنده باد بسپارد  
کند از کفر غرق جمع شماو نیابید داد خواهی را

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ  
مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا

فضل دادیم بر بنی آدم سیر دادیمشان به خشکی و یم  
رزق دادیم پاک و قدر بشر ساختیم از همه جهان برتر

يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمْهَمِّهِمْ فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وَبِئْمِينِهِ  
فَأُوْتِيكَ يَقْرَأُ وَيَقْرَأُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا

چون بخواهیم هر جماعت را با امامانشان به روز جزا  
هر که را نامه داده شد به یمین خواند آن را [به شوق و  
شور قرین  
ستمی نیست بهرشان تحمیل هم به اندازه‌ی کمی چو فتیل

وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ  
سَبِيلًا

هر که در این جهان بود اعمی بیش گمراه بود به روز جزا

وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذِي أُوحِيَٰنَا إِلَيْكَ لِتَفْتَرِي  
عَلَيْنَا غَيْرَهُ ۗ وَإِذَا لَا تَأْتِيكَ خَلِيلًا

بود نزدیک تا به یک ترفنددلت از قول وحی دور کنند  
که جز آن را زنی به ما بهتان تا شوی یار و یاور آنان

وَلَوْلَا أَنْ ثَبَّتْنَاكَ لَقَدْ كِدْتَ تَرْكَنُ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا

گر نمی‌کردم استوار ترامیل بودت کمی سوی آنها

إِذَا لَأَذَقْنَاكَ ضِعْفَ الْحَيَاةِ وَضِعْفَ الْمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُ  
لَكَ عَلَيْنَا نَصِيرًا

می‌چشانندیم بر تو در آن حال دو برابر [ز سیئات ضلال  
در حیات و ممات بودت شرو نمی‌یافتی در آن یاور

وَإِنْ كَادُوا لَيَسْتَفِزُّونَكَ مِنَ الْأَرْضِ لِيُخْرِجُوكَ مِنْهَا وَإِذَا لَا يَلْبَثُونَ خِلافَكَ إِلَّا قَلِيلًا

بود نزدیک تا بلغزاندندو ترا از زمین برون رانند  
می‌نماندند در زمین آنگاه بعد تو غیر مدتی کوتاه

سُنَّةَ مَنْ قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا

سنتی پیش از تو شد تنزیل و نیابی به سنتم تحویل

أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ  
إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا

نیمه‌ی روز تا به نیمه‌ی شب پایدار نماز شو بر رب  
خواندن فجر هم بدار به پاخواندن فجر را شوند گواه

وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ  
مَقَامًا مَحْمُودًا

پاسی از شب بخوان از آن قرآن و فزونی دهند بر تو از آن  
تا برانگیزدت خدای و دودبه مقامی و مبعثی محمود

وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ  
وَأَجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا

گو خدایا مرا به صدق درآرو برون کن به صدق [از هر کار]  
از سوی خویش بهر من بگذارحجت و سلطه‌ای معاون و یار

وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا

گو که حق آید و رود باطل به یقین ناروا شود زایل

وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا  
يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا

ما فرستاده‌ایم از قرآن‌بھی و رحمت مسلمانان  
و نیفزود بر ستمکاران هیچ چیزی بجز خسار و زیان

وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَى بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ  
الشَّرُّ كَانَ يَئُوسًا

چونکه نعمت دهیم بر انسان شود او بر کران و رو گردان  
چون زبانی رسد شود نومید

قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكْتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى  
سَبِيلًا

کار هر کس ز شیوه است پدید  
حق ز تو بیشتر بود آگاهز انکه رهیاب‌تر بود در راه

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ  
مِّنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا

گر بپرسد کسی ز روح تو راگو بود روح امر خالق ما  
ما ندادیم بر بنی آدم بهره از علم و معرفت جز کم

وَلَيْنُ شِئْنَا لَنُدْهَبَنَّ بِالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ  
بِهِ عَلَيْنَا وَكَيْلًا

گر بخواهیم از تو برداریم آنچه از وحی سوی تو آریم  
پس نیابی تو هیچ یار و و کیل بهر خود در قبال رب جلیل

إِلَّا رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ إِنَّ فَضْلَهُ كَانَ عَلَيْكَ كَبِيرًا

بجز از رحمت خدای کریم هست فضل خدای بر تو عظیم

قُل لِّئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْحِجْنُ عَلَيَّ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا  
الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ ۚ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا

گو بیایند اگر ز انس و ز جان تا بیارند مثل این قرآن  
توانند کاورند نظیور که با هم شوند یار و ظهیر

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَى  
أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا

گونه‌گون آوریم در قرآن هر مثل را برای آدمیان  
اکثر خلق هست در کفران

وَقَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنْبُوعًا

و بگویند ناوریم ایمان  
مگر آری تو چشمه‌ای از آب

أَوْ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٌ مِّن نَّحِيلٍ وَعِنَبٍ فَتُفَجَّرَ الْأَنْهَارُ  
خِلَالَهَا تَفْجِيرًا

یا که باغی ز نخل و از اعناب  
یا بیاری تو چشمه‌ای جوشان در همین دشت خشک از دل  
آن

أَوْ تُسْقِطَ السَّمَاءَ كَمَا زَعَمَتْ عَلَيْنَا كِسْفًا أَوْ تَأْتِي بِلِلِّهِ  
وَأَلْمَلِيكَةِ قَبِيلًا

یا سما را به ما فرو باری یا خدا و ملانکش آری

أَوْ يَكُونَ لَكَ بَيْتٌ مِّن زُخْرِفٍ أَوْ تَرْقَى فِي السَّمَاءِ وَلَنْ  
نُؤْمِنَ لِرُقِيِّكَ حَتَّى تُنَزَّلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَقْرُوهُ ۗ قُلْ سُبْحَانَ  
رَبِّي هَلْ كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا رَسُولًا

یا که بیته بود تو را ز طلا یا که در آسمان روی بالا  
و نیاریم بهر آن ایمان تا که آری نوشته از قرآن  
گو که پاک است رب من آیا؟ کیستم من بجز رسول خدا؟

وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ إِلَّا أَنْ قَالُوا  
أَبَعَثَ اللَّهُ بَشَرًا رَسُولًا

چیست مانع به اعتقاد کسان؟ چون هدایت رسد به جانبشان  
پس بگویند آن کسان آیابشری را پیام داد خدا؟

قُل لَّوْ كَانَ فِي الْأَرْضِ مَلَائِكَةٌ يَّمشُونَ مُطْمَئِنِّينَ لَنزَلْنَا  
عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ مَلَكًا رَسُولًا

گو اگر بس فرشته بود اینجاراه می‌رفت در زمین خدا  
امن و آرام باز هم ز سما ملکی بود او رسول خدا

قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ  
خَبِيرًا بَصِيرًا

گو گواهی بس است بهر خدا که بود او گواه ما و شما  
اوست از بندگان خود آگاه و کند سوی خلق خویش نگاه

وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ ۖ وَمَنْ يُضِلِّ فَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ  
أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِهِ ۗ وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ  
عُمِيًّا وَبُكْمًا وَصُمًّا مَّا وُهِمَ بِهِمْ جَهَنَّمَ ۖ كُلَّمَا حَبَتِ ذُرِّيَّتُهُمْ  
سَعِيرًا

هر که را حق دهد خدا به هدایت و انکه را حق بر آرد از ره  
راست  
نیست پیدا بر ایشان یاری جز خدا سرپرست و غمخواری  
گرد سازم به دوزخ آنان را کور و گنگ و کنند در عقبا  
جایشان نار و چون نشست آتش می‌فریاید شعله‌ی سرکش

آن جزا بهرشان که آنان را کفر بودست با نشان خدا  
و بگویند چون شویم عظام و پراکنده پس شویم تمام  
باز ما را خدای چون سازد؟ و به معنی جدید پردازد

ذَٰلِكَ جَزَاءُ هُم بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا وَقَالُوا أَإِذَا كُنَّا  
عِظْمًا وَرُفَاتًا أَعِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا

أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ قَادِرٌ  
عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ وَجَعَلَ لَهُمْ أَجَلًا لَا رَيْبَ فِيهِ فَأَبَى  
الظَّالِمُونَ إِلَّا كُفُورًا

نگرند اینکه قادر یکتا که بود خالق زمین و سما  
هست او را به کار خلق توان و برایشان مقدر است زمان  
به یقین فرقه‌ی ستم کردار می‌کند غیر کفر را انکار

قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ  
خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا

گو اگر گنجهای لطف خدا جمله می‌بود از برای شما  
داشتی باز بخل و ترس کرم‌تنگ چشم است این بنی آدم

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ فَسَعَلَٰ بَنِي  
إِسْرَائِيلَ إِذْ جَاءَهُمْ فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ إِنِّي لَأَظُنُّكَ يَمُوسَىٰ  
مَسْحُورًا

به یقین داده‌ایم موسی را نه نشان آشکاره و گویا  
ز آل یعقوب کن سؤال از آن‌چونکه آمد به جانب ایشان  
گفت فرعون شد گمان ما را که به افسون دچاری ای موسی

گفت دانی نداد کس اینها جز خداوندگار ارض و سما  
بینش است و مرا بود ادراک که تو فرعون می‌رسی به هلاک

قَالَ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَّا أَنْزَلَ هَٰؤُلَاءِ إِلَّا رَبُّ السَّمَوَاتِ  
وَالْأَرْضِ بِصَآئِرٍ وَإِنِّي لَأَظُنُّكَ يَفِرْعَوْنُ مَثْبُورًا

فَأَرَادَ أَنْ يَسْتَفِزَّهُمْ مِنَ الْأَرْضِ فَأَغْرَقْنَاهُ وَمَنْ مَّعَهُ  
جَمِيعًا

خواست قومش برد به دار فنا غرق کردیم او و یاران را

آل یعقوب را سپس گفتیم که در آن سرزمین شوید مقیم  
چون رسد وقت وعده‌ی عقباهمه را آورم برای جزا

وَقُلْنَا مِنْ بَعْدِهِ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ اٰسْكُنُوا الْأَرْضَ فَإِذَا جَاءَ  
وَعْدُ الْآخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِيفًا

وَبِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا  
وَنَذِيرًا

تو بر آن بوده‌ای به حق منزل و به حق این کتاب شد نازل  
بهر مردم تو را فرستادیم که به آنان دهی بشارت و بیم

وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَلْنَاهُ  
تَنْزِيلًا

و جدا کرده‌ایم این قرآن تا بخوانی به گوش خلق جهان  
با درنگ و شمرده این تنزیل و به تدریج داشتیم گسیل

قُلْ ءَامِنُوا بِهِ ءَوْ لَا تُؤْمِنُوا إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ  
قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا

گو که ایمان بیاورید شمایا که ایمان نیاورید آن را  
هر که را علم بود پیش از آن چونکه شد خوانده بهر او قرآن  
به ز نخدان در اوفتد به فرودبهر یزدان کند به خاک سجود

وَيَقُولُونَ سُبْحٰنَ رَبِّنَا إِن كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا

و بگوید خدای را سبحان که یقین است وعده‌ی رحمان

وَيَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا ۝

و بیفتند بر ز رخ گریان و بیفزود کرنش آنان

قُلْ أَدْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمٰنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ  
الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتُ بِهَا  
وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا

خوانیش گر خدا و گر رحمان نامهای نکوست از یزدان  
نه نمازت بخوان تو با آوازه که آهسته ساز بانگ نماز  
و بجو بین این دو راهی را

وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُن لَّهُ  
شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُن لَّهُ وِئٌ مِّنَ الدُّلِّ وَكَبْرَهُ  
تَكْبِيرًا

و بگو حمد از برای خدا  
بر نگیرد ولد خدای جهان و ندارد شریک در فرمان  
و نه خوار است تا بخواهد یارتو هم او را بسی بزرگ شمار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ  
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَىٰ عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَّهُ  
عِوَجًا

هر چه حمد است هست از یزدان که دهد بهر بنده‌اش قرآن  
و نکردست هیچ از آن نار است

قَيِّمًا لِّيُنذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا مِّن لَّدُنْهُ وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ  
يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا

که به حفظ کتابها برپاست  
تا بترساند از عذاب شدیدکه بود آن ز نزد حی مجید  
و به هر مؤمن نکوکردارمژده آرد به اجر خوب از کار

مَّكِيثِينَ فِيهِ أَبَدًا

که بمانند جاودانه در آن

وَيُنذِرَ الَّذِينَ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا

و دهد بیم و خوف بر آنان  
که بگفتند کردگار بلندبر گرفتست بهر خود فرزند

مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ وَلَا لِآبَائِهِمْ كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ إِنْ يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا

و ندارند آگهی از آن و همین طور جدّ و آبشان سخنی کز دهان شان آیدبهر آنان بزرگ بنماید همه کذب است گفته‌ی ایشان

۶

فَلَعَلَّكَ بَخِيعُ نَفْسِكَ عَلَىٰ عَائِرِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا

شاید اندوهگین شوی ز آنان به هلاک افکنی خودت را زارچونکه این گفته‌ها کنند انکار

۷

إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَّهَا لِنَبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا

ما نهادیم بر زمین زیورتا بدانید کیست نیکوتر؟

۸

وَإِنَّا لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُزًا

پس از آن می‌نهم آن آثار دشت خشکی که نیست غیر غبار

۹

أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا

به گمانت که اهل کَهِف و رقیم‌عجبی هست ز آیه‌های عظیم

۱۰

إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا

آن جوانان به غار برده پناه‌روی کردند جانب الله پس بگفتند ای خدا ما راخیری از سوی خویش دار عطا کن مهیا برای ما در کارراه لطف و نجات ای غفار

۱۱

فَضْرَبْنَا عَلَىٰ آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا

بهرشان پرده‌ها زدیم به گوش‌چند سالی به غار رفته ز هوش

۱۲

ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَىٰ لِمَا لَبِئُوا أَمَدًا

برگزیدیم دو دسته از آنان تا کدامین گروه از ایشان بهتر آرند در شمار و حساب‌روزهایی که مانده‌اند به خواب

۱۳

ثُمَّ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُمْ بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى

بر تو خوانیم قصه‌ی ایشان آن جوانان مؤمن یزدان و بیفزوده‌ایمشان به هدا

۱۴

وَرَبَطْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُوَ مِنْ دُونِهِ إِلهًا لَقَدْ قُلْنَا إِذَا شَطَطًا

و قوی ساختیمشان دلها چون بگفتند خاستند به پارب ما هست ربّ ارض و سما جز خدا نیست بهر ما معبوددر سخن بهر ما گزافه نبود

۱۵

هَؤُلَاءِ قَوْمُنَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ إِلهَةً لَوْلَا يَأْتُونَ عَلَيْهِمْ بِسُلْطَانٍ بَيْنٍ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا

قوم ما جز خدا گرفت ال‌هاو دلیلی نی‌اورند گواه کیست بدتر به راه جور و جفا؟که ببندد دروغ بهر خدا

وَإِذْ أَعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأَوْرَأُوا إِلَى الْكَهْفِ  
يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِّن رَّحْمَتِهِ وَيَهَيِّئْ لَكُمْ مِّنْ أَمْرِكُمْ  
مَّرْفَقًا

۱۸  
کهف  
۱۶  
/۱۱۰

چون از ایشان شوید دور شما هم ز معبودها ز غیر خدا  
پس بیارید سوی غار پناه تا دهد خیر بر شما الله  
و مهیا کند برای شما امن و آرامشی در این ماوا

وَتَرَى الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَتْ تَزَّوَّرُ عَنِ الْيَمِينِ ذَاتَ الْيَمِينِ  
وَإِذَا غَرَبَتْ تَقَرَّبُ مِنْهُمْ ذَاتَ الشَّمَالِ وَهُمْ فِي فَجْوَةٍ مِّنْهُ  
ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ مَن يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَن  
يُضِلِّ فَلَن تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُّرْشِدًا

۱۷  
حزب  
۱۱۸

آفتاب از افق چو برمی‌خاست بود مایل به غارشان در راست  
چون به مغرب همی گرفت قرار به سوی چپ همیشه داشت  
گذار  
و مکانی فراخ بود آنجا بود آن هم ز آیه‌های خدا  
هر که را حق دهد هدا به هداست و انکه را دور داشت از  
ره راست  
پس نیابی برای او یاور و نه آنکس که باشدش رهبر

وَتَحْسَبُهُمْ أَيْقَاظًا وَهُمْ رُقُودٌ وَنُقَلِّبُهُمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَذَاتَ  
الشَّمَالِ وَكَلْبُهُمْ بَاسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيدِ لَوِ اطَّلَعْتَ  
عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْت مِنْهُمْ فِرَارًا وَكَلِمَاتٍ مِنْهُمْ رُعْبًا

۱۸  
۲۵۴ر

بود آن دسته ظاهرا بیدارگرچه در خواب داشتند قرار  
و بگردانده‌ایمشان چپ و راست سگشان بر دهانه دستش  
راست  
هر که می‌دید بود رو گردان هم به ترس و گریز از آنان

وَكَذَلِكَ بَعَثْنَاهُمْ لِيَتَسَاءَلُوا بَيْنَهُمْ قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ كَمْ  
لَبِئْتُمْ قَالُوا لَبِئْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالُوا رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا  
لَبِئْتُمْ فَأَبْعَثُوا أَحَدَكُمْ بِوَرِقِكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ  
فَلْيَنْظُرْ أَيُّهَا أَزْكَى طَعَامًا فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِّنْهُ وَلْيَتَلَطَّفْ  
وَلَا يُشْعِرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا

۱۹

و برانگیختیمشان از خواب تا بپرسند بین خود ز اصحاب  
گفت فردی که مانده‌اید چه گاه؟ پس بگفتند مدتی کوتاه  
یا به یک روز یا که بخشی از آن هست آگاه تر خدای جهان  
پس یکی از شما روانه شود با همین سکه سوی شهر رود  
بنگرد چیست پاک‌تر ز غذا؟ تا بیارد برایتان آن را  
نیز دقت کند بسی در راه که نگردد کس از شما آگاه

إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ  
وَلَنْ تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكَافِرِينَ وَلَنْ تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكَافِرِينَ  
وَلَنْ تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكَافِرِينَ

۲۰

قوم آگه چو شد ز کار شما سعی دارد به سنگسار شما  
یا که باز آورد به مذهب خویش پس نباشد فلاحتان در پیش

وَكَذَلِكَ أَغْتَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَزَّعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِم بُنْيَانًا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا

۱۸  
کَهِف  
۲۱  
/۱۱۰

کردم آگه ز حال مردم راتا شناسند راست وعد خدا و قیامت که ریب نیست در آن شد نزاعی میانہی ایشان و بگفتند جمعی از آنان که بسازید رویشان بنیان هست آگاهتر خدا زیشان نیز گفتند جمعی از آنان که شدند آگه از ره ایشان معبدی می‌نہیم بر آنان

سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةٌ رَّابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ وَيَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ قُل رَّبِّي أَعْلَمُ بِعَدَّتِهِمْ مَّا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءً ظَاهِرًا وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِمْ مِنْهُمْ أَحَدًا

۲۲

گفته‌اند اینکه بوده‌اند سه تن سگشان چارمین [در آن مأمَن نیز گویند پنج تن [مردند] سگشان شد ششم [گمان کردند] نیز گویند هفت تن [شد یار] سگشان بود هشتمین [در غار] گو خدایم بود از آن اعلمو نیاموخت خلق را جز کم جز به ظاهر میوی راه جدال و هم از هیچکس مدار سؤال

وَلَا تَقُولَنَّ لِشَايٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَٰلِكَ غَدًا

۲۳  
۲۵۵ر

مگو این کار را کنم فردا

إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَاذْكُرْ رَبَّكَ إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَىٰ أَنْ يَهْدِيَنِّي رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ هَذَا رَشَدًا

۲۴

جز که خواهد خدای بی‌همتا یاد کن ربّ خویش در نسیان‌گو امید است از خدای جهان که شود رهنمای من به یقین به رهی اقرب و رساتر از این

وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا

۲۵

و بماندند بعد سیصد سال‌نه سنه نیز در همان احوال

قُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثُوا لَهُ غَيْبُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَبْصِرْ بِهِ وَأَسْمِعْ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا

۲۶

و خدا بیشتر از آن داناست بهر او غیب این زمین و سماست چه بصیر و سمیع باشد حق‌غیر او نیست یاوری مطلق و نسازد شریک خود کس را بهر فرمان خدای بی‌همتا

وَأْتِلْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ كِتَابِ رَبِّكَ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَلَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا

۲۷

و بخوان آنچه وحی کرد خدابه سوی تو از این کتاب خدا نیست تبدیل در کلام خدا و نیابی ز غیر او ماوا



وَأَصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدْوَةِ وَالْعَشيِّ  
يُرِيدُونَ وَجْهَهُ<sup>ط</sup> وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ  
الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ  
وَكَانَ أَمْرُهُ فُرْطًا

صبر کن همره کسی که دعاخواند حق را به بامداد و عشا  
که طلب می‌کند رضای خدا و نگه بر مگیر آن کس را  
که بخواهی تو زیور دنیا و اطاعت مکن تو آن کس را  
که دلش غافل است یاد مرا و کند پیروی ز نفس و هوا  
هست افراط کار او هر جا

وَقُلِ الْحَقُّ مِن رَّبِّكُمْ<sup>ط</sup> فَمَن شَاءَ فَلْيُؤْمِن وَمَن شَاءَ  
فَلْيُكْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا<sup>ج</sup>  
وَإِن يَسْتَغِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ<sup>ج</sup> بِئْسَ  
الْشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا

و بگو حق بود ز ربّ شما  
هر که را خواست می‌دهد ایمان هر که را خواست می‌دهد  
کفران  
و مهیا کنیم دوزخ و نار بهر آن کس که شد ستم کردار  
که سراپرده‌اش محیط بر اوست هر که در آن میان اعانت  
جوست  
آب خواهد اگر کسی به ندآب بهرش گدازه است آنجا  
که رخ خلق را کند بریان چه بد است این شراب و مجمعهشان

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ  
أَحْسَنَ عَمَلًا

آن کسانی که آورند ایمان و بود کار نیک با آنان  
پس نسازد تباه آن غفراجر و پاداش قوم نیکوکار

أُولَئِكَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ يُجَلَّوْنَ  
فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِّن  
سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُّتَّكِعِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ نِعْمَ الثَّوَابُ  
وَحَسَنَتْ مُرْتَفَقًا

بهرشان بوستان جاویدان زیر اشجارش آبهای روان  
دستبند زر است زیورشان جامه‌ها از حریر در برشان  
هم در آن بر اریکه تکیه زن و چه خوب است اجر و  
مجمعهشان

وَأَضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا رَّجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ  
أَعْنَبٍ وَحَفَفْنَاهُمَا بِنَخْلٍ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زُرْعًا

مثلی زن برایشان زد و مردکه از ایشان دهیم بر یک فرد  
خوب و خرم دو باغ از انگورو اندو در بین نخلها محصور  
بینشان کشتزار و بار فزون

كَلَّمَا الْجَنَّتَيْنِ ءَاتَتْ أُكُلَهَا وَلَمْ تَظْلِم مِّنْهُ شَيْئًا وَفَجَّرْنَا  
خِلَالَهُمَا نَهْرًا

و اندو باغ است باردار اکنون  
باغ از بر نکرد خودداری بینشان نیز نهر شد جاری

وَكَانَ لَهُ ثَمْرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ  
مِنكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا

گفت با دوست صاحب بستان برترم از تو من به مال و کسان

وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ قَالَ مَا أَظُنُّ أَن تَبِيدَ  
هَذِهِ أَبَدًا

وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِن رُّدِدْتُ إِلَىٰ رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيْرًا  
مِّنْهَا مُنْقَلَبًا

قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ  
مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّكَ رَجُلًا

لَكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا

وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتِكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ  
إِن تَرَنِ أَنَا أَقَلَّ مِنْكَ مَالًا وَوَلَدًا

فَعَسَىٰ رَبِّي أَن يُؤْتِيَنِي خَيْرًا مِّنْ جَنَّتِكَ وَيُرْسِلَ عَلَيْهَا  
حُسْبَانًا مِّنَ السَّمَاءِ فَتُصْبِحُ صَعِيدًا زَلَقًا

أَوْ يُصْبِحَ مَأْوَهَا غُورًا فَلَن تَسْتَطِيعَ لَهُوَ طَلَبًا

وَأُحِيطَ بِثَمَرِهِ فَأَصْبَحَ يُقَلِّبُ كَفَّيْهِ عَلَىٰ مَا أَنفَقَ فِيهَا  
وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّي  
أَحَدًا

وَلَمْ تَكُن لَّهُوَ فِئَةً يَنْصُرُونَهُ مِن دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ  
مُنْتَصِرًا

هُنَالِكَ الْوَلِيَّةُ لِلَّهِ الْحَقِّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَخَيْرٌ عُقْبًا

وَأَضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا أَنزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ  
فَأَخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيْحُ  
وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا

چون به بستان خویش گام نهاد خود روا داشت بهر خود  
بیداد  
گفت هرگز نباشدم به گمان که شود محو این بر و بستان

و ندارم گمان قیامت را بازگردم اگر به سوی خدا  
جایگاه نکوتری یابم

دوستش گفت بهر او آندم  
آنکه از خاک آفرید ترا سپس از نطفه کافری آیا؟  
پس تو را فرد کاملی پرداخت و همینطور عالمی را ساخت

اوست پروردگار من یکتا و ندانم کسی شریک او را

و چرا چون روی تو در بستان به زیانت نیاید این سخنان  
هر چه خواهد خدا برآید آن جز خدا کس نداشت هیچ توان  
چون بدیدی من از توام کمتر هم به اولاد و هم به مکت و  
زر

شاید از رحمت خداست مرا بهتر از باغ تو در این دنیا  
آفتی از سما شود نازل پس شود باغ خاک بی حاصل

یا که آبش رود به خاک فروبرنگیری تو حاصلی از او

میوهایش تمام شد نابود پس دو دستش به یکدیگر میسود  
که در آن بس هزینهها دادست همه با داربست افتادست  
پس بگفتا نبود کاش مرا شرک ورزی به خالق یکتا

یاوری نیستش بجز داور هم خودش نیست بهر خود یاور

حکم اینجاست از برای خداند او بهترین ثواب و جزا

مثل زندگانی دنیا هست آبی که میرسد ز سما  
همر هس میرسد گیاهی چندو پس از چند روز خشک شوند  
باد آنکه پراکند او را بر همه چیز قادرست خدا

الْمَالِ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا

آنچه فرزند و مال بهر شماست زینت زندگانی دنیاست و آنچه از خیر خود به جای نهد بهتر است از لحاظ اجر و امید

وَيَوْمَ نُسِئِرُ الْجِبَالَ وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا

چون برانیم کوههای و زین و آشکارا چو بنگری تو زمین همه افراد را چو حشر دهیم پس از ایشان کسی فرو نهمیم

وَعَرِضُوا عَلَىٰ رَبِّكَ صَفًّا لَقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ بَلْ زَعَمْتُمْ أَلَّن نَجْعَلَ لَكُمْ مَوْعِدًا

به صف آیند جمله نزد خداهمچنان خلقت نخست شما لیک پنداشتید اینکه خدانهد موعدی برای شما

وَوُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَا لِ هَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا

مؤمنان بنگرند نامهی خویشز آنچه هستند در هراس و پریش پس بگویند وای ما که کتابداشت خرد و بزرگ را به حساب و ببینند کارها حاضر و خدا نیست بر کسی جائز

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا

به ملایک خدا چنین فرمود که به آدم کنون برید سجود همه بردند سجده جز شیطان خلقت این مقوله بود از جان شد به امر خدای نافرمان این شمایید و دیو و فرزندان پس مگیریدشان ولی خود راکه همه دشمنند بهر شما بر ستمکارگان چه بد بدلی است پیروی از فریب بد عملی است

مَا أَشْهَدْتُهُمْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَا خَلَقَ أَنْفُسِهِمْ وَمَا كُنْتُمْ تُتَّخَذُونَ عَضُدًا

موقع خلقت زمین و سما من گواهی نخواستم ز آنها نیز در آفرینش ایشان من شهادت نخواستم ز آنان من نگیرم ز گمرهان همکار

وَيَوْمَ يَقُولُ نَادُوا شُرَكَائِيَ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ مَوْبِقًا

حق بگوید به مشرک این گفتار آن خداها که داشتید گمان با ندایی کنید دعوتشان نپذیرند دعوت آنان مهلکی افکنم میانه‌اشان

وَرَاءَ الْمُجْرِمُونَ النَّارَ فَظَنُّوا أَنَّهُمْ مُوَاقِعُوهَا وَلَمْ يَجِدُوا عَنْهَا مَصْرَفًا

مجرمان بنگرند نار جز او ببینند وصل با او را و ندارند چاره‌ای از آن که بسوزند زار در نیران

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ  
الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا

گونه‌گون آوریم در قرآن هر مثل را برای آدمیان  
هست انسان به این پیام و مقال از همه چیز بیشتر به جدال

چیست مانع به خلق از ایمان؟ چونکه آمد هدایت از رحمان  
تا بخواهند از خدا غفران ورنه آید ز حق سوی ایشان  
سرگذشت گذشتگان به شتاب و بگردند رو برو به عذاب

وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ وَيَسْتَغْفِرُوا  
رَبَّهُمْ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمْ سُنَّةٌ الْأَوَّلِينَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ قُبُلًا

۵۵

انبیا را نداشتیم گسیل‌جز به بیم و امید [ربّ جلیل  
کافران را به باطل است جدال تا که حق را کنند محو و زوال  
نیز هشدار آیه‌های مرا بگرفتند جمله استهزا

وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَيُجَادِلُ  
الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ وَاتَّخَذُوا آيَاتِي  
وَمَا أَنْذَرُوا هُزُوعًا

۵۶

کیست بدتر از او به راه جفا؟ که به تذکار آیه‌های خدا  
[زین همه لطف گشت رو گردان کار خود را فکند در نسیان  
پرده افکنده‌ایم بر دلشان تا نفهمند آن پیام و نشان  
شد از آن گوشه‌ایشان سنگین که ندارند از خدا تمکین  
ور که دعوت کنیدشان به هدایه هدایت نمی‌رسند ابدًا

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ  
مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ  
وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذًا  
أَبَدًا

۵۷

هست یزدان رحیم و ذو غفران‌گر که می‌خواست زود  
کیفرشان  
می‌فرستاد بهرشان به شتاب‌لیک دارند موعدی به عذاب  
که از آن هیچ نیست راه فرار

وَرَبُّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذُهُمْ بِمَا كَسَبُوا لَعَجَلْ  
لَهُمُ الْعَذَابُ بَلْ لَهُمْ مَوْعِدٌ لَّنْ يَجِدُوا مِنْ دُونِهِ مَوْيلًا

۵۸

و انهمه در گذشته شهر و دیار  
شد هلاک از پی ستم در خاک و نهادیم موعدی به هلاک

وَتِلْكَ الْقُرَىٰ أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ  
مَوْعِدًا

۵۹

چونکه موسی بگفت بهر جوان‌من بمانم در این طریق روان  
تا رسم مجمع دو دریا رایا رهی دور را شوم پویا

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِفَتَاهُ لَا أَبْرَحُ حَتَّىٰ أَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ  
أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا

۶۰

۲۶۰

چون رسیدند آن دو تن به مکان‌پس فراموش گشت  
ماهی‌شان  
[ماهی از دستشان چو گشت رها] راه خود را گرفت در دریا

فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ بَيْنِهِمَا نَسِيَا حُوتَهُمَا فَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي  
الْبَحْرِ سَرَبًا

۶۱

فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتْنِهِ ءَاتِنَا غَدَاءَنَا لَقَدْ لَقِينَا مِنْ سَفَرِنَا هَذَا نَصَبًا

چون گذشتند گفت بهر جوان که بیاور غذا و ماهی مان  
زین سفر رنجها بیاوردیم

گفت وقتی به صخره جا کردیم

پس فراموش گشت ماهی مان بود نسیان دسیسه‌ی شیطان  
تا نیارم به یاد وین چه شگفت ماهی از بحر راه خویش گرفت

قَالَ أَرَأَيْتَ إِذْ أَوَيْنَا إِلَى الصَّخْرَةِ فَإِنِّي نَسِيتُ الْحُوتَ وَمَا أَنسَنِيهِ إِلَّا الشَّيْطَانُ أَنْ أَذْكُرَهُ وَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ عَجَبًا

قَالَ ذَٰلِكَ مَا كُنَّا نَبِغُ فَأَرْتَدَّا عَلَىٰ ءِثَارِهِمَا قَصَصًا

گفت این است بهر ما دلخواه باز گشتند پی سپار از راه

فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا ءَاتِيْنَهُ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَّدُنَّا عِلْمًا

پس بدیدند بنده‌ای در پیش که به او داده ایم رحمت خویش  
نیز تعلیم داده ایم او را دانشی را که بود جانب ما

قَالَ لَهُ مُوسَىٰ هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَ مِنِّي مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا

گفت موسی که از تو جویم راهز آنچه را گشته‌ای از آن آگاه

قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا

گفت با من شکیب نتوانی

وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ ۗ خُبْرًا

چه شکیبی بر آنچه نادانی؟

قَالَ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَلَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا

گفت بینی ز من شکیبایی پیروی دارم آنچه فرمایی  
و نپیچم تو را سر از فرمان گر که خواهد خدای عالمیان

قَالَ فَإِنِ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْأَلْنِي عَنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ أُحْدِثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا

گفت در پیروی مکن تو سؤال خود بگویم هر آنچه گردد حال

فَأَنْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا رَكِبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا ۖ قَالَ أَخَرَقْتَهَا لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا إِمْرًا

شد روان و سپس به کشتی جست و از آن نیز تخته‌ای  
بشکست  
گفت اهلش شوند غرقه به آب به یقین کرده‌ای تو کار خراب

قَالَ أَلَمْ أَقُلْ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا

گفت آیا نگفتمت با من نیست با تو شکیب بهر سخن؟

قَالَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا نَسِيتُ وَلَا تُرْهِقْنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا

گفت بر من مگیر از این نسیان و مشو سختگیر بر من از آن

فَأَنْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا لَقِيَا غُلَامًا فَقَتَلَهُ ۖ قَالَ أَقْتَلْتَنِي نَفْسًا وَرَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ لَّقَدْ جِئْتَ شَيْئًا نُكْرًا

پس برفتند و نوجوانی را کشت در راه و گفت پس موسی  
می‌کشی بی‌گناه نفسی را؟ به یقین کرده‌ای تو کار خطا

قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا

گفت آیا نگفتمت با من؟ نیست بر تو شکیب بهر سخن

۷۶

قَالَ إِنْ سَأَلْتِكَ عَنْ شَيْءٍ بَعْدَهَا فَلَا تُصَحِّبْنِي ۖ قَدْ بَلَغْتَ  
مِنَ لُدِّي عُدْرًا

گفت گر پرسشی کنم پس از این عذر داری به من مباش  
قرین

۷۷

فَأَنْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا أَتَيَا أَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتَطَعَمَا أَهْلَهَا فَأَبَوْا أَنْ  
يُضَيِّفُوهُمَا فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ يَنْقُضَ فَأَقَامَهُ ۖ  
قَالَ لَوْ شِئْتَ لَتَّخَذْتَ عَلَيْهِ أَجْرًا

سوی اهل دهی شدند روان و غذا خواستند از ایشان  
که از اطعام داشتند ابا بود دیوار ما یلی آنجا  
پس به پا راست داشت آن دیوارگفت اگر خواهی اجر گیر ز  
کار

۷۸

قَالَ هَذَا فِرَاقُ بَيْنِي وَبَيْنِكَ ۚ سَأُنَبِّئُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ  
تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا

گفت این شد جدایی تو و من زود گویم ز رمز و راز سخن  
چون نبودت شکیب در این کار

۷۹

أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسْكِينٍ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ فَأَرَدْتُ  
أَنْ أَعِيبَهَا وَكَانَ وَرَاءَهُمْ مَلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا

بود کشتی ز مردمی نادار  
کار این جمع هست در دریازار و معیوب خواستم آن را  
پادشاهی است در پی ایشان هر چه کشتی است گیرد از  
آنان

۸۰

وَأَمَّا الْغُلَامُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنَيْنِ فَخَشِينَا أَنْ يُرْهِقَهُمَا  
طُغْيَانًا وَكُفْرًا

مام و باب است از برای جوان کاندو هستند پاک و با ایمان  
و از این نوجوان شوند ایشان راهی راه کفر و هم طغیان

۸۱

فَأَرَدْنَا أَنْ يُبَدِّلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِّنْهُ زَكَاةً وَأَقْرَبَ رُحْمًا

خواستیم تا به آن دو حی احد طفل پاک و رحیم تر بدهد

۸۲

وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ  
كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا  
أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِّنَ رَبِّكَ ۚ وَمَا فَعَلْتُهُ  
عَنْ أَمْرِي ۚ ذَٰلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا

بود دیوار از دو طفل یتیم زیر دیوار گنج بود مقیم  
پدر این دو هست نیکوکار چون شوند از بلوغ برخوردار  
خواست حق تا برآورد آن را و همین هست رحمتی ز خدا  
من نکردم به میل این تأویل بهر کاری که داشتی تعجیل

۸۳  
۲۶۲

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ ذِي الْقُرْنَيْنِ ۖ قُلْ سَأَتْلُوا عَلَيْكُمْ مِّنْهُ  
ذِكْرًا

از تو خواهند ذکر ذی القرنین گو که آرام از او سخن در بین

إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَءَاتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا

مکتتش داده‌ام به روی زمین‌نیز هر چیز در ره تمکین

۸۵ فَأَتْبَعَ سَبَبًا

و پس از این وسایل چندین‌پیروی کرد از ره تمکین

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ

رفت جایی که مهر گشت نهان‌یافت در چشمه‌ای گل آلود آن  
و در آن جا بدید قومی را پس بگفتیم بهر او کاینجا  
یا برایشان فرود آر عذاب‌یا رهی را بگیر خوب و صواب

۸۶

وَوَجَدَ عِنْدَهَا قَوْمًا قُلْنَا يَبْدَأُ الْقُرْنَيْنِ بِمَا آتَىٰ تَعَذَّبَ وَإِنَّمَا  
أَنْ تَتَّخِذَ فِيهِمْ حُسْنًا

گفت آن کس که شد به راه ستم‌زود در این جهان عذاب  
کنم  
باز سوی خدا رود به عذاب و چه سخت است آن عذاب و  
عقاب

۸۷

قَالَ أَمَّا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نَعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ  
عَذَابًا نُكْرًا

و انکه مؤمن شد و نکوکردار هست از مهر و خیر برخوردار  
و بگوییم بهر او فرمان‌حکم و امری که باشدش آسان

۸۸

وَأَمَّا مَنْ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جَزَاءُ الْحُسْنَىٰ وَسَنَقُولُ  
لَهُ مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا

و پس از این وسایل چندین‌پیروی کرده از ره تمکین

۸۹

ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا

رفت جایی که مهر از آن زد سردید قومی که نیستش مستر

۹۰

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطْلُعُ عَلَىٰ قَوْمٍ لَمْ  
نَجْعَلْ لَهُمْ مِنْ دُونِهَا سِتْرًا

آنچنان رفت و بوده‌ایم آگاه‌ز آنچه بودش ز عز و نعمت و جاه

۹۱

كَذَلِكَ ۗ وَقَدْ أَحْطْنَا بِمَا لَدَيْهِ خُبْرًا

و پس از این وسایل چندین‌پیروی کرد از ره تمکین

۹۲

ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا

بین دو سدّ به عده‌ای برسیدکه سخن هیچکس نمی‌فهمید

۹۳

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمَا قَوْمًا لَّا  
يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا

پس بگفتند لشکر یا‌جوج‌کند افساد ارض چون مأجوج  
شود آیا که از هزینه‌ی ما؟ سدّ بسازی تو بین ما و آنها

۹۴

قَالُوا يَبْدَأُ الْقُرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي  
الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ  
سَدًّا

گفت تمکین حق بود بهترپس شوید از توان مرا یاور  
بیتان تا نهیم سدّ سدید

۹۵

قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ  
وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا

به من آرید پاره‌های حدید  
تا میان دو کوه را پوشیدگفت پس در میان آن بدمید  
آتش از آن میان نمود پدیدپس بگفتا مس مذاب آرید  
تا بریزیم بر فراز حدید[و چنین کرد و ساخت سدّ سدید]

۹۶

ءَاتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ ۗ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ  
أَنْفُخُوا ۗ حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ ءَاتُونِي أُفْرِغْ عَلَيْهِ قِطْرًا

تتوانست کس رود بالایا کند نقب و روزنی آن را

۹۷

فَمَا اسْطَعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَعُوا لَهُ نَقْبًا

قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِّن رَّبِّي فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ  
وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا

گفت این رحمت است از رحمان چون رسد نیز وعده‌ی یزدان می‌کند سخت جمله را ویران و درست است وعده‌ی یزدان

وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ  
فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا

و رها می‌کنیم فوج به فوج می‌زنند آن گروه در هم موج پس دمیده شود به صور و از آن‌گرد آریم جمع آدمیان

وَعَرَضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِّلْكَافِرِينَ عَرْضًا

عرضه داریم نار بر کفار

الَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي غِطَاءٍ عَن ذِكْرِي وَكَانُوا لَا  
يَسْتَطِيعُونَ سَمْعًا

چونکه دارند پرده بر دیدار و ندارند قدرتی به شنود [بهر ذکر و کلام حی و دود]

أَفَحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَن يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِن دُونِي  
أَوْلِيَاءَ إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِّلْكَافِرِينَ نُزُلًا

کافران در گمان شدند آیا؟ که بگیرند اولیا چو خدا جز خدا آن عباد بر دادار هست آماده نار بر کفار

قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا

گو شما را کنون کنم اخبار که زیانکارتر که شد در کار؟

الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ  
يُحْسِنُونَ صُنْعًا

آنکه در زندگانی دنیاگم شود همت و تلاش او را و گمان می‌کند که در آن حال حسنات است بهر او اعمال

أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ  
أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا

کافرانند بر نشان خداهم به دیدار او به روز جزا پس تباه است کرده‌ی ایشان و بنا نیست بهرشان میزان

ذَلِكَ جَزَاءُهُمْ جَهَنَّمَ بِمَا كَفَرُوا وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَرُسُلِي  
هُزُؤًا

دوزخ آمد برای کفر جزاسخره بر آیه و رسول خدا

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ  
الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا

آنکه شد مؤمن و نکو اعمال پس به فردوس باشدش انزال

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا

ماندگارند جاودانه در آن و نخواهند هیچ نقل مکان

قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِّكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَن  
تُنْفَذَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا

آب دریا اگر شود جوهر بر سخنهاى خالق اكبر گو به پایان خود رسد دریاو نگردد تمام حرف خدا و ر ز بحر دگر رسد به مدد [هم به پایان حرف حق نرسد]

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌُ  
وَاحِدٌ فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا  
وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ ۚ أَحَدًا

گو منم یک بشر به مثل شماوحی آید به سوی من ز خدا که خدای شماست حی احدهر که دیدار ربّ خود خواهد بایدش کار صالح و به نمازبر خدایش نیاورد انباز



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
كَهَيْعَصَ

۱  
۲۶۴۲

[کاف و ها یا و عین و صاد آمدرازی از کردگار بر احمد]

ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُ وَ زَكْرِيَّا

۲

یادی از خیر حق به بنده‌ی اوزکریا [که بود عبد نکو]

إِذْ نَادَى رَبَّهُ وَ نِدَاءً خَفِيًّا

۳

چونکه پروردگار را به ندابه نهان خواند [آن نبی خدا]

قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَ أَسْتَعَلُّ الرَّأْسَ شَيْبًا وَ لَمْ  
أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا

۴

گفت یا ربّ شد استخوانم سست بر سرم شعله‌های پیری  
رست  
و دعایت نگشت از من فوت

وَ إِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَ كَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ  
لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا

۵

ترسم از قوم و خویش بعد از موت  
همسر من زنی بود نازاجانشینی به من عطا فرما

يَرْثُنِي وَيَرْثُ مِنْ عَالٍ يَعْقُوبُ ۗ وَ أَجْعَلُهُ رَبِّ رَضِيًّا

۶

وارث ما و آل اسرائیل هم پسندیده‌ی خدای جلیل

يٰۤاِزْكُرِيَّا اِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اَسْمُهُ يَحْيٰى لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ  
قَبْلُ سَمِيًّا

۷

زکریا تو راست مژده ز مپسری کاسم او بود یحیی  
و نبودست بهر او همنام

قَالَ رَبِّ اَنْتَ اَنْتَ يَكُوْنُ لِي غُلَامٌ وَ كَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا وَ قَدْ  
بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا

۸

گفت پرورم کجاست ای علام  
همسر من زنی بود نازانیز فرتوتی است حال مرا

قَالَ كَذٰلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلٰى هٰٓئِنُّ وَقَدْ خَلَقْتُكَ مِنْ قَبْلُ  
وَ لَمْ تَكُ شَيْئًا

۹

گفت آری شدست حال چنان‌لیک این کار بر من است آسان  
پیش از این ساختم تو را موجودکه نبودت نشانه‌ای ز وجود

قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِيٓ اٰیَةً ۗ قَالَ اٰیٰتُكَ اِلَّا تُكَلِّمُ النَّاسَ  
تِلْكَ لَيَالٍ سَوِيًّا

۱۰

گفت پرورم نشانه‌ای بگذارگفت اینت نشانه از دادار  
که نگویی سه شب به خلق سخن و ترا هیچ عیب نیست به  
تن

فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ فَأَوْحٰى اِلَيْهِمْ اَنْ سَبِّحُوْا  
بُكْرَةً وَّ عَشِيًّا

۱۱

پس برآمد به قوم از محراب‌پس چنین کرد بهر خلق خطاب  
که به تسبیح او شوید تمام‌موقع بامداد و موقع شام

يٰحَيُّ خُذِ الْكِتٰبَ بِقُوَّةٍ ۗ وَّءَاتَيْنٰهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا

با توان گیر نامه را یحیی حکم دادم به کودکی او را

وَحَنَانًا مِّنْ لَّدُنَّا وَزَكٰوَةً ۗ وَّكَانَ تَقِيًّا

مهر دادم ز نزد خود او رانیز پاکی و بود با تقوا

وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا

بود بر والدین نیکوکار و نبودست عامی و جبار

وَسَلَّمَ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا

وقت میلاد و مرگ باد سلام بهر او نیز وقت بعث و قیام

وَاذْكُرْ فِي الْكِتٰبِ مَرْيَمَ ۗ اِذْ اُنْتَبَذَتْ مِنْ اَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا

یاد کن در کتاب مریم را چونکه از اهل خویش گشت جدا  
و گزین کرد جای شرقی را

فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا اِلَيْهَا رُوْحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا

بینشان پرده ای گرفت فرا  
سوی او روح داشتیم گسیل بشری بیعیوب در تمثیل

قَالَتْ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِالرَّحْمٰنِ مِنْكَ ۗ اِنْ كُنْتَ تَقِيًّا

گفت آرم پناه بر رحمان گر تو باشی ز جمع متقیان

قَالَ اِنَّمَا اَنَا رَسُوْلٌ رَّبِّكَ لِاَهْبَ لَكَ غُلٰمًا زَكِيًّا

گفت من مرسلم ز سوی خداپسری پاک می دهیم تو را

قَالَتْ اَنْىٰ يَكُوْنُ لِيْ غُلٰمٌ وَلَمْ يَمَسِّنِيْ بَشَرٌ وَلَمْ اَكْ بِغِيًّا

گفت مریم بود چگونه پسرکه مرا مس نکرده است بشر

قَالَ كَذٰلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلٰى هَيِّئٍ ۗ وَلَنَجْعَلُهٗ ؕ ؕ ؕ اٰيَةً لِّلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِّنَّا وَكَانَ اَمْرًا مَّقْضِيًّا

نیز آلوده هم نبودم من گفت آری به حق تو راست سخن  
هست این کار بر خدا آسان و بسازیم بهر خلق نشان  
آیت و رحمتی است از یزدان حال انجام یافت این فرمان

فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَذَتْ بِهٖ ۗ مَكَانًا قَصِيًّا

بارور گشت و پس کناره گزیدبرد آن حمل را به جای بعید

فَاجْءَهَا الْمَخَاضُ اِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ ۗ قَالَتْ يٰلَيْتَنِيْ مِتُّ قَبْلَ هٰذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَّنْسِيًّا

درد دادش به پای نخلی جاگفت ای کاش پیشتر زینها  
رفته بودم ز خانه ی دنیا و فراموش می شدم همه جا

فَنَادٰهَا مِنْ تَحْتِهَا اَلَّا تَحْزَنِيْ قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا

پس ندایی رسید از پایین که تو از ماجرا مباش غمین  
هست زیر تو چشمه ای از آب که به دشت جهان رود به  
شتاب

وَهٰزِيْ اِلَيْكَ جِذْعُ النَّخْلَةِ ۗ تُسْقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا جَنِيًّا

تنه ی نخل را بده تو تکان رطب تازه چیده افتد از آن

فَكُلِيْ وَأَشْرَبِيْ وَقَرِّيْ عَيْنًا ۖ فَمَا تَرَيْنَ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا  
فَقُولِيْ إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا

فَأَتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ ۗ قَالُوا يَمْرِيْمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا  
فَرِيًّا

يَأْتِخَتْ هَدْرُونَ مَا كَانَ أَبُوْكَ أَمْرًا سَوِيًّا وَمَا كَانَتْ أُمَّكَ  
بَغِيًّا

فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ ۗ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْأَمْهِدِ صَبِيًّا

قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ ۖ آتَانِي الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا

وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ  
مَا دُمْتُ حَيًّا

وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا

وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا

ذَٰلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ ۗ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ

مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ ۗ سُبْحٰنَهُ ۗ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا  
فَأِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ

وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَدَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ

فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ ۗ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ  
مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ

أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصِرْ يَوْمَ يَأْتُونَنَا لَكِنِ الظَّالِمُونَ الْيَوْمَ فِي  
ضَلٰلٍ مُّبِينٍ

خور و آشام و چشم روشن دارو کسی را اگر کنی دیدار  
گو که صوم سکوت دارم من و لب امروز بسته‌ام ز سخن

پس بیاورد نزد قوم پسرکودک خود گرفته بود به بر  
قوم گفتند خواهر هارون بس شگفت است کار تو اکنون

مریما باب تو نشد بدکارمادرت هم نبود بدکردار

کرد مریم اشاره بر فرزندمردمان در جواب او گفتند  
ما چگونه به او سخن گوئیم او به گهواره کودکی است مقیم

گفت من بنده‌ای از آن خداکه پیام و کتاب داد مرا

و مبارک کند مرا همه جانیز تا زنده‌ام در این دنیا  
به نماز و زکات کرد ایما

نیز نیکی به مام گفت مرا  
و نخواهد که من شوم جبارنه سیه روزگار بدکردار

وقت میلاد و مرگ باد سلام‌بهر من نیز وقت بعث و قیام

عیسی مریم است این فرزندسخن حق که شک در او دارند

نیست شایسته‌ی خداوندی‌که بگیرد کسان به فرزندی  
گذرد چونکه امر حی احدچون بگوید که باش پس باشد

او خداوندگار ما و شماستپس عبادت کنیدش این ره  
راست

گونه‌گون شد فریق در آراوای بر کافران به روز جزا

چون رسد دیدگاه روز عظیم‌چه سمیع و بصیر می‌آریم  
لیک اهل ستم به یوم‌الدین‌جمله هستند در ضلال مبین

وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

روز افسوس را بده هشدار آن زمانی که بگذرد همه کار خلق در غفلتند و نادانند و گریزان ز راه ایمانند

إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ

می‌بریم ارث ارض و ما فیها بازگشت همه بود سوی ما

وَأَذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا

و به یاد آر در کتاب خلیل بود صدیق و هم نبی جلیل

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا

با پدر گفت کای پدر تو چرا؟ عابدی بهر کور و ناشنوا و از آن هیچ نیست سود ترا

يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا

دانشی دارم و نبود تو را پیروی دار ای پدر تو مرادهمت من به راه راست هدا

يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا

پدرم پیروی مکن شیطان که بود بر خدای نافرمان

يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِّنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا

ترسم از حق رسد به تو کیفرشود ابلیس پس تو را یاور

قَالَ أَرَأَيْتَ إِنْ جَاءَنِي مِنَ الْهَيْئَةِ يَا إِبْرَاهِيمُ لَئِن لَّمْ تَنْتَهَ لِأَرْجَمَنَّكَ وَأَهْجُرَنِي مَلِيًّا

گفت اعراض داری ابراهیم؟ ز آنچه ما سوی او نماز آریم باز هم گر شوی تو رو گردانندهی راه خویش را پایان سنگسارت کنیم و هم مهجور دیرگاهی ز من بمانی دور

قَالَ سَلَّمَ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا

گفت بر تو سلام از یزدان زود خواهیم برای تو غفران به یقین مهربان بود با من و پذیرد ز من دعا و سخن

وَأَعْتَزِلْكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُوا رَبِّي عَسَىٰ أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا

دور مانم من از شما یکسو و آنچه خوانیدشان بجز داور ربّ خود را دعا کنم شایداین دعا راه خیر بگشاید

فَلَمَّا أَعْتَزَلْتَهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُوَ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا

چون کناره گرفت آنان را که پرستید قوم غیر خدا دادم اسحاق و نیز اسرائیل بهر او آن پیمبران جلیل

وَوَهَبْنَا لَهُم مِّن رَّحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُم لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا

لطف خود داده‌ایم بر ایشان نیز آوازه‌ای ز صدق بیان

وَأَذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مُوسَىٰ إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَكَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا

یاد کن در کتاب از موسی مخلصی بود و هم رسول خدا

وَنَدَيْتَهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا

دادمش از یمین طور نداو به ما شد قریب با نجوا

۵۳

وَوَهَبْنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِنَا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا

رحمت خویش داشتیم [فزون به نبی و برادرش هارون

۵۴

وَأذْكَرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا

یاد کن در کتاب اسماعیل صادق الوعد آن رسول جلیل

۵۵

وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا

به نماز و زکات اهلش را امر می‌کرد آن رضی خدا

۵۶

وَأذْكَرُ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا

یاد کن از کتاب از ادريس نبی راستگوی و بی‌تلیس

۵۷

وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا

و نهادیم جای او والا

۵۸

سجده

مستحب

أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا ۝

آن کسانی که خدا  
انبیا از نواده‌ی آدم و انکه با نوح از بلا بردم  
نیز از دودمان پاک خلیل‌نیز از خاندان اسرائیل  
و انکه را برگزیده‌ام به هداچون بخوانند آیه‌های خدا  
پس در افتد به سجده‌ی یزدان وز خوف خدا [شود گریان

۵۹

حزب

۱۲۴

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا

پس از آنان بماند نسلی چندکه نماز خدا تبه کردند  
پیروان طریق نفس و هوی‌زود بینند بر ضلال جزا

۶۰

إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا

مؤمن تائب نکوکردار که درآید به جنت دادار  
می‌نبینند ذره‌ای بیداد

۶۱

جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًّا

ز آنچه حق داد وعده بهر عیاد  
جنت جاودانه‌ای است به غیب‌وعده‌های خدا رسد بی‌ریب

۶۲

لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا

نیست حرفی در آن به غیر سلام و بود رزقشان به صبح و به  
شام

۶۳

تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا

آن بهشت است ارث بهر عبادهر که شد متقی و پاک نهاد

۶۴

وَمَا تَنْزِيلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ ۖ لَهُ مَا بَيْنَ أَيْدِينَا وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ ۖ وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا

و نداریم آیه‌ای تنزیل‌جز به فرمان کردگار جلیل  
از پس و پیش و آنچه هست میان‌می‌نباشد خدای را نسیان

رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ  
لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا

ربّ ارض و سما و بینهماپس عبادت کنید بهر خدا  
صبر کن بر عبادتش آیاهیچ یابی سمی برای خدا؟

وَيَقُولُ الْإِنْسَانُ أَإِذَا مَا مِتُّ لَسَوْفَ أُخْرَجُ حَيًّا

و بگوید چنین بنی آدم چونکه مردم چگونه زنده شوم

أَوْ لَا يَذْكُرُ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ يَكُ شَيْئًا

می ندارد به یاد کاین آدم هیچ بودست و خلقتش کردم

فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ  
جَهَنَّمَ جِثِيًّا

به خدا جمع می کنیم آنان و به همراهشان بود شیطان  
پس به گرد جهنم آریشان و به زانو بیوفتند ایشان

ثُمَّ لَنَنْزِعَنَّ مِنْ كُلِّ شِيعَةٍ أَيُّهُمْ أَشَدُّ عَلَى الرَّحْمَنِ عِتِيًّا

پس ز هر دسته آوریم برون تا که عصیان به حق که داشت  
فزون

ثُمَّ لَنَحْنُ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ هُمْ أَوْلَىٰ بِهَا صِلِيًّا

نیز ما اعلیم از دگران کیست اولی به آتش سوزان

وَإِنْ مِّنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا

همه وارد شوید در نیران این بود حکم قطعی یزدان

ثُمَّ نُنجِي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا

پس نجات است بهر متقیان و به زانو ستمگر است در آن

وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ  
ءَامَنُوا أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَّقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا

چونکه شد خوانده آیه های خدا کافران را به مؤمن است ندا  
که کدام از دو فرقه نیکوتر در مقام و به مجلس و محضر

وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّن قَرْنٍ هُمْ أَحْسَنُ أَثْنًا وَرِعِيًّا

شد فنا پیش از این امم بسیار هم نکوتر به مکت و دیدار

قُلْ مَنْ كَانَ فِي الضَّلَالَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مَدًّا حَتَّىٰ إِذَا  
رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ  
هُوَ شَرُّ مَكَانًا وَأَضْعَفُ جُنْدًا

حق دهد مهلتی به گمراهان تا ببینند وعده یزدان  
یا به دنیا و یا به روز جزا زود ببینند کیفر خود را  
هم بدانند جای کیست بترو چه کس اضعف است در لشکر

وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى وَالْبَقِيَّةُ الصَّالِحَاتُ  
خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ مَّرَدًّا

آن کسی که گزید راه هدایق هدایت فزون کند او را  
کارهای نکو که هست مدا مبه بود در ثواب و در فرجام

أَفَرَأَيْتَ الَّذِي كَفَرَ بِآيَاتِنَا وَقَالَ لَأُوتِيَنَّ مَالًا وَوَلَدًا

دیدی آن را که کافرست آیا؟گفت قطعاً به من رسد اینجا مال بسیار و نیز فرزندان

۷۸ أَطَّلَعَ الْغَيْبَ أَمْ أُنْتَحَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا

آگه است او مگر ز علم نهران یا گرفتست از خدا پیمان

۷۹ كَلَّا سَنَكْتُبُ مَا يَقُولُ وَنَمُدُّ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ مَدًّا

می‌نویسیم هر چه داشت بیان ما عذابی به او دهیم مدید

۸۰ وَنَرِيهِ مَا يَقُولُ وَيَأْتِينَا فَرْدًا

هم ز او می‌بریم و اوست فرید

۸۱ وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا

و گرفتند جز خدا معبودبه گمانی که عز ایشان بود

۸۲ كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا

نه عباداتشان کنند انکارزود بر ضدشان کنند اظهار

۸۳ أَلَمْ تَرَ أَنَّا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تَؤُزُّهُمْ أَزًّا

شد شیاطین به اهل کفر گسیل‌تا به تحریکشان شوند دلیل

۸۴ فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَدًّا

پس بر آنان مدار هیچ شتاب‌ما همه کارشان کنیم حساب

۸۵ يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا

روز محشر به جانب رحمان جمع سازیم جمع متقیان

۸۶ وَنَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَى جَهَنَّمَ وِرْدًا

و برانیم ما گنه‌کاران همه را تشنه جانب نیران

۸۷ لَا يَمْلِكُونَ الشَّفْعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا

از شفاعت کسی نشد داراجز کسی که گرفت عهد خدا

۸۸ وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا

و بگویند داشت حق فرزند

۸۹ لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِدًّا

سخنی بس قبیح می‌آرند

۹۰ تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا

هست نزدیک اینکه ارض و سماشکنند یا شکافد از اینها و بریزند کوهها از جا

۹۱ أَنْ دَعَوْا لِلرَّحْمَنِ وَلَدًا

که ولد آورند بهر خدا

۹۲ وَمَا يَنْبَغِي لِلرَّحْمَنِ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا

نیست شایسته کردگار بلندکه بگیرد برای خود فرزند

۹۳ إِنَّ كُلُّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتِيَ الرَّحْمَنِ عَبْدًا

نیست چیزی در این زمین و سماجز که او بنده است بهر خدا

۹۴ لَقَدْ أَحْصَاهُمْ وَعَدَّهُمْ عَدًّا

به یقین حق شمارد آن‌ها را

۹۵ وَكُلُّهُمْ آتِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَرْدًا

همه تنها شوند روز جزا

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ  
وُدًّا

مؤمنی را که هست نیکوکاربهر او مهر می‌دهد دادار

فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لِئُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَنُنذِرَ بِهِ  
قَوْمًا  
لُدًّا

این به گفتار تو کنم آسان‌تا بشارت دهی به متقیان  
دشمنان را دهی به آن زنهار

وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّن قَرْنٍ هَلْ نُحِشُّ مِنْهُمْ مِّنْ أَحَدٍ أَوْ  
تَسْمَعُ لَهُمْ رِكْزًا

پیش از آنان هلاک شد بسیار  
هیچیک را تو حس کنی زیشان؟یا ندایی تو بشنوی ز آنان؟

۲۰ . طه طه: طه مکی ۱۳۵ آیه ۱۰ صفحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
طه

[ط و ها این دو حرف کاغاز استبین حق و رسول او راز  
است

مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْءَانَ لِتَشْقَى

نفرستیم بر تو این قرآن‌که بیفتی به رنج و سختی از آن

إِلَّا تَذَكَّرَ لِمَنْ يُحْشَى

بلکه هست این کتاب ما تذکاربهر آن کس که ترسد از دادار

تَنْزِيلًا مِّمَّنْ خَلَقَ الْأَرْضَ وَالسَّمَوَاتِ الْعُلَى

نازل است از خدای بی‌همتاخالق ارض و آسمان علا

الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ أُسْتَوَى

بهر رحمان به عرش استیلاست

لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ  
الْأَرْضِ

و از او آنچه در زمین و سماست  
و آنچه در بین این دو گشته مکین و آنچه باشد نهان به زیر  
زمین

وَإِنْ تَجَهَّرَ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَى

آشکارا اگر کنند بیان‌داند او کل آشکار و نهان

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى

نیست غیر از خدا دگر معبودنامهای نکوست بهر ودود

وَهَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى

نشیدی تو قصه‌ی موسی؟

إِذْ رَأَى نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَّعَلِّي  
ءَاتِيكُمْ مِنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجْدُ عَلَى النَّارِ هُدًى

نار را دید و گفت اهلش را  
دیدهام آتشی کنید شکیب‌کاورم بهرتان کمی ز لهیب  
یا که یابم ز نار نور هدا

فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ يَمُوسَى

چونکه آمد بگفت یا موسی

إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى

من خدای توام تو کفش بر آروادی قدس را تو پا بگذار



وَأَنَا أَخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَىٰ

من تو را برگزیدم ای موسی‌گوش کن آنچه وحی هست تو را

إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي

من خدا هستم و کسی جز من نیست شایان به بندگی کردن  
پس به من آورید راز و نیازو به یادم به پا کنید نماز

إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أُخْفِيهَا لِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسَعَىٰ

به یقین می‌رسد به روز جزاگر چه مخفی کنیم ما آن را  
می‌رسد بهر هر کسی پاداش‌هر عمل را که داشته است  
تلاش

فَلَا يَصُدُّكَ عَنْهَا مَنْ لَّا يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَتَرْدَىٰ

آنکه ناباور و مطیع هواست‌هان نگرداندت ز شیوهی راست  
که ز اغوای او شوی نابود[پیروی کن از آن چه حق فرمود]

وَمَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَا مُوسَىٰ

چیست در دست راستت موسی؟

قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّوْا عَلَيَّهَا وَأَهْشُوا بِهَا عَلَيَّ غَنَمِي وَلِي فِيهَا مَنَازِبٌ أُخْرَىٰ

گفت در دست راست است عصا  
که بر این [چوب خشک تکیه کنم‌برگ ریزم از آن برای غنم  
نیز حاجات دیگری است مرا

قَالَ أَلْقَاهَا يَا مُوسَىٰ

گفت آن را بیفکن ای موسی

فَأَلْقَاهَا فَإِذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعَىٰ

پس بیفکند و گشت مار روان

قَالَ خُذْهَا وَلَا تَخَفْ سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَىٰ

گفت خائف مشو بگیر همان  
ما به شکل نخست باز آریم

وَأَضْمُمُ يَدَكَ إِلَىٰ جَنَاحِكَ تَخْرُجَ بَيَّضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ ؕ آيَةٌ أُخْرَىٰ

دست خود را به جیب دارضمیم  
پس برآید سفید بی‌خطری‌از من این است آیت دگری

لِئُرِيكَ مِنْ آيَاتِنَا الْكُبْرَىٰ

تا نشانت دهیم ای موسی‌باز آیات برتر خود را

أَذْهَبَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ

سوی فرعون رو که شد طاغی

قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي

گفت بگشا تو سینه‌ام ربی

وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي

نیز کار مرا بکن آسان

وَأَحْلَلْ عُقْدَةً مِّن لِّسَانِي

بر گشا این گره مرا ز زبان

يَفْقَهُوا قَوْلِي

تا که روشن شود مرا گفتار

وَأَجْعَلْ لِّي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِي

تو وزیری ز اهل من بگذار

هَارُونَ أَخِي

هست آن کس برادرم هارون

أَشَدُّ بِهِ أَرْزِي

و به او قدرتم بکن افزون

وَأَشْرِكُهُ فِي أَمْرِي

و بکارم شریک کن او را

كَيْ نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا

بیش تسبیح تو کنیم ادا

وَنَذْكُرَكَ كَثِيرًا

و فراوان کنیم یاد تو را

إِنَّكَ كُنْتَ بِنَا بَصِيرًا

و تو هستی ز حال ما بینا

قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَا مُوسَىٰ

گفت دادیم خواهشت یکسر

وَلَقَدْ مَنَّا عَلَيْكَ مَرَّةً أُخْرَىٰ

بر تو منت نهیم بار دگر

إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّكَ مَا يُوحَىٰ

سوی مامت رسید وحی از ما

أَنْ أَقْذِفِيهِ فِي التَّابُوتِ فَآقْذِفِيهِ فِي الْيَمِّ فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ  
بِالسَّاحِلِ يَأْخُذْهُ عَدُوٌّ لِي وَعَدُوٌّ لَهُ ۗ وَالْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً  
مِّنِّي وَلِتُصْنَعَ عَلَىٰ عَيْنِي

۳۹

که بیفکن به جعبه‌ای او را

پس بیفکن تو جعبه در دریایم به ساحل بیفکند او را  
گیرد آن جعبه دشمن وی و من خواستم تا به خانه‌ی دشمن  
افکنم در دلت محبت من و کنی رشد با عنایت من

إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَن يَكْفُلُهُ ۗ  
فَرَجَعْنَاكَ إِلَىٰ أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ ۗ وَقَتَلْتَ نَفْسًا  
فَنَجَّيْنَاكَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنَّاكَ فُتُونًا ۗ فَلَبِثْتَ سِنِينَ فِي أَهْلِ  
مَدْيَنَ ثُمَّ جِئْتَ عَلَىٰ قَدَرٍ يٰمُوسَىٰ

۴۰

راه می‌رفت خواهرت آنجاگفت هان من شوم دلیل شما  
به کسی کو شود به طفل کفیل داشتیمت به سوی مام گسیل  
تا شود چشم مادرت روشن و نباشد غمین [در آن مسکن  
و بکشتی تو آدمی را هم‌ما رها ساختیمت از هر غم  
آزمودیم ما ترا به فتن‌سالها مانده‌ای تو در مدین  
پس رسیدی به وقت یا موسی

برگزیدم برای خویش تو را

وَأَصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي

۴۱

با نشان و برادرت تو برو

أَذْهَبُ أَنْتَ وَأَخُوكَ بِآيَاتِي وَلَا تَنِيَا فِي ذِكْرِي

۴۲

[هم زیاد خدا تو سست مشو]  
سوی فرعون رو که شد خودکام

أَذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ

۴۳

و بگویند حرف خود آرام  
شاید او اهل پند و ترس شود

فَقُولَا لَهُ ۖ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ ۖ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَحْشَىٰ

۴۴

پس بگفتند ای خدای احد  
می‌هراسیم اگر کند آزاریا به طغیان او شویم دچار

قَالَا رَبَّنَا إِنَّنَا نَخَافُ أَنْ يَفْرُطَ عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يَطَّعَىٰ

۴۵

گفت حق با شما منم همدم‌مهراسید بینم و شنوم

قَالَ لَا تَخَافَا إِنَّنِي مَعَكُمَا أَسْمَعُ ۖ وَأَرَىٰ

۴۶

پس به نزدش روید و برگویدما رسولیم از خدای وحید  
همره ما کنون بدار گسیل‌قوم مظلوم آل اسرائیل  
و مده تو عذابشان دیگرآیت آورده‌ایم از داور  
و سلامی به پیروان هدا

فَأْتِيَاهُ فَقَوْلَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا  
تُعَذِّبُهُمْ ۗ قَدْ جِئْنَاكَ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكَ ۗ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ مَنِ اتَّبَعَ  
الْهُدَىٰ

۴۷

به یقین وحی شد به جانب ما  
هر که سر پیچد و کند تکذیب‌آیه‌های خدا شود تعذیب

إِنَّا قَدْ أُوحِيَ إِلَيْنَا أَنَّ الْعَذَابَ عَلَىٰ مَن كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ

۴۸

گفت پس کیست ربّتان موسی؟

قَالَ فَمَنْ رَبُّكُمَا يٰمُوسَىٰ

۴۹

گفت پروردگار ماست خدا  
همه چیز آفرید و داد هدا

قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَىٰ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ۖ ثُمَّ هَدَىٰ

۵۰

گفت پس چیست حال پیش از ما؟

قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُونِ الْأُولَىٰ

۵۱

قَالَ عَلِمَهَا عِنْدَ رَبِّي فِي كِتَابٍ لَا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنْسَى

گفت علمش بود به نزد خدانه فراموش و گم کند او را  
ثبت گشته است در کتاب قضا [و خدا آگه است از آن تنها]

۵۳

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا  
وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّنْ نَّبَاتٍ  
شَتَّىٰ

این زمین مهد ساخت بهر شماره گشودست بهرتان ز آنجا  
و ببارید از آسمان باران و برآریم هر گیاه از آن

۵۴

كُلُوا وَارْعَوْا أَنْعَمَكُمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ

ز آن خور و چارپا ببر به چراهست در آن نشان به اهل آنها

۵۵

مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً  
أُخْرَىٰ

در زمین است خلق و عود شماو برآریم باز از آنجا

۵۶

وَلَقَدْ أَرَيْنَاهُ آيَاتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ وَأَبَىٰ

داده‌ایم بسی ز آیه نشان منکر جمله گشت رو گردان

۵۷

قَالَ أَجِئْتَنَا لِيُخْرِجَنَا مِنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِكَ يَا مُوسَىٰ

گفت آبی که آوری بیرون خلق را از دیار با افسون؟

۵۸

فَلَنَأْتِيَنَّكَ بِسِحْرِ مِثْلِهِ ۗ فَأَجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ مَوْعِدًا لَا  
نُخْلِفُهُ ۗ وَنَحْنُ وَلَا أَنْتَ مَكَانًا سُوًى

پس بیارم فسون ترا چون این موعدی بین ما بکن تعیین  
که نباشد تخلفی از آن و آن بود بهر ما و تو یکسان

۵۹

قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمَ الزَّيْتَةِ وَأَنَّ مُجَشِّرَ النَّاسِ ضَحَىٰ

گفت میعاد روز آذین دان گرد آیند چاشتگاه کسان

۶۰

فَتَوَلَّىٰ فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ كَيْدَهُ ثُمَّ أَتَىٰ

رفت فرعون و کید افزون کردسوی آن جایگاه روی آورد

۶۱

قَالَ لَهُم مُّوسَىٰ وَيَلِكُمْ لَا تَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا  
فَيُصْحِتَكُمْ بِعَذَابٍ ۖ وَقَدْ خَابَ مَنِ افْتَرَىٰ

گفت موسی که وای بهر شما چونکه بهتان نهید بهر خدا  
با عذابی همه هلاک شویدمفتری زود می‌شود نومید

۶۲

فَتَنَزَعُوا أَمْرَهُم بَيْنَهُمْ وَأَسْرُوا النَّجْوَىٰ

پس فتاد اختلاف آنان رانیز کردند در نمان نجوا

۶۳

قَالُوا إِنْ هَٰذَانِ لَسَاحِرَانِ يُرِيدَانِ أَنْ يُخْرِجَاكُم مِّنْ  
أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِمَا وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ الْمُثَلَىٰ

کاین دو ساحر به حيله و افسون همه را زین زمین کنند  
برون  
رسمتان را ز راه بردارند

۶۴

فَأَجْمِعُوا كَيْدَكُمْ ثُمَّ آتُوا صَفًّا ۖ وَقَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَن  
أَسْتَعَلَىٰ

گرد آید حيله و ترفند  
و بیایید در صفی کامروز هر که برتر شود شود پیروز

قَالُوا يَمُوسَىٰ إِمَّا أَنْ تُلْقَىٰ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَىٰ

پس بگفتند بگن ای موسی یا نخست افکنیم ما آن را

قَالَ بَلْ أَلْقُوا فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَىٰ

گفت آن بگنید پس به گمان رشته و چوبها شدند روان

فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسَىٰ

ترس در جان خویش کرد احساس

قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَىٰ

پس بگفتیم برتری مهراست

وَأَلْقَىٰ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفُ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدُ سَاحِرٍ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَىٰ

آنچه در دست تست ساز رهپس ببلعید جمع ساخته‌ها  
 کانه سازند کید سحر استرفت ساحر به هر دیار و نرست

فَأَلْقَى السَّحْرَةَ سُجَّدًا قَالُوا ءَأَمَّنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَىٰ

اوفتادند ساحران به سجود [سجده از بهر کردگار ودود]  
 پس بگفتند مؤمنیم اکنون به خداوند موسی و هارون

قَالَ ءَأَمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ ءَاذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرِكُمْ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِمَّنْ خَلْفٍ وَلَا أَصْلَبَنَّكُمْ فِي جُدُوعِ النَّخْلِ وَلَتَعْلَمَنَّ آيِنَا أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْقَىٰ

گفت آیا بیاورید ایمان؟ پیش از اینکه دهم اجازه‌تان  
 او به سحر است اوستاد شماسحر را داده است یاد شما  
 می‌کنم دست و پا یمین و یساربه درختان زنیمتان بردار  
 تا بدانید که عذاب که راستو کدامین عذاب پا برجاست؟

قَالُوا لَنْ نُؤْتِرَكَ عَلَىٰ مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي فَطَرَنَا فَاقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا

پس بگفتند نیستت ترجیح‌بهر ما بر نشانه‌های صریح  
 به کسی کافریدمان سوگندحکم کن هر چه داری از ترفند  
 که بر این زندگی است این فرمان

إِنَّا ءَأَمَّنَّا بِرَبِّنَا لِيُغْفِرَ لَنَا خَطِيئَتَنَا وَمَا أَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ مِنَ السِّحْرِ وَاللَّهُ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ

ما به دادار آوریم ایمان  
 تا ببخشد گناه ما را اوو آنچه تحمیل کردی از جادو  
 و خدا بهتر است در هر کار همه فانی شوند و او ستوار

إِنَّهُ مَنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ

هر که مجرم رود سوی داداربهرش آماده است دوزخ و نار  
 نه رها از جزا شود به مماتنه که او بهره‌ای برد ز حیات

وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَٰئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَىٰ

هر که مؤمن شود سوی دادارگر که شایسته بود او را کار  
 بهر او هست پایه‌های بلند

جَنَّاتٍ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَٰلِكَ جَزَاءُ مَنْ تَزَكَّىٰ

باغهایی که جمله جاویدند  
 زیر اشجارش آبهای روان ماندگارند جاودانه در آن  
 هر که شد پاک از گناه و خطاین جزایی نکو بود او را

وَلَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي فَاصْرَبْ لَهُمْ  
طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا لَا تَخَفْ دَرَكًا وَلَا تَخْشَىٰ

وحی کردیم پس سوی موسی که شبانه ببر عباد مرا  
پس به دریا تو راهشان بگشانه ز پیگرد ترس نز دریا

رفت فرعون و لشکرش از پی‌بهر پوشاند او و لشکر وی

فَاتَّبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ بِجُنُودِهِۦ فَغَشِيَهُمْ مِّنَ الْيَمِّ مَا غَشِيَهُمْ ۗ ۷۸

کرد فرعون قوم خود گمراه ز هدایت نکردشان آگاه

وَأَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُۥ وَمَا هَدَىٰ ۗ ۷۹

آل یعقوب رستی از دشمن‌گشت میعاد طور و هم ایمن  
و بدادیم من و هم سلوی

يَبْنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ أَنْجَيْنَاكَ مِّنْ عَدُوِّكَمْ وَوَعَدْنَاكَ  
جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّٰنَ وَالسَّلْوَىٰ ۗ ۸۰

طیباتی که گشت رزق شما  
بخورید و فراز حد نرویدورنه خشمم شود به قوم پدید  
هر که را خشم من فرود آیدبه یقین ساقط است [در ره بد]

كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ  
عَلَيْكُمْ غَضَبِي ۗ وَمَن يَحِلِّ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ ۗ ۸۱

و ببخشم چو در انابت شد مؤمن و نیک و با هدایت شد

وَإِنِّي لَعَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَىٰ ۗ ۸۲

چیست باعث به کارت ای موسی؟ که شدی در شتاب قومت  
را

وَمَا أَعْجَلَكَ عَن قَوْمِكَ يٰمُوسَىٰ ۗ ۸۳

گفت اینان چون پیروان مننددر شتابم که تا شوی خرسند

قَالَ هُمْ أَوْلَاءِ عَلَىٰ أَثَرِي وَعَجِلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَىٰ ۗ ۸۴

گفت قومت بیازمود الله بعد تو کرد سامری گمراه

قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ ۗ ۸۵

سوی قومش روانه شد موسی‌خشمگین و غمین بگفت آیا؟  
وعدهی نیکتان نداد خداگشت طولانی از برای شما  
یا غضب خواستید از یزدان‌پس گذشتید از سر پیمان

فَرَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ يَقَوْمِ أَلَمْ  
يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعَدًّا حَسَنًا أَفَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ أَمْ  
أَرَدْتُمْ أَنْ يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُم  
مَّوْعِدِي ۗ ۸۶

پس بگفتند خلف این پیمان نیست از روی میل و خواهشمان  
بلکه یک توده زیور آوردیم و فکندیم و مجتمع کردیم  
بود القای سامری در کار [که به این معصیت شدیم دچار]

قَالُوا مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلِكِنَا وَلَكِنَّا حُمِلْنَا أَوْزَارًا مِّن  
زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَذَفْنَاهَا فَكَذَلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ ۗ ۸۷

فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُورٌ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمْ  
وَإِلَهُ مُوسَىٰ فَنَسِي

جسم گوساله‌ای پدید آورد که نوا داشت پس ندا آورد  
کاین برای شما بود یزدان ربّ موسی فتاد در نسیان

أَفَلَا يَرَوْنَ إِلَّا يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ قَوْلًا وَلَا يَمْلِكُ لَهُمْ ضَرًّا وَلَا  
نَفْعًا

پس نبینند اینکه این معبودپاسخیش از برای قوم نبود  
و ندارد به خلق سود و زیان

وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِنْ قَبْلُ يَقَوْمُ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ وَإِنَّ  
رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي

نیز هارون بگفت با ایشان  
که شما آزمون شوید به آن هست پروردگارتان رحمان  
پیرو من شوید و این فرمان

قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّىٰ يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَىٰ

پس بگفتند عاکفیم بر آن  
تا بیاید به سوی ما موسی

قَالَ يَهْرُونَ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا

پس به هارون بزد ندا موسی  
چون بدیدی که گم‌رهند ایشان

أَلَا تَتَّبِعَنِ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي

از چه با من شدی تو نافرمان  
سر بتابی ز حکم من آیا؟

قَالَ يَبْنَؤُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ أَنْ  
تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي

گفت ای پور مام من موسی  
از سروریش من تو دست بدار من بترسیدم از تو در گفتار  
که بگویی ره تو بود دلیل‌بهر تقسیم آل اسرائیل  
و نبودی محافظ گفتار

قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَا سَلْمِيءُ

گفت ای سامری چه بود این کار؟

قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِّنْ أَثَرِ  
الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا وَكَذَلِكَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي

گفت دیدم ندیده‌اند ایشان‌جای پای رسولی از یزدان  
برگرفتم فکندمش بر آن نفس من داد جلوه‌اش اینسان

قَالَ فَاذْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَإِنَّ  
لَكَ مَوْعِدًا لَّنْ نُخْلَفَهُ وَانْظُرْ إِلَىٰ إِلَهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ  
عَاكِفًا لَنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا

گفت موسی خطاب کن با ناس که نگیرند با تو هیچ تماس  
نیست در وعده‌ات خلاف و نگر به الاهت تو ای پرستشگر  
که بسوزانم این جسد اینجاو بپاشم بقیه در دریا

إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا

هست معبودتان حق یکتا غیر الله نیست هیچ خدا  
او محیط است بر همه اشیاوز همه چیزها بود دانا

كَذٰلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ اَنْبَاءِ مَا قَدْ سَبَقَ وَقَدْ آتَيْنٰكَ  
مِنْ لَدُنَّا ذِكْرًا

۲۰:  
طه  
۹۹  
۱۳۵/

این چنین با تو می‌کنم تبیین از خبرهای دوره‌ی پیشین  
آوریمت ز نزد خود قرآن

و آنکه شد زین کتاب رو گردان  
می‌کشد روز حشر بار گران

مَنْ اَعْرَضَ عَنْهُ فَاِنَّهُ يَحْمِلُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وِزْرًا

۱۰۰

ماندگارند جاودانه در آن  
بار روز قیامت است چه بد

خٰلِدِيْنَ فِيْهِ وِسَاءٌ لَّهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ جِمْلًا

۱۰۱

چونکه در صور هم دمیده شود  
جمع سازیم هر که مجرم بودبا بدن‌ها و چشمهای کبود

يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِيْنَ يَوْمِيْذٍ زُرْقًا

۱۰۲

پس بود بینشان چنین نجوا اینکه ده روز مانده‌اند آنجا

يَتَخَفَتُوْنَ بَيْنَهُمْ اِنْ لَبِثْتُمْ اِلَّا عَشْرًا

۱۰۳

ما چه داناتریم از آن گفتار نیز گوید بزرگشان در کار  
که به یک روز داشتند آن حال

نَحْنُ اَعْلَمُ بِمَا يَقُوْلُوْنَ اِذْ يَقُوْلُ اَمْثَلُهُمْ طَرِيْقَةً اِنْ لَبِثْتُمْ  
اِلَّا يَوْمًا

۱۰۴

و بپرسند از تو حال جبال  
گو خدا خرد می‌کند آن را

وَيَسْأَلُوْنَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّيْ نَسْفًا

۱۰۵  
۲۷۵ر

و به هامون بدل کند آنجا

فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا

۱۰۶

که در آن نیست هیچ پست و بلند

لَا تَرَىٰ فِيْهَا عِوَجًا وَّلَا اَمْتًا

۱۰۷

يَوْمِيْذٍ يَتَّبِعُوْنَ الدَّاعِيَ لَا عِوَجَ لَهُ وَّخَشَعَتِ الْاَصْوَاتُ  
لِلرَّحْمٰنِ فَلَا تَسْمَعُ اِلَّا هَمْسًا

۱۰۸

يَوْمِيْذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَعَةُ اِلَّا مَنْ اٰذِنَ لَهُ الرَّحْمٰنُ وَرَضِيَ  
لَهُ قَوْلًا

۱۰۹

از پس و پیش آگه است خداکس ندارد احاطه علمش را

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ اَيْدِيْهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَّلَا يُحِيْطُوْنَ بِهٖٓ عِلْمًا

۱۱۰

چهرها خاضعند بر قیوم‌حامل ظلم می‌شود محروم

وَعَنَتِ الْوُجُوْهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّوْمِ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا

۱۱۱  
حزب  
۱۲۸

صالحی را که بود با ایمان نیست ترسی ز جور و از نقصان

وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّٰلِحٰتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا  
وَّلَا هَضْمًا

۱۱۲

و چنین آوریم ما قرآن و به لفظ عرب کنیم بیان  
گونه‌گون بیم را کنیم ادا شاید ایشان شوند با تقوا  
یا که از بهرشان شود ایجاد بهره‌ای از تذکر و از یاد

وَكَذٰلِكَ اَنْزَلْنٰهُ قُرْءٰنًا عَرَبِيًّا وَصَرَّفْنَا فِيْهِ مِنَ الْوَعِيْدِ  
لَعَلَّهُمْ يَتَّقُوْنَ اَوْ يُحَدِّثُ لَّهُمْ ذِكْرًا

۱۱۳

فَتَعَلَى اللَّهِ الْمَلِكُ الْحَقُّ وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ  
أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَقُل رَّبِّ زِدْنِي عِلْمًا

حق بود خسرو بلند مکان و شتابی مدار در قرآن  
پیش از آنکه تراست وحی قضاگو خدا دانش مرا افزا

وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلِ فَنَسِيَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا

من از آدم گرفته‌ام پیمان‌پیش از اینها و هست در نسیان  
و ندیدیم بهر او تصمیم

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ  
أَبَىٰ

چون به جمع فرشتگان گفتیم  
که به آدم سر آورید فروددیو سرباز زد ز امر سجود

فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكَ  
مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَىٰ

پس بگفتیم این شد ای آدم‌بهر تو خصم بهر زوجت هم  
گر شما را برون کند ز جنان‌رنج و بدبختی است قسمت‌تان

إِنَّ لَكَ أَلًا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَىٰ

نه گرسنه شوید و نه عریان

وَأَنَّكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَصْحَىٰ

هم نه تشنه نه ز آفتاب نوان

فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَىٰ شَجَرَةٍ  
الْحُلْدِ وَمُلْكٍ لَا يَبْلَىٰ

وسوسه کرد بهر او شیطان‌گفت آدم تو را شوم رهبان  
به درختی که هست جاویدان و به ملکی که هست بی‌پایان

فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتَ لَهُمَا سَوْءَاتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ  
عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَىٰ آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَىٰ

پس بخوردند از آن و گشت عیان‌بهرشان شرم و عورت آنان  
و نهادند پوششی بر آن از ورقهای بوستان جنان  
گشت آدم به حق چو نافرمان‌پس به گمراهی اوفتاد از آن

ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ وَقَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَىٰ

پس خدایش گزیده کرد او راتوبه‌اش شد قبول و داد هدا

قَالَ أَهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فِيمَا  
يَأْتِيَنَّكُمْ مِّنِّي هُدَىٰ فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا  
يَشْقَىٰ

گفت پس از جنان شوید فروپاره‌ای‌تان به پاره‌ای‌ست عدو  
چون ز من سویتان رسید هداهر که تابع شود هدای مرا  
نشود تیره روز و نه گمراه هم مبرا بود ز لوث گناه

وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ  
يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَعْمَىٰ

و آنکه گرداند رو ز یاد خدامی‌شود تنگ زندگی او را  
و در آید به حشر نابینا

قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَىٰ وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا

و بگوید خدای را که چرا؟  
کور گشتم به عرصه‌ی محشر‌داشتم در جهان پیش بصر



قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيَتْهَا<sup>ط</sup> وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنسى

پس بگویند که آمد آیت ماتو فراموش کرده‌ای آن را  
این چنین [بهر کیفر و تاوان خود فتادی به بوته‌ی نسیان

وَكَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنِ بِآيَاتِ رَبِّهِ<sup>ج</sup>  
وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَى

من جزا می‌دهم به افزونکارو آنکه آیات ما کند انکار  
و عذاب خدا به یوم الدین سخت‌تر هست و پایدارترین

أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ  
فِي مَسْكِنِهِمْ<sup>ج</sup> إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي النَّهْيِ

من ندادم نشان‌شان آیا؟ که بسی برده‌ام به دار فنا  
چه جماعات پیشتر زیشان‌که روان بوده در مساکنشان  
به یقین آیتی بود در آن‌بهر اندیشه‌ی خردمندان

وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَكَانَ لِزَامًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى

گر نبود از خدا کلامی پیش‌می‌فرستاد زود کیفر خویش

فَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ  
الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا<sup>ط</sup> وَمِنْ عَآئِ الْإِلِّلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ  
النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَى

صبر کن هر چه گفته‌اند ایشان‌حمد و تسبیح گوی با یزدان  
پیشتر از طلوع مهر به با‌پیشتر نیز از غروب به شام  
پاسی از شب کرانه‌ای از روزتا که خشنود گردی و پیروز

وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ<sup>ج</sup> أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ  
الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ<sup>ج</sup> وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَى

و نگاهی بیفکن ایشان را بر متاع و شکوفه‌ی دنیا  
آزماییشان به آن یکسررزق حق بهتر است و پایتر

وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا<sup>ط</sup> لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا<sup>ط</sup>  
نَحْنُ نَرْزُقُكَ<sup>ط</sup> وَالْعَقِبَةُ لِلتَّقْوَى

اهل خود بر نماز ده فرمان‌پس از آن نیز صبر کن بر آن  
از تو روزی نخواست رب جهان‌بلکه ما می‌دهیم روزی‌تان  
هست عقبا برای متقیان

وَقَالُوا لَوْلَا يَأْتِينَا بِآيَةٍ مِنْ رَبِّهِ<sup>ج</sup> أَوْ لَمْ تأْتِهِمْ بَيِّنَةٌ مَا فِي  
الصُّحُفِ الْأُولَى

و بگفتند از چه رب جهان؟  
آیتی را نیاورد بر ماگو بر آنان نیامدست آیا؟  
بیّناتی به نامه‌ی پیشین پس به امرم بیاورید یقین

وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ مِّنْ قَبْلِهِ<sup>ج</sup> لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا  
أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ  
وَنُخْزَى

پیش از این با عذاب اگر که خدازود می‌بردشان به دار فنا  
می‌بگفتند ای خدا تو چرانفرستاده‌ای رسول به ما  
تا که تابع شویم بر فرمان‌و نبینیم خواری و خذلان

قُلْ كُلُّ مُتَرَبِّصٍ فَتَرَبَّصُوا<sup>ط</sup> فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ  
الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى

گو همه منتظر شوند و شماپس بمانید منتظر اینجا  
پس ببینید زود مهتدیان‌و آنکه باشد به راه راست روان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
أَقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ

زود بیند حساب خلق جهان و به غفلت شوند رو گردان

مَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ ذِكْرٍ مِّن رَّبِّهِمْ مُّحَدَّثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَهُمْ  
يَلْعَبُونَ

نرسد تازه آیه‌ای ز خداجز که بازی گرفته‌اند آن را

لَاهِيَةً قُلُوبُهُمْ وَأَسْرَأُ التَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ هَذَا إِلَّا  
بَشْرٌ مِّثْلُكُمْ أَفَتَأْتُونَ السَّحَرَ وَأَنْتُمْ تَبْصِرُونَ

لهو بگرفت قلب آنان را و ستمگر نهان کند نجوا  
که بود این بشر به مثل شماسوی افسون مرو تو ای بینا

قَالَ رَبِّي يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ السَّمِيعُ  
الْعَلِيمُ

گفت پروردگار من داناست‌سخنی را که در زمین و سماست  
بشنود هر چه خلق می‌گویند و بدانند رهی که می‌پویند

بَلْ قَالُوا أَضَعَتْ أَحْلَمَ بَلِ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا  
بِآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوْلُونَ

گفته‌اند اینکه خواب آشفته است هر چه پیغمبر خدا گفته  
است

اوست شاعر به حق نهد بهتان‌باید آرد به سوی خلق نشان  
چون نشانهای محکم و مرسل‌بهر اقوام پیش از اول

مَا ءَامَنْتَ قَبْلَهُمْ مِّنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَفَهُمْ يُؤْمِنُونَ

پیش از این هم نداشتند ایمان‌که بکردیم شهرها ویران  
خلق ایمان بیاورند آیا؟[بعد از این قصه‌ها به حکم خدا]

وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِمْ فَسَئَلُوا أَهْلَ  
الَّذِ كُرِّ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

بود پیش از تو نیز بس مرسل‌داشت وحی از خدای عز و جل  
پس بپرسید آن ز آگاهان‌گر که باشید ذکر را نادان

وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا لَّا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَمَا كَانُوا  
خَالِدِينَ

و نبودند پیکری ایشان‌که نباشند اهل قوت آنان  
و نبودند نیز جاویدان بلکه بودند جملگی انسان

ثُمَّ صَدَقْنَاهُمُ الْوَعْدَ فَأَنْجَيْنَاهُمْ وَمَنْ نَّشَاءُ وَأَهْلَكْنَا  
الْمُسْرِفِينَ

راست بودیم بر سر پیمان‌پس رهاشدیم جمعی از آنان  
هر که را خواستیم [در این خاک مسرفان نیز کرده‌ایم هلاک

لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

ما فرستاده‌ایم جانبان‌نامه‌ای ذکرتان بود در آن  
نیست آیا خرد برای شما؟[بهر تنزیل آیه‌های خدا]

وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا  
ءَاخِرِينَ

ما شکستیم شهرهای جفاو آفریدیم قوم دیگر را

فَلَمَّا أَحْسَوْا بِأَسْنَاءِ إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ

چون که دریافتند خشم مراپس گریزان شدند از آنجا

لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَىٰ مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسَكِنِكُمْ  
لَعَلَّكُمْ تَسْأَلُونَ

از چه آرید رو به سوی فرار؟ باز گردید سوی شهر و دیار  
ناز و نعمت بود شما را حال باز هم از شما کنند سؤال

قَالُوا يَوَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ

پس بگفتند قوم وای به ماچونکه بودیم ما ز اهل جفا

فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّىٰ جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَلِدِينَ

و چنین بودشان مقال و خروش تا درو گشت قوم و شد  
خاموش

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لِعِبِينَ

خلق ارض و سما و بینهمانیست از بهر بازی تو و ما

لَوْ أَرَدْنَا أَنْ نَتَّخِذَ لَهَوًا لَّاتَّخَذْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا إِنْ كُنَّا فَاعِلِينَ

گر که می‌خواستیم لهو به کارنزد خود داشتیم ما بسیار

بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ  
وَلَكُمْ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ

حق بکوبیم بر سر باطل تا تباهی همه شود زایل  
هست نابود رشته‌ی بطلان‌وای بهر شما ز وصف و بیان

وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ  
عَنْ عِبَادَتِهِ ۗ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ

هست از او هر که در زمین و سماست‌نیست مستکبر آنکه  
نزد خداست  
و نه از طاعتند رو گردان‌و نگردند هیچ رنجه از آن

يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ

اهل تسبیح او به لیل و نهارو ندارند سستی از این کار

أَمْ اتَّخَذُوا ءَالِهَةً مِّنَ الْأَرْضِ هُمْ يُنْشِرُونَ

هر چه معبود یافتند آیا؟می‌کند مرده در زمین احیا

لَوْ كَانَ فِيهِمَا ءَالِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ  
الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ

گر که می‌بود جز خدای اله‌این زمین و سپهر بود تباه  
ربّ عرش است بس منزّه از آن‌که به وصفش بیاورند بیان

لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ

نیست مسئول خلق از افعال‌خلق مسئول اوست در اعمال

أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ ءَالِهَةً ۗ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ ۗ هَذَا ذِكْرُ  
مَنْ مَعِيَ وَذِكْرُ مَنْ قَبْلِي ۗ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ  
فَهُمْ مُّعْرِضُونَ

برگرفتند اله جز یزدان‌گو بیارید بهر آن برهان  
این بود ذکر قوم هم‌ره من‌و آنکه بودست پیش از گه من  
لیک اکثر بود به حق نادان‌پس شوند آن گروه رو گردان

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِيَ إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ

ما رسولی نداشتیم گسیل‌پیشتر از تو جز که با تنزیل وحی کردیم اینکه نیست خداغیر من بندگی کنید مرا

وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ ۚ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ

و بگفتند خالق سبحان‌بهر خود برگزید فرزندان بندگان گرامی حقند [نیستند از برای حق فرزندان]

لَا يَسْبِقُونَهُ ۚ بِالْقَوْلِ ۚ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ

و نگیرند سبقتش به کلام‌هر چه فرمود می‌دهند انجام

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ أَرْتَضَىٰ وَهُمْ مِنَ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ

اوست آگاهشان ز پیش و ز پس و شفاعت نمی‌کنند از کس جز به اذن خدای بی‌همتادر هر اسند از هر اس خدا

وَمَنْ يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلَهٌ مِّنْ دُونِهِ ۚ فَذَلِكْ نَجْرِيهِ جَهَنَّمَ ۚ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ

هر که گوید منم الاله شماپس جهنم به او دهیم جزا

أَوَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا ۖ وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ

هم جزا می‌دهیم اهل جفا‌اهل کفران ندیده‌اند آیا؟ بود پیوسته این زمین و سماما گشودیم باز آنها را زنده کردیم از آب اشیا راباز ایمان نیاورند آیا؟

وَجَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ وَجَعَلْنَا فِيهَا فِجَاجًا سُبُلًا لَّعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ

و نهادیم کوهها به زمین‌تا نلرزند وز آن شوند مکین و نهادیم نیز وادی و راه‌تا که از راهها شوند آگاه

وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَّحْفُوظًا ۖ وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرَضُونَ

و به بام سما دهیم امان‌وز نشانش شوند رو گردان

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ۗ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ

روز و شب آفرید و شمس و قمردر فلک جمله‌اند راهسپر

وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِّن قَبْلِكَ الْخُلْدَ ۖ أَفَأَيْنَ مِتَّ فَهُمْ الْخَالِدُونَ

نیست پیش از تو هیچ کس جاویدگر بمیری تو کیست پس جاوید؟

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ۖ وَنَبْلُوكُم بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً ۖ وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ

همه کس مرگ را چشد بر جان‌خیر و شر است آزمایش‌تان و به سوی خدای عالمیان‌باز گردید جمله خلق جهان

وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُؤًا أَهْدَا  
الَّذِي يَذُكُرُ ءَالِهَتَكُمْ وَهُمْ بِذِكْرِ الرَّحْمَنِ هُمْ كَافِرُونَ

کافران چونکه بنگرند تو را پس بگیرند راه استهزا  
کاین سخن گوید از الاله شماکافرن این کسان به ذکر خدا

۳۷

خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَأُورِيكُمْ ءَايَاتِي فَلَا  
تَسْتَعْجِلُونِ

خلق گشته است از شتاب انسان زود بهر شما دهیم نشان  
می‌رسد زود آیه‌های عذاب‌پس نباشید بهر آن به شتاب

۳۸

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

هم بگویند کو وعید خداراست باشد اگر کلام شما

۳۹

لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكْفُونُ عَنْ وُجُوهِهِمْ  
النَّارَ وَلَا عَنْ ظُهُورِهِمْ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ

کاش دانند فرقه‌ی کفار آن زمان را که داخلند به نار  
نه علاج است از آن ز روی و ز پس و نه دارند یآوری از کس

۴۰

بَلْ تَأْتِيهِمْ بَعْتَةٌ فِتْنَتُهُمْ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ رَدَّهَا وَلَا هُمْ  
يُنظَرُونَ

ناگهان می‌رسد سوی ایشان نیز میبوت می‌شوند از آن  
کس ندارد به دفع آن قدرت و ندارند مدتی مهلت

۴۱

وَلَقَدْ أَسْتَهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا  
مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ

پیشتر از تو هم رسولان را کرده‌اند این گروه استهزا  
پس گریبان گرفت ایشان را آنچه را داشتند استهزا

۴۲

قُلْ مَنْ يَكْفُرْكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الرَّحْمَنِ بَلْ هُمْ عَنْ  
ذِكْرِ رَبِّهِمْ مُّعْرِضُونَ

گو چه کس می‌کند حفاظتشان؟ روز و شبها ز کیفر یزدان  
لیک از ذکر خالق منان این جماعت شوند رو گردان

۴۳

أَمْ لَهُمْ ءَالِهَةٌ تَمْنَعُهُمْ مِّن دُونِنَا لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَ  
أَنْفُسِهِمْ وَلَا هُمْ مِنَّا يُصْحَبُونَ

از خدایان برایشان آیه‌یچ امداد هست غیر از ما؟  
تتوانند کرد یاری‌شان هم ندارند یاری از یزدان

۴۴

بَلْ مَتَّعْنَا هَؤُلَاءِ وَءَابَاءَهُمْ حَتَّى طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ أَفَلَا  
يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ

بهره دادیم این جماعت را طول عمری به شیوه‌ی آبا  
بنگرنند اینکه در زمان چندین‌کاهشی داده‌ایم بهر زمین  
پس بگویند چیره‌اند ایشان‌یا که ما چیره‌ایم [بر دو جهان

قُلْ إِنَّمَا أُنذِرُكُمْ بِالْوَحْيِ وَلَا يَسْمَعُ الصُّمُّ الدُّعَاءَ إِذَا مَا يُنذِرُونَ

گو که با وحی می‌دهم هشدارنشنود کر حدیثم از زنهار

وَلَيْنَ مَسْتَهُمْ نَفْحَةٌ مِّنْ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يَوَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ

نفحه‌ای گر رسد عذاب خداگوید ای وای بودم اهل جفا

وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَىٰ بِنَا حَاسِبِينَ

در قیامت کنیم میزان را بر اساسی ز حق و عدل بنا نشود هیچ بهر خلق جفا هر چه باشد بیاوریم آنرا می‌شماریم هر چه هست عمل‌گر چه هموزن دانه‌ای خردل [و آن چه باشد حساب از هر کس حساب او خدای عالم بس

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَىٰ وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَآءَ وَذِكْرًا لِّلْمُتَّقِينَ

و کلیم خدا و هارون راداد فرمان و ذکر و نور خدا داد آن را برای متقیان

الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَهُمْ مِّنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ

که بترسند از خدا به نهان و بترسند هم ز روز جزا

وَهَذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ أَفَأَنْتُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ

و فرستاده‌ایم قرآن را این که ذکرِ خجسته شد ز خدایس شما منکرش شوید آیا؟

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِن قَبْلُ وَكُنَّا بِهِ عَالِمِينَ

و بدادیم رشد ابراهیم‌پیش از این هم علیم او بودیم

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ

با پدر گفت و قوم او را هم‌چه نماز آورید بهر صنم؟

قَالُوا وَجَدْنَا ءَابَاءَنَا لَهَا عَابِدِينَ

پس بگفتند شیوه‌ی آبابود راه عبادت بتها

قَالَ لَقَدْ كُنْتُمْ أَنْتُمْ وَعَآبَاؤُكُمْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

گفت گمراه شدید چون پدران این ضلال است آشکار و عیان

قَالُوا أَجِئْتَنَا بِالْحَقِّ أَمْ أَنْتَ مِنَ اللَّعِبِينَ

قوم گفتند گفته‌ای صائب‌آوری یا که آمدی لایع

قَالَ بَلْ رَبُّكُمْ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ وَأَنَا عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ

گفت پروردگار ما و شما هست پروردگار ارض و سما خلق کردست جمله را داداروز گواهان منم بر این گفتار

وَتَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ

می‌کنم در غیابتان به خدانقشه‌ای طرح در بتان شما

فَجَعَلَهُمْ جُودًا إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ

خرد کرد آن بتان بجز مهترتا کنندش به بازگشت نظر

۵۹ قَالُوا مَنْ فَعَلَ هَذَا بِآلِهَتِنَا إِنَّهُ لَمِنَ الظَّالِمِينَ

همه گفتند هر کسی این خواسته به خدایان ما ز اهل جفاست

۶۰ قَالُوا سَمِعْنَا فَتَى يَذُكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ وَابْرَاهِيمُ

پس بگفتند ما شنیدستیم نوجوانی به نام ابراهیم

۶۱ قَالُوا فَأَتُوا بِهِ عَلَى أَعْيُنِ النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُونَ

سخنش بود ذکری از بتها پس بگفتند آورید او را پیش چشمان مردمان به عیان تا گواهی دهند خلق به آن

۶۲ قَالُوا ءَأَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِآلِهَتِنَا يَا اِبْرَاهِيمُ

پس بگفتند بهر ابراهیم این جفا بر بتان که ما دیدیم از تو آیا ز دست سرایدر؟

۶۳ قَالَ بَلْ فَعَلَهُ وَكَبِيرُهُمْ هَذَا فَسْأَلُوهُمْ إِنْ كَانُوا يَنْطِقُونَ

گفت کردست آن بت اکبر پس بپرسید این سخن زیشان اگر این حرف را کنند بیان

۶۴ فَرَجَعُوا إِلَىٰ أَنفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ

بازگشتند پس به خویش آنجاکان گروهند اهل جور و جفا

۶۵ ثُمَّ نَكِسُوا عَلَىٰ رُءُوسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا هَؤُلَاءِ يَنْطِقُونَ

سرفکندند پیش کاین بتها هیچ حرفی نمی‌کنند ادا

۶۶ قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْئًا وَلَا يَضُرُّكُمْ

گفت هستبد عبد غیر خداکه نه نفع و نه ضر بود او را

۶۷ أَفِ لَكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

بر شما اف چرا نیندیشید؟ و به غیر از خدا شوید عبید

۶۸ قَالُوا حَرِّفُوهُ وَانصُرُوا ءَالِهَتَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ فَعَالِينَ

پس بگفتند این بسوزانید تا کنید این بتان خود تأیید

۶۹ قُلْنَا يَبْنَازُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ اِبْرَاهِيمَ

گفتم ای نار باش سرد و سلیم از برای خلیلم ابراهیم

۷۰ وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ

چونکه گشتند کید را خواهان پس فکندیشمان به قعر زیان

۷۱ وَنَجَّيْنَاهُ وَلُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ

و رهاوندیم او و لوط [از بندو بگفتیم تا که روی آرند] به زمینی که بود خیر در آن هم مبارک برای عالمیان

۷۲ وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً ۗ وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ

نیز اسحاق دادم و یعقوب همه را ساختیم صالح و خوب

وَجَعَلْنَاهُمْ أَيْمَةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ  
الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَبِيدِينَ

و نهادیمشان امام کسان تا هدایت کنند از این فرمان  
وحی کردیم سوییانشان خیرات وینکه هر جا به پا کنند صلاه  
و زکوه خدا کنند ادا و عبادت کنند بهر خدا

وَلَوْ ظَنَّ عَائِيْنُهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي  
كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبَايِثَ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا سَوِيًّا فَسَقِيْنَ

لوط را حکم و علم بخشیدیم هم ز شهر بدی رها نیدیم  
قوم آن شهر بود بس بدکار

وَأَدْخَلْنَاهُ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُ مِنَ الصَّالِحِيْنَ

بود لوط نبی نکو کردار  
گشت وارد به لطف خاص خدا

وَنُوحًا إِذْ نَادَى مِنْ قَبْلٍ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ  
مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

پیش از او نوح چون بداد ندا  
[و به پروردگار کرد خطاب پس بدادیم آن خطاب جواب  
او و یاران او رها کردیم از بلای بزرگ و کرب عظیم

وَنَصْرَنَاهُ مِنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا  
سَوِيًّا فَأَعْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ

و بدادیم از آن گروه نجات که مکذب شدند بر آیات  
چونکه بودند شرّ به راه عذاب همه گشتند غرقه در گرداب

وَدَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ إِذْ يَحْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ إِذْ نَفِثَتْ فِيهِ  
غَنَمَ الْقَوْمِ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ

و سلیمان و باب او داود چونکه بر کشتگه شدند فرود  
رمه ای چون چریده بود در آن پس بدادند بهر آن فرمان  
ما بر آن حکم بوده ایم گواه

فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَكُلًّا ءَاتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا وَسَخَّرْنَا مَعَ  
دَاوُدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ وَكُنَّا فَاعِلِينَ

و سلیمان بساختیم آگاه  
و بدادیم حکم و هم حکمت و به داود داده ام قدرت  
بهر تسبیح با طیور و جبال و هم از ماست کل این افعال

وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لِتُحْصِنَكُمْ مِّنْ بَأْسِكُمْ  
فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ

و زره سازیش بدادم یاد تا کند حفظتان به راه جهاد  
بهر این کار شاکرید آیا؟

وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي  
بَارَكْنَا فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمِينَ

باد تسخیر شد سلیمان را  
تا به فرمان او گذارد گام به زمینی که شد خجسته مقام  
از همه چیز بوده ایم آگاه چونکه از نزد ماست حشمت و جاه



وَمِنَ الشَّيْطَانِ مَنْ يُعْوِضُونَ لَهُ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَلِكَ وَكُنَّا لَهُمْ حَافِظِينَ

وز شیاطین گروه غواصان بود از بهر او و نیز جز آن حفظ کردیم کار آنان را

وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

نیز ایوب چونکه داد ندا که خدایا به من رسید زیان ارحم الراحمینی ای رحمان

فَأَسْتَجَبْنَا لَهُ وَفَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَعَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا عِنْدَنَا وَذَكَرَى لِلْعَبِيدِينَ

پاسخش دادم و همه مشکل شد چون نقصان مالیش زایل اهل او نیز بازگرداندیم رحمت خود بر او بیفشاندیم مثل آن نیز دادمش کانهابر ستایشگران شود ذکری

وَإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ كُلٌّ مِنَ الصَّابِرِينَ

بود ادریس و نیز اسماعیل همچو ذو الکفل اهل صبر جمیل

وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ مِنَ الصَّالِحِينَ

داخل رحمت منند ایشان همه هستند از نیکوکاران

وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغْلُظًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ

رفت ذو النون تزند و کرد گمان که نداریم بر شکنجه توان پس به ظلمت چنین ندایش بودغیر تو نیست هیچکس معبود من ستمکاره بوده ام پاکا

فَأَسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُجِّي الْمُؤْمِنِينَ

پس بدادیم پاسخی او را هم ز غم کردممش رها و چنان می رهانیم قوم با ایمان

وَزَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ وَرَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ

زکریا چنین بداد نداکه تو مگذارم ای خدا تنها بهترین وارثان تویی ربّا

فَأَسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ وَيْحِي وَأَصْلَحْنَا لَهُ وَزَوَّجْنَاهُ بِأَسْمَاءَ وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ

پس بدادیم پاسخی او را و به او داده ایم یحیی راهمسرش نیز داده ایم شفا بهر خیرات بوده اند شدیدو بخواندند حق به بیم و امید نیز بودند بر خدا خاشع و به حق و حدود حق خاضع

وَالَّتِي أَحْصَنْتَ فَرَجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا  
وَأَبْنَاهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ

۲۱:  
انبیاء  
۹۱  
۱۱۲/

و زنی را که پاک بد دامان پس دمیدیم روح خود در آن  
او و فرزند او کنیم نشان آیتی از برای عالمیان

بود این جمع امتی یکتا این منم آفریدگار شما  
پس مرا جملگی شوید عبید

إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ

۹۲

و ان جماعت ز امر جمع برید  
بازگشت همه بود سوی ما

وَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ كُلُّ إِلَيْنَا رَاجِعُونَ

۹۳

مؤمنی هم که هست از صلحا  
نیست از بهر کار او کفران می نویسیم هر چه دارد از آن

فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ  
لِسَعْيِهِ وَإِنَّا لَهُ وَكِتَابُونَ

۹۴  
۲۸۴ر

و حرام است اهل شهر هلاک بازگردند بر حیات به خاک

وَحَرَامٌ عَلَىٰ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ

۹۵

تا زمانی که وا شود یا جوج همره قوم دیگر از ماجوج  
تا ز هر تپه ای شوند فرا

حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُمْ مِّنْ كُلِّ حَدَبٍ  
يَنْسِلُونَ

۹۶

وعده حق بود قریب به ما  
بازماند دو دیده ی کفار که به غفلت از این شدیم دچار  
بلکه بودیم از ستمکاران

وَأَقْرَبَ الْوَعْدِ الْحَقُّ فَأِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ أَبْصَرُ الَّذِينَ  
كَفَرُوا يُؤْيِلْنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا بَلْ كُنَّا  
ظَالِمِينَ

۹۷

می پرستید هر چه جز یزدان  
داخل دوزخید و هیزم آن همره آن الاهیها ز بتان

إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنْتُمْ لَهَا  
وَارِدُونَ

۹۸

گر که باشند این بتان معبود به جهنم نمی کنند ورود  
[و روند این گروه در نیران همه در آن شوند جاویدان

لَوْ كَانَ هَؤُلَاءِ آلَهِةَ مَا وَرَدُواهَا وَلَا فِيهَا خَالِدُونَ

۹۹

نالها هست بهر شان آنجاو از آن نشنوند چیزی را

لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَهُمْ فِيهَا لَا يَسْمَعُونَ

۱۰۰

و آنکه از قبل داشت وعده نیک به جهنم نمی شود نزدیک

إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُم مِّنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ

۱۰۱

لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا وَهُمْ فِي مَا أُشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ  
خَالِدُونَ

و نخواهد صدای نار شنیدهر چه خواهد ورا بود جاوید

لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّيْنَهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا  
يَوْمَكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ

نیست غمگین ز وحشت پیشین ملکش بیند و بگوید همین  
این بود وعدهی خدا به شما

يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجْلِ لِلْكِتَابِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ  
خَلْقِ نُعِيدُهُ وَوَعْدًا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ

چون بیچیم در زمانه سما  
همچو طومار و بازگردانیم آنچه را کافریده ایم قدیم  
وعد حق است و میکنیم این کار

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا  
عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ

در زبور است نیز این گفتار  
که زمین و حکومت آن را وارثند آن عباد خوب خدا

إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَبْدِينَ

هست در این پیامی از داوربهر قومی که شد پرستشگر

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ

نفرستاده ام تو را به جهان جز که رحمت برای عالمیان

قُلْ إِنَّمَا يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ فَهَلْ أَنْتُمْ  
مُسْلِمُونَ

گو به من وحی می شود تنها که خدای شما بود یکتا  
تا به اسلام آورید ایمان نیز مؤمن شوید از دل و جان

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ ءَاذَنْتُكُمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ وَإِنْ أَدْرِي أَقْرَبُ أَمْ  
بَعِيدٌ مَّا تُوعَدُونَ

و اگر هم شوید رو گردان همه را می دهم خبر یکسان  
و ندانم هر آنچه هست و عید می رسد زود یا که هست بعید

إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ

حق بداند کلامهای عیان و آنچه سازید از همه پنهان

وَإِنْ أَدْرِي لَعَلَّهُ فِتْنَةٌ لَّكُمْ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ

شاید این آزمون برای شماست و متاع دو روزهی دنیاست

قُلْ رَبِّ أَحْكُم بِالْحَقِّ وَرَبُّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا  
تَصِفُونَ

گو خدایا بده به حق فرمان ای تو پروردگار و ای رحمان  
و خدا هست مستعان ما را هر کلامی که می کنید ادا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ

مردمان بهر حق بپرهیزید زلزله در قیامت است شدید

يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ

ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَرَىٰ وَمَا هُمْ بِسُكَرَىٰ

وَلَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ

مام اگر طفل شیر خواهد داد می برد شیر خواره اش از یاد و دهد باردار طفل از دست و بینی تو خلق را چون مست لیک آنان نیند مست آنجاکه شدید است بس عذاب خدا

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ

شَيْطَانٍ مَّرِيدٍ

بعضی از مردمان کنند جدال در سخن از مهیمن متعال پیروی می کنند ناآگاه بهر ابلیس سرکش و گمراه

كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَن تَوَلَّاهُ فَأَنَّهُ يُضِلُّهُ وَيَهْدِيهِ إِلَىٰ

عَذَابِ السَّعِيرِ

کرد مکتوب خالق منان هر که ورزید مهر با شیطان به یقین گمراه است و بهر عذاب به سوی آتش است او رهیاب

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا

خَلَقْنَاكُمْ مِّن نُّرَابٍ ثُمَّ مِّن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِّن عِلْقَةٍ ثُمَّ مِّن

مُضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُّخَلَّقَةٍ لِّنَّبِّينَ لَكُمْ وَنُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ

مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا

أَشْدَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَّن يُتَوَفَّىٰ وَمِنْكُمْ مَّن يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْدَلِ

الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِن بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَتَرَى الْأَرْضَ

هَامِدَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأُنْتَبَتْ مِن

كُلِّ زَوْجٍ بِهَيْجٍ

مردمان گر ز بعث شک دارید ما شما را بیاوریم پدید ابتدا خلق می کنیم از خاک پس از آن هم ز نطفه ای [ناپاک پس از آن خون بسته ای] به شکم پس از آن گوشت پاره ای در هم

گاه بی چهره گاه صورت دارو به ارحام می دهیم قرار آنچه خواهیم تا گاه محتوم تا کنیم از برای تان معلوم پس بر آریم کودکی ز آن حال پس بلوغ شما رسد به کمال پاره ای میرد و بسی دیگر می کند تا حاضیض عمر گذر [گر چه دانست چیزها ز جهان هم پس از علم می شود نادان و زمین مرده می رسد به نظمی فرستیم از سپهر مطر جنبد و از زمین شود رویان هر گیاه نگه نواز از آن

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَأَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

این از آن شد که راست است خدا و همو زنده می‌کند موتی و به هر کار قادر است خدا

وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ

به یقین می‌رسد زمان جزا و خدا آورد به بعث و نشورهر که را هست خفته در دل گور

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنِيرٍ

بعضی از مردمان کنند جدال در سخنها ز قادر متعال بی‌کتابی منیر و ناآگاهو ندارند آگهی از راه

ثَانِي عِطْفِهِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ لَهُ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَنُذِيقُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَذَابَ الْحَرِيقِ

روی پیچند تا که مردم رادور سازند از طریق خدا بهرشان هست خواری دنیاو عذاب جحیم روز جزا

ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمْتَ يَدَاكَ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَمٍ لِلْعَبِيدِ

خود فرستاده‌ای ز پیش آن راو خدا را به بنده نیست جفا

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ أُنْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَٰلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ

بعضی از مردمان به لفظ و بیان می‌پرستند کردگار جهان گر که خیری رسید بر آنان پس به او می‌کنند اطمینان آرمونی اگر رسد به میان زود از حق شوند رو گردان و زیانکاره‌اند در دو جهان‌وین بود آن زیان که هست عیان

يَدْعُوا مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُ وَمَا لَا نَبْعُهُ ذَٰلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ

و بخوانند جز خدا معبودنه زیان می‌دهد به خلق و نه سود هست گمراهی بعید همین به حقیقت بود ضلال مبین

يَدْعُوا لَمَن ضَرُّهُ أَقْرَبُ مِن نَّفْعِهِ لَبِئْسَ الْمَوْلَىٰ وَلِبِئْسَ الْعَشِيرُ

برگزیدند آن کسی معبودکه زیانش فزون بود از سود چه بد است این صدیق و این مولاو چه بد مونسی بود او را

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ

و نکوکار خوب با ایمان می‌برد حق درون باغ جنان زیر اشجارش آبهای روان هر چه خواهد همان کند یزدان

مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَن لَّن يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ لِيَقْطَعْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدُهُ مَا يَغِيظُ

هر که دارد گمان که از حق عون‌نرسد بر پیمبرش به دو کون ریسمان گو بر آسمان آویزخویش را بر فراز آن آویز و سپس قطع کن طناب و ببین‌خشم خود را دهی به آن تسکین

وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَأَنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يُرِيدُ

آنچنان آیه‌های روشن را ما فرستاده‌ایم [بهر شما]  
به یقین می‌نمایدش ره راست‌هر که را کردگار یکتا خواست

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِغِينَ وَالنَّصْرَى  
وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ  
الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

صابئین و گروه ایمانی‌هم مجوس و یهود و نصرانی  
و آنکه مشرک بود خدا همه را داوری می‌کند به روز جزا  
به یقین هست ایزد واحدیهر اعمال مردمان شاهد

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَن فِي السَّمَوَاتِ وَمَن فِي  
الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ  
وَالْدَوَابُّ وَكَثِيرٌ مِّنَ النَّاسِ ۗ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ  
وَمَن يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن مُّكْرِمٍ ۗ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ ۗ

۱۸  
سجده  
مستحب

بینی آیا که بپر ذات خدا؟ سجده آرند اهل ارض و سما  
مهر و ماه و نجوم و کوه و شجرهم دواب و بسی ز نوع بشر  
و عذاب است بر بسی ز آنان‌هر چه را خواست می‌کند یزدان  
هر که او را خدا کند رسواچه کسی عزتی دهد او را

هَذَانِ خَصْمَانِ أَخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ ۖ فَالَّذِينَ كَفَرُوا  
قُطِعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ مِّن تَارٍ يُصَبُّ مِن فَوْقِ رُءُوسِهِمُ  
الْحَمِيمُ

دو گروهند در جدل به خداپس کسانی که کافرند او را  
جامه دوزند از لهب جحیم و بریزندشان به فرق حمیم

۱۹  
حزب  
۱۳۴

که کند ذوب بطن و ظاهر تن

يُصْهَرُ بِهِ ۗ مَا فِي بُطُونِهِمْ وَالْجُلُودُ

۲۰

گزرهاییست بهرشان ز آهن

وَالَهُمْ مَقْلَعٌ مِّن حَدِيدٍ

۲۱

كَلَّمَآ أَرَادُوا أَن يَخْرُجُوا مِنْهَا مِّن غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا وَذُوقُوا  
عَذَابَ الْحَرِيقِ

هر چه خواهند وارهند از آن‌بازگردند سوی آن پڑمان  
[پس ندا می‌دهند با ایشان بچشید این عذاب از نیران]

۲۲

پس در آرد خدا به باغ جنان آنکه را صالح است و با ایمان  
زیر اشجارش آبهای روان و در آنجاست زیور ایشان  
دستبندی ز لؤلؤ و از زرو لباس حریرشان در بر

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ  
تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِّن ذَهَبٍ  
وَلَوْلُؤًا ۖ وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ

۲۳  
۲۸۷

وَهُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَهُدُوا إِلَى صِرَاطِ الْحَمِيدِ

به سخنهاى پاک و راه حمیدرهنمايى شوند [بی‌تردید]

۲۵

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ  
الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ  
وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُّذِقْهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ

و کسانی که اهل کفر اندمانعى بهر راه یزدانند  
نیز بیت الحرام را که در آن‌ساختم جمله مردمان یکسان  
آن کسی را که ساکن است در آن یا کسی را که سوى اوست  
روان  
هرکه در آن ستم کند [به جحیم می‌چشانیمش از عذاب  
الیم

۲۶  
۲۸۸

وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا  
وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ

چونکه آماده گشت بهر خلیل‌جای بهر بنای بیت جلیل  
[پس ز حق سوى او رسید ندا] که نیاور شریک بهر خدا  
پاک ساز این سراى ربّ و دودبه قیام و رکوع و طوف و سجود

۲۷

وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ  
مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ

و به حج بانگ زن برای کسان‌کز ره دور هم رسند به آن  
ور سوارند بر رکوب نوان‌ور پیاده به ره شوند روان

۲۸

لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ  
عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِّنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِعُوا  
الْبَائِسَ الْفَقِيرَ

تا که بر سود خود شوند گواه‌بر زبان آورند اسم الله  
بهر انعام‌کان ز رزق خداست و به ایام ثابتی اینهاست  
بهره گیرید خود از آن انعام و به هر بینوا دهید طعام

۲۹

ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَلِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ  
الْعَتِيقِ

از پلیدی شوند پاک و رهاو به هر نذر خود کنند وفا  
پس بدارید طوف بیت حرام و کنید امر ربّ خود اکرام

۳۰

ذَٰلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ حُرْمَتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ  
وَأُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا  
الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ

هر که تکريم کرد امر خدا این بود به به نزد حق او را  
هست انعام بهر خلق حلال‌غیر چیزی که گفته شد به مقال  
دور باش از پلیدی بتهانیز از آن سخن که نیست روا

حُنَفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ ۚ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا  
خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخَطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي  
مَكَانٍ سَحِيقٍ

پاک باشید از برای خداو میارید بهر او همتا  
هر که آرد برای حق همتاگویی افتاده است او ز سما  
پس برندش پرندگان هوایا که طوفان فرا برد او را

ذَٰلِكَ ۖ وَمَنْ يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ

هر که اکرام داشت حکم خداست کارش نشانه‌ی تقوا

لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ مَحِلُّهَا إِلَى الْبَيْتِ  
الْعَتِيقِ

هست سودی برایتان در آن تا به گاه معینی به زمان  
پس محلش بود به بیت حرام

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا لِّيذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ  
مِّنْ بَهِيمَةٍ ۗ الْأَنْعَامُ ۗ فَالْهَكْمُ لِلَّهِ وَاحِدٌ فَلَهُ ۗ أَسْلِمُوا ۗ وَبَشِّرِ  
الْمُخْبِتِينَ

و به هر امتی دهیم مرام  
کز خدا آورند ذکر به نام چونکه خواهند ذبح کرد انعام  
و آنچه دادیم رزق آنان را پس خدای شما بود یکتا  
باش تسلیم بهر امر خدا مرده ده مردم فروتن را

الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّادِقِينَ عَلَىٰ مَا  
أَصَابَهُمْ وَالْمُقِيمِي الصَّلَاةِ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ

آن کسان که به ذکری از یزدان هست دل‌هایشان ز حق  
ترسان  
و شکبیا شده مصائب را و نماز خدا کنند به پا  
و آنچه بخشیده ایم از ارزاق بهر ایشان از آن کنند انفاق

وَالْبَدَنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِّنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ ۗ  
فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافٍ ۗ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا  
فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِعمُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ ۚ كَذَٰلِكَ سَخَّرْنَاهَا  
لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

اشتران بزرگ و هم پروار که بود در شعائر دادار  
خیر در آن بود برای شما بپرورش در صفوف نام خدا  
چون به پهلو فتاد هر حیوان بخورید و دهش کنید از آن  
به فقیران قانع و درویش تو عطا کن ز رزق و روزی خویش  
رام کردیم جمله بهر شما تا به جای آورید شکر خدا

لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَلَا دِمَآؤُهَا وَلَكِن يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ  
مِنْكُمْ ۗ كَذَٰلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتَكْبُرُوا لِلَّهِ عَلَىٰ مَا  
هَدَيْنَاكُمْ ۗ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ

گوشت یا خون نمی‌رسد به خدامی‌رسد سوبش از شما تقوا  
چون مسخر شوند بهر شما و خدا دادتان طریق هدا  
ذکر تکبیرگوی بر یزدان و بده مژده بر نکوکاران

إِنَّ اللَّهَ يُدْفِعُ عَنِ الَّذِينَ ءَامَنُوا ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ  
كُفُورٍ

و مدافع شود خدای جهان بهر آن کس که آورد ایمان  
و خدا نیست دوست با کفار نیز با مردم خیانتکار



أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقْتَلُونَ بِإِنْتِهِمْ ظُلْمًا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ

داده شد اذن جنگ آنان را که به ایشان شدست جور و جفا به یقین آن توانگر قاهر بهر امدادشان بود قادر

الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ

مردمی کز ره جفا ز دیارگشت اخراج و بودش این گفتار ربّ ما هست قادر یکتا آن خدای بزرگ بی‌همتا گر نمی‌کرد رفع و دفع خطر مردمی را به مردمی دیگر دیرها و کنشت و هر معبدنیز مسجد محل ذکر احد بود یکسر خراب در ذلت‌هست یزدان عزیز و با قدرت و مدد می‌کند خدا آن را که رساند مدد به دین خدا

الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ

آنکه چون قدرتی به دست آرند نماز خدا به پا دارد و بسازد زکات مال ادا و کند امر کار نیکو را نهی سازد ز کار زشت و خطاهست پایان کارها ز خدا

وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَثَمُودُ

گر که تکذیب می‌کنند تو را بوده تکذیب کار اهل جفا پیش از این قوم نوح و عاد و ثمود

وَقَوْمُ إِبْرَاهِيمَ وَقَوْمُ لُوطٍ

قوم لوط و خلیل حی و دود

وَأَصْحَابُ مَدْيَنَ وَكَذَّبَ مُوسَىٰ فَأَمَلَيْتُ لِلْكَافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْنَاهُمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ

نیز اصحاب مدین و موسی مهلتی داده‌ایم کافر را پس ننگ کن چگونه بود انکار [از سوی ما و از سوی کفار]

فَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَبِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ وَقَصْرٍ مَشِيدٍ

ای بسا شهر کرده‌ایم هلاک که ستم داشتند در هر خاک همه بر بام و سقف ریخته‌اند چاههای رها و کاخ بلند

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَىٰ الْأَبْصَارُ وَلَكِن تَعْمَىٰ الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ

می‌نگردند در زمین خدا؟ تا که باشد برایشان دلها که بفهمند از آن سخن آنان یا که گوشی که بشنوند از آن نشود این دو چشم نابیناکور در سینه می‌شود دلها

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَإِنَّ يَوْمًا  
عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ

در شتابند بر عذاب و جزان نیست خلی به وعده‌های خدا  
آنچه یک روز در حساب خداست در حقیقت هزار سال  
شماست

وَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ أَمَلَيْتُ لَهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ ثُمَّ أَخَذْتُهَا وَإِلَى  
الْمَصِيرِ

چه بسا شهر بود جای ستم‌مهلتی داده‌ام به اهلش هم  
پس گرفتیم جمله را به جزابازگشت شماست سوی خدا

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ

گو که ای مردمان [روی زمین این منم بهر تان نذیر مبین

فَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ

صالحی را که بود با ایمان هست غفران و روزی شایان

وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي ءَايَاتِنَا مُعْجِزِينَ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ  
الْجَحِيمِ

آنکه کوشید در نشانه‌ی ما که کند زار و ناتوان ما را  
خود شود اهل دوزخ و نیران و نگیرد ز ما نشان و توان

وَمَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ مِن رَّسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى  
أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ  
ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ ءَايَاتِهِ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

نفرستاده‌ایم پیش از این از رسول و نبی که [بد چندین  
جز که چون خواند بهر خلق نشان کرد القا به خواندندش  
شیطان  
می‌برد از میان خدای جهان آنچه القای اوست از شیطان  
پس خدا آیتش کند تحکیم‌حق تعالی بود علیم و حکیم

لِيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ  
وَالْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ ۗ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ

آنچه را اهرمن کند القاآزمونی است بر بسی دلها  
آن قلوبی که سخت و بیمار است آن دل زار و سخت کفار  
است  
و آن جماعت که شد ستم کردار به شقاقی بعید گشت دچار

وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَيُؤْمِنُوا بِهِ ۗ  
فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ ۗ وَإِنَّ اللَّهَ لَهَادٍ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِلَى صِرَاطٍ  
مُّسْتَقِيمٍ

داند این نکته هر که شد دانا از سوی حق که حق بود ز خدا  
پس به آن حق بیاورند ایمان و فروتن شود به او دلشان  
مؤمنان راست ایزد یکتا به ره حق و راست راهنما

وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ  
بَغْتَةً أَوْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ يَوْمٍ عَقِيمٍ

آنکه دارد طریقه‌ی کفران هست در شک دائم از قرآن  
تا قیامت بر او رسد ناگه‌با عذاب خدا رسد از راه  
و به روزی رسد عذاب گران‌نیست راه گریز یا جبران

الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ

هست امروز ملک از یزدان داوری می‌کند میانه‌ی‌شان هر که او صالح است و با ایمان جای او هست در نعیم جنان

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ

و آنکه کافر شود به حکم خدائیز تکذیب کرد آیت ما هست از بهر او عذاب مهین که شود خوار نزد اهل یقین

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ

آنکه هجرت کند به راه خداگر شود مرده یا کشند او را رزق نیکو دهد خدا او رابترین رازق است آن یکتا

لَيَدْخِلْنَهُمْ مُّدْخَلَ بَرِّضَتِهِ وَإِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ حَلِيمٌ

پس در آید به مدخلی ز رضاهست یزدان حلیم و هم دانا

ذَٰلِكَ وَمَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عُوقِبَ بِهِ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيْهِ لَيَنْصُرَنَّهُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَعَفُوفٌ غَفُورٌ

گر کسی را رسید رنج و عذاب و به حدّ عذاب کرد عقاب پس بر او داشتند جور و جفایهر او یار و یاور است خدا بی‌گمان آفریدگار جهان جرم بخشنده است و ذو غفران

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ

آورد شب به روز و روز به شب و سمیع و بصیر هست آن ربّ

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ

آن بود زان که آن چه غیر خدا باطل است آنچه خوانده‌اید آن را اوست حق و جزا و بود نار است و خدا هم بزرگ و هم والاست

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ

می‌بینی که می‌دهد یزدان؟ از دل آسمان خود باران و زمین سبز می‌شود آنگاه حق بود هم لطیف و هم آگاه

لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ

هست از او آنچه در زمین و سماست بی‌نیاز و ستوده ذات خداست

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ وَالْفُلْكَ تَجْرِي  
فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ ۖ وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا  
بِإِذْنِهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ

می‌بینی که ایزد یکتا کرد تسخیر ارض بهر شما؟  
کشتی از امر اوست در دریا هم نگهدارد آسمانها را  
جز به اذنش نیوفتد به زمین وانگهی چون شهاب هست  
مبین  
به یقین خالق قدیر و علیم بهر مردم بود رءوف و رحیم

وَهُوَ الَّذِي أَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ۚ إِنَّ  
الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ

او همه خلق زنده گرداندهم پس از زندگی بمیراند  
باز هم زنده می‌کند انسان‌هست انسان غریب در کفران

لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ ۖ فَلَا يُنْزِعُكَ فِي  
الْأَمْرِ ۖ وَأَدْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ ۖ إِنَّكَ لَعَلَىٰ هُدًى مُسْتَقِيمٍ

ما به هر امتی دهیم آیین‌که به آن می‌روند در ره دین  
و در این امر نیست جای جدال و بخوان سوی قادر متعال  
تو به کار هدایتی بس راست جمله طاعات تو برای خداست

وَإِنْ جَدَلُوكَ فَقُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ

گر بگیرند با تو راه جدال‌گو که حق آگه است از اعمال

اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ۖ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ

بیتان حاکم است حکم خدادر قیامت به اختلاف شما

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ۚ إِنَّ ذَٰلِكَ فِي  
كِتَابٍ ۚ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَىٰ اللَّهِ يَسِيرٌ

می‌دانی که آگه است خدا؟ آنچه باشد در این زمین و سما  
همه در نامه‌ای شدست بیان و آن برای خدا بود آسان

وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَمْ يَنْزِلْ بِهِ ۖ سُلْطٰنًا وَمَا لَيْسَ  
لَهُمْ بِهِ ۖ عِلْمٌ ۖ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِن نَّصِيرٍ

و پرستش کنند جز یزدان‌که نیامد برای آن برهان  
و ندارند هیچ علم و خبر نیست از بهر ظالمان یاور

وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ  
كَفَرُوا الْمُنْكَرَ ۖ يَكَادُونَ يَسْطُونَ بِالَّذِينَ يَتُلُونَ عَلَيْهِمْ  
آيَاتِنَا ۚ قُلْ أَفَأَنْبِيئُكُمْ بِشَرٍّ مِّن ذَٰلِكُمُ النَّارُ وَعَدَهَا اللَّهُ  
الَّذِينَ كَفَرُوا ۖ وَبَشِّرُ الْمَصِيرُ

چون بخوانند آیه‌های مبین‌کافران را تو بنگری به جبین  
که بر آن منکرند و ناخرسند با کسانی که آیه‌ها خوانند  
هست نزدیک حمله‌ی آنان‌گو خبر می‌دهم به بدتر از آن  
حق دهد نار وعده بر کفارو سر انجام بد بود آن نار

يَأْتِيهَا النَّاسُ ضَرْبَ مَثَلٍ فَاسْتَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ  
مِن دُونِ اللَّهِ لَن يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِن  
يَسْلُبُهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَّا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبُ  
وَالْمَطْلُوبُ

زده شد یک مثل ای آدمیان پس شما گوش بسپريد به آن  
هر کسی را بجز خدا خوانيد و شریکی برای او دانيد  
توانند یک مگس سازند و دور که جمعیتی پردازند  
و که چیزی رباید از آنان نتوانند باز گیرند آن  
چه ضعیف است طالب و مطلوب

مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ

و ندانند قدر حق را خوب  
به یقین حق بود قوی و عزیز

اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ  
سَمِيعٌ بَصِيرٌ

برگزید از ملک رسولان نیز  
نیز در بین مردمان چو شما هست حق هم سمیع و هم بینا

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ

از پس و پیش‌شان بود داناباز گردد امور سوی خدا

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَرْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ  
وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿۷۷﴾

مؤمنان سر به حق کنید فرود و درآید در رکوع و سجود  
و عبادت کنید بهر خدا عمل خیر آورید به جا  
شاید ای خلق رستگار شوید [و به نزد خدا شوید سعید]

وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ  
عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِّلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ  
سَمَّكُمْ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ  
شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا  
الصَّلَاةَ وَءَاتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ  
فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ

و به راه خدا کنید جهاد از حقیقت که در جهاد نهاد  
او شما را گزید در این دین و نکرد دست کارتان سنگین  
این بود کیش پاک ابراهیم‌پدر مسلمین [به هر اقلیم  
حق بنامید کیشتان اسلام‌پیش از این نامه و در این پیغام  
تا پیمبر شود گواه شما و شما هم به مردمید گواه  
پس نماز خدا به پا سازید و زکات خدا پردازید  
متمسک شوید سوی خدایر شما اوست یاور و مولا  
به شما خوب یآوری است خدا و خدا هست بهترین مولا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ

مؤمنان یافتند راه نجات

۲

الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَشِعُونَ

آن کسان خاشعند بهر صلاه

۳

وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ

هم ز لغوند سخت رو گردان

۴

وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ

و زکات است کاری از ایشان

۵

وَالَّذِينَ هُمْ لِأُزْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ

و نگهبان شوند بر دامان

۶

إِلَّا عَلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ  
مَلُومِينَ

جز به منظور جفت و همسرشان  
و به مملوکه نیستند ملوم

۷

فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ

و آنکه جوید خلاف این مفهوم  
متجاوز شدست بر قانون وین گروهند حمله از عادون

۸

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمْنَتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ

وان کسان که درست کاراندهم وفادار عهد و پیمانند

۹

وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ

به نماز خدا نگهبانند

۱۰

أُولَٰئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ

نیز میراث‌دار آنانند

۱۱

الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

ارث دارند جنت رضوان و در آن جنتند جاویدان

۱۲

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِّن طِينٍ

آفریدیم آدمی از خاک

۱۳

ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ

پس از آن گشت نطفه‌ای [ناپاک]  
پس به جایی اقامتی بگزید

۱۴

ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا  
الْمُضْغَةَ عِظْمًا فَكَسَوْنَا الْعِظْمَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا  
ءَاخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ

پس از آن خون بسته گشت پدید

تکه‌ای گوشت گشت بی‌ستخوان استخوان پس پدید گشت

از آن

استخوان پس به گوشت شد مضمرو آفریدیم خلقتی دیگر

پس بزرگ است کردگار جهان‌بهترین خلقت است از یزدان

۱۵

ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعَدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ

پس از آن می‌روید از دنیا

۱۶

ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ

زنده سازیم باز در عقبا

۱۷

وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقٍ وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ  
غَافِلِينَ

هفت ره در سپهر شد خلقت و نبودم ز خلق در غفلت

وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَهُ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّا عَلَى ذَهَابٍ بِهِ لَقَادِرُونَ

می‌فرستیم از سما باران و به روی زمین دهیم اسکان دارد اندازه و آنگی آن رامی‌توانیم برد از هر جا

فَأَنْشَأْنَا لَكُمْ بِهِ جَنَّاتٍ مِّنْ نَّجِيلٍ وَأَعْنَبٍ لَّكُمْ فِيهَا فَوَاكِهُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ

پس پدید آوریم از باران باغهای نخیل و تاکستان و بسی میوه شد پدید از آن بخورید [از مواهب یزدان

وَشَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيْنَاءَ تَنْبُتُ بِالذَّهْنِ وَصِبْغٍ لِلْأَكْلِينَ

و درختی به طور سینا هست که دهد روغن و خوراک به دست

وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُّسْقِيكُم مِّمَّا فِي بُطُونِهَا وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ

و به انعام عبرتی است پدید که در آنهاست ز آنچه می‌نوشید و در آن بهره‌های برای شماست و غذای شما هم از آنهاست

وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ

که به انعام می‌شوید سوار که به کشتی [روید روی بحار]

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنِّ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ

نوح چون سوی قوم گشت روان گفت عابد شوید بر یزدان نیست معبود کس به غیر خدا اهل تقوا نمی‌شوید آیا؟

فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُرِيدُ أَنْ يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً مَّا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأُولِينَ

گفت اشراف کافران آنجا بشری هست این به مثل شما بر شما سلطه جوید از ایمان‌گر که می‌خواست کردگار جهان می‌فرستاد بهر ما ز سما ملکی از فرشته‌های خدا نشنیدیم این چنین فرمان ما ز پیشینیان و از پدران

إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ فترَبَّصُوا بِهِ حَتَّىٰ حِينٍ

هست این مرد مبتلا به جنون مدتی منتظر شوید اکنون

قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونَ

گفت ای رب من شو یار بهر تکذیب [فرقه‌ی کفار]

فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنْ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحَيْنَا إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُورُ فَاسْلُكْ فِيهَا مِن كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَن سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ مِنْهُمْ وَلَا تُخَاطِبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُّغْرَقُونَ

وحی کردیم سوی نوح آنگاه که به وحی و عنایت الله ساز کشتی و کن سوار بر آن از ذکور و اناث هر حیوان تا زمانی که امر ما آمد آب و سبیل از تنور بیرون زد به هلاکت شدند جمله دچار غیر آنان که گفته شد گفتار و شفاعت مکن ز اهل جفا همه گردند غرقه در دریا

فَإِذَا أَسْتَوَيْتَ أُنْتَ وَمَنْ مَعَكَ عَلَى الْفُلْكِ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ  
الَّذِي نَجَّنا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

۲۹

وَقُلِ رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُّبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنزِلِينَ

۳۰

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ وَإِن كُنَّا لَمُبْتَلِينَ

۳۱

ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا ءآخِرِينَ

۳۲

فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ أَنْ اْعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ  
إِلَهِ غَيْرُهُ ؕ أَفَلَا تَتَّقُونَ

۳۳  
۲۹۷

وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِإِلقاءِ الْآخِرَةِ  
وَأَتَرَفْنَهُمْ فِي الْحَيَوةِ الدُّنْيَا مَا هَذَا إِلاَّ بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ  
يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ

۳۴

وَلَئِن أَطَعْتُمْ بَشَرًا مِّثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذَا لَخَسِرُونَ

۳۵

أَيَعِدْكُمْ أَنْكُمْ إِذَا مِتُّمْ وَكُنْتُمْ تُرَابًا وَعِظْمًا أَنْكُمْ  
مُخْرَجُونَ

۳۶  
حزب  
۱۳۸

هِيَاهُتَ هِيَاهُتَ لِمَا تُوعَدُونَ

۳۷

إِن هِيَ إِلاَّ حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ

۳۸

إِن هُوَ إِلاَّ رَجُلٌ أَفْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا وَمَا نَحْنُ لَهُ  
بِمُؤْمِنِينَ

۳۹

قَالَ رَبِّ أَنْصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونَ

۴۰

قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لِّيُصْبِحَنَّ نَدِمِينَ

۴۱

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ بِالْحَقِّ فَجَعَلْنَهُمْ غُثَاءً فَبَعَدًا لِلْقَوْمِ  
الظَّالِمِينَ

۴۲

ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قُرُونًا ءآخِرِينَ

پس به کشتی فرا شوید آنگاه تو و هر کس که با تو شد  
همراه

پس بگو حمد حق که ساخت خدا از ستمکارگان رها ما را

پس فرود آرمان به یک منزل که خجسته است ای بهین  
منزل

به یقین بس نشان بود در آن امتحان می‌کنیم خلق جهان

پس پدید آوریم قوم دگر

بهر هر قوم هست پیغمبر

که عبادت کنند بهر خدانیست معبود غیر از آن یکتا

اهل تقوا نمی‌شوید آیا؟

بود اشراف قوم در هر جا

کافران مکذَّب آیات نیز منکر به دیدن عرصات

داده بودیم ان جماعت راناز و نعمت به عمر در دنیا

پس بگفتند این پیمبر ما آدمیزاده ایست مثل شما

می‌خورد آنچه می‌خورید از آن و بیاشامد او چو هر انسان

گر برید از چنین بشر فرمان به یقین بهره‌ی شماس‌ت زیان

می‌دهد وعده چون شدید هلاک استخوانی شدید وز آن پس  
خاک

باز بیرون شوید بهر حیات

از چنین وعده بر شما هیهات

زندگی نیست غیر از این دنیاگر بمیریم و گر شویم احیا

برنگردیم باز سوی جهان بهر دیدار جنت و نیران

وین بشر بر خدا زند بهتان و نداریم ما به او ایمان

گفت یا رب تو باش با من یارچونکه حرف مرا کنند انکار

گفت نادم شوند این کفارزود از این گفته و از این کردار

میچه بر حق گرفت آنان را پس چو خاشاک کردم ایشان را

دور بادا ستمگران جهان از ره لطف و رحمت رحمان

خلق کردیم ما سپس به جهان قومهای دگر پس از ایشان



مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَعْرِوْنَ

ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرًا كُلًّا مَا جَاءَ أُمَّةً رَّسُولُهَا كَذَّبُوهُ ۖ فَاتَّبَعْنَا بَعْضَهُمْ بَعْضًا وَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ فَبُعْدًا لِقَوْمٍ لَّا يُؤْمِنُونَ

ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ وَأَخَاهُ هَارُونَ بِآيَاتِنَا وَسُلْطٰنٍ مُّبِينٍ

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِۦ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا عَالِينَ

فَقَالُوا أَنُؤْمِنُ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا عٰبِدُونَ

فَكَذَّبُوهُمَا فَكَانُوا مِنَ الْمُهْلَكِينَ

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتٰبَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ

وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهٗ ءَايَةً وَعَآوَيْنَهُمَا إِلَىٰ رَبِّوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ

يٰٓأَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُّوْا مِنَ الطَّيِّبٰتِ وَاعْمَلُوا صٰلِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ

وَإِنَّ هٰذِهِۦٓ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ

فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ

فَذَرَهُمْ فِيۢ غَمَرَتِهِمْ حَتَّىٰ حِينٍ

أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُم بِهِۦٓ مِنْ مَّالٍ وَبَيْنٍ

نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرٰتِ بَل لَّا يَشْعُرُونَ

إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِّنْ حَشِيَّةٍ رَبِّهِمْ مُّشْفِقُونَ

وَالَّذِينَ هُمْ بِآيٰتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ

وَالَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَّا يُشْرِكُونَ

اجل خلق چون رسد در پیش‌بهرشان نیست ساعتی کم و بیش

پس پیامد رسول پی در پی‌امتی چون رسد پیمبر وی می‌شمارد دروغ گفته‌ی وی‌پس هلاک آوریم پی در پی قصه‌ای ز آن امم بود دایردور بادا جماعت کافر

ما فرستاده‌ایم با موسی‌نیز هارون برادر او را آیه‌ها و دلیل روشنگر

سوی فرعون و دسته‌ی مهتر پس گرفتند راه استکبارهم به گردنکشی شدند دچار

پس بگفتند خلق نابورکه نداریم باور این دو بشر این دو چون ما [خورند آب و غذا]قومشان نیز بنده‌اند به ما

بهر تکذیب آن دو پیغمبرساختم قوم را فنا یکسر

و بدادم کتاب موسی را‌شاید آیند بر طریق هدا

مریم و کودکش شدند نشان‌و بردیم بر بلند مکان که در آن بود هم قرار و امان‌هم در آن نقطه بود آب روان

ای رسولان خورید روزی پاک‌کار نیکو کنید [در هر خاک بهر اعمالتان منم دانا

بود این امت شما یکتا و منم آفریدگار شما‌هل تقوا شوید بهر خدا

بعدها بینشان شکست افتادهر گروهی به راه خود شد شاد

پس رها کن به جهلشان تا حین

در گمانند بهر مال و بنین

که کمک می‌دهمیشان با آن می‌دانند جمله هست زیان بهر خیراتشان کنیم شتاب‌نیستند این گروه معنی یاب

جز که ترسند از خدای جهان

و به آیات آورند ایمان

و ندارند هیچ شرک روا‌بهر پروردگار بی‌همتا

وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ

۶۱ أُولَٰئِكَ يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ

۶۲ وَلَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَلَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

۶۳ بَلْ قُلُوبُهُمْ فِي غَمْرَةٍ مِّنْ هَذَا وَلَهُمْ أَعْمَلٌ مِّنْ دُونِ ذَٰلِكَ هُمْ لَهَا عَمِلُونَ

۶۴ حَتَّىٰ إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِم بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ يَجْعَرُونَ

۶۵ لَا تَجْعَرُوا أَلْيَوْمَ ۖ إِنَّكُمْ مِّنَّا لَا تُنصَرُونَ

۶۶ قَدْ كَانَتْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ عَلَىٰٰ أَعْقَابِكُمْ تَنكِصُونَ

۶۷ مُسْتَكْبِرِينَ بِهِ ۖ سَمِرًا تَهْجُرُونَ

۶۸ أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُمْ مَا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ الْأَوَّلِينَ

۶۹ أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُۥ مُنْكَرُونَ

۷۰ أَمْ يَقُولُونَ بِهِ ۖ جِنَّةٌ ۚ بَلْ جَاءَهُم بِالْحَقِّ وَأَكْثَرُهُم لِلْحَقِّ كَارِهُونَ

۷۱ وَلَوْ أَتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ ۚ بَلْ أَتَيْنَهُم بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَن ذِكْرِهِمْ مُّعْرِضُونَ

۷۲ أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَجَ رَبِّكَ خَيْرٌ ۖ وَهُوَ خَيْرُ الرَّزَاقِينَ

۷۳ وَإِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ

۷۴ وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنُكَيِّبُونَ

چونکه انفاق می‌کنند ایشان‌هست دلهایشان ز حق ترسان باز گردنده سوی یزدانند

و به کار نکو شتابانند و بجویند سبقتی در آن

نیست تکلیف کس برون ز توان نامه ما به حق بود گویاهیچکس را نمی‌کنیم جفا

غفلتی هست خلق را در دل و به کاری جز آن بود عامل

پس بگیریم مترفین یکسر بهر کار عذاب در محشر

و مبارید این زمان زاری نیست از کس برایتان یاری

بر شما خوانده شد بسی ز نشان‌که از آن بوده‌اید رو گردان

شب به نخوت چو یایه می‌گویندراه تدبیر و حق نمی‌پویند

یا به آنان کتاب شد واصل‌که به اجدادشان نشد نازل

نشناسند این نبی آیا؟که گرفتند راه نفی و ابا

یا بگویند او بود مجنون‌گر چه آورده است حق اکنون خوش ندارند اکثرا حق را

حق اگر بود تابع اهوا آسمان و زمین شوند تباه‌اهل آن هم همه شود گمراه ذکر را داده‌ایم بر آنان‌پس از آن می‌شوند رو گردان

اجرتی خواستی مگر زیشان‌بهترین اجر هست از یزدان

و خداوندگار بی‌همتابهترین رازق است عالم را دعوت توست در طریقه‌ی راست

راه ناباوران دین به خطاست

وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِمْ مِّنْ ضُرٍّ لَّلْجُؤِ فِي طُغْيَانِهِمْ  
يَعْمَهُونَ

گر که رحم آوریم بر ایشان دفع سازیم از این گروه زیان  
پس لجاجت کنند در طغیان و بمانند سخت سرگردان

وَلَقَدْ أَخَذْنَاهُم بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا  
يَتَضَرَّعُونَ

در بلا هم نبودشان خواری و نکردند سوی حق زاری

حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ إِذَا هُمْ فِيهِ  
مُبْلِسُونَ

چون به آنان رسد عذاب شدید همه گردند آن زمان نومید

وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا  
تَشْكُرُونَ

اوست خلاق چشم و گوش و فؤادشاکر حق کم است بین  
عباد

وَهُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

او شما را به خاک ساخت پدیدسوی او نیز جمع می‌گردید

وَهُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ وَلَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَفَلَا  
تَعْقِلُونَ

او کند زنده و ستاند جان‌زو بود روز و شب پیایی هان

بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالَ الْأَوَّلُونَ

پس بگفتند مثل اولیان چون بگردیم سوی گور روان

قَالُوا أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظْمًا أَءِنَّا لَمَبْعُوثُونَ

استخوانهای ما شود پس خاک‌زندگی را چسان کنیم ادراک

لَقَدْ وُعِدْنَا نَحْنُ وَعَآبَاؤُنَا هَذَا مِن قَبْلُ إِن هَذَا إِلَّا  
أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ

ما ز آبا شنیده بودیم این هست اینهم فسانه‌ای پیشین

قُل لِّمَنِ الْأَرْضُ وَمَن فِيهَا إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

گو که از کیست ارض و ما فيها؟ گر که هستید از این سخن  
دانا

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

پس بگویند هست از آن خداگو نگیرید پند از آن آیا؟

قُلْ مَن رَّبُّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

گو که پروردگار ارض و سماست؟ یا که پروردگار عرش  
علاست؟

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ

پس بگویند هست از آن خداگو که آیا نه‌اید با تقوی؟

قُلْ مَن بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ  
إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

گو که در دست اوست حکم جهان و پناهنده راست مهد امان  
و پناهنده نیست او کس راگر که هستید از این سخن دانا

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ فَأَنَّى تُسْحَرُونَ

پس بگویند هست از ان خداگو که مسحور گشته‌اید آیا؟

بَلْ أَتَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ

مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذًا لَذَهَبَ كُلُّ  
إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَّا بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا  
يَصِفُونَ

عَلِيمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ

قُلْ رَبِّ إِمَّا تُرِيئِي مَا يُوعَدُونَ

رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

وَإِنَّا عَلَىٰ أَنْ نُرِيكَ مَا نَعِدُهُمْ لَقَدِيرُونَ

أَدْفَعِ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ

وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيْطَانِ

وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ

لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا  
وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ

فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا  
يَتَسَاءَلُونَ

فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِي  
جَهَنَّمَ خَالِدُونَ

تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ

حق بیاورده‌ایم [و می‌جویند] در حقیقت دروغ می‌گویند

نگرفتست او کسی مولودنیست همراه او کسی معبود  
ورنه هر یک به آفریده‌ی خویش‌راه مخصوص می‌گرفت به  
پیش  
بعضشان هم به راه شوکت و فربود برتر ز عده‌ای دیگر  
پاک باشد خدای عالمیانز آنچه در وصف او کنند بیان

عالم غیب و جلوه برتر از آن‌که شریک آورند بر یزدان

گو خدایا اگر نشان بدهی و عده‌ای را که بر جهان بدهی

با ستمگر مرا مکن همراه و مرا ز آن وعید کن آگاه

هست از بهر ما قوا و توان‌که به تو وعد خود دهیم نشان

پاسخ هر بدی به نیکی ده‌ما به وصفیم و علم ز آنان به

گو پناه آورم به تو یزدان از فسون و ساوس شیطان

و پناه آورم به تو قادرچونکه گردند نزد من حاضر

چونکه با مرگ می‌رود ز جهان‌پس بگوید مرا تو برگردان

تا که کار نکو کنیم قضایین بود گفته‌ی زبان او را  
وز پی اوست برزخی مأمورتا به روز جزا و بعث و نشور

چون دمیده شود به صور آن جاسته سؤال و نه قوم آنان  
راست

هر که میزان او شود سنگین‌رستگاری است بهر او تأمین

هر که او را سبک شود میزان‌بس خسارت رسد به او از جان  
اهل نارند و جاودانه در آن

نار تازد به چهره‌ی آنان  
زشت رویند در دل نیران پس عبوسند ز انهمه خسران

أَلَمْ تَكُنْ عَائِيَّتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ

نه مگر آیه خوانده شد به شما نیز تکذیب کرده‌اید آن را

۱۰۶ قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ

پس بگویند که چیره شد بر ما بخت بد برد هم ز ره ما را

۱۰۷ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ

ای خدا ز آن بکن برون ما راتا نباشیم باز اهل جفا  
پس اگر سوی جرم روی آریم به یقین آن زمان ستمکاریم

۱۰۸ قَالَ أَحْسُوا فِيهَا وَلَا تُكَذِّبُوا

گویند از من شوید دور و سخن هیچ دیگر نیاورید به من

۱۰۹ إِنَّهُوَ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا  
وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ

به یقین بعضی از عباد خداسوی معبود داشتند دعا  
کای خدا بر تو آوریم ایمان بهر ما بخش رحمت و غفران  
رحمت و رحم تست افزونتر از رحیمان و رحمان یکسر

۱۱۰ فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِحْرِيًّا حَتَّىٰ أَنْسَوْكُمْ ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِّنْهُمْ  
تَضْحَكُونَ

سخره کردید جمع آنان رارفت از یادتان کلام خدا  
خنده‌ها داشتید بر ایشان پس نگاهی کنید بر آنان

۱۱۱ إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَازُونَ

ما جزا می‌دهمشان امروز می‌شوند از شکیبشان پیروز

۱۱۲ قُلْ كَمْ لَبِئْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ

پس بگویند که چند گه به زمین مانده‌اید از حساب یوم و  
سنین

۱۱۳ قَالُوا لَبِئْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَسَلِّ الْعَادِينَ

پس بگویند روزی از ایام‌یا که یک پاره‌ای ز روز تمام  
از شمارندگان سؤال کنید [بهر ما هست از این سخن تردید]

۱۱۴ قُلْ إِنْ لَّبِئْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا لَّوْ أَنْتُمْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

پس بگویند که مانده‌اید آنچاکم اگر علم داشتید شما

۱۱۵ أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنْتُمْ عَلَيْنَا لَا  
تُرْجَعُونَ

پس گمان داشتید این کایابه عبث خلق گشته‌اید شما؟  
و نگردید باز سوی خدا

۱۱۶ فَتَعَلَىٰ اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ  
الْكَرِيمِ

خسرو راستین بود والا  
نیست معبود جز خدای کریم اوست پروردگار عرش عظیم

۱۱۷ وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا  
حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ

هر که خواند اله با الله نیست برهان برای او زین راه  
پس حسابش بود به نزد خدانرہاند گروه کافر را

۱۱۸ وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ

گو خدایا ببخش و هم بخشاکه تویی بهترین رحیم مرا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سُورَةٌ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَّعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

سوره‌ای آمد و در اوست عیان واجبات از خدای عالمیان و در او هست آیه‌ها به بیان متذکر شوید شاید آر آن

الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيْشَهِدَ عَذَابُهُمَا طَآئِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ

زن و مردی که گشت اهل زناحد صد تازیانه است او را و مباحثید بهرشان دلسوز [تا که حکم خدا شود پیروز] مؤمنید ار به حق و روز جزا جمعی از مؤمنین شوند گواه بر مجازات و کیفر آنان این بود حکم قادر سبحان

الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحَرِّمَ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ

بهر زانی نکاح نیست رواجز زنی کوست اهل شرک و زنا زن بدکاره نیز نیست رواجز به مردی ز اهل شرک و زنا این دو بر مؤمنین شدند حرام این چنین است حکم در اسلام

وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ

گر زنی متهم کند به زنا و نیارد بر او چهار گواه هست هشتاد تازیانه و راو شهادت نباشدش ابدا [حکم این است بر تبه کاران و ان جماعت شدند نافرمان

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

هر که تائب شد و نکو کردار پس خدا هست راحم و غفار

وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُن لَّهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنفُسُهُمْ فَشَهَدَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَدَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ

گر کند متهم زنش به زنا و نبودست شاهدهی او را پس شهادت دهد به نام خدا چار بار اینکه صادق است آن را

وَالْخَمِيسَةُ أَنْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ

پنجمین بار هم چنین گوید [بهر تعذیب آن مصاحب بد] باد ملعون کردگار احدکه اگر او دروغگو باشد

وَيَذَرُوهَا عَنْهَا الْعَذَابَ أَنْ تَشْهَدَ أَرْبَعَ شَهَدَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ

زن شود از عذاب جرم رها چار بار ار گواه خواست خدا مرد او راه کذب می‌پوید

وَالْخَمِيسَةُ أَنْ غَضَبَ اللَّهِ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ

پنجمین بار هم چنین گوید باد مغضوبه‌ی خدای احداگر این مرد راست می‌گوید

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ

هست لطف و کرم از آن خدا اوست توبه‌پذیر و هم دانا

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا  
لَّكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ مَا أَكْتَسَبَ  
مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ

آن گروهی که کذب بود او را بود یک دسته از میان شما  
بهرتان نیست زان دروغ زیان بلکه خیریست بر شما از آن  
هر یک از آن گروه کرد گناه و به کسب گناه گشت تباه  
و آنکه سهمی بزرگ داشت از آن هست از بهر او عذاب گران

لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ  
خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ

چون رسید این خبر به گوش شما پس نبردید ظن خیر چرا؟  
بهر خود [و آن گروه با ایمان و بگویند اوست کذب عیان

لَوْلَا جَاءُوا عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشُّهَدَاءِ  
فَأُولَئِكَ عِنْدَ اللَّهِ هُمُ الْكَاذِبُونَ

چون نیاورده اند چار گواه پس دروغ است این به نزد خدا

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ  
لَمَسَّكُمْ فِي مَا أَفَضْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ

گر نمی بود لطف و فضل خداهم به دنیا و هم به روز جزا  
[بهر این کذب و این چنین بهتان بود از بهرتان عذاب گران

إِذْ تَلَقَوْنَهُ بِالسِّنْتِكُمْ وَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ  
لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ

می گرفتید این سخن ز کسان باز آورده اید آن به زبان  
بی خبر ز آن گذشته اید آسان و آن بزرگ است در بر یزدان

وَلَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا  
سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ

چون رسید این خبر به گوش شما می نگفتید حی سبحان را  
توانیم این سخن گوئیم این خبر کذب و تهمت است عظیم

يَعِظُكُمُ اللَّهُ أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَدًا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

و خدا پند می دهد به شما که نگویید این سخنها را  
گر شما مؤمنید بر یزدان دور باشید از ره بهتان

وَيَبِّئُكُمُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

آیه ها حق بیان کند به شما و خدا هست عالم و دانا

إِنَّ الَّذِينَ يُجِبُونَ أَنْ تَشِيَعَ الْفَحِشَةُ فِي الَّذِينَ ءَامَنُوا لَهُمْ  
عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا  
تَعْلَمُونَ

هر که خواهد شیوع فحشا را در جماعات مؤمنین خدا  
هم به دنیا و هم که محشر سهم او شد عذاب درد آور  
و خدای جهان بود دانانیز آگاه نیستید شما

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ رَعُوفٌ رَّحِيمٌ

هست لطف و کرم از آن خدا و رؤف است و مهربان به شما

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ  
خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْلَا  
فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِّنْ أَحَدٍ أَبَدًا  
وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

ای کسانی که آورید ایمان پس مباشید پیرو شیطان  
هر که شد پیرو ره شیطان او به خبث و بدی دهد فرمان  
گر نمی بود لطف و فضل خدا بود آلوده هر کسی ز شما  
پاک دارد هر آنکه خواست خدا و سميع است و او بود دانا

وَلَا يَأْتِلِ أَوْلُوا الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَن يُؤْتُوا أُولِي  
الْقُرْبَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِيَعْفُوا  
وَلِيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَن يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ  
رَّحِيمٌ

آنکه را فضل و وسع رزق دهند نیست جائز که او خورد  
سوگند  
بهر امساک مالی از خویشان نیز هجرت کنان و درویشان  
ور به عفو و گذشت رو آریدمگر آیا نه آرزو دارید  
تا کند عفو تان خدای جهان هست یزدان رحیم و ذو غفران

إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لَعُنُوا  
فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

هر که نسبت دهد گناه زنانه زنی پاک و بی خبر ز خطا  
لعنت حق بر اوست در دو جهان هست از بهر او عذاب گران

يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا  
يَعْمَلُونَ

چون زبانها و دست و پای کسان شاهد آید به کرده‌ی ایشان

يَوْمَ يَدْعُ يُوفِّيهِمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ  
الْمُبِينُ

آن زمان حق دهد جزای تمام حق حق نیز می شود اعلام

الْحَبِيثَاتُ لِلْحَبِيثِينَ وَالْحَبِيثُونَ لِلْحَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ  
لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا  
يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ

زن و مرد پلید و اهل خطا بهر او زوج هرزه هست روا  
نیز مرد و زن بری ز خطا بهرشان زوج پاک هست روا  
بهرشان پاکی است در بهتان نیز رزق کریم و هم غفران

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّىٰ  
تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ  
تَذَكَّرُونَ

ای کسانی که آورید ایمان در نیاید خانه‌های کسان  
جز به اذن و سلام اهلس راکاین بود خیر از برای شما  
[آوریم اینهمه بیان و نشان متذکر شوید شاید از آن



فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤْذَنَ لَكُمْ  
وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَىٰ لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا  
تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ

گر نباشد کسی در آن منزل بی‌اجازت مشو به آن داخل  
ور ندادند اذن برگردید این به نفع شماست بی‌تردید  
و خدای جهان بود دانا ز آنچه باشد ز کارهای شما

بی‌گناهیید اگر شوید درون‌خانه‌ای را که هست نامسکون  
که متاعی در آن برای شماست و خدای جهان از آن داناست  
هر چه پنهان کنید یا که عیان‌هست پروردگار آگاه از آن

گو به مؤمن که حفظ کن چشمان و نگهدار باش بر دامان  
که در این راه نفع بهر شماست و ز اعمالتان خدا داناست

لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ  
فِيهَا مَتَعٌ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ  
ذَٰلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ  
فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ  
بِحُمْرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ  
ءَابَائِهِنَّ أَوْ ءَابَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ  
إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا  
مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْأَرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ  
أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا  
يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَىٰ  
اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

وَأَنْكِحُوا الْأَيَّمَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ  
وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَاللَّهُ  
وَاسِعٌ عَلِيمٌ

وَلَيْسَتَعْفِيفُ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ  
مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَالَّذِينَ يَبْتَغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ  
أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا ۖ وَعَأْتُوهُمْ مِّنْ  
مَّالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ ۖ وَلَا تُكْرِهُوا فَتِيَّتَكُمْ عَلَى  
الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصَّنَا لَتَبْتَغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۗ وَمَنْ  
يُكْرِهِنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرِهِنَّ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ آيَاتٍ مُّبَيِّنَاتٍ وَمَثَلًا مِّنَ الَّذِينَ خَلَوْا  
مِنْ قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ

اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا  
مِصْبَاحٌ ۗ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ ۗ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ  
دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِن شَجَرَةٍ مُّبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَّا شَرْقِيَّةٍ وَلَا  
غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُّورٌ عَلَىٰ  
نُورٍ ۗ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ ۗ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَلَ  
لِلنَّاسِ ۗ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا أَسْمُهُ ۗ يُسَبِّحُ لَهُ  
فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ

هر عذب را کنید همسر دارنیز آن بردگان نیکوکار  
گر که نادار باشد و درویش حق غنی سازدش ز رحمت  
خویش  
هم گشایش دهنده است خداهم به اعمال بندگان دانا

و آنکه را نیست بر نکاح توان پاک باید بماندش دامان  
تا توانا کند خدا او راو غنی گردد از عطای خدا  
بردگان چون نوشته‌ای خواهنددهند ار به خیرش آگاهند  
ثروتی را که داده است خداسهمی از آن دهید آنان را  
و کنیزان مدار بر فحشابه‌ر این زندگانی دنیا  
چونکه خواهند پاکی دامان‌گر که مجبور می‌شوند آنان  
[توبه آرند اگر به رب کریم به یقین حق بود غفور و رحیم

من بیاوردم آیه‌های مبین و مثلاً ز دوره‌ی پیشین  
و آنچه پند است بهر متقیان تا شما بهره‌ای برید از آن

هست یزدان فروغ ارض و سماهمچو مشکات بین فروغ خدا  
که چراغی است فاش در دل آن‌نورش از آبگینه‌ای است  
عیان  
و آن بود چون ستاره‌ای تابان و فروزان شدست شعله‌ی آن  
از درخت مبارک زیتون‌که خود از شرق و غرب هست برون  
هست نزدیک تا شود تابان‌نرسد گر چه شعله‌ای بر آن  
نور بر نور شد فراز و خداهر که را خواست گشت راهنما  
حق مثلها زند برای شماوز همه چیز آگه است خدا

خانه‌هایی دهد اجازه خداکه ز نور خدا شود والا  
ذکر گردد در آن خدا را نام‌نیز تسبیح حق به صبح و به شام

رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ  
الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ  
وَالْأَبْصَارُ

مردمی را که بیع یا سودانکند بی‌خبر زیاد خدا  
و نماز خدا به پا سازند و زکات خدا بپردازند  
نیز باشند از آن زمان هایل که دگرگون شوند دیده و دل

لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ  
وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَن يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ

تا جزا بفرشان دهد یزدان بهترین کار داشتند آنان  
و ز فضلش افزون دهند و عطای احد است آنکه را که  
خواست خدا

وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَلُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْآنُ  
مَاءً حَتَّى إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَوَجَدَ اللَّهَ عِنْدَهُ  
فَوَقَّاهُ حِسَابُهُ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ

کار کفار هست مثل سراب که به پندار تشنه باشد آب  
چون به سویش رود نیابد آن و بیابد در آن زمان یزدان  
و خدایش دهد تمام جز او شتابان بود حساب خدا

أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لِّجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِّن فَوْقِهِ مَوْجٌ مِّن  
فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ  
لَمْ يَكَدْ يَرَاهَا وَمَن لَّمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِن  
نُّورٍ

یا که چون تیرگی به بحری ژرف روی آن بحر موجهای شگرف  
موج بر موج و روی موج سحاب تیرگی روی تیرگی [چو حجاب  
گر که دستی شود ز جیب برون هست از حوزه نگه بیرون  
ندهد گر خدا کسی را نورمانند از نور و از هدایت دور

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَن فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالصَّيْرُ  
صَفَّتْ كُلُّ قَدِّ عِلْمٍ صَلَاتُهُ وَتَسْبِيحُهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا  
يَفْعَلُونَ

می‌بینی که اهل ارض و سما ذکر تسبیح او کنند ادا؟  
هر پرنده به راه در پرواز داند او ذکر کردگار و نماز  
و آنچه انجام می‌دهند به راه هست پروردگار از آن آگاه

وَاللَّهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ

بهر دادار ملک ارض و سماست بازگشت همه به سوی  
خداست

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُرْسِلُ سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ  
رُكَّامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ  
مِن جِبَالٍ فِيهَا مِن بَرَدٍ فَيُصِيبُ بِهِ مَن يَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ  
عَن مَّن يَشَاءُ يَكَادُ سَنَا بَرْقِهِ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ

می‌بینی که ابرها راند و سپس جمله را به هم خواند  
کند انبوه دانه‌ی باران به در آرد ز لایه لایه‌ی آن  
و تگرگ آورد ز کوه سحابز آن کند هر که را که خواست  
مصاب  
باز گیرد ز هر که خواست همان نور برفش برد ز دیده توان

او شب و روز را کند گردان این بود پند بهر دیده و روان

يَقْلِبُ اللَّهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ

آفریند ز آب هر حیوان بعضشان بر شکم شوند روان  
دسته‌ای راه می‌رود به دو پا چارپایند بعضی از آنها  
هر چه را خواست آفرید خدا او تواناست بر همه اشیا

وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِّن مَّاءٍ فَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ  
وَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ  
يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

۴۵

آمد این آیه‌ها و در ره راست‌حق به هر کس که خواست  
راه‌تماسست

لَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ مُّبَيِّنَاتٍ وَاللَّهُ يَهْدِي مَن يَشَاءُ إِلَىٰ  
صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ

۴۶

پس بگویند می‌کنیم قبول آنچه باشد ز سوی حق و رسول  
عده‌ای زان شدند رو گردان نیستند این گروه با ایمان

وَيَقُولُونَ ءَأَمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّىٰ فَرِيقٌ  
مِّنْهُمْ مِّن بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَٰئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ

۴۷

چون کنند این گروه را دعوت‌سوی حق و پیمبر رحمت  
تا کند داوری میانه‌ی‌شان پس گروهی شدند رو گردان

وَإِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ  
مِّنْهُمْ مُّعْرِضُونَ

۴۸

گر که حق بود بهره‌ی ایشان پس بیایند از ره اذعان

وَإِن يَكُن لَّهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ

۴۹

هست در جان‌شان مرض آیا؟ یا که شک است در دل آنان را؟  
یا که ترسند از رسول و خدا که بر آنان کنند جور و جفا  
نه خود آنان شوند اهل ستم نیست حکم حکیم غیر کرم

أَفِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ أَمْ ارْتَابُوا أَمْ يَخَافُونَ أَن يَحِيفَ اللَّهُ  
عَلَيْهِمْ وَرَسُولُهُٓ بَلْ أُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

۵۰

مؤمنان را کنند چون دعوت‌سوی حق و پیمبر رحمت  
تا کند داوری میانه‌ی‌شان آورند این کلام را به زبان  
ما شنیدیم گفته‌ی یزدان و اطاعت کنیم از آن فرمان  
رستگاری نصیب آن جان است

إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ  
لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَن يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَٰئِكَ هُمُ  
الْمُقْلِحُونَ

۵۱  
۳۰۷۷

که مطیع رسول و یزدان است  
و ز خدا داشت خشیت و تقوارستگارست و نیز کامروا

وَمَن يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشِ اللَّهَ وَيَتَّقِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ  
الْفَائِزُونَ

۵۲

و قسم می‌خورند بر یزدان که به امر خدا شوند روان  
گو نخواهیم ما قسم ز شماطاعتی نیک آورید به جا  
که خدا هست آگه و داناز آنچه انجام می‌دهید شما

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِن أَمَرْتَهُمْ لَيَخْرُجُنَّ قُل لَّا  
تُفْسِمُوا طَاعَةَ مَعْرُوفَةٍ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

۵۳  
حزب  
۱۴۳

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ ۖ فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ ۖ وَإِن تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا ۚ وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ

گو اطاعت کن از خدا و رسول شد نبی بهر کار خود مسئول  
ور بیچید سر ز حکم خداکار و بار شماسست بهر شما  
به هدایت رسید از این تمکین بر رسل نیست جز بلاغ مبین

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا أُسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا ۗ يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا ۗ وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ

مؤمنین را نوید داد خداگر که کار نکوست آنان را  
می‌کند جانشین‌شان به زمین همچو حکام دوره‌ی پیشین  
و توان می‌دهد به آن فرمان‌که پسندیده است بر ایشان  
وز پس خوفشان دهیم امان‌که پرستند ربّ عالمیان  
و نیارند شرک بر یزدان‌گر که شرک آورند بعد از آن  
پس شوند آن گروه نافرمان بهر فرمان خالق منان

۵۵

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَءَاتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

هم نماز خدا به پا سازیدهم زکات خدا بپردازید  
آورد مرحمت خدای مجیدگر مطیع پیمبرش باشید

۵۶

لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا أُولَٰئِكَ إِلَّا النَّارُ وَآلِئِنَّ الْمَصِيرُ

نشمایرد کافر حق رامانعی در زمین [به حکم خدا]  
جای آن قوم هست دوزخ و نارو چه جای بدی است [بر کفار]

۵۷

يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِّن قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِّنَ الظَّهِيرَةِ وَمِن بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَّكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوْفُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

ای کسانی که آورید ایمان‌باید آیند با اجازیتان  
پیشتر از نماز صبح و دعاشامگاهان پس از نماز عشا  
نیز در ظهر موقع آرام‌که بر آرید جامه آن هنگام  
بردگان و جمیع فرزندان‌که نباشد بلوغ با ایشان  
گو نیابند در مقام لقاجز که با اذن یا جواز شما  
این سه هنگام ویژه بهر شماسست و مزاحم شدن خطا و  
جفاست  
خارج از این سه وقت بی‌تردیدمی‌توانید گرد هم گردید  
حق کند آیه‌ها بیان به شماهست یزدان حکیم و هم دانا

۵۸  
۳۰۸۲

وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمْ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَعِزُّوْا كَمَا  
اسْتَعِزَّنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ ۗ  
وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

کودکی را بلوغ چون برسیده‌هم بگیرد اجازه بی‌تردید  
حق کند آیه‌ها بیان به شما هست یزدان علیم و هم دانا

گر زنی سن پیریش برسد و شد از ازدواج خود نومید  
نیست از بهر او خطا و گناه‌گر که پوشیده نیست گاه به گاه  
ور که از خویش پرده بگشاید بایدش خویشتن نیاراید  
ور بیوشید بهتر است او را و خدا هست عالم و شنوا

وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ الَّتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ  
عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ ۗ  
وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى  
الْمَرِيضِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ  
بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ  
إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ  
بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخْوَالِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَالَاتِكُمْ  
أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مَفَاحِشًا ۚ أَوْ صَدِيقِكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ  
جُنَاحٌ أَنْ تَأْكُلُوا جَمِيعًا أَوْ أَشْتَاتًا ۚ فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا  
فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبْرَكَةٌ طَيِّبَةٌ  
كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

نیست خوفی به لنگ و نابینانیز بهر مریض و بهر شما  
که خورید از بیوت خویش غذا یا که در خانه‌هایی از آبا  
یا که مام و برادر و خواهر یا ز اعمام و عمه‌ها یکسر  
یا ز احوال و خاله‌های شما یا چو دارید از آن کلیدی را  
یا ز بیٹی ز دوستان شما نیست از بهرتان گناه و خطا  
دسته جمعی روید یا که فریدهر چه را خواستید از آن  
بخورید  
پس سلام آورید وقت ورود و تحیت ز سوی حی و دود  
آن سلام خجسته و طاهر آنچنان آن مهیمن قادر  
بهرتان آیه‌ها بیان داردز آنکه شاید شوید اهل خرد

۲۴  
نور  
۶۲  
/۶۴  
۳۰۹

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ؕ وَإِذَا كَانُوا  
مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَّمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوهُ ۚ إِنَّ الَّذِينَ  
يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ۚ فَإِذَا  
أَسْتَأْذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأَذِنَ لِمَن شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِرَ  
لَهُمُ اللَّهُ ۚ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

مؤمنانی که آورند ایمان به خدا و رسول او از جان  
گر که با او روند در هر کارهم ز اذنش شوند برخوردار  
هست مؤمن به کردگار و رسول آنکه از اذن او نکرد عدول  
چون به کاری اجازات خواهنداذن ده آن چه ز آن تویی  
خرسند  
بهرشان کن دعا و استغفار هست یزدان رحیم و هم غفار

۶۳

لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا ۚ  
قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنْكُمْ لِوَاذًا ۚ فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ  
يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ ۚ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ  
أَلِيمٌ

دعوت و هم ندا به پیغمبر نیست چون دعوتی ز یکدیگر  
می شناسد خدا کسانی را که بگیرند پشت سرها جا  
گر کسش سر بیچد از فرمان باید از این عمل شود ترسان  
که رسد فتنه ای بر او از آن یا رسد بهر او عذاب گران

۶۴

أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ  
عَلَيْهِ وَيَوْمَ يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا ۗ وَاللَّهُ بِكُلِّ  
شَيْءٍ عَلِيمٌ

هست از او آنچه در زمین و سماست او به اعمال و حالتان  
داناست  
سوی او چونکه باز می گردند کند آگاهشان چها کردند  
[ هر چه انجام می دهید شما ] از همه چیز آگه است خدا

۲۵. فرقان الفرقان: فرقان مکی ۷۷ آیه ۸ صفحه

۱  
حزب  
۱۴۴  
ر ۳۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ ۚ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ  
نَذِيرًا

بس بزرگ است کردگار جهان که فرستد به بنده اش فرقان  
تا دهد بیم بهر عالمیان از مجازات کردگار جهان

۲

الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ  
يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ  
تَقْدِيرًا

هست از او ملک آسمان و زمین هم نه فرزند کرده است  
گزین  
نیست در حکم بهر او همتا آفریده است او همه اشیا  
[ هر چه در پهنه وجود آورد ] بهرش اندازه ای مقدر کرد

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ ءَالِهَةً لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ  
وَلَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا  
وَلَا حَيَوةً وَلَا نُشُورًا

و گرفتند جز خدا معبودکه نیاورده خلقتی به وجود  
و آن بود آفریده‌ی یزدان و ندارد به خویش سود و زیان  
هم ندارد حیات و موت و نشور [این پرستش بود ز عقل به  
دور]

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا إِفْكٌ افْتَرَاهُ وَأَعَانَهُ  
عَلَيْهِ قَوْمٌ ءَاخِرُونَ ۗ فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَزُورًا

کافران گفته‌اند این قرآن‌هست کذب و به حق بود بهتان  
و گروهی به این سخن یارندبه یقین کاذب و ستمکارند

وَقَالُوا أَأَسْطِيرُ الْأُولِينَ أَكُتِّبَها فَهِيَ تُمَلَّى عَلَيْهِ بُكْرَةً  
وَأَصِيلًا

و بگفتند می‌شود املاهر فسانه بر او به صبح و مسا

قُلْ أَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ  
غَفُورًا رَحِيمًا

گو فرستاده است قرآن راآنکه داند نهان ارض و سما  
به یقین او بود غفور و رحیم و کتابش به حق بود تعلیم

وَقَالُوا مَالِ هَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْسِي فِي  
الْأَسْوَاقِ لَوْلَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ وَنَذِيرًا

و بگفتند این رسول خدامی‌خورد همچو قوم خویش غذا  
می‌رود همچو ما به هر بازارملکی بهر او نباشد یار  
تا که بیمی به خلق بنماید

أَوْ يُلْقَىٰ إِلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا وَقَالَ  
الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا

یا که گنجی بر او فرود آید  
یا که بهرش رسد یکی بستان و سپس خود خورد ز میوه آن  
و بگفتند ظالمان اکنون‌تابعید آنکه را که شد افسون

أَنْظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَلَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ  
سَبِيلًا

بنگر چون زنند بر تو مثال‌برگرفتند از این طریق ضلال  
تتوانند راه برگیرند [نیز پند خدای نپذیرند]

تَبَارَكَ الَّذِي إِنْ شَاءَ جَعَلَ لَكَ خَيْرًا مِّنْ ذَلِكَ جَنَّاتٍ  
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَيَجْعَلْ لَكَ قُصُورًا

بس بزرگ است کردگار جهان‌گر بخواهد دهد بسی به از آن  
می‌دهد بهر تو بسی بستان‌زیر اشجارش آبهای روان  
و برای تو کاخها سازد [هم به کار دگر بپردازد]

بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ ۗ وَأَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا

[آورند این بهانه‌ها به رسول چون قیامت نمی‌کنند قبول  
گر قیامت کسی کند تکذیب‌شد مهیا بر او سعیر و لهیب



إِذَا رَأَتْهُمْ مِّن مَّكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغَيُّظًا وَزَفِيرًا

چون ببیند ز دور آنان راخشم او بشنوند و هم آوا

وَإِذَا أَلْفُوا مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا مُّقْرَّنِينَ دَعَوْا هُنَالِكَ ثُبُورًا

چون بیفتند در دل نیران‌پس بیابند تنگ جا و مکان دست و پاهایشان فتاده به بندمرگ خود نیز از خدا خواهند

لَا تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُورًا وَاحِدًا وَادْعُوا ثُبُورًا كَثِيرًا

نکنید این زمان یکی فریاد بلکه فریاد آورید زیاد

قُلْ أَذَلِكُمْ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ كَانَتْ لَهُمْ جَزَاءً وَمَصِيرًا

گو کدامین به است آیا آن‌یا بهشتی که هست جاویدان؟ آن نوید است بهر متقیان بازگشت و جزا بود در آن

لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ خَالِدِينَ كَانَ عَلَى رَبِّكَ وَعْدًا مَسْئُولًا

هر چه را خواستند در آنجاست و آن نوید مسلمی ز خداست

وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَقُولُ ءَأَنْتُمْ أَضَلَلْتُمْ عِبَادِي هَؤُلَاءِ أَمْ هُمْ ضَلُّوا السَّبِيلَ

چون الالهانشان بجز یزدان جمع گردند جمله با ایشان پس بگوییم بهرشان آیاه که شما بوده‌اید راهنما؟ که چنین بندگان شوند از راه‌یا که خود بوده‌اند ناآگاه

قَالُوا سُبْحٰنَكَ مَا كَانَ يُنْبَغِي لَنَا أَنْ نَتَّخِذَ مِن دُونِكَ مِنْ أَوْلِيَاءَ وَلٰكِن مَّتَّعْتَهُمْ وَعَابَاءَهُمْ حَتَّىٰ نَسُوا الذِّكْرَ وَكَانُوا قَوْمًا بُورًا

پس بگویند کای حق سبحان‌نیست ما را بجز تو از یاران لیک این قوم را کرم کردی بهره‌مند از بسی نعم کردی تا فراموش کرد ذکر تو را و بیفتاد در طریق فنا

فَقَدْ كَذَّبْتُمْ بِمَا تَقُولُونَ فَمَا تَسْتَطِيعُونَ صَرْفًا وَلَا نَصْرًا وَمَنْ يَظْلِم مِّنكُمْ نَذِقْهُ عَذَابًا كَبِيرًا

پس سخنهايتان شود تکذیب و رهایی نباشد از تعذیب وز شما هر که ظلم کرد اکنون بچشانم به او عذاب فزون

وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ ۗ وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ ۗ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا

نیز پیش از تو انبیای عظام‌جملگی داشتند چون تو طعام و به بازار بوده‌اند روان و بصیر است ربّ عالمیان امتحانید بهر یکدیگر چون شکیباید شوید [هست ظفر]

وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْمَلَكُ  
أَوْ نَرَى رَبَّنَا لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْا عُتُوًا كَبِيرًا

آنکه منکر بود لقای مراگفت با مؤمنان ما که چرا؟  
ملکی بهر ما نمی‌آیدیا نبینیم از چه ربّ احد؟  
متکبر شدند از دل و جان و فتادند در ره طغیان

يَوْمَ يَرُونَ الْمَلَكَةَ لَا بُشْرَى يَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمِينَ وَيَقُولُونَ  
حِجْرًا مَّحْجُورًا

به ملایک چون آورند نگاه‌مژده‌ای نیست بهر اهل گناه  
و بگویند جمله ممنوعید [از بهشت و نعیم ربّ مجید]

وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنْثُورًا

و آنچه بودست بهرشان کردار جمله را می‌کنیم همچو غبار

أَصْحَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُّسْتَقَرًّا وَأَحْسَنُ مَقِيلًا

و کسانی که در بهشت آرندبهرترین جا و را مگه دارند

وَيَوْمَ تَشْقُقُ السَّمَاءُ بِالْغَمِّمِ وَنُزِلَ الْمَلَكَةُ تَنْزِيلًا

چون سما را به ابر بگشایندو ملایک همه فرود آیند

الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ  
عَسِيرًا

ملک آن روز بهر رحمان استسخت آنگه به اهل کفران  
است

وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَلِيَّتَنِي أَخَذْتُ مَعَ  
الرَّسُولِ سَبِيلًا

می‌گزد دست خویش اهل جفاو زبانش چنین بود گویا  
کاش بودیم با نبی همراه

يَوِيلَاتِي لِيَتَنِي لَمْ أَخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا

و نبودیم با فلان گمراه

لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي ۗ وَكَانَ الشَّيْطَانُ  
لِلْإِنْسَانِ حَذُولًا

دور کرد او مرا ز یاد خداور نه ذکر خدا رسید مرا  
اهرمن خوار کرد انسان را

وَقَالَ الرَّسُولُ يَرَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ  
مَهْجُورًا

و نبی گوید اینچنین به خدا  
قوم من گشت از حقیقت دوربود قرآن به نزدشان مهجور

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِّنَ الْمُجْرِمِينَ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ  
هَادِيًا وَنَصِيرًا

هر نبی راست عده‌ای دشمن از گنهکار یا ز اهریمن  
و آن جماعت شدند بدکرداریس بود حق به خلق هادی و یار

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً  
كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ ۖ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا

و بگفتند کافران که چرا بر تو قرآن نمی‌رسد یکجا؟  
ما دلت را کنیم از آن محکم و فرستیم وحی را کم کم

وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا

کس نیارد به مثل این تقریرما حق آریم و بهترین تفسیر

الَّذِينَ يُحْشَرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا  
وَأَضَلُّ سَبِيلًا

آنکه روی آورد به سوی جحیم بدترین جایگه شدست مقیم  
اوست گمراهترین ز خلق جهان که ره او بود ره نیران

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ وَجَعَلْنَا مَعَهُ وَآخَاهُ هَارُونَ  
وَزِيرًا

ما به موسی کتاب خود دادیم یاوری هم بر او فرستادیم  
بود او با برادرش هارون

فَقُلْنَا أَذْهَبَا إِلَىٰ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَدَمَّرْنَاهُمْ  
تَدْمِيرًا

پس بگفتیمشان روید کنون  
کز گروهی که می‌کنند انکار آیه‌هایم بر آوریم دمار

وَقَوْمَ نُوحٍ لَّمَّا كَذَّبُوا الرُّسُلَ أَغْرَقْنَاهُمْ وَجَعَلْنَاهُمْ لِلنَّاسِ  
ءَايَةً ۖ وَأَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ عَذَابًا أَلِيمًا

قوم نوح آن رسل چو کرد انکار غرقه کردیمشان [به آب  
بحار]  
و نهادیم آن جماعت را بهر مردم نشانه‌ای [ز بلا]  
بهر هر فرقه ستم گسترشد مهیا عذاب دردآور

وَعَادًا وَثَمُودًا وَأَصْحَابَ الرَّسِّ وَقُرُونًا بَيْنَ ذَلِكَ كَثِيرًا

همچو عاد و ثمود و فرقه رس بوده‌اند اندر این میانه چه  
بس

وَكُلًّا ضَرَبْنَا لَهُ الْأَمْثَلُ ۖ وَكُلًّا تَبَّرْنَا تَتْبِيرًا

می‌زدیم از برایشان امثال پس بدادیمشان هلاک و زوال

وَلَقَدْ آتَوْا عَلَىٰ الْقَرْيَةِ الَّتِي أَمْطَرْنَا مَطَرًا سَوِيًّا ۖ أَفَلَمْ  
يَكُونُوا يَرَوْنَهَا بَلْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ نُشُورًا

هم از آن شهر کرده‌اند گذرکه بر آن بوده است بارش شر  
دیده‌اند آن دیار [گاه عبور] و ندارند امید بهر نشور

وَإِذَا رَأَوْكَ إِذْ يَتَخِدُونَكَ إِلَّا هَزُؤًا أَهَذَا الَّذِي بَعَثَ اللَّهُ  
رَسُولًا

چون ببینند این گروه ترا با تو دارند حرف استهزا  
که همین است آن رسول آیا؟ که خدا برگزیده است او را

إِنْ كَادَ لَيُضِلَّنَا عَنْ ءَالِهَتِنَا لَوْلَا أَنَّ صَبَرْنَا عَلَيْهَا وَسَوْفَ  
يَعْلَمُونَ حِينَ يَرَوْنَ الْعَذَابَ مَنْ أَضَلُّ سَبِيلًا

گر نمی‌بود پایداری ما دورمان کرده بود از بتها  
زود دانند در نزول عذاب که چه دورند از طریق صواب

أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ ۖ وَأَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا

آنکه معبود او شدست هواتو وکالت کنی از او آیا؟

أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالَّذِينَ نَعِمَ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا

أَلَمْ تَرَ إِلَى رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا

ثُمَّ قَبَضْنَاهُ إِلَيْنَا قَبْضًا يَسِيرًا

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا

وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا

لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا وَنُسْقِيَهُ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنَاسِيَّ كَثِيرًا

وَلَقَدْ صَرَّفْنَاهُ بَيْنَهُمْ لِيَذَّكَّرُوا فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا

وَلَوْ شِئْنَا لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ تَذِيرًا

فَلَا تُطِيعُ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا

وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا مَحْجُورًا

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا ۗ وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا

وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ ۗ وَكَانَ الْكَافِرُ عَلَىٰ رَبِّهِ ظَهِيرًا

تو گمان می‌کنی که اکثرشان فهم دارند و گوش بهر بیان وین گروهند چون خر و استر بلکه ز آن هم شدند گمره‌تر

می‌بینی که چون خدای مجید؟ بر زمین طول سایه‌ها بکشد بود ساکن اگر خدا می‌خواست مهر پس بهر سایه راهنماست

پس بگیریم سایه را آسان می‌کنیم آفتاب و سایه نهان

پوششی ساخت بهرتان شب را خواب را کرد رامگاه شما روز را ساخت وقت جنبش و کار [تا ز نعمت شوید برخوردار]

او فرستاد باد پیشاپیش‌مژده‌ای بر نزول رحمت خویش و فرستاد از آسمان باران‌که چه بسیار پاک آمد آن

تا که از خاک مرده رویانیم و به انعام و ناس نوشانیم

گونه‌گون آیه کرده‌ایم بیان‌متذکر شوند شاید از آن منکرند این گروه اکثرشان و بمانند در ره کفران

گر که می‌خواستیم به هر رستابر می‌انگیختم نذیری را

پس اطاعت مکن تو از کفار بهرشان باش در ره پیکار

رود و دریا کنار هم بنهاد به یکی آب خوب و شیرین داد تلخ گردید آب دیگر و شور بینشان ساخت برزخی محجور

خلقت آدمی ز آب افکند و به او داد خویشی و پیوند پس توانا بود خدای شما

و عبادت کنند جز او را که ندارد به خلق سود و زیان هست کافر به شرک پشتیبان

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا

تو رسولی به مژده و هشدار

۵۷

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا

گو نخواهم من اجرتی زین کار  
مزدم این بس که کس شود آگاهسوی پروردگار جوید راه

۵۸

وَتَوَكَّلْ عَلَىٰ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَكَفَىٰ بِهِ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا

کار خود را به زنده‌ای بسپارکه نگردد به نقص و مرگ دچار  
ذکر و تسبیح حمدش آر به جاگهی از گناه بس او را

۵۹

الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ الرَّحْمَنُ فَسَّأَلْ بِهِ خَبِيرًا

آن کسی کافرید ارض و سما آنچه باشد میانه‌ی آنها  
هم به شش روز این جهان را ساختپس به تدبیر کارها پرداخت  
زو بخواهید هر چه دلخواه است او ز هر کار و حکم آگاه است

۶۰

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمَنُ أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادَهُمْ نُفُورًا

چونکه گفتی بیاورید سجودبهر رحمان خدای حی ودود  
پس بگویند چیست آن رحمان؟که تو بر حکم او دهی فرمان  
می‌فزاید برایشان نفرت دور گردند از ره رحمت

۶۱

۳۱۵۲

تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا

هست یزدان خجسته و والاآفریند بروج را به سما  
زو چراغی است چون مه رخشا[در دل آسمان شب هر جا]

۶۲

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا

روز و شب آفرید از پی هم‌تا که آرد به ذکر و شکرش دم

۶۳

وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا

بندگانم به ره روند آرام‌حرفشان بهر جاهل است سلام

۶۴

وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا

شب بمانند در قیام و سجودبهر پروردگار حی ودود

۶۵

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا

و بگویند دور کن از مانار و دوزخ که هست پا برجا

۶۶

إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا

جایگاهی بد و مقامی بد[دوزخ است و به کافران برسد]

۶۷

وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا

و کسانی که بخششی دارندنه بخیلند و نه فزون کارند  
کارشان هست بین این دو روال اعتدال است خوب در هر حال

وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ  
الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ  
أَثَامًا

آنکه داعی نشد به هیچ خداجز خداوند قادر یکتا  
و نکشته‌ست ناروا کس را که حرام است آن به نزد خدا  
و نکردست هیچگاه زنا [هست جایش بهشت در عقبا]  
و آنکه این کارها بداد انجام‌پس ببیند عذاب در فرجام

يُضَعَّفُ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدُ فِيهِ مُهَانًا

دو برابر بود بر او کیفرخوار ماند مدام در محشر

إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ يُبَدِّلُ  
اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

جز که با توبه آورد ایمان و کند کار نیک بعد از آن  
پس گناهان کنیم از او دورو خدا هست بس رحیم و غفور

وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا

هر که با توبه کار نیکو کردپس به سویش خدای روی آورد

وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا

و کسانی که نیستند گواه‌ناروا [و نه شاهدان گناه  
و چو از لغو بگذرند آنان‌پس کریمانه بگذرند از آن

وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخْرُؤْا عَلَيْهَا صُمًّا  
وَعُمْيَانًا

گر شنید آیه‌ای ز حی احدکور و کر روی او نمی‌افتد

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ  
أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا

گوید ای رب من زن و فرزندروشنی بهر چشم من گردند  
نیز ما را بساز ای متان‌رهبرانی برای متقیان

أُولَٰئِكَ يُجْزَوْنَ الْعُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً  
وَسَلَامًا

ما به این مردمان دهیم نصیب‌درجاتی بلند بهر شکیب  
رو برو می‌شوند در هر گام‌با تحیات قدسیان و سلام

خَلِيدِينَ فِيهَا حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا

ماندگارند جاودان در آن و چه خوب است آن مقر و مکان

قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ ۗ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ  
فَسَوْفَ يَكُونُ لِرَأْمًا

گو نباشد اگر دعای شما نیستید ارجمند نزد خدا  
آنچه از حق که داشتید انکارزود بر کیفرش شوید دچار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طسّم

[طا و سین است و میم رمز دگر]

تِلْكَ ءَايَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ

آن نشان از کتاب روشنگر

لَعَلَّكَ بَخِيعٌ نَفْسَكَ إِلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ

گویا شسته‌ای تو دست از جان‌چونکه آنان نیاورند ایمان

إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ ءَايَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا

خَاضِعِينَ

گر بخواهیم از آسمان نازل آهنی می‌کنیم بس حایل  
پس شود گردن همه خاضع گاه ساجد شوند و گه راکع

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ ذِكْرِ مِّنَ الرَّحْمَنِ مُحَدِّثٍ إِلَّا كَانُوا عَنْهُ

مُعْرِضِينَ

سخنی نو نیامد از رحمان‌جز که از آن شدند رو گردان

فَقَدْ كَذَّبُوا فَسَيَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ

منکران را کنیم ما داناز آنچه را داشتند استهزا

أَوْ لَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ

كَرِيمٍ

نگرند این زمین که چند گیا؟رست از قلب آن به اذن خدا

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ

به یقین آیتی بود در آن لیک مؤمن نیند اکثرشان

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

ربّ تو قادر است بر ایجادمهربان است نیز بهر عباد

وَإِذْ نَادَى رَبُّكَ مُوسَىٰ أَنْ أَنْتِ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

گفت پروردگار با موسی‌که برو نزد عاملان جفا

قَوْمَ فِرْعَوْنَ ۗ أَلَا يَتَّقُونَ

قوم فرعون نیست تقواکار؟

قَالَ رَبِّ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ

گفت ترسم مرا کنند انکار

وَيَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي فَأَرْسِلْ إِلَىٰ هَرُونَ

سینه تنگ و زبان من الکن‌پس تو هارون گسیل کن [با من

وَلَهُمْ عَلَىٰ ذَنْبٍ فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ

و گناهی به گردن است مراکه ز کشته شدن کنم پروا

قَالَ كَلَّا ۖ فَاذْهَبَا بِآيَاتِنَا ۖ إِنَّا مَعَكُمْ مُّسْتَمِعُونَ

گفت از ما برید وحی و نشان‌با شما مییم ما ز مستمعان

فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ فَقُولَا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ

پس به فرعون گو که ما دو نفر از سوی حق شدیم پیغمبر

أَنْ أُرْسِلَ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ

پس به همراه ما بدار گسیل‌دوده‌ی خاندان اسرائیل

قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ

گفت بودی به ما چو یک فرزندبین ما نیز مانده‌ای یک چند

وَفَعَلْتَ فَعَلْتِكَ الَّتِي فَعَلْتَ وَأَنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ

کرده‌ای آنچه کرده‌ای آن را و تویی ناسپاس در بر ما

قَالَ فَعَلْتُهَا إِذَا وَأَنَا مِنَ الضَّالِّينَ

گفت آری منم از آن بی راه

فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا  
وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ

من گریزان شدم ز ترس آن گاه  
حق به من داد بعد از آن فرمان و شدم من پیمبر یزدان

وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدتَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ

تو به من متنی کنی تحمیل بهر تعبید آل اسرائیل

قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ

گفت فرعون ربّ عالمیان کیست یا چیست؟

قَالَ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۗ إِنَّكُمْ مُوقِنِينَ

گفت ربّ جهان ربّ ارض و سما و بینهما  
اگر اهل یقین شوید شما

قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ ۗ أَلَا تَسْتَمِعُونَ

گفت با مردمان دربارش  
که شنیدید هیچ گفتارش

قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأُولِينَ

گفت ربّ شما و اجداد است

قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمْ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ

گفت دیوانه این فرستاده‌ست

قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۗ إِنَّكُمْ تَعْقِلُونَ

گفت بر شرق و غرب و بینهماست  
او خدا گر که عقل بهر شماست

قَالَ لَئِنِ اتَّخَذَتِ الْإِلَهَا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ

گفت جز من گرت اله بود  
حبس بهر تو جایگاه بود

قَالَ أَوْلَوْ جِئْتُكَ بِشَيْءٍ مُّبِينٍ

گفت آیا نشانی از یزدان؟  
آورم بهرت آشکار و عیان

قَالَ فَاتِّبِعْهُ ۗ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِينَ

گفت پیش آر گر که بتوانی  
اگر از جمع راستگویانی

فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ

پس عصایش فکند و شد ثعبان

وَنَزَعَ يَدَهُ ۗ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنّٰظِرِينَ

و برآورد دست و شد تابان

قَالَ لِلْمَلَآئِكَةِ ۗ إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ عَلِيمٌ

گفت با مهتران قوم آن جا  
هست این مرد ساحری دانا

يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِّنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِ ۗ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ

خواهد او تا برون برد ز اینجا  
قوم ما تا که چیست رأی شما؟

قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَبْعَثْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ

پس بگفتند بهر این افسون  
مهلتی ده به موسی و هارون و روان کن رسول در کشور

يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَحَابٍ عَلِيمٍ

تا که گرد آورند افسونگر

فَجُمِعَ السّٰحِرَةُ لِمِيقَاتِ يَوْمٍ مّٰعْلُومٍ

جمع افسونگران چو شد موجود  
در همان وقت وعده‌ی موعود

وَقِيلَ لِلنّٰسِ هَلْ أَنْتُمْ مُّجْتَمِعُونَ

گفته شد بهر مردمان آنجا  
جمع آیا نمی‌شوید شما؟



لَعَلْنَا نَتَّبِعُ السَّحَرَةَ إِنْ كَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ

۴۱ فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَإِنِّ لَنَا لَأَجْرًا إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ

۴۲ قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ إِذَا لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ

۴۳ قَالَ لَهُم مُوسَى الْقُوا مَا أَنْتُمْ مُلْقُونَ

۴۴ فَأَلْقَوْا حِبَالَهُمْ وَعِصِيَّهُمْ وَقَالُوا بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ الْغَالِبُونَ

۴۵ فَأَلْقَى مُوسَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ

۴۶ فَأَلْقَى السَّحَرَةُ سَلْجِدِينَ

۴۷ قَالُوا ءَأَمَّنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ

۴۸ رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ

۴۹ قَالَ ءَأَمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ ءَاذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرِكُمْ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ لَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِّنْ خِلَافٍ وَلَا صَلْبَتَكُمْ أَجْمَعِينَ

۵۰ قَالُوا لَا صَيْرٌ إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ

۵۱ إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطِيئَاتِنَا أَنْ كُنَّا أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ

۵۲ وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي إِنَّكُمْ مُّتَّبِعُونَ

۵۳ فَأَرْسَلَ فِرْعَوْنُ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ

۵۴ إِنَّ هَؤُلَاءِ لَشِرْذِمَةٌ قَلِيلُونَ

۵۵ وَإِنَّهُمْ لَنَا لَغَائِظُونَ

۵۶ وَإِنَّا لَجَمِيعٌ حَادِرُونَ

۵۷ فَأَخْرَجْنَاهُمْ مِّنْ جَنَّتِ وَعُيُونِ

۵۸ وَكُنُوزِ وَمَقَامِ كَرِيمِ

۵۹ كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا بَنِي إِسْرَائِيلَ

۶۰ فَاتَّبَعُوهُمْ مُشْرِقِينَ

پیروی می‌کنیم از افسون‌گر شود چیره جمعشان اکنون

ساحران چون بیامدند آنچاپس بگفتند اجر هست آیا؟  
گر که غالب شویم آنان را

گفت آری مقربید اینجا

گفت موسی بیفکنید آن را

پس فکندند ریسمان و عصا  
عز فرعون را قسم خوردندکه برآیند چیره ز آن ترفند

چونکه موسی عصای خود افکندبرگرفت آن دروغ و آن  
ترفند

ساحران پس به سجده افتادند

و به مردم چنین ندا دادند  
اینک آورده‌ایم ما ایمان‌بهر پروردگار عالمیان

ربّ موسی و ربّ هارون است آیت حق فراز افسون است

گفت آیا بیاورید ایمان‌پیش از آنکه دهم اجازه‌ی‌تان؟  
علم او هست بهر سحر افزون‌او بیاموخت بر شما افسون  
می‌کنم دست و پا و یمین و یسارهمه را می‌کشم سپس  
بردار

پس بگفتند نیست ما را بیم‌ما به پروردگار برگردیم

هست امید بهر ما ز خداگذرد از گناه و کیفر ما  
می‌شویم اولین مسلمان ما

وحی کردیم پس سوی موسی  
که از این جا ببر عباد مرا تحت پیگرد گشته‌اید شما

کرد فرعون یک گروه گسیل

و بگفت آن گروه هست قلیل

خشم داریم بهرشان بسیار

همه آماده‌ایم بر پیکار

[آن جماعت که ظلم کرد چنان رفت بیرون ز چشمه و بستان

وز همه گنجها و جای نکو

آل یعقوب گشت وارث او

پس برفتند در پی آنان رابامدادان و دید این آن را

فَلَمَّا تَرَأَى الْجَمْعَانَ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرِكُونَ

پس بگفتند امت موسی دست یابند این زمان بر ما

۶۲ قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ

گفت نه رب ماست راهنما

۶۳ فَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ أُضْرِبْ بَعْصَاكَ الْبَحْرَ ط فَأَنْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ

وحی کردیم پس سوی موسی که بزنی چو بدست بر دریاگشت دریا شکافته ز عصاره و عیان شد به هر طرف از آن آنها رویهم چو کوه گران

۶۴ وَأَزَلَفْنَا ثَمَّ الْأَخْرِينَ

لشکر خصم هم رسید در آن

۶۵ وَأَنْجَيْنَا مُوسَى وَمَنْ مَعَهُ وَأَجْمَعِينَ

پس رها نمودیم پیغمبر و یاران

۶۶ ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْأَخْرِينَ

قوم دیگر شدند غرقه در آن

۶۷ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً ط وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ

و در این قصه آیتی است نهان لیک اکثر ز مردمان زمان نمی آورد بهر او ایمان

۶۸ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

و بود رب تو عزیز و رحیم

۶۹ وَأَتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ إِبْرَاهِيمَ

و بخوان داستان ابراهیم

۷۰ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ

چونکه گفت از برای قوم و پدرچه پرستید این زمان ایدر؟

۷۱ قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَنْظِلُ لَهَا عَافِيَةً

پس بگفتند بر بتیم عبید

۷۲ قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ

گفت یا ردا، دعای خلق شنید؟

۷۳ أَوْ يَنْفَعُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ

یا دهد خیر و شر برای شما

۷۴ قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ

پس بگفتند آن گروه که ما پدران را بیافتیم چنان این چنین بود شیوهی آنان

۷۵ قَالَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ

گفت موسی الاله‌های شما

۷۶ أَنْتُمْ وَعِبَادُكُمْ الْأَقْدَمُونَ

نیز بت‌های مانده از آبا

۷۷ فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِي إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ

دشمنان منند جز یزدان کوست پروردگار عالمیان

۷۸ الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ

خلقتم داد پس بداد هدا

۷۹ وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ

و مرا داده است آب و غذا

۸۰ وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ

او دهد چون شوم مریض شفا

۸۱ وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ

هم رساند حیات و مرگ مرا

۸۲ وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ

هست از او امید عفو مرا بر گناهان به حشر و روز جزا

۸۳ رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ

حکم و حکمت مرا بده ای حقو مرا کن به صالحان ملحق

وَأَجْعَلِ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ

شهره ام کن به مردمان پسین

۸۵ وَأَجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ

وارثم کن به باغ خلد برین

۸۶ وَأَغْفِرْ لِأَبِي إِنَّهُ وَكَانَ مِنَ الضَّالِّينَ

پدرم را ببخش ای منان بود او هم ز جمع گمراهان

۸۷ وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ

نیز خوارم مکن تو در عقبا

۸۸ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ

نیست مال و ولد مفید آنجا

۸۹ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ

جز که روی آورید سوی خدا با دلی خوب و پاک در دنیا

۹۰ وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ

متقین را قریب هست جنان

۹۱ وَبُرَزَتِ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ

گمراهان را جهنم است عیان

۹۲ وَقِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ

گفته آید که بودتان معبود؟

۹۳ مِنْ دُونِ اللَّهِ هَلْ يَنْصُرُونَكُمْ أَوْ يَنْتَصِرُونَ

غیر پروردگار حی و دود  
با شما یآوری کنند آیا؟ یا کسی هست یاور آنان را

۹۴ فَكُفُّوا فِيهَا هُمْ وَالْغَاوُونَ

افکنند آن گروه در نیران قوم گمراه همراهه آنان

۹۵ وَجُنُودُ إِبْلِيسَ أَجْمَعُونَ

نیز همراه لشکر شیطان

۹۶ قَالُوا وَهُمْ فِيهَا يَخْتَصِمُونَ

پس بگویند با نزاع ایشان

۹۷ تَاللَّهِ إِنْ كُنَّا لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ

به خداوند قادر منان همه بودیم در ضلال عیان

۹۸ إِذْ نُسَوِّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ

که برابر شمرده ایم بتان با خداوندگار عالمیان

۹۹ وَمَا أَضَلَّنَا إِلَّا الْمَجْرُمُونَ

گمراهیم از طریق اهل خطا

۱۰۰ فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ

و نباشد شفاعتی ما را

۱۰۱ وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ

و نداریم هیچ یار صمیم

۱۰۲ فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

کاش یک بار باز برگردیم  
آن زمان می‌شویم با ایمان

۱۰۳ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ

به یقین آیتی بود در آن  
لیک اکثر ز مردمان زمان نمی‌آورد بهر حق ایمان

۱۰۴ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

بی‌گمان ربّ توست بس قادر مهربان است [و خلق را ناصر]

۱۰۵ كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ

کرد تکذیب قوم نوح نجی‌قول و فرمان هر رسول و نبی

۱۰۶ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ

گفت نوح آن برادر ایشان که شوید از گروه متقیان

۱۰۷ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

هان رسول امین منم به شما

۱۰۸ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

اهل تقوا شوید بهر خدا  
و اطاعت کنید حکم مرا

۱۰۹ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۖ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ

ما نخواهیم اجرتی ز شما  
اجر من ثابت است نزد خدا

۱۱۰ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

بهر یزدان شوید با تقوا  
و اطاعت کنید حکم مرا

۱۱۱ قَالُوا أَنْوْمِنُ لَكَ وَاتَّبَعَكَ الْأَرْذَلُونَ

پس بگفتند [آن گروه دغا]  
بهر تو ما نیاوریم ایمان ناکسانند تابع فرمان

قَالَ وَمَا عَلِمِي بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

گفت بر کارشان نیم دانا

۱۱۳ إِنَّ حِسَابَهُمْ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّي لَو تَشْعُرُونَ

هر حسابی که هست آنان را هست نزد خدا و خالق ماگر که فهم است از برای شما

۱۱۴ وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِينَ

ما نرانیم مؤمنان به یقین

۱۱۵ إِنَّ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ

نیستم من مگر نذیر مبین

۱۱۶ قَالُوا لَئِن لَّمْ تَنْتَهَ يَنْبُوحْ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ

پس بگفتند نوح دست بدارورنه بر رجم می‌شوی تو دچار

۱۱۷ قَالَ رَبِّ إِنَّ قَوْمِي كَذَّبُونِ

گفت یا ربّ مرا کنند انکار

۱۱۸ فَأَفْتَحَ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَتَحًا وَنَجَّيَ وَمَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

پس نجاتم بده تو با انصار فصل کن کار ما و ایشان را

۱۱۹ فَأَنْجَيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلِكِ الْمَشْحُونِ

پس رهندیم او و یاران را بود آگنده کشتی از هر باب

۱۲۰ ثُمَّ أَعْرَفْنَا بَعْدَ الْبَاقِينَ

ماندگان غرقه ساختیم به آب

۱۲۱ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ

به یقین آیتی بود در آن لیک اکثر ز مردمان زمان نمی‌آورد بهر حق ایمان

۱۲۲ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

بهر ربّ تو هست مهر و توان

۱۲۳ كَذَّبَتْ عَادُ الْمُرْسَلِينَ

مرسلین را چو عاد کرد انکار

۱۲۴ إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ

گفت هود آن پیمبر دادار اهل تقوی نمی‌شوید آیا؟

۱۲۵ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

هم رسول امین منم به شما

۱۲۶ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

اهل تقوی شوید بهر خدا و اطاعت کنید حکم مرا

۱۲۷ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۖ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ

ما نخواهیم اجرتی ز شماجر ما ثابت است نزد خدا

۱۲۸ أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ آيَةً تَعْبَثُونَ

بر بلندی بنا کنید آیا؟آیتی را ز روی میل و هوی

۱۲۹ وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ

یا بسازید قصرها بر آن‌تا در آن جا شوید جاویدان

۱۳۰ وَإِذَا بَطِشْتُمْ بَطِشْتُمْ جَبَّارِينَ

چونکه کیفر دهید بهر کسان‌جابرانه دهید آن فرمان

۱۳۱ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

اهل تقوا شوید بهر خدا و اطاعت کنید حکم مرا

۱۳۲ وَاتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ

اهل تقوی شوید با اللهکه ز امداد او شوید آگاه

۱۳۳ أَمَدَّكُمْ بِأَنْعَامٍ وَبَنِينَ

داد امدادتان به مال و بنین

۱۳۴ وَجَنَّتِ وَعُيُونٍ

نیز جنات و چشمه‌های گزین

۱۳۵ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

از برای شما منم در بیم‌بر عذاب و عقاب روز عظیم

۱۳۶ قَالُوا سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَوَعَضْتَ أَمْ لَمْ تَكُنْ مِنَ الْوَاعِظِينَ

پس بگفتند بهر ماست یکی‌پند ما گر دهی و گر ندهی

إِنَّ هَذَا إِلَّا خُلُقُ الْأَوَّلِينَ

این بود رأی مردم پیشین

۱۳۸ وَمَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ

و نداریم ما جزا به یقین

۱۳۹ فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ

پس چو کردند هود را انکار به هلاک و فنا شدند دچار به یقین آیتی بود در آن‌لیک اکثر ز مردمان زمان نمی‌آورد بهر حق ایمان

۱۴۰ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

بهر ربّ تو هست مهر و توان

۱۴۱ كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ

مرسلین را ثمود کرد انکار

۱۴۲ إِذْ قَالَ لَهُمُ أَحُوهُمْ صَلِحْ ۖ أَلَا تَتَّقُونَ

گفت صالح پیمبر دادار اهل تقوا نمی‌شوید آیا؟

۱۴۳ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

که رسول امین منم به شما

۱۴۴ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

اهل تقوا شوید بهر خدا و اطاعت کنید حکم مرا

۱۴۵ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۖ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ

ما نخواهیم اجرتی ز شماجر ما ثابت است نزد خدا

۱۴۶ أَتُرْكُونَ فِي مَا هَلُنَا ءَامِنِينَ

پس رها می‌کنندتان آیا؟ که بمانید در امان اینجا

۱۴۷ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ

در جنان و عیون

۱۴۸ وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلَعَتْ هَٰضِمٌ

و زرع و نخیل که بود طلع آن هضم و جمیل

۱۴۹ وَتَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا فَرِهِينَ

می‌تراشید خانه‌ها به جبال زیرکانه به شادمانی حال

۱۵۰ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

اهل تقوا شوید بهر خدا و اطاعت کنید حکم مرا

۱۵۱ وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ

مصرفان را مباش در فرمان

۱۵۲ الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ

مفسدند آن کسان به روی جهان و ندارند کار در اصلاح [دور ماندند از طریق فلاح

۱۵۳ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمَسْحَرِينَ

پس بگفتند ای فسون شده هان

۱۵۴ مَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا فَأْتِ بَآيَةٍ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِينَ

این تویی آدمی به مثل کسان آیتی آر اگر که بتوانی اگر از جمع راستگویانی

۱۵۵ قَالَ هٰذِهِ نَاقَةٌ لَهَا شِرْبٌ وَلَكُمْ شِرْبُ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ

گفت این ناقه سهم دارد از آب نیز سهم شما شدست حساب

۱۵۶ وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ يَوْمٍ عَظِيمٍ

مکنیدش اذیتی یک آن که عذابی الیم گیردتان

۱۵۷ فَعَقَرُوهَا فَاصْبَحُوا نَدِيمِينَ

ناقه را پی زدند یا کشتند پس ندیم ندامتی گشتند

۱۵۸ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ ۖ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ

به یقین آیتی بود در آن لیک اکثر ز مردمان زمان نمی‌آورد بهر حق ایمان

۱۵۹ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

بهر ربّ تو هست مهر و توان

كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ الْمُرْسَلِينَ

بس رسل قوم لوط کرد انکار

۱۶۱ إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ لُوطُ أَلَا تَتَّقُونَ

گفت لوط آن پیمبر دادار  
اهل تقوا نمی‌شوید آیا؟

۱۶۲ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

که رسول امین منم به شما

۱۶۳ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

اهل تقوا شوید بهر خداهم اطاعت کنید حکم مرا

۱۶۴ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۖ إِنِ اجْرِي إِلَّا عَلَى رَبِّ  
الْعَالَمِينَ

ما نخواهیم اجرتی ز شماجر ما ثابت است نزد خدا

۱۶۵ أَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ

از چه سوی ذکور میل آرید

۱۶۶ وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ أَرْوَاجِكُمْ ۚ بَلْ أَنْتُمْ  
قَوْمٌ عَادُونَ

و خدا جفت ساختست پدید  
و شما بید بس تجاوزگر [بهر حکم و حکومت داور]

۱۶۷ قَالُوا لَئِن لَّمْ تَنْتَهَ يَلُوطُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمُخْرَجِينَ

پس بگفتند دست از این بردارورنه اخراج می‌شوی ز دیار

۱۶۸ قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُمْ مِنَ الْقَالِينَ

گفت من دشمنم به کار شما

۱۶۹ رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ

ای خدا این مرا و اهل مرا  
کن رها ز آنچه می‌کنند ایشان

۱۷۰ فَنجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ وَأَجْمَعِينَ

او و اهلش رها نمودم از آنان

۱۷۱ إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَيْرِينَ

جز عجوزی که ماند در آن خاک

۱۷۲ ثُمَّ دَمَرْنَا الْآخَرِينَ

دیگران را خدای داد هلاک

۱۷۳ وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا ۖ فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنذَرِينَ

بارشی بهرشان بباریدیم پس چه بد بارشی است بارش بیم

۱۷۴ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ

به یقین آیتی بود در آن لیک اکثر ز مردمان زمان  
نمی‌آورد بهر حق ایمان

۱۷۵ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

بهر رب تو هست مهر و توان

۱۷۶ كَذَّبَ أَصْحَابُ لَيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ

بس رسل اهل ایکه کرد انکار

۱۷۷ إِذْ قَالَ لَهُمُ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ

پس شعیب آن پیمبر دادار  
گفت تقوا نمی‌کنید آیا؟

۱۷۸ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

که رسول امین منم به شما

۱۷۹ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

اهل تقوا شوید بهر خدا و اطاعت کنید حکم مرا

۱۸۰ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۖ إِنِ اجْرِي إِلَّا عَلَى رَبِّ  
الْعَالَمِينَ

ما نخواهیم اجرتی ز شماجر ما ثابت است نزد خدا

۱۸۱ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ

حق پیمانه را کنید ادا و مدارید در زیان کس را

۱۸۲ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ

با ترازوی راست وزن کنید [و بسازید عدل و قسط پدید]

۱۸۳ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْنُوا فِي الْأَرْضِ  
مُفْسِدِينَ

و مسازید کسر حق کسان و مکوشید در فساد جهان

وَأَتَقُوا الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالْحِيلَةَ الْأُولِينَ

و بترسید از کسی که شما آفرید و گروه پیشین را

۱۸۵ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ

پس بگفتند ای فسون شده هان

۱۸۶ وَمَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَإِن نَّظُنُّكَ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ

این تویی یک بشر چنان دگران  
نیستی راستگو به دیده‌ی ما

۱۸۷ فَأَسْقِطْ عَلَيْنَا كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ إِن كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ

پس فرود آر قطعه‌ای ز سما  
راست گویی [اگر به وحی و نزول تا سخنهای تو کنیم قبول

۱۸۸ قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِّي آيَةً فَأْتِيَ الْبَيْتَ بِمَاءٍ يَمِينًا

گفت ربّ است بیشتر دانا ز آنچه انجام می‌دهید شما

۱۸۹ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمْ عَذَابٌ يَوْمَ الظُّلَّةِ إِنَّهُ كَانَ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

قوم چون کرد حرف او تکذیب‌شد در آن روز سایبان تعذیب  
بود آن روز بس عذاب گران

۱۹۰ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّمَن كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ

به یقین آیتی بود در آن  
لیک اکثر ز مردمان زمان‌نمی‌آرند بهر حق ایمان

۱۹۱ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

ربّ تو قادر است بر هر کارمهربان است نیز با اخیار

۱۹۲ وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ

این بود نازل از خدای جهان

۱۹۳ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ

نیز روح الامین بیاورد آن

۱۹۴ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ

بر دلت نازل است از دادارتا دهی بهر مردمان هشدار

۱۹۵ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُّبِينٍ

عربی و عیان به تبیین است

۱۹۶ وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأُولِينَ

نیز در نامه‌های پیشین است

۱۹۷ أَوَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةٌ أَن يَعْلَمَهُ عُلَمَاؤُا بَنِي إِسْرَائِيلَ

نیست آیا نشان که دانایان؟ ز آل یعقوب آگهند از آن

۱۹۸ وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَىٰ بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ

بود نازل اگر همین قرآن‌بهر جمعی ز قوم اعجمیان

۱۹۹ فَقرَأَهُ وَعَلَيْهِمْ مَا كَانُوا بِهِء مُّؤْمِنِينَ

پس همی خواند نامه بر ایشان‌نمی‌آورد عده‌ای ایمان

۲۰۰ كَذَلِكَ سَلَكْنَاهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ

این چنین آیه‌ها کنیم بیان‌در دل [و گوش این گنه کاران

۲۰۱ لَا يُؤْمِنُونَ بِهِء حَتَّىٰ يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ

و نیارند باز هم ایمان‌تا ببینند آن عذاب گران

۲۰۲ فَيَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

آن عذاب گران رسد ناگه‌نیست این قوم هیچ از آن آگاه

۲۰۳ فَيَقُولُوا هَلْ نَحْنُ مُنظَرُونَ

پس بگویند وقت هست آیا؟

۲۰۴ أَفِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ

در شتابند بر عذاب خدا

۲۰۵ أَفَرَأَيْتَ إِن مَّتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ

گر بمانند سالها به جهان

۲۰۶ ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ

پس ببینند وعده‌ی یزدان

مَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يُمْتَعُونَ

ندهد هیچ سود ایشان راهر چه دارند بهره از دنیا

۲۰۸ وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا مُنْذِرُونَ

ما نکردیم هیچ شهر فناجز که هشدار بوده است آن را

۲۰۹ ذِكْرَىٰ وَمَا كُنَّا ظَالِمِينَ

تا بگیرند خلق از آن تذکار نیست دادارتان جفا کردار

۲۱۰ وَمَا تَنْزَلَتْ بِهِ الشَّيْطَانُ

نفرستاد وحی را شیطان

۲۱۱ وَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَطِيعُونَ

نه لیاقت بود در او نه توان

۲۱۲ إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعَزُولُونَ

برکنارست از شنیدن آن

۲۱۳ فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا ءَاخَرَ فَتَكُونَ مِنَ الْمُعَذَّبِينَ

پس الهی مخوان تو با یزدان  
ورنه بهرت رسد عذاب از آن

۲۱۴ وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ

بیم ده بهر قوم و نزدیکان

۲۱۵ وَأَخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

بال بگشای بهر پیرو خویش آنکه را راه باورست به پیش

۲۱۶ فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ

ور به عصیان ز تو شدند دچارگو که از کارتان منم بیزار

۲۱۷ وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ

کار خود را سپار بهر کریم آنکه قادر بود به خلق و رحیم

۲۱۸ الَّذِي يَرِنُّكَ حِينَ تَقُومُ

آنکه بیند تو را به وقت قیام

۲۱۹ وَتَقَلَّبَكَ فِي السَّجِدِينَ

وینکه در ساجدان نه ای آرام

۲۲۰ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

به یقین او بود سمیع و علیم

۲۲۱ هَلْ أَنْبِئُكُمْ عَلَىٰ مَنْ تَنْزَلُ الشَّيْطَانُ

ما تو را زود با خبر سازیم  
چه کسانند مهبط شیطان

۲۲۲ تَنْزَلُ عَلَىٰ كُلِّ آفَاكٍ أَثِيمٍ

کافرانند و هم گنهکاران

۲۲۳ يُلْقُونَ السَّمْعَ وَأَكْثُرُهُمْ كَاذِبُونَ

هر چه را بشنوند می‌گویند بیشتر راه کذب می‌پویند

۲۲۴ وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ

قومی ار گشت پیرو شعراراه گمراهی است آنان را

۲۲۵ أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ

خود به هر وادیند سرگردان

۲۲۶ وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ

کارشان بر خلاف گفته‌ی‌شان

۲۲۷ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا  
وَأَنْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا<sup>ط</sup> وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا<sup>ط</sup> أَيَّ  
مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ

جز که مؤمن شوند و نیکوکارذاکر حق شوند پس بسیار  
چون رسد ظلم و جور بر آنان یاری آید به جانب ایشان  
زود بینند عاملان جفا هست برگشت ظالمان به کجا؟



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طَسَّ تِلْكَ ءَايَاتُ الْقُرْءَانِ وَكِتَابٍ مُّبِينٍ

طا و سین آیه‌هایی از قرآن‌که کتابی است آشکار و عیان

هُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ

مؤمنان را بشارت است و هدا

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ  
يُوقِنُونَکه نماز خدا کنند به پا  
و زکوة خدا کنند ادا نیز باور کنند روز جزاإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمْ أَعْمَلَهُمْ فَهُمْ  
يَعْمَهُونَآنکه مؤمن نشد به روز جزا جلوه دادیم کارهایش را  
و در آن وادی است سرگردانأُولَئِكَ الَّذِينَ لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ وَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ  
الْآخَسِرُونَبهر او کیفری است سخت و گران  
هم چو گیرد ره جزا در پیش‌هست خسران او ز هر کس  
بیش

وَإِنَّكَ لَتَلْقَى الْقُرْءَانَ مِنْ لَدُنِّ حَكِيمٍ عَلِيمٍ

بر تو قرآن ز حق شود القا آید از سوی عالمی دانا

إِذْ قَالَ مُوسَى لِأَهْلِيهِ إِنِّي ءَانَسْتُ نَارًا سَأَتِيكُمْ مِنْهَا  
بِخَبْرٍ أَوْ ءَاتِيكُمْ بِشَهَابٍ قَبَسٍ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَچونکه موسی بگفت اهلس را آتشی دیده‌ام ز دور آنجا  
زود آرم خبر برای شما یا لهیبی بیاورم ز آنجا  
تا که از آن لهیب گرم شویدفَلَمَّا جَاءَهَا نُودِيَ أَنْ بُورِكَ مَنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا  
وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَپس برفت و به پیش شعله رسید  
شد منادا مبارک و میمون‌هر چه در آتش است و پیرامون  
پاک پروردگار عالمیان

يَمُوسَى إِنَّهُ أَنَا اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

ای کلیم خدا منم یزدان  
آن خداوند قادر داناوَأَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رءَاهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ  
يُعَقِّبْ يَمُوسَى لَا تَخَفْ إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَى الْمُرْسَلُونَپس بیفکن کنون عصایت را  
پس بدیدش که می‌رود چون مار پشت کرد و گریخت باز نهار  
شد منادا مترس یا موسی‌که رسل را هراس نیست ز ما

إِلَّا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسْنًا بَعْدَ سُوءٍ فَإِنِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ

ور کسی خوب شد ز بعد جفا پس غفور است و هم رحیم خدا

وَأَدْخِلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ فِي  
تِسْعِ ءَايَاتٍ إِلَى فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَدست خود را تو در گریبان برپس بر آید سفید و نیست  
خطر  
این یک از نه نشانه است تو راپس به فرعون و اهل و قوم  
در آ  
کانهمه فاسقند و نافرمان

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ ءَايَاتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ

پس چو آمد به جانب ایشان  
با همه آیه‌های روشن‌مان‌گفته‌اند این بود فسون عیان

وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانظُرْ  
كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ

گر چه از جان یقین بیاوردند از سر کبر و جور ابا کردند  
پس نگه کن که چون بود فرجام بر تبه کار و مفسد [خودکام

وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي  
فَضَّلَنَا عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ

بر سلیمان و باب او داوود داد دانش خدای حی و دود  
پس بگفتند حمد بهر خدا که بدادست برتری ما را  
که خدا بهر ما فضیلت داد بر کثیری ز مؤمنان عباد

وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عُلِّمْنَا مَنطِقَ  
الطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ

شد سلیمان چو وارث داوود پس چنین بهر مردمان فرمود  
حق به ما هر چه بود کرد عطامنطق الطیر یاد داد به ما  
این بود نعمتی که هست عیان

وَحُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ  
يُوزَعُونَ

پس سلیمان بخواست لشکریان  
جمع گشتند جن و انس به وی دسته دسته شدند و پی در  
پی

حَتَّىٰ إِذَا أَتَوْا عَلَىٰ وَادِ التَّمَلِّ قَالَتْ نَمَلَةٌ يَأْتِيهَا التَّمَلُّ  
أَدْخُلُوا مَسَكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ  
لَا يَشْعُرُونَ

تا رسیدند نزد مورچه‌ها پس یکی گفت در شوید سرا  
که سلیمان و لشکرش ما راه کند زیر پا ز راه خطا

فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِّن قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ  
نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا  
تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ

پس بخندید و گفت ای دادار تو زبانم به کار شکر بدار  
بر من و والدین نعمت دوستکاری آرام که آن رضایت دوست  
کن مرا اهل رحمت ای غفار همه بندگان نیکوکار

وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدْهَدَ أَمْ كَانَ مِنَ  
الْغَائِبِينَ

پس سراغی گرفت از هدهد که چه از جمع طیر غایب شد

لَأَعَذِّبَنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَأْذِجَنَّهُ أَوْ لِيَأْتِنِي بِسُلْطَنٍ  
مُّبِينٍ

پس عذابش کنم عذاب گران‌جز که آرد دلیل صدق و عیان

فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِءَ وَجِئْتُكَ  
مِن سَبَأٍ بِنَبَأٍ يَقِينٍ

پس نه چندان درنگ کرد و بگفت دانشی از من است بر تو  
نهفت  
[گوش کن از ره یقین که تو را خبر آورده‌ام ز شهر سبأ

إِنِّي وَجَدْتُ أَمْرًا تَمَلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ

وَجَدْتُهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَلَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ

۲۴

أَلَا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبَاءَ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ

۲۵

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

۲۶  
سجده  
مستحب

قَالَ سَنَنْظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ

۲۷  
حزب  
۱۵۲

أَذْهَبَ بِكِتَابِي هَذَا فَأَلْقَاهُ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّى عَنْهُمْ فَانظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ

۲۸

قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوْا إِنِّي أَتَىٰ إِلَيَّ كِتَابٌ كَرِيمٌ

۲۹

إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۳۰

أَلَا تَعْلَمُونَ عَلَىٰ وَأْتُونِي مُسْلِمِينَ

۳۱

قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوْا أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّىٰ تَشْهَدُونِ

۳۲  
۳۲۹

قَالُوا نَحْنُ أَوْلُوا قُوَّةٍ وَأُولُوا بَأْسٍ شَدِيدٍ وَالْأَمْرُ إِلَيْكِ فَانظُرِي مَاذَا تَأْمُرِينَ

۳۳

قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعِزَّةَ أَهْلِهَا أَذِلَّةً وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ

۳۴

وَإِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ

۳۵

حکمرانش زنی است با شوکت‌تخت او راست حشمت و عظمت

او و قومش چو می‌کنند سجودسر به خورشید آورند فرود اهرمن جلوه دادشان اعمال‌پس بیفکندشان به راه ضلال

نکنند این گروه سجده چرا بهر دانای آشکار و خفا؟ هم برون آرد و کند افشا آنچه باشد نهان به ارض و سما و آنچه سازید فاش یا پنهان‌داند آن را خدای عالمیان

هیچ معبود نیست غیر خدا اوست پروردگار عرش علا

گفت بینیم راست می‌گویی؟ یا که راه دروغ می‌پویی

نامه‌ام را ببر سوی ایشان‌پس ببین چیست پاسخ آنان

گفت ای مهتران به من دادند نامه‌ای بس عزیز و ارزشمند

نامه‌ی مرسل از سلیمان است و آنچه اکنون بیان کنم آن است  
ابتدای سخن به نام خدا خیر بخشنده و عطا بخشا

هان مجوید بر من استعلانیز روی آورید حکم مرا

گفت آن زن به مهتران دیار از شما دارم اینک استفسار هیچ کاری نکرده‌ام اجازت به تأیید و مشورت ز شما

پس بگفتند بهر ماست توان‌لیک ما تابعیم بر فرمان

گفت شاهان اگر به ملک آیند راه ظلم و فساد بکشایند و بدارند هر عزیزی خوار این چنین است حاکمان را کار

هدیه‌ای سویشان کنیم روان‌تا ببینیم چیست پاسخشان؟

فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَنَ قَالَ أْتِمِدُونَنِي بِمَالٍ فَمَا آتَانِي اللَّهُ خَيْرٌ مِّمَّا آتَاكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بِهَدْيَتِكُمْ تَفْرَحُونَ

قاصد و هدیه چون به شهر رسیدو فرستاده را سلیمان دید گفت آیا کمک کنید مرا؟ با متاعی قلیل از دنیا آنچه بخشد به من خدای جهان بهتر است از همه هدایاتان این شما بهر پیشکش شادید

أَرْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ بِجُنُودٍ لَا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا وَلَنُخْرِجَنَّهُمْ مِنْهَا أَذِلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ

باز گرد و بگو که بی‌تردید با سپاهی روم به جانبشان که ندارند بهر دفع توان به در آرم ز شهر با ذلت و دهم اهل کفر را خفت

قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ

ای بزرگان کدامیک ز شما تخت او را بیاورید اینجا پیش از آنکه که خود شود تسلیم

قَالَ عِفْرِيتٌ مِّنَ الْجِنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِن مَّقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ

گفت جنّی که ماورا آریم پیش از آنکه ز جای برخیزی و در این ره منم امین و قوی

قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَآهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِن فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَن شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ

گفت آن کس که داشت علم کتاب آرم او را به پیش تو به شتاب تا زنی چشمهای خود بر هم‌پیش از آن تخت سوی تو آرم پس سلیمان چو دید پا بر جاند خود [تخت شاه شهر سبا] گفت این باشد از عطای خداتا کند آزمایشی ما را تا کنم شکر یا کنم کفران شکر سود آورد به هر انسان و آنکه کفران کند عطای رحیم هست ربّ جهان غنی و کریم

قَالَ نَكِّرُوا لَهَا عَرْشَهَا نَنظُرُ أَتَهْتَدِي أَمْ تَكُونُ مِنَ الَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ

گفت تخت ورا کنید چنان که نداند اگر ببیند آن تا ببینیم هست اهل هدایا که درست از هدای خدا

فَلَمَّا جَاءَتْ قِيلَ أَهَكَذَا عَرْشُكِ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ وَأُوتِينَا الْعِلْمَ مِن قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ

چونکه آمد یکی بگفت او را این همان تخت تو بود آیا؟ گفت آری شدیم آگه از آن نیز بودیم از مسلمانان

وَصَدَّهَا مَا كَانَتْ تَعْبُدُ مِن دُونِ اللَّهِ إِنَّهَا كَانَتْ مِن قَوْمِ كَافِرِينَ

از ره شرک ساخت او را دورگر چه بود از زمان پیش کفور

قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَكَشَفَتْ عَن سَاقِيهَا قَالَ إِنَّهُ صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ مِّن قَوَارِيرَ قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

چون به تالار قصر پای گذاشت دامنش برگرفت و آب انگاشت گفت کاخی بلور هست اینجاگفت کردم به خویش جور و جفا با سلیمانم از مسلمانان از برای خدای عالمیان

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ فَإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ

ما فرستاده‌ایم بهر ثمود صالح آنکه به او برادر بود که پرستند قادر متعال شد دو فرقه از آن به جنگ و جدال

۴۶

قَالَ يَاقَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

گفت بهر چه با شماست شتاب؟ بر بدی پیش‌تر ز کار صواب بهر خالق کنید استغفار تا ستانید رحمت از دادار

۴۷

قَالُوا أَطَّيَّرْنَا بِكَ وَبِمَنْ مَعَكَ قَالَ طَيْرُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ

قوم گفتند بد شدید به فال‌تو و همکار تو در این احوال گفت فال شماست نزد خدا و بدان آزمون شدید شما

۴۸

وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ

بود در شهر نه گروه به کارنه نکوکار بلکه بد کردار پس بگفتند هم قسم گردید که شیخون زنید بی‌تردید

۴۹

قَالُوا تَقَاسَمُوا بِاللَّهِ لَنُبَيِّتَنَّهُ وَأَهْلَهُ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ أَهْلِهِ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ

او و اهلس [کشیم ما با هم پس بگوییم بهر صاحب دم چیزی از قتلها نمی‌دانیم نیز ما جمله راستگویانیم

۵۰

وَمَكْرُوا مَكْرًا وَمَكْرْنَا مَكْرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

مکر کردند و مکر کرد خدا و نبودند عاقل و دانا

۵۱

فَأَنْظِرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مَكْرِهِمْ أَنَا دَمَرْنَاهُمْ وَقَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ

چیست فرجام مکرشان بنگر؟ همه با قوم شد فنا یکسر

۵۲

فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةً بِمَا ظَلَمُوا إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

خانه‌هاشان همه شده است رهاچونکه آن قوم داشتند جفا به یقین ز آن نشانه‌ای است عیان بهر قومی که عالم است به آن

۵۳

وَأَنْجَيْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ

ما رهان‌دیم قوم با ایمان و شدند از گروه متقیان

۵۴

وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ

لوط چون گفت بهر قوم زمان زشتی آرید و خود ببینید آن

۵۵

أَيِّنَّكُمْ لَأَتَاتُوكَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ

میل دارید جانب مردان و ندارید میل با نسوان پس شما بید امتی نادان که شکستید حکمی از یزدان

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوا آلَ لُوطٍ مِّنْ قَرْيَتِكُمْ<sup>ط</sup> إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَّتَطَهَّرُونَ

پاسخ قوم او نبود مگر که بداریدشان ز شهر به در این گروه است پاک و با تطهیر [دارد از بهر قوم ما تدبیر]

او و اهلس رها شدند آلهمسرش کو بماند در آنجا

فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا أُمَّرَأَتَهُ قَدَّرْنَا لَهَا مِنَ الْغَابِرِينَ

بارشی بهرشان بیاوردیم و چه بد بارشی است بارش بیم

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا<sup>ط</sup> فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنذَرِينَ

گو که حمد است از خدا تنها و سلامی به بندگان خدا که خدا برگزید آنان را و خدا بهتر است از بتها

قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ<sup>ط</sup> ءَإِلَّا اللَّهُ خَيْرٌ مَّا يُشْرِكُونَ

چه کسی آفرید ارض و سما و فرستاد آب از بالا ما برویانده ایم از آن آب بوستانهای خرم و شاداب نتوانید آفرید شجر نیست همتای حق خدای دگر می نهد آن جماعت نادان شرکا را برابر یزدان

أَمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَّا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْبِتُوا شَجَرَهَا<sup>ط</sup> ءَأَلَّهُ<sup>ج</sup> مَعَ اللَّهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَعْدِلُونَ

که زمین را بداد امن و قرار؟ و روان ساخت بین آن انهار و سپس کار کوهها پرداختمانعی در میان دریا ساخت هست معبود جز خدا آیا؟ اکثر خلق نیست ز آن دانا

أَمْ مَنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَ وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا<sup>ط</sup> ءَأَلَّهُ<sup>ج</sup> مَعَ اللَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

که دهد پاسخی سوی مضطر؟ چونکه روی آورد سوی داور و کند رفع مشکل او راهان شما بید بر زمین خلفا هست معبود جز خدا آیا؟ متذکر شود کمی ز شما

أَمْ مَنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ<sup>ط</sup> الْأَرْضِ ءَأَلَّهُ<sup>ج</sup> مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ

چه کسی بر شماست راهنمادر سیاهی به خشکی و دریا که فرستاد باد پیشاپیش مژده بخشی برای رحمت خویش هست معبود جز خدا آیا؟ اوست از شرک مشرکان والا

أَمْ مَنْ يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَنْ يُرْسِلُ الرِّيْحَ بُشْرًا<sup>ط</sup> بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ<sup>ط</sup> ءَأَلَّهُ<sup>ج</sup> مَعَ اللَّهِ تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ

أَمَّنْ يَبْدُوْا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيْدُهُرْ وَمَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَآءِ  
وَالْأَرْضِ ۗ أَعِلَّهُ مَعَ اللَّهِ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنْتُمْ  
صَادِقِينَ

چه کسی خلقتش کند آغاز؟ و بگرداند آفرینش باز  
که دهد رزقتان به ارض و سما؟ هست معبود جز خدا آیا؟  
گو دلیلی بیاورید پدیداگر از جمع راستگویانید

قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ وَمَا  
يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ

گو نداند کس از زمین و سمرازهای نهان به غیر خدا  
و نداند کسی ز روز نشور

بَلِ أَدْرَاكَ عِلْمُهُمْ فِي الْآخِرَةِ ۗ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِّنْهَا ۗ بَلْ هُمْ  
مِنْهَا عَمُونَ

علمشان از جزاست از حق دور  
و به شکند هم ز روز جزا و از آن جلوه‌اند نابینا

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَعِدْنَا كُنَّا تُرَابًا وَءَابَآؤُنَا إِنَّا لَمُخْرَجُونَ

و بگفتند کافران چون ماهمچو پیشینیان و هم آبا  
خاک گردیم و هم در آن مدفون‌از دل خاک چون شویم  
برون؟

لَقَدْ وَعِدْنَا هَذَا نَحْنُ وَءَابَآؤُنَا مِن قَبْلُ ۗ إِن هَذَا إِلَّا أَسْطِيرُ  
الْأَوَّلِينَ

بهر ما وعده بود پیش از این‌هم به آبا فسانه‌ای پیشین

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ

گو بگردید و بنگرید جهان‌عاقبت چیست بر گنهکاران؟

وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُنْ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ

تو ز ایشان مشو غمین و نژندو مشو تنگدل چو مکر کنند

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ ۗ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

و بگویند کو وعید خدا؟ راست باشد اگر حدیث شما

قُلْ عَسَىٰ أَن يَكُونَ رَدِفَ لَكُمْ بَعْضُ الَّذِي  
تَسْتَعْجِلُونَ

گو بسا در بر شماست عذاب‌آنچه را سوبیش آورید شتاب

وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا  
يَشْكُرُونَ

لطف دارد به مردمان یزدان‌نیستند اهل شکر اکثرشان

وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ

هست معلوم بر خدای جهان‌راز دلها و هر چه هست عیان

وَمَا مِنْ غَآيِبَةٍ فِي السَّمَآءِ وَالْأَرْضِ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ

نیست رازی در آسمان و زمین‌جز که ثبت است در کتاب  
مبین

إِنَّ هَذَا الْقُرْءَانَ يَفُصُّ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَءِيلَ أَكْثَرَ الَّذِي هُمْ  
فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

می‌شود در کتاب حق تحلیل‌اختلافات آل اسرائیل

وَإِنَّهُ لَهْدَىٰ وَرَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ

رحمت است و هدایت از یزدان بهر قومی که آورند ایمان

۷۸

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ بِحُكْمِهِ ۚ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ

و خدا داور است ایشان را و همو قادر است و هم دانا

۷۹

فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ ۖ إِنَّكَ عَلَىٰ الْحَقِّ الْمُبِينِ

کار خود را سپار با یزدان و تو بر حقی و بود به عیان

۸۰

إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تَسْمَعُ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ

نتوانی به مردگان و کران سخن خویش را کنی تو بیان و آنگهی از تو روی گردانند [خیر و اقبال خود نمی‌دانند]

۸۱

وَمَا أَنْتَ بِهَادِي الْعُمَىٰ عَن صَلَاتِهِمْ ۖ إِنَّ تَسْمَعُ إِلَّا مَن يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ

نکنشی کور را به راه هدایت ز گمراهی کنی تو رها سخن خویش را کنی تفهیم به کسی کو به حق بود تسلیم اوست مؤمن به آیه‌های خدا [سخن و قول حق رسد او را]

۸۲  
حزب  
۱۵۴

وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ

چونکه فرمان رسد برای کسان هست جنبنده‌ای به روی جهان که ندامی دهد سوی ایشان که یقین نیست خلق را ز نشان

۸۳  
رسم  
۳۳۳

وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِن كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ

گرد آریم از امم بسیار که کنند آیه‌های حق انکار پس بمانند مدتی آنجا

۸۴

حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوكَ قَالَ أَكَذَّبْتُمْ بِآيَاتِي وَلَمْ تُحِطُوا بِهَا عِلْمًا ۖ أَمْ آذًا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

تا که ملحق شوند آنان را پس بگوییم منکرید آیا؟ جاهلانه نشانه‌های مرا این چه کاری است از برای شما؟

۸۵

وَوَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ بِمَا ظَلَمُوا فَهُمْ لَا يَنْطِقُونَ

[سخنی نیست بهرشان آنجا] می‌رسد پس عذاب آنان راز آنکه بودند اهل جور و جفا

۸۶

أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لَيْسَكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

ننگرد اینکه آفریدم شب‌گاه آرامشی ز بعد تعب نور و دید آورم به روز پدید [تا که بهر تلاش و رزق روید] به یقین آیه‌ها بود در آن بهر قومی که آورند ایمان

۸۷

وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ مَن فِي السَّمَوَاتِ وَمَن فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَن شَاءَ اللَّهُ ۚ وَكُلُّ أَتَوِّهٍ دَاخِرِينَ

بادم صور ترس مردم راست‌هر چه خلق خدا به ارض و سماست جز کسی را که خواسته‌ست خداهمگی می‌رسند خوار آنجا

۸۸

وَتَرَىٰ الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ ۚ صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ ۚ إِنَّهُ ۖ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ

کوه را بنگری که بی‌سفر است‌گر چه همچون سحاب در گذر است صنعتش محکم است و پا برجاهست از کارتان خدا دانا



مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِّنْهَا وَهُمْ مِّنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ  
ءَامِنُونَ

وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ  
إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلَدَةِ الَّتِي حَرَّمَهَا وَلَهُ كُلُّ  
شَيْءٍ ۗ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ

وَأَنْ أَتْلُوا الْقُرْآنَ ۗ فَمَنْ أَهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ ۗ  
وَمَنْ ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَا أَنَا مِنَ الْمُنذِرِينَ

وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَيُرِيكُمْ ءَايَاتِهِ ۗ فَتَعْرِفُونَهَا وَمَا رَبُّكَ  
بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
طسّم

طا و سین است و میم [از یزدان

تِلْكَ ءَايَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ

آیه‌هایی است از کتاب عیان

نَتْلُوا عَلَيْكَ مِنْ نَّبَأِ مُوسَىٰ وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

پس بخوانیم قصه‌ها به شما ذکر فرعون و قصه‌ی موسی  
راست دانیم [قصه را بر خوان بهر قومی که هست با ایمان

إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ  
طَائِفَةً مِّنْهُمْ يُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ  
مِنَ الْمُفْسِدِينَ

چونکه فرعون سر فرا آورد جای هر قوم را مجزا کرد  
خوار بگذاشت قومی از آنان کشت از اهلیشان همه پسران  
زنده می‌هشت بهرشان نسوان به یقین بود مفسدی به جهان

وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ  
أُيَمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ

خواستیم تا نهم بسی منت‌بهر قومی که بود در ذلت  
تا شود راهبر به خلق زمان و شود وارثی به ملک جهان

هر که نیکی کند بود او رایتر از آن چه کرده است ادا  
ایمن است از هراس در محشر] و بر او نیست هیچ خوف و  
خطر]

و آنکه در راه بد بود سرکش‌پس بیفتد به روی در آتش  
پس جزا داده می‌شوید آیا؟ جز به کاری که کرده‌اید شما

بر عبادت منم کنون تسلیم‌رب این شهر را که شد تکریم  
همه چیز است از خدای غفور من به اسلام گشته‌ام مأمور

اینکه خوانم به مردمان قرآن‌هر که ره یافت برد سود از آن  
و آنکه گم کرد راه در کردارگو مرا نیست جز ره هشدار

و بگو حمد هست از یزدان آیه‌هایش دهد به خلق نشان  
پس شناسید آن نشان ز خدانیست غافل خدا ز کار شما

وَنُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِيَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا  
مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ

نیز مکتب دهیمشان به جهان تا به فرعون همچنین هامان  
نیز اتباعشان دهیم نشان آنچه را بیم داشتند از آن

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ ۖ فَإِذَا خِفْتِ عَلَيْهِ  
فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي ۗ إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ  
وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ

وحی کردم به مادر موسی که بده شیر کودک خود را  
و مشو در هر اس طفلت راو بیفکن به پهنه‌ی دریا  
به دل خویش ره مده غم و بیم که به سوی تو باز گردانیم  
میکنیمش ز انبیای عظام که ز حق آورد کتاب و پیام

فَأَلْقَاهُ فِي الْيَمِّ وَوَجَعَلْنَاهُ آيَةً لِلْعَالَمِينَ  
فَأَلْقَاهُ فِي الْيَمِّ وَوَجَعَلْنَاهُ آيَةً لِلْعَالَمِينَ  
فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا كَانُوا خَاطِبِينَ

آل فرعون برگرفت او راتا شود دشمنی به اهل جفا  
بود فرعون و همچنین هامان هم سپاهش به کار خود نادان

وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرْتُ عَيْنِي لِي وَلَكَ لَا تَقْتُلُوهُ  
عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

زن فرعون گفت با همسرایین بود بهر ما چو نور بصر  
مکشیدش بسا که نفع از اوست بهر فرزندی تو هم نیکوست  
و بر آنان نبود هیچ پدید

وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَىٰ فَارِعًا ۗ إِن كَادَتْ لَتُبْدِي بِهِ لَوْلَا أَنْ  
رَبَطْنَا عَلَىٰ قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

مام موسی دلش تهی گردید  
بود نزدیک تا کند اظهارگر نمی کرد حق دلش ستوار  
[این چنین خواست کردگار جهان تا بماند ز خلق با ایمان

وَقَالَتْ لِأُخْتِهِ قُصِّيهِ ۖ فَبَصَّرَتْ بِهِ ۖ عَنْ جُنُبٍ وَهُمْ لَا  
يَشْعُرُونَ

گفت با خواهرش سفارش کار نیز خود بود ناظری به کنار  
کس ندانست ما چه می آریم

وَحَرَّمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ  
أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَاصِحُونَ

حق به او داشت شیرها تحریم  
گفت من رهتما شوم به شما [خانه‌ای را پر از صفا و وفا]  
اهل آن خانه بر کفالت او هست دلسوز و خیر خواه و نکو

فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ ۖ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ ۗ وَلِنَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ  
اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

باز گردانمش سوی مادرتا بود بهر مام نور بصر  
نبود غمگن و بود داناکه همه راست است وعد خدا  
[همه جا حکم اوست حکمروا] اکثر خلق نیست ز آن دانا

وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَىٰ ءَاتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَٰلِكَ  
نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

چون به رشدش رسید و شد برنایس بدادیم حکم و علم او  
را  
آنچنان مزد می‌دهیم به کاربر آن کس که شد نکوکردار

وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَىٰ حِينٍ غَفْلَةٍ مِّنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا  
رَجُلَيْنِ يَخْتَلِمَانِ هَذَا مِنْ شِيعَتِهِ ۚ وَهَذَا مِنْ عَدُوِّهِ ۗ  
فَأَسْتَغْنَاهُ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ ۚ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ ۗ فَوَكَرَهُ  
مُوسَىٰ فَقَضَىٰ عَلَيْهِ ۗ قَالَ هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ ۗ إِنَّهُ  
عَدُوٌّ مُّضِلٌّ مُّبِينٌ

گشت در شهر وارد و آنگاه مردم شهر بود ناآگاه  
گرم رزم و نزاع بود دو تن این یک از پیروان و آن دشمن  
پیروش خواست چون کمک از اوتا بسازند دفع شر عدو  
پس یکی مشت زد به او موسی‌او از این ضربه رفت سوی  
فنا  
گفت این بود کار اهریمن اوست اغواگر و بود دشمن

قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ ۗ إِنَّهُ هُوَ  
الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

گفت کردم به خود ستم ربایس ببخشا از این جفا تو مرا  
پس ببخشیدش آن عزیز و کریم به یقین حق بود غفور و  
رحیم

قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيرًا لِّلْمُجْرِمِينَ

گفت از این لطف و رحمت ای یزدان نشوم یاور ستمکاران

فَأَصْبَحَ فِي الْمَدِينَةِ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ فَإِذَا الَّذِي اُسْتَنْصَرَهُ  
بِالْأَمْسِ يَسْتَصْرِخُهُ ۗ قَالَ لَهُ مُوسَىٰ إِنَّكَ لَعَوِيٌّ مُّبِينٌ

صبح فردا به شهر بس نگران دید آن را که بود پشتیبان  
باز امداد خواست نعره زنان گفت موسی تو گمراهی به عیان

فَلَمَّا أَنْ أَرَادَ أَنْ يَبْطِشَ بِالَّذِي هُوَ عَدُوٌّ لَهُمَا قَالَ يَا مُوسَىٰ  
أَتُرِيدُ أَنْ تَقْتُلَنِي كَمَا قَتَلْتَ نَفْسًا بِالْأَمْسِ ۗ إِنَّ تُرِيدُ إِلَّا  
أَنْ تَكُونَ جَبَّارًا فِي الْأَرْضِ وَمَا تُرِيدُ أَنْ تَكُونَ مِنَ  
الْمُصْلِحِينَ

پس به هنگام حمله گفت به اوآنکه با هر دو بود خصم و  
عدو

از چه خواهی مرا کشی موسی؟ ای که دیروز قتل بود تو را  
از چه خواهی شوی ستم کردار؟ می‌نخواهی شوی تو نیکوکار

وَجَاءَ رَجُلٌ مِّنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ يَسْعَىٰ قَالَ يَا مُوسَىٰ إِنَّ الْمَلَأَ  
يَأْتِمُرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ

از فراسوی شهر شد به شتاب مردی و این چنین نمود خطاب  
مهربان کرده‌اند بس کنکاش بهر قتل تو می‌کنند تلاش  
پس برون شو ز شهر ای موسی این منم یار خیر خواه تو را

فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ ۗ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ  
الظَّالِمِينَ

پس برون شد ز شهر و بس نگران گفت یا ربّ مرا رها  
گردان  
زین گروهی که هست اهل جفانو خدایا نجات بخش مرا

وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَىٰ رَبِّي أَن يَهْدِيَنِي سَوَاءَ  
السَّبِيلِ

چونکه رو کرد جانب مدین گفت امیدم بود که خالق من  
رهنمایم شود به راه صواب

تا به مدین رسید بر سر آب

مردمی جمع دید در آنجا آب می‌داد هر کسی رمه را  
پس دو زن دید در تلاش و شتاب رمه را منع می‌کنند ز آب  
گفت این کار چیست بهر شما؟ پس بگفتند مانده‌ایم اینجا  
تا شتابان روند بی‌تأخیر پدر ما دو تاست مردی پیر

وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِّنَ النَّاسِ يَسْقُونَ  
وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ ۗ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا ۗ قَالَتَا  
لَا نَسْقِي حَتَّىٰ يُصَدِرَ الرِّعَاءُ ۗ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ

۲۳

رمه را آب داد و سایه نشست پس برآورد سوی خالق دست  
که عنایات تو مراست نیاز خیر بفرست [ای تو بنده‌نواز]

فَسَقَىٰ لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّىٰ إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ  
مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ

۲۴

پس یکی ز آن دو زن ز راه حیاگفت بایم بخوانده است تو را  
تا دهد اجرت تو را بر کار رفت و جریان خود نمود اظهار  
گفت هستی رها مترس اینجا ز گروهی که هست اهل جفا

فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَىٰ اسْتِحْيَاءٍ ۗ قَالَتْ إِنَّ أَبِي  
يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ  
عَلَيْهِ الْقِصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ ۗ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

۲۵

دختری روی کرد کای بابا بهر خدمت اجیر کن او را  
بهترین کس که می‌کنی تو گزین این اجیرست و هم قوی و  
امین

قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَعِجِرْهُ ۗ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَعَجَرْتَ  
الْقَوِيُّ الْأَمِينُ

۲۶

گفت خواهم مرا شوی داماد مهر آن هشت سال خدمت باد  
اگر آن خدمتت شود ده سال لطف مخصوص توست در آن  
حال  
ما نخواهیم بر تو سختی کارزود یابی مرا نکوکردار

قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنكِحَكَ إِحْدَىٰ أُبْنَتَيْ هَتَيْنِ عَلَىٰ أَنْ  
تَأْجُرَنِي ثَمَنِي حِجَابٍ ۗ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ ۗ وَمَا  
أُرِيدُ أَنْ أَمْسُقَ عَلَيْكَ ۗ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ  
الصَّالِحِينَ

۲۷

گفت بین من و تو ماند آن هر کدام از دو مدت است عیان  
نیست بر من به هیچ راه جفاحق و کیل است گفته‌ی ما را

قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ ۗ أَيَّمَا الْأَجَلَيْنِ قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ  
عَلَيَّ ۗ وَاللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ

۲۸

چونکه موسی تمام کرد زمان همره اهل خویش گشت روان دید آتش به کوه طور ز سنگ گفت با اهل خود کنید درنگ آتشی دیده ام ز دور آنجا زود آرم خبر برای شما یا لهیبی بیاورم از آن تا که گردید گرم ز ان نیران

فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ ۚ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا ۗ قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَّعَلِّي آتِيكُم مِّنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِّنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ

پس برفت و روانه شد آنجا ز سوی راست در رسید ندا به زمینی خجسته و میمون وین ندا آمد از درخت برون ای کلیم خدا منم یزدان حق و پروردگار عالمیان

فَلَمَّا أَتَتْهَا نُودِيَ مِنَ شَطِئِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبْرَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَن يَمُوسَىٰ إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ

پس بیفکن کنون عصایت را دید جنبد به سان مار آنجا پشت کرد و گریخت از زهار شد منادا مترس و هم روی آر که تویی ایمن از هراس و خطر

وَأَن أَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَآهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّىٰ مُدَبِّرًا ۚ وَلَمْ يُعَقِّبْ ۚ يَمُوسَىٰ أَقْبِلْ وَلَا تَخَفْ ۗ إِنَّكَ مِنَ الْآمِنِينَ

دست خود را تو در گریبان بر پس برآید سفید بی اشکال پس ز بیم آر سوی خود پر و بال این دو برهان به توست از دادار سوی فرعون و قوم او روی آر کان جماعت شدند نافرمان

أَسْأَلُكَ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجُ بِيضًا ۚ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ وَأَضْمَمَ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ ۗ فَذَنِكَ بُرْهَانَانِ مِنَ رَبِّكَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ ۚ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ

گفت من کشته ام کسی زیشان ترسم از قتل خود کنون یا رب هم ز تنهاییم به رنج و تعب

قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَن يَقْتُلُونِ

در سخن هم برادر هم هارون هست شیواییش ز من افزون پس به همراه من بدار گسیل تا شود بهر من نصیر و خلیل و به تصدیق من شود همکار در هراسم اگر کنند انکار

وَأَخِي هَارُونُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسَلْهُ مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِي ۗ إِنِّي أَخَافُ أَن يُكَذِّبُونِ

گفت بر تو برادرست ظهیر و نهیم از برایتان تسخیر با چنین آیه ها و معجز مادست ایشان نمی رسد به شما پس شما و آنکه گشت پیروتان همه جا غالبید بر ایشان

قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطٰنًا فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا بِآيٰتِنَا ۚ أَنْتُمَا وَمَنِ اتَّبَعَكُمَا الْغٰلِبُونَ

فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَى بِآيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّفْتَرَى وَمَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوْلِيَانِ

چونکه آورد سويشان موسی آیه‌های عیان یزدان را پس بگفتند نیست جز بهتان نیز افسون بود [در آن پنهان نشنیدیم این سخنها رانه ز پیشینیان و نه آبا

وَقَالَ مُوسَى رَبِّي أَعْلَمُ بِمَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ مِنْ عِنْدِهِ وَمَنْ تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ

گفت موسی خداست دانایتر بهر آنکس که هست پیغمبر آنکه آرد هدا ز نزد خداو آنکه او راست اجر روز جزا نکند رستگار آنان راکه در این عالمنده اهل جفا

وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهِ غَيْرِي فَأَوْقِدْ لِي يَهْمَنُ عَلَى الطِّينِ فَاجْعَلْ لِي صَرْحًا لَعَلِّي أَطَّلِعُ إِلَى إِلَهِ مُوسَى وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ

گفت فرعون مهترانش رانیست جز من خدای بهر شما پس بپز خشت بهر من هامان و بنا کن مرا تو قصری از آن رب موسی ببینم از آنجامن که کاذب گمان کنم او را

وَأَسْتَكْبِرُ هُوَ وَجُنُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ

او و یاران به ناروا به دیاربرگرفتند راه استکبار و گمان کرده‌اند سوی خدا برنگردند آن گروه دغا

فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ فَاَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ

پس گرفتیم او و قومش را و فکندیم جمله در دریا پس نگه کن که عاقبت او راجیست قومی که بود اهل جفا

وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ

و شدند آن گروه رهبر شرکه بخواندند خلق بر آذر در قیامت که هست وقت جزاهیج یاری نباشد آنان را

وَأَتَّبَعْنَاهُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ هُمْ مِنَ الْمَقْبُوحِينَ

لعن پیگیرشان در این دنیا ست زشت رویی به عالم عقیاست

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِ مَا أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ الْأُولَىٰ بَصَائِرَ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

داده‌ام من کتاب موسی را چون قرون نخست شد به فنا آن بصیرت بود به خلق خدارحمت و هم هدایت آنان را شاید آن قوم پند گیرد از آن متذکر شود [از این تبیان

وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الْغَرْبِيِّ إِذْ قَضَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ الْأَمْرَ وَمَا  
كُنْتَ مِنَ الشَّاهِدِينَ

تو نبودى به جانب غربى چون ز امر خداى گشت نبى  
تو نبودى گواه در آنجا

وَلَكِنَّا أَنْشَأْنَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ وَمَا كُنْتَ  
ثَاوِيًا فِي أَهْلِ مَدْيَنَ تَتْلُوا عَلَيْهِمْ ءَايَاتِنَا وَلَكِنَّا كُنَّا  
مُرْسَلِينَ

اى بسا قوم آفريد خدا  
و به ايشان دراز بود ز من تو نبودى مقيم در مدين  
که بخوانى تو آيههاى خدا ما فرستاده ايم مرسل را

وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا وَلَكِنْ رَحِمَةً مِّن رَّبِّكَ  
لِئَنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَتْهُم مِّن نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ  
يَتَذَكَّرُونَ

تو نبودى به جنب طور مقيم آن زمانى که ما ندا داديم  
ليک اين بود رحمت از دادارتا که اين قوم را دهى هشدار  
پيش از تو نداشتند نذيرشاييد آنان شوند پند پذير

وَلَوْلَا أَن تُصِيبَهُم مُّصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَيَقُولُوا رَبَّنَا  
لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ ءَايَاتِكَ وَنَكُونَ مِنَ  
الْمُؤْمِنِينَ

گر رسد بهرشان بلا و جزاز آنچه از پيش کرده اند آنرا  
پس بگويند اى خدا بر مانفرستاده اى رسولى را  
ورنه بوديم پيروان نشان همه بوديم پاک و با ايمان

فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا لَوْلَا أُوتِيَ مِثْلَ مَا أُوتِيَ  
مُوسَىٰ أَوْ لَمْ يَكْفُرُوا بِمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ قَالُوا  
سِحْرَانِ تَظَاهَرَا وَقَالُوا إِنَّا بِكُلِّ كَافِرُونَ

چون رسد حرف حق ز سوى خداپس بگويند جملگى که چرا؟  
نرسيده است آيتى سوى مامثل آنها که بود با موسى  
کفر بر او نداشتند آيا؟ چونکه آمد نشانهى موسى  
پس بگفتند اين فسونکاران بهر يکديگرند پشتيبان  
و بگفتند ما به هر يکشان فاش داريم شيوهى کفران

قُلْ فَاتُوا بِكِتَابِ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا أَتَّبِعُهُ  
إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

گو بياريد نامه اى ز خداکو بود رهنما تر از اينها  
تا که تابع شويم در افعال راست گوييد اگر در اين اقوال

فَإِن لَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ  
أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بغير هُدًى مِّنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا  
يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

گر که پاسخ نمى دهند تو را پس بدان تابعند بهر هوى  
در ره گمراهى چه کس شد بيش؟ آنکه شد تابعى به خواهش  
خويش  
گر نباشد هدا ز سوى خدا [که تواند رود به راه هدا]  
و هدايت نمى کند يزدان به يقين فرقهى ستمکاران

وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

داده‌ایم این سخن به هم پیوندتا که مردم تذکری گیرند

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ

آن کسانی که داشتند ایمان می‌رسید این کتاب چون سوبیشان

وَإِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ قَالُوا ءَأَمَّا بِهِ ءِِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ

خوانده می‌شد چو آیه بر آنان می‌گفتند آوریم ایمان راستست و بود ز رب حکیم و از این پیش ما مسلمانیم

أُولَٰئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَيَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ

آن کسان اجرشان دهند دوبار چون شکبیا شدند [و نیکوکار] و بدی را ز خود دهند طلاق ز آنچه دادیمشان کنند انفاق

وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَّا أَعْمَلْنَا وَلَكُمْ أَعْمَلُكُمْ سَلَمٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ

هم ز لغوند جمله رو گردان و بگویند ما و کرده‌ی‌مان و شما بید و آنچه کار شماست و سلامی ز ما نثار شماست و نخواهیم [صحبت نادان که ندارند بهر حق ایمان

إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ

توانی به راه حق آری آنکه را خود تو دوست می‌داری ره بیابد هر آنکه خواست خدا اوست آگاهتر به اهل هدا

وَقَالُوا إِن تَتَّبِعِ الْهُدَىٰ مَعَكَ نُتَخَضَّفُ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا ءَأَمِنَّا يُجَبَىٰ إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِّزْقًا مِّن لَّدُنَّا وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

گفته‌اند ار شویم پیرو دین‌پس ربایندمان ز شهر و زمین ما ندادیم امنشان آیا؟ میوه و رزقشان رسد از ما لیک دانا نیند اکثرشان چون ندارند صبر در ایمان

وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ بَطَرَتْ مَعِيشَتَهَا فَتِلْكَ مَسْكِنُهُمْ لَمْ تُسْكَنْ مِّن بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا وَكُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ

چه بسا شهر شد به دار فنا مردمش مست بود و بی‌پروا جز کمی کس نگشت ساکن آن نیز ماییم وارث آنان

وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ حَتَّىٰ يَبْعَثَ فِي أُمِّهَا رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْهِمْ ءَأَيَّتِنَا وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَىٰ إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ

نیست شهری که حق کند ویران‌جز که بودست مرسلی در آن که بخواند بر ایشان آیات تا که یابند از هلاک نجات و نسازیم هیچ جا ویران‌جز که ظالم شدند مردم آن



وَمَا أُوتِيتُمْ مِّنْ شَيْءٍ فَمَتَّعُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزَيَّنْتُهَا وَمَا  
عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

آنچه مال و منال بهر شماسازیور و بهره‌ای از این دنیاست  
به بود هر چه هست نزد خدانیست آیا خرد برای شما

أَفَمَن وَعَدْنَاهُ وَعَدًّا حَسَنًا فَهُوَ لَاقِيهِ كَمَن مَّتَّعْنَاهُ مَتَّعًا  
الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ثُمَّ هُوَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْمُحْضَرِينَ

آنکه را داده‌ایم وعد نکوو رسد وعده‌اش به جانب او  
نیست او چون کسی که ما او رابره دادیم بهره‌ی دنیا  
به یقین اوست هم به روز جزا از فرا خواندگان به سوی خدا

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَاءِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ

چون بیاید ندا سوی ایشان‌کو شریکان که داشتید گمان

قَالَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَغْوَيْنَا  
أَغْوَيْنَاهُمْ كَمَا غَوَيْنَا تَبَرَّأْنَا إِلَيْكَ مَا كَانُوا إِيَّانَا يَعْبُدُونَ

چون سخن راست گشت ایشان را پس بگویند کرده‌ایم اغوا  
آنچنان که شدیم خود افسون‌هست بیزار جان ما اکنون  
هم نبودند در عبادت ما بلکه بودند عابدان هوی

وَقِيلَ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ فَدَعَوْهُمُ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَرَأَوُا  
الْعَذَابَ لَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا يَهْتَدُونَ

گفته آید که آن بتان خوانندپس بخوانند و در سخن مانند  
پس ببینند کیفری ز خداکاش بودند در طریق هدا

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ

چون به آوا چنین کنند خطاب‌انیا را چه داده‌اید جواب؟

فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْأَنْبَاءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَاءَلُونَ

پس بر آنان خبر شود پنهان و ندارند بر سؤال توان

فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَىٰ أَن يَكُونَ مِنَ  
الْمُفْلِحِينَ

تائب و مؤمن نکوکردار شاید او رسته گردد از آزار

وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ  
اللَّهِ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ

آفرید و گزید هر چه که خواست‌غیر دادار اختیار که راست؟  
هست یزدان منزله و والاکه شریکی بیاورند او را

وَرَبُّكَ يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ

هست معلوم بر خدای جهان‌راز دلها و هر چه هست عیان

وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَىٰ وَالْآخِرَةِ وَلَهُ  
الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

غیر الله هیچ نیست خداحمد در دو جهان بود او را  
حاکمیت فقط از آن خداست‌سوی دادار بازگشت شماس

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ  
الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهُ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِضِيَاءٍ أَفَلَا تَسْمَعُونَ

گو خدا اگر دهد برای شما شب جاوید تا به روز جزا  
که بجز حق کند فروغ پدید؟ سخن حق مگر نمی‌شنوید

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ  
الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهُ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِاللَّيْلِ تَسْكُونُونَ فِيهِ  
أَفَلَا تُبْصِرُونَ

گو خدا اگر دهد برای شما روز جاوید تا به روز جزا  
که شب آرد به غیر حق می‌آید؟ بهر راحت مگر نمی‌بینید

۷۲

وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ  
وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

۷۳

گردش روز و شب ز فضل خداست بهر آرام و جستجوی  
شماست  
تا ز فضلش شوید برخوردار شاید او را شوید شکرگزار

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَاءِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ

چون بیاید ندا سوی آنان‌کو شریکان که داشتید گمان

۷۴

وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا  
أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ

چون بگیریم ز هر فریق شهید پس بگویم که هان دلیل آرید  
پس بدانند حق از آن خداست گم شود آن دروغ کانان  
راست

۷۵

إِنَّ قُرُونَ كَانَتْ مِنْ قَوْمِ مُوسَىٰ فَبَغَىٰ عَلَيْهِمْ<sup>ط</sup> وَعَاتَيْنَهُ مِنْ  
الْكُنُوزِ مَّا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولِي الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ  
لَهُمْ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحُوا<sup>ط</sup> إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ

بود قارون ز امت موسی‌پس ستم کرد امت خود را  
ثروتی داشت وافر و سرشار بود گنجینه‌های او بسیار  
بهر حمل کلید آنهمه گنج بود هر مرد پر توان در رنج  
قوم او گفت شادیت نه نکوست که خدا نیست بهر شادان  
دوست

۷۶  
حزب  
۱۵۸  
۳۴۱ ر

وَأَتَّبِعْ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ  
مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ<sup>ط</sup> وَلَا تَبْغِ  
الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ<sup>ط</sup> إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ

کن طلب ز آنچه داده است خدا بهر‌ای از برای روز جزا  
و نگه دار سهمی از دنیا خیر کن چونکه خیر داد خدا  
و مجو در زمین ره افساد نیست حق دوستدار اهل فساد

۷۷

قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي أَو لَمْ يَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرُ جَمْعًا وَلَا يُسْأَلُ عَنْ ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ

گفت مالی که من شدم دارا هست از دانشی که بود مرا می‌دانست حق بساخت هلاک؟ هر که بود از قرون پیش به خاک بس که بودند از او تواناتر و به مال و منال دارا تر بر گناهانشان که هست عیان نشود پرسش از گنهکاران

فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْلَىٰ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قُرُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ

پس بر آمد به قوم خود با جاه‌گفت جمعی که بود دنیا خواه کاش دارا بدیم چون قارون به یقین بهره‌اش بود افزون

وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِّمَنْ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلْقَاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ

آن جماعت که بود دانشور گفت ای وای بر شما یکسر بهتر از این ثواب یزدان است هر که را خوب و اهل ایمان است این چنین اجر از سوی یزدان بهر کس نیست جز شکیبایان

فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِئَةٍ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنْتَصِرِينَ

شد فرو او و خانه‌اش به زمین جز خدا بهر خلق کیست معین؟

وَأَصْبَحَ الَّذِينَ تَمَتَّوْا مَكَانَهُ بِالْأُمْسِ يَقُولُونَ وَيَكَآنَنَّ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَوْ لَا أَنْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا وَيَكَآتَهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ

روز بعد آن گروه شد آگاه‌گر چه دیروز بود دنیا خواه گفت حق رزق بر عباد چو خواست‌گه فزون دارد و گهی ز آن کاست منت حق اگر نبود به ماقعر این خاک بود جا ما را آن جماعت که هست در کفران وای‌شان کی رهند از نیران

تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ

خانه آخرت بود او را که ندارد فساد و استعلا هست عقبا برای متقیان جایشان در بهشت جاویدان

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِمَّا مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِ وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

هر که انجام داد کار نکو بهتر از آن جزا بود با او و آنکه انجام داد کاری بد اجرتی مثل آن به او برسد

إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ قُل رَّبِّي  
أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

آنکه فرمان به تو ز قرآن داد باز گرداندت به سوی معاد  
گو که رب من است داناتر که چه کس شد به راه راهسپر  
و چه کس هست در ضلال مبین پس به علمش بیاورید یقین

وَمَا كُنْتَ تَرْجُو أَنْ يُلْقَىٰ إِلَيْكَ الْكِتَابُ إِلَّا رَحْمَةً مِّنْ  
رَّبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ ظَهِيرًا لِّلْكَافِرِينَ

تو نبودت امید آنکه کتاب شود از کردگار بر تو خطاب  
رحمتی بود از سوی دادار پس نباشی تو کافران را یار

وَلَا يَصُدُّكَ عَنْ آيَاتِ اللَّهِ بَعْدَ إِذْ أَنْزَلَتْ إِلَيْكَ وَادْعُ  
إِلَىٰ رَبِّكَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

برنگردی ز آیه‌های خدا بعد از آنکه رسیده است تو را  
و به پروردگار خویش بخوان و نباشی تو مشرک یزدان

وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ  
هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

و مخوان با خدا کسی معبود نیست معبود غیر او به وجود  
همه فانی شوند جز یزدان اوست مرجع و زو بود فرمان

## ۲۹. عنكبوت

العنكبوت: عنكبوت

مکی

۶۹ آیه

۹ صفحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الْم

[الف و لام و میم کاغاز است بین حق و رسول او راز است]

أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ

در گمانند مردمان که خدا نکند آزمایش آنان را  
اینکه گفتند آوریم ایمان بود ایمانشان فقط به زبان

وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا  
وَلَيَعْلَمَنَّ الْكٰذِبِينَ

آزمون کرده ایم پیش از این و خدا کرده است آن تبیین  
که چه کس راست دارد این اظهار و چه کس کاذب است در  
گفتار

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ أَنْ يَسْبِقُونَا سَاءَ مَا  
يَحْكُمُونَ

آن کسانی که زشت کردارند گویا این چنین گمان دارند  
که به ره سبقت آورند به ما و چه بد داوری کنند اینجا

مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ  
الْعَلِيمُ

هر که خواهد لقای حق به جزا می رسد زود سر رسید خدا  
و خدا هم سمیع و هم داناست

وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ  
الْعَالَمِينَ

و آنکه رزمنده ای برای خداست  
رزمند و خویش بهره گیرد از آن بی نیازست حق ز عالمیان

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ

آنکه شد مؤمن و نیکوکردار بگذرد از گناهشان دادار و بگیرند اجرت کردار بهترین اجر را به روز شمار

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا ۗ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

ما سفارش کنیم بر انسان که کند والدین را احسان گر که کوشش کنند ناآگاه که شریک آوری تو بر الله پس اطاعت مکن تو از ایشان که به سوی من است مرجعتان به یقین می‌دهم خبر به شما هر عمل را که آورید به جا

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ

مؤمنی را که هست نیکوکار پس بدارم ز صالحان به شمار

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ ءَامَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةَ النَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ ۗ وَلَئِن جَاءَ نَصْرٌ مِّن رَّبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ أَوْ لَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ

بعضی از مردمان به لفظ و بیان ادعا می‌کنند در ایمان چون به راه خدا شوند آزارو به رنجی ز مردمند دچار [آن چنانند در هر اس و عنا] که شمارند چون عذاب خدا ور که خیری رسد ز رب رحیم پس بگویند با شما هستیم نیست آیا خدای اعلم از آن؟ که بود در صدور عالمیان

وَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْمُنَافِقِينَ

حق شناسد فریق ایمان را و شناسد صف دو رویان را

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا وَلْنَحْمِلْ خَطَايَكُمْ وَمَا هُمْ بِحَامِلِينَ مِنْ خَطَايَهُمْ مِنْ شَيْءٍ ۗ إِنَّهُمْ لَكَذِبُونَ

کافران بهر مؤمنان گویند [که نباشید بهر دین پابند] پیرو ما شوید بهر شما هر چه باشد خطا به عهده‌ی ما بر نگیرند باری از ایشان و دروغ است گفته‌ی آنان

وَلَيَحْمِلُنَّ أَثْقَالَهُمْ وَأَنْقَالًا ۗ مَعَ أَثْقَالِهِمْ وَلَيُسْأَلُنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ

می‌کشید این گروه کرده‌ی خویش بارهای دگر بر آن شد بیش و بپرسندشان به روز شمار آنچه بهتان زدند در گفتار

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ ۖ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ

نوح پس شد رسول قوم و تبار ماند پنجاه سال کم ز هزار ماند و طوفان گرفت قومش را چونکه بودند اهل جور و جفا

فَأَنجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ وَجَعَلْنَاهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ

او و هم ساکنان کشتی راما رها نمودیم از عذاب و بلا  
و نهادیم آن رسول زمان آیتی از برای عالمیان

وَإِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِ أَعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ ذَلِكُمْ خَيْرٌ  
لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

چونکه با قوم گفت ابراهیم پرستید آن خدای کریم  
نیز تقوا کنید یزدان را کاین بسی بهتر است بهر شما  
گر که در کار خیر دانایید [عابد قادر توانایید]

إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا وَتَخْلُقُونَ إِفْكًا إِنَّ الَّذِينَ  
تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا  
عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

می پرستید جز خدا بتها آفرینید حرف کذب و خطا  
هر چه را عابدید غیر خداند او هیچ نیست رزق شما  
رزق را از خدای خود خواهید و پرستش کنید حی مجید  
و سپاس آورید یزدان را به سوی اوست بازگشت شما

وَإِنْ تُكَذِّبُوا فَقَدْ كَذَّبَ أُمَمٌ مِّن قَبْلِكُمْ وَمَا عَلَى  
الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلْغُ الْمُبِينُ

گر که تکذیب می کنید آن را بود تکذیب پیشتر ز شما  
و بدانید بر رسول امین نیست تکلیف جز بلاغ مبین

أَو لَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَإِنَّ ذَلِكَ  
عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ

می بینند چون کند آغاز؟ خلقت خویش و پس بسازد باز  
هست این کار بر خدا آسان

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ  
يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

گو بگردید در تمام جهان  
و ببینید چون کند آغاز خلقت خویش و پس بسازد باز  
خلقت دیگری است در عقبابر همه چیز قادر است خدا

يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَرْحَمُ مَنْ يَشَاءُ وَإِلَيْهِ تُقْلَبُونَ

هر که را خواست می دهد کیفر هر که را خواست رحمت آن  
داور  
بازگشت شما به سوی خداست پس به دنیا روید بر ره  
راست

وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَمَا لَكُمْ  
مِّن دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ

نتوانید چیره شد او رانه به روی زمین و نه به سما  
نیست غیر از خدا شما را یار نه ولی جز اوست در هر کار

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ أُولَئِكَ يَئِسُوا مِن  
رَّحْمَتِي وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

آنکه شد کافر نشان خداهم به دیدار حق به روز جزا  
شده است او ز رحمتم نومید بهر آنان بود عذاب شدید

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ  
فَأَنْجَاهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

این چنین شد جواب قوم عنیدبکشیدش و یا بسوزانید  
پس رهاشدیمش از دل نیران و در آن بهر مؤمن نشان

وَقَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مَوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي  
الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُم بِبَعْضٍ  
وَيَلْعَنُ بَعْضُكُم بَعْضًا وَمَأْوَأُكُمْ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِّنْ  
تَّصْرِيحٍ

گفت بگرفته‌اید این بتهابین خود از محبت دنیا  
چون فرا می‌رسد زمان جزایکدگر را کنید لعن و ابا  
جایتان هست جملگی در نارو برای شما نباشد یار

فَقَامَنَ لَهُ لُوطٌ وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ  
الْحَكِيمُ

لوط آورد بعد از این ایمان‌گفت من می‌روم سوی یزدان  
که بود قادر آن خدای کریم و به هر چیز عالم است و حکیم

وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ  
وَالْكِتَابَ وَعَآتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ  
الصَّالِحِينَ

بود اسحاق و نیز اسرائیل بهر او هدیه‌ای ز رب جلیل  
بهر نسلش نبوت است و کتاب این به دنیا برای اوست ثواب  
نیز در آخرت شوند آنان همه در زمره‌ی نکوکاران

وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا  
سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ الْعَالَمِينَ

لوط هم چون بگفت قومش راز چه روی آورید بر فحشا  
که نکرده‌ست پیش از این به جهان هیچ کس از میان عالمیان

أَنتُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ وَتَقْطَعُونَ السَّبِيلَ وَتَأْتُونَ فِي  
نَادِيكُمُ الْمُنْكَرَ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا  
أَعْتَبْنَا بِعَذَابِ اللَّهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ

هست میل شما سوی مردان راه بندید و زشت مجلسان  
پاسخش داد قوم او که بیاربر سر ما عذابی از دادار  
گر تو از جمع راستگویانی و اگر تو رسول یزدانی

قَالَ رَبِّ أَنْصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِينَ

گفت یا رب مرا رسان امداد بهر قومی که می‌کنند فساد

وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلْنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا إِنَّا مُهْلِكُوا  
أَهْلَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ ۖ إِنَّ أَهْلَهَا كَانُوا ظَالِمِينَ

چون فرستاده‌ها فرستادیم مژده دادند بهر ابراهیم  
اهل این شهر را کنیم فناکه در آن می‌کنند جور و جفا

قَالَ إِنَّ فِيهَا لُوطًا قَالُوا نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَنْ فِيهَا لَنُنَجِّيَنَّهُ  
وَأَهْلَهُ ۖ إِلَّا أُمَّرَأَتَهُ ۖ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ

گفت در شهر لوط هست مقیم‌پس بگفتند نیک می‌دانیم  
او و اهلش از آن کنیم رهاجز زنش کو بماند در آنجا

وَلَمَّا أَنْ جَاءَتْ رُسُلْنَا لُوطًا سِئَاءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا  
وَقَالُوا لَا تَخَفْ وَلَا تَحْزَنْ إِنَّا مُنْجُوكَ وَأَهْلَكَ إِلَّا أُمَّرَأَتَكَ  
كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ

سوی لوط آمدند چند رسول شد به دیدارشان غمین و ملول  
پس بگفتند هان مترس ز مانیز غمگین مباش در اینجا  
تو و اهل تو را کنیم رهاجز زنت که بماند در اینجا

إِنَّا مُنْزِلُونَ عَلَىٰ أَهْلِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا  
كَانُوا يَفْسُقُونَ

می‌رسد ز آسمان عذاب گران‌بهر این مردمان نافرمان

وَلَقَدْ تَرَكْنَا مِنْهَا آيَةً بَيِّنَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

و نهادیم آیتی گویابهر قومی که عقل هست او را

وَالِىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا فَقَالَ يٰقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَارْجُوا  
الْيَوْمَ الْآخِرَ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ

و به مدین شعیب گشت گسیل که عبادت کنید رب جلیل  
و امید آورید بهر معادو مکوشید در زمین به فساد

فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جِثْمِينَ

قوم تکذیب کرد آن احوال‌پس گرفت آن دیار را زلزال  
همه گشتند پیکری بیجان در سرهایشان [که شد ویران

وَعَادًا وَثَمُودًا وَقَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِّنْ مَّسْكِنِهِمْ ۖ وَزَيْنَ لَهُمْ  
الشَّيْطَانُ أَعْمَلَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَكَانُوا  
مُستَبْصِرِينَ

نیز از خانه‌های عاد و ثمودبهرتان ایزد آشکار نمود  
جلوه داد از برایشان شیطان‌کارهایی که داشتند ایشان  
بازگرداند از طریق هداگر چه بودند ظاهرا بینا



وَقَرُّونَ وَفِرْعَوْنَ وَهَلْمَنَ ۖ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مُوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ  
فَأَسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانُوا سَابِقِينَ

همچو قارون و نیز چون هامان گشت فرعون هم فنا به جهان  
چون به آیین سرکشی رو کردگر چه موسی بسی نشان آورد  
نگرفتند سبقتی ز خدا

فَكُلًّا أَخَذْنَا بِذَنبِهِ ۖ فَمِنْهُمْ مَنۢ مِّنۢ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا  
وَمِنْهُمْ مَّنۢ مِّنۢ أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَمِنْهُمْ مَّنۢ خَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ  
وَمِنْهُمْ مَّنۢ أَغْرَقْنَا ۚ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظْلِمَهُمْ وَلَٰكِن كَانُوا  
أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

ما گرفتیمشان به جرم و خطا  
بادی از شن رسید بعضی را قومی از صیحه شد دچار فنا  
شد فرو عده‌ای دگر در خاک بعض آنان به آب گشت هلاک  
هیچکس را ستم نکرد خدا بلکه مردم به خود کنند جفا

مَثَلُ الَّذِينَ أَخَذُوا مِنَ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ  
أَخَذَتْ بِبَيْتٍ ۖ وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا  
يَعْلَمُونَ

مثل آنکه برگزید ولی جز خداوندگار لم یزلی  
هست چون عنکبوت و کاشانه‌و چه سست است بهر او خانه  
گر که باشند مردمی دانا

إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ ۗ مِنْ شَيْءٍ ۚ وَهُوَ الْعَزِيزُ  
الْحَكِيمُ

و خدا آگه است آنان را  
که بخوانند جز خدای کریم و خدا هست هم عزیز و حکیم

وَتِلْكَ الْأَمْثَلُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ ۖ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ

آن مثلها که شد به خلق بیان غیر دانشوران نفهمند آن

خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً  
لِّلْمُؤْمِنِينَ

آفریدست حق سپهر و زمین هست آن آیتی به اهل یقین

أَتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ ۖ إِنَّ الصَّلَاةَ  
تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ ۗ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ ۗ وَاللَّهُ  
يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ

و بخوان از کتاب وحی خدا و نماز خدای دار به پا  
باز دارد نماز مردم را از پلیدی و از گناه و خطا  
وز همه برتر است یاد خدا هست یزدان ز کارتان دانا

وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا ءَامَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ

وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ فَالَّذِينَ ءَاتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمِنْ هَؤُلَاءِ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الْكَافِرُونَ

وَمَا كُنْتَ تَتْلُوا مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ وَبِئْسَ لِلظَّالِمِينَ إِذَا لَارْتَابَ الْمُبْطِلُونَ

بَلْ هُوَ ءَايَاتٍ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ

وَقَالُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ ءَايَاتٌ مِّن رَّبِّهِ قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ

أَوَلَمْ يَكْفِهِمْ أَنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَرَحْمَةً وَذِكْرَىٰ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ شَهِيدًا يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْبَطْلِ وَكَفَرُوا بِاللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

۴۷

۴۸

۴۹

۵۰

۵۱

۵۲  
۳۴۷ ر

و مجادل مشو به اهل کتاب جز به راهی که هست خیر و صواب

جز کسانی که کرده‌اند جفا و بگویند مؤمنیم آن را که به سوی شما بود نازل و آنچه از حق به ما بود نازل پس به حق یگانه روی آریم ما شدیم از برای حق تسلیم

نامه را سوی تو فرستادیم به کسانی دگر چو ما دادیم مؤمنان راست بهر آن ایمان و به این مؤمنند بعضی‌شان و ندارند شیوهی انکار بهر آیات حق بجز کفار

تو نخواندی کتابی از این پیش‌نوشتی به دست ایمن خویش ورنه تردید داشت در قرآن‌آنکه خواهد تباه سازد آن

آن بود آیه‌های روشن‌گر بهر آنکس که هست دانشور و ندارند شیوهی حاشا غیر آنان که می‌کنند جفا

گفته‌اند اینکه آیه‌های خداوند بهر او نزول چرا؟ گو که آیات هست از یزدان نیستیم من مگر نذیر عیان

نیست کافی همین کتاب آیا؟ که بخوانی به مردمان آن را به یقین رحمتی بود در آن نیز پندست بهر با ایمان

گو که کافی است بهر من الله‌تا بود بین ما و خلق گواه داند او هر چه در زمین و سماست نیز خسران به کار آنان راست که به باطل بیاورند ایمان نیز کافر شوند بر یزدان

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَوْلَا أَجَلٌ مُّسَمًّى لَّجَاءَهُمُ  
الْعَذَابُ وَلَيَأْتِيَنَّهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

در عذاب خدا کنند شتاب می‌رسد ناگهان به خلق عذاب  
گر نمی‌بود موقعی آن را می‌رسید و نیند از آن دانا

يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ

در عذاب خدا کنند شتاب‌اهل کفرند غرق نار و عذاب

يَوْمَ يَغْشَاهُمْ الْعَذَابُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ  
وَيَقُولُ ذُقُوا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

چون بگیرد عذابشان در براز فراز و فرودشان یکسر  
پس بگوید چشید طعم جزا بهر کاری که بود از آن شما

يَعْبَادِي الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإِنِّي فَاعْبُدُونِ

بندگان مؤمنان شدست وسیع ارض من عبد من شوید جمیع

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ

بچشانیم مرگ هر کس را بازگشت شماست سوی خدا

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ  
غُرَفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعَمَ أَجْرٍ  
الْعَمَلِينَ

صالحی را که بود با ایمان جا دهمیش به غرفه‌های جنان  
و مقیم‌اند جاودانه در آن‌این چنین است اجر متقیان  
زیر اشجارش آبهای روان و چه خوب است اجر کارگران

الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ

آن کسانی از شکیبایان و توکل کنند بر یزدان

وَكَأَيِّن مِّن دَابَّةٍ لَّا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ  
السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

هست جنبنده‌ای که خود نکشدروزیش را ولی خدای احد  
می‌دهد رزق او و رزق شما و خدا هست عالم و شنوا

وَلَيْن سَأَلْتَهُمْ مِّن خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَّسَخَّرَ  
السَّمْسَ وَالْقَمَرَ لَيَقُولَنَّ اللَّهُ فَاَنِّي يُؤَفِّكُونَ

گر کنی تو سؤال آنان را که چه کس ساخت این زمین و سما؟  
مهر و مه رام کرد و هم در بندپس بگویند حق و منحرفند

اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ وَإِنَّ  
اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

بسط رزق کسان به دست خداست و بگیرد همان ز هر کس  
خواست

از همه چیز آگه است خدا! [از طریق خدا مباش جدا]

وَلَيْن سَأَلْتَهُمْ مِّن نَّزْلِ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ  
مِن بَعْدِ مَوْتِهَا لَيَقُولَنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ  
لَا يَعْقِلُونَ

گر کنی تو سؤال از ایشان چه کس از آسمان دهد باران؟  
و کند خاک مرده را احیایس بگویند جملگی که خدا  
گو که حمدست جمله از یزدان و ندارند عقل اکثرشان

وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ  
لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

نیست این زندگانی دنیاغیر بازی و لهو بهر شما  
و به حق زندگی است در عقباگر که باشند مردمان دانا

فَإِذَا رَكبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا  
نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ

چون به کشتی نشست پس به یقین خواند حق را و ناب شد  
در دین  
چون به خشکی نجات داد او را پس شریک آورد برای خدا

لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ وَلِيَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ

منکر است آنچه داده‌ایم او را خوش بود زود پس شود دانا

أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا ءَامِنًا وَتِيخَطْفُ النَّاسِ مِنْ  
حَوْلِهِمْ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ

ما حرم را دهیم امن و امان می‌ربایند خلق را در آن  
پس به ناراست مؤمنند آیا؟ نیز کافر به لطف و فضل خدا

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ  
لَمَّا جَاءَهُ ؕ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ

کیست بدتر به راه جور و جفا از آنکه بندد دروغ بهر خدا  
حق چو آید شوند منکر آن‌جای کفار هست در نیران

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ  
الْمُحْسِنِينَ

هر که رزمنده گشت در ره ماما به او می‌شویم راهنما  
و خدا هست با نکوکاران پس نکوکار باش و با ایمان

۳۰. روم: روم: مکی ۶۰ آیه ۷ صفحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الْم

[ الف و لام و میم کاغزست‌بین حق و رسول او رازست

عُلِبَتِ الرُّومُ

روم در مرز بوم خورد شکست

فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِّنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ

پس از این بر ظفر بیابد دست

فِي بَضْعِ سِنِينَ ۗ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدِ وَيَوْمَئِذٍ  
يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ

از پس چند سال و ز آن خداست‌هر چه از پیش و از پس  
آنان راست  
[پس چو گردند رومیان پیروز] مؤمنان شاد می‌شوند آن روز

بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

حق کمک می‌کند به هر کس خواست‌او توانا و مهربان به  
شماست

وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

وعد حق است و نیست غیر از آن اکثر خلق لیک شد نادان

يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ

ظاهری خوانده‌اند از دنیاغافلند از وقوع روز جزا

أَوْ لَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَّا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَائِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ

نیست اندیشه بهرشان آیا؟ که خدا آفرید ارض و سما و آنچه در بینشان بود بر حق و زمانی است هم بر آن ملحق بسی از خلق می‌کنند انکاربهر پروردگارشان دیدار

أَوْ لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

می‌نگردند در زمین کایا عاقبت چیست اهل عالم را؟ بس که بودند بیشتر زیشان و توانمندتر هم از آنان هم به آبادی و به کشته‌ی خویش بوده‌اند آن گروه ز آنان بیش هم پیامد رسول آنان را با نشانهای روشنی ز خدا مردمان را جفا نکرد خدا بلکه مردم به خود کنند جفا

ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا السُّوْءَىٰ أَن كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِءُونَ

هر که اعمال بد دهد انجام اینچنین می‌رسد به او فرجام که شود منکر نشان خدا و بگیرد طریق استهزا

اللَّهُ يَبَدِّئُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

خلقتش را خدا کند آغاز هم بگرداند آفرینش باز باز گردید پس به سوی خدا چون شود آشکار روز جزا

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُبْلِسُ الْمُجْرِمُونَ

چون قیامت شود به خلق پدیدهر گنهکار می‌شود نومید

وَلَمْ يَكُن لَّهُمْ مِّنْ شُرَكَائِهِمْ شُفَعَاءُ وَكَانُوا بِشُرَكَائِهِمْ كَافِرِينَ

بت شفاعت نمی‌کند زیشان آن زمان کافرند بهر بتان

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُؤْمِنُونَ

متفرق شوند روز جزا [هیچکس نیست یاور آنان را]

فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ

مؤمنی را که بود نیکوکاردر بهشت است شادی بسیار

وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ  
فَأُولَٰئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ

کافر و منکر نشان خدائیز دیدار او به روز جزا  
در عذاب خدا بود حاضر [چون به هر کار او بود ناظر]

هست تسیح او به موقع شام نیز آنکه که می‌رسید به بام

۱۷ فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ

حمد ارض و سما به گاه پسین‌بهر حق است و هم گاه پیشین

۱۸ وَ لَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ

هم بر آورد زنده از موتی‌هم برآورد مرده از احیا  
هم کند ارض مرده را احیاو چنان هم برون شوید شما

۱۹ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي  
الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَٰلِكَ تُخْرَجُونَ

هست این از نشانه‌های خداکه ز خاک آفرید انسان را  
پس پراکنده می‌شوید شما [در زمین بهر کارهای روا]

۲۰ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ  
تَنْتَشِرُونَ

هست این از نشانه‌های خداکه کند خلق هم ز نوع شما  
جفت از بهر رامگاه و ودادبیتان نیز رحمتی بنهاد  
به یقین بس نشان بود در آن بهر اندیشه‌ی خردمندان

۲۱ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا  
لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَٰلِكَ  
لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

هست این از نشانه‌های خداکه کند خلق این زمین و سما  
و تفاوت دهد به رنگ و زبان آن نشانها است بهر عالیمان

۲۲ وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَخْتِلَفَ  
الْسِّنَاتِكُمْ وَالْوَالِدَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

هست این نیز آیتی از رب‌خفتن مردمان به روز و به شب  
نیز جهد شما به کار و تلاش بهر فضل خدا به امر معاش  
به یقین بس نشان بود در آن بهر قومی که بشنوند بیان

۲۳ وَمِنْ آيَاتِهِ مَنْامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَآبَتِغَاؤُكُمْ مِّنْ  
فَضْلِهِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ

هست این از نشانه‌های خدادیدن برق هم به خوف و رجا  
می‌فرستد ز آسمان باران‌زنده سازد زمین مرده از ان  
به یقین بس نشان بود در آن بهر اندیشه‌ی خردمندان

۲۴ وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنزِلُ مِنْ  
السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَٰلِكَ  
لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِّنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ

هست این از نشانه‌های خدا که به پا ایستاد ارض و سما چون شما را بخواند بعد هلاک‌به در آید جمله از دل خاک

وَلَهُ مَن فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ لَّهُ قَانُونَ

اهل ارض و سما از اوست جمیع خاضعند از برای حق و مطیع

وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

خلقتش را خدا کند آغاز هم بگرداند آفرینش باز این بود سهل از برای خدامل برترین بود او را ز آنچه باشد در این زمین و سما خدا قادر است و هم دانا

ضَرَبَ لَكُمْ مَثَلًا مِّنْ أَنْفُسِكُمْ هَلْ لَكُمْ مِّنْ مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِّنْ شُرَكَاءَ فِي مَا رَزَقْنَاكُمْ فَأَنْتُمْ فِيهِ سَوَاءٌ تَخَافُونَهُمْ كَخِيفَتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

حق مثالی زند میان شما هیچ دارید برده‌ای آیا؟ آنچه بهر شماست رزق خداست سهمی نصیب آنان را آنچنان کز خودید بس نگران نگرانید نیز از آنان آنچنان آیه‌ها کنیم بیان بهر اندیشه‌ی خردمندان

بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَمَنْ يَهْدِي مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَا لَهُمْ مِّنْ نَّاصِرِينَ

ظالمان بی وقوف و ناآگاه‌پیرو خواهشند در هر راه هر که را گم‌هی دهد دادار بهر او نیست هیچ هادی و یار

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

به سوی دین ناب رو گردان که بر آن آفریده شد انسان نیست تغییر بهر خلق خدا این بود دین استوار تو را اکثر خلق این نمی‌دانند] و به هر سوی روی گردانند

مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقُوهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ

سوی تقوا و توبه روی آرید و نماز خدا به پا دارید و نیارید شرک بهر خدا

مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ

چون پراکنده‌اند دین هدا بین خود بس گروه بنهاند هر گروهی به کیش خود شادند

وَإِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُمْ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا  
أَذَقَهُمْ مِنْهُ رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ

چون زبانی رسید مردم راتوبه آرند سوی او به دعا  
پس چشاند ز خیر آنان رابعضشان شرک آورد به خدا

لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ

کافرند آنچه دادم ایشان رابهره بر زود پس شوی دانا

أَمْ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا فَهُوَ يَتَكَلَّمُ بِمَا كَانُوا بِهِ يُشْرِكُونَ

یا که دادیمشان مگر برهان که ز شرک از خدا کنند بیان

وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا بِهَا وَإِن تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا  
قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ إِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ

چون چشاندیم خیر بهر کسان می‌شوند از چنین عطا شادان  
ور که شری ز کارشان برسیدناگهان می‌شوند بس نومید

أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي  
ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

می‌نینند بسط رزق او راست‌نیز کاهد ز رزق هر کس  
خواست  
بی‌گمان بس نشان بود در آن‌بهر قومی که آورند ایمان

فَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ ذَٰلِكَ  
خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

تو بده حق خویش و بیچاره و آنکه در راه ماند آواره  
به بود [بهر آنکه رست ز بد] و آنکه وجه خدای را خواهد  
[آن کسان مؤمنان یزدانند] همه از جمع رستگاراند

وَمَا آتَيْتُم مِّن رَّبًّا لِّيَرْبُوًّا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوًّا عِنْدَ  
اللَّهِ وَمَا آتَيْتُم مِّن زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ  
الْمُضْعِفُونَ

آنچه پرداخت می‌کنید رباکه فزاید منال مردم را  
آن نگردد فزون به نزد خداوز زکوه آنچه کرده‌اید ادا  
بهر رضوان خالق یکتاپس دو چندان از آن رسد به شما

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ  
يُحْيِيكُمْ هَلْ مِن شُرَكَائِكُمْ مَن يَفْعَلُ مِن ذَٰلِكُمْ مِّن  
شَيْءٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ

آفرید و بداد رزق شماپس بمیراند و کند احیا  
شرکا گو چه کار از آن دارندپاک و والاست ز آنچه شرک  
آرند

ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ  
لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

شد تباهی به بر و بحر عیانز آنچه بودست کار این انسان  
بچشاندیمشان کمی زان کارشاید آرند رو سوی دادار



قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ  
قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ

گو بگردید و هر کجا بینید که به پیشینیان چه رسید  
بنگرید آخر ره ایشان مشرک حق شدند اکثرشان

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَدِيمِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ  
مِنَ اللَّهِ يَوْمَئِذٍ يَصَّدَّعُونَ

روی کن سوی دین پابرجاییست ز آنکه چاره نیست تو را  
نیست برگشتی آن زمان ز خدامتفرق شوند خلق آنجا

مَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلَا نَفْسَ لَهُمْ  
يَمْهَدُونَ

هر که کافر شود به کار خدا ضرر کفر می رسد او را  
و آنکه کار نکو گرفت به پیش کرد آماده کار را بر خویش

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْ فَضْلِهِ ؕ إِنَّهُ  
لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ

تا همان مؤمن نکو کردار اجر گیرد ز رحمت دادار  
فضل پروردگار شامل اوست کافران را خدا ندارد دوست

وَمِنْ ءَايَاتِهِ ؕ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيَّاحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيَذِيقَكُمْ مِنْ  
رَحْمَتِهِ ؕ وَلِتَجْرِيَ الْفُلُكُ بِأَمْرِهِ ؕ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ  
وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

هست این هم نشانه‌ی یزدان که فرستاد باد مژده رسان  
می چشاند ز رحمتش به شما و روان کرد فلک در دریا  
تا بخواهید رحمت غفار شاید آنکه شوید شکرگزار

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ فَجَاءَهُمْ  
بِالْبَيِّنَاتِ فَأَنْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرُمْ ؕ وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا  
نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ

و فرستاده ایم از این پیش مرسلین را به سوی امت خویش  
هر یک آورد بهر قوم نشان کین ستاندیم از گنهکاران  
یاری مؤمنان بود بر ما این بود حق مؤمنان به خدا

اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ  
كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسْفًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ  
خِلَالِهِ ؕ فَإِذَا أَصَابَ بِهِ ؕ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ؕ إِذَا هُمْ  
يَسْتَبْشِرُونَ

آن خدایی که باد بفرستاد و از آن ابر را به جولان داد  
پس گشاید به خواستش آن را و کند پاره پاره اش به سما  
بینی از لایه های آن باران به در آید رسد به آدمیان  
هر که خواهد خدا ز بین عبادناگهان می شوند از آن شاد

وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمُبْلِسِينَ

پیش از آنکه به سویشان برسیده همه بودند غمگین و نومید

فَانظُرْ إِلَىٰ ءَأَثَرِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا  
إِنَّ ذَٰلِكَ لَمُحْيِ الْمَوْتَىٰ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

پس ببین تو نشان ز فضل خدا چون کند ارض مرده را احیا  
این چنین زنده می کند موتی او تواناست بر همه اشیا

وَلَيْنِ أَرْسَلْنَا رِيحًا فَرَأَوْهُ مُصْفَرًّا لَّظَلُّوا مِنْ بَعْدِهِ  
يَكْفُرُونَ

گر فرستیم باد [ناخوش و سرد] و از آن بنگرند مزرعه زرد  
پس در افتند در ره کفران شکر دارید نعمت یزدان

فَإِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى وَلَا تَسْمَعُ الصَّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا  
مُدْبِرِينَ

توانی به مردگان و کران سخن خویش را کنی تو بیان  
و آنگهی از تو روی گردانند [خیر و اقبال خود نمی‌دانند]

وَمَا أَنْتَ بِهَدِي الْعُمَىٰ عَنِ ضَلَّاتِهِمْ إِنْ تَسْمَعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ  
بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ

نکشی کور را به راه هدایا ز گمراهی کنی تو رها  
سخن خویش را کنی تفهیم به کسی کو به حق بود تسلیم

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ  
قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ  
وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ

حق شما را ضعیف ساخت پدید بعد از آن بهر تان توان  
بخشید  
بعد از آن سستی است و هم پیری هان مبادا ره خطا گیری  
آفریند هر آنچه خواست خدا اوست در کار قادر و دانا

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا لَبِئُوا غَيْرَ سَاعَةٍ  
كَذَلِكَ كَانُوا يُؤْفَكُونَ

چون قیامت رسد گنه کاران پس قسم می‌خورند بر یزدان  
که بماندند ساعتی کوتاه اینچنین دور می‌شوند از راه

وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِئْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ  
إِلَىٰ يَوْمِ الْبَعْثِ فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا  
تَعْلَمُونَ

اهل ایمان و قوم دانشمند بهر شان این زمان چنین گویند  
که به امر خدا شما ماندید تا زمانی که رستخیز رسید  
لیک آن را شما نمی‌دانید [که خدا داند آن زمان مدید]

فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَعذِرَتُهُمْ وَلَا هُمْ  
يُسْتَعْتَبُونَ

پس در آن روز هر که ظالم بود توبه و عذر او ندارد سود

وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَلَيْنِ  
جِئْتَهُمْ بِآيَةٍ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُبْطِلُونَ

هر مثل آوریم در قرآن چون بیاید برای خلق نشان  
پس بگویند کافران آنگاه که بود کارتان فسون و تباه

كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

اینچنین مهر می‌زند یزدان بر دل آن جماعت نادان

فَأَصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفُّكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ

صبر کن راستست وعد خدا نکند اهل کفر خوار تو را

[ الف و لام و میم کاغازستیین حق و رسول او راز است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الْم

۱  
۳۵۵

آن نشانهاست از کتاب حکیم

تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ

۲

رحمت و هم هدایتی ز رحیم  
بهر آنان که نیک کردارند

هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ

۳

هم نماز خدا به پا دارند  
و زکوة خدا کنند ادامؤمنند آن کسان به روز جزا

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ  
يُوقِنُونَ

۴

آن کسان در طریق لطف خدارستگارند و بر سبیل هدا

أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

۵

عدهای می‌خرند گفته‌ی لهوتا به نادانی و طریقه‌ی سهو  
دور سازند از طریق خدا و بگیرند راه استهزا  
بهر آنان بود عذاب و جزا که کند خوار آن جماعت را

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ  
اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ

۶

بشنود تا نشانی از یزدان او به گردنکشی است رو گردان  
نشیده است خود تو گویی این‌گوش او گشته است بس  
سنگین  
پس بشارت بده به او کیفرکیفری بس گران و دردآور

وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَآلَىٰ مُسْتَكْبِرًا كَان لَّمْ يَسْمَعْهَا  
كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

۷

بهره‌ی صالحان با ایمان‌نعمت و لطف حق بود به جنان

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا

۸

ماندگارند جاودانه در آن نیز حق است وعده یزدان  
و خدا قادر است بر هر کارنیز آگاه از همه کردار

خَالِدِينَ فِيهَا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

۹

آفریده است چرخ گردان رابیستونی که بنگری آن را  
او فکندست کوهها به زمین تا نلرزید و ز آن شوید مکین  
و پراکند در زمین حیوان و فرستاد ز آسمان باران  
پس برویاند روی خاک و زمین از گیاهان تمام خوب و ثمین

خَلَقَ السَّمَوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا وَالْأَرْضِ فِي الْأَرْضِ  
رَوَّسَىٰ أَن تَمِيدَ بِكُمْ وَبَثَّ فِيهَا مِن كُلِّ دَابَّةٍ وَأَنزَلْنَا مِنَ  
السَّمَاءِ مَاءً فَأَنبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ

۱۰

این بود خلقتی از آن خدایچست پس خلقت بتان شما؟  
خلق جز او به من دهید نشان‌ظالمانند در ضلال عیان

هَذَا خَلْقُ اللَّهِ فَأَرُونِي مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِن دُونِهِ ۗ بَلِ  
الظَّالِمُونَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

۱۱

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنِ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَن يَشْكُرْ  
فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ ۗ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ

و خدا داد علم لقمان را که بدارد سپاس یزدان را  
و آنکه دارد سپاس بر دادار سود شکرش رسد به شکرگزار  
و آنکه کفر آورد به ربّ مجید پس خدا هست بی‌نیاز و حمید

چونکه لقمان بگفت بهر پسرپندهایی که [هست بهر بشر]  
شرک ورزی مکن تو با یزدان به یقین هست شرک ظلم کلان

وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ ۖ وَهُوَ يَعِظُهُ ۖ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ  
الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهَنًا عَلَىٰ وَهْنٍ  
وَفِصْلُهُ فِي عَامَيْنِ أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَىٰ الْمَصِيرِ

ما سفارش کنیم بهر بشرمهربانی به حق مام و پدر  
مام چون باردار شد او را ضعف بر روی ضعف بد او را  
طفل را شیر داد ظرف دو سال شکر کن بهر قادر متعال  
شکر مام و پدر بیار به جابازگشت شماسست سوی خدا

وَإِن جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَن تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا  
تُطِعْهُمَا ۖ وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا ۖ وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ  
أَنَابَ إِلَيَّ ۚ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ

گر به شرکت کشند ناآگاه پس اطاعت مدارشان آن گاه  
خوب رفتار کن تو با ایشان پیروی کن ز تائب یزدان  
بازگشت شماسست سوی خدا پس من از کارتان کنم دانا

يَبُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي  
صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ ۚ إِنَّ اللَّهَ  
لَطِيفٌ خَبِيرٌ

پسر م! گر بود به سنگ جبل گر چه هموزن دانه‌ای خردل  
یا بود در دل زمین و سما باز آورد خدا آن را  
به یقین حق بود لطیف و خبیر [پس گناهان به خویش سهل  
مگیر]

يَبُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَآمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ  
وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ ۚ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ

ای پسر جان نماز بر پا دار و سفارش به کار نیکو آر  
نهی کن از خطا و شیوهی بدصبر کن آنچه را که بر تو رسد  
کان بود کار بس مهم و عظیم هست شایان عزم هم تصمیم

وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا ۚ إِنَّ  
اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ

رخ متاب از کسان و کبر مدار نیست یزدان به خودپرستان  
یار

وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ ۖ وَأَغْضُضْ مِن صَوْتِكَ ۚ إِنَّ أَنْكَرَ  
الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ

معتدل باش و صوتت آر به زیربدرترین صوت هست صوت  
حمیر

أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي  
الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَهْرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ  
مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ

می‌ندیدد کاین زمین و سماحق مسخر کند برای شما  
داد نعمت ز آشکار و نهان و آنکه دارد جدال در یزدان  
نیستش دانش و نه راهنمانه کتابی منیر هست او را

گفته شد چونکه باش فرمانبر آنچه نازل کند خدا به بشر  
گفته‌اند اینکه هست شیوهی ماراه متبوع شیوهی آبا  
گر چه دعوت شوند از شیطان به عذاب جهنم و نیران

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا  
عَلَيْهِ ءَابَاءَنَا أُولَئِكَ كَانُ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ  
السَّعِيرِ

هر که تسلیم گشت بر دادار نیز باشد به خلق نیکوکار  
متمسک به عروه الوثقااست آخر کارها به سوی خداست

وَمَنْ يُسْلِمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ  
بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ

هر که کافر شود مباش دژهمه را سوی خویش می‌آرم  
می‌کنیم آگه از عمل آنگاه اوست از راز سینه‌ها آگاه

وَمَنْ كَفَرَ فَلَا يَحْزِنكَ كُفْرُهُمْ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ فَنُنَبِّئُهُمْ  
بِمَا عَمِلُوا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

بهر کافر کم است و پس ناچار به عذابی شدید هست دچار

نُمَتِّعُهُمْ قَلِيلًا ثُمَّ نَضْطَرُّهُمْ إِلَىٰ عَذَابٍ غَلِيظٍ

گر که پرسش کنی تو آنان راکه چه کس آفرید ارض و سما؟  
حق بگویند گوی حمد خدالیک اکثر نیند از آن دانا

وَلَيْنَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ  
قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

هست از او آن چه در زمین و سماست هم غنی و حمید ذات  
خداست

لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ

آب دریا اگر شود جوهرهمر هفت قلزم دیگر  
و درختان همه شوند قلم‌سخن حق نمی‌رسد به رقم  
به یقین قادر است بر هر کار و خدا آگه است از اسرار

وَلَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَمٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ  
بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَّا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ  
حَكِيمٌ

خلقت و نیز رستخیز شما هست مانند یک بشر تنها  
به یقین حق بود سمیع و بصیر [پس ره ظلم و شرک را  
مپذیر]

مَّا خَلَقْكُمْ وَلَا بَعَثْكُمْ إِلَّا كَنَفْسٍ وَاحِدَةٍ إِنَّ اللَّهَ  
سَمِيعٌ بَصِيرٌ

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ  
وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلُّ يَجْرِي إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَأَنَّ  
اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

نگری اینکه در جهان آن رب؟ آورد شب به روز و روز به  
شب  
مهر و مه شد مسخر یزدان تا زمانی معینند روان  
به یقین خوب آگه است خداز آنچه انجام می‌دهید شما

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِن دُونِهِ الْبَطْلُ  
وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ

راست حق است و غیر اوست تباه آنچه خوانید بهر خویش  
اله  
به یقین حق بود بسی والو بزرگ است قادر یکتا

أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِنِعْمَتِ اللَّهِ لِيُرِيَكُمْ  
مِّنْ آيَاتِهِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ

می‌بینی که کشتی دریابگذرد در طریق لطف خدا  
تا شما را نشان دهد از آن بس نشان از خدای عالمیان  
بس نشانها در آن بود موجودبهر آنکو صبور و شاکر بود

وَإِذَا غَشِيَهُمْ مَّوْجٌ كَالظُّلَلِ دَعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ  
فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ فَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا  
كُلُّ حَتَّارٍ كَفُورٍ

چون رسد موج بهرشان چو جبال پس بخوانند قادر متعال  
و به دین رو کنند با اخلاص چون به خشکی ز غم شوند  
خلاص  
بعضشان معتدل شوند به راه بعضشان سرکشی کنند آنگاه  
آیه‌های مرا نکرد انکارکس بجز کافر و خیانتکار

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ وَأَخْشَوْا يَوْمًا لَا يَجْزِي وَالِدٌ  
عَنْ وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَارٍ عَنِ وَالِدِهِ شَيْئًا إِنَّ وَعْدَ  
اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ  
الْغُرُورُ

مردمان رو کنید بر تقوا و بترسید هم ز روز جزا  
نه پدر راست کیفر فرزندنه ولد را جزای باب دهند  
به یقین راست است وعد خدایس مگردید غره بر دنیا  
و مبادا ز حيلهی شیطان رویگردان شوید از رحمان

إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنزِلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي  
الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي  
نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

علم روز جزاست از یزدان او فرستد ز آسمان باران  
هم ز ارحام آگه است خداو ندارد خبر کس از فردا  
و ندانند مرگشان به کجاست؟ به یقین حق خبیر و هم  
دانااست

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الْم

۱  
۳۵۸

[الف و لام و میم کاغزستیین حق و رسول او رازست

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ

۲

این کتابی که نیست شک در آن هست تنزیل ربّ عالمیان

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا  
أَتَهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِّنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ

۳

این بخوانند افترا آیا؟ نه همین حق بود ز نزد خدا  
تا دهی بیم آن گروهی را که نذیری نداده است خدا  
شاید آنان [ز فضل و لطف خدا] راه یابند بر طریق خدا

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ  
أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ ۗ مَا لَكُمْ مِّنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ  
وَلَا شَفِيعٍ ۗ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ

۴

آفریند خدای ارض و سماو آنچه موجود هست بینهما  
پس به شش روز این جهان را ساخت پس به تدبیر عرش  
خود پرداخت  
و شفیع و ولی به غیر خدانیست اهل تذکرید آیا؟

يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ  
كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ

۵

ز آسمان امر چون رسد به زمین بر شود بعد از آن به عرش  
برین  
آن به یکروز ایزد یکتاست هم به قدر هزار سال شماس

ذَٰلِكَ عَلِيمٌ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

۶

اوست دانای آشکار و نهان هم عزیز است و مهربان یزدان

الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ ۗ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنسَانِ مِنْ  
طِينٍ

۷

آنکه خوب آفرید کل جهان از گل آورد خلقت انسان

ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِّنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ

۸

نسل او آفرید ز آبی خوار

ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُّوحِهِ ۗ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ  
وَالْأَبْصَرَ وَالْأَفْئِدَةَ ۗ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ

۹

پس بپرداخت پیکرش ستوار  
و در او روح خود دمید خداداد گوش و دل و بصر او را  
و کمند از میان آدمیان که سپاس آورند بر یزدان

وَقَالُوا أَإِذَا ضَلَلْنَا فِي الْأَرْضِ أَإِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ ۗ بَلْ هُمْ  
بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ كَافِرُونَ

۱۰

و بگویند چون به خاک رویم شود آیا دوباره زنده شویم؟  
منکردند این کسان به روز شماربهر دیدار خالق قهار

قُلْ يَتَوَفَّكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ  
رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ

۱۱  
حزب  
۱۶۶

ملک الموت شد موکلتن که برد جمله را ز دار جهان  
بازگردید پس به سوی خدا [و دهند آن زمان به خلق جزا]

وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُوا رُءُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ رَبَّنَا  
أَبْصِرْنَا وَاسْمِعْنَا فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ

وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدًىٰ وَلَكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي  
لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ

فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ  
وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا  
وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ ﴿١٥﴾

تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا  
وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ

فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا  
كَانُوا يَعْمَلُونَ

أَفَمَن كَانَ مُؤْمِنًا كَمَن كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ

أَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَىٰ  
نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ كُلَّمَا أَرَادُوا أَن يَخْرُجُوا  
مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي  
كُنْتُمْ بِهِ تَكذِّبُونَ

و ببینی به نزد ربّ آنگاه سر به زیر افکنند اهل گناه  
کای خدا ما به چشم خود دیدیم آنچه وعد تو بود و بشنیدیم  
بازگردان به آن جهان ما راتا که خیرات آوریم به جا  
اهل ایمان و هم یقین شده‌ایم معتقد بر خدا و دین  
شده‌ایم

گر که خواهد دهد به جمله هدالیک حق است وعد و قول  
خدا  
که جهنم کنیم پر یکسر از پریزادگان و هم ز بشر

بچشید آنچه برده‌اید از یاددیدن این زمان و یوم معاد  
و ز شما بهر ما بود نسیان بچشید از عذاب جاویدان  
آنچه را داشتید از اعمال بهرتان بود جمله و زر و بال

آن کسان بوده‌اند با ایمان که چو خوانند آیه بر ایشان  
سجده و حمد آورند به جاو ندارند سرکشی به خدا

در دل شب ز بسترند جدا و بخوانند حق به خوف و رجا  
و آنچه بخشیده‌ایم از ارزاق بهر ایشان کنند از آن انفاق

کس نداند بر او چه پنهان است آنچه بهرش فروغ چشمان  
است  
این جزا هست جمله از کردار [پس مباحثید غافل از هر کار]

مؤمن آیا بود چو نافرمان؟ نیستند ایندو هیچگه یکسان

و کسانی که آورند ایمان و بود کار خیر با آنان  
بهرشان بوستان عقبایی است و ز اعمالشان پذیرایی است

و کسی را که بود نافرمان جایگاه است در دل نیران  
چونکه خواهند وارهند از آن باز گردند سوی آن پڑمان  
[پس ندایی دهند با ایشان بچشید این عذاب و این نیران  
که شما بوده‌اید منکر آن این بود حاصل گنه‌کاران



وَلَنذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ  
لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

بچشانیمشان عذاب جهان‌پیش از آنکه رسد عذاب گران  
تا به راه خدای برگردند] و از آن روز با خبر گردند]

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ  
الْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ

کیست ظالمتر از کسی که شنید آیهای حق و روی گردانید  
]پس بداند که در دل نیران کین ستانیم از گنه کاران

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ فَلَا تَكُن فِي مِرْيَةٍ مِّنْ  
لِّقَائِهِ ۗ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ

و بدادیم نامه با موسی و مکن شک لقای موسی را  
و نهادیم رهنما و دلیل‌بهر اقوام آل اسرائیل

وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا  
يُوقِنُونَ

و امامان نهادم از ایشان رهنمایان به گفته یزدان  
چون شکبیا شدند در ره دین و به آیات داشتند یقین

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَفْصِلُ بَيْنَهُم يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ  
يَخْتَلِفُونَ

هست در اختلافشان داور ذات پروردگار در محشر

أَوْ لَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَبْلِهِم مِّنَ الْقُرُونِ  
يَمْشُونَ فِي مَسْكِنِهِمْ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ أَفَلَا يَسْمَعُونَ

نه هدایت کنیمشان آیا؟ که چه اقوام گشته‌اند فنا  
همه رهپوی در زمین و دیار] و از آنان نماند هیچ آثار]  
به یقین بس نشان بود اینجا] اینهمه قصه نشنوند آیا

أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ  
زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ ۗ أَفَلَا يُبْصِرُونَ

می‌نبینند می‌کند یزدان آب را در زمین خشک روان  
پس برآریم کشت از آن آب و شود کشتگه به آن شاداب  
خود و انعامشان خورند آن را] اینهمه لطف ننگردن آیا؟

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْفَتْحُ ۖ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

گفته‌اند ار که راست می‌گویید هست این فتح در چه وقت  
پدید

قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ  
يُنظَرُونَ

گو که در روز فتح از ایمان هیچ سودی نمی‌برند آنان  
مهلتی نیست بهرشان دیگر کفر ورزیده‌اند بر داور

فَاعْرِضْ عَنْهُمْ وَأَنْتَظِرُ إِنَّهُمْ مُنْتَضِرُونَ

پس از آن قوم روی خود گردان و بمان منتظر تو با ایشان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا

ای رسول خدای بی‌همتاراه تقوا بگیر بهر خدا  
و اطاعت مکن دو رویان را نیز کفار [دشمنان خدا]  
به یقین هست قادر متعال‌عالم و هم حکیم بر اعمال

وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا

وحی را باش تابع فرمان‌که به سویت رسید از یزدان  
به یقین ربتان بود داناز آنچه انجام می‌دهید شما

وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا

کار خود را سپار سوی خدا پس بود او و کیل بهر شما

مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِّنْ قَلْبَيْنِ فِيْ جَوْفِهِ ۚ وَمَا جَعَلَ  
أَزْوَاجَكُمْ أَلْفَىٰ تُظَاهِرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ ۚ وَمَا جَعَلَ  
أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ۚ ذَٰلِكُمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ ۖ وَاللَّهُ  
يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ

هیچ کس را خدای ما ننهاد به درون تن و روان دو فؤاد  
جفت خود را چو می‌کنید ظهار نیست مادر برایتان ناچار  
نیست فرزند خوانده‌ات فرزندسخنی هست و بر زبان آرند  
حق بود راستگوی و اوست دلیل‌که بود رهنمایان به سیل

أَدْعُوهُمْ لِأَبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ ۚ فَإِن لَّمْ تَعْلَمُوا  
ءَابَاءَهُمْ فَاِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَمَوَالِيكُمْ ۚ وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ  
جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ ۚ وَلَٰكِن مَّا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ ۚ  
وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا

و بخوانیدشان به نام پدرکاین بود خوبتر بر داور  
چون پدر را ندانی از ایشان‌یار و اخوان دینی‌اند آنان  
و گنه نیست از برای شماگر از این باب کرده‌اید خطا  
گنه است اینکه عمد باشد آن‌هست یزدان رحیم و ذو  
غفران

النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ ۚ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ ۚ  
وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ  
الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَن تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُم  
مَّعْرُوفًا كَانَ ذَٰلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا

هست اولی پیمبر یزدان مؤمنان را هم از خود آنان  
و زانش شدند مادران و بود هم به نام‌های یزدان  
اینکه اولی ز بعض خویشاوند مؤمنان و مهاجران هستند  
جز که خواهید خیر بر یاران و نوشتست در کتاب همان

وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ  
وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ ابْنِ مَرْيَمَ ۗ وَأَخَذْنَا مِنْهُم مِّيثَاقًا  
غَلِيظًا

عهدها ما ز انبیا داریم از تو و نوح و نیز ابراهیم  
هم ز موسی و عیسی مریم ما گرفتیم عهد بس محکم

۸

لِيَسْأَلَ الصَّادِقِينَ عَنْ صِدْقِهِمْ ۗ وَأَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا  
أَلِيمًا

تا خدا صدق راستگویان را باز پرسد [برای اجر و جزا]  
کند آماده نیز بر کفار کیفری دردآور از دل ناز

۹  
۳۶۲

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ  
جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا  
وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا

مؤمنان خیر حق به یاد آرید بر شما چونکه لشکری برسید  
پس فرستاد باد بر ایشان و سپاهی که خود نبینید آن  
و خدای جهان بود بیناز آنچه انجام می‌دهید شما

۱۰

إِذْ جَاءُوكُم مِّن فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ  
الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونًا

لشکری آمد از فرود و فراز بود چشمانتان ز وحشت باز  
جان و دل بر گلویتان برسید چه گمانها که بر خدا بردید

۱۱

هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا

مؤمنان آزمون شدند آنجاو تکانی رسید ایشان را

۱۲

وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ مَّا وَعَدَنَا  
اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا

هر که بیماری است در دل او همنوا با منافقان دو رو  
گفت وعد حق و رسول خدانگیزست چیزی مگر فریب و خطا

۱۳

وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ  
فَارْجِعُوا ۗ وَيَسْتَعِذُّنَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا  
عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ ۗ إِن يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا

چون بگفتند جمعی از ایشان اهل یثرب! شوید رو گردان  
نیست اینجا برای قوم مکان اذن جستن بعضی از آنان  
کای پیمبر بده تو اذن به ماییت ما مانده بی‌پناه آنجا  
نه نبودست بی‌پناه دیار که نمی‌خواستند غیر فرار

۱۴

وَلَوْ دُخِلَتْ عَلَيْهِم مِّنْ أَفْطَارِهَا ثُمَّ سُلِّوا الْفِتْنَةَ لَأَتَوْهَا  
وَمَا تَلَبَّثُوا بِهَا إِلَّا يَسِيرًا

گر که می‌شد ز هر طرف داخل لشکر کفر و فرقه‌ی باطل  
و ره فتنه باز می‌کردند [مردم شهر] رو می‌آوردند  
و درنگی نبودشان بر آن جز کمی یا قلیلی از آنان

۱۵

وَلَقَدْ كَانُوا عَاهِدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُؤَلُّونَ الْأَدْبَرَ ۗ وَكَانَ  
عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا

بسته بودند با خدا پیمان که نگردند هیچ رو گردان  
هم ز پیمان حق کنند سؤال چون رسد گاه کیفر اعمال

قُلْ لَنْ يَنْفَعَكُمْ الْفِرَارُ إِنْ فَرَرْتُمْ مِّنَ الْمَوْتِ أَوْ الْقَتْلِ  
وَإِذَا لَا تُمْتَعُونَ إِلَّا قَلِيلًا

گو گریزید اگر ز قتل و فنا نیست سودی از آن برای شما  
و ندارید بهره‌ای جز کم آنهم از زیست در همین عالم

قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُم مِّنَ اللَّهِ إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوءًا  
أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً وَلَا يَجِدُونَ لَهُم مِّن دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا  
نَصِيرًا

که کند دورتان ز رحمت و شر؟ گر که خواهد برایتان داور  
و نیابد کسی به غیر خدانه نصیری و نه ولی را

قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمُعَوِّقِينَ مِنْكُمْ وَالْقَائِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ  
إِلَيْنَا وَلَا يَأْتُونَ الْبَاسَ إِلَّا قَلِيلًا

می‌شناسد خدای آنان را که برآورد خلق را ز غذا  
و بگویند نیز با اخوان که سوی ما شوید رو گردان  
و بگویند جز کسانی چندبه سوی رزم رو نمی‌آرند

أَشِحَّةً عَلَيْكُمْ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ  
تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغْشَىٰ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَإِذَا ذَهَبَ  
الْخَوْفُ سَلَقُوكُمْ بِالسِّنَةِ حِدَادٍ أَشِحَّةً عَلَى الْخَيْرِ أُولَٰئِكَ  
لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَلَهُمْ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا

بخل ورزند بر شما ایشان چو رسد ترس بنگری آنان  
چشمشان دور می‌زند گویابر ره مرگ می‌روند از جا  
چون رود ترس پس به زخم زبان‌خشمگین می‌شوند بر  
سرتان  
آرمندند در غنیمتهانیست این جمع معتقد به خدا  
کارشان را خدای ساخت تباه‌وین چه سهل است و ساده بر  
الله

يَحْسَبُونَ الْأَحْزَابَ لَمْ يَذْهَبُوا وَإِنْ يَأْتِ الْأَحْزَابُ يَوَدُّوْا لَوْ  
أَنَّهُمْ بَادُونَ فِي الْأَعْرَابِ يَسْأَلُونَ عَنْ أَنْبَائِكُمْ وَلَوْ كَانُوا  
فِيكُمْ مَا قَاتَلُوا إِلَّا قَلِيلًا

به گمانی که مانده‌اند احزاب کار ایمان خود کنند خراب  
ور که احزاب باز روی آرند این کسان قصد دشتها دارند  
هم پیرسند وضع و حال شماور که باشند بیتنان اینجا  
رو نیارند بر صف میدان جز گروهی قلیل از آنان

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا  
اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا

هست بهر شما رسول خدا سوه‌ای خوب و قده‌ای والا  
بهر آنکو به حق و روز جزا اعتقاد و امید هست او را  
نیز ذکر خدا کند بسیار [و نپوید بجز ره دادار]

وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ  
وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا  
وَتَسْلِيمًا

چون بدیدند مؤمنان احزاب گفته‌اند اینکه وعده‌ایست  
صواب  
که خدا و رسول داد به ما راست گوید رسول حق و خدا  
نفازد به چیزی از ایشان جز به تسلیم خالص و ایمان

مَنْ الْمُؤْمِنِينَ رَجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ  
مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَلُوا تَبَدُّلًا

مردمانی ز اهل ایمانند که به دادار راست پیمانند  
بعضشان برده عهد تا پایان بعضشان مانده‌اند بر پیمان  
منتظر بر عطای حی قدیرو ندادند عهد خود تغییر

لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِنْ  
شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا

تا خدا جمع راستگویان را بدهد بهر قول صدق جزا  
و دهد کیفری دو رویان را اور که خواهد پذیرد ایشان را  
به یقین مهربان بود بزدان و غفور است بر گنه کاران

وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَىٰ اللَّهُ  
الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا

بازگرداند حق همه کفارگر چه بر خشم بوده‌اند دچار  
و نبردند سود هم به نبرد مؤمنان را خدا کفایت کرد  
و خدا قادر است [بر هر کار] و تواناست [بر همه کفار]

وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَيَاصِيهِمْ  
وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا

هم ز اهل کتاب بر آنان مردمانی شدند پشتیبان  
پس ز دژهایشان فرو پرداخت و به دلهایشان هراس  
انداخت  
عده‌ای کشته شد در آن پیکار عده‌ای هم به بند گشت دچار

وَأَوْرَثَكُمْ أَرْضَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضًا لَمْ تَطَّوْهَا  
وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا

و نهادست حق برای شماخانه و مال و خاک آنان را  
که ندیدید پیش از این پیکار و خدا قادر است بر هر کار

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ قُلٌّ لِأَزْوَاجِكَ إِنْ كُنْتُمْ تُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا  
وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأَسَرِّحْكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا

گو به ازواجت ای رسول خداگر که خواهید زینت دنیا  
پس دهم بهره‌ای برای شما و سپس خوب و خوش شوید رها

وَإِنْ كُنْتُمْ تُرِيدُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالْدارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ  
لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا

ور که خواهید حق و پیغمبر هم بخواید عالمی دیگر  
پس خدا بهر محسنات شماکرد آماده اجر وافر را

يَنْسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ يُضَاعَفُ  
لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا

ای زنان نبی کسی ز شماگر که روی آورد سوی فحش  
دو برابر شود بر او کیفر و آن بود سهل و ساده بر داور

گر فروتن شود کسی ز شما بر خداوند و هم رسول خدا  
نیز شایسته باشدش کردار اجر و پاداش او دهیم دو بار  
و برایش تهیه می‌سازیم روزی خوب و پاک رزق کریم

وَمَنْ يَقْنُتْ مِنْكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتِيهَا  
أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا

ای زنان نبی کسی ز شما نیست مانند دیگران ز نسا  
اهل تقوا شوید در گفتار شیوهی خود کنید عز و وقار  
تا نماند به آر و سوء غرض آنکه دارد به قلب خویش مرض  
پس مباحثید در سخن پر گوو بگویید گفته‌ای نیکو

يُنِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا  
تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا  
مَعْرُوفًا

۳۲

۳۳

۳۴

۳۵

۳۶۵

و بمانید خود به خانه‌ی خویش نه چو نسوان به جاهلیت پیش  
و مباحثید خود نما و شوید پس مطیع رسول و رب مجید  
و نماز خدا به پا سازیدو زکات خدا بپردازید  
و خدا خواست تا برد ز شما اهل بیت رسول زشتی را  
و کند پاک خاندان نبی از همه عیب و نقص و ناپاکی

وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ  
وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا  
يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ  
تَطْهِيرًا

یاد آرید آیه‌های خداجون شود خوانده در سرای شما  
حکمت است آن ز سوی حی قدیر بی‌گمان حق بود لطیف و  
خبیر

وَأذْكُرَنَّ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ  
إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا

مرد و زن از همه مسلمانان از همه مردمان با ایمان  
هر که شد از خدای فرمانبر راستگویان و صابران یکسر  
نیز اهل تواضع و احسان روزه‌داران و پاکدامنان  
و آنکه ذکر خدا کند بسیار می‌دهد اجر و عفوشان دادار

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ  
وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ  
وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ  
وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّامِتِينَ وَالصَّامِتَاتِ وَالْحَافِظِينَ  
فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ  
أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ<sup>ط</sup> وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا

چون به امری خدا دهد فرمان هم به حکم پیامبر یزدان نیست از بهر مؤمنان دیگر اختیاری به کارشان یکسر به خدا و رسول نافرمان هست گمراه و گمراهی است عیان

وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَخُفِيَ فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ<sup>ط</sup> فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا

آنکه را بود خیر و لطف خدائیز نعمت تو داده‌ای او را گفته بودی که باش با تقوا و نگهدار همسر خود را داشتی در ضمیر خویش نهان آنچه را می‌کند عیان یزدان داشتی تو هر اس مردم را و خدا بود بر هر اس اولی زید چون جفت خویش کرد رها جفت بهر تو ساختیم او را تا نماند حرام بهر کسان جفت فرزند خوانده‌ی ایشان در زمانی که آن زن است رها حکم حق است لازم الاجرا

مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ<sup>ط</sup> سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ<sup>ج</sup> وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَقْدُورًا

بهر پیغمبر است خوب و روا آنچه را فرض کرده است خدا سنت حق ز پیش بود روا هست روی حساب امر خدا

الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ<sup>ط</sup> وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ<sup>ط</sup> وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا

چون پیام خدا رسانیدند از کسی غیر او ترسیدند و خدا بر حسابها کافی است که حسابی بجز حسابش نیست

مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ<sup>ط</sup> وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا

و محمد بود رسول خدا او ندارد پسر ز جمع شما اوست خاتم به انبیای هداوز همه چیز حق بود دانا

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا

ای کسانی که آورید ایمان ذکر افزون کنید از یزدان

وَسَبِّحْهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا

کن تو تسبیح او به بام و به شام

هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّن الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ<sup>ج</sup> وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا

تا ملائک کنند بر تو سلام و خدا رحمت آرد و سوی نوربرد و سازدت ز ظلمت دور مهربان است خالق یکتا هر که را باورست بهر خدا

روز دیدار او کنند سلام هست آماده بهرشان انعام

تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ وَسَلَّمَ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا

ای پیامبر تو را فرستادیم با گواهی و هم بشارت و بیم

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا

داعی حق شدی تو با فرمان و چراغی به ره شدی تابان

وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا

باش بر جمع مؤمنان تو بشیر که دهد حق به جمع فضل کبیر

وَبَشِيرِ الْمُؤْمِنِينَ بَأَنَّ لَهُم مِّنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا

تو اطاعت مکن دو رویان رانیز کفار (دشمنان خدا)  
نیز آزار آن کسان بگذار کار خود را به کردگار سپار

وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعْ أَذُنَهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ  
وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا

که خدا بهر تو بس است و کیل او به خیر و کمال تست دلیل  
مؤمنی که گرفت جفتی را پیش از مس بساخت زوجه رها  
عده‌ای نیست بهر او به طلاق که شمارند در زمان فراق  
پس دهد بهر او متاع و صداق تا دهد از رهی صواب طلاق

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ  
طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ  
عِدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا فَمَتَّعُوهُنَّ وَسَرَحُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا

ای پیامبر شدست بر تو حلال آنکه مهرش بداده‌ای تا حال  
و آنکه در جنگ گشته است حلال نیز دختر ز عم و عمه و خال  
دختر خاله هم که در هجرت با تو باشند هم‌ره و عورت  
و هر آن مؤمنه که کرد قبول بی‌متاعی رود به عقد رسول  
حکم شد ویژه‌ی تو نی دگران که در آن باره داشتیم بیان  
آنچه دادیم حکم آنان راهمسران و کنیز ایشان را  
تا نباشد گنه تو را از آن حق بود مهربان و ذو غفران

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ الَّتِي ءَاتَيْتَ  
أَجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَبَنَاتِ  
عَمِّكَ وَبَنَاتِ عَمَّتِكَ وَبَنَاتِ خَالِكَ وَبَنَاتِ خَالَتِكَ الَّتِي  
هَاجَرْنَ مَعَكَ وَامْرَأَةً مُّؤْمِنَةً إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ  
أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَّكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ  
قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ  
أَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا  
رَّحِيمًا



هر که را خواستی بده تاخیر هر که را خواستی شبی بپذیر  
گنهی نیست گر به بستر خودآوری آنکه راندی از بر خود  
تا شود چشم جانشان پر نورو نباشد کس از رضایت دور  
و همه رو کنند بر شادی ز آنچه انعام بهرشان دادی  
و خدا عالم است از دلهاحق بود هم حلیم و هم دانا

تُرْجَى مَنْ تَشَاءُ مِنْهُمْ وَتُتَوَى إِلَيْكَ مَنْ تَشَاءُ وَمَنْ  
أَبْتَغَيْتَ مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ تَقَرَّ  
أَعْيُنُهُمْ وَلَا يَحْزَنَ وَيَرْضَيْنَ بِمَا آتَيْتَهُنَّ كُلَّهُنَّ وَاللَّهُ يَعْلَمُ  
مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمًا

تتوانی کنی زنی دیگری کزین پس عوض کنی همسر  
گر چه در حسن او شدی به شکفتتتوانی بجز کنیز گرفت  
و مراقب بود به کار شما در همه حال خالق یکتا

لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ  
وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ وَكَانَ اللَّهُ  
عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبًا

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ  
لَكُمْ إِلَىٰ طَعَامٍ غَيْرَ نَظْرِينَ إِنَّهُ وَلَكِنَّ إِذَا دُعِيتُمْ  
فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَعْسِبِينَ لِحَدِيثٍ  
إِنَّ ذَلِكَ كَانَ يُؤْذَى النَّبِيَّ فَيَسْتَحِيءُ مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا  
يَسْتَحِيءُ مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسْأَلُوهُنَّ مِنْ  
وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ  
لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تَنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ  
بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكَ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا

مؤمنان رسول و ربّ مجید داخل خانهی نبی مشوید  
جز که اذنی دهد برای غذا و نمانید منتظر آنجا  
چون بخوانندتان شوید درون بعد صرف غذا روید برون  
و نمانید گرم با گفتار که نبی رنج میبرد زین کار  
و پیمبر حیا کند ز شما و خدا را ز راست نیست حیا  
و زنان را اگر کنید خطاب پس بخوانید از ورای حجاب  
این به دلهایتان بود بهتر هم شما هم زنان پیغمبر  
نیست بهر شما مجاز و روارنج و آزار بر رسول خدا  
و مگیرید همسر او رابه زنی از پس رسول خدا  
نزد حق هست این گناه گران زن پیغمبر است مادران

هر چه دارید از آشکار و نهان هست پروردگار آگه از آن

إِنْ تُبْدُوا شَيْئًا أَوْ تَخْفَوْهُ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا

لَا جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِيِٓ ءَابَائِهِنَّ وَلَا أَبْنَائِهِنَّ وَلَا إِخْوَانِهِنَّ  
وَلَا أَبْنَآءِ إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَبْنَآءِ أَخَوَاتِهِنَّ وَلَا نِسَائِهِنَّ وَلَا مَا  
مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ ۚ وَتَقِينَّ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ  
شَهِيدًا

نیست از بهرشان گناه دگرکه مخاطب شوند بهر پدر  
یا که فرزند یا برادرشان یا که فرزند یا برادرشان  
یا که فرزند خواهران و زنان ز آن گروهی که هست با ایمان  
نیز از بردگان خود یکسرنیز تقوا کنید از داور  
به یقین کردگار بی‌همتابر همه چیز ناظر است و گواه

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا  
صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

کردگار و فرشتگان یکسردر درودند بهر پیغمبر  
مؤمنان پیمبر اسلامصلواتش کنید و نیز سلام

إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا  
وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا

هر که آزرده ساخت یزدان را هم رسول خدای منان را  
در دو عالم بر اوست لعن خدا و عذابی که سازدش رسوا

وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا  
فَقَدْ أَحْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا

و آنکه آزرده اهل ایمان را به گناهی که نیست ایشان را  
می‌کشد کوله‌باری از بهتان و گناهی که هست فاش و عیان

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ  
يُذِنَ عَلَيْهِنَّ مِمَّنْ جَلَبِيْبُهُنَّ ذَٰلِكَ أَذْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا  
يُؤْذِينَ ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

ای نبی گو به همسر و دختر نیز نسوان مؤمنان یکسر  
گر سرانداز افکنند به بربر شناسایی این بود بهتر  
تا نگردند رنجه از مردان هست یزدان رحیم و ذو غفران

لَٰئِن لَّمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ  
وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ  
فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا

نکشند این منافقان گر دست و آن کسان که به قلبشان  
مرض است  
و آن کسانی که می‌کنند شلوغ‌شهر را با گزافه‌های دروغ  
پس بر آنان تو را کنم مأمورزود گردند از این دیار به دور

مَلْعُونِينَ ۗ أَيْنَمَا تُفُفُوا أُخِذُوا وَوُقِتِلُوا تَقْتِيلًا

لعن گردند و هر کجا بروندبعد از این دستگیر و کشته شوند

سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلُ ۗ وَلَن تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ  
تَبْدِيلًا

سنت حق بود به مردم پیش‌حق دگرگون کرد سنت خویش

يَسْأَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ ۗ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا

از تو پرسند وقت روز جزا گو که علمش بود به نزد خدا  
تو چه دانی زمان روز جزا؟ شاید او هست بس قریب به ما

کرد نفرین خدای بر کفار ساخت آماده بهر آنان نار

۶۴ إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكٰفِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا

ماندگارند جاودان به سقرپس نیابند یار و نه یاور

۶۵ خٰلِدِينَ فِيهَا اَبَدًا ۗ لَا يَجِدُوْنَ وِلِيًّا وَلَا نَصِيْرًا

و به صورت در آن زمان کفارواژگون می‌شوند در دل نار  
پس بگویند کاش می‌بودیم ما مطیع رسول و ربّ کریم

۶۶ يَوْمَ تَقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُوْلُوْنَ يٰلَيْتَنَا اَطَعْنَا اللَّهَ  
وَاَطَعْنَا الرَّسُوْلًا

و بگویند ای خدای عظیم از بزرگان چو پیروی کردیم  
ز آن سران گشته‌ایم ما گمراه نیز از ره شدیم نا آگاه

۶۷ وَقَالُوْا رَبَّنَا اِنَّا اَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرٰءَنَا فَاَضَلُّوْنَا السَّبِيْلًا

پس به آنان بده دوبار عذاب و به لعن کبیر ساز مصاب

۶۸ رَبَّنَا اٰتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعٰذَابِ وَالْعَنَّهُمْ لَعْنًا كَبِيْرًا

ای کسانی که باور آوردید پس مباحثید همچو قوم عنید  
که بیازرد آن کلیم خدا و خدا پاک داشت موسی را  
آنچه گفتند [جمله بود خطا] او گرانقدر بود نزد خدا

۶۹ يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا لَا تَكُوْنُوْا كَالَّذِيْنَ ءَادَوْا مُوسٰى  
فَبَرَّاهُ اللّٰهُ مِمَّا قَالُوْا وَكَانَ عِنْدَ اللّٰهِ وَجِيْهًا

مؤمنان خوب و متقی باشید و بگویند گفته‌های سدید

۷۰ يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا اتَّقُوا اللّٰهَ وَقُوْلُوْا قَوْلًا سَدِيْدًا

کارتان را خدا کند اصلاح و ببخشد گناه را به صلاح  
هر که باشد مطیع حق و رسول کامیابی به او شدست وصول

۷۱ يُصْلِحْ لَكُمْ اَعْمٰلَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوْبَكُمْ ۗ وَمَنْ  
يُطِيعِ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيْمًا

داشتنم عرضه این امانت را بهر کهسار و این زمین و سما  
همه را بهر حمل بود امانت ترسی گرفت آنان را  
غیر انسان که حمل کرد آن را بود او بی‌وقوف و اهل جفا

۷۲ اِنَّا عَرَضْنَا الْاٰمٰنَةَ عَلٰى السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَالْجِبَالِ فَاَبَيْنَ  
اَنْ يَّحْمِلْنَهَا وَاَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْاِنْسٰنُ ۗ اِنَّهٗ وَّكَانَ  
ظٰلِمًا جَهُوْلًا

تا دو رویان و اهل شرک شوند بر عذاب بزرگ حق پابند  
رحمت آرد خدا به با ایمان حق بود هم رحیم و ذو غفران

۷۳ لِيُعَذِّبَ اللّٰهُ الْمُنٰفِقِيْنَ وَالْمُنٰفِقَتِ وَالْمُشْرِكِيْنَ  
وَالْمُشْرِكٰتِ وَيَتُوبَ اللّٰهُ عَلٰى الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنٰتِ ۗ وَكَانَ  
اللّٰهُ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ  
الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ

۱  
۳۷۰

يَعْلَمُ مَا يَلْجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ  
السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ

۲

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي  
لَتَأْتِيََنَّكُمْ عَلِيمٌ الْغَيْبِ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي  
السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ  
إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ

۳

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ  
مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ

۴

وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي ءَايَاتِنَا مُعْجِزِينَ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مِّن  
رَّجْزِ أَلِيمٍ

۵

وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ  
الْحَقُّ وَيَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ

۶

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ يُنْبِئُكُمْ إِذَا  
مُرِّقْتُمْ كُلَّ مُمْرَقٍ إِنَّكُمْ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ

۷

هر سپاسی که هست از آن خداست و از آنچه در زمین و  
سماست  
و از او هم سپاس روز جزاست و خدا بس حکیم و بس  
دانااست

داند او آنچه شد به ارض درون و آنچه هم آمد از زمین  
بیرون  
و آنچه آید فرود از بالا و آنچه بالا رود به سوی سما  
اوست بخشنده‌ی گناه شامهربان است با عباد خدا

و بگفتند کافران که به مانرسد هیچگاه روز جزا  
گو چرا می‌رسد برای شما؟ هست علم نهان از آن خدا  
نیست پوشیده در زمین و سماگر چه هموزن ذره بهر خدا  
و نه کمتر نه بیشتر از آن جز که در نامهی خداست عیان

تا مگر مؤمن نکوکردارشود از عفو و رزق برخوردار

جدد و رزان به آیه‌های خداسعی کردند در شکستن ما  
بهر آنان بسی بود کیفر از عذابی بزرگ و دردآور

آنچه نازل شود به تو ز خداچون ببینند اهل علم و دها  
پس بدانند حق و راهنما به ره آن ستوده‌ی والا

کافران گفته‌اند آیا ما؟ راهنمایی کنیم بهر شما  
از کسی کو خبر دهد به امم‌متلاشی شوید چونکه ز هم  
باز آیبید در حیات جدید [این سخنها شما یقین آرید]

أَفْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَمْ بِهِ جِنَّةٌ ۚ بَلِ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ  
بِالْآخِرَةِ فِي الْعَذَابِ وَالضَّلَالِ الْبَعِيدِ

یا که بهتان زده است بهر خدایا که دیوانگی بود او را  
منکر آخرت رسد به عذاب‌سخت گمره شد از طریق صواب

أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ مِّنَ السَّمَاءِ  
وَالْأَرْضِ ۚ إِن نَّشَأُ نَخْسِفُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ نُسْقِطُ عَلَيْهِمْ  
كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّكُلِّ عَبْدٍ مُّنِيبٍ

می‌بینند در زمین و سما؟ و ز پس و پیش گر که خواست  
خدا  
در زمین می‌بریمشان داخل‌پاره‌ای ز آسمان کنم نازل  
به یقین آینی بود در آن‌بنده‌ای را که سوی ماست روان

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا دَاوُودَ مِنَّا فَضْلًا ۚ يٰجِبَالُ اَوْبِي مَعَهُ وَالطَّيْرُ  
وَأَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ

و به داود فضل دادم من و بگفتم به کوه و طیر سخن  
وینکه با او شوند هم آوایهر او نرم کردم آهن را

أَنِ اعْمَلْ سَابِغَةً وَاقِمْ فِي الْسَرْدِ ۚ وَاعْمَلُوا صَالِحًا ۚ إِنِّي  
بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

که زره را بباف خوب و نکوو به اندازه دار حلقه‌ی او  
کار نیکو کنید در هر جاحق بود بهر کارتان بینا

وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غُدُوها شَهْرٌ وَرَوَاحُها شَهْرٌ ۚ وَأَسَلْنَا لَهُ  
عَيْنَ الْقَظْرِ ۚ وَمِنَ الْجِنِّ مَن يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهٖ ۚ  
وَمَن يَزِغْ مِنْهُمْ عَنَ أَمْرِنَا نَذِقْهُ مِّنْ عَذَابِ السَّعِيرِ

بر سلیمان چو باد شد مأمور [بهر او می‌سپرد راهی دور]  
بامدادان به قدر ماهی راه‌عصر هم بود راه او یک ماه  
چشمه‌ی مس بر او فرستادیم‌عاملانی ز جن به او دادیم  
پیش رویش همه به اذن خدا و آنکه پیچید سر ز گفته‌ی ما  
می‌چشانندیم از عذاب گران‌کیفرش بود آتش سوزان

يَعْمَلُونَ لَهُو مَا يَشَاءُ مِنْ مَّحْرِبٍ وَتَمَثِيلٍ وَجِفَانٍ  
كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَّاسِيَتٍ ۚ اَعْمَلُوا ءَالَ دَاوُودَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ  
مِّنْ عِبَادِيَ الشَّاكِرِ

ساختند آنچه را که داد مثال‌همچو محرابها و هم تمثال  
کاسه چون آبگیر و دیگ کلان‌که بر آن ثابت است جا و مکان  
آل داود شکر بگزاردیدشاکران بس کمند بین عبید

فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَىٰ مَوْتِهٖ ۚ إِلَّا دَابَّةٌ  
أَلْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنسَأَتَهُ ۚ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنُّ أَن لَّو  
كَانُوا يَعْلَمُونَ الْعَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ

چونکه مرگش فرا رسید آنگاه‌هیچ چیزی نکردشان آگاه  
غیر جنبده‌ای به روی زمین‌که عصایش به طعمه کرد گزین  
چون بیفتاد گشت جن آگاه‌گر که می‌داشت علم غیب آنگاه  
پس نمی‌ماند در عذاب مهین و نمی‌کرد از کسی تمکین

لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ  
كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ وَبَلَدُهُ طَيِّبَةٌ وَرَبُّ غَفُورٌ

در دیار سبا دو باغستان در یمین و یسار بود نشان  
[بهرشان گفته بود رب مجید] رزق او را خورید و شکر کنید  
سرزمینی خوش و نکو اینجاست و خدایی غفور بهر شماست

فَاعْرَضُوا فَاَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ  
جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِیْ اُكْلٍ حَمِطٍ وَاَثَلِ وَشِئْءٍ مِّنْ سِدْرٍ قَلِیلٍ

رویگردان شدند و بر اقلیم سیل ویرانگری فرستادیم  
و آن دو باغ بزرگ شد تبدیل به گز تلخ و شور و سدر قلیل

ذَٰلِكَ جَزَآئُهُمْ بِمَا كَفَرُوا وَهَلْ نُجَازِیْ اِلَّا الْكٰفِرُوۡرَ

این بود بهر اهل کفر جزا غیر کافر جزا دهیم آیا؟

وَجَعَلْنَا بَیْنَهُمْ وَبَیْنَ الْقُرَى الَّتِی بَرَكْنَا فِیْهَا فُرَی ظَهْرَةً  
وَقَدَرْنَا فِیْهَا السَّیْرَ سِیْرًا وَاَیَّامًا ءَامِنِیْنَ

بین آنان و شهرهای جوار که خجسته شد و بسی پر بار  
بود بس شهر و روستا پیدا و نهادیم راهها آنجا  
تا در آن راهها شوند روان روز و شب در کمال امن و امان

فَقَالُوا رَبَّنَا بَعِدْ بَیْنَ اَسْفَارِنَا وَظَلَمُوۡا اَنْفُسَهُمْ فَجَعَلْنٰهُمُ  
اَحَادِیْثَ وَمَزَقْنٰهُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ اِنَّ فِیْ ذٰلِكَ لَآیٰتٍ لِّكُلِّ  
صَبَّارٍ شٰكُوۡرٍ

پس بگفتند ای خدای غفور راه ما را از یکدیگر کن دور  
و به خود ظلم داشتند آنان ساختیم آن گروه را داستان  
و پراکنده ساختیم از هم و آن حدیثی شد از بنی آدم  
به یقین بس نشان شناسد از آن آنکه دارد شکیب و هم  
شکران

وَلَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ اِبْلِیْسُ ظَنَّهُ وَاَتَّبَعُوۡهُ اِلَّا فَرِیْقًا مِّنَ  
الْمُؤْمِنِیْنَ

پس محقق شدست بر ایشان آنچه ابلیس داشته است گمان  
همه گشتند پیرو شیطان جز قلیلی ز خلق با ایمان

وَمَا كَانَ لَهُ وَّ عَلَیْهِمْ مِّنْ سُلْطٰنٍ اِلَّا لِنَعْلَمَ مَن یُّؤْمِنُ  
بِالْآخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِیْ شَكٍّ وَّرَبُّكَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ  
حَفِیْظٌ

و ندارد به جمع با ایمان هیچ راهی ز چیرگی شیطان  
آنکه دارد به آخرت ایمان بر کسی کو به ریب هست از آن  
می‌دهیم امتیاز و هست اولی‌حق بود حافظ همه اشیا

قُلْ اَدْعُوۡا الَّذِیْنَ رَعَمْتُمْ مِّنْ دُوۡنِ اللّٰهِ لَا یَمْلِكُوۡنَ مِثْقَالَ  
ذَرَّةٍ فِی السَّمٰوٰتِ وَلَا فِی الْاَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِیْهَا مِنْ شَرِكٍ  
وَمَا لَهُ وَّ مِنْهُمْ مِّنْ ظٰهِرٍ

گو خدایان که می‌کنید دعادر خیالات خود به غیر خدا  
کیست مالک در این زمین و سماگر چه هموزن ذره چیزی را  
و ندارند شرکتی در کار و نباشند بهر یزدان یار

وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ حَتَّىٰ إِذَا فُزِّعَ  
عَنْ قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ قَالُوا الْحَقُّ وَهُوَ الْعَلِيُّ  
الْكَبِيرُ

قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ وَإِنَّا أَوْ  
إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًىٰ أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

قُلْ لَا تَسْأَلُونَ عَمَّا أَجْرَمْنَا وَلَا نَسْأَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ

قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَهُوَ الْفَتَّاحُ  
الْعَلِيمُ

قُلْ أَرُونِي الَّذِينَ أَلْحَقْتُمْ بِهِ شُرَكَاءَ كَلَّا بَلْ هُوَ اللَّهُ الْعَزِيزُ  
الْحَكِيمُ

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ  
أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

قُلْ لَكُمْ مِيعَادُ يَوْمٍ لَا تَسْتَخِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَلَا  
تَسْتَقْدِمُونَ

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَن نُّؤْمِنَ بِهَذَا الْقُرْآنِ وَلَا بِالَّذِي  
بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ  
يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ الْقَوْلَ يَقُولُ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا  
لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ

و شفاعت ندارد آنجا سودجز به اذن خدای حی و دود  
ترس چون می‌رود ز جان گویندکه چه گفته است ربّتان  
گویند  
هر چه گفته‌ست جمله باشد راست و خدا بس کبیر و بس  
واللاست

گو چه کس رزق می‌دهد به شماذر زمین و سما بگو که خدا  
یا هدایت طریق ما و شماستیا که گمراهی عیان ما راست

گو که مسئول نیست کس ز شمابهر ما هر چه بود جرم و خطا  
نیز مسئول نیست کس از ما بر گناهان و کارهای شما

گو که جمع آورندمان یکجاق کند داوری میانهی ما  
و خدا هست داوری یکتا و به هر کار ما بود دانا

گو نشانم دهید آن شرکاکه فزودید بر حق یکتا  
نه چنین است حق بود دانا هم تواناست بر همه اشیا

نفرستادمت به سوی کسان جز بشیر و نذیر عالمیان  
لیک اکثر ز مردمان زمانهست [در کار حق و دین نادان

و بگویند اینکه وعد خداکی رسد گر که صادقید شما؟

گو که میعادتان بود در پیش و ندارید ساعتی کم و بیش

کافران گفته‌اند بر قرآن ما نداریم باور و ایمان  
همچنین هر کتاب پیشین راگر نگاهی کنی به روز جزا  
بس ستمکاره ایستند آنجانزد پروردگار بی‌همتا  
بینشان رد شود سخن بسیار عده‌ای سرکش و گروهی خوار  
پس بگویند آن جماعت خوار به بزرگان راه استکبار  
گر که پای شما نبود میان همه بودیم پاک و با ایمان

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا اَنْحُنْ صَدَدْنَاكُمْ  
عَنِ الْهُدَىٰ بَعْدَ اِذْ جَاءَكُمْ بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ

پس بگویند در جواب ایشان چون بیامد خدا به جانب‌تان  
ما مگر منع کرده‌ایم آن رانه شما بوده‌اید اهل جفا

وَقَالَ الَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ الْاَيْلِ  
وَالنَّهَارِ اِذْ تَأْمُرُونَنَا اَنْ نَّكْفُرَ بِاللّٰهِ وَنَجْعَلَ لَهُ وَاَنْدَادًا  
وَأَسْرُوا التَّدَامَةَ لَمَّا رَأُوا الْعَذَابَ وَجَعَلْنَا الْاَعْلَالَ فِي  
اَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ يُجْزَوْنَ اِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

باز گویند پاسخ آنان راروز و شب مکر کرده‌اند [به ما]  
امر کردید بهر کفر به ما تا بگیریم بهر حق شرکا  
پس ندامت همه کنند نهان‌تا ببینند کیفر یزدان  
می‌گذاریم غل به گردن‌ها آن کسان را که کافرند به ما  
پس مجازات می‌شوند آیا؟ جز به کاری که داشتند آنها

وَمَا اَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ اِلَّا قَالَ مُتْرَفُوها اِنَّا بِمَا  
اُرْسِلْتُمْ بِهِءِ كَافِرُونَ

نفرستاده‌ام به هیچ دیار هیچ پیغمبر از ره هشدار  
جز که گفتند قوم خوشگذران منکریم آنچه آورید نشان

وَقَالُوا مَحْنُ اَكْثَرِ اَمْوَالِنا وَاَوْلَادِنا وَمَا مَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ

به بنین و زریم ما برترما نبینیم هیچ‌گه کیفر

قُلْ اِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَاَلَكِنَّ اَكْثَرَ  
النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

گو دهد رزق حق به هر کس خواست و آنکه را خواست روزی  
او کاست  
[لیک غافل شدند خلق از راه اکثر خلق نیست ز آن آگاه]

وَمَا اَمْوَالُكُمْ وَاَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرِّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفٰى  
اِلَّا مَنْ اٰمَنَ وَعَمِلَ صٰلِحًا فَاُولٰٓئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الصِّعْفِ  
بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرَفٰتِ اٰمِنُونَ

نیست اولاد و مال‌های شما عملی بهر قرب در بر ما  
غیر آن کس که آورد ایمان‌کار شایسته‌ای کند با آن  
پس به آنان رسد دوبار جزا در امانند و جایشان والا

وَالَّذِينَ يَسْعَوْنَ فِيْ اٰيٰتِنَا مُعْجِزِينَ اُولٰٓئِكَ فِي الْعَذَابِ  
مُحْضَرُونَ

و آنکه کوشید در نشانه‌ی ما تا کند زار و ناتوان ما را  
می‌شود در عذاب ما حاضر [و بود بر شکست خود ناظر]

قُلْ اِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهٖ وَيَقْدِرُ لَهُ  
وَمَا اَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهٗ وَهُوَ خَيْرُ الرِّزْقِينَ

گو دهد رزق حق به هر کس خواست و آنکه را خواست رزق  
او را کاست  
و آنچه انفاق می‌کنید شما عوضش را خدا نهد بر جا  
[ور کسی داده است روزی‌تان بهترین رازق است حق به  
جهان]



وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أَهَؤُلَاءِ إِيَّاكُمْ  
كَانُوا يَعْبُدُونَ

چونکه گرد آوریمشان یکسریه ملک می‌دهد ندا داور  
اینهمه عابدند بهر شما

قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَلِيُّنَا مِنْ دُونِهِمْ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ  
الْحِنِّ أَكْثَرُهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ

پس بگویند پاک معبودا  
ای خدا این تویی به ما مولا [نیستند این گروه عابد ما]  
لیک بودند عابد پریان و به آن جمع داشتند ایمان

فَالْيَوْمَ لَا يَمْلِكُ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ نَفَعًا وَلَا ضَرًّا وَنَقُولُ  
لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ

این زمان نیست هیچ نفع و ضرر با شما از برای یکدیگر  
و بگوییم با ستم کردار که بچش این زمان تو کیفر کار  
این تو و آن عذاب دوزخ و نارکیفری را که داشتید انکار

وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا رَجُلٌ  
يُرِيدُ أَنْ يَصُدَّكُمْ عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاءَكُمْ وَقَالُوا مَا  
هَذَا إِلَّا إِفْكٌ مُّفْتَرَىٰ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا  
جَاءَهُمْ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ

چون تلاوت شود نشان خدایس بگویند این پیمبر ما  
می‌شود مانعی به راه شمادر عبادت به شیوهی آبا  
و بگویند این بود بهتان چون حق آمد به جانب ایشان  
کافران این چنین کنند بیان نیست این هیچ غیر سحر عیان

وَمَا آتَيْنَاهُمْ مِنْ كُتُبٍ يَدْرُسُونَهَا وَمَا أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ قَبْلَكَ  
مِنْ نَذِيرٍ

و کتابی نبود با ایشان ما ندادیم تا بخوانند آن  
نفرستاده‌ایم از این پیش‌بهرشان منذری ز جانب خویش

وَكَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَمَا بَلَغُوا مِعْشَارَ مَا آتَيْنَاهُمْ  
فَكَذَّبُوا رَسُولِي فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ

پیش از این نیز داشتند انکار [هر چه دادم ز وحی و از  
هشدار]  
و ندارند یک دهم از آن‌که به اقوام پیش بود نشان  
آن رسل را چو داشتند انکار پس ببینند کیفر کردار

قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَشْنَىٰ وَفُرَادَىٰ ثُمَّ  
تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَكُمْ  
بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ

گو فقط پند می‌دهم به تمام‌گز برای خدا کنید قیام  
دو به دو یا یکی یکی تنها نیز اندیشه‌ای کنید شما  
که ندارد جنون جلیس شما و دهد بیمتان ز سوی خدا  
ز آن زمانی که رو برو باشید جمع کفار با عذاب شدید

قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ  
اللَّهِ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

گو نخواهیم اجرتی ز شما جر من ثابت است نزد خدا  
او گواه است بر همه اشیا [پس بیاید در طریق خدا]

قُلْ إِنْ رَبِّي يَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَٰمُ الْغُيُوبِ

گو که حق را بیفکند یزدان اوست دانای رازهای نهان

قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُبَدِّلُ الْبَاطِلَ وَمَا يُعِيدُ

گو حق آمد و باطل از آغازنه پدید آورد نه سازد باز

قُلْ إِنْ ضَلَلْتُ فَإِنَّمَا أَضِلُّ عَلَىٰ نَفْسِي ۗ وَإِنِ اهْتَدَيْتُ فِيمَا  
يُوحَىٰ إِلَيَّ رَبِّي إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ

گو اگر من شوم دمی گمراه نیستم من ز راه خود آگاه  
ور که ره یابم آن ز وحی خداست او قریب است بر من و  
شنواست  
در قیامت چو بنگری کفارد در فغانند [جملگی در نار]

وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ وَأُخِذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ

در هراسند و چون کنار روند پس به نزدیک دستگیر شوند  
و بگویند کاوریم ایمان و آنچه خواهند تا رسند به آن

وَقَالُوا ءَأَمَنَّا بِهِ ۗ وَأَنَّىٰ لَهُمُ التَّنَاطُشُ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ

دور باشد ز دسترس آنجا [و بمانند در عذاب خدا]

وَقَدْ كَفَرُوا بِهِ ۗ مِنْ قَبْلُ وَيَقْدِفُونَ بِالْغَيْبِ مِنْ مَّكَانٍ  
بَعِيدٍ

پیش از این بوده اند منکر آن دور می داشتند روز نهان

وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِّنْ  
قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُّرِيبٍ

دور گشتند از همه آمال هم از این پیش بود این احوال  
بهر هم مسلکانشان یکسر که همه بوده اند ناباور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَكِةِ  
رُسُلًا أُولِي أجنحة مثنى وثلاث وربع يزيد في الخلق ما  
يشاء إن الله على كل شيء قدير

هر چه حمدست از برای خداست او پدید آور زمین و  
سماست  
پس ملک را رسول ساخت به کار با دو بال و سه بال یا که  
چهار  
نیز بر خلق خویش افزایش آید آنچه را حق اراده فرماید  
و خدا قادر است بر هر کار [بلکه هر قدرت است از دادار]

مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا  
يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ ۗ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

چون گشاید به خلق باب عطاچه کسی منع می کند او را  
و آنچه را بازگیرد از انسان چه کس از بعد او بود رحمان  
هم توانا بود خدا در کار هم حکیم است بر همه اسرار

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ ۗ هَلْ مِنْ خَلْقٍ  
غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۗ  
فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ

ایها الناس آوريد به یاد نعمتی را که حق تعالی داد  
خالقی هست جز خدا آیا؟ که دهد رزق از زمین و سما  
نیست معبود کس به غیر خدا به کجا می بردتاتان به خطا

وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ وَإِلَى اللَّهِ  
تُرْجَعُ الْأُمُورُ

گر که امر تو را کنند انکار چون تو بودند مرسلان بسیار  
که به تکذیب گشته‌اند دچار و به سوی خدا رود هر کار

مردمان! راستست و عد خدا پس مباشید غره بر دنیا  
نفریب ز بخشش رحمان دلتان را و ساوس شیطان

يَأْتِيهَا النَّاسُ إِنْ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ  
الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ الْغُرُورُ

دارد ابلیس دشمنی به شما دشمن خویش گیر شیطان را  
دسته‌ی خویش را فرا خوانده‌همه را جانب سقر راند

إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُوا  
حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ

کافران را بود عذاب شدید [در زمانی که دوزخ است پدید]  
مؤمنی را که بود نیکوکار هست غفران و اجرتی بسیار

الَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا  
الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ

بهر یک جمع زشتی کردار جلوه کردست خوب در پندار  
هر که را خواست می‌کند گمراه هر که را خواست می‌کند آگاه  
حسرتی بهرشان مباد تو راحق ز کردارشان بود دانا

أَفَمَن زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَءَاهُ حَسَنًا فَإِن لَّوِ لَشِئْنَا  
مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ فَلَا تَذْهَبُ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ  
حَسْرَاتٍ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ

و خدا باد را فرستادست‌ابر را نیز گردشی دادست  
پس ببارد از آن به هر صحرا و از آن خاک را کند احیا  
این چنین است روز رستاخیز [باز گردد به سوی حق همه  
چیز]

وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَسُقْنَاهُ إِلَى بَلَدٍ  
مَّيِّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ

هر که را عزت است میل و رجاگو همه عزت است نزد خدا  
سخن پاک می‌رود سوی او نیز برتر رود ز کار نکو  
و آن کسان را که بود مکر پلیدبهر آنان بود عذاب شدید  
نیز هر حیل بود آنان را جملگی می‌رود به باد فنا

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ  
الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ  
السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُولَئِكَ هُوَ يَبُورُ

آفریند خدایان از خاک پس از آن هم ز نطفه‌ای [ناپاک  
همسر آورد پس برای شمانیست چیزی مگر به علم خدا  
ز آنچه شد باردار هر اشی و زمانی که می‌نهد آن را  
و آنکه گردد کهن به ماه و به سال و آنکه را کم کنیم آن  
احوال  
نیست جز در کتاب حق مسطور و آن برای خدا بود میسور

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِّن نُّطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ  
أَزْوَاجًا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَى وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَمَا يُعَمَّرُ  
مِن مُّعَمَّرٍ وَلَا يُنْقَضُ مِنْ عُمرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ  
عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ

وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شْرَابُهُ وَ  
وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَمِن كُلِّ تَاكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا  
وَتَسْتَخْرِجُونَ حَلِيَّةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ فِيهِ مَوَاحِرَ  
لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

این دو دریا نمی‌شود یکسان آب این خوشگوار شد به دهان  
و آن دگر تلخ و شور و هر دریاگوشتی تازه داد بهر شما  
و برآرید زینت و زیور و آنهمه حیلہ را کنید به بر  
می‌بینی که کشتی است روان تا بجویید رحمت یزدان  
شاید اکنون شوید شکرگزار [به خداوند قادر غفار]

يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُؤَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ  
وَالْقَمَرَ كُلًّا يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ذَٰلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ  
الْمُلْكُ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ ۗ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ

آورد شب به روز و روز به شب‌مهر و ماهند تحت سلطه‌ی  
ربّ  
تا به وقتی معینند روان آن خدا هست ربّ عالمیان  
حکم از اوست و آنچه جز یزدان می‌شوی دست بر دعا سوی  
آن  
نیست چیزی در اختیار او راگر چه جلدی ز هسته‌ی خرما

إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا  
لَكُمْ ۗ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ ۗ وَلَا يُنَبِّئُكَ  
مِثْلُ خَبِيرٍ

گر بخوانید نشنوند خطابور شنیدند کسی دهند جواب  
منکر شرکتان به روز جزاندهد کس خبر به تو چو خدا

يَأْتِيهَا النَّاسُ أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ  
الْحَمِيدُ

مردمان جمله‌اید اهل نیازی به خدای حمید بی‌انبا

إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ

گر بخواهد از این جهان بروید مردمان دگر شوند پدید

وَمَا ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ

و آن برای خدای نیست گران

وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ۗ وَإِنْ تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ حِمْلِهَا لَا  
يُحْمَلْ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ ۗ إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ  
رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ ۗ وَمَنْ تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ  
لِنَفْسِهِ ۗ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ

نکشد کس گناهی از دگران  
ور که آوا کند گر انباری نکند کس برای او کاری  
خلق باری برای او نبرندگر چه باشند قوم و خویشاوند  
تو دهی بیم آنکه او به نهان شد ز پروردگار خود ترسان  
و بدارد نماز را بر پاو آنکه پاکیزه شد برای خدا  
سود تقوا و پاکیش او راست بازگشت همه به سوی خداست

وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ

نیست بینا به جان و دل چون کور

۲۰

وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ

و نه ظلمت یکی شود با نور

۲۱

وَلَا الظُّلُّ وَلَا الحُرُورُ

نیست سایه چو باد سوزنده

۲۲

وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَن يَشَاءُ  
وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي الْقُبُورِ

نیست همپایه مرده و زنده  
هر که را خواست حق کند تفهیم‌ندهی تو به مردگان تعلیم

۲۳

إِنَّ أَنْتَ إِلَّا نَذِيرٌ

نیستی تو مگر به خلق نذیر

۲۴

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِن مِّنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا  
فِيهَا نَذِيرٌ

تو به حق گشته‌ای نذیر و بشیر  
نبود هیچ امتی به جهان‌جز که بودست منذری در آن

۲۵

وَإِن يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ جَاءَتْهُمْ  
رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالزُّبُرِ وَبِالْكِتَابِ الْمُنِيرِ

گر که امر تو را کنند انکارچون تو بودند مرسلان بسیار  
شده تکذیب با زبور و نشان و کتابی که بود نور افشان

۲۶

ثُمَّ أَخَذْتُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ

پس گرفتیم کافران به جز او چه سخت است کیفری ز خدا

۲۷

۳۷۹

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ  
مُّخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيْضٌ وَحُمْرٌ مُّخْتَلِفٌ  
أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ

می‌بینی که از سما یزدان؟بفرستاد بر زمین باران  
پس برآریم از زمین با آن‌گونه‌گون میوه گونه‌گون الوان  
در دل کوه شد نمایان راه‌گه سفید است و سرخ و گاه سیاه

۲۸

وَمِنَ النَّاسِ وَالدَّوَابِّ وَأَلْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ إِنَّمَا  
يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ

چارپا و دواب و هم انسان‌همه گشتند گونه‌گون الوان  
اهل علمند اهل ترس خداحق تواناست هم گنه بخشا

۲۹

إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا  
رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْتَجُونَ تِجْرَةً لَّن تَبُورَ

نکته خوانان نامهی یزدان‌که مقیمند بر نماز آنان  
و آنچه دادیم بهرشان ارزاق‌در عیان و نهان کنند انفاق  
نیست سودایشان جز آن سوداکه نباشد در آن زوال و فنا

۳۰

لِيُؤْفِقَهُمْ أَجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ

مزدشان را کند تمام اداهم فزاید ز فضل ایشان را  
به یقین هست او گنه بخشانیز دارد سپاس مردم را

وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا  
بَيْنَ يَدَيْهِ إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ

و آنچه کردیم وحی بر تو ز خویش شد هماهنگ نامه‌ها از  
پیش  
به یقین بهر بندگان خدا اوست دانا و او بود بینا

ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ أَصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ  
ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ إِذِنَ  
اللَّهُ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ

ارث دادیم نامه بر آنان کز عباد خدا گزیدمشان  
ظلم بر خود کنند بعضی‌شان معتدل گشت پاره‌ای زیشان  
بعضشان پیشتاز در احسان و آن ز حق است لطف و فضل  
کلان

جَنَّتْ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُجَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ  
وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسَهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ

در جنان جاودان اقامتشان لؤلؤ و هم زرست زیتشان  
و حریرست جامه‌ی آنان

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ  
شَكُورٌ

و بگویند شکر از یزدان  
کز غم و رنج کرد ما را دور به یقین حق بود غفور و شکور

الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمَقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَآ يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ  
وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ

داد از فضل خویش ما را جاو در آن نیست رنج و غم ما را  
نیز و اماندگی به ما نرسد [اینچنین است لطف حی احد]

وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقْضَىٰ عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُوا  
وَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ مِنْ عَذَابِهَا كَذَلِكَ نَجْزِي كُلَّ كَافِرٍ

کافران راست دوزخ و نیران‌نرود مرگ هم سوی ایشان  
و نکاهیمشان ز رنج و عذاب اینچنین بهر کافرست عقاب

وَهُمْ يَصْطَرِحُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ  
الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ أَوْ لَمْ نُعَمِّرْكُم مَّا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرَ  
وَجَاءَكُمْ التَّذْيِيرُ فَذُوقُوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ

هست فریادشان چنین که خداتو برون آر زین مکان ما را  
بعد از این می‌شویم نیکوکار و دیگران شویم از آن کردار  
[پس بگوییم بهر آنان ما] ما ندادیم عمرتان آیا؟  
که از اینها شوید پند پذیر هم به سوی شما رسید نذیر  
بچشید [از عذاب دوزخ و نار] و ستمکاره را نباشد یار

إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ غَيْبِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ  
الصُّدُورِ

اوست عالم به غیب ارض و سماه ز اسرار سینه‌ها دانا

هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ  
كُفْرُهُ وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرَهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِلَّا مَقْتًا  
وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرَهُمْ إِلَّا خَسَارًا

جانشین کردتان خدا به جهان هر که کافر بود بر اوست زیان  
نیست حاصل ز کفر بر ایشان غیر خشم خدا و غیر زیان

قُلْ أَرَأَيْتُمْ شُرَكَاءَكُمُ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي  
مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَوَاتِ أَمْ  
ءَاتَيْنَهُمْ كِتَابًا فَهُمْ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّنْهُ بَلْ إِنَّ يَعِدُ الظَّالِمُونَ  
بَعْضُهُمْ بَعْضًا إِلَّا غُرُورًا

گو نشانم دهید آن شرکاکه بخوانیدشان به غیر خدا  
چه به روی زمین پدید آرند؟ یا چه شرکت در آسمان دارند؟  
یا چه دادیمشان کتاب و نشان که دلیلی بر آن کنند بیان؟  
وعده‌ی ظالمان بود یکسر حرف کذب و فریب یکدیگر

إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِن زَالَتَا إِنْ  
أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِّنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا

حق نگهدارد این زمین و سماکه نگردد ز جای خویش رها  
ور رها گردد آسمان و زمین که نگهداردش دوباره چنین؟  
به یقین صبر دارد آن دانا هم بود بهر تان گنه بخشا

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِن جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَّيَكُونُنَّ  
أَهْدَىٰ مِنْ إِحْدَى الْأُمَمِ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَّا زَادَهُمْ إِلَّا  
نُفُورًا

و قسم می‌خورند بهر خدا هم به تأکید و کوشش والا  
گر بیاید نذیری از داوردر هدایت شوند از همه سر  
چون بیامد نذیر بر ایشان پس نیفزود غیر نفر نشان

أَسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئِ  
إِلَّا بِأَهْلِيهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَن تَجِدَ  
لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا

سرکشی در زمین و مکر پلیدمکر بد جز به صاحبش نرسید  
پس ببینند سنت پیشین که به کیفر خدا کند تعیین  
نیست در سنت خدا تبدیل نیست در سنت خدا تحویل

أَو لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ  
مِنْ قَبْلِهِمْ وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِنْ  
شَيْءٍ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا

می‌نگردند در زمین آیا؟ بنگرند اینکه چیست آنان را؟  
که از این پیش بوده‌اند به جاو از اینان شدیدتر به قوا  
هیچ چیز از خدا نگشت رهانه به روی زمین و نه به سما  
به یقین اوست عالم از عالم و تواناست بر بنی آدم

وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَى ظَهْرِهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ۖ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا

گر بگیرد خدا کسان به جزامی‌نماند کسی دگر بر جا پس به تأخیر افکند به زمان‌تا بیاید زمان قطعی‌شان به یقین هست ایزد یکتا بر همه بندگان خود بینا

۳۶. یس

یس: یس

مکی

۸۳ آیه

۶ صفحه

۱  
۳۸۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
یس

[یا و سین است از خدای جهان‌اینکه یا سید الرسل بر خوان

۲

وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ

و به قرآن قسم که هست حکیم

۳

إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ

این تویی از پیمبران عظیم

۴

عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ

و تویی در مسیر راست روان باز گوئیم با تو از قرآن

۵

تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ

هست تنزیل آن عزیز و رحیم

۶

لَشَذِرَ قَوْمًا مَّا أَنْذَرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ

تا دهی قوم غافلت را بیم  
بهر آبا نشان نبود نذیر [شاید آنان شوند پندپذیر]

۷

لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَىٰ أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

قول شد حتم بهر اکثرشان‌وین جماعت نیاورند ایمان

۸

إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُّقْمَحُونَ

یوغ برگردنند تا به زنج‌سر به بالا روند [تا دوزخ

۹

وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ

وز پس و پیش راهشان شده بندچشمشان بسته و  
نمی‌بینند

۱۰

وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

گر دهی بیمشان ز روز جزا و ترسانی آن جماعت را  
هست یکسان دو حال برایشان‌به ره حق نیاورند ایمان

۱۱

إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبَ ۖ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ

آنکه تابع شود به ذکر خدا و بترسد ز ایزد یکتا  
می‌دهی بیم او ز روز جزا به بشارت به عفو و اجر خدا

۱۲

إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَءَاتَاهُمْ ۖ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ

زنده سازیم خفتگان در گورکار و آثارشان بود مسطور  
می‌شماریم جمله اشیا را در کتابی بیانگر و پیدا



وَأَصْرِبُ لَهُم مَّثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ

إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُم مُّرْسَلُونَ

۱۴

قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِن شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ

۱۵

قَالُوا رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُم لَمُرْسَلُونَ

۱۶

وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ

۱۷

قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِن لَّمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجِمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ

۱۸

قَالُوا طَئِيرُكُم مَّعَكُمْ أَئِن ذُكِّرْتُم بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ

۱۹

وَجَاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ

۲۰

اتَّبِعُوا مَن لَّا يَسْأَلْكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُّهْتَدُونَ

۲۱

وَمَا لِي لَّا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

۲۲

ءَأَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ ءَالِهَةً إِنْ يُرَدِّنِ الرَّحْمَنُ بِضُرٍّ لَّا تُعْنِي عَنِّي شَفَعَتُهُمْ شَيْئًا وَلَا يُنْقِذُونِ

۲۳

إِنِّي إِذًا لَّفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

۲۴

إِنِّي ءَامَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمِعُونِ

۲۵

قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ

۲۶

بِمَا عَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ

۲۷

بزن از اهل آن دیار مثل‌که پیامد به سوبشان مرسل

چون پیامد به شهرشان دو رسول‌هیچکس حرفشان نکرد قبول

سومی را سپس فرستادیم‌هم از او بر دو تن توان دادیم پس بگفتند ما ز ربّ جلیل‌به دیار شما شدیم گسیل

پس بگفتند نیستید شماغیر افراد آدمی چون ما هیچ نازل نکرده است خداحرفتان نیست جز دروغ و خطا

پس بگفتند حق بود داناکه فرستاده‌ایم ما به شما

نیست بر ما مگر بلاغ عیان

پس بگفتند [مردم نادان ما گرفتیم فال بد به شماور نساازید این رویه رها ما شما را چو سنگسار کنیم‌می‌رسد بر شما عذاب الیم

پس بگفتند فال بد ز شماست نیز این فال بد فریب و خطاست گر که بر پند و ذکر رو آریدو شما مردمی فزونکارید

ز آن سر شهر یک نفر به شتاب‌آمد و سوی قوم کرد خطاب پیرو مرسلین شوید شما

که نخواهند اجر و مزدی را تبعیت کنید آنان راراه آنان بود طریق هدا

خالق من مرا بود معبودباز گردید سوی حی ودود

چون بگیرم خدا بجز یزدان؟که اگر خواست بهر خلق زیان نه شفاعت از او رساند سودنه نجات است بهر کس موجود

ورنه باشد مرا ضلال عیان

من به دادار آورم ایمان بشنوید این زمان کلام مرا

پس بگفتند در بهشت در آ گفت ای کاش قوم من داند

که ببخشد مرا خدای احد پس شوم من عزیز و با تکریم از ره لطف کردگار کریم

وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ جُنْدٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا مُنْزِلِينَ

نفرستاده ایم لشکر مابر سر قوم بعد از آن ز سما

۲۹

إِن كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ

صیحه‌ای در ربودشان یکسرشد خموش [آن سپاه فتنه و شر]

۳۰

يَحْسِرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ

وای از این بندگان که استهزا داشت با جمله انبیای خدا

۳۱

أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ

می‌ندیده ز پیش نسلی چند؟ گشت معدوم و بر نمی‌گردند

۳۲

وَإِن كُلُّ لَمَّا جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ

همه حاضر شوند در بر ما [موقع رستخیز و روز جزا]

۳۳

۳۸۳

وَعَايَةُ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ

و نشانی است بهرشان ز خداکه کنیم ارض مرده را احیا و برون آوریم دانه از آن‌تا که از آن خوردند خلق جهان

۳۴

وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِّن نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ

باغهایی ز نخل و از اعناب‌ساختیم و روان در آنها آب

۳۵

لِيَأْكُلُوا مِن ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ

تا از آن میوه‌ها که بار آرند بخورند و سپاس بگذارند

۳۶

سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ

پاک آن کافرید زوج و از آن‌بشر است و نبات و شیء نهان

۳۷

وَعَايَةُ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ

شب تار آیتی است بر ایشان‌روز چون پوست می‌کنیم از آن

۳۸

وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَّهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ

مهر شد تا مقر خود پویا هست تقدیر قادر دانا

۳۹

وَالْقَمَرَ قَدَّرْنَاهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ

ماه را در منازل گردون‌سیر دادیم و گشت چون عرجون

۴۰

لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ

مهر را کی رسد که مه گیرد؟ و نه شب هم ز روز ره گیرد همه در چرخه‌ای شدند روان‌به شنایند در یم دوران

وَعَايَةُ لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلِّ الْمَشْحُونِ

کشتی پر به حمل آدمیان آنهم از بهر خلق گشت نشان

وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِّن مِّثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ

آفریدیم مثل آن بسیارکه خلیق بر آن شوند سوار

وَإِن نَّشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنقَدُونَ

ور که خواهیم غرقه آنان رانیست راه نجات ایشان را

إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ

نه صریخی به غیر رحمت ماتا زمانی است بهره آنان را

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

گفته شد چونکه آن جماعت را که بترسید از عذاب و جزا  
یا به پیش شماست یا به قفاشاید آرند رحم بهر شما

وَمَا تَأْتِيهِمْ مِّنْ آيَةٍ مِّنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ

و نیامد برای خلق نشان جز که از آن شدند رو گردان

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْطَعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطَعَمَهُوْا إِنَّا أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

چونکه گفتیمشان کنید انفاق ز آنچه دادست بهرتان ارزاق  
گفت کافر به مؤمنین آیاما غذا می‌دهیم آن کس را؟  
که اگر خواست حق کند احسان این گروه‌اند در ضلال عیان

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدِ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

و بگویند کو وعید خدا؟ راست باشد گر این سخن ز شما

مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ

در ستیزند و صیحه‌ای یکتاچشم دارند گیرد آنان را

فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ

که نه ز آن بر وصیت است توان‌نه توانند رفت نزد کسان

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ

چون رسد رستخیز و نفخ‌ی صوربه سوی حق روان شوند ز  
گور

قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِن مَّرْقَدِنَا ۗ هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ

پس بگویند وای ما آیاکه برانگیخت این زمان ما را؟  
و چنین است وعده‌ی رحمان راست گفتند انبیا به جهان

إِن كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ

نیست این غیر صیحه‌ای یکتاهمه حاضر شوند در بر ما

فَالْيَوْمَ لَا تُظَلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

و در آن روز هیچ نیست جفاهست پاداش بهر کار شما

إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمِ فِي شُغْلٍ فَكِهِونَ

و در آن روز هست اهل جنان سخت در کار و بار خود شادان

هُم وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلِّ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَّكُونَ

همه در زیر سایه‌های درخت‌تکیه با زوج خود زنند به تخت

لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَلَهُمْ مَا يَدْعُونَ

میوه دلخواه می‌شود تقدیم

سَلَّمَ قَوْلًا مِّن رَّبِّ رَحِيمٍ

و سلام است قول ربّ رحیم

وَأَمْتَرُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ

[و ندا می‌رسد به گوش آن دم مجرمان هان جدا شوید از هم

أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ

آدمیزادگان! مگر به جهان‌نگرفتیم از شما پیمان

که نباشید بنده‌ی شیطان‌او بود آشکاره دشمنان

لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ

وَأَنْ أَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ

و پرستش کنید یزدان را این ره راست است بهر شما

وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبَلًا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ

گشت بسیاری از شما گمراه‌نیستید از خرد مگر آگاه

هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ

این بود دوزخی که بود وعید

أَصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ

بهر کفر این زمان در آن آیید

الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَنَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ

آن زمان مهر می‌زنیم به کام‌دست و پا می‌شود گواه به کلام

آنچه باشد ز کار ایشان را [این چنین است کار روز جزا]

بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّى

گر بگیریم بهرشان تصمیم‌نور از چشمشان برون آریم

چون بجویند سبقتی در راه‌پس نبینند هیچ جا آنگاه

يُبْصِرُونَ

وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَىٰ مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَعُوا مُضِيًّا

گر بگیریم بهرشان تصمیم‌همه بر جای مسخ می‌سازیم

توانند رهسپر گردندتوانند نیز برگردند

وَلَا يَرْجِعُونَ

وَمَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ

و آنکه دادیم عمر بسیارش‌پس به خلقت کنم نگون سارش

نیست اندیشه بهرشان آیا؟

وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ

و نیاموختیم شعر او را

نیست شایسته بهر او این کارهست قرآن عیان و هم تذکار

مُبِينٌ

لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ

تا دهد بیم زندگان و سخن‌بر همه کافران شود روشن

أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَمًا فَهُمْ لَهَا  
مَلَائِكُونَ

می‌نینند خلقت ما را؟ و در این کار قدرت ما را  
کافریدیم چارپایان راتا که مالک شوند خلق آن را

به سواری شوند آنها راه و از آن نیز می‌خورند طعام

۷۲ وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ

هست از آن سود و نوش مردم را شکر یزدان نمی‌کنند آیا؟

۷۳ وَالَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبٌ أَفَلَا يَشْكُرُونَ

بگرفتند جز خدا معبودشاید آنان دهند یاری و سود

۷۴ وَأَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ إِلَهَاتٍ لَعَلَّهُمْ يُنصَرُونَ

تتوانند بهرشان شد یارچون سپه بهرشان شوند احضار

۷۵ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُّحْضَرُونَ

پس به گفتارشان مباش دژمن عیان و نهانشان دانم

۷۶ فَلَا يَحْزَنكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ

می‌دانند هیچ آدمیان که من از نطفه آفریدیمشان؟  
او بود خصم آشکار به ما

۷۷ أَوْ لَمْ يَرَ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ  
مُّبِينٌ

مثلی می‌زند برای خدا  
که کند زنده باز عظم رمیم؟ شد زیادش که خلقتش کردیم

۷۸ وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ  
رَمِيمٌ

گو کسی زنده می‌کند او را کاولین بار کرده است انشا  
او به هر آفریده‌ای داناست و تواند کند هر آنچه که  
خواست

۷۹ قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ ۚ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ

آتش آورد از درخت پدیدتا کز آن شعله‌ها برافروزد

۸۰ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ  
تُوقِدُونَ

آن کسی کافرید ارض و سمانیست قادر به خلقتش آیا؟  
کافریند دوباره چون او را اوست خلاق و اوست هم دانا

۸۱ أَوْ لَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ بِقَدِيرٍ عَلَىٰ أَنْ  
يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ

خواست امری چو کردگار احدچون بگوید که باش پس باشد

۸۲ إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ وَاكُنْ فَيَكُونُ

پاک آنکس که حکمها او راست‌بازگشت شما به سوی  
خواست

۸۳ فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالصّٰفّٰتِ صَفًا

من قسم می‌خورم به صفشدگان

فَالزّٰجِرٰتِ زَجْرًا

و به زجرآوران نهی کنان

فَالتّٰلِیٰتِ ذِکْرًا

و کسانی که ذکر می‌خوانند

إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ

که خدای شماست بی‌مانند

رَبُّ السَّمَوٰتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا رَبُّ الْمَشْرِقِ

اوست پروردگار ارض و سماخالق مشرق است و بینهما

إِنَّا زَيْنًا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ

جلوه دادم سپهر دنیا را با نجوم و کواکب رخشا

وَحِفظًا مِّنْ كُلِّ شَیْطٰنٍ مَّارِدٍ

حفظ کردم ز جور دیو پلید

لَا یَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلِئِ الْأَعْلٰی وَیُقَدِّفُونَ مِّنْ كُلِّ جَانِبٍ

تتواند که هیچ چیز شنید  
هر چه گوید ملائک بالا هم ز هر سو هدف کنند او را

دُحُورًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ

می‌شود رانده بهر اوست عذاب‌جاودان است آن عذاب و عقاب

إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ

ور که یک لحظه بشنود ز خطاب‌در پی او دود درفش شهاب

فَأَسْتَفْتِهِمْ أَهُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ مَنِ خَلَقْنَا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِّنْ

پس بگو آفرینش اینها سخت‌تر هست یا که زان شما؟  
گل چسبنده بود و گشت بشر

طِينٍ لَّازِبٍ

بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ

در شگفتی و او کند تسخر

وَإِذَا ذُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ

نپذیرند چونکه آید پند

وَإِذَا رَأَوْا آيَةً يَسْتَسْخِرُونَ

سخره گیرند آیه چون ببینند

وَقَالُوا إِن هٰذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ

و بخوانند این فسون عیان

أَعِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظْمًا أَعِنَّا لَمَبْعُوثُونَ

و بگویند با تو این سخنان  
چون بگیریم ما طریق هلاک‌استخوانهای ما شود پس خاک  
باز ما را خدای چون سازدو به بعثی نوین بپردازد

أَوْ عَابَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ

پدران هم چنین شوند آیا؟

قُلْ نَعَمْ وَأَنْتُمْ دَاخِرُونَ

گو بلی خوار و کوچکید شما

فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ فَإِذَا هُمْ يَنْظُرُونَ

پس شود یک نهیب سخت عیان‌همه گردند بهر آن نگران

وَقَالُوا يَوَيْلَنَا هٰذَا يَوْمُ الدِّينِ

پس بگویند اینکه وای به ما[بهر مردم رسید روز جزا]

هٰذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِء تُكذِّبُونَ

آن بود روز داوری که شما سخت انکار داشتید آن را

أَحْسَرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَرْوٰجَهُمْ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ

[و ندا می‌رسد ملایک را]جمع سازید جمله اهل جفا  
همره همبرانشان به جهان‌نیز معبودها بجز یزدان

مِن دُونِ اللَّهِ فَأَهْدُوهُمْ إِلَى صِرَاطِ الْجَحِيمِ

به ره دوزخ آورید الحال

وَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ

باز داریدشان برای سؤال

مَا لَكُمْ لَا تَنَاصِرُونَ

از چه یاری نمی‌کنید به هم

بَلْ هُمْ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ

همه امروز گشته مستسلم

وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ

فرقه‌ای زان دگر کند درخواست

قَالُوا إِنَّكُمْ كُنْتُمْ تَأْتُونَنَا عَنِ الْيَمِينِ

و بگویند کامدید از راست

قَالُوا بَلْ لَمْ تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ

[در دغل بوده‌اید و در ترفند] و آن کسان در جوابشان گویند  
خود شما بوده‌اید بی‌ایمان

وَمَا كَانَ لَنَا عَلَيْكُمْ مِّنْ سُلْطٰنٍۭٔ بَلْ كُنْتُمْ قَوْمًا طٰغِيْنَ

ما نداریم بر کسی فرمان  
سرکشی داشتید همچون ما

فَحَقَّ عَلَيْنَا قَوْلُ رَبِّنَاۤ اِنَّآ لَذٰٓئِقُوْنَ

شد مسلم‌ کنون کلام خدا  
می‌چشیم این زمان عذابش را

فَاعْوِزْبَنٰكُمۡ اِنَّا كُنَّا عٰوِيْنَ

همچو مایید و گم‌رهید از ما

فَاِنَّهُمْ يَوْمَئِذٍۭ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ

در عذابند مشترک ایشان

اِنَّا كَذٰلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِيْنَ

کارم این است با گنهکاران

اِنَّهُمْ كَانُوْۤا اِذَا قِيْلَ لَهُمْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ يَسْتَكْبِرُوْنَ

گفته شد بهر امت گمراه‌سخن لا اله الا الله  
کرد گردنکشی از این تبیین

وَيَقُوْلُوْنَ اِنَّا لَتٰرِكُوْۤا الٰهَتِنَا لِشَاعِرٍۭ مَّجْنُوْنٍ

و بگفتند آن گروه چنین  
ترک سازیم این بتان را چون؟ بهر گفتار شاعری مجنون

بَلْ جَاءَ بِالْحَقِّ وَصَدَقَ الْمُرْسَلِيْنَ

نه چنین است آورد حق رانیز تصدیق مرسلان خدا

اِنَّكُمْ لَذٰٓئِقُوْۤا الْعَذَابِ الْاَلِيْمِ

بچشید این زمان عذاب مرا

وَمَا تُحْزَوْنَ اِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ

هست کیفر برای کار شما

اِلَّا عِبَادَ اللّٰهِ الْمُخْلِصِيْنَ

بجز آن بندگان ناب خدا

اُوْلٰٓئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَّعْلُوْمٌ

رزق معلوم هست ایشان را

فَوٰكِهِ وَهُمْ مُّكْرَمُوْنَ

میوه دارند و می‌شوند اکرام

فِي جَنّٰتِ النَّعِيْمِ

در بهشت نعیم کرده مقام

عَلٰٓى سُرُرٍۭ مُّتَقٰبِلِيْنَ

رو بروی همند بر او رنگ

يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَاۡسٍۭ مِّنْ مَّعِيْنٍۭ

جام می‌گردشان روان خوشرنگ

بِيْضًاۤ لَّدَٔىۡ لِّلشَّرِيْبِيْنَ

روشن و برخوردارندگان لذت

لَا فِيْهَا غَوْلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنْزَفُوْنَ

نه تباهی به عقل و نه حالت

وَعِنْدَهُمْ قٰصِرٰتُ الطَّرْفِ عِيْنٌ

نزدشان حوریان چشم گشادکه بجز شوی برده‌اند از یاد

كَأَنَّهُنَّ بَيضٌ مَّكْنُوْنٌ

همچو مرغانه‌ای نهان در بال

فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ

رو به هم آورند بهر سؤال

قَالَ قَابِلٌ مِّنْهُمْ اِنِّي كَانَ لِي قَرِيْنٌ

پس یکی را بود کلام چنین‌داشتم آن جهان جلیس و قرین

يَقُولُ أَعِنَّكَ لَمِنَ الْمُصَدِّقِينَ

او به من گفته بود چندین بارکه تو را باورست این گفتار

۵۳ أَعِزَّا مِثْنًا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظْمًا أَعِنَّا لَمَدِينُونَ

چون بگیریم ما طریق هلاک‌استخوانهای ما شود پس خاک باز آیا به ما رسد کیفر؟

۵۴ قَالَ هَلْ أَنْتُمْ مُطَّلِعُونَ

هیچ دارید از آن جلیس خبر

۵۵ فَأَطَاعَ فِرْعَاوَهُ فِي سَوَاءِ الْجَحِيمِ

پس بیابد ورا میان جحیم

۵۶ قَالَ تَاللَّهِ إِنْ كِدَتْ لَتُرْدِينَ

و بگوید چنین به حی قدیم که قسم بر تو بود بس نزدیکه کنی چشم جان من تاریک

۵۷ وَلَوْلَا نِعْمَةُ رَبِّي لَكُنْتُ مِنَ الْمُحْضَرِينَ

گر نمی‌بود لطف آن غفاری‌شدم من در آن مکان احضار

۵۸ أَفَمَا نَحْنُ بِمَيِّتِينَ

پس بگوید به دوستان آنجاما نمیریم بعد از این آیا؟

۵۹ إِلَّا مَوْتَتَنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ

جز که مرگ نخست در دنیاو نداریم ما عذاب خدا

۶۰ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

هست پیروزی بزرگ همان

۶۱ لِمِثْلِ هَذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ

و چنین باد کار کارگران

۶۲ أَذَلِكَ خَيْرٌ تَزْلًا أَمْ شَجَرَةُ الزُّرْقَوْمِ

این نعم بهتر است یا زقوم؟

۶۳ إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ

و آن بود فتنه بهر قوم ظلوم

۶۴ إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ

روید آن میوه از بن نیران

۶۵ طَلَعَهَا كَأَنَّهٗ رُءُوسُ الشَّيَاطِينِ

غنچه‌اش هست چون سر شیطان

۶۶ فَإِنَّهُمْ لَا يَكُونُ مِنْهَا فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ

آن جماعت خورند میوهی آن و از آن پر کنند اشکمشان

۶۷ ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِّنْ حَمِيمٍ

پس بنوشند شربتی ز حمیم

۶۸ ثُمَّ إِنَّ مَرَجِعَهُمْ لِإِلَى الْجَحِيمِ

پس بود بازگشتشان به جحیم

۶۹ إِنَّهُمْ أَلْفَوْا آبَاءَهُمْ ضَالِّينَ

پدران یافتند چون گمراه

۷۰ فَهُمْ عَلَىٰ ءَاثَرِهِمْ يُهْرَعُونَ

بر اثر رفته‌اند ناآگاه

۷۱ وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأُولِينَ

نیز گمراه شدند پیش از این‌بیشتر نسل مردم پیشین

۷۲ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِمْ مُّنذِرِينَ

منذران داده‌ایمشان به یقین

۷۳ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنذَرِينَ

چیست فرجام منذران تو ببین

۷۴ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ

غیر از آن بندگان ناب خدا

۷۵ وَلَقَدْ نَادَيْنَا نُوحَ فَلَنِعَمَ الْمُجِيبُونَ

نوح هم بهر ما بداد ندا و چه خوب است این جواب خدا

۷۶ وَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

بس رهاندیم او و اهلش را از غمی بس بزرگ و جان فرسا[و چه خوب است راه حق و هدا]



وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ

خاندانش از او گرفت بقا

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ

و پس از او نهیم نامش را

سَلَّمَ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ

در همه عالمین به نوح درود

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

این جزایی ز ما به نیکان بود

إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ

اوست از بندگان با ایمان

ثُمَّ أَعْرَفْنَا الْآخِرِينَ

غرقه کردیم در فنا دگران

وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ

بود از پیروانش ابراهیم

إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ

رفت در نزد حق به قلب سلیم

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ

با پدر گفت و قوم او که شماچه پرستش کنید اینها را؟

أَيُّكَآءِالِهَةً دُونَ اللَّهِ تُرِيدُونَ

هر دروغین خدا چه می‌خواهید؟

فَمَا ظَنُّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ

از خدای جهان چه آگاهید؟

فَنظَرَ نَظْرَةً فِي التُّجُومِ

پس نگاهی فکند بر کوکب

فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ

گفت بیمار گشته‌ام امشب

فَتَوَلَّوْا عَنْهُ مُدْبِرِينَ

روی برتافتند از او ایشان

فَرَاغَ إِلَىٰ آءِالِهَتِهِمْ فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ

روی آورد سوی جمع بتان  
گفت چیزی نمی‌خورید آیا؟

مَا لَكُمْ لَا تَنْطِقُونَ

هیچ حرفی نمی‌زنید چرا؟

فَرَاغَ عَلَيْهِمْ ضَرْبًا بِالْيَمِينِ

پس بزد دست راست بر آنان

فَأَقْبَلُوا إِلَيْهِ يَزْفُونَ

پس به سویش گروه گشت روان

قَالَ أَتَعْبُدُونَ مَا تَنْجِتُونَ

گفت مصنوعاتان بود معبود؟

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ

آورد حق شما و بت به وجود

قَالُوا أَبْنَاؤُا لَهُۥ بُنَيْنًا فَالْقُوهُ فِي الْجَحِيمِ

پس بگفتند جمعی از ایشان که بسازید بهر او بنیان  
و به آتش در افکنید او را [و خدا خواست آن سخنگو را]

فَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَسْفَلِينَ

خواستندش ز کید خود مغلوب ساختیم آن گروه را منکوب

وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيَّهِدِينَ

گفت من می‌روم به سوی خدازود او رهنما شود ما را

رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ

پس عطا کن مرا تو ای غفارپسری مؤمن و نکوکردار

فَبَشَّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ

مژده‌اش بود کودکی صبار

فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعَىٰ قَالَ يَبُنَىٰ إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي

چون به او یار گشت در رفتار  
گفت دیدم تو را که در رؤیایم کشم چیست رأی و دید تو

أَذْبُجَكَ فَأَنْظُرُ مَاذَا تَرَىٰ قَالَ يَنَابِتٍ أَفْعَلُ مَا تُؤْمَرُ

را؟  
گفت بابا کن آنچه امر تو راست‌مابرم یابی ار خدا این

سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ

خواست

فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ

هر دو تسلیم حکم حق گشتندچونکه پیشانیش به خاک افکند

۱۰۴ وَنَدَيْتَهُ أَنْ يَا أَبْرَاهِيمَ

پس ندا دادمش که ابراهیم

۱۰۵ قَدْ صَدَّقْتَ الرُّعْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

این چنین اجر محسنین بدهیم شد محقق برای تو رؤیا

۱۰۶ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ

آزمونی است آشکار تو را

۱۰۷ وَفَدَيْنَهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ

و ندا دادمش ذبیحی را

۱۰۸ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ

و نهادیم نام او بر جا

۱۰۹ سَلَّمَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ

و سلام خدا به ابراهیم

۱۱۰ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

این چنین اجر محسنین بدهیم

۱۱۱ إِنَّهُ مِن عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ

اوست از بندگان مؤمن ما

۱۱۲ وَبَشَّرْنَاهُ بِإِسْحَقَ نَبِيًّا مِّنَ الصَّالِحِينَ

و بشارت بداده‌ایم او را اینکه اسحاق شد پیمبر ما

۱۱۳ وَبَرَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلَىٰ إِسْحَاقَ وَمِن ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ وَظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ مُبِينٌ

و نکوکار هست نزد خدا او چو اسحاق شد مبارک پی‌و دو نسل آمدند از پی‌وی عده‌ای نیک بود و جمعی هم‌آشکارا به خویش کرد ستم

۱۱۴ وَلَقَدْ مَنَّا عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ

متنی بهر موسی و هارون داد آن‌حی و قادر بیچون

۱۱۵ وَجَعَلْنَاهُمَا قَوْمَهُمَا مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

او و قومش رهاوند از غم و شر

۱۱۶ وَنَصَرْنَاهُمْ فَكَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ

داد یاری و داد فتح و ظفر

۱۱۷ وَعَاتَيْنَاهُمَا الْكِتَابَ الْمُسْتَبِينَ

داده‌ایم آن دو را کتاب عیان

۱۱۸ وَهَدَيْنَاهُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ

و ره راست داده‌ایم نشان

۱۱۹ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِمَا فِي الْآخِرِينَ

و نهادیم نامشان بر جا

۱۲۰ سَلَّمَ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ

بهر هارون سلام و هم موسی

۱۲۱ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

بهر نیکان چنین دهیم جزا

۱۲۲ إِنَّهُمَا مِن عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ

بوده‌اند از عباد مؤمن ما

۱۲۳ وَإِنَّ إِلْيَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ

بود الیاس هم رسول خدا

۱۲۴ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تَتَّقُونَ

آن زمانی که گفت قومش را اهل تقوا نمی‌شوید آیا؟

۱۲۵ أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ

بعل خوانید و می‌نهید خدا؟ بهترین آفریدگار خداست

۱۲۶ اللَّهُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأُولَىٰ

ربّ پیشینیان و ربّ شماست

فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ

پس بکردند حرف او انکارزود بهر جزا شوند احضار

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ

بجز از بندگان ناب خدا

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ

که نهادیم نامشان بر جا

سَلَّمَ عَلَىٰ آلِ يَاسِينَ

و سلام خدا به الیاسین

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

نیکوان را جزا دهیم چنین

إِنَّهُ مِن عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ

بود از بندگان مؤمن ما

وَإِنَّ لُوطًا لَّمِنَ الْمُرْسَلِينَ

لوط بود از پیمبران خدا

إِذْ جَعَلْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ

او و اهلس رهاندم [از غمها]

إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَدِيرِينَ

جز عجوزی که ماند در آنجا

ثُمَّ دَمَرْنَا الْآخِرِينَ

ما فنا داده‌ایم بر دگران

وَإِنَّكُمْ لَتَمُرُونَ عَلَيْهِمْ مُّصْبِحِينَ

صبحگه رد شوید بر آنان

وَبِاللَّيْلِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

به شب آیا شما نیندیشید؟

وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ

بود یونس ز مرسلان مجید

إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ

او به کشتی پر چو پا بنهاد

فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ

قرعه زد پس به نام او افتاد

فَأَلْتَمَمَهُ الْخُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ

پس چو بگرفت ماهیش در کام‌کار او بود در مقام ملام

فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ

گر شناگر نبود بود آنجا

لَلَّيْلِ فِي بَطْنِهِ ۚ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ

در دل حوت تا به روز جزا

فَنَبَذْنَاهُ بِالْعَرَاءِ ۚ وَهُوَ سَقِيمٌ

و به صحرا فکندمش بیمار

وَأَنْبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِّنْ يَقْطِينٍ

و کدو در برش گرفت فرار

وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ

و به شهری گسیل شد ذو النّون مردمش صد هزار یا افزون

فَعَامَنُوا فَمَنَعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ

خلق آورد سوی او ایمان‌گشت پس بهره‌مند از آن دوران

فَأَسْتَفْتِيهِمُ الرِّبَّكَ الْبَنَاتُ وَلَهُمُ الْبَنُونَ

پس بپرس از چه خلق راست پسر؟وز چه رو از خدا بود دختر؟

أَمْ خَلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ إِنثًا وَهُمْ شَاهِدُونَ

یا ملائک شدند از نسوان‌وین جماعت شدند شاهد آن

أَلَا إِنَّهُمْ مِّنْ إِفْكِهِمْ لَيَقُولُونَ

هان که اینان ز کذب خود گویند

وَلَدَ اللَّهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ

که خدا نیز آورد فرزند حرفشان شد دروغ و کذب است این

أَصْطَفَى الْبَنَاتِ عَلَى الْبَنِينَ

که گزیند بنات را به بنین

این چه حکم است از برای شما

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ

متذکر نمی‌شوید آیا؟

۱۵۵ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

حجتی آشکار اگر دارید

۱۵۶ أَمْ لَكُمْ سُلْطَنٌ مُّبِينٌ

با کتابی و نامه‌ای آرید

راستست این سخن اگر ز شما [همه اینهاست شرک بهر خدا]

۱۵۷ فَأْتُوا بِكِتَابِكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

۱۵۸ وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ نَسَبًا وَلَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ

پری و حق کنند خویشاوندشود احضار جن و خود دانند

۱۵۹ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ

حق منزّه بود از این توصیف همگی گم‌رهند از این تعریف

۱۶۰ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ

بجز از بندگان ناب خدا [که ندانند کفر و شرک روا]

۱۶۱ فَإِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ

پس شما ز آنچه را شدید عبید

۱۶۲ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِفِتْنِينَ

توانید کس فریب دهید

۱۶۳ إِلَّا مَنْ هُوَ صَالٍ الْجَحِيمِ

جز کسی را که هست اهل جحیم

۱۶۴ وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ

هست معلوم جای ما [به علیهم

۱۶۵ وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُونَ

ما به صف ایستیم [بهر نماز]

۱۶۶ وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ

و به تسبیح و هم به راز و نیاز

۱۶۷ وَإِن كَانُوا لَيَقُولُونَ

و بگویند اهل کفر چنین

۱۶۸ لَوْ أَنَّ عِنْدَنَا ذِكْرًا مِنَ الْأَوَّلِينَ

داشتیم ار که نامه‌ی پیشین

۱۶۹ لَكُنَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ

[می‌شدیم آن زمان به راه خدا] بنده‌ی ناب می‌شدیم او را

۱۷۰ فَكْفَرُوا بِهِ ۖ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ

کافردند و شوند آگه از این

۱۷۱ وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ

این سخن بود و مردم پیشین  
مرسلان آن عباد ناب خدا

۱۷۲ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ

یاوری می‌شوند از سوی ما

۱۷۳ وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ

لشکر ما مظفردن چنان

۱۷۴ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ

تا زمانی ز جمع رو گردان

۱۷۵ وَأَبْصِرْهُمْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ

و نگه کن [به جانب کفار] زود بینند کیفر کردار

۱۷۶ أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ

به عذاب خدا کنند شتاب

۱۷۷ فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنذَرِينَ

چون بیاید در آستانه عذاب  
بد بود صبحگاه بر آنان

۱۷۸ وَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ

تا زمانی ز جمع رو گردان

۱۷۹ وَأَبْصِرْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ

و نگه کن [به جانب کفار] زود بینند کیفر کردار

۱۸۰ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ

شد منزّه خدا ز وصف کسان‌صاحب قدرت است [ربّ جهان

۱۸۱ وَسَلَّمْ عَلَى الْمُرْسَلِينَ

و سلام خدای بی‌همتایر تمام پیمبران خدا

۱۸۲ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

هر چه حمد است هست از یزدان‌کوست پروردگار عالمان

۱  
۳۹۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
صَّ وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ

۲

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ

۳

كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ فَنَادَوا وَعَلَىٰ حِينٍ  
مَنَاصِ

۴

وَعَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ ۗ وَقَالَ الْكٰفِرُونَ هٰذَا  
سَاحِرٌ كَذٰبٌ

۵

أَجْعَلِ الْاِلٰهَةَ اِلٰهًا وَّاحِدًا ۗ اِنَّ هٰذَا لَشَيْءٌ عَجَابٌ

۶

وَأَنْطَلِقُ الْمَلَائِكَةَ مِنْهُمْ أَنْ امْسُوا وَاصْبِرُوا عَلَىٰ آلِهَتِكُمْ ۗ اِنَّ  
هٰذَا لَشَيْءٌ يُرَادُ

۷

مَا سَمِعْنَا بِهٰذَا فِي الْمِلَّةِ الْاٰخِرَةِ اِنَّ هٰذَا اِلَّا اِخْتِلَافٌ

۸

أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ مِنْ بَيْنِنَا ۗ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِّنْ ذِكْرِيَّ  
بَلْ لَمَّا يَذُوقُوا عَذَابٍ

۹

أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ

۱۰

أَمْ لَهُمْ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۗ فَلْيَرْتَقُوا فِي  
الْاَسْبَابِ

۱۱

جُنْدٌ مَّا هُنَالِكَ مَهْزُومٌ مِّنَ الْاَحْزَابِ

۱۲

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ ذُو الْاَوْتَادِ

۱۳

وَتَمُوْدُ وَقَوْمُ لُوطٍ وَّاصْحٰبُ لَيْكَةِ اُولٰٓئِكَ الْاَحْزَابُ

۱۴

اِنَّ كُلَّ اِلَّا كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ عِقَابِ

۱۵  
۳۹۲

وَمَا يَنْظُرُ هَؤُلَاءِ اِلَّا صَيْحَةً وَّاحِدَةً مَّا لَهَا مِنْ فَوَاقِ

۱۶

وَقَالُوا رَبَّنَا عَجِّلْ لَنَا قِطْنَآ قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ

[صاد رمزی است از خدای بلند] و به قرآن قسم که دارد  
پند

در ستیزند و سرکشی کفار

به هلاک و فنا شوند دچار  
پیش از این نیز مردمی بسیاربانگ کرد و نبود راه فرار

در شگفتند هم ز پیغمبرکه بود منذری ز نوع بشر  
هم بگفتند مردم کفاردارد افسون و کذب در گفتار

همه معبودها یکی بگرفت؟ و چنین گفته است سخت شکفت

و برفتند مهتران زیشان و بگفتندشان شوید روان  
و شکیب آورید بهر بتان خواستند از شما عبید همان

نشندیم این به کیش پسین به یقین بدعتی کنند به دین

زین همه مردمی که چون ما بودذکر تنها به او شدست  
فرود؟

هم به وچیند این زمان مرتاب بچشیدند این گروه عذاب

گنجه هست نزدشان آیا؟ از عطاى خدای بی‌همتا

یا که دارند ملک ارض و سمایا برآیند از رسن بالا

این سپاه شکسته‌ی احزاب نیست تنها دروغ زن به کتاب

پیش از این قوم نوح بوده و عادنیز فرعون بود ذو ال‌اوتاد

قوم لوط و تمود کرد همان‌نیز اصحاب ایکه بود چنان

همگی منکران پیغمبرشد محقق بر ایشان کیفر

صیحه را مانده‌اند چشم به راه‌که در آن نیست مهلتی آن  
گاه

و بگویند کای خدا بشتاب‌بهر ما پیشتر ز روز حساب

أَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُودَ ذَا الْأَيْدِ ۖ إِنَّهُ  
أَوَّابٌ

صبر کن بهر گفته‌ی آنان‌یاد داود دار بنده‌ی‌مان  
توبه گر بود و صاحب نیرو

إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ

رام کردیم کوه را با او  
داشت تسبیح شامگاه و پگاه

وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً كُلٌّ لَّهُ أَوَّابٌ

طیر بودند بهر او همراه

وَشَدَدْنَا مُلْكَهُ ۖ وَعَاتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَفَصَّلَ الْخِطَابِ

ملک او استوار فرمودیم‌حکمت و حکم نیز افزودیم

وَهَلْ أَتَاكَ نَبُؤُا الْحُصَمَىٰ إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ

قصه‌ی شاکیان رسید ترا چون به محراب بر شدند فرا

إِذْ دَخَلُوا عَلَىٰ دَاوُودَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ ۖ قَالُوا لَا تَخَفْ خَصْمَانِ  
بَغَىٰ بَعْضُنَا عَلَىٰ بَعْضٍ فَأَحْكُم بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ  
وَاهْدِنَا إِلَىٰ سَوَاءِ الصِّرَاطِ

چون به داود در شدند آنان‌کرد داود وحشت از ایشان  
پس یکی گفت تو مترس از ماداد خواهیم ما دو تن اینجا  
که یکی ظلم کرد بر دیگرباش بر حق میان ما داور  
و نداری روا ستم بر مابه ره راست باش راهنما

إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً ۖ وَلِيَ نَعْجَةٌ وَاحِدَةٌ  
فَقَالَ أَكْفَلْنِيهَا وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ

هست این آدمی برادر من‌هست میشی برای من یک تن  
نود و نه از آن بود او راگوید آن را بده به من یکجا  
سلطه دارد به گفتگو بر من

قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعَجَتِكَ إِلَىٰ نِعَاجِهِ ۖ وَإِنَّ كَثِيرًا  
مِّنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا  
وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَّا هُمْ ۖ وَظَنَّ دَاوُودُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ  
فَأَسْتَغْفَرَ رَبَّهُ ۖ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ ۝

گفت داود در جواب سخن  
که گرفتست او طریق جفاکه بخواهد یگانه میش ترا  
بسی از هم‌رهان به جمع بشرظلم دارند بهر یکدیگر  
بجز از مؤمن نکو کردار نیست از این گروه هم بسیار  
گشت آگاه آزمایش راکرد غفران طلب ز سوی خدا  
و بیفتاد در رکوع آنگاه و بیامد به جانب الله

فَغَفَرْنَا لَهُ ۖ وَدَلَّكَ ۖ وَإِنَّ لَهُ ۖ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَّعَابٍ

پس ببخشید کردگار او راجای خوبی از اوست نزد خدا

يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَأَحْكُم بَيْنَ  
النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ ۚ  
إِنَّ الَّذِينَ يُضِلُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ۖ بِمَا  
نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ

[و برایش خدا چنین فرمود]‌جانشین منی تو ای داود  
داوری کن به حق خلیق راو مکن پیروی ز راه هوای  
دور دارد تو را ز راه خداو آنکه شد دور از طریق خدا  
پس عذابی شدید هست او رااز فراموشیش به روز جزا

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَطْلًا ذَلِكَ ظَنُّ  
الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ

ما نکردیم خلق ارض و سماو آنچه در بینشان بود بیجا  
این گمانی است بهر آن کفاروای بر کافران ز کیفر نار

أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي  
الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ

مؤمن خوش عمل به نزد خدا با ستمگر برابر است آیا؟  
یا که پرهیزگار شد یکسان؟ با گنه کار در بر یزدان

كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا ءَايَاتِهِ ۖ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو  
الْأَلْبَابِ

این کتاب خجسته را دادیم تا که آیات آن شود تفهیم  
بلکه در آیه‌ها بیندیشند نیز اهل خرد بگیرد پند

وَوَهَبْنَا لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ ءَوَّابٌ

و سلیمان رسید بر داودبنده‌ای خوب و رو به یزدان بود

إِذْ عُرِضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصَّفِينَتِ الْحِيَادِ

چونکه شد عرض عصرگاه بر اواسبهای دونده و نیکو

فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَن ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ  
بِالْحِجَابِ

گفت بگزیده‌ام به یاد خدادوستی را ز نعمت دنیا  
مهر در پشت کوه گشت نهان

رُدُّوهَا عَلَيَّ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ

بار دیگر بگفت با ایشان  
سوی من جمله بازگردانیددست بر یال و ساقشان بکشید

وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَأَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ

آزمودیم ما سلیمان راو به تختش جسد فکند خدا  
پس از آن توبه کرد نزد خدا

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِّنْ  
بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ

که خدایا ببخش جرم مرا  
دولتی کن به من عطا کز پس نیست شایسته بهر حکمش کس  
به یقین این تویی تو بخشنده موهبت می‌دهی به هر بنده

فَسَخَرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ

باد شد رام او که گشت روان‌هر کجا خواست تابع فرمان

وَالشَّيْطِينَ كُلَّ بَنَّاءٍ وَعَوَّاصٍ

نسل شیطان مطیع شد او راگاه غوامص بود و گه بنا

وَعَاخِرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ

و گروهی فتاده در زنجیر[پس بگفتش چنین خدای قدیر]

هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ

یا ببخش این عطا به راه صوابیا نگهدار آن بدون حساب

وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَّعَابٍ

جای خوبی از اوست نزد خداو چه خوب است بازگشت او را

وَأذْكَرَ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ ۗ أَيْ مَسْنَى الشَّيْطَانِ  
بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ

هم ز ایوب عبد من یادآرکه ندا داد جانب غفار  
که فکندست رنج و درد به من دشمن حق و خلق اهریمن

أَرْكُضْ بِرِجْلِكَ ۗ هَذَا مُعْتَسِلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ

گفتمش پس بکوب پا به زمین‌چشمه‌ای هست سر دو هم  
نوشین

وَوَهَبْنَا لَهُمْ أَهْلَهُمْ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا وَذِكْرَىٰ لِأُولِي الْأَلْبَابِ

وَحُذِّ بِيَدِكَ ضِعْفًا فَأَضْرِبْ بِهِ ۖ وَلَا تَحْنُتْ ۗ إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِّعَمَ الْعَبْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ

وَأَذْكُرْ عَبْدَنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولِي الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ

إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ

وَأَنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيَارِ

وَأَذْكُرْ إِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَذَا الْكِفْلِ ۗ وَكُلٌّ مِّنَ الْأَخْيَارِ

هَذَا ذِكْرٌ وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لِحُسْنِ مَّعَابِ

جَنَّتِ عَدْنٍ مُّفْتَحَةً لَهُمُ الْأَبْوَابُ

مُتَّكِعِينَ فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا بِفَلَكَهَةِ كَثِيرَةٍ وَشَرَابِ

وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ الْأَثْرَابِ

هَذَا مَا تُوْعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ

إِنَّ هَذَا لَرِزْقُنَا مَا لَهُ مِنْ نَفَادٍ

هَذَا وَإِنَّ لِلطَّاغِيْنَ لَشَرَّ مَعَابِ

جَهَنَّمَ يَصَلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمِهَادُ

هَذَا فَلْيَذُوقُوهُ حَمِيمٌ وَغَسَّاقٌ

وَعَاخِرُ مِنْ شَكْلِهِۦٓ أَزْوَاجٌ

هَذَا فَوْجٌ مُّقْتَحِمٌ مَّعَكُمْ لَا مَرْحَبًا بِهِمْ ۚ إِنَّهُمْ صَالُوا النَّارِ

قَالُوا بَلْ أَنْتُمْ لَا مَرْحَبًا بِكُمْ ۗ أَنْتُمْ قَدَّمْتُمُوهُ لَنَا فَبِئْسَ الْقَرَارُ

قَالُوا رَبَّنَا مَنْ قَدَّمَ لَنَا هَذَا فَرِدُّهُ عَذَابًا ضِعْفًا فِي النَّارِ

اهل او را خدا به او بخشیدو کسانی چو او بساخت پدید رحمت و پند بود از یزدان بهر اندیشهی خردمندان

و این است که در این آیه میفرماید:

[به زدن خورده بود او سوگندپس بگفتیم بس مباش نژند]
دسته‌ای از گیاه گیر و بزَن نیز سوگند خود بدان مشکن
در همه کار خویش داشت شکیب‌بنده‌ای بود خوب و عبد منیب

و این است که در این آیه میفرماید:

یاد کن از عباد ربّ رحیم همچو اسحاق یا چو ابراهیم
نیز یعقوب جمله با قدرت‌نیز بینا به آیهی رحمت

و این است که در این آیه میفرماید:

و این است که در این آیه میفرماید:

ویژه گشتند بهر یاد معاد

و این است که در این آیه میفرماید:

برگزیده شدند و نیک نهاد

و این است که در این آیه میفرماید:

یسع آور به یاد و اسماعیل‌نیز ذو الکفل [نیکخوی جلیل همه بودند از نکوکاران

و این است که در این آیه میفرماید:

این بود ذکر از سوی یزدان
بازگشتی است خوب آنان را چون بگیرند شیوهی تقوا

و این است که در این آیه میفرماید:

بوستانهای جاودان به جزاست‌باز بر رویشان همه درهاست

و این است که در این آیه میفرماید:

تکیه دارند و از شراب و ثمارمی‌شوند این گروه برخوردار

و این است که در این آیه میفرماید:

نزدشان همسران هشته نگاه‌نیز همسن و سال در همه گاه

و این است که در این آیه میفرماید:

و عده این است بهر روز جزا

و این است که در این آیه میفرماید:

و بر این رزق نیست هدم و فنا

و این است که در این آیه میفرماید:

بازگشت بدی است بر سرکش

و این است که در این آیه میفرماید:

از جهنم بر او رسد آتش
و چه بد بستری است نار جحیم

و این است که در این آیه میفرماید:

هم ز غسّاق می‌چشند و حمیم

و این است که در این آیه میفرماید:

و جز این است گونه‌های دگر[و بگوید بر ایشان داور]

و این است که در این آیه میفرماید:

این گروهی که هست هم‌هتان‌بی‌درودی فتند در نیران

و این است که در این آیه میفرماید:

و بگویند بی‌درود شما داده‌اید این مکان شوم به ما

و این است که در این آیه میفرماید:

ای خدا هر که این رساند به ماتو عذابی دوباره‌اش افزا



وَقَالُوا مَا لَنَا لَا نَرَى رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُمْ مِّنَ الْأَشْرَارِ

هم بگویند آن کسان که شمار داشتیم از جماعت اشرار ما نبینیمشان به روز جزا

۶۳

أَتَّخَذْنَاهُمْ سِخْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمْ الْأَبْصَارُ

چیست از بهر ما و دیده‌ی ما؟  
یا گرفتیمشان به استهزایا که چشمان ما کنند خطا

۶۴

إِنَّ ذَلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ النَّارِ

راست است این سخن که در نیران همستیزی است بین دوزخیان

۶۵

قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنذِرٌ وَمَا مِنِّي إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ

گو منم منذری و نیست خداجز خداوند قاهر یکتا

۶۶

رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ

ربّ ارض و سما و بینهماآن توانا و معصیت بخشا

۶۷

قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ

گو که این آگهی بسی است گران

۶۸

أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ

که از آن گشته‌اند رو گردان

۶۹

مَا كَانَ لِي مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَائِكَةِ الْأَعْلَىٰ إِذْ يَخْتَصِمُونَ

از ملائک به عالم بالانیستم از ستیزشان دانا

۷۰

إِن يُوحَىٰ إِلَيَّ إِلَّا أَنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ

نشود وحی سویم از یزدان‌غیر از اینکه منم نذیر عیان

۷۱

إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَلِيقٌ بَشَرًا مِّن طِينٍ

چون خدا با فرشتگان فرمودبشری از گل آورم به وجود

۷۲

فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُوا لَهُو سَاجِدِينَ

چونکه این طرح آفرید خداروح خود را در او دمید خدا  
[پس خداوند خالق سبحان‌به ملائک بداد این فرمان  
که در آبیید بهر او به سجود

۷۳

فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ

ملک آورد سر به سجده فرود

۷۴

إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ

جز که ابلیس کرد استکبارو از این کار او شد از کفار

۷۵

قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي

گفت ای اهرمن بگو ز چه روسر نیاورده‌ای به سجده فرو  
آنچه با قدرت آفریدم هان‌بهتری یا که برتری به گمان

أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ

۷۶

قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ

گفت من بهترم که خلقت من ز آتش و از گل است او را تن

۷۷

قَالَ فَأَخْرَجُ مِنْهَا فِائِكَ رَجِيمٌ

گفت بیرون رو ای رجیم لعین

۷۸

وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ

تا به روز جزا به تو نفرین

۷۹

قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ

گفت تا حشر زنده‌ام می‌دار

۸۰

قَالَ فِائِكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ

گفت مهلت دهیم بر این کار

۸۱

إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ

نیز وقتی معین است تو را

۸۲

قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ

گفت بر عزتت قسم ربّا  
آدم و آدمی کنم اغوا

۸۳

إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ

غیر از آن بندگان ناب تو را

قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقُّ أَقُولُ

پس از آن گفت قادر اعظم که همین راستست و حق گویم

لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّن تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ

تو و هر کس شود به تو پیرو دوزخ از جملگی کنم مملو

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ

گو که مزد از شما نمی‌جویم و نه این ذکر را ز خود گویم

إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ

این بود ذکر بهر عالمیان

وَلَتَعْلَمَنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ

و بگیرید از او خبر به زمان

صفحه ۱۰

آیه ۷۵

مکی

الزمر: گروه‌ها

۳۹. زمر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

این کتاب است نازل از الله آن خداوند قادر و آگاه

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ  
الدِّينَ

حق فرستاده است بر تو کتاب پیرستش برای دینی ناب

أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا  
نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ  
فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ  
كَفَّارٌ

هان بود دین ناب از آن خدا و گرفتند بر خدا شرکا  
و بگفتند ما چنین شرکامی پرستیم بهر قرب خدا  
حق کند داوری میانه‌ی‌شان آنچه دارند اختلاف ایشان  
به یقین نیست ره‌نما دادار آنکه را هست کاذب و کفار

لَوْ أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا لَأَصْطَفَىٰ مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ  
سُبْحَانَهُ ۗ هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ

گر خدا خواست بهر خویش ولدمی‌گزیند از آنچه می‌آرد  
آن چه را خواست پاک آن دادار و آن خدا هست واحد و قهار

خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ  
وَيُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ ۗ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ۗ كُلٌّ  
يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ۗ هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ

ساخت ارض و سما به حق آن رب می‌برد شب به روز و روز  
به شب  
مهر و مه رام سازد و همگان در زمانی معینند روان  
او تواناست بر همه عالم و ببخشد گناه مردم هم

خَلَقَكُمْ مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَأَنْزَلَ  
لَكُمْ مِّنَ الْأَنْعَامِ ثَمَنِيَّةً أَزْوَاجًا يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ  
أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِّن بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ ذَٰلِكُمْ  
أَللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ

خلق را آفرید از یک جان جفت او را قرار داد از آن  
هم ز انعام هشت زوج نهاد و ز جنین بهر تان تنوع داد  
خلقتی بعد خلقتی دیگر در سه ظلمت برای در مستر  
او خدای شما و رب شماست در جهان ملک سلطنت او راست  
نیست معبود جز خدای جهان به کجا می شوید رو گردان

إِن تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنكُمْ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ  
الْكُفْرَ وَإِن تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ  
أُخْرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ  
تَعْمَلُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

گر چه کافر شوید بهر خدایی نیاز است ربتان ز شما  
نپسندد به بندگان کفران می پسندد برایتان شکران  
و کسی بار دیگری نبرد بازگشت شماست سوی احد  
پس خبر می دهد به کار شما اوست از راز سینه ها دانا

وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ  
نِعْمَةً مِّنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُو إِلَيْهِ مِن قَبْلُ وَجَعَلَ لِلَّهِ  
أُنْدَادًا لِّيُضِلَّ عَن سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ  
مِنَ أَصْحَابِ النَّارِ

چون به انسان رسید رنج و زیان پس بخواند خدای توبه  
کنان  
چون به او نعمتی کنیم عطا برد از یاد آن زیان و دعا  
و شریک آورد برای خدا و بگرداند از طریق هدا  
گو کمی بهره بر تو در کفران که تویی عضو حزب دوزخیان

أَمَّنْ هُوَ قَلْبُكَ عِندَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ  
وَيَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ  
لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ

آنکه در شب بایستد به نماز در سجودش شود به راز و نیاز  
هم هراسان بود ز روز جزا هم امیدش بود به لطف خدا  
گو مساوی شوند دانایان هیچگه با جماعت نادان؟  
[و در این آیه ها که بر تو رسد] متذکر شوند اهل خرد

قُلْ يَاعِبَادِ الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي  
هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ  
أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ

گو که ای بندگان مؤمن ما اهل تقوا شوید بهر خدا  
هر که نیکی کند در این دنیا هست پادشاهی نیک او را  
و زمین خداست پهناور [بهر هجرت روید جای دگر]  
صابران را دهند اجر تمام بی حساب است [بهرشان انعام

قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ

گو که مأمور گشته‌ام ز خداکه عبادت کنم فقط او را  
و کنم ناب بهر خود ایمان

۱۲ وَأُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ

و شوم ز اولین مسلمانان

۱۳ قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

گو که ترسم ز کیفر عقباگر کنم معصیت خدایم را

۱۴ قُلِ اللَّهُ أَعْبُدُ مُخْلِصًا لَهُ دِينِي

گو عبادت کنم برای خدا و کنم ناب بهر او دین را

۱۵ فَأَعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ ۗ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ۗ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ

بپرسید هر چه را خواهیدغیر پروردگار حی مجید  
گر کسی در عناد روز معادهستی خویش و بستگان را داد  
بهر آنان خسارتی است عیان‌گو همین است معنی خسران

۱۶ لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِنَ النَّارِ وَمِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ۗ ذَلِكَ يُخَوِّفُ اللَّهَ بِهِ عِبَادَهُو يَعْبَادِ فَاتَّقُونَ

چتری از آتش است بر سرشان زیرشان نیز چتری از نیران  
بندگان را خدا کند تهدیدبندگان خوب و متقی باشید

۱۷ وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فَبَشِّرْ عِبَادِ

آنکه پرهیز کرد از شیطان‌دور شد از عبادتش [به جهان  
شد منیب خدا لهم بشری‌پس بشارت بده عباد مرا

۱۸ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ ۗ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ ۗ وَأُولَٰئِكَ هُمُ أُولُوا الْأَلْبَابِ

آن کسانی که بشنوند سخن‌پس متابع شوند بر احسن  
بهر آنان بود هدا ز خدااین چنین مردمند اهل دها

۱۹ أَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ أَفَأَنْتَ تُنقِذُ مَنْ فِي النَّارِ

آنکه حق است بهر او کیفرکی توانی رهانی از آذر

۲۰ لَكِنِ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرُفٌ مِنْ فَوْقِهَا غُرُفٌ مَبْنِيَّةٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۗ وَعَدَّ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ

و آنکه شد متقی برای خدا بهر او غرفه‌ایست بس والا  
بر فراز است غرفه‌ها ستوارنیز جاری است زیر آن انهار  
این بود وعده‌ای که یزدان دادنیست حق را خلاف در میعاد

۲۱ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنْبِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيَجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَامًا ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِأُولِي الْأَلْبَابِ

می‌بینی ز رحمت یزدان‌گشت نازل از آسمان باران؟  
در زمین ساخت چشمه‌های روان و برآورد کشتها از آن  
پس به الوان گونه‌گون آوردپس شود گاه خشک و گاهی  
زرد  
پس از آن خرد سازد و در آن‌پندها هست بر خردمندان

أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِّن رَّبِّهِ  
فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِّن ذِكْرِ اللَّهِ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ  
مُّبِينٍ

آنکه بگشود سینه بر اسلام هست بر نور ایزد عالم  
وای بر سنگدل زیاد خدادر ضلال مبین شدست رها

اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُّتَشَبِهًا مَّثَانِيَ تَقْشَعِرُّ  
مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ  
إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَن يَشَاءُ وَمَن  
يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن هَادٍ

حق فرستاد بهترین گفتاردر کتابی شبیهه و با تکرار  
آنکه ترسد ز کیفر یزدان پوست گردد به پیکرش لرزان  
پس کند نرم یاد لطف خدا باطن و ظاهر تن او را  
حق هدایت کند هر آنکو خواست آنکه گمراه کند که  
راهنماست؟

أَفَمَنْ يَتَّقِي بِوَجْهِهِ سُوءَ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَقِيلَ  
لِلظَّالِمِينَ ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ

چه کسی هست آنکه بتوانداز مجازات روی گرداند  
چون بگویند با ستمکاران بچشید آنچه کسب کردید آن

كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَاَتَتْهُمْ الْعَذَابُ مِن حَيْثُ لَا  
يَشْعُرُونَ

پیش از این نیز داشتند انکاربه عذاب خدا شدند دچار  
از محلی که می‌ندانستند [او فتادند از عذاب به بند]

فَأَذَاتَهُمُ اللَّهُ الْحِزْبِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ  
أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

حق چشانیید آن جماعت را خواری زندگانی دنیا  
بدتر از اوست کیفر عقباگر که باشند زان جزا دانا

وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِن كُلِّ مَثَلٍ لَّعَلَّهُمْ  
يَتَذَكَّرُونَ

هر مثل داده‌ایم در قرآن تا بگیرند خلق پند از آن

قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرِ ذِي عِوَجٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ

راست و روشن است این قرآن تا که گردند متقی ایشان

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَّجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَرَجُلًا  
سَلَمًا لِّرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا  
يَعْلَمُونَ

حق مثل می‌زند غلامی را که در او هست دعوی شرکا  
و آنکه را بود یک نفر مولایین دو انسان مساویند آیا؟  
هر چه حمدست هست از یزدان اکثر خلق غافلند از آن

إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ

هم تو هم قوم راست راه زوال

ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عِندَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ

در جزا نزد حق کنید جدال

کیست بدتر به راه جور و جفا؟ ز آنکه بندد دروغ بهر خدا راستی چون به سوی او آید راه تکذیب را ببیماید در جحیم است منزل کفار [چون به آیات داشتند انکار]

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَبَ بِالصِّدْقِ إِذْ جَاءَهُ وَ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ

و آنکه صدق آرد و کند تصدیق اوست پرهیزگار [در تحقیق

وَأَلَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُوْلَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ

هر چه خواهد دهد به او یزدان آن بود اجر بر نکوکاران

لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ

پس بیامرزد ایزد یکتا بدترین کرده‌های آنان را و دهد اجر و مزد روز جزا بهترین کارهای ایشان را

لِيُكَفِّرَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي عَمِلُوا وَيَجْزِيَهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ

نیست آیا خدا به مردم بس؟ که بترساندت ز دیگر کس چه کسی مقتدا و راهنماست آنکه را حق ببرد از ره راست

أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ وَيُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ مِنْ دُونِهِ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ

و آنکه را شد خدای راهنما چه کسی گمراهی دهد او را و خدا قادر است و کینه ستان پس بترس از عقوبت یزدان

وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُضِلٍّ أَلَيْسَ اللَّهُ بِعَزِيزٍ ذِي انْتِقَامٍ

گر بپرسی تو این جماعت را که چه کس آفرید ارض و سما؟ پس بگویند بی‌گمان که خدا گو چه خوانید جز خدا شرکا؟ گر برایم خدای خواست زیان‌کی شوند این گروه مانع آن؟ و خدا خواست رحمتی بر مامی‌کند این گروه سد آیا؟ گو که کافی است بهر ما یزدان می‌سپاریم کار بر رحمان

وَلَيْنَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّيهِ أَوْ أَرَادَنِيَ بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَتُ رَحْمَتِي قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ

گو کنید آنچه در توان شماست می‌کنم نیز من هر آنچه مر است پس به زودی شما شوید آگاه که چه کس را رسد عذاب گناه

قُلْ يَتَقَوْمِ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَمِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ

تا که از این عذاب خوار شود هم بماند بر او عذاب ابد

مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ

إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ

ما فرستاده‌ایم بر تو کتاب‌بهر مردم به راه حق و صواب هر که ره یافت سود بود او را و هر که گمراه شود بر اوست جزا و تو مأمورشان نه ای به هدا[کارشان را سپار سوی خدا]

اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

حق برد جان خلق را به تمام‌ور نمر دست جان کس به منام پس نگه دارد آنچه داد ممات و آن دگر را برد به سوی حیات تا زمان معینی ببرد و آن نشانهاست بهر اهل خرد

أَمْ أُتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ شُفَعَاءَ ۚ قُلْ أُولَٰئِكَ لَا يَمْلِكُونَ شَيْئًا وَلَا يَعْقِلُونَ

یا بگیرند جز خدا شفعاگر چه مالک نیند چیزی را و ندارند هیچ عقل و دها

قُلْ لِلَّهِ الشَّفَعَةُ جَمِيعًا ۖ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

گو شفاعت بود از آن خدا حکم او راست در زمین و سماهم سوی اوست بازگشت شما

وَإِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ ۖ وَإِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ

چون رسد ذکر ایزد یکتا بهر نابوران روز جزا دلشان سخت می‌شود بیزار[چونکه دارند بهر دین انکار] ذکر دیگر چو می‌رسد به میان‌شاد گردند ناگهان آنان

قُلِ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ عَلِيمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِي مَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

گو که ای کردگار ارض و سماای تو از فاش و از نهان دانا تو کنی داوری میان عبادز آنچه در بینشان خلاف افتاد

وَلَوْ أَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ ۖ لَافْتَدَوْا بِهِ ۖ مِنْ سُوءِ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۚ وَبَدَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ

داشت ظالم اگر که ملک زمین‌باز هم داشت ثروتی چون این می‌دهد جمله را به کفاره‌گز عذاب خدا کند چاره می‌شود آشکار بر آنان آنچه قبلا نداشتند گمان

وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ  
يَسْتَهْزِءُونَ

می‌شود جمله آشکار عیان هر گناهی که داشتند آنان  
و آنچه را سخره داشتند ایشان عاقبت می‌رسد به جانبشان

فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مِنَّا قَالَ  
إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ وَعَلَىٰ عِلْمٍ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا  
يَعْلَمُونَ

چون زبانی رسید بر انسان نام حق را بیاورد به زبان  
چون به او نعمتی کنیم عطاگوید این شد ز کردانی ما  
اینهمه آزمون بود او را اکثر خلق نیست ز آن دانا

قَدْ قَالهَا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا  
يَكْسِبُونَ

پیش از این نیز بود این گفتار سود هرگز نبرده‌اند از کار

فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَالَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ هَؤُلَاءِ  
سَيُصِيبُهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ

و بدیهای کارشان دیدند آن کسانی که ظلم ورزیدند  
زود بینند زشتی کردار نرهند از عقوبت دادار

أَوْ لَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ  
فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

می‌دانند هر که را حق خواست‌باب روزی گشود یا زان  
کاست  
به یقین هست بس نشان در آن‌بهر آنان که آورند ایمان

قُلْ يَعِبَادِي الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ  
رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ  
الرَّحِيمُ

گو که ای بندگان افزونکار که به خود بوده‌اید بدکردار  
پس ماباشید هیچ‌گه نومیداز در رحمت خدای مجید  
حق ببخشد همه گناهان را اوست غفار و مهربان به شما

وَأَنبِئُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ  
الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ

بازگردید سوی خالق‌تان نیز تسلیم او شوید به جان  
پیشتر ز آنکه سر رسد کی‌فرو نباشد برایتان یاور

وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ  
يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ

تبعیت کنید احسن را آنچه آمد ز حق برای شما  
پیشتر ز آنکه سر رسد کی‌فرو ندارید از آن عذاب خبر

أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ  
وَإِنْ كُنْتُ لَمِنَ السَّخِرِينَ

[هان مبادا که بعد از این هشدار] کس بگوید فسوس بر من  
زار  
که مقصر شدم به حق خداو به این داشتیم استهزا



أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ

گر خدا بود رهنما ما را بودم امروز پاک و با تقوا

أَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً فَأَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

یا بگوید چنین به وقت عذاب بار دیگر روم به راه صواب

بَلَىٰ قَدْ جَاءَتْكَ آيَاتِي فَكَذَّبْتَ بِهَا وَاسْتَكْبَرْتَ وَكُنْتَ مِنَ الْكٰفِرِينَ

گو که آمد نشانت از دادار کارت انکار بود و استکبار  
کفر ورزیده‌ای به قول خدا

وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ

و ببینی کسان به روز جزا  
که به تکذیب گفته‌ی اله‌روی آن عده گشته است سیاه  
نیست آیا جهنم و آتش‌جا و ماوای مردم سرکش؟

وَيُنَجِّي اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمُ السُّوءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

متقین را خدا رها سازد بفرارشان نیست سوء پیشامد  
و نباشند هیچ‌گه غمگین بلکه شادند در بهشت برین

اللَّهُ خَلِقُ كُلِّ شَيْءٍ ۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ

همه چیز آفرید ربّ جلیل و به هر چیز هم خداست و کیل

لَهُ مَقَالِيدُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۗ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيٰتِ اللّٰهِ اُولٰٓئِكَ هُمُ الْخٰسِرُونَ

هست از او کلید ارض و سما [روزی خلق هست نزد خدا]  
منکران نشانه‌ی یزدان؟ همه هستند از زیانکاران

قُلْ اَفَغَيْرَ اللّٰهِ تَاْمُرُوْنَۙ اَعْبُدُ اَيُّهَا الْجٰهِلُوْنَ

گو پرستم که را بجز یزدان جاهلید ار دهید این فرمان

وَلَقَدْ اَوْحٰى اِلَيْكَ وَاِلَى الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ اَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُوْنَنَّ مِنَ الْخٰسِرِيْنَ

وحی حق بر تو یافتست نزول نیز پیش از تو بوده است  
رسول  
شرک سازد تباہ هر کارت و به خسران کند گرفتارت

بَلِ اللّٰهِ فَاَعْبُدْ وَكُنْ مِنَ الشّٰكِرِيْنَ

حق پرست و گزار شکر خدا

وَمَا قَدَرُوا اللّٰهَ حَقَّ قَدْرِهٖ ۗ وَالْاَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمٰوٰتُ مَطْوِيٰتٌ بِيَمِيْنِهٖ ۗ سُبْحٰنَهُ وَاَعْلٰى عَمَّا يُشْرِكُوْنَ

کس ندانست حق قدرش را  
در کف قدرتش گرفته زمین نیز پیچیده آسمان به یمین  
کار روز قیامت است چنان از چه شرک آورید بر یزدان  
هست یزدان منزّه و والاز آنچه شرک آورید بهر خدا

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ

چون دمیده شود به صور آنجا رود از هوش اهل ارض و سما جز کسی را که خواهد آن داور پس دمیده شود چو بار دگر همگی در زمان شوند به پامتنظر بر حساب روز جزا

وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

ارض روشن شود به نور خدانامهی کارها بود بر جا حاضر آیند هر نبی و شهیدداوری بینشان کنند پدید هست این داوری بحق و به جاو نگردد به خلق جور و جفا

وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ

پس جزا می‌دهند بر اعمال و خدا آگه است از افعال

وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا ۖ حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا فَتَحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا قَالُوا بَلَىٰ وَلَٰكِن حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَىٰ الْكَافِرِينَ

رانده گردند کافران به جحیم‌دسته دسته [در آن شوند مقیم در شود باز چون رسند ایشان پس بگویندشان نگهبانان انبیایی نبودتان آیا؟ که بخوانند آیه‌ها به شما و بیارند بهرتان هشداربهر امروز روز و این دیدار پس بگویند آن گروه چرا و رسد بهر اهل کفر جزا

قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَىٰ الْمُتَكَبِّرِينَ

گفته آید که در شوید به نارجاودانه [که نیست راه فرار] جای گردنکشان بد است آنجاچونکه غرقند در عذاب خدا

وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَىٰ الْجَنَّةِ زُمَرًا ۖ حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلِّمٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ

رانده گردند متقین به جنان‌دسته دسته [همه خوش و شادان در شود باز چون رسند ایشان پس بگویندشان نگهبانان پاک باشید بر شماست درودجاودانه کنون کنید ورود

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعَدَّهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَّبِعُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ ۖ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ

پس بگویند حمد از آن خداستکه به ما داشت وعده‌اش را راست نیز وارث شدیم بهر جهان‌هست دلخواه جایمان به جنان و چه خوب است اجر کارگران که نکوکار بوده‌اند ایشان

وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

و ببینی کنون ملائک راگرد آیند حول عرش خدا و ستایش کنند یزدان رادآوری راست گشت ایشان را و بگویند حمد بر یزدان اوست پروردگار عالمیان

۴۰. غافر

غافر: آمرزنده

مکی

۸۵ آیه

۱۰ صفحه

۱  
حزب  
۱۸۷  
۴۰۴۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
حَم

[ح و میم است رازی از دادار بهر محمود سید ابرار]

۲

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ

این کتاب است نازل از الله آن خداوند قادر و آگاه

۳

غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ

او گنه بخش و اوست توبه پذیر کیفرش سخت و خیر اوست کثیر نیست معبود غیر از آن یکتا بازگردند خلق سوی خدا

۴

مَا يُجَادِلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا يَغْرُرُكَ تَقْلُبُهُمْ فِي الْبَلَدِ

نستیزد در آیه های خدا کس به جز کافران [اهل جفا] نفریبد ترا [چنان آزاد] آمد و رفت کافران به بلاد

۵

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَالْأَحْزَابُ مِنْ بَعْدِهِمْ وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَجَدَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ

قوم نوح و گروه های پسین منکر حق شدند [پیش از این قصد کردند هر یک از آنها که بگیرد پیامبر خود را و جدل کرده اند از باطل که بسازند کار حق زایل ما گرفتیمشان] برای عذاب پس نگه کن چگونه بود عقاب

۶

وَكَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ

گشت محکوم امر بر کفار آنچنانند اهل دوزخ و نار

۷

الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ

حاملان سریر و عرش خدائیز جمع مجاور آنان را حق ستایند از ره ایمان و بخواهند از خدا غفران بهر آنان که مؤمنند به دین سخن این جماعت است چنین که محیط است بر همه اشیا رحمت و علم و حکمتت رباً تائب و تابع ره خود را [از ره لطف خود] گنه بخشا دورشان دار از عذاب جحیم از ره لطف ای خدای کریم

ای خدا این جماعت و آبهمسران گروه و هم ابنا هر که شایسته است در کردارتو به جنات جاودانه در آر وعده دادی چنین تو ایشان راتو توانایی و تویی دانا

رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ عَابَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

و نگهدارشان ز شر و گناه و آنکه را داری از شرور نگاه به یقین مهر و رزیش تو رحیم و همین است لطف و فوز عظیم

وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

کافران را چنین دهند نداخشم حق برتر است از آن شما چون بخواندندتان سوی ایمان از چه بودید جمله در کفران

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنَادُونَ لَمَقْتُ اللَّهِ أَكْبَرُ مِنْ مَقْتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى الْإِيمَانِ فَتَكْفُرُونَ

پس بگویند ای خدا ما را بریدی و باز کرده ای احیا اعتراف آوریم ما به گناه هست آیا خروجی از این راه؟

قَالُوا رَبَّنَا آمَنَّا أَفْتِنَا وَأَحْيَيْنَا أَفْتِنَا فَأَعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِّنْ سَبِيلٍ

[پس ندا می رسد ز ربّ جلیل که بر این کار بوده است دلیل چونکه خواندند ربّ یکتا را راه انکار داشتید شما چونکه بستند شرک بر داور جمله کردید این سخن باور داوری هست این زمان ز خدا او بزرگ است و او بود والا

ذَلِكَ بِأَنَّهُ إِذَا دُعِيَ اللَّهُ وَحْدَهُ كَفَرْتُمْ وَإِنْ يُشْرَكَ بِهِ تَوَمَّنُوا فَاَلْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ

آیتش را نشان دهد به شمارزقتان را بیاورد ز سما و نگیرند پند از اینها جز که روی آورند سوی خدا

هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ آيَاتِهِ وَيُنَزِّل لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ رِزْقًا وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا مَنْ يُنِيبُ

دین خود ناب کن بخوان الله گر چه دارند کافران اکراه

فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ

صاحب عرش آن بلند مقام هر که را خواست از عباد عظام روح خود را در او کند القاتا بترساند از زمان جزا

رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ لِيُنذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ

همه آن روز می شوند عیان نیست چیزی برای حق پنهان چه کس امروز ملک را داراست او خداوند قاهر یکتاست

يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ لَا يَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ لِّمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ

الْيَوْمَ تُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ

این زمان هر که را دهند جز آن بود اجر کارها او را هیچکس را نمیکنند جفا و شتابان بود حساب خدا

وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْأَزْفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَظَمِينَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ

بیمشان ده ز وحشت فردا که رسد جانشان به حنجره‌ها بر ستمکاره نیست یار و شفیع که به حکمش شوند جمله مطیع

يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ

داند او چشمهای دزد کسان و آنچه در سینه می‌کنند نهان

وَاللَّهُ يَقْضِي بِالْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَقْضُونَ بِشَيْءٍ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ

و به حق داوری کند یزدان و ندارند داوری آنان هر که خوانند جز خدا او راحق سمیع است و هم بود بینا

أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَعَآثَارًا فِي الْأَرْضِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ

می‌نگردند و ننگرند آبیاعاقبت چیست پیش از آنان را؟ بس جماعت که از توان و اثر بود از این گروه بس برتر پس خدا برگرفتشان به گناه‌فوق حق نیست بهر خلق پناه

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَكَفَرُوا فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ إِنَّهُ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ

بس رسول و نشانه با آنان آمد و خلق بود در کفران بر گرفت آن گروه حی مجید آن قوی راست پس عذاب شدید

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُبِينٍ

و فرستاده‌ایم بر موسی‌آیه‌ها و دلیل روشن را

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَقُرُونَ فَقَالُوا سَحِرٌ كَذَّابٌ

سوی فرعون پس سوی هامان نیز قارون [با سرو سامان پس بگفتند اوست افسونگرو ببندد دروغ بر داور

فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ وَاسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ وَمَا كَيْدُ الْكٰفِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ

چون به آنان رسید حق از ما پس بگفتند [آن گروه خطا] بکشید از گروه او پسران و گذارید از او به جانسوان و نیاورد حیل‌های کفار غیر گمراهی و تباهی بار

وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَىٰ وَلْيَدْعُ رَبَّهُ ۗ إِنِّي أَخَافُ  
أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ

گفت فرعون وانهید مرا تا که موسی بر من به دار فنا  
و برآرد دعا به رب جلیل ترسم او دیتان کند تبدیل  
یا پدید آورد به ارض فساد [گوید او بهر حق شوید عباد]

وَقَالَ مُوسَىٰ إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا  
يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ

گفت موسی بود پناه به مرا به خدای من و خدای شما  
ز آنکه سرکش بود برای خدا و ندارد یقین به روز جزا

وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ  
رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ  
رَبِّكُمْ ۗ وَإِنْ يَكُ كَاذِبًا فَاعْلَمْتُمُ كَذِبَهُ ۗ وَإِنْ يَكُ صَادِقًا  
يُصِيبُكُمْ بَعْضُ الَّذِي يَعِدُكُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ  
مُسْرِفٌ كَذَّابٌ

ز آل فرعون مؤمنی ایمان داشت از قوم خویشتن پنهان  
گفت آیا کشید مردی را؟ که خدای یگانه خواند خدا  
و نشان آرد از خدای شما گر دروغ آورد بود او را  
ور که صادق بود رسد به شما بعضی از وعده های او ز خدا  
می نیارد خدا به راه صواب قوم اسرافکار و هم کذاب

يَقَوْمَ لَكُمْ الْمُلْكُ الْيَوْمَ ظَهَرِينَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ يَنْصُرُنَا  
مِنْ بَاسِ اللَّهِ إِنْ جَاءَنَا قَالِ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا  
أَرَىٰ وَمَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ

قوم من از شماست ملک امروز بر زمینید این زمان پیروز  
خشم حق گر رسد به جانب ما چه کسی یآوری کند ما را  
گفت فرعون رأی خود را من می کنم پیش چشمتان روشن  
و ندارم برایتان ارشاد جز به راه درست راه رشاد

وَقَالَ الَّذِينَ ءَامَنَ يَقَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِثْلَ يَوْمِ  
الْأَحْزَابِ

گفت مؤمن که بهر من تشویش بر شما هست مثل دورهی  
پیش

مِثْلَ دَابِ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ ۗ وَمَا  
اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعِبَادِ

همچنان قوم نوح و عاد و ثمود و گروهی که بعد از آنها بود  
و نخواهد خدا ستم به عباد [بلکه ظالم به خود کند بیداد]

وَيَقَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ

قوم من هست خوف من به شما آن زمان که به هم دهید ندا

يَوْمَ تُولَّوْنَ مُدْبِرِينَ مَا لَكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ ۗ وَمَنْ  
يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ

آن زمانی که رو بگردانید از کسی نیست بهرتان تأیید  
آنکه گمراه کند خدا او را بهر او نیست هیچ راهنما

وَلَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ مِنْ قَبْلُ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا زِلْتُمْ فِي  
شَكِّ مِمَّا جَاءَكُمْ بِهِ<sup>ط</sup> حَتَّىٰ إِذَا هَلَكَ قُلْتُمْ لَن يَبْعَثَ  
اللَّهُ مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ  
مُرْتَابٌ

:۴۰  
غافر  
۳۴  
/۸۵

یوسف آورد بهر قوم نشان‌پیش از این داشتید شک در آن  
رفت و گفتید بعد از او مرسل نفرستد خدای عز و جل  
آنچنان گمراهی دهد دادار بهر شکاک و بهر افزونکار

الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَتْهُمْ كُتُبٌ  
مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ ءَامَنُوا كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَىٰ  
كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ

۳۵

آنکه دارد جدل به آیت حق و دلیلی نمی‌کند ملحق  
بهر او هست خشم نزد خدائیز آن کس که مؤمن است او را  
آنچنان مهر می‌زند دادار بر دل اهل کبر و هر جبار

وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَهْمَنُ ابْنُ لِي صِرَاحًا لَعَلِّي أَبْلُغُ الْأَسْبَابَ

۳۶

گفت فرعون اینکه ای هامان‌ساز قصری که تا رسم در آن

أَسْبَبَ السَّمَوَاتِ فَأَطَّلَعَ إِلَىٰ إِلَهِ مُوسَىٰ وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ  
كَذِبًا وَكَذَلِكَ زَيْنَ لِفِرْعَوْنَ سُوءَ عَمَلِهِ وَصَدَّ عَنِ  
السَّبِيلِ وَمَا كَيْدُ فِرْعَوْنَ إِلَّا فِي تَبَابٍ

۳۷

راه یابم به بابهای سماییتم آنجا خدای موسی را  
من گمان دارم او بود ناراست‌جرم فرعون کار او آراست  
باز گرداند از طریق هداکاید فرعون کی بود گیرا

وَقَالَ الَّذِينَ ءَامَنَ يَتَّبِعُونَ آهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ

۳۸  
۴۰ ر

گفت مؤمن که می‌کنم ارشادپیروم باش در طریق رشاد

يَقَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ  
الْقَرَارِ

۳۹

قوم من زندگانی دنیا بهره‌های قلیل هست او را  
آخرت هست خانه‌ی جاوید [پس به سودای آخرت باشید]

مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا  
مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ  
يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ

۴۰

بهر هر کس که باشد او بدکار هست پاداش مثل آن کردار  
مؤمنی گر که کار نیکو کردو آن نکوکار بود زن یا مرد  
پس به فردوس بهر اوست قرار می‌رسد رزق او بدون شمار

وَيَقَوْمَ مَا لِيِ ادْعُوكُمْ إِلَى النَّجْوَةِ وَتَدْعُونَنِي إِلَى النَّارِ

قوم من خواستم نجات شما از چه خوانید سوی نار مرا

تَدْعُونَنِي لِأَكْفُرَ بِاللَّهِ وَأُشْرِكَ بِهِ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ  
وَأَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى الْعَزِيزِ الْعَقْرِ

دعوتی سوی کفر و شرک خدا که در آن نیست هیچ علم مرا  
من شما را به حق کنم دعوت سوی آمرزگار با قدرت

لَا جَرَمَ أَنَّمَا تَدْعُونَنِي إِلَيْهِ لَيْسَ لَهُ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا وَلَا  
فِي الْآخِرَةِ وَأَنْ مَرَدَّنَا إِلَى اللَّهِ وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ  
النَّارِ

آنکه دعوت مرا کنید به آن دعوتش هیچ نیست در دو جهان  
هست برگشت ما به سوی خدامسرفان را به دوزخ است  
سرا

فَسَتَذْكُرُونَ مَا أَقُولُ لَكُمْ وَأَفْوِضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ  
بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ

زود یاد آوری کنید آن را که بگویم کنون برای شما  
کار خود را سپرده‌ام به خداحق بود بهر بندگان بینا

فَوَقَّهَ اللَّهُ سَيِّئَاتٍ مَا مَكُرُوا وَحَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ  
الْعَذَابِ

حق نگهداشتت ز مکر پلیدآل فرعون را عذاب رسید

النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ  
أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ

عرضه دارند قوم را بر ناردل صبح روشن و شب تار  
در قیامت شوند هم رهیاب آل فرعون بر اشد عذاب

وَإِذْ يَتَحَاجُّونَ فِي النَّارِ فَيَقُولُ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا  
إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا نَصِيبًا مِنَ النَّارِ

چون جدل می‌کنند بر آتش جمع خواران به فرقه سرکش  
اینکه ما گشته‌ایم تابعان سهم ما را برید از نیران

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُلٌّ فِيهَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ  
الْعِبَادِ

پس بگویند فرقه‌ی سرکش همه هستیم در دل آتش  
که خدا حکم کرد بین عباد [هر که را هر چه بود لایق داد]

وَقَالَ الَّذِينَ فِي النَّارِ لِخِزْنَةِ جَهَنَّمَ ادْعُوا رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ  
عَنَّا يَوْمًا مِنَ الْعَذَابِ

فرقه‌ای کو در آتش است مقیم پس بگویند به خازنان جحیم  
که بخوانید رب که سازد کم‌روزی از این عذاب و این ماتم



قَالُوا أَوْ لَمْ تُكُ تَأْتِيكُمْ رُسُلُكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا بَلَىٰ قَالُوا  
فَادْعُوا وَمَا دَعْتُوا الْكٰفِرِينَ إِلَّا فِي ضَلٰلٍ

پس بگویند که نبود آیات و بینات بهر شما؟  
پس بگویند اهل کفر چرا؟ پس بگویند خود کنید دعا  
و دعا نیست قوم کافر راجز به راه ضلال در عقبا

إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ  
الْأَشْهَادُ

نصرت آریم ما به پیغمبرو آنکه دین و را کند باور  
در همین زندگانی دنیاو گواهان چو می‌شوند به پا

يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعذِرَتُهُمْ وَلَهُمُ اللّٰعَنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ  
الدَّارِ

در چنان روز هر که ظالم بودعذر خواهی از او ندارد سود  
بهرشان هست لعنت یزدان نیز جایی بد است مسکنشان

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى الْهُدٰى وَأَوْرَثْنَا بَنِي إِسْرٰءِیْلَ الْكِتٰبَ

ما هدا داده‌ایم موسی را آل یعقوب راست نامهی ما

هُدٰى وَذِكْرٰى لِأُولِی الْأَلْبٰبِ

بهر اندیشمند ذکر و هداست

فَأَصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ  
رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَرِ

صبر کن هست وعد یزدان راست  
بر گناهت بیار استغفار حمد کن بالعشی و الابکار

إِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي ءَايَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطٰنٍ أَتَتْهُمْ إِنْ  
فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ مَّا هُمْ بِبٰلِغِيهِ فَاَسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ  
هُوَ السَّمِیْعُ الْبَصِیْرُ

آنکه دارد جدل بدون دلیل بهر آیات حق رب جلیل  
نیست در سینه غیر کبر او راتو بیاور پناه سوی خدا  
هست بینا خدا و هم شنوا

خَلَقُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ وَلٰكِنَّ  
أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

آفرینش در این زمین و سما  
هست برتر ز خلقت انسان اکثر خلق هست از آن نادان

وَمَا يَسْتَوِی الْأَعْمٰى وَالْبَصِیْرُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا  
الصَّٰلِحٰتِ وَلَا الْمُسِیءُ قَلِیْلًا مَّا تَتَذَكَّرُونَ

نیست یکسان بصیر و نابینامؤمن خوش خصال و اهل خطا  
و چه بسیار کم ز اهل جهان متذکر شوند از این سخنان

إِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ

به یقین می‌رسد گه محشر نیست از بهر اکثر این باور

وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ

گفت حق سوی من کنید دعواتا اجابت کنم برای شما هر که سرکش شد از عبادت من خوار در دوزخش دهم مسکن

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ

و خدا شب نهاد بهر قرار روشنی بخش خلق کرد نهار و خدا رحمت آورد بر ناس اکثر خلق نیست اهل سپاس

ذَٰلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ خَلِقُ كُلِّ شَيْءٍ لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَآَنَىٰ تُؤَفَّكُونَ

همه چیز آفرید ربّ شمانیست معبود غیر آن یکتا منحرف می‌شوید سوی کجا؟ [روی آرید بر طریق هدا]

كَذَٰلِكَ يُؤَفِّكُ الَّذِينَ كَانُوا بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ

و آنچنان منحرف شدند از آن منکران نشانه‌ی یزدان

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ قَرَارًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ ذَٰلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ

حق زمین را نهاد بهر قرار آسمان را فکند پی ستوار بهرتان ساخت بهترین صورت رزفتان پاک داد [از رحمت بس خجسته است ایزد سبحان اوست پروردگار عالمیان

هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

او بود حی و نیست غیر خدا خالق سویش آورید دعا ناب سازید بهر او ایمان حمد هست از خدای عالمیان

قُلْ إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَمَّا جَاءَنِيَ الْبَيِّنَاتُ مِنْ رَبِّي وَأُمِرْتُ أَنْ أُسْلِمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ

گو مرا نهی کرد آن یکتا که نیارم برای حق شرکا چونکه از حق به من رسید نشان نیز دارم ز سوی حق فرمان که مسلمان شوم من از دل و جان بهر پروردگار عالمیان

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تَرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ  
ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا  
شُيُوخًا وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى مِنْ قَبْلٍ<sup>ط</sup> وَلِتَبْلُغُوا أَجَلًا مُّسَمًّى  
وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ<sup>ط</sup> فَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ  
كُنْ فَيَكُونُ

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ أَنَّىٰ يُصْرَفُونَ

الَّذِينَ كَذَّبُوا بِالْكِتَابِ وَبِمَا أَرْسَلْنَا بِهِ<sup>ط</sup> رُسُلَنَا فَسَوْفَ  
يَعْلَمُونَ

إِذِ الْأَغْلُلُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَالسَّلْسِلُ يُسْحَبُونَ

فِي الْحَمِيمِ ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ

ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ أَيِنَّا مَا كُنْتُمْ تُشْرِكُونَ

مِنْ دُونِ اللَّهِ<sup>ط</sup> قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا بَلْ لَمْ نَكُنْ نَدْعُوا مِنْ  
قَبْلُ شَيْئًا كَذَلِكَ يَضِلُّ اللَّهُ الْكَافِرِينَ

ذَٰلِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا  
كُنْتُمْ تَمْرَحُونَ

أَدْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا<sup>ط</sup> فَبئسَ مَثْوًى  
الْمُتَكَبِّرِينَ

فَأَصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ<sup>ج</sup> فَإِنَّمَا نُرِيكَ<sup>ط</sup> بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ  
أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ<sup>ج</sup> فَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ

اوست کو آفریدتان از خاکپس از آنهم ز نطفه‌ای [ناپاک  
پس از آن خون بسته در زهدان‌پس به طفلی برون شدید  
از آن  
پس از آن می‌رسید تا به کمال‌بعد از آن هم کهن شوید به  
سال  
پیش از این بعضتان رود ز جهان و شما را مشخص است  
زمان  
شاید ای مردمان بیندیشید] که شما را خدای ساخت پدید

او کند زنده و بمیراند] کار مرگ و بقا بگرداند]  
چون مقرر کند خدای احدپس بگوید که باش پس باشد

می‌بینی مجادلان نشان‌به کجا می‌شوند رو گردان؟

منکران رسول وحی و کتاب‌زود دانند] از جزا و عذاب

هست زنجیر و غل به گردنشان و چنین بار می‌کشند ایشان

می‌برند این گروه در جوشاب‌بعد از آنهم به آتشند کباب

پس بگویندشان که هست کجا؟ آنچه معبود بود غیر خدا

پس بگویند گم شدند از مایا نخواندپیشان خدا ابادا  
آنچنان می‌کند خدا گمراه‌کافران را] به کار شرک و گناه

[پس ندا می‌رسد ز حی مجید] این بود ز انکه شادمان بودید  
ناروا در زمین بیاسودیدگرم سرگرمی و طرب بودید

پس در آیین جاودان در نارسرکشان را بد است جای قرار

صبر کن راستست وعد خدا] آنچه بر کافران دهیم جزا]  
گر بینی تو پاره‌ای ز وعیدکه به ایشان دهیم گشته پدید  
یا که بیرون بریمت از دنیا هست برگشتشان به جانب ما

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَّن قَصَصْنَا عَلَيْكَ  
وَمِنْهُمْ مَّن لَّمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ  
بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ قُضِيَ بِالْحَقِّ وَخَسِرَ  
هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ

:۴۰  
غافر  
۷۸  
/۸۵

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَنْعَامَ لِتَرْكَبُوا مِنْهَا وَمِنْهَا  
تَأْكُلُونَ

۷۹  
۴۱۲

وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَلِتَبَلَّغُوا عَلَيْهَا حَاجَةً فِي صُدُورِكُمْ  
وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ

۸۰

وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَأَيَّ آيَاتِ اللَّهِ تُنْكِرُونَ

۸۱

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ  
مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً وَعَآثَارًا فِي الْأَرْضِ  
فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

۸۲

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرِحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِّنَ  
الْعِلْمِ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ

۸۳

فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا  
بِهِ مُشْرِكِينَ

۸۴

فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا سُنَّتَ اللَّهُ الَّتِي قَدْ  
خَلَتْ فِي عِبَادِهِ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ

۸۵

پیش از تو ز سوی حی جلیل‌بس پیمبر که گشته است  
گسیل  
بعضشان بر تو داشتیم عیان‌پاره‌ای را نکرده‌ایم بیان  
می‌نیارد رسول هیچ نشان‌جز به اذن خدای عالمیان  
داوری می‌شود میان بشرچون رسد حکم از سوی داور  
و به آنان رسد بسی خسران‌که روانند در ره بطلان

چارپا آفرید بهر شمایهر اکل و سواری از آنها

هم از آن سودها برای شماست‌هم رسیدن از آن به  
حاجت‌هاست  
و به کشتی و آن شوید سوار[تا شما را برد به بر و بحار]

آیه‌ها را نشان دهد دادارپس کدام آیه را کنید انکار؟

می‌نگردند در زمین آیا؟ پس ببینند عاقبت‌ها را  
بس که بودند بیشتر زیشان‌نیز برتر به قدرت و به نشان  
هر چه از کارهای آنان بودیهر آنان نداشت هرگز سود

چون رسل بهرشان نشان آوردقوم بر علم خویش نازش کرد  
عاقبت شد محیط آنان را آنچه را داشتند استهزا

چونکه بینند انتقام مراباور آرند آن زمان به خدا  
و بگویند نیست باور ما آنچه از شرک داشتیم روا

ندهد سود بهرشان ایمان‌چونکه دیدند قهر از یزدان  
بود این سنت خدا به عبادکافر آنگاه هستی از کف داد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
حَم

۱  
۴۱۳

[حا و میم است راز حی حکیم]

تَنْزِيلٌ مِّنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۲

نامه از سوی خیر بخش رحیم

كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ وَ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

۳

نامه از آیه‌ها شد دست بیان به زبان عرب به دانایان

بَشِيرًا وَنَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ

۴

ز آن بشیر و نذیر اکثرشان نشنوند و شوند رو گردان

وَقَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكِنَّةٍ مِّمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ وَفِي آذَانِنَا وَقْرٌ  
وَمِنْ بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ فَأَعْمَلْنَا إِنَّنَا عَمِلُونَ

۵

و بگفتند قلب ماست نهان از آنچه دعوت کنیدمان سوی آن  
گوشه‌مان به اوج سنگینی بینمان پرده‌ای [ز بد بینی  
تو به دستور خالقت کن کار ما مطیع خودیم در کردار

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ  
وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ ۗ وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ

۶

گو منم آدمی به مثل شما می‌شود وحی سوی من ز خدا  
که خدای شما بود یکتا کار خود راست دار بهر خدا  
و بخواهید از خدا غفران‌وای بر مشرکان بی‌ایمان

الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ

۷

که زکاتی نمی‌کنند ادا و همه کافرند بر عقبا

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ

۸

به یقین صالحان با ایمان بهرشان هست اجر بی‌پایان

قُلْ أُنَبِّئُكُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ  
وَ تَجْعَلُونَ لَهُ وَاٰنَادًا ۚ ذٰلِكَ رَبُّ الْعٰلَمِيْنَ

۹  
حزب  
۱۹۱  
۴۱۴گو اگر منکری به آنکه زمین آفریدست در دو روز چنین  
نیز همتانهد با یزدان اوست پروردگار عالمیان

وَجَعَلَ فِيهَا رَواسِيَ مِّن فَوْقِهَا وَبَرَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا  
أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّالِيْنَ

۱۰

و نهادست کوهها بر آن و در او خیرها بساخت نهان  
رزقها زو مقدر است در آن وقت او در چهار روز زمان  
بهر درخواست آوران یکسان مهربان است بهرتان یزدان

ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ  
أُتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ

۱۱

کرد آهنگ آسمان چو ودودبه زمین و سما چنین فرمود  
خواه ناخواه در وجود آید پس بگفتند آمدیم مرید

فَقَضَلَهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ  
أَمْرَهَا وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ  
الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ

کرد هفت آسمان دو روز ایجاد امر خود را به هر سپهر بداد  
جلوه دادم سپهر دنیا را با چراغ و بدارم آنها را  
آن بود کار ایزد دانا و حسابی دقیق هست آن را

فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنْذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مِثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ  
وَتَمُودَ

رویگردان شوند اگر از ماگو که من بیم می‌دهم به شما  
آورم تندری به قوم فرودتندری همچو ز آن عاد و تمود

إِذْ جَاءَتْهُمْ الرُّسُلُ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا  
تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ قَالُوا لَوْ شَاءَ رَبُّنَا لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً فَإِنَّا بِمَا  
أُرْسِلْتُمْ بِهِءٍ كَافِرُونَ

گفته‌اند انبیا ز پیش و ز پس که بجز حق مباح عابد کس  
پس بگفتند خواهد ار که خداملک آید فرو به جانب ما  
کافریم آنچه هست امر شماکه فرستندتان [ز سوی خدا]

فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ  
مِنَّا قُوَّةً أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ  
قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ

ناروا عاد کرد استکبار در زمین وین چنین شدش گفتار  
ما تواناتریم در هر جامی‌ندیدند از چه کار خدا  
که خدا آفرید ایشان را اوست برتر ز جملگی به قوا  
داشتند آیه‌های حق انکار

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ نَحْسَاتٍ لِنُذِيقَهُمْ  
عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَخْزَىٰ  
وَهُمْ لَا يَنْصَرُونَ

پس فرستاد مرصری دادار  
روزهایی که بهرشان شد شوم می‌چشیدند کیفری ز سموم  
این عذاب است خواری دنیا بعد از اینهاست کیفر عقبا  
و ندارند یاوری آنجا [هان بترسید از عذاب خدا]

وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ  
فَأَخَذَتْهُمُ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

بهر قوم تمود بود هدا خود مرجح شناخت عمیا را  
تندری از عذاب ذلت‌بار همه را برگرفت ز آن کردار

وَنَجَّيْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ

دسته‌ی مؤمنان با تقوا همگی را نجات داد خدا

وَيَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ

دشمنان خدا چو گرد آیند به سوی نار مدتی پایند

حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَرُهُمْ  
وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

پس شود چشم و گوش و پوست گواه کارشان را چو  
می‌رسند از راه

وَقَالُوا لَجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

پس بگویند بهر پوست چرا؟ تو گواهی دهی مقابل ما گوید ایزد کند مرا گویا آنکه گویا کند همه اشیا اولین بار نیز کرد پدیدسوی او جمله باز می‌گردید

وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَتِرُونَ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَا أَبْصَرُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ وَلَكِنْ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِمَّا تَعْمَلُونَ

می‌نکردید هیچ پوشیده‌که گواه شما شود دیده یا گواهان ز گوش یا ز جلودبلکه بهر شما گمان این بود که نباشد خدایتان دانا از بسی کارهای زشت شما

وَذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرَدْتُمْ أَنْ تُصَبِّحْتُمْ مِنَ الْخُسْرَيْنِ

بهر حق چونکه داشتید گمان اوفتادید در ره خسران

فَإِنْ يَصْبِرُوا فَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ وَإِنْ يَسْتَعْتِبُوا فَمَا هُمْ مِنَ الْمُعْتَبِينَ

گر بگیرند راه صبر و شکیب‌بهرشان نار دوزخ است نصیب و ر بگیرند راه عذر آنجانپذیرند عذر ایشان را

وَقَيَّضْنَا لَهُمْ قُرَنَاءَ فَزَيَّيْنُوا لَهُمْ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمِّرٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ

بهرشان ساختیم یار قرین‌که کند کار زشتشان تزیین ز آنچه از پیش روی و از پس سرداشتند آن کسان ز فتنه و شر شد محقق او امر داورپیش از آنان ز نوع جن و بشر و فتادند جمله در خسران پند گیرید از ره دگران

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَبُونَ

کافران گفته‌اند ای یاران‌مسپارید گوش بر قرآن و در آن یاوه‌ها کنید به پاتا که غالب شوید جمع شما

فَلَنذِيقَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا عَذَابًا شَدِيدًا وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ

بچشانیم ما بر این کفار از عذاب شدید بر کردار و جزا می‌دهیم آنان رابدترین کارهای ایشان را

ذَلِكَ جَزَاءُ أَعْدَاءِ اللَّهِ النَّارُ لَهُمْ فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ جَزَاءُ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ

آن مجازات دشمنان خداست آتشی جاودان به دار بقاست به مجازات می‌شوند دچارز آنکه آیات ما کنند انکار

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّنَا أَرِنَا الَّذِينَ أُضْلَلْنَا مِنَ الْجِنِّ وَالنَّاسِ نَجْعَلُهُمَا تَحْتَ أَقْدَامِنَا لِيَكُونَا مِنَ الْأَسْفَلِينَ

پس بگویند کافران رب‌احالیا آن کسان به ما بنما که از آنان شدیم ما گمراه‌هر که باشد ز جن و انس [تباه زیر پا می‌نهییم آنان راپست سازیم جمع ایشان را

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ  
الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ  
تُوعَدُونَ

آن کسانی که گفته‌اند خدا هست پروردگار ما و شما  
پایداری سپس کنند در آن‌پس ملک آید [و بگویدشان  
که باشید هیچ‌گه ترسان و مبدا غمی به خاطر تان  
بر شما این زمان بشارت بادیه بهشتی که حق نویدش داد

نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا  
مَا تَشْتَهُي أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ

هست ربّ جهان ولی شما هم به دنیا و هم گه عبقا  
هر چه خواهید می‌شود حاضر و آنچه دارید سوی او خاطر

نُزُلًا مِّنْ غَفُورٍ رَّحِيمٍ

میهمانی است ز آن غفور رحیم بهر آن بنده‌ی به حق تسلیم

وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ  
إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ

کیست برتر به راه قول و دعا؟ ز آنکه دعوت کند به سوی  
خدا  
عملش نیک باشد و به زبان می‌خواند خود از مسلمانان

وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ  
فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ

کار زشت و نکو نشد یکسان‌کار بد را به کار نیک بران  
آنکه بوده است با تو خصم قدیم می‌شود زین رویه یار حمیم

وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ  
عَظِيمٍ

می‌دهند این مقام و خیر سترگ‌صابری را که داشت سهم  
بزرگ

وَأَمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ  
السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

گر که وسواسی آید از شیطان‌پس پناه آر جانب یزدان  
که خدا هست بر همه دانابشود او ز هر کجاست ندا

وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا  
لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنْتُمْ  
إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ

روز و شب مهر و مه نشانه‌ی اوسر به شمس و قمر میار فرو  
سجده آرید سوی خالقشان‌گر پرستش کنید بر یزدان

فَإِنْ اسْتَكْبَرُوا فَالَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ  
وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْأَمُونَ ۝

گر تکبر کنند در این کار خلق نزدیک خالق غفار  
می‌ستایند روز و شب یزدان و نگرند هیچ رنجه از آن



وَمَنْ ءَايَاتِهِ أَنْتَ تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا  
الْمَاءَ أَهْتَزَّتْ وَرَبَّتْ إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا لَمُحِي الْمَوْتِ إِنَّهُ  
عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

از نشانه‌های حق یکی است همین‌که فسرده است و مرده  
است زمین  
چون فرستیم بهر آن باران‌جنبد و کشتزار روید از آن  
آنکه این مرده را کند احیایم‌کند زنده مرده‌های شما  
به همه چیز قادر است خدا [بلکه قدرت فقط بود او را]

إِنَّ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي ءَايَاتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَا أَفَمَنْ يُلْقَىٰ  
فِي النَّارِ خَيْرٌ أَمْ مَنْ يَأْتِي ءَامِنًا يَوْمَ الْقِيَمَةِ اعْمَلُوا مَا  
شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

آنکه کجرو بود در آیه مانیست کارش نهان به نزد خدا  
آنکه را افکنند در نیران و آنکه دارد به آخرت ایمان  
گو کدام است به به نزد شما؟ آنچه خواهید آورید اینجا  
به یقین هست قادر یکتا بر همه کارهایتان بینا

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ

گر که بر ذکر آورند انکار چونکه آمد ز جانب دادار  
[مزد انکار خویش را بینند] به یقین نامه‌ای است نیرومند

لَا يَأْتِيهِ الْبَطْلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّنْ  
حَكِيمٍ حَمِيدٍ

باطل از پیش و پس نبود او رانازل است از ستوده‌ی دانا

مَا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِن قَبْلِكَ إِنَّ رَبَّكَ  
لَذُو مَغْفِرَةٍ وَذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ

آنچه گویند یاوه بر تو کسان رسل پیش دیده‌اند همان  
هست پروردگار تو غفار و الیم است کیفر جبار

وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ ءَايَاتُهُ  
وَءَاخِرُهَا وَعَرَبِيٌّ قَلٌ هُوَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا هُدًى وَشِفَاءٌ وَالَّذِينَ  
لَا يُؤْمِنُونَ فِي ءَاذَانِهِمْ وَقُرٌّ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَٰئِكَ  
يُنَادُونَ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ

عجمی بود اگر که این قرآن می‌بگفتند [مردمان جهان  
آیه‌هایش چرا نگشته عیان؟ عجمی و جماعت عربان  
گو که آن هست بهر با ایمان هم شفا هم هدایت از رحمان  
و آن کسان که نیاورند ایمان هست ثقلی به گوششان پنهان  
گو همان کوری است آنان را گویی از دورشان دهند ندا

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ  
سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقَضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ

ما بدادیم نامه با موسی‌پس در آن اختلاف شد پیدا  
گر نمی‌بود گفته‌ی یزدان‌داوری بود در میانه‌ی شان  
و هنوزند آن کسان در شک که در آن بدگمانی است کمک

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا وَمَا رَبُّكَ  
بِظَلَمٍ لِّلْعَبِيدِ

صالحان راست سود کار نکوو آنکه بد کرد می‌رسد بر او  
و خدای جهان برای عباد برنگیرد طریقه‌ی بیداد

إِلَيْهِ يُرَدُّ عِلْمُ السَّاعَةِ وَمَا تَخْرُجُ مِنْ ثَمَرَاتٍ مِنْ  
أَكْمَامِهَا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَيَوْمَ  
يُنَادِيهِمْ أَئِنَّ شُرَكَاءِي قَالُوا ءَاذَنْتَكَ مَا مِنَّا مِنْ شَهِيدٍ

علم روز جزاست ز آن علم میوه بیرون نیاید از اکمام  
ماده را نیست کار حمل چنین نهد بار خویش را به زمین  
جز به علم خدای بی‌همتا [نیست کس از دقایقش دانا]  
چون ندا می‌رسد ز سوی خدا که کجایند بهر من شرکا؟  
پس بگویند مردمان آنگاه گفته بودیم نیستیم گواه

گم شود آنچه خوانده‌اند آنان و مغری نمی‌کنند گمان

وَضَلَّ عَنْهُمْ مَّا كَانُوا يَدْعُونَ مِنْ قَبْلُ وَظَنُوا مَا لَهُمْ مِنْ  
مُحِيسٍ

لَا يَسْتَمُ الْإِنْسَانُ مِنْ دُعَاءِ الْخَيْرِ وَإِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ فَيَئُوسٌ  
قَنُوطٌ

نشود رنج کس ز حسن دعا چون رسد شر به خلق نیست  
رجا

وَلَيْنِ أَذَقْنَهُ رَحْمَةً مِنَّا مِنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ مَسَّتْهُ لَيَقُولَنَّ هَذَا  
لِي وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِنْ رُجِعْتُ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّ لِي  
عِنْدَهُ لَلْحُسْنَىٰ فَلَنُنَبِّئَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا عَمِلُوا  
وَلَنَذِيقَنَّهُمْ مِنَ عَذَابٍ غَلِيظٍ

چون ببینند رحمت یزدان بعد از آنکه که دیده‌اند زیان  
پس بگویند این لیاقت ماست که بداند قیامت بر پاست؟  
و اگر هم رویم نزد خدازند او اجرتی بود ما را  
بهر کفار می‌کنیم بیان هر چه انجام داده‌اند آنان  
و چشانیمشان هم از کیفر کیفری بس شدید و رنج آور

وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَىٰ الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَسَىٰ بِنِعْمَتِنَا إِذَآ مَسَّهُ  
الشَّرُّ فُذُو دُعَاءِ عَرِيضٍ

چونکه نعمت دهیم بر آنان از خدا می‌شوند رو گردان  
چونکه شری رسد به جانبشان پس از آن بس دعا کنند آنان

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ثُمَّ كَفَرْتُمْ بِهِ مِنْ  
أَضَلُّ مِمَّنْ هُوَ فِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ

این سخنها اگر بود ز خدا و شما کافرید اینها را  
کیست گمراه‌تر به راه خطا آنکه دارد مخالفت به خدا

سَرِيهِمْ ءَايَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ  
الْحَقُّ أَوْ لَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

می‌نمایمشان نشانها را گاه جانها و گه کرانها را  
تا شود آشکار بهر کسان اینکه حق است کردگار جهان  
نیست کافی خدای تو آیا؟ که به هر کار و چیز اوست گواه

أَلَا إِنَّهُمْ فِي مِرْيَةٍ مِّنْ لِّقَاءِ رَبِّهِمْ ءَلَا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ  
مُّحِيطٌ

شک کنند از لقای آن یکتا و محیط است بر همه اشیا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱  
۴۱۹۲

حَم

عَسَقَ ۲

و

كَذَلِكَ يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكَ اللَّهُ الْعَزِيزُ  
الْحَكِيمُ ۳

لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ۴

تَكَادُ السَّمَوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِن فَوْقِهِنَّ ۚ وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ  
بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَن فِي الْأَرْضِ ۗ أَلَا إِنَّ اللَّهَ هُوَ  
الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ۵وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ اللَّهُ حَفِيظٌ عَلَيْهِمْ وَمَا  
أَنْتَ عَلَيْهِم بِوَكِيلٍ ۶وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ  
حَوْلَهَا وَتُنذِرَ يَوْمَ الْجُمُعِ لَا رَيْبَ فِيهِ ۚ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ  
وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ ۷وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَٰكِن يُدْخِلُ مَن يَشَاءُ  
فِي رَحْمَتِهِ ۗ وَالظَّالِمُونَ مَا لَهُم مِّن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ۸أَمْ اتَّخَذُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ ۗ فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ وَهُوَ يُحْيِي  
الْمَوْتَىٰ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۹وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِن شَيْءٍ ۖ فَحُكْمُهُ ۗ إِلَى اللَّهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ  
رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ ۱۰  
۴۲۰۲حا و میم است و عین و سین و قاف رازی از حق و هیچ  
نیست خلافبر تو وحی است و انبیای قدیم از خدایی که قادر است و  
حکیمهست از او آنچه در زمین و سماست و خدا بس بزرگ و بس  
والاستهست نزدیک کآسمان جهان بشکافد [ز گفته‌ی آنان  
هر ملک در ستایش یزدان خواهد از کردگار خود غفران  
بهر اهل زمین از این گفتار حق بود مهربان و هم غفارهر که گیرد ولی بجز رحمان پس مراقب بود بر او یزدان  
تو وکالت نمی‌کنی او را [کار او را سپار سوی خدا]وحی کردیم بهر تو قرآن به زبان عرب شدست بیان  
تا بترسانی [از عذاب فزون اهل امّ القرا و پیرامون  
تا دهی بیمشان ز روز جزا که در آن شک و شبهه نیست روا  
هم در آن عده‌ای بود به جنان هم گروهی در آتش سوزانگر که می‌خواست قادر داناهمه بودند امتی یکتا  
هر که را خواست رحمت است او رانیست یار و ولی به اهل  
جفابس ولی جز خداست آنان را؟ در حقیقت ولی است آن یکتا  
و خدا زنده می‌کند مردارو همو قادر است بر هر کارآنچه دارید اختلاف در آن داندش حکم کردگار جهان  
کار خود را سپرده‌ام به خدا بازگردم به سوی آن یکتا

فَاطِرُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ  
أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّوكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ  
شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ

آفریده است این زمین و سما ساخت او جفت از برای شما  
هم ز انعام نیز جفت آوردو از آن نسل خلق افزون کرد  
همچو او نیست در همه اشیاوست بینا و او بود شنوا

لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ  
وَيَقْدِرُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

بهر یزدان کلید ارض و سماسترزق افزون کند به هر کس  
خواست  
نیز از هر که خواست روزی کاستبر همه چیزها خدا  
دانااست

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا  
إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا  
الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ  
إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَن يُنِيبُ

بهرتان دین نهاد و توصیه کرد آنچه را بر رسول وحی آورد  
همچو موسی و نوح و ابراهیم نیز عیسی رسول حی عظیم  
تا به هر جای دین به پا داریدو نیارید اختلاف پدید  
هست بر مشرکان ثقیل و گران آنچه خوانید خلق را سوی آن  
آنکه را خواست برگزید خداتائبان را خداست راهنما

وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعِيًا بَيْنَهُمْ وَلَوْلَا  
كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى لَّفَقَضَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ  
الَّذِينَ أُوْرثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ

چونکه دانش به سویشان برسیدپس ره اختلاف گشت پدید  
گر نمی بود حکم پیش خداوری بود بینشان ز جفا  
بعد از آن قوم وارثان کتاب همه گشتند بهر حق مراتب

فَلِذَلِكَ فَادَعُ وَاَسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ  
ءَامَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأَمَرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ  
اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَلْنَا وَلَكُمْ أَعْمَلَكُمْ لَا حُجَّةَ  
بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ

دعوتی آر و شو بر آن ستوارز آنکه مأمور گشتی از دادار  
و مشو پیرو هوای کسان و بگو هست بهر من ایمان  
آنچه در این کتاب یزدان داد نیز مأمور گشته ام بر داد  
و خدا هست رب ما و شماکار هر کس بود همان کس را  
دشمنی نیست در میانهی جامع و برگشت ماست سوی خدا

وَالَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا أَسْتَجِيبَ لَهُمْ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةً عِنْدَ رَبِّهِمْ وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ

آن کسانی که می‌کنند جدل در وجود خدای عزّ و جلّ بعد از آنکه که داشتند قبول حکمشان نیست نزد حق مقبول بهرشان خشم هست از یزدان و عذابی شدید [در نیران

اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ

داد حق این کتاب را میزان و قیامت قریب باشد همان

يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ أَلا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ

در شتابند قوم بی‌باور [بهر دیدار عرصه‌ی محشر] در هراسند مؤمنان ز جزاقی بدانند جملگی آن را و آنکه دارد به یوم دین تردیده‌ست گمراه و در ضلال بعید

اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ

بندگان را خدا عطا بخشاست می‌دهد رزق هر که را حق خواست اوست در دو جهان قوی و عزیز نیز او قادرست بر هر چیز

مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ ۖ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ

هر که خواهد زراعت عقبا ما فزاییم کشته‌ی او را و هر که خواهد زراعت دنیا ما همان خیر می‌دهیم او را و ندارد نصیب روز جزا [پس بخواهید بهره‌ی عقباً]

أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنَ بِهِ اللَّهُ ۗ وَلَوْلَا كَلِمَةُ الْفَصْلِ لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

آن بتان ساختند دین آیا؟ بهر آنان بدون اذن خدا گر نمی‌بود حرف قطعی مایبشتر بود کیفر آنان را بهر هر فرقه‌ی جفا گسترکیفری هست سخت دردآور

تَرَى الظَّالِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا وَهُمْ وَقَعُ بِهِمْ ۗ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۗ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ

بیمناکند ظالمان از کارهم به کیفر شوند زود دچار لیک شایستگان با ایمان جایشان هست در نعیم جنان و آنچه خواهند می‌رسند به آن و آن ز حق فضل و رحمتی‌ست گران

ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا  
الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي  
الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ  
غَفُورٌ شَكُورٌ

می‌دهد مژده بنده را دادار آنکه را مؤمن است و نیکوکار  
گو خواهیم اجرتی بر آن‌جز مودت برای نزدیکان  
هر که انجام داد کار نکومی‌فزاییم خیر را بر او  
به یقین هست ربّ ما غفار و هم از بندگان سپاسگزار

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَإِنْ يَشِئِ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلَىٰ  
قَلْبِكَ وَيَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ  
عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

این سخن خوانده‌اند کذب آیا؟ یا بود افترا برای خدا  
گر بخواهد خدا [شود مانع بر دلت مهر می‌زند] قاطع  
محو سازد خدای باطل را و محقق شود کلام خدا  
او هم از راز سینه‌هاست خبیر

وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ  
وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ

بندگان را هم اوست توبه‌پذیر  
او ببخشد ز بنده جرم و گناه و هم از کارتان بود آگاه

وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُمْ  
مِّنْ فَضْلِهِ ۗ وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ

می‌پذیرد دعایش آن غفار هر که مؤمن شد و نیکوکار  
هم فزاید ز فضل بر آنان و به کافر رسد عذاب گران

وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِن  
يُنزِلُ بِقَدَرٍ مَّا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ

گر فزاید خدا به رزق عباددر زمین می‌کنند جور و فساد  
پس فرستد به قدر آنچه که خواست‌بیند و بر عباد خود  
دانااست

وَهُوَ الَّذِي يُنزِلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ  
وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ

می‌فرستد ز آسمان باران چونکه نومید گشته‌اند از آن  
گسترده فضل و رحمت خود راهم ولی است و هم حمید خدا

وَمِنْ ءَايَاتِهِ خَلْقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِنْ  
دَابَّةٍ ۗ وَهُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ

زو نشان است خلق ارض و سماو آنچه جنبنده است در  
آن‌ها  
او تواناست تا که گرد آردهمه را گر که خواست حی احد

وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا  
عَنْ كَثِيرٍ

هر مصیبت که شد برای شماست محصول کارهای شما  
بگذرد از بسی گناه و خطا

وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ ۗ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ  
مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ

توانید از او رهید شما  
در جهان غیر کردگار قدیر نیست بهر شما ولی و نصیر

وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ

از نشانه‌های اوست در دریاچون جبالی به جلوه کشتیها

۳۳

إِنْ يَشَأْ يُسْكِنِ الرِّيحَ فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَلَى ظَهْرِهِ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ

خواهد ار باد را کند ساکن‌روی یم فلکها کند ساکن  
به یقین بس نشانه است در آن‌هر که دارد ز صبر و شکر  
نشان

۳۴

أَوْ يُوقَهُنَّ بِمَا كَسَبُوا وَيَعْفُ عَنْ كَثِيرٍ

گاه کرد از جفایشان نابودنیز گاهی گناهشان بخشود

۳۵

وَيَعْلَمَ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِنَا مَا لَهُمْ مِّن مَّحِيصٍ

آنکه دارد جدل در آیت مانیست هرگز گریز گه او را

۳۶

فَمَا أُوتِيتُمْ مِّن شَيْءٍ فَمَتَّعُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى لِلَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ

آنچه دادیم بهره از اشیاچملگی هست بهره دنیا  
و آنچه باشد به نزد آن داورآن بود ماندنی‌تر و بهتر  
این بود بهر خلق با ایمان‌که سپردند کار بر یزدان

۳۷

وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبِيرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ

که ز جرم کبیره بر حذرندو به هنگام خشم درگذرند

۳۸

وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ

نیز لبیک گوی دادارندو نماز خدا به پا دارند  
امرشان هست بینشان شوراو ببخشند روز خود را

۳۹

وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ

چون به آنها رسید ظلم و فسادمی‌ستانند از ستمگر داد

۴۰

وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا ۗ فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ ۗ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ

هست اجر بدی بدی چون اوو آنکه بخشید کردگار نکو  
هست پاداش او بر دادارو خدا نیست با ستمگر یار

۴۱

وَلَمَنِ أَنْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَٰئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِّن سَبِيلٍ

و آنکه چون دید راه جور و فسادو بگیرد خود از ستمگر داد  
نیست ایراد و مشکلی بر او[یا که عذری برای مفسده جو]

۴۲

إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ ۗ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

هست ایراد آنکه مردم راناروا می‌کنند جور و جفا  
بهر آنان بود عذاب الیم و بمانند جاودان به جحیم

۴۳

وَلَمَن صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَٰلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ

گر ببخشید و صبر پیشه کنیداین مهم را سزاست عزم  
شدید

۴۴

وَمَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن وَّلِيٍّ مِّن بَعْدِهِ ۗ وَتَرَى الظَّالِمِينَ لَمَّا رَأُوا الْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَىٰ مَرَدٍّ مِّن سَبِيلٍ

هر که گمراه کند خدا او رانیست بهرش ولی ز بعد خدا  
چون به اهل ستم رسید عذاب‌جوید او بازگشت و راه  
صواب

۴۲۳۲

وَتَرَاهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَشِيعِينَ مِنَ الدُّلِّ يَنْظُرُونَ مِنْ  
 طَرْفٍ خَفِيٍّ ۗ وَقَالَ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ الْخٰسِرِينَ الَّذِينَ  
 خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ۗ أَلَا إِنَّ الظَّٰلِمِينَ فِي  
 عَذَابٍ مُّقِيمٍ

۴۲  
 شوری  
 ۴۵  
 ۵۳

چون ببینند در برابر نارپس خشوعی کنند ذلتبار  
 پس نهانی نگه کنند به آن پس بگویند خلق با ایمان  
 آن کسانی شدند اهل زیان که ز کف رفت هستی ایشان  
 هستی اهل خانه‌ی خود رانیز دادند جمله در عقبا  
 هان ستم‌پیشگان شوند مقیم‌روز پاداش در عذاب جحیم

وَمَا كَانَ لَهُمْ مِّنْ أَوْلِيَاءَ يَنْصُرُونَهُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ ۗ وَمَنْ  
 يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ سَبِيلٍ

۴۶

بهرشان نیست هیچ یار و پناه‌بهر گمراه حق نماند راه

أَسْتَجِيبُوا لِرَبِّكُمْ مِّنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ ۗ مِنْ  
 اللَّهِ مَا لَكُمْ مِّنْ مَّلْجَأٍ يَوْمَئِذٍ وَمَا لَكُمْ مِّنْ نَّكِيرٍ

۴۷

پس اجابت کنید حکم خداییش از آن روز که رسد به شما  
 نیست برگشت از عذاب خداو ندارید ملجأ و منجا

فَإِنْ أَعْرَضُوا فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا ۗ إِنَّ عَلَيْكَ إِلاَّ  
 الْبَلْعَ ۗ وَإِنَّا إِذَا أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فَرِحَ بِهَا ۗ وَإِنْ  
 تُصِبُّهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ

۴۸

گر که از تو شوند رو گردان‌نیستی تو محافظ ایشان  
 نیست بر تو مگر بلاغ پیام از پیامت ز کف مده آرام  
 چون چشانیم فضل بر انسان‌خود از این فضل می‌شود  
 شادان  
 چونکه شری رسد به او از کارناسپاسی کند به حق بسیار

لِلَّهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۗ يَخْلُقُ مَا يَشَآءُ ۗ يَهَبُ لِمَنْ  
 يَشَآءُ اِنثًا وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَآءُ الدُّكُوْرَ

۴۹

از خدا ملک این زمین و سماست‌آفرید آنچه را که حق  
 می‌خواست  
 هر که را خواست می‌دهد دختر هر که را خواست حق بداد  
 پسر

أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرٰنًا وَاِنثًا وَيَجْعَلُ مَنْ يَشَآءُ عَقِيْمًا ۗ إِنَّهُ ۗ  
 عَلِيْمٌ قَدِيْرٌ

۵۰

هر که را خواست ساخت جنسش جوربهر او می‌رسد انثا و  
 ذکور  
 و آنکه را خواست حق بساخت عقیم‌به یقین حق بود قدیر و  
 علیم

وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ ۗ اِلَّا وَحِيًا أَوْ مِنْ وَرَآئِ  
 حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُوْلًا فَيُوْحِيْ بِاِذْنِهٖ ۗ مَا يَشَآءُ ۗ إِنَّهُ ۗ عَلِيْمٌ  
 حَكِيْمٌ

۵۱  
 حذب  
 ۱۹۶

حق ندارد به سوی خلق خطاب‌جز ره وحی یا ز پشت حجاب  
 یا که وحی آورد رسولی را آنچه را خواست حق بود دانا



وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا  
الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَٰكِن جَعَلْنَاهُ نُورًا نَّهْدِي بِهِ مَن  
نَّشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ

صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ  
إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
حَم

[حا و میم است رازی از قرآن به رسول گرامی یزدان

و قسم بر کتاب فاش و عیان

وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ

ما فرستاده‌ایم این قرآن

با زبانی فصیح و هم گویاشاید اهل خرد شوید شما

إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

و آن به امّ‌الکتاب نزد خداست استوار است و هم بسی  
والاست

وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيَّ حَكِيمٌ

گیرم این ذکر از شما آیا؟ که فرونکار مردمید شما

أَفَنضْرِبُ عَنْكُمُ الدِّكْرَ صَفْحًا أَن كُنْتُمْ قَوْمًا مُّسْرِفِينَ

و چه بسیار ما فرستادیم انبیای زمان به عهد قدیم

وَكَم أَرْسَلْنَا مِن نَّبِيِّ فِي الْأَوَّلِينَ

هر رسولی که آمد آنان را بهر او داشتند استهزاء

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ

گشت نابود سخت تر زیشان و گذشته است قصه آنان

فَأَهْلَكْنَا أَشَدَّ مِنْهُمْ بَطْشًا وَمَضَىٰ مَثَلُ الْأَوَّلِينَ

گر بپرسی از این گروه آیا؟ چه کسی آفرید ارض و سما  
پس بگویند آفرید آن را آن خدای توانگر و دانا

وَلَيْن سَأَلْتَهُم مِّنْ خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَيَقُولُنَّ  
خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ

این زمین مهد کرد بهر شماره گشودست بهرتان ز اینجا  
تا که بر آن طریق ره یابید [سوی مقصود خویش بشتابید]

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَجَعَلَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا  
لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيِّتًا  
كَذَلِكَ نُخْرِجُونَ

او فرستاد آب را ز سمانیز اندازه‌ای بداد آن را  
پس کند خاک مرده را احیا اینچنین هم برون شوید شما

وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ الْفُلْكِ  
وَالْأَنْعَامِ مَا تَرَكُونَ

زوجها آفرید و کرد پدید فلک و انعام تا سوار شوید

لِتَسْتَوُوا عَلَى ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ  
عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ  
مُقْرِنِينَ

بر فرازش چو یافتید فراریاد آرید نعمت دادار  
و بگویید پاک یزدانانو به ما رام کرده‌ای این را  
ورنه ما را نبود هیچ توان

وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ

باز گردیم ما سوی یزدان

وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ

جزیی از بندگان یزدان را بنهادند ویژه بهر خدا  
ناسپاس است آدمی رسوا

أَمْ أُتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَأَصْفَاكُمْ بِالْبَنِينَ

ز آنچه حق آفریده است آیا؟  
برگزیدست بهر خود دختر و برای شما نهاد پسر

وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ  
مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ

مژده چون می‌رسد به هر یکشان ز آنچه نسبت دهند بر  
یزدان  
[که ورا داده دختری الله صورتش میشود ز خشم سیاه

أَوْ مَنْ يُنشِئُ فِي الْحَلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ

[و شریک آورند بر داور] آنچه را پرورند در زیور  
و ندارند بر دفاع بیان هست این قول شرک بر یزدان

وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبْدُ الرَّحْمَنِ إِنثًا أَشْهَدُوا  
خَلْقَهُمْ سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ

بندگان خدا ملائک راماده دانند این گروه آیا؟  
بهر خلق ملک شدند آگاه می‌نویسیم اگر شوند گواه  
و شود پرسش این سخن زیشان که ملک کی بود ز جمع زنان

وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاهُمْ ۗ مَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ  
عِلْمٍ ۗ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ

و بگویند خواهد ار یزدان ما نباشیم عابد اینان  
و ندارند آگهی از آن و دروغ است گفته‌ی آنان

أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا مِّن قَبْلِهِ ۖ فَهُمْ بِهِ مُسْتَمْسِكُونَ

نامه‌ای داده ایمشان آیا؟ که تمسک کنند بر آن‌ها

بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَرِهِمْ  
مُّهْتَدُونَ

نی بگفتند یافتیم آباراه پوییم در پی آنان را

وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَرِهِمْ مُّقْتَدُونَ

ای محمد پیامبر یزدان پیشتر از تو نیز بود چنان  
نفرستاده‌ام به هیچ دیار هیچ پیغمبر از ره هشدار  
جز که گفتند قوم خوشگذران ما اطاعت کنیم از پدران

قَالَ أَوْلَوْ جِئْتُكُمْ بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءَكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ

گفت اگر آورم برای شما رهنماتر ز شیوهی آبا  
پس بگفتند [باز هم ما راهست انکار بر پیام شما

فَأَنْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ

کین ستانندیم عاقبت ز آنان منکران را ببین چه شد پایان

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ

و به یاد آر چونکه گفت خلیل پدر و قوم را [ز رب جلیل  
هست بیزاری ای گروه مرا از خدایان و از بتان شما

إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ

جز خدایی که هست خالق مازود او بر من است راهنما

وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

و نهاد این کلام در اعقاب تا که آرند رو به راه صواب

بَلْ مَتَّعْتُ هَؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّىٰ جَاءَهُمُ الْحَقُّ وَرَسُولٌ مُّبِينٌ

آن گروه و گذشتگان‌ش را بهره دادیم چندی از دنیا  
تا که آمد به جانب ایشان سخن حق و هم رسول عیان

وَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ وَإِنَّا بِهِ كَافِرُونَ

حق چو آمد به سویشان گفتند این بود ساحری و هم ترفند  
ما به این گفته آوریم انکار [و نگردیم بر فریب دچار]

وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمٍ

و بگفتند از چه رو قرآن نیست نازل به مال دار کلان؟

أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَّعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ

که بود در دو شهر با عنوان این بود قول خلق بی‌ایمان  
پخش دارند لطف حق آیا؟ هست تقسیم بینشان از ما  
سهم دادم حیات دنیا را این یکی شد به دیگری اول  
تا بگیرند راه استهز آن یکی بهر دیگری ز آنها  
به بود لطف و رحمت یزدان ز آنچه جمع آوری کنند آنان

وَلَوْلَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَّجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِبُيُوتِهِمْ سُفًّا مِّنْ فِضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ

گر نگردند مردمان یکسان می‌نهم بهر خلق بی‌ایمان  
سقف سیمین به خانه‌ی ایشان نردبانها که بر شوند بر آن

وَلِيُبَيِّنَهُمْ أَرْبَابًا وَسُرَرًا عَلَيْهَا يَتَكَبَّرُونَ

وَزُخْرَفًا وَإِنْ كُلُّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَّعَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ

وَمَنْ يَعِشْ عَنِ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِيضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ

وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُّهْتَدُونَ

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ

وَلَنْ يَنْفَعَكُمْ أَلْيَوْمَ إِذ ظَلَمْتُمْ أَنْكُم فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ

أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ أَوْ تَهْدِي الْعُمْى وَمَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

فَأِمَّا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ

أَوْ نُرِيَنَّكَ الَّذِي وَعَدْنَاهُمْ فَإِنَّا عَلَيْهِم مُّقْتَدِرُونَ

فَأَسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ ۖ إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ

وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ ۖ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ

وَسَأَلَ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا أَجَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ ءَالِهَةً يُعْبَدُونَ

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ ۚ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ

فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِآيَاتِنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَضْحَكُونَ

نیز درها و تختها که بر آن‌همه باشند شاد و تکیه زنان

گر همه سیم و گوهر رخساست بهره‌ی زندگانی دنیاست  
آخرت بهر خلق با تقواست اجرت آن کسان به نزد خداست

هر که غافل ز حق شود ابلیس می‌شود بهر او قرین و جلیس

می‌شود دور از طریق خدابه گمانش که هست راه هدا

پس بگوید گه جزا او راکاش می‌بود در میانه‌ی ما  
فاصله همچو شرق و غرب زمین‌چه بد است این جلیس و یار  
و قرین

نرسد سود بهرشان ز خطاب‌همگی ظالمند و اهل عذاب

چون کنی حرف خویش را تبیین؟ کور دل هست در ضلال  
مبین

گر تو را ما بریم از اینجا این بود انتقام آنان را

ور به تو وعد خود دهیم نشان‌به یقین قادریم بر آنان

خوب محکم بگیر وحی خداکه بود این طریق راست تو را

بر تو و قوم توست قرآن پندو شما را از آن سؤال کنند

و بپرس انبیای پیشین راکيست جز ذات حق اله و خدا؟

و فرستاد با نشانه خداسوی فرعون و قوم موسی را  
پس بگفت آن رسول با ایشان من رسولم ز ربّ عالمیان

چونکه دادیم آیه برایشان قوم ناگاه شد بر آن خندان

وَمَا نُرِيهِمْ مِّنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا وَأَخَذْنَاهُمْ  
بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

ندهیم آیه‌ای به خلق نشان‌جز که باشد مهمتر از دگران  
و به ایشان نشان دهیم عذاب‌تا بیایند در طریق صواب

وَقَالُوا يَا أَيُّهُ السَّاحِرُ أَدْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهَدَ عِنْدَكَ إِنَّا  
لَمُهْتَدُونَ

پس بگویند ای تو افسونگر‌بهر ما خود بخواه از داور  
به همان عهد در میان شما همه آییم در طریق خدا

فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِذَا هُمْ يَنْكُثُونَ

لیک چون از عذاب ما رستند جمله پیمان خویش بشکستند

وَنَادَى فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ  
وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ

داد فرعون بهر قوم ندا که منم پادشاه مصر و شما  
نیز این رو دهاست جمله ز مانگرید این همه جلال آیا؟

أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ

برترم زین که نیست از اشراف و ندارد به نطق خود اشراف

فَلَوْلَا الْقِي عَلَىٰ آسُورَةٍ مِّنْ ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَايِكَةُ  
مُقْتَرِنِينَ

بهر او نیست دستبند از زرو ملک نیست بهر او یاور

فَأَسْتَحَفَّ قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ

خفتی داد امت خود راتا کند امر و حکم او اجرا  
قوم بودند سخت نافرمان بهر حکم خدای عالمیان

فَلَمَّا آسَفُونَا انْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ

چون شدم خشمناک از آنان انتقامی گرفتیم از ایشان  
غرقه کردیم قوم را یکسر

فَجَعَلْنَاهُمْ سَلَفًا وَمَثَلًا لِلْآخِرِينَ

و مثل شد به مردمان دگر

وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ

مثلی چون زدند از عیسی قوم تو کرد ناگهان آوا

وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هُوَ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلًا بَلْ هُمْ  
قَوْمٌ خَصِمُونَ

که خدایان ما بود بهتر [یا که آن برگزیده‌ی داور]  
و نگفتند جز برای ستیزرای این قوم هست رای ستیز

إِنْ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ

بنده‌ای بود بهر ما [عیسی که بر او بود فضلا ز خدا  
و نهادیم از آن رسول و دلیل‌مثلی بهر آل اسرائیل

وَلَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَا مِنْكُمْ مَلَائِكَةً فِي الْأَرْضِ يَخْلُفُونَ

گر بخواهم فرشتگانی رامی‌گذارم خلیفه بهر شما

وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرَنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ

هست عیسی نشان روز جزا پس ندارید هیچ شبهه روا  
این زمان پیروی کنید مرا این بود راه راست سوی خدا

وَلَا يَصُدَّنَّكُمُ الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ

هان نگردانندت زره شیطان اوست بهر شما عدوی عیان

وَلَمَّا جَاءَ عِيسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَلِأُبَيِّنَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

چونکه آورد بس نشان عیسی گفت دادم به خلق حکمت را  
میکنم من برای قوم بیان ز آنچه دارند اختلاف آنان  
پس بترسید از گناه خدا و اطاعت کنید حکم مرا

إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ

و خدا کردگار ما و شماست بپرستیدش این بود ره راست

فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابِ يَوْمِ أَلِيمٍ

دسته‌ها در نزاع گشته مقیم‌وای بر ظالم از عذاب الیم

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

قوم نادان شدند چشم به راه‌که قیامت فرا رسد ناگاه

الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ

دوستانند بهر هم اعدا غیر جمعی که بود با تقوا

يَعْبَادٍ لَا خَوْفَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ

نیست ترس از برایتان اکنون بنده من! مباش هم محزون

الَّذِينَ ءَامَنُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا مُسْلِمِينَ

چون به آیات مؤمنید شما و مسلمان شدید بهر خدا

أَدْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ

پس در آبیید در نعیم جنان شادمانه شما و همسران

يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِّنْ ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

ظرف و جام زر است در جولان هم در آن هر چه دل بود  
خواهان  
نیز لذت برد از آن چشمان ماندگارید جاودانه در آن

وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

آن بهشت است و وارثید شما ز آنچه اعمال آورید به جا

لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ مِّنْهَا تَأْكُلُونَ

میوه‌ها بهرتان بود بسیار تا که از آن شوید برخوردار

إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ

مجرمانند در عذاب جحیم‌هم در آندند جاودانه مقیم

۷۵

لَا يُفْتَرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ

کاهشی نیست ز آن عذاب شدیدو در آن کیفرند بس نوید

۷۶

وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ

بهرشان ظلم نیست از سوی ما بلکه بر خود کنند جور و جفا

۷۷

وَنَادُوا يَمْلِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ ۗ قَالَ إِنَّكُمْ مَكِثُونَ

حرف ایشان به مالک دوزخ اینچنین است مالکا آوخ  
آه ما را کنون بمیرانیدو بگوید خدا که می‌مانید

۷۸

لَقَدْ جِئْنَاكُمْ بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ

حق بیاورده‌ایم بهر شما اکثر اکراه داشتید چرا؟

۷۹

أَمْ أَبْرَمُوا ۖ أَمْرًا فَإِنَّا مُبْرَمُونَ

بود در کار شرتان تصمیم‌نیز ما عزم استوار کنیم

۸۰

أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ ۗ بَلَىٰ وَرُسُلْنَا لَدَيْهِمْ  
يَكْتُبُونَ

در گمانند این کسان کآیاما ندانیم سر و هم نجوا؟  
نی فرستادگان ما زیشان‌می‌نویسند هر کلام و بیان

۸۱

قُلْ إِنْ كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَلَدٌ فَأَنَا أَوَّلُ الْعَبْدِينَ

گو ولد بود اگر برای خدا اولین بنده این منم او را

۸۲

سُبْحَانَ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ

پاک باشد خدای ارض و سماز آنچه توصیف می‌کنند او را

۸۳

فَذَرَهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوْعَدُونَ

کن رهانشان به یاوه از سخنان‌گرم بازی شوند و غرقه در آن  
تا ببینند روزگار جزا که بر آن وعده داده است خدا

۸۴

وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌُ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهٌُ وَهُوَ الْحَكِيمُ  
الْعَلِيمُ

او خداوندگار ارض و سماستو خدا هم حکیم و هم  
دانااست

۸۵

وَتَبَارَكَ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا  
وَعِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

پایدار و خجسته است خداهم از او هست ملک ارض و سما  
و آنچه باشد میانه‌ی آنهازند او هست علم روز جزا  
بازگشت شماست سوی خدا

۸۶

وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ  
بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ

و ندارد شفاعتی بتها  
غیر آنانکه بر حقند گواهو از آندند جملگی آگاه

۸۷

وَلَيْنِ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولَنَّ اللَّهُ ۗ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ

گر بپرسی ز مشرکان آیاکه بود آفریدگار شما  
پس بگویند فطرتا یزدان‌به کجا منحرف شوند آنان؟

۸۸

وَقِيلِهِ ۚ يَرْبِّ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ لَا يُؤْمِنُونَ

و بگوید رسول ای یزدان این جماعت نیاورند ایمان

۸۹

فَأَصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلِّمْ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ

روی گردان ز قوم و گو که سلام‌زود آگه شوند از اسلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱  
۴۳۱

حَم

[حا و میم است رازی از داور]

وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ

۲

به کتابی که هست روشنگر

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَرَّكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ

۳

ما فرستاده‌ایم این رحمت‌در شبی بس عزیز و پر برکت  
مردمان را دهیم با آن بیم از عذاب خدا به نار جحیم

فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ

۴

و در آن می‌شود جدا هر کار همه از علم و حکمت دادار

أَمْرًا مِّنْ عِنْدِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ

۵

این بود امری از سوی داور که فرستاده‌ایم بهر بشر

رَحْمَةً مِّنْ رَبِّكَ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

۶

هست این رحمتی ز ربّ شماهست یزدان سمیع و هم دانا

رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِن كُنْتُمْ مُوقِنِينَ

۷

اوست پروردگار ارض و سماو آنچه باشد میانه‌ی اینها  
گر شمایید اهل حق و یقین پس اطاعت کنید از ره دینلَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ  
الْأُولَئِينَ

۸

نیست معبود غیر از آن یکتا و بمیراند و کند احیا  
اوست ربّ شما و هم آباپدران نخست بهر شما

بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ

۹

تو نگه کن به مردمان جهان اهل شکند و گرم بازی‌شان

فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ

۱۰

منتظر باش آن زمان که سمادودی آرد به هر کجا پیدا

يَغْشى النَّاسُ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ

۱۱

آن فراگیر می‌شود به بشروین عذابیست سخت درد آور

رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ

۱۲

پس بگویند این عذاب ببرای خدا آوریم ما باور

أَنَّى لَهُمُ الذِّكْرَى وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ

۱۳

از کجا می‌شوند یادآور نبی آمد به خلق، روشنگر

ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَّجْنُونٌ

۱۴

رویگردان شدند از او چون گفته‌اندش معلمی مجنون

إِنَّا كَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ

۱۵

اندکی از عذاب برگیریم بازگردید بر خصال قدیم

يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَى إِنَّا مُنتَقِمُونَ

۱۶

چون بگیریمشان به خشم شدیدکین ستانیم از آن گروه  
عنید

وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ

۱۷  
حزب  
۱۹۹

قوم فرعون آزمودم پیش‌با فرستاده‌ای عزیز از خویش

أَنْ أَدُّوا إِلَيَّ عِبَادَ اللَّهِ إِلَيَّ لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

۱۸

گفت این بندگان به من بسپارمن رسول امینم از دادار



وَأَنْ لَا تَعْلُوا عَلَى اللَّهِ إِنِّي آتِيكُمْ بِسُلْطَنِ مُبِينٍ

هم مجوید برتری به خدامن دلیل آورم برای شما

وَإِنِّي عَذْتُ رَبِّي وَرَبِّكُمْ أَنْ تَرْجُمُونِ

من پناه آورم به سوی خدازین که سازید سنگسار مرا

وَإِنْ لَمْ تُؤْمِنُوا لِي فَأَعْتَزِلُونِ

گر نگردید مؤمن و دیندارپس روید از جوار من به کنار

فَدَعَا رَبَّهُ أَنْ هَوَّلَاءِ قَوْمٌ مُجْرِمُونَ

برد دست دعا سوی یزدان‌کای خداوند مجرمند آنان

فَأَسْرِ بِعِبَادِي لَيْلًا إِنَّكُمْ مُتَّبِعُونَ

گفتمش شب بیر عباد به راه‌که به تعقیبتان روند سپاه

وَأَتْرِكُ الْبَحْرَ رَهْوًا إِنَّهُمْ جُنْدٌ مُغْرَقُونَ

و تو آرام بگذر از دریاکان سپاهند غرقه در آنجا

كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ

چه بسا باغ و چشمه گشت رها

وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ

کشتزاران و خانه‌ی زیبا

وَنِعْمَةٍ كَانُوا فِيهَا فَاكِهِينَ

چون ز نعمت شدند قسمت بر

كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخَرِينَ

می‌نهییم از برای قوم دگر

فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنظَرِينَ

پس نگرید به قوم ارض و سماو ندیدند مهلتی اینجا

وَلَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ

و رهاندیم آل اسرائیل از عذابی که داشت قوم ذلیل

مِنْ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ كَانَ عَلِيًّا مِنَ الْمُسْرِفِينَ

بود فرعون [بس ستم کردار] برتری جوی بود و افزونکار

وَلَقَدْ اخْتَرْنَاهُمْ عَلَىٰ عِلْمٍ عَلَى الْعَالَمِينَ

برگزیدیمشان به علم چنان‌به یقین بر تمام خلق جهان

وَعَاتَيْنَاهُمْ مِّنَ الْآيَاتِ مَا فِيهِ بَلَاءٌ مُّبِينٌ

و نشانها بدادم ایشان راهمه بود آزمابشی پیدا

إِنَّ هَوَّلَاءِ لَيَقُولُونَ

و بگویند مشرکان خدا

إِنْ هِيَ إِلَّا مَوْتَتُنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُنشَرِينَ

غیر مرگ نخست نیست به ما  
و نداریم بعث روز جزا

فَأْتُوا بِآبَائِنَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

پس بیارید بهر ما آبا  
گر که صدق است گفته‌های شما

أَهُمْ خَيْرٌ أَمْ قَوْمُ تُبَّعٍ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ أَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّهُمْ  
كَانُوا مُجْرِمِينَ

گو که [تبع بهند یا آنها  
رفت اقوام پیش سوی فناچونکه بودند در گناه و خطا

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لِعِبِينِ

آسمان و زمین و بینهما بهر بازی نیافرید خدا

مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

هست بر حق و داد خلقتشان‌وبین ندانند بیشتر ز کسان

إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ مِيقَتُهُمْ أَجْمَعِينَ

وعده گاه همه به روز جزاستداوری آن زمان هم آنان راست

۴۱

يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَىٰ عَن مَّوْلَىٰ شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ

آن زمان کس نمی‌کند یاری‌یار هم پس نمی‌کند یاری

۴۲

إِلَّا مَن رَّحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

جز کسی را که رحم کرد خدا او قدیر است و مهربان به شما

۴۳  
۴۳۳

إِنَّ شَجَرَتَ الزُّقُومِ

هست ز قوم هم طعام اثم

۴۴

طَعَامُ الْأَثِيمِ

و

۴۵

كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ

چون گدازه است در دل و چو حمیم

۴۶

كَغَلِي الْحَمِيمِ

و

۴۷

خُذُوهُ فَاعْتِلُوهُ إِلَىٰ سَوَاءِ الْجَحِيمِ

[از ملک می‌رسد ز عرش ندا] که بگیرید این ستمگر را پرت سازید در میان جحیم

۴۸

ثُمَّ صُبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِن عَذَابِ الْحَمِيمِ

و بریزید بر سرش ز حمیم

۴۹

ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ

بچش این را تو قادر والا

۵۰

إِنَّ هَذَا مَا كُنْتُمْ بِهِ تَمْتَرُونَ

اینکه شک داشتید در دنیا

۵۱

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ

متقین راست جای امن و امان

۵۲

فِي جَنَّتٍ وَعُيُونٍ

در بر چشمه سار در بستان

۵۳

يَلْبَسُونَ مِن سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُّتَقَابِلِينَ

جامه پوشند هم ز ابریشم‌بنشینند در مقابل هم

۵۴

كَذَلِكَ وَزَوَّجْنَاهُم بِحُورٍ عِينٍ

جفتشان می‌دهیم حور العین

۵۵

يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ آمِنِينَ

میوه در امن می‌کنند گزین

۵۶

لَا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَىٰ وَوَقَّاهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ

نیست هرگز ممات آنان را غیر مرگی که بود در دنیا حق کند حفظشان ز نار جحیم

۵۷

فَضْلًا مِّن رَّبِّكَ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

این بود لطف حق و فوز عظیم

۵۸

فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

سهل کردیم بر تو این قرآن‌شاید این قوم پند گیرد از آن

۵۹

فَأَرْتَقِبْ إِنَّهُمْ مُّرْتَقِبُونَ

منتظر باش بهر خیر و صواب‌منتظر گشت قوم هم به عذاب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱  
۴۳۴

حَم

[حا و میم است رازی از قرآن بر رسول گرامی یزدان

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

۲

این کتابی است نازل از الله از خداوند قادر و آگاه

إِنَّ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّلْمُؤْمِنِينَ

۳

به یقین در سپرها و زمین بس نشانست بهر اهل یقین

وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِنْ دَابَّةٍ ءَايَاتٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ

۴

خلقت آدمی و هم حیوان هم نشان است بهر با ایمان

وَأَخْتَلَفُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ

۵

آمد و رفت روز و شب به جهان و آنچه داد از سپهر روزیتان  
و از آن ارض مرده کرد احیاباد را داد گردش و اجرا  
آیه‌هایی‌ست بر خردمندان که تعقل کنند در یزدان

فَاحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَصْرِيفِ الرِّيْحِ ءَايَاتٌ لِّقَوْمٍ

يَعْقِلُونَ

تِلْكَ ءَايَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَ

۶

آن ز سوی خداست بر تو نشان‌که بحق است و ما بخوانیم آن  
به چه گفتار آورند ایمان‌جز به آیات و گفته‌ی یزدان

اللَّهِ وَعَآيَاتِهِ ۚ يُؤْمِنُونَ

وای بر کاذب گنه کردار

وَيَلُّ لِكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ

۷

يَسْمَعُ ءَايَاتِ اللَّهِ تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ

۸

چون شنید آیه‌هایی از دادار  
که تلاوت شود بر او بسیارو به انکار می‌کند اصرار  
کرد از راه سرکشی این کارنشیدست گوییا گفتار  
مژده ده بهر او تو پیغمبر از عذابی که هست دردآور

يَسْمَعَهَا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

وَإِذَا عَلِمَ مِنْ ءَايَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَهَا هُزُوًا أُوْلَئِكَ لَهُمْ

۹

چونکه دانست چند آیه‌ی مابرگرفته است راه استهزا  
بهر آنان بود عذاب مهین‌که به خواری و خفت است قرین

عَذَابٌ مُّهِينٌ

مِّنْ وَرَائِهِمْ جَهَنَّمُ وَلَا يُغْنِي عَنْهُمْ مَا كَسَبُوا شَيْئًا وَلَا مَا

۱۰

پشت آنان بود جهنم و نارن بود سود بهرشان از کار  
و نه از یارها بجز یزدان و بر آنان بود عذاب گران

اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

هَٰذَا هُدًىٰ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ مِّن

۱۱

هست قرآن هدایت از رحمان بر دل و جان خلق با ایمان  
بهر کفار آیه‌های حکیم‌کیفری هست از عذاب الیم

رَجْزٍ أَلِيمٍ

اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ

۱۲

آنکه رام شما کند دریافلک گردد بر او به اذن خدا  
تا که جویید رحمت غفارشاید از آن شوید شکر گزار

وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

۲۰۰

۴۳۵

وَسَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ

۱۳

رامتان کرد این زمین و سما و آنچه در آن بود همه اشیا  
به یقین بس نشانه‌هاست در آن‌بهر اندیشه‌ی خردمندان

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

قُلْ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

گو به مؤمن بخش آنکس را که ندارد امید روز جزا هر گروهی گرفت اجر و جزا آنچه برداشت از صواب و خطا

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ۖ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ

هر که انجام داد کار نکو اجر آن کار هست بهره‌ی او و آنکه بد کرد نیز یافت جزا پس سوی اوست بازگشت شما

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الظَّيْبَتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ

آل یعقوب داشت از یزدان نامه و هم رسالت و فرمان دادم از طیبات روزی‌شان بلکه هم برتری به خلق جهان

وَعَاثَيْنَاهُمْ بَيْنَتٍ مِّنَ الْأُمْرِ ۖ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ ۚ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

نیز آیات روشن از فرمان پس نکردند اختلاف در آن جز که دانش رسید بر ایشان پس ستم شد میانه‌ی آنان پس کند داوری میانه‌ی شان در قیامت خدای عالمیان آنچه دارند اختلاف در آن اوست دانای رازهای نهان

ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأُمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

حق تو را داد راهی از فرمان‌ای پیمبر تو باش پیرو آن و مکن پیروی تو آنان را که نباشند بهر ره دانا

إِنَّهُمْ لَن يَغْنَوْا عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا ۚ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ۖ وَاللَّهُ وَٰلِيُ الْمُتَّقِينَ

هیچ کاری نیاید از ایشان در قبال خدای عالمیان یار یکدیگرند اهل جفا و خدا هست یار با تقوی

هَذَا بَصِيرَةٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ

این سخن بینش است و مهر و هداست‌بهر آن قوم که یقین او راست

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَن نَّجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَّحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ ۚ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ

اهل ایمان که هست نیکوکارو آن کسی را که بد بود کردار هر دو اینان مساویند آیا؟ در حیات و ممات نزد خدا و چه بد داوری کنند آنان نشاسند شیوه‌ی ایمان

وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ ۚ وَلِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

او به حق آفرید ارض و سماهر کسی را به کار داد جزا [در قیامت که داورست خدا] هیچکس را نمی‌کنند جفا

أَفْرَعَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوْنَهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ وَخَتَمَ  
عَلَى سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ غِشْوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ  
مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

آنکه معبود خویش ساخت هواو به علمش ضلال داد خدا  
حق بزد مهر گوش و قلبش راو به چشمان او نهاد غشا  
بعد حق کیست رهنما او را؟متذکر نمی‌شوید آیا؟

وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا  
إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ

و بگویند هیچ نیست به ماغیر از این زندگانی دنیا  
زنده‌ایم و سپس شویم فناکس بجز دهر نیست مهلک ما  
و ندارند هیچ علم به آن‌نیست در ذهنشان به غیر گمان

وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ مَّا كَانَ حُجَّتَهُمْ إِلَّا أَنْ  
قَالُوا أَتُتُوا بآبَائِنَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

آن زمان کایه‌های روشنگر می‌شود خوانده بهرشان یکسر  
پس نماند برایشان حجت‌جز که گویند [از ره غفلت  
پدر و جد ما کنید پدیداگر این حرف راست می‌گویید

قُلِ اللَّهُ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يَجْمَعُكُمْ إِلَى يَوْمِ  
الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

گو شما را خدا کند احیای پس از آن مرگ می‌دهد به شما  
پس کند گردتان به روز جزا که در آن شک و ریب نیست روا  
لیک اکثر ز مردمان جهان آگهی نیست بهرشان از آن

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُومِدِ  
يَخْسِرُ الْمُبْطِلُونَ

وز خدا ملک این زمین و سماست نیز آنکه که آخرت برپاست  
اهل باطل در آن زیانکارند[عمر را داده‌اند و در نارند]

وَتَرَى كُلَّ أُمَّةٍ جَائِيَةً كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَى إِلَى كِتَابِهَا الْيَوْمِ  
تُحْزَرُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

هر گروهی نشسته بر زانومی‌شود خوانده نامه‌اش بر او  
آن زمان اجرتان بود از کار

هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنسِخُ مَا  
كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

وین کتاب است از سوی دادار  
راست گوید سخن برای شمامی‌نوشتیم کارهای شما

فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي  
رَحْمَتِهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ

و گروهی که آورد ایمان و بود کار خیر با ایشان  
هست در بحر رحمت یزدان و آن بود بهر خلق فوز عیان

وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا أَفَلَمْ تَكُنْ ءَايَتِي تُلَىٰ عَلَيْكُمْ  
فَأَسْتَكْبَرْتُمْ وَكُنْتُمْ قَوْمًا مُّجْرِمِينَ

و آن کسانی که کفر ورزیدند[گوید آن فرقه را خدای بلند]  
آیه‌هایم نخوانده‌اند آیا؟[پیش از این روزها] برای شما  
پس گرفتید راه استکبار و گنه کرده‌اید در کردار

وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا قُلْتُمْ مَا  
نَدْرِي مَا السَّاعَةُ إِنْ نَظُنُّ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُسْتَيْقِنِينَ

گفته شد چونکه وعده‌ی یزدان همه حق است و نیست ریب  
در آن  
نیز روز جزاست بی‌شبهت‌پس بگفتید چیست این ساعت؟  
ما گمان می‌کنیم هست گمان و نداریم ما به به تو ایمان

وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِ  
يَسْتَهْزِءُونَ

و بدیهایشان شود رسوا و فراگیر گردد آنان را  
آنچه را داشتند استهزا [بر همه وعد و آیه‌های خدا]

وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنْسَلِكُمْ كَمَا نَسَيْتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا  
وَمَاؤَلِكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَّاصِرِينَ

و بگویند برده‌اید از یادچونکه دیدار وقت و روز معاد  
پس شما نیز می‌روید از یادجایتان آتش است بی‌امداد

ذَٰلِكُمْ بِأَنَّكُمْ اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوعًا وَغَرَّتْكُمْ  
الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ

این بدان است کز نشان خدا بر گرفتید راه استهزا  
و شما را فریفت آن دنیا پس نگردند از عذاب رها  
نپذیرند عذر آنان را [و بمانند در عذاب خدا]

فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

حمد بهر خدای ارض و سماکه بود کردگار عالمها

وَلَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

و از او کبریای ارض و سماست و خدا قادر است و هم  
دانااست

صفحه ۵

آیه ۳۵

مکی

الأحقاف: سرزمین احقاف

۴۶. احقاف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
حَم

[ح و میم است رازی از قرآن بر رسول گرامی یزدان

این کتاب است نازل از الله آن خداوند قادر و آگاه

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

۲

ما نکردیم خلق ارض و سماو آنچه باشد میانه‌ی آنها  
جز بحق و آن زمان که شد تعیین و در آن هست حتم و قطع  
و یقین  
هر چه دادیم بهرشان هشدار و یگردان شدند از آن کفار

مَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ  
مُسَمًّى وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُنذِرُوا مُعْرِضُونَ

۳

گو نشانم دهید این شرکاکه بخوانیدشان به غیر خدا  
چه به روی زمین پدید آرند یا چه شرکت در آسمان دارند  
کو بیارید ز آنچه بود از پیش‌اثر از علم و هم کتاب از  
خویش  
اگر این حرف راست می‌گویید [و ره حق و داد می‌جوید]

قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ  
الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَوَاتِ أَتُنُونِ بِكِتَابٍ مِّنْ  
قَبْلِ هَذَا أَوْ أَثَرَةٍ مِّنْ عِلْمٍ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

۴

کیست گمراه‌تر از آنکه دعاداشت سوی کسی به غیر خدا  
که اجابت نمی‌کنند دغانه کنون بلکه تا به روز جزا  
[و پرستندگان به جمع بتان غافلند از دعایشان ایشان

وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَن لَّا يَسْتَجِيبُ لَهُ  
إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَن دُعَائِهِمْ غَفِلُونَ

۵

وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ

چونکه محشور می‌شوند کسان آن بتانند دشمن ایشان و عباداتشان کنند انکار [از چه مشرک شوید بر دادار]

چونکه خوانند آیه‌های مرا پس بگویند کافران خدا نیست اینها بجز فسون عیان‌گر چه حق آمده سوی ایشان

وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ

یا بخوانند این سخن بهتان‌گو اگر کذب آورم به زبان که مدافع شود مرا ز خدا؟ اوست آگاهتر به کار شما و خدا بین ما بس است گواه‌هست غفار و مهربان الله

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئًا هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ كَفَىٰ بِهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

گو نیم من ز انبیا نو پاو ندانم چه می‌کنند به ما تابعم من به وحی از یزدان نیستم من مگر نذیر عیان

قُلْ مَا كُنْتُ بِدَعَا مِنَ الرُّسُلِ وَمَا أَدْرِي مَا يُفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ إِنْ أَتَيْتُ إِلَّا مَا يُوْحَىٰ إِلَيَّ وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ

گو اگر این بود ز نزد خدا و شما سخت منکرید آن را و گواهی ز آل اسرائیل گشت بر آن گواه [و بود دلیل او در ایمان و سرکشید شمار همنما نیست حق به اهل جفا

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَكَفَرْتُمْ بِهِ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَىٰ مِثْلِهِ فَقَامَنَ وَأَسْتَكْبَرْتُمْ إِنْ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

کافران بهر مؤمنان گویند از چه آنان ره یقین پویند خیر اگر بود پیشدستی ما بود بر باور و یقین اولی چون نیابند ره به امر حکیم‌پس بخوانند وحی کذب قدیم

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا لَوْ كَانَ خَيْرًا مَّا سَبَقُونَا إِلَيْهِ وَإِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ فَسَيَقُولُونَ هَذَا إِفْكٌ قَدِيمٌ

پیش از این بود نامهی موسی پیشوا نیز رحمتی ز خدا این کتاب است هم گواه او رابه زبانی فصیح گشته ادا بهر اهل ستم بود هشدار و نوید است بهر نیکوکار

وَمِن قَبْلِهِ كَتَبَ مُوسَىٰ إِيمَانًا وَرَحْمَةً وَهَذَا كِتَابٌ مُّصَدِّقٌ لِّسَانًا عَرَبِيًّا لِّيُنذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَبُشْرَىٰ لِلْمُحْسِنِينَ

آن کسانی که گفته‌اند خدا هست پروردگار و خالق ما پایداری کنند پس بر آن نیست حزن و هراس بر آنان

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

آن کسانی ساکنان جنان ماندگارند جاودانه در آن این جزا هست بهرشان از کار [بهر آن مردم نکوکردار]

أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا  
وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمَلُهُ وَفِصْلُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا  
بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ  
نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا  
تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي ۗ إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ  
الْمُسْلِمِينَ

ما سفارش کنیم بر انسان که کند بهر والدین احسان  
هست مادر به حمل ناراحت‌پس کند وضع حمل با زحمت  
هست حمل و رضاع او سی ماه‌پس به نیروی خود رسد آنگاه  
پس چهل سالگی رسد او را پس بگوید خدای را به دعا  
در دلم شکر نعمتت افکنز آنچه دادی به والدین و به من  
کار نیکو کنم رضای تو را خاندانم تو نیک کن رباً  
بازگشتم به سویت ای یزدان و منم ز اولین مسلمانان

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَنَتَجَاوَزُ  
عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ ۗ وَعَدَّ الصَّدَقِ الَّذِي كَانُوا  
يُوعَدُونَ

می‌پذیریمشان بهین کرداروز بدیهایشان کنیم گذار  
جایشان در میان اهل جنان‌این بود وعد صدق بر آنان

وَالَّذِي قَالَ لِوَالِدَيْهِ أُفٍّ لَّكُمَا أَتَعِدَانِي أَنْ أَخْرَجَ وَقَدْ  
خَلَتِ الْقُرُونُ مِنْ قَبْلِيٰ وَهُمَا يَسْتَكْفِرَانِ ۖ اللَّهُ وَبِكَ ءَامِنُ  
إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَيَقُولُ مَا هَذَا إِلَّا أَسْطِيرُ الْأُولِينَ

آنکه اف گفت باب و مامش راکه چه‌ام وعده می‌دهید آیا؟  
[چون برآیم دوباره از دل خاک پیش از این مردمان شدند  
هلاک  
و آن دو جویند یاری از دادارو بگویند وای ایمان آر  
که بود راست وعده‌ی یزدان لیک هرگز نیاورد ایمان  
و بگوید که نیست این قرآن‌غیر افسانه‌های اولیان

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أَمْرِ قَدْ خَلَتِ مِنْ  
قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ ۗ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ

پس معین شود کلام خداچونکه بودست خلق پیشین را  
گر پری بوده‌اند و گر انسان‌همه هستند از زیانکاران

وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِّمَّا عَمِلُوا ۗ وَلِيُؤَفِّيَهُمْ أَعْمَالَهُمْ وَهُمْ لَا  
يُظْلَمُونَ

درجاتی است بهرشان از کاراجر کامل برند از کردار  
و به ایشان نمی‌کنند جفا[همه شادند در نعیم خدا]

وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلْهَبْتُمْ طَيْبَتِكُمْ  
فِي حَيَاتِكُمْ الدُّنْيَا وَأَسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ  
الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا  
كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ

هم در آن روز در برابر نارچون بگیرند اهل کفر قرار  
پس به آنان چنین دهند ندابره بردید خوب از دنیا  
و خوشیها نهاده‌اید آنجاست امروزتان زمان جزا  
کیفری که کند شما را خوارچون شما داشتید استکبار  
در زمین بود کارتان بیجایی جزایی است بهر فسق شما



وَأَذْكُرُ أَخَا عَادٍ إِذْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ بِالْأَحْقَافِ وَقَدْ خَلَتْ  
الْتُّدُرُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِيَّايَ  
أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

یاد کن هود را برادر عاد که به احقاف پند قوم بداد  
وز پس و پیش قوم شد انذار که پرستش مکن بجز دادار  
گفت من بر شما شوم ترسان از قیامت وز آن عذاب گران

قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَأْفِكَنَا عَنِ ءَالِهَتِنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ  
مِنَ الصَّادِقِينَ

پس بگفتند آمدی آیاه بگیری ز ما خدایان را؟  
وعده‌هایی که داده‌ای تو بیاراستگویی اگر در این گفتار

قَالَ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَأُبَلِّغُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ  
وَلَكِنِّي أَرَى كُفْرًا كَثِيرًا مِمَّا تَعْبُدُونَ

گفت دانش فقط به نزد خداست نیز ابلاغ این پیام مراست  
لیک کار شماست نادانی رفته در لجهی پریشانی

فَلَمَّا رَأَوْهُ عَارِضًا مُسْتَقْبِلَ أُوْدِيَّتِهِمْ قَالُوا هَذَا عَارِضٌ  
مُمْطِرُنَا بَلْ هُوَ مَا اسْتَعْجَلْتُمْ بِهِ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ

چون بدیدند همچو ابر آن راکه رود بهرشان به وادیا  
پس بگفتند ابری از باران پس چنین شدند سوی ایشان  
این بود آنچه داشتید شتاب این بود باد زوست درد و عذاب

تُدَمِّرُ كُلَّ شَيْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا فَأَصْبَحُوا لَا يُرَى إِلَّا مَسَكِنُهُمْ  
كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ

همه ویران شود به اذن خدانیست زین قوم مسکنی بر جا  
اینچنین می‌دهیم اجر و جزا] در دو عالم گناهکاران را

وَلَقَدْ مَكَّنَّهُمْ فِيمَا إِنْ مَكَّنَّاكُمْ فِيهِ وَجَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعًا  
وَأَبْصَارًا وَأَفْئِدَةً فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ سَمْعُهُمْ وَلَا أَبْصَرُهُمْ  
وَلَا أَفْعِدَتُهُمْ مِّنْ شَيْءٍ إِذْ كَانُوا يَجْحَدُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ  
وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ

قدرتی داده بودم آنان راکه ندادیم با شما آن را  
چشم و گوش و دلی بر آنان بود که برایشان نداشت چیزی  
سود  
چونکه آیات داشتند انکارکیفر سخره را شدند دچار

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا مَا حَوْلَكُمْ مِّنَ الْقُرَىٰ وَصَرَّفْنَا الْآيَاتِ  
لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

بسی از شهرهای گرد شما برده‌ایم این زمان به باد فنا  
بس ز آیات کرده‌ایم بیان تا بگردند] از ره طغیان

فَلَوْلَا نَصْرُهُمُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ قُرْبَانًا ءَالِهَةً بَلْ  
ضَلُّوا عَنْهُمْ وَذَلِكِ إِفْكُهُمْ وَمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

آنچه خواندند بهر خویش خدا بهر تقریب جز حق یکتا  
هیچ یاری نداد برایشان بلکه گم گشته‌اند از آنان  
این بود قول کذب ایشان را و آنچه بستند افترا به خدا

وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ مُّندِرِينَ

آن زمانی که جمعی از پریان بسویت ساختیم رو گردان پس چو حاضر شدند آن پریان چون شنیدند آیهی قرآن چونکه حاضر شدند بهر سرورش پس بگفتند هان شوید خموش چون برفتند سوی قوم ایشان تا که بیمی دهند بر آنان

قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِن بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَىٰ الْحَقِّ وَإِلَىٰ طَرِيقٍ مُّسْتَقِيمٍ

۳۵

پس بگفتند آن جماعت اما شنیدیم نامه‌ای ز خدا بعد موسی سخن رسید چنین هست تصدیق نامه‌ی پیشین در ره حق و راست راهنماست پریان این بود طریقه‌ی راست

يَقَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ ۚ يَعْفِرْ لَكُمْ مِّن ذُنُوبِكُمْ وَيُجِرْكُمْ مِّنْ عَذَابِ أَلِيمٍ

۳۱

پاسخ آرید دعوت یزدان و بیارید بهر آن ایمان تا ببخشد گناهتان یکسر برهید از عذاب دردآور

وَمَنْ لَا يُجِبْ دَاعِيَ اللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ وَلَيْسَ لَهُ مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءُ ۗ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

۳۲

آنکه پاسخ نداد دعوت را نتواند رهد به ارض خدا و ندارد ولی بجز یزدان این کسانند در ضلال عیان

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَمْ يَعِيَ بِخَلْقِهِنَّ بِقَدِيرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ بَلَىٰ إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

۳۳

می‌بینند این کسان آیا؟ که خدا آفرید ارض و سما نیست عاجز به خلقت آنان رانیز او مرده می‌کند احیا و به هر کار قادر است خدا [بلکه قدرت فقط بود او را]

وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبِّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ

۳۴

هم در آن روز در برابر نار چون بگیرند اهل کفر قرار پس بگویندشان که این آیا؟ نیست بر حق ندا دهند چرا حق بگوید چشید از این کیفر چونکه کافر شدید بر داور

فَأَصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرُونَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّن نَّهَارٍ بَلَّغٌ فَمَهْلٌ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الْفَاسِقُونَ

۳۵

پس صبوری گزین پیمبر ما چون اولو العزم مرسلان خدا و به وعد خدا مدار شتاب چون ببینند روز رنج و عذاب آن زمان جملگی کنند گمان لختی از روز مانده‌اند ایشان آن پیام است و می‌رود به فنا آنکه فاسق شود [به حکم خدا]

قوم کفار ز طریق خدا بازگرداند [بس ز مردم را]  
[پس خدای توانگر دانا] گم کند کارهای آنان را

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَلَهُمْ

۱  
۴۴۲۲

آن کسانی که آورند ایمان نیز اعمالشان بود شایان  
ز آنچه بهر محمد است نزول راست از ریشان کنند قبول  
حق ببخشد گناه آنان را و کند خوب حال ایشان را

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَعَامَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَيَّ  
مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ  
بَالَهُمْ

۲

کافران پیروند بر ناراستلیک مؤمن به راه حق پویاست  
هست حق از خدای خلق و چنان میزند حق مثال بهر کسان

ذَلِكَ بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَأَنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا  
اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَلَهُمْ

۳

چون بدیدید کافران [به ضلال بکشید آن گروه را] به قتال  
تا که از تاب و از توان افتند پس اسیرانشان کشید به بند  
پس به منت کنیدشان آزادیا بگیرید فدیة بعد جهاد  
گر خدا خواست خود ستاند دادلیک این آزمون به خلق نهاد  
و آنکه شد کشته در ره دادارگم نسازد خدایشان کردار

فَإِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا  
أَخْتَمْتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَتَاقَ فِيمَا مَنَّا بَعْدُ وَإِذَا فِدَاءٌ حَتَّىٰ  
تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ذَٰلِكَ ۖ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانتَصَرَ مِنْهُمْ  
وَلَكِن لِّيَبْلُوَ بَعْضَكُمْ بِبَعْضٍ ۗ وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ  
اللَّهِ فَلَن يُضِلَّ أَعْمَلَهُمْ

۴

بهر آنان خداست راهنما و کند خوب حال ایشان را

سَيَهْدِيهِمْ وَيُصْلِحُ بَالَهُمْ

۵

و در آرد تمام را به جان که شناسانده است برایشان

وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَفَهَا لَهُمْ

۶

ای کسانی که آورید ایمان گر که یاری کنید بر یزدان  
بر شما نیز اوست ناصر و یارو قدمهایتان کند ستوار

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ  
أَقْدَامَكُمْ

۷

کافران را خدای مرگ دهد نیز اعمالشان دهد بر باد

وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعَسَا لَهُمْ وَأَضَلَّ أَعْمَلَهُمْ

۸

چون رمیدند از پیام الاله کارشان را خدای کرد تباه

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَلَهُمْ

۹

می‌نگردند در زمین آیا؟ بنگرد اینک چیست آنان را  
که از این پیش بوده‌اند به جاهمه را داد حق به باد فنا  
این بود بهر کافران امثال تا برآیند از طریق ضلال

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ  
مِن قَبْلِهِمْ ۖ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ۗ وَلِلْكَافِرِينَ أَمْثَلُهَا

۱۰  
حزب  
۲۰۳

هست مولای مؤمنان دادار نیست مولا و یار بر کفار

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى  
لَهُمْ

۱۱

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ  
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ  
وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ

آن کسانی که آورند ایمان نیز کار نکوست با ایشان  
به جنانی در آورد یزدان زیر اشجارش آبهای روان  
و کسانی که کافرند اینجا بهرور می‌شوند از دنیا  
و چو انعام می‌خورند غذا بجایگاه آتش است آنان را

وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةً مِنْ قَرْيَتِكَ الَّتِي أَخْرَجْتِكَ  
أَهْلَكْنَاهُمْ فَلَا نَاصِرَ لَهُمْ

چه بسا شهر کرده‌ایم افنا برتر از شهرت [ای پیمبر ما]  
که تو زان شهر آمدی بیرون پس ندارند هیچ یار کنون

أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْنَةٍ مِنْ رَبِّهِ كَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ  
وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ

آنکه باشد دلیلش از دادارو آنکه آراست زشتی کردار  
نیز شد پیرو هوا و هوس‌گو که آیا مساویند دو کس؟

مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَّاءٍ غَيْرِ  
ءَاسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرَ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ  
لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ  
الشَّمْرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا  
مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ

آن بهشتی که وعده داد خدا بهر آن بندگان با تقوا  
جویهایی در آن ز آب و ز شیرکه نکر دست طعم آن تغییر  
جویهایی ز خمر آگنده که دهد لذتی به نوشنده  
عسل صاف نیز هست روان‌وز هر میوه هست بر آنان  
نیز آمرزشی ز ربّ عظیم آنکه در این بهشت هست مقیم  
[هست آیا مساوی آنان که به دوزخ شوند جاویدان؟  
بچشانندشان ز آب حمیم که کند روده‌هایشان تقسیم

وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ حَتَّىٰ إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا  
لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ ءَانِفًا أُولَٰئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ  
عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ

بعضشان گفته‌ی تو را شنود پس از آن چونکه از بر تو رود  
پس بگوید به جمع دانایان بهر سخریه او چه گفت الان  
مهر زد بر قلوبشان یزدان آن کسان پیروند بر دلشان

وَالَّذِينَ أَهْتَدُوا زَادَهُمْ هُدًى وَءَاتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ

و کسی را که داشت راهنمود به هدایات او خدا افزود  
و ببخشید هم ره تقوا [که نیاید برون ز راه هدا]

فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً ۖ فَقَدْ جَاءَ  
أَشْرَاطُهَا فَأَنَّىٰ لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرُهُمْ

می‌کشند انتظار تا ناگاه روزگار جزا رسد از راه  
آمد اکنون نشانه‌ی [یزدان چون بیاید چه پند گیرد از آن

فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ  
وَالْمُؤْمِنَاتِ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوَاكُمْ

پس بدان نیست جز خدا دادار از گناهان بیار استغفار  
از خود و نیز مؤمنان دگر حق بداند ز تو مسیر و مقر

و بگویند مؤمنان که چرا؟ نرسد سوره‌ای [به حکم غزا]  
چون رسد سوره و عیان در آن بهر پیکارشان رسد فرمان  
آنکه از جان و دل بود بیمار آچنان از تو می‌کند دیدار  
که فتادست گوییا به ممت‌مرگ اولی است بهر او ز حیات

وَيَقُولُ الَّذِينَ ءَامَنُوا لَوْلَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ فَإِذَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ  
مُحْكَمَةٌ وَذُكِرَ فِيهَا الْقِتَالُ رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ  
يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَغْشِيِّ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَأُولَئِكَ لَهُم

سخن خوب و طاعت است نکوچون شود امر استوار به او  
راست گوید اگر برای خدایشویهی صدق بهتر است او را

طَاعَةٌ وَقَوْلٌ مَّعْرُوفٌ فَإِذَا عَزَمَ الْأَمْرُ فَلَوْ صَدَقُوا اللَّهَ  
لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ

۲۱

دوست دارید این زمان آیا؟ چون حکومت رسد به دست شما  
به تباهی کشید کار جهان و ببرید هم ز نزدیکان

فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا  
أَرْحَامَكُمْ

۲۲

حق کند آن کسان ز نعمت دور [و دل و جانشان کند کر و کور

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَرَهُمْ

۲۳

نه تدبر کنند در قرآن؟ گوییا هست قفل بر دلشان

أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْءَانَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا

۲۴

آن کسی که شده است رو گردان چون هدایت بر او شده  
است بیان  
اهرم ز یوری نهاد بر او آرزوی دراز داد بر او

إِنَّ الَّذِينَ أُرْتَدُوا عَلَىٰ أَدْبُرِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ  
الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمَلَىٰ لَهُمْ

۲۵

چونکه گفتند آن گروهی را که نخواهند امر وحی و خدا  
ما اطاعت کنیمتان در کار و خدا هست آگه از اسرار

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا مَا نَزَّلَ اللَّهُ سَنُطِيعُكُمْ فِي  
بَعْضِ الْأَمْرِ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ

۲۶

پس چگونه است حال او آنگاه که ملک می‌ربایدش ناگاه  
می‌زند بر رخ و به پشت سرش می‌زند ضربه نیز بر کمرش

فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبُرَهُمْ

۲۷

چون رمیدند از رضای خدا و به پی رفته‌اند خشمش را  
و خدا کارشان بساخت تباه این چنین است کار اهل گناه

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ اتَّبَعُوا مَا أَصْحَبَ اللَّهُ وَكَرِهُوا رِضْوَانَهُ  
فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ

۲۸

آنکه از جان و دل بود بیمار اینچنین است در دلش پندار  
نکند فاش کینه‌ی او راهیچگه کردگار او آیا؟

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ أَنْ لَّنْ يُخْرِجَ اللَّهُ  
أَصْغَانَهُمْ

۲۹

۴۴۵

وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكُمْ فَلَعَرَفْتَهُمْ بِسِيمَاهُمْ وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ

گر بخواهیم می‌دهیم نشان بر تو تا بنگری کی‌اند آنان پس به سیمایشان شناسی‌شان و شناسا شوی ز لحن بیان و خدای جهان بود دانا از همه فکر و کارهای شما

وَلَتَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَنَبْلُوَ أَخْبَارَكُمْ

آزمون می‌کنیم بهر شما تا معین شوند اهل غزا و چه کس هست با شکیب‌ترین و خبرهایتان شود تعیین

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَشَاقُّوا الرَّسُولَ مِن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ لَن يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَسَيُحِطُّ أَعْمَالَهُمْ

آنکه کافر شود به راه خدا و بگرداند از طریق خدا و ستیزد رسول یزدان را بعد از آنکه به او رسید خدا نزند هیچ لطمه‌ای به خدا و کند محو کارهایش را

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ

ای کسانی که آورید ایمان پس اطاعت کنید از یزدان همچنین نیز از رسول الله و مسازید کار خویش تباہ

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ مَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَن يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ

آنکه کافر شود به راه خدا و بگرداند از طریق خدا پس بمیرد به کفر خویش دچار نکند عفو جرم او دادار

فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتَرَكُمُ أَعْمَالَكُمْ

تو مکن سستی و به صلح مخوان که شما بیاید برتر از آنان و خدا هست با شما همراه کارتان را نمی‌کند کوتاه

إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ وَإِن تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ أَجْرَكُمْ وَلَا يَسْأَلَكُمْ أَمْوَالَكُمْ

لهو و لعب است بهره‌ی دنیاور که مؤمن شوید و با تقوا می‌نهد اجرها برای شما و نخواهد ز مالهای شما

إِن يَسْأَلْكُمُوهَا فَيُحْفِكُمْ تَبَخَّلُوا وَيُخْرِجْ أَصْغَانَكُمْ

خواهد از آن و پس کنند اصرار بخل و ورزید سخت بر این کار و شود کینه‌هایتان پیدا

هَآأَنْتُمْ هَآؤُلَآءِ تَدْعُونَ لِتُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ وَمَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلْ عَن نَّفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ وَإِن تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَلَكُمْ

هان همینید ای گروه شما چون بخوانند در ره انفاق در ره آن خدای ذو الارزاق بخل آرند عده‌ای ز شما و زبانی است بخل آنان را فقر ایید جمله بر یزدان بی‌نیازست حق ز عالمیان گر که از او شوید رو گردان قوم دیگر بیاورد یزدان کان کسان نیستند مثل شما [می‌دهند آنچه را که خواست خدا]

فتح دادیم بر تو فتح عیان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا

۱  
۴۴۶

تا ببخشد گناه تو یزدان  
وز پس و پیش بر تو بخشاید نعمتش را تمام فرماید  
بنماید تو را صراط قویم

لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ  
وَعَلَيْكَ وَيَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا

۲

بر تو نصرت دهد قوی و عظیم

وَيَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيمًا

۳

در دل مؤمنان نهاد امان تا فزاید بر ایشان ایمان  
از خدا لشکر زمین و سماست و خدا هم حکیم و هم داناست

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا  
مَعَ إِيمَانِهِمْ وَاللَّهُ جُنُودُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ  
عَلِيمًا حَكِيمًا

۴

اهل ایمان رود به سوی جان‌زیر اشجارش آبهای روان  
ماندگارند جاودانه در آن و ببخشد گناهشان یزدان  
[آنهمه لطف را که بر شمریم هست نزد خدای فوز عظیم

لِيَدْخُلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا  
الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَيُكَفَّرُ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَكَانَ ذَلِكَ  
عِنْدَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا

۵

اهل شرک و نفاق زشت گمان‌گمان آورند بر یزدان  
مبتلا می‌شوند خود بر آن و خدا خشم کرد بر آنان  
و خدا کرد بهرشان نفرین کرد دوزخ برایشان تعیین  
وای آنجا چه بد سر انجامی است وای آنجا چه سخت فرجامی  
است

وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ  
الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ  
اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا

۶

از خدا لشکر زمین و سماست و خدا هم حکیم و هم داناست

وَاللَّهُ جُنُودُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيمًا حَكِيمًا

۷

من فرستادمت به خلق نذیرهم به آنان تو شاهدی و بشیر

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا

۸

تا که مؤمن شوید بهر خدائیز پیغمبر گرامی را  
نصرت او را دهید و ارج مقام‌نیز تسبیح حق به صبح و به  
شام

لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً  
وَأَصِيلًا

۹

إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ  
أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ ۗ وَمَنْ أَوْفَىٰ  
بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا

آن کسان که به بیعتند تو راعهد دارند جملگی به خدا  
دست حق برترست از هر دستو آنکه پیمان خویش را  
بشکست  
او به خود داده است سخت زیان و آنکه دارد وفا به هر  
پیمان  
که ببسته است با خدای کریمزود او را دهند اجر عظیم

سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَالُنَا  
وَأَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرْ لَنَا يَقُولُونَ بِالسِّنْتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي  
قُلُوبِهِمْ ۗ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ  
بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ نَفْعًا بَلْ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ  
خَبِيرًا

زود آن بازماندگان ز اعراب این چنین می‌کنند با تو خطاب  
اهل و اموال ما به عرصه‌ی کار همه را بازداشت از پیکار  
بهر ما ای نبی کن استغفار [تا ببخشد گناه ما غفار]  
آنچه این جمع آورد به زبان نبود پایبند آن از جان  
گو که مانع شود اگر که خداخواست بهر شما زیانی را؟  
یا اگر سود خواست بهر شما حق به کار شما بود دانا

بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَىٰ أَهْلِيهِمْ  
أَبَدًا وَرُزِينَ ذَلِكَ فِي قُلُوبِكُمْ وَظَنَنْتُمْ ظَنًّا سَوْءًا وَكُنْتُمْ  
قَوْمًا بُورًا

و چنین داشتید حدس و گمان که رسول و گروه با ایمان  
برنگردند سوی خانه دگر بود این بهر قلبتان زیور  
و چنین داشتید ظن پلیدو چنین بود تا که نیست شدید

وَمَنْ لَّمْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ  
سَعِيرًا

آنکه ایمان نداشت بهر خدائیز حکم پیمبر او را  
ما مهیا کنیم بر کفار دوزخ و شعله‌های سرکش نار

وَاللَّهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ يَعْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ  
يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

از خدا ملک این زمین و سماست و می‌آمزد آنکه را او  
خواست  
هر که را خواست هم دهد کیفر و خدا غافر است و بخششگر

سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انْطَلَقْتُمْ إِلَىٰ مَغَائِمٍ لِّتَأْخُذُواهَا دَرُونا  
نَتَّبِعْكُمْ ۗ يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلِمَ اللَّهِ ۗ قُلْ لَنْ تَتَّبِعُونَا  
كَذَٰلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلُ ۗ فَسَيَقُولُونَ بَلْ تَحْسُدُونَنَا ۗ بَلْ  
كَاوُوا لَا يَفْقَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا

چون به سوی غنایمید روان پس بگویند ماندگان اینسان  
بگذارید اینکه ما باشیم چون شما در چنان متاع سهیم  
گو ندارید پیروی از ما بود از این پیش این کلام خدا  
پس بگویند حاسدید به ما جز کمی نیستند خود دانا



قُلْ لِلْمُخَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ سُدُّعُونَ إِلَىٰ قَوْمٍ أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ تُقَاتِلُونَهُمْ أَوْ يُسَلِّمُونَ ۖ فَإِنْ تُطِيعُوا يُؤْتِكُمُ اللَّهُ أَجْرًا حَسَنًا وَإِنْ تَتَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُمْ مِّن قَبْلُ يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَىٰ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرْجٌ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَنْ يَتَوَلَّ يُعَذِّبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا

لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَبَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا

وَمَغَانِمَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا

وَعَدَكُمْ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هَذِهِ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ وَلِتَكُونَ آيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا

وَأُخْرَىٰ لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللَّهُ بِهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا

وَلَوْ قَتَلْتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَدْبَرَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا

سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلُ ۖ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا

بهر اعراب باز مانده بگو [سوی جنگی کنیم اکنون رو] هم شما سوی جنگ خوانده شوید هست این خصم با قوای شدید  
یا بکنید سخت با ایشان یا که این قوم آورند ایمان  
گر اطاعت کنید حکم خدای دهد اجر نیک به شما  
ور که از آن شوید رو گردان که از این پیش بوده‌اید چنان  
پس خدا بهرتان دهد کیفر کیفری از عذاب درد آور

حرجی نیست بهر نابینانیز از بهر لنگ و بر مرضا  
هر که دارد اطاعت از یزدان وز رسول گرامی رحمان  
می‌شود داخل بهشت و جان‌زیر اشجارش آبهای روان  
و آنکه برگشت از ره داور پس دهندش عذاب درد آور

دسته‌ای بود مرضی داور بیعتی با تو بست زیر شجر  
بود آگه حق از دل ایشان داد آرامشی به خاطرشان  
بود پاداش جمع فتح قریب هم به عقباست بهر جمع نصیب

بس غنیمت رسد به دست کسان و خدا قادر است و  
حکمت‌دان

به شما وعده داده است خدا بس غنیمت رسد به دست شما  
این یکی را شتاب کرد خدای قطع شد دست مردمان ز شما  
آیتی بهر مؤمنان شد آن در ره راست اوست رهبرتان

باز دارد غنایمی یزدان که ندارید قدرتی بر آن  
و خدا را احاطه بر آنهاست و به هر کار قادر آن یکتاست

چونکه کفار در ره پیکار همه بودند از شما به فرار  
و نمی‌یافتند یار و نصیر [این بود آیتی ز حی قدیر]

بود از این پیش رسم ربّ جلیل و نیایی به رسم حق تبدیل

وَهُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا

۴۸  
فتح  
۲۴  
۲۹

اوست آنکس که دست آنان را کرد کوتاه از فراز شما نیز دست شما ظفربان کرد کوتاه از سر ایشان چونکه در مکه داشتید قرار هست بینا به کارتان دادار

هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيِ مَعْكُوفًا أَنْ يَبْلُغَ مَحَلَّهُمْ وَلَوْلَا رِجَالُ مُؤْمِنُونَ وَنِسَاءُ مُؤْمِنَاتٌ لَمْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطَّوَّهُمْ فِتْصِيبَكُمْ مِنْهُمْ مَعْرِفَةٌ بَغَيْرِ عِلْمٍ لِيَدْخُلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

۲۵

کافران خلق بازگرداندندهم ز بیت الحرامتان راندند نیز مانع شدند از قربان که رسد در همان محل و مکان لیک بودند مؤمنان آنجا که نبودید آگه ایشان را بفرشان از شما زبانی بود [گر خدا جنگ امر می فرمود] تا در آرد به رحمتش رحمان آنکه را خواست قادر سبحان و ر جدا می شدند بد کیفر بفر کفار سخت و درد آور

إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا

۲۶

در دل کافران نهاد خداعصیبات جاهلیت را به دل مؤمنان و پیغمبر داد آرامش و امان داور نیز ملزم شدند بر تقوا که سزاوار بوده اند آن را به یقین هست قادر یکتا از همه چیزها بسی دانا

لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّعْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ ءَامِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا

۲۷  
۴۴۹

گشت خواب پیامبر حق راست و همین راستی خدا می خواست تا در آید خود به بیت حرام اینچنین خواست حق ذو الانعام روی امن و امان به دل دیده سر تراشیده یا که مو چیده آنچه از آن نبوده آید آگاه همه دانسته بود ذات اله پیش از این نیز بود فتح قریب که ز حق داشتید سهم و نصیب

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا

۲۸

او فرستد رسول خود به هدانیز آیین حق دهد او را تا شود چیره هر مرامی رادر گواهی بر او بس است خدا

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ  
 بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا  
 سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِمَّنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي  
 التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْئَهُ فَكَازَرَهُ  
 فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ  
 الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ  
 مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا

۴۸  
فتح  
۲۹  
/۲۹

۴۹. حَجَرَات

الحجرات: حجره‌ها

مدنی

۱۸ آیه

۳ صفحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْدِمُوا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ  
 وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

۱  
حزب  
۲۰۶  
۴۵۰

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ  
 النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن  
 تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ

۲

إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ  
 امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَىٰ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ

۳

إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا  
 يَعْقِلُونَ

۴

این محمد بود رسول خدا و کسانی که همراهند او را  
 مهربانند در برابر هم‌بهر کفار قاطع و محکم  
 در رکوع و سجود الله‌اند فضل و رضوان ربشان خواهند  
 اثر سجده کرده نقش جبین‌وصف آنان به نامی پیشین  
 هم به تورات هست هم انجیل این مثل هست همچو زرع و  
 نخیل  
 چون پدید آورد جوانی او پس قوی سازد و دهد نیرو  
 پس از آن ساقه‌اش بدارد راست‌وین کشاورز را شگفتی  
 زاست  
 تا که کفار از آن به خشم آیند می‌دهد وعده کردگار بلند  
 مؤمنی را که هست نیکوکار هست غفران و اجرت بسیار

ای که ایمان حق کنی تو قبول‌پس مقدم مشو به حق و  
 رسول  
 نیز تقوا کنید بهر خداست یزدان سمیع و هم دانا

ای که دین خدا کنی باوردر صدا از نبی مشو برتر  
 و مزن داد بهر پیغمبران چنانید بهر یکدیگر  
 و مسازید کار خویش تباکه شما نیستید از آن آگاه

آنکه دارد فرو خطاب و ندادر حضور و بر رسول خدا  
 حق دلش آرمود بر تقواغفو و اجر عظیم هست او را

از پس حجره‌ها دهند ندا اکثر خلق نیست اهل ده‌ها

وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّى تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَاللَّهُ  
غَفُورٌ رَحِيمٌ

گر که می‌بود صبر با ایشان تا روی خود به جانب آنان  
بهرشان بود این بسی به‌ترو خدا غافر است و بخششگر

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن  
تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهْلَةٍ فَتُصِحُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَدِمِينَ

مؤمنان فاسقی اگر به شما خبری داد بر رسید آن را  
که مبادا به کس زنید زیان و پشیمان شوید بعد از آن

وَأَعْلَمُوا أَن فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ  
الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ  
فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ  
أُولَٰئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ

و بدانید در میان شما هست پیغمبر آن رسول خدا  
گر مطیع شما شود در کاربه مشقات می‌شوید دچار  
ساخت محبوب بر شما ایمان داد از آن زیوری به دلها تان  
ساخت منفور کفر و عصیان را بر شما نیز راه کفران را  
[و آن کسانی که داشتیم بیان در طریق هدایتند روان

فَضَلًا مِّنَ اللَّهِ وَنِعْمَةً وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

بهرشان هست خیر و فضل خدا و خدا عالم است و هم دانا

وَإِن طَآئِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِن  
بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقْتُلُوا الَّتِي تَبَغَىٰ حَتَّى تَفِيءَ  
إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِن فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ  
وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ

چون دو قوم از جماعت دیندار بر گرفتند شیوهی پیکار  
آشتی ده میانه‌ی ایشان و یکی ظلم کرد بر دگر آن  
پس بجنگید با گروه جفا تا بیاید به سوی حکم خدا  
بینشان آشتی دهید به دادداد و رزید در میان عباد  
که خداوند عادل یکتا دوستدار است دادگستر را

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ  
لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

بینشان شد اخوت از ایمان آشتی ده میانه‌ی اخوان  
اهل تقوا شوید بهر خدا شاید آرند رحم بهر شما

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَن  
يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّن نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ  
خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَرُوا بِاللِّقَابِ  
بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ  
هُمُ الظَّالِمُونَ

مؤمنان هیچکس ز قوم شما نکند سخره قوم دیگر را  
شاید آنان بهند خود ز شما نسا سرزنش کنند نسا  
شاید آنان بهند از ایشان و مباحید اهل زخم زبان  
و مخوانید نام یکدیگر به بدی در سخن پس از باور  
گر نگردند باز سوی خدا آن کسانی که نسا نسا  
گر نگردند باز سوی خدا آن کسانی که نسا نسا

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ  
الظَّنِّ إِثْمٌ وَ لَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا  
أَجِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ  
وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ

ای کسی کاوری به حق ایمان باد پرهیزت از بسی ز گمان  
بس گمان است خود گناه و پلیدهم تجسس به کار هم  
مکنید  
نیز غیبت ز کس مدار روادوست دارد کس از شما آیا؟  
که خورد مردهی برادر رانیست این کار خوش برای شما  
اهل تقوا شوید بهر خداوست توآب و مهربان به شما

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ  
شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ  
أَتْقَىٰكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

ایها الناس خلق شد انسان از دو جنس از رجال و از نسوان  
آفریدیم دسته‌ها و شعوبتا شناسید یکدیگر را خوب  
بهترین آدمی به نزد خدا باشد آن کس که هست با تقوا  
و خدا آگه است از هر کارو خدا آگه است از اسرار

قَالَتِ الْأَعْرَابُ ءَامَنَّا قُل لَّمْ نُؤْمِنُوا وَلَكِن قُولُوا أَسْلَمْنَا  
وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِن تُطِيعُوا اللَّهَ  
وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِّنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ  
رَّحِيمٌ

قوم اعراب می‌کند اظهار که همه مؤمنیم بر دادار  
گو که مؤمن نه‌اید پس گویید راه اسلام بهر ماست پدید  
دین به دل‌هایتان نکرده دخول گر مطیعید بهر حق و رسول  
حق نکاهد ز کارهای شماوست غفار و هم عطا بخشا

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا  
وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ  
الصَّادِقُونَ

آنکه دارد به امر دین باور هست مؤمن به حق و پیغمبر  
نیست شکی به قلب او پنهان و جهاد آورد به مال و به جان  
آن کسانند در طریق خدار استگویند نیز در همه جا

قُلْ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ بِدِينِكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ  
وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

گو که دانا کنید یزدان را بهر ایمان و دیتان آیا؟  
اوست آگه به خلق ارض و سماو به هر چیز او بود دانا

يَمُنُّونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا قُل لَّا تَمُنُّوا عَلَيَّ إِسْلَامَكُم بَلِ  
اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَاكُمْ لِلْإِيمَانِ إِن كُنْتُمْ  
صَادِقِينَ

نیز منت دهند بر تو ز خویش که ره دین گرفته‌اند به پیش  
گو که منت چه می‌نهد به ماحق نهد منت از برای شما  
که هدایت به سویتان برسیداگر از جمع راستگویانید

إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا  
تَعْمَلُونَ

اوست آگه ز غیب ارض و سماهم بود بهر کارتان بینا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ق وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ

بَلْ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ فَقَالَ الْكٰفِرُونَ هٰذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ

أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا دَلَّكَ رَجْعٌ بَعِيدٌ

قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ وَعِنْدَنَا كِتَابٌ حَفِيظٌ

بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَّرِيجٍ

أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ

وَالْأَرْضِ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ

تَبَصَّرَةٌ وَذَكَرَىٰ لِكُلِّ عَبْدٍ مُّنِيبٍ

وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُّبْرَكًا فَأَنْبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَحَبَّ الْحَصِيدِ

وَالنَّخْلَ بَاسِقَاتٍ لَهَا طَلْعٌ نَضِيدٌ

رِزْقًا لِلْعِبَادِ وَأَحْيَيْنَا بِهِ بَلَدَةً مَّيْتًا كَذٰلِكَ الْخُرُوجُ

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَأَصْحَابُ الرَّسِّ وَثَمُودُ

وَعَادُ وَفِرْعَوْنُ وَإِخْوَانُ لُوطٍ

وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ وَقَوْمِ تُبَّعٍ كُلٌّ كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ وَعِيدِ

أَفَعَيَّنَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ بَلْ هُمْ فِي لَبْسٍ مِّنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ

[قاف رمزی است از خدای قدیربه رسولش که شد بشیر و نذیر]

و به قرآن قسم کتاب مجید[که روا نیست در خدا تردید]

در شگفتند اینکه از ایشان منذری آمده است بهر کسان پس بگفتند کافران یکسر هست این چیز بس شگفت آور

چونکه مردیم خاکمان در گور بازگشتش بود ز عقل به دور

آنچه را خاک کاهد از ایشان هست دانا خدای عالمیان و کتاب حفیظ نزد خداست

نیز منکر شوند بر هر راست

چونکه حق می‌رسد به جانبشان همه هستند در عمل حیران

در سماوات ننگرند که ما بر سر خلق کرده ایم بنا؟

نیز زیور بر آن کنیم پدیدو شکافی برای او نرسید

نیز گسترده ایم روی زمین کوه را در زمین کنیم مکین و بر آریم از آن گیاهان را از همه نوع خرم و زیبا

این بود بر عباد بینش و پندکه به سوی خدای روی آرند

و فرستادم از سما باران برکات از خدای بود در آن

نیز رویانده ایم از او بستان دانه و غله نیز هست از آن

نخلهای کشیده تا بالاخوشه‌هایی است چیده بر آنها

این بود رزق بندگان مرا از آن کنیم ارض مرده را احیا

این چنین است کار روز جزا که برون آوریم موتی را

پیش از این قوم نوح و رس و ثمودبهر آیات حق مکذب بود

نیز فرعون و قوم لوط چو عاد[داشت در کار دین ره بیداد]

تبع و اهل ایکه کرد انکارهر رسول و به وعد گشت دچار

خلقت اولین ایشان راناتوان بوده ایم آیا ما؟

کاین ز مانند قوم در تردیدبهر آن خلقتی که هست جدید

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ  
أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ

۱۷

إِذْ يَتَلَقَى الْمُتَلَقِيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ

۱۸

مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ

۱۹

وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ

۲۰

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ ذَلِكَ يَوْمُ الْوَعِيدِ

۲۱

وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ

۲۲

لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ  
فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ

۲۳

وَقَالَ قَرِينُهُ هَذَا مَا لَدَىٰ عَتِيدٌ

۲۴

أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلٌّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ

۲۵

مَتَاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُّرِيبٍ

۲۶

الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَأَلْقِيَاهُ فِي الْعَذَابِ  
الشَّدِيدِ

۲۷

حزب  
۲۰۸

قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَا أَطَّغَيْتُهُ وَلَا كِنَ كَانَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ

۲۸

قَالَ لَا تَخْتَصِمُوا لَدَيَّ وَقَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُمْ بِالْوَعِيدِ

۲۹

مَا يُبَدَّلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ وَمَا أَنَا بِظَلَمٍ لِّلْعَبِيدِ

۳۰

۴۵۴ر

يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأَتْ وَتَقُولُ هَلْ مِنْ مَّزِيدٍ

۳۱

وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ

۳۲

هَذَا مَا تُوعَدُونَ لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيظٍ

۳۳

مَنْ خَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ وَجَاءَ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ

۳۴

أَدْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ

۳۵

لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ

آفریدیم ناس و ز آن وسواس آگهیم اینکه هست در دل  
ناس

پس قریبیم به بندگانم من بلکه هم اقرب از رگ گردن

دو ملک نیز بهر ضبط او راستکه نشسته است بر چپ و بر  
راست

هیچ حرفی نیاورد به زبان جز که او را مراقبی است بر آن

چون به حق سکر مرگ یافت فرارگوید از این تو بوده‌ای به  
فرار

چون سرافیل هم به صور دمیدگوید این است روزگار وعید

هر که آید به او بود همراه‌پیش راننده‌ای و نیز گواه

[و چنین بهر او دهند ندا]بی‌خبر بودی از چنین غوغا  
پرده از چشم تو زدیم کنارتیز شد دید تو کنون بسیار

هم بگوید فرشته‌ای به قرین نزد من نامه‌ی تو هست همین

افکنیدش کنون به داخل نارهر که بودست سرکش و کفار

و آنکه از کار خیر دارد بازمتجاوز شد و به شک انداز

و آنکه معبود جز خدا بگزیدپس در آرید در عذاب شدید

نیز شیطان که بهر اوست قرین‌گوید این وقت با خدای چنین  
از من این سرکشی به او نرسیدبلکه خود بود در ضلال بعید

حق بگوید مکن جدال اینجاگفته‌ام پیش از این وعید شما

نیست تغییر حال قول مرا و ندارم به هیچ بنده جفا

گویم ای نار پر شدی اکنون‌گوید آیا که باز هست فزون

متقین را نعیم هست قریب‌نیست ز آنان جنان بعید و غریب

این همان وعده‌ایست آنان را که شدند اهل توبه و تقوا

آنکه ترسد ز ربّ خود به نهان و بیارد دلی انابه کنان

پس در آیند با درود و سلام و در آن تا ابد کنند مقام

هر چه خواهند از نعیم آنجاست و از آن بیشتر به نزد  
خداست

وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّن قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُواْ

فِي الْبِلَادِ هَلْ مِنْ مَّحِيصٍ

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَذِكْرَىٰ لِمَن كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ

شَهِيدٌ

وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ

وَمَا مَسَّنَا مِن لُّغُوبٍ

فَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ

السَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ

وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَأَدْبَرَ السُّجُودِ

وَأَسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِن مَّكَانٍ قَرِيبٍ

يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ

إِنَّا نَحْنُ نُحْيِيهِ وَنُمِيتُهُ وَإِلَيْنَا الْمَصِيرُ

يَوْمَ تَشَقَّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَٰلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ

تَحْنُ أَعْلَمٌ بِمَا يَقُولُونَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ فَذَكَرْ

بِالْقُرْآنِ مَن يَخَافُ وَعِيدِ

### ۵۱. ذاریات

الذَّارِيَاتِ: بادهای ذره افشان

مکی

۶۰ آیه

۴ صفحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالذَّرِّيَاتِ ذَرَوًا

فَالْحَمَلَاتِ وِقْرًا

فَالْجَرِيَّتِ يُسْرًا

فَالْمُقْسِمَاتِ أَمْرًا

إِنَّمَا تُوْعَدُونَ لَصَادِقٌ

وَإِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ

و چه بسیار کرده‌ایم فنامردمی را که بود بس اقوی

و بگشتند در جهان بسیار هست آیا کنون محل فرار

هست از آن پند بهر صاحب هوشیا شود شاهد و بدارد گوش

آسمان و زمین و بینهمابود شش روزه خلقت آنها

بهر ما ز آن نبود رنج و گزند

صبر کن آنچه را که می‌گویند

پس سپاسی بدار بر اللهپیشتر از غروب و نیز پگاه

نیز تسبیح گوی بهر ودودلختی از شب پس از رکوع و سجود

گوش کن چون ندا رسد ز خطیبدر مکانی که که بر شماست قریب

میحهای بشنوند در آن روزکه بحق شد گه خروج امروز

من بمیرانم و کنم احیابازگشت شماست سوی خدا

ارض بشکافد و شتابان استحشر آنان به ما چه آسان است

هست اعلم خدا ز هر گفتارو نداری تو بهرشان اجبار

پس تذکر بده تو این قرآنآنکه ترسد ز کیفر یزدان



وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْحُبُكِ

و قسم بر سپهر صاحب راه

إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُّخْتَلِفٍ

که بود بس خلاف در افواه

يُؤْفِكُ عَنْهُ مَنْ أَفِكَ

کج رود منحرف ز راه صواب

قَتَلَ الْخَرَّاصُونَ

مرگ بادا به هر که شد کذاب

الَّذِينَ هُمْ فِي عَمْرَةٍ سَاهُونَ

آن کسان در جهالتند و خطا

يَسْأَلُونَ أَيَّانَ يَوْمَ الدِّينِ

پس بپرسند کو زمان جزا

يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ

چون شوند آزمون به دوزخ و نار [پس ندا می‌رسد به آن کفار]

ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِء تَسْتَعْجِلُونَ

بچشید آزموتان [ز عذاب آنچه را داشتید سخت شتاب

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ

متقین راست چشمه سار و جنان

ءَاخِذِينَ مَا ءَاتَاهُمْ رَبُّهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُحْسِنِينَ

پس بگیرند داده‌ی رحمان  
پیش از این بوده اهل کار صواب

كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ

بود این قوم کم به شب در خواب

وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ

هر سحر داشتند استغفار

وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ

بود در مالهای آن اخیار  
سهم و حق برای اهل سؤال و آنکه محروم مانده از هر مال

وَفِي الْأَرْضِ ءَايَاتٌ لِّلْمُوقِنِينَ

بس نشانهاست از خدا به زمین‌بهر قومی که هست اهل  
یقین

وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ

بس نشانهاست هم به جان شما [در همه چیز] ننگرید آیا؟

وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ

در سپهر است رزق و وعد شما

فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقُّ مِثْلَ مَا أَنْكُمْ تَنْطِقُونَ

پس قسم بر خدای ارض و سما  
که بحق است مثل نطق شما

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ

این سخن را شنیده‌ای آیا؟  
داستان خلیل و مهمانگاه گرامی بدند پیش خدا

إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا ۗ قَالَ سَلَامٌ قَوْمٍ مُّنْكَرُونَ

آن جماعت بر او چو کرد ورودابتدا داد بر خلیل درود  
چون جواب سلامشان برسیدگفت ای قوم ناشناخته‌اید

فَرَاغَ إِلَىٰ أَهْلِهِ ۖ فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ

پس سوی خانواده گشت روان کرد گوساله‌ای سمین بریان  
چون که گوساله را نهاد به جا

فَقَرَّبَهُوَ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ

گفت از چه نمی‌خورید آن را

فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً ۗ قَالُوا لَا تَخَفْ ۗ وَبَشَّرُوهُ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ

پس بترسید سخت از آنهاپس بگفتند هان مترس از ما  
مژده دادند آن گروه او راکه جوانی است بهر تو دانا

فَأَقْبَلَتِ امْرَأَتُهُ فِي صِرَةٍ ۖ فَصَكَّتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ

پس زنش روی کرد جیغ‌کشان و بزد او به صورتش [شادان  
که چگونه کنون پسر آریم‌که منم این زمان عجوز و عقیم

قَالُوا كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ ۗ إِنَّهُ هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ

پس بگفتند حق بگفت این رابه یقین اوست عالم و دانا

قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ

گفت ای مرسلان ز سوی خدایست فرمان و کار و بار شما

قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ

پس بگفتند ما ز ربّ جلیل‌بهر اهل گنه شدیم گسیل

لِنُرْسِلَ عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّن طِينٍ

تا برایشان کنیم ما نازل‌سنگبارانی از شن و از گل

مُسَوَّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُسْرِفِينَ

و آن نشاندار گشته از یزدان‌بهر جمعیت فزونکاران

فَأَخْرَجْنَا مَن كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

پس برون آوریم ما از آن‌آن گروهی که هست با ایمان

فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِّنَ الْمُسْلِمِينَ

جز یکی خانه ما نیافته‌ایم‌خانه‌ای بهر امر حق تسلیم

وَتَرَكْنَا فِيهَا آيَةً لِلَّذِينَ يَخَافُونَ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ

و نهادیم آیتی در آن‌بهر ترسنده از عذاب گران

وَفِي مُوسَىٰ إِذْ أَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ بِسُلْطٰنٍ مُّبِينٍ

[و نشانهاست نیز در موسی چون فرستاده‌ایم ما او را  
سوی فرعون با دلیل عیان

فَتَوَلَّىٰ بُرْكُنَيْهٖ وَقَالَ سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ

پس از او سخت گشت رو گردان  
گفت این ساحری است یا مجنون

فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ وَهُوَ مُلِيمٌ

پس گرفتیم او و قوم زبون  
غرق کردیم جمله را در آب‌مستحق ملام بود [و عذاب

وَفِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ

[هست از حق بسی نشان در عادکه فرستاده‌ام بر آنان باد

مَا تَذَرُ مِن شَيْءٍ أَتَتْ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلْتَهُ كَالرِّمِيمِ

تند بادی که بر هر آنچه وزیدهمچو ستخوان مردگان پوسید

وَفِي ثَمُودَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ تَمَتَّعُوا حَتَّىٰ حِينٍ

نیز چون گفته شد به قوم ثمودتا زمانی برید بهره و سود

فَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّعِقَةُ وَهُمْ يَنْظُرُونَ

چونکه سر باز زد ز امر خدایصاعقه بر گرفت آنان را  
خیره خیره نگاه می‌کردند[همه ناگاه بر زمین خوردند]

فَمَا اسْتَطَعُوا مِّن قِيَامٍ وَمَا كَانُوا مُنْتَصِرِينَ

کسی از جای خود بلند نشدو کسی هم نبود یاور خود

وَقَوْمَ نُوحٍ مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَسِيقِينَ

مردم نوح نیز قبل از آن‌مردمی بود سخت نافرمان

وَالسَّمَآءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ

آسمان را نهاده‌ایم بناو به قدرت بگستریم آن را

وَالْأَرْضَ فَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ الْمَاهِدُونَ

نیز گسترده‌ایم روی زمین و چه نیکو بگستریم چنین

وَمِن كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

آفریدیم جفت از اشیامتذکر شوید بلکه شما

فَفِرُّوْا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ

پس به سوی خدا کنید فراربه عیان بهرتان دهم هشدار

وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَهًا ءَاخَرَ إِنِّي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ

و میارید شرک بهر خدامن نذیر مبین شدم به شما

كَذَلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ  
أَوْ مَجْنُونٌ

۵۳ أَتَوَّصَوْا بِهِۦٓ بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَٰغُونَ

۵۴ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ فَمَا أَنْتَ بِمَلُومٍ

۵۵ وَذَكَرْ فَإِنَّ الدِّكْرَىٰ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ

۵۶ وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ

۵۷ مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعَمُونَ

۵۸ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ

۵۹ فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُنُوبًا مِثْلَ ذُنُوبِ أَصْحَابِهِمْ فَلَا  
يَسْتَعْجِلُونَ

۶۰ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ يَوْمِهِمُ الَّذِي يُوعَدُونَ

۵۲. طور الطُّور: کوه طور مکی ۴۹ آیه ۳ صفحه

۱ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
وَالطُّورِ  
۴۵۸ر

ای پیمبر به کوه طور قسم

۲ وَكِتَابٍ مَسْطُورٍ

و کتابی که گشته است رقم

۳ فِي رَقٍّ مَنشُورٍ

که به طومار بر گشوده نهاد

۴ وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ

و قسم هم به خانه‌ی آباد

۵ وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوعِ

و قسم می‌خورم به بام بلند

۶ وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ

و به دریا قسم که بردارند

۷ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ

که عذاب خدا شود واقع

۸ مَا لَهُ مِنْ دَافِعٍ

هیچ چیزی نباشدش مانع

۹ يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا

چونکه افتد در آسمان تب و تاب

۱۰ وَتَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا

و رود کوهسار هم به شتاب

۱۱ فَوَيْلٌ لِّلْمُكَدِّبِينَ

وای آن روز بهر منکر دین

۱۲ الَّذِينَ هُمْ فِي خَوْضٍ يَلْعَبُونَ

که به بازی به لهو هست قرین

۱۳ يَوْمَ يُدْعُونَ إِلَىٰ نَارٍ جَهَنَّمَ دَعَاً

پس بخوانندشان به دوزخ و نار[پس بگویند بهر آن کفار]  
این بود آنچه گفته‌ایم از نار

۱۴ هَذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَدِّبُونَ

که به آن بوده‌اید در انکار

و نیامد رسولی از این پیش‌جز که گفتند [قوم کافر کیش  
این بشر ساحر است یا مجنون پس مباش ای رسول ما  
محزون

و سفارش کنند نیز به آن‌آن گروهند جمله در طغیان

پس بگردان تو روی از آنان‌که ملامت نمی‌شوی از آن

هم تذکر بده که این تذکارمؤمنان را منافع آرد بار

ما نکردیم خلق جن و بشرجز برای عبادت داور

روزی از این کسان نمی‌خواهیم‌نیز اطعامشان نمی‌خواهیم

روزی ماست در بر یزدان‌که خداوند قدرت است و توان

بس گناه است بر ستمکاران‌همچون باران بیشتر زیشان  
پس نباشند هیچ اهل شتاب که رسد زود بهر خلق عذاب

وای بر کافران ز روز جزاکه بود وقت وعده آنان را

أَفْسِحْرُ هَذَا أَمْ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ

این بود کار ساحران آیا؟ و نینید نیز آن آیا؟

أَصْلَوْهَا فَأَصْبِرُوا أَوْ لَا تَصْبِرُوا سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

و در آید هم بود یکسان صبر و بی‌تابی شما در آن و جزای شما بود تنهاکیفری بهر کارهای شما

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّتٍ وَنَعِيمٍ

و در آنجاست اهل تقوا را بوستانها و هم نعیم خدا

فَكَهَيْنَ بِمَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ وَوَقَّاهُمْ رَبُّهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ

شادمانند از عطای خداوز عذاب جحیم گشته رها

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

پس گوارا خورید و آشامیداز عملها که کرده‌اید پدید

مُتَّكِنِينَ عَلَى سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ

صف به صف بر اریکه تکیه زنان‌حور عین است همسر آنان

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلْتَنَاهُمْ مِّنْ عَمَلِهِمْ مِّنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ

نسلی از مؤمنان نیکوکاربهر این قوم تابع از کردار نیز ملحق شوند بر آنان‌نشود گم ز کرده‌ی ایشان خلق باشد رهین کرده‌ی خویش نشود کارهای او کم و بیش

وَأَمَدَدْنَاهُمْ بِفِكَهَةٍ وَلَحْمٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ

میوه و گوشت بهرشان دلخواه می‌رسد از عنایت الله

يَتَنَزَّعُونَ فِيهَا كَأَسَا لَا لَعْوُ فِيهَا وَلَا تَأْتِيمٌ

جام گیرند و هیچ آنان رانیست بیهودگی و لغو و خطا

وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَّكْنُونٌ

و بگردند گردشان غلمان‌بهرشان همچو گوهر پنهان

وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ

روی آرند پس به سوی سؤال و چنین است آن خطاب و مقال

قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ

پیش از این بوده‌ایم ما ترسان‌در دل خانواده و خویشان

فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقَّانَا عَذَابَ السَّمُومِ

پس خدا متنی نهاد به ماوز عذاب سموم ساخت رها

إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ

پیش از این خوانده‌ایم ما او رااو بود خوب و مهربان با ما

فَذَكِّرْ فَمَا أَنْتَ بِنِعْمَتِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَلَا مَجْنُونٍ

پند ده کز عطای آن بیچون‌نیستی کاهن و نه ای مجنون

أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ تَتَرَبَّصُ بِهِ رَيْبَ الْمُنُونِ

یا بگویند شاعری که تو رامی‌کشیم انتظار مرگ و فنا

قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُتَرَبِّصِينَ

پس بگو منتظر شوید بر آن‌که منم با شما ز منتظران

أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَحْلَمُهُمْ بِهَذَا أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ

عقلشان می‌دهد چنین فرمان‌یا که این جمع هست در طغیان

۳۳

أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ وَ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ

یا بگویند افترا به خدا بلکه ایمان نباشد آنان را

۳۴

فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ

پس بیارند گفته‌ای چون آن راستگویند اگر چنین سخنان

۳۵

أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمْ الْخَالِقُونَ

آفریدیمشان ز هیچ آیا؟ یا که خود خالقند هم خود را

۳۶

أَمْ خَلَقُوا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بَلْ لَا يُوقِنُونَ

یا که کردند خلق ارض و سما؟ به یقین هیچ نیست آنان را

۳۷

أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَبِّكَ أَمْ هُمْ الْمُضَيِّطُونَ

گر که گنج خداست با آنان یا مسلط شدند بر کیهان

۳۸

أَمْ لَهُمْ سُلَّمٌ يَسْتَمِعُونَ فِيهِ فَلْيَأْتِ مُسْتَمِعُهُمْ بِسُلْطَنِ  
مُّبِينٍ

یا که دارند نردبانی راکه از آن بر شوند سوی سما  
بشنوند از سما کلامی راگو بیارند آن سخن سوی ما  
و دلیلی بیاورند عیان چیست پس ادعایشان به بیان

۳۹

أَمْ لَهُ الْبَنَاتُ وَلَكُمْ الْبَنُونَ

بهر دادار دخترست آیا؟ و پسرها شدند از آن شما

۴۰

أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَّعْرَمٍ مُثْقَلُونَ

خواهی آیا تو مزد از ایشان که غریمند زیر بار گران

۴۱

أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُمُونَ

یا که دارند علم غیب آنان و آنچه دانند می‌نویسند آن

۴۲

أَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًا فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمْ الْمَكِيدُونَ

کید خواهند کافران آیا؟ می‌رسد این وسیله آنان را

۴۳

أَمْ لَهُمْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ

یا که معبود جز خدا دارند حق بود پاک از آنچه شرک آرند

۴۴

وَإِنْ يَرَوْا كِسْفًا مِنَ السَّمَاءِ سَاقِطًا يَقُولُوا سَحَابٌ مَّرْكُومٌ

گر ببینند قطعه‌ای ز سما افتد در برابر آنان را  
پس بگویند توده‌ای از ابر[ای پیمبر به کارشان کن صبر]

۴۵

فَذَرَهُمْ حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي فِيهِ يُصْعَقُونَ

این جماعت به حال خود بگذار تا کند روز مرگ را دیدار

۴۶

يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ

ندهد کید سود آنان را و ندارند یآوری آنجا

۴۷

وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا  
يَعْلَمُونَ

ظالمان راست باز هم کیفرو ندارند بیش هیچ خبر

۴۸

وَأَصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ  
حِينَ تَقُومُ

صبر کن در اطاعت یزدان پس تویی در حفاظت رحمان  
حمد و تسبیح او بیار به جا آن زمانی که می‌شوی برپا

۴۹

وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَرَ الْجُومِ

نیز در شب ستای یزدان را آن زمان که روند اخترها

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ

به ستاره قسم که گشت فرا

۱  
۴۶۰ر

مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ

نیست گمراه و پرت یار شما

۲

وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ

و نگوید سخن ز روی هوی

۳

إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ

بل به وحیی که می‌رسد او را

۴

عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ

یاد داد آنکه در وی است توان

۵

ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَىٰ

پرتوان ایستاد و چیره بر آن

۶

وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَىٰ

در افق بود نقطه‌ای زبرین

۷

ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّىٰ

پس به نزدیکی آمد و پایین

۸

فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ

دو کمان بود مرز یا کمتر

۹

فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ

وحی بر بنده داد از داور

۱۰

مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ

دل نگوید دروغ آنچه که دید

۱۱

أَفْتَمَرُوهُ عَلَىٰ مَا يَرَىٰ

آنچه ببند چرا ستیز کنید

۱۲

وَلَقَدْ رَءَاهُ نَزْلَةً أُخْرَىٰ

در فرودی دگر بدید او را

۱۳

عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ

سدر بن که نهایت است آنجا

۱۴

عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَىٰ

و در آن است جایگاه جنان

۱۵

إِذْ يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا يَغْشَىٰ

و آنچه را سدر بن شود پوشان

۱۶

مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَىٰ

چشم او دور از خم و طغیان

۱۷

لَقَدْ رَأَىٰ مِنْ ءَايَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَىٰ

دید آیات برتر یزدان

۱۸

أَفْرَأَيْتُمْ اللَّكَّ وَالْعُرَىٰ

پس خبر ده ز لات و از عزی

۱۹

وَمَوَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَىٰ

و منات است سومین ز آنها

۲۰

أَلَكُمُ الدَّكْرُ وَلَهُ الْأُنثَىٰ

بهر دادار دختر است آیا؟ و پسرها شدند ز آن شما

۲۱

تِلْكَ إِذَا قِسْمَةٌ ضِيزَىٰ

هست این بخشکرد بی‌هنجار

۲۲

إِنْ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمِيَّتُوهَا أَنْتُمْ وَعَابَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ

نیست اینها مگر که در گفتار

از شما نام یافت و ز پدران‌حق نداده است بهر آن برهان

و شما بید پیروان گمان‌هم هواهای نفس در دل و جان

هم ز پروردگار قادرشان‌پس هدایت رسید برایشان

۲۳

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمُ الْهُدَىٰ

۲۴

أَمْ لِلْإِنْسَانِ مَا تَمَنَّىٰ

آنچه خواهد رسد به کس آیا؟

۲۵

فَلِلَّهِ الْآخِرَةُ وَالْأُولَىٰ

هست دنیا و آخرت ز خدا

۲۶

وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا

بس ملک هست در سپهر که سوددر شفاعاتشان به خلق

نبود

جز پس از اذن کردگار ودودآنکه را خواهد و بود خشنود

۲۱۱

۴۶۱ر

مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَىٰ

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيَسْمُونَ أَلْمَلِكَةَ تَسْمِيَةً  
الْأُنثَى

به قیامت نباشدش ایمان که نهد بر فرشته اسم زنان

وَمَا لَهُمْ بِهِءٍ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنُّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا  
يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا

دانشی نیست بهره‌ی آنان پیروی می‌کنند حدس و گمان  
و گمان بهر حق ندارد سود [پس مشو مشرک خدای ودود]

فَاعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّىٰ عَن ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ  
الدُّنْيَا

روی گردان رسول ما ز آنان که به ذکر حقند رو گردان  
و نخواهند جز حیات جهان

ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَن  
سَبِيلِهِ ۗ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اهْتَدَىٰ

این بود حد دانش ایشان  
هست معلوم‌تر برای خدای فرقه‌ی گمراهان و اهل هدا

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا  
بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَىٰ

هست ارض و سما از آن خداو دهد بهر خلق مزد و جزا  
بر بدان کیفر بد از دادار نیز خوبی است اجر نیکوکار

الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبِيرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ ۗ إِنَّ  
رَبَّكَ وَاسِعٌ الْمَغْفِرَةِ ۗ هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأَكُمْ مِنَ  
الْأَرْضِ وَإِذْ أَنْتُمْ أَجِنَّةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ ۗ فَلَا تُزَكُّوْا  
أَنْفُسَكُمْ ۗ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَىٰ

آن کسی را که هست در پرهیز از گناه و بدی مگر ناچیز  
هست عفو غفور پهناور هم به کار شماسست داناتر  
که شما را به خاک ساخت پدیدنیز در بطن مادران بودید  
نستایید این زمان خود را اوست آگاه‌تر به با تقوا

أَفَرَأَيْتَ الَّذِي تَوَلَّىٰ

دیدی آن را که گشت رو گردان؟

وَأَعْطَىٰ قَلِيلًا وَأَكْثَىٰ

کم عطا کرد و داشت بخل در آن

أَعِنْدَهُ عِلْمُ الْغَيْبِ فَهَوْ يَرَىٰ

نزد او هست علم غیب آیا؟ و ببیند نهفته را پیدا

أَمْ لَمْ يُنَبَّأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَىٰ

نیست آگه ز نامه‌ی موسی؟

وَأِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّىٰ

و خلیل آنکه حق بکرد ادا

أَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ

نکشد کس ز فرد دیگر بار

وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ

نیست بهر بشر به غیر از کار

وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَىٰ

عمل خویش را کند دیدار

ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَىٰ

حق او را دهند از هر کار

وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ

و به ربّ تو می‌رسد پایان

وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكَىٰ

او بخنداند و کند گریان

وَأَنَّهُ هُوَ أَمَاتٌ وَأَحْيَا

او بمیراند و کند احیا [بر همه کار قادر است خدا]

وَأَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ

کرد خلقت دو زوج ماده و نر

۴۶ مِّنْ تُطْفَةِ إِذَا تُمْنَىٰ

چون بریزد ز نطفه‌ای (به مقر)

۴۷ وَأَنَّ عَلَيْهِ النَّشْأَةَ الْأُخْرَىٰ

و به حق است نشئه‌ای دیگر

۴۸ وَأَنَّهُ هُوَ أَغْنَىٰ وَأَقْنَىٰ

او دهد بی‌نیازی و هم زر

۴۹ وَأَنَّهُ هُوَ رَبُّ الشَّعْرَىٰ

اوست پروردگار بر شعری

۵۰ وَأَنَّهُ وَاهْلَك عَادًا الْأُولَىٰ

و فنا داد عاد اولی را

۵۱ وَثَمُودًا فَمَا أَبْقَىٰ

نیز نگذاشت کس ز قوم ثمود

۵۲ وَقَوْمَ نُوحٍ مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَأَطْعَىٰ

مردم نوح پیش از آنان بود  
بود سرکش‌تر و ستمگرتر

۵۳ وَالْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَىٰ

واژگون کرد شهرشان یکسر

۵۴ فَغَشَّاهَا مَا عَشَىٰ

پس بیوشاند [با عذاب شدید]

۵۵ فَبِأَيِّ آءِآلَاءِ رَبِّكَ تَتَمَارَىٰ

به چه الطاف حق کنی تردید

۵۶ هَذَا نَذِيرٌ مِّنَ النَّذْرِ الْأُولَىٰ

این نذیر است اولین زیشان

۵۷ أَزِفَتِ الْأَرْفَةُ

هست نزدیک [وعده‌ی رحمان

۵۸ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ كَاشِفَةٌ

جز خدا نیست مانعی آن را

۵۹ أَفَمِنَ هَذَا الْحَدِيثِ تَعَجُّبُونَ

در شگفتید از این سخن آیا؟

۶۰ وَتَضْحَكُونَ وَلَا تَبْكُونَ

نیز خندان شوید نه گریان

۶۱ وَأَنْتُمْ سَمِيدُونَ

نیز غافل شدید هم حیران

۶۲ فَاسْجُدُوا لِلَّهِ وَاعْبُدُوا

سجده آرید پس برای خدا و عبادت کنید یزدان را

۵۴. قمر القمر: ماه مکی ۵۵ آیه ۴ صفحه

۱ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
۴۶۳ أَقْرَبَتِ السَّاعَةُ وَأَنْشَقَّ الْقَمَرُ

گشت نزدیک ساعت محشر پس شکافی رسید بهر قمر

۲ وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ

پس چو ببینند آیه‌های خدارویگردان شوند از آنها  
و بگویند این فسون روان

۳ وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ وَكُلُّ أَمْرٍ مُّسْتَقَرٌّ

نیز منکر شوند [بر فرمان  
تابعدن این کسان به میل و هوی و همه چیز هست پا برجا

۴ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنَ الْأَنْبَاءِ مَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ

و بیامد برایشان اخبار آنچه بودست نهی از انکار

۵ حِكْمَةٌ بَالِغَةٌ فَمَا تُغْنِ النُّذُرُ

گر چه هشدار حکمتی است رسالیک سودی ندارد آنان را

۶ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلَىٰ شَيْءٍ نُّكْرٍ

پس بگردان تو روی از ایشان تا رسد روز دعوت آنان  
داعیان می‌کنندشان دعوت‌بهر امری کریه و پر وحشت



خُشَعًا أَبْصَرُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُنْتَشِرٌ

چشمها اوفتاده بر پایین‌پس برآیند از درون زمین چون ملخها شده پراکنده

۸

مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ يَقُولُ الْكٰفِرُونَ هٰذَا يَوْمٌ عَسِرٌ

می‌شتابند سوی خواننده و بگویند آن زمان کفار هست امروز کار بس دشوار

۹

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ وَازْدُجِرَ

پیش از این قوم نوح کرد انکارخواند مجنونش و بکرد آزار

۱۰

فَدَعَا رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَانتَصِرْ

بود اینش دعا سوی یزدان‌در ستوهم تو داد من بستان

۱۱

فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ

پس گشودیم بابهای سماآب ریزان شد و گرفت فرا

۱۲

وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَىٰ أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ

در زمین چشمه‌ها برآورد آب‌با هم آمیخت این دو روی حساب

۱۳

وَحَمَلْنَاهُ عَلَىٰ ذَاتِ الْأَوْجِ وَدُسِرَ

پس بر آن میخ و تخته گشت روان

۱۴

تَجْرِي بِأَعْيُنِنَا جَزَاءَ لِمَنْ كَانَ كُفِرَ

با نگاه خدای عالمیان [غرق گشتند دشمنان یکسر] بهر کفار این بود کیفر

۱۵

وَلَقَدْ تَرَكْنَاهَا آيَةً فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ

و نهادیم آن برای نشان‌تا چه کس ذکر و پند گیرد از آن

۱۶

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذِرِ

این عذاب من است و هم هشدارپس نگه کن که چون کنم انذار

۱۷

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْءَانَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ

بهر هر پند سهل شد قرآن‌کیست آنکس که پند گیرد از آن؟

۱۸

كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذِرِ

عاد حرف رسول کرد انکاربهرشان بود کیفر و هشدار

۱۹

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُسْتَمِرٍّ

ما فرستاده‌ایم بر ایشان‌تند بادی به روز شوم و زان

۲۰

تَنْزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ مُنْقَعِرٍ

مردمان را چنان ز جا بر کندچون نخیلی که ریشه کن شده‌اند

۲۱

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذِرِ

این عذاب من است و هم هشدارپس نگه کن که چون کنم انذار

۲۲

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْءَانَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ

بهر هر پند سهل شد قرآن‌کیست آنکس که پند گیرد از آن

۲۳  
۴۶۴ر

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالنُّذُرِ

نیز قوم ثمود کرد انکارهر چه دادیم بهرشان هشدار

۲۴

فَقَالُوا أَبَشْرًا مِمَّا وَاحِدًا نَتَّبِعُهُوَ إِنَّا إِذَا لَفِيَ ضَلَالٍ وَسُعُرٍ

پس بگفتند بر کسی چون ماگر که تابع شویم هست خطا

۲۵

أَأُلْقِيَ الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرُّ

اوست چون ما و وحی شد سوی او اوست کذاب و سرکش و پررو

۲۶

سَيَعْلَمُونَ غَدًا مِّنَ الْكُذَّابِ الْأَشِرِّ

زود دانند روز بعد از این‌کیست کذاب و سرکش و خودبین؟

۲۷

إِنَّا مُرْسِلُوهُ النَّاقَةَ فِتْنَةً لَهُمْ فَأَرْتَقِبْهُمْ وَأَصْطَبِرْ

می‌فرستیم ناقه‌ای آنجاآزمون است ناقه ایشان را پس مراقب شو و شکبیا باش منتظر بر عذاب فردا باش

وَنَبِّئُهُمْ أَنَّ الْمَاءَ قِسْمَةٌ بَيْنَهُمْ كُلُّ شِرْبٍ مُحْتَضَرٌّ

گو که آب است بینشان مقسوم سهم هر کس از آن بود معلوم

۲۹

فَنَادَوْا صَاحِبَهُمْ فَتَعَاطَى فَعَقَرَ

پس گروهی به یار روی آورد تیغ بگرفت و ناقه را پی کرد

۳۰

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ

این عذاب من است و هم هشدار پس نگه کن که چون کنم انذار

۳۱

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً وَاحِدَةً فَكَانُوا كَهَشِيمِ الْمُحْتَظِرِ

حق فرستاد میچه‌ای یکتاقوم شد همچو کاه ریز آنجا

۳۲

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْءَانَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ

بهر هر پند سهل شد قرآن کیست آنکس که پند گیرد از آن؟

۳۳

كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ بِاللُّذُرِ

نیز چون قوم لوط کرد انکار هر چه دادیم بهرشان هشدار

۳۴

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّا عَالَ لُوطٌ نَجَّيْنَاهُمْ بِسَحَرٍ

تند بادی شد و شدند تباه شیعه‌ی لوط شد رها به پگاه

۳۵

نِعْمَةٌ مِّنْ عِنْدِنَا كَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ شَكَرَ

این بود نعمتی ز سوی خداشکران را چنین دهیم جزا

۳۶

وَلَقَدْ أَنْذَرَهُمْ بَطْشَتَنَا فَتَمَارَوْا بِاللُّذُرِ

سخت آن قوم داده‌ایم انذار در ستیز آمدند با هشدار

۳۷

وَلَقَدْ رَاوَدُوهُ عَن ضَيْفِهِ فَطَمَسْنَا أَعْيُنَهُمْ فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذُرِ

کام می‌خواستند از مهمان‌محو کردیم دیده‌ی آنان پس چنین گفت بهرشان دادار بچشید این عذاب و این انذار

۳۸

وَلَقَدْ صَبَّحَهُم بُكْرَةً عَذَابٌ مُّسْتَقِرٌّ

صبحگه برگرفت آنان را کیفری پایدار و پابرجا

۳۹

فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذُرِ

[پس چنین گفت بهرشان دادار] بچشید این عذاب و این انذار

۴۰

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْءَانَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ

بهر هر پند سهل شد قرآن کیست آنکس که پند گیرد از آن؟

۴۱

وَلَقَدْ جَاءَ عَالَ فِرْعَوْنَ النَّذُرُ

آل فرعون را رسید انذار

۴۲

كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُلِّهَا فَأَخَذْنَاهُمْ أَخْذَ عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ

پس نشانه‌های ما بکرد انکار برگرفتیم جمعشان به توان

۴۳

أَكْفَارِكُمْ خَيْرٌ مِّنْ أَوْلَادِكُمْ أَمْ لَكُمْ بَرَاءَةٌ فِي الزُّبُرِ

کافران نیستند به زیشان گو امان نامه‌ای است بهر شما؟

۴۴

أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُّنتَصِرُونَ

یا که دارید چیرگی بر ما

۴۵

سَيُهْزَمُ الْجَمْعُ وَيُوَلُّونَ الدُّبُرَ

زود گردند بر شکست دچار و گذارند زود پا به فرار

۴۶

بَلِ السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةُ أَدْهَىٰ وَأَمَرُّ

باز میعادشان به روز جزاست که بسی سخت و تلخ‌تر زینهاست

۴۷

إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ

مجرمان در ضلال و نار دچار چون به رخ برکشندشان در نار

۴۸

يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ

[پس بگویند جمله را یکسر] بچشید این تماس را ز سقر

۴۹

إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ

آفریدیم جمله‌ی اشیا نیز اندازه داده‌ایم آن را

وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمْحٍ بِالْبَصَرِ

نیست فرمان ما مگر یک بار و چو یک لمح هست از ابصار

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا أَشْيَاعَكُمْ فَهَلْ مِنْ مَدَّكِرٍ

چون شما بس کسان شدند فنا متذکر نمی‌شوید آیا؟

وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي الزُّبُرِ

هست مکتوب کارشان همه جور

وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُسْتَطَرٌّ

از صغیر و کبیر شد مسطور

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ

هست آماده بهر متقیان پیش نهر بهشت جا و مکان

فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ

در نشیمن گهی ز صدق و صغانزد آن حکمران کل قوا

## ۵۵. رحمن

الرَّحْمَنُ: بخشاینده

مدنی

۷۸ آیه

۴ صفحه

۱ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الرَّحْمَنُ

۱  
حزب  
۲۱۳  
ر ۴۶۶

آن خداوند عالم و رحمان

۲ عَلَّمَ الْقُرْآنَ

داد تعلیم دانش قرآن

۳ خَلَقَ الْإِنْسَانَ

آفرید انس و یاد داد بیان

۴ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ

و

۵ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ

مهر و ماهند هر دو در حسابان

۶ وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ

و گیاه و درخت سجده کنند

۷ وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ

هم برافراشت آسمان بلند  
و نهادست بهرتان میزان

۸ أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ

[بهر سنجش مبادتان طغیان

۹ وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ

پایه‌ی وزن عادلانه نهدینیز میزان خلق کم ندهید

۱۰ وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ

آفریدست خاک بهر کسان

۱۱ فِيهَا فَكَيْهَةٌ وَالنَّحْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ

میوه و نخل و خوشه است در آن

۱۲ وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ

دانه‌ها گاه گاه همره اوست و در آن گاه سبزی خوشبوست

۱۳ فَبِأَيِّ آءِآلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

اینهمه نعمتی که داد خداکذب خوانید مر کدامین را؟

۱۴ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَلٍ كَالْفَخَّارِ

خلق کرده است قادر متعال آدمی را ز خشک گل چو سفال

۱۵ وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَّارِجٍ مِّنْ نَّارٍ

نیز کرده است خلقت پریان از دل شعله‌هایی از نیران

۱۶ فَبِأَيِّ آءِآلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس کدامین نعم که داد خداشد دروغین به پیش چشم شما؟

رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ

بر دو شرق و دو غرب اوست خدا

۱۸ فَبِأَيِّ آءِآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

بر چه لطفش مکذیبید آیا؟

۱۹ مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ

و روان ساخت آن دو دریا رانیز برخورد هست آنها را

۲۰ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ

هم بود حایلی میان دویمکه تجاوز نمیکنند به هم

۲۱ فَبِأَيِّ آءِآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

بر کدامین عطیه از دادار هست بهر شماره انکار؟

۲۲ يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّوْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ

ز آن بر آیند لؤلؤ و مرجان

۲۳ فَبِأَيِّ آءِآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

منکری بر چه نعمت یزدان؟

۲۴ وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَمِ

و در آن شد پدید کشتیهامچو کوهی است در دل دریا

۲۵ فَبِأَيِّ آءِآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس کدامین نعم که داد خدانش دروغین به پیش چشم شما

۲۶ كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ

هر که باشد به روی پهنهی خاکپس بگیرد به پیش راه  
هلاک

۲۷ وَيَبْقَى وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

و بماند به ملک خویش مداومربّ تو ذو الجلال و الاکرام

۲۸ فَبِأَيِّ آءِآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

اینهمه نعمتی که داد خداکذب خوانید مر کدامین را؟

۲۹ يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ

خلق ارض و سما از او جویاستهر زمانی به کار تازه خداست

۳۰ فَبِأَيِّ آءِآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

بر کدامین عطیه از دادار هست بهر شما ره انکار؟

۳۱ سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَ الثَّقَلَانِ

زود پای شما کشم به میانای دو مخلوق جن و آدمیان

۳۲ فَبِأَيِّ آءِآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

بر کدامین عطیه از دادار هست بهر شما ره انکار؟

۳۳ يَمَعَشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَن تَتَفَادُوا مِنْ أَقْطَارِ  
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فَاَنْفُدُوا لَا تَتَفَادُونَ إِلَّا بِسُلْطَنِ

ای گروه پری و آدمیان هست اگر بهر هر دو جمع توان  
که ز اقطار آسمان و زمین بدر آید پس کنید چنین  
توانید کرد جز به توان

۳۴ فَبِأَيِّ آءِآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

منکری بر چه نعمت یزدان؟

۳۵ يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شَوْاظٌ مِّن نَّارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ

میفرستد زبانه‌ای سرکش‌نیز رویین گدازه چون آتش  
توانید هم طلبکاری از کسی بر نجات یا یاری

۳۶ فَبِأَيِّ آءِآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس کدامین نعم که داد خدانش دروغین به پیش چشم  
شما؟

۳۷ فَإِذَا أَنْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ

چون گشاید سپهر والا کامو شود مثل چرمها گلفام

۳۸ فَبِأَيِّ آءِآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس کدامین نعم که داد خدانش دروغین به پیش چشم  
شما؟

۳۹ فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ

هم در آنروز ز آدمی و ز جان‌می‌نپرسند از گناه کسان

۴۰ فَبِأَيِّ آءِآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

بر کدامین عطیه از دادار هست بهر شما ره انکار؟

يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَصِي وَالْأَقْدَامِ

خلق بدکار را به روز جزای‌شناسند از رخ و سیما  
پس بگیرند موی پیشانی‌نیز پاهای مردم جانی

۴۲ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

بر کدامین عطیه از دادار هست بهر شما ره انکار؟

۴۳ هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ

این جهنم بود که بدکردار داشت با او رویه‌ی انکار

۴۴ يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ ءَانِ

بین آب حمیم و آتش تفت‌هست اهل گنه درآمد و رفت

۴۵ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس کدامین نعم که داد خدشدروغین به پیش چشم  
شما؟

۴۶ وَلَمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ

آنکه خائف ز حی سبحان است‌بهر او آن زمان دو بستان  
است

۴۷ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

بر کدامین عطیه از دادار هست بهر شما ره انکار؟

۴۸ ذَوَاتًا أَفْنَانٍ

همه پر شاخسار دو بستان

۴۹ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

منگری بر چه نعمت رحمان؟

۵۰ فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ

و در آنها دو چشمه در جریان

۵۱ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

منگری بر چه نعمت رحمان؟

۵۲ فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ

هم ز هر میوه زوجها به جنان

۵۳ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

منگری بر چه نعمت یزدان؟

۵۴ مُتَّكِنِينَ عَلَى فُرُشٍ بَطَّائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ  
دَانِ

تکیه داده به فرش‌ی از دیبامیوه‌های دو باغ در آنجا

۵۵ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

اینهمه نعمتی که داده خداکذب خوانید مر کدامین را؟

۵۶ فِيهِنَّ قَلْصِرَاتُ الْظَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ

همسرانی فرو گرفته نظرنگرفتند جن و انس به بر

۵۷ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

به کدامین عطیه از دادار هست بهر شما ره انکار؟

۵۸ كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ

همچو یاقوت یا که چون مرجان

۵۹ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

منگری بر چه نعمت رحمان؟

۶۰ هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَنِ إِلَّا الْإِحْسَنُ

آنکه نیکی کند [به راه خدا] اجر او غیر نیکی است آیا؟

۶۱ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس کدامین نعم که داد خدشدروغین به پیش چشم  
شما؟

۶۲ وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ

هست پایین‌شان دو باغ دگر

۶۳ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

منگری بر چه نعمت داور؟

۶۴ مُدْهَمَّاتَانِ

هست سر سبز و شاد هر بستان

۶۵ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

منگری بر چه نعمت رحمان؟

۶۶ فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ

و در آنها دو چشمه شد جوشان

۶۷ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

منگری بر چه نعمت یزدان؟

فِيهِمَا فَكَيْهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ

و در آن میوه است و نخل و انار

۶۹ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس چه نعمای حق کنید انکار؟

۷۰ فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ

و زنانی جمیل و خوشرفتار

۷۱ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس چه نعمای حق کنید انکار؟

۷۲ حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ

حوریانی به خیمه‌ها اندر

۷۳ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

منکری بر چه نعمت داور؟

۷۴ لَمْ يَطْمِئْتُنَّ إِذْ نُسَّ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ

نگرفته ز جن و انس به بر

۷۵ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

منکری بر چه نعمت داور؟

۷۶ مُتَّكِعِينَ عَلَى رُفُوفٍ خُضْرٍ وَعَبَقَرٍ حِسَانِ

تکیه‌گاه بهشتیان آنجا بالشی سبز و بستری دیبا

۷۷ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس کدامین عطیه از دادار بهرتان هست در خور انکار؟

۷۸ تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

هست فرخنده اسم و نیکو نام ربّ تو ذو الجلال و الاکرام

## ۵۶. واقعه

الواقعة: پیشامد

مکی

۹۶ آیه

۴ صفحه

۱  
حزب  
۲۱۴  
۴۶۹۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چونکه واقع شود زمان جزا

إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ

۲

لَيْسَ لَوْعَتِهَا كَاذِبَةٌ

نیست ناراستی وقوعش را

۳

خَافِضَةٌ رَّافِعَةٌ

گه به پایین برند و گه بالا

۴

إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًا

و زمین سخت می‌پرد از جا

۵

وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا

کوهها گوییا شود رنده

۶

فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًّا

پس غباری شود پراکنده

۷

وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً

سه گروهید گاه یوم الدین

۸

فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ

دسته اولی است اهل یمین

۹

وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ

دیگری نیز هست اهل یسار

۱۰

وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ

سومی پیشگام در هر کار

۱۱

أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ

که همه یافتند قرب خدا

۱۲

فِي جَنَّاتٍ النَّعِيمِ

بهرشان باغهای پر آلا

۱۳

ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأُولَىٰ

هست جمعی ز دسته‌ی اول

۱۴

وَقَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ

لیک مجموع آخری است اقل

۱۵

عَلَىٰ سُرُرٍ مَّوْضُونَةٍ

صف کشیده به تخت کرده مقر

۱۶

مُتَّكِعِينَ عَلَيْهَا مُتَقَابِلِينَ

تکیه زن رو بروی یکدیگر

يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ

جاودانند گردشان پسران

۱۸ بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقٍ وَكَأْسٍ مِّن مَّعِينٍ

همه با جامی از شراب روان

۱۹ لَا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنْفُونَ

نه خرابی نه درد سرگیرند

۲۰ وَفَكَهَاتِهِ مِمَّا يَتَخَيَّرُونَ

میوه‌ها نیز آنچه برگیرند

۲۱ وَلَحْمِ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ

لحم طیر است بهرشان دلخواه

۲۲ وَحُورٌ عِينٌ

نیز از حوریان خوب نگاه

۲۳ كَأَمْثَلِ اللَّوْلُؤِ الْمَكْنُونِ

همگی همچو گوهر پنهان

۲۴ جَزَاءُ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

این بود اجر کار بر آنان

۲۵ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْتِيًا

نشنوند از گناه و لغو کلام

۲۶ إِلَّا قِيْلًا سَلَامًا سَلَامًا

باشنوند این سخن سلام سلام

۲۷ وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ

حال بشنو ز حال اهل یمین‌جایشان هست در بهشت چنین

۲۸ فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ

سدر بیخارشان بود به کنار

۲۹ وَطَلْحٍ مَّنضُودٍ

با درختان موز پر پر و بار

۳۰ وَظِلِّ مَمْدُودٍ

سایه‌های کشیده

۳۱ وَمَاءٍ مَّسْكُوبٍ

آب روان

۳۲ وَفَكَهَاتِهِ كَثِيرَةً

میوه بسیار

۳۳ لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ

و منع نیست در آن

۳۴ وَفُرْشٍ مَّرْفُوعَةٍ

همسرانی رفیع و بس وال

۳۵ إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ إِنشَاءً

کافرینیم تازه آنان را

۳۶ فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا

همه دوشیزه

۳۷ عُرُبًا أَتْرَابًا

یار شو همسال

۳۸ لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ

بهر اهل یمین بود این حال

۳۹ ثَلَاثَةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ

همه جمعی ز دسته‌ی اول

۴۰ وَثَلَاثَةٌ مِّنَ الْآخِرِينَ

و گروه سوم که هست اقل

۴۱ وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشِّمَالِ

پس بگوییم که چیست اهل شمال

۴۲ فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ

[این چنین است بهر آنان حال بهرشان باد گرم و آب حمیم

۴۳ وَظِلِّ مِّن يَّحْمُومٍ

سایه از بهرشان زدود مقیم

۴۴ لَا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ

نه خوشی و نه سردی است در آن

۴۵ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ

پیش از این بوده‌اند خوشگذران

۴۶ وَكَانُوا يُصْرُونَ عَلَى الْحَنثِ الْعَظِيمِ

به گناه بزرگ در اصرار

۴۷ وَكَانُوا يَقُولُونَ أَيُّدًا مِثْنًا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظْمًا أَيْنَا لَمَبْعُوثُونَ

اینچنین بود بهرشان گفتار چون شدیم استخوان و خاک آیا؟ زنده سازند باز هم ما را

۴۸ أَوْ عَابَاؤُنَا الْأُولُونَ

وین چنین است جد و آبامان

۴۹ قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ

ای پیمبر بگوی با ایشان‌اولینید و آخرین آنجا

۵۰ لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ

چون رسد روز وعده فردا

ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيْهَا الضَّالُّونَ الْمُكْذِبُونَ

ای گروه مکذب گمراه

۵۲ لَا يَكُونُ مِنْ شَجَرٍ مِّنْ زُقُومٍ

میوه ز قَوم می‌خورد آنگاه

۵۳ فَمَا لِيُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ

پس شکمها چو پر کنید از آن

۵۴ فَشَرِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ

بگشایید بر حمیم دهان

۵۵ فَشَرِبُونَ شُرْبَ الْهَيْمِ

پس بنوشید آب چون آتش‌چون شترهای مبتلا به عطش

۵۶ هَذَا نُزُلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ

این پذیرایی است روز جزا

۵۷ نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ

ما شدیم آفریدگار شما پس چرا نیست بهرتان باور [به حیاتی که هست بار دگر]

۵۸ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ

نطفه را چون رها کنید شما

۵۹ ءَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ

این بود خلقت شما یا ما؟

۶۰ نَحْنُ قَدَرْنَا بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ

آفریدیم مرگ بهر شما بهر کس نیست سبقتی بر ما

۶۱ عَلَىٰ أَنْ تُبَدِّلَ أَمْثَلَكُمْ وَنُنشِئَكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ

تا بیاریم خلق مثل شما و ندانید کی شوید احیا

۶۲ وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ

نیک دانید خلقت اولی‌متذکر نمی‌شوید چرا؟

۶۳ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ

و آنچه را کشت می‌کنید شما

۶۴ ءَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ

این بود کشته‌ی شما یا ما؟

۶۵ لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ

گر بخواهیم می‌کنیمش کاه‌بس شگفتی کنید پس آنگاه

۶۶ إِنَّا لَمُعْرَمُونَ

و بگویید اهل خسرانیم

۶۷ بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ

بلکه ناکام و اهل حرمانیم

۶۸ أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ

هم ز آبی که می‌خورید آن را

۶۹ ءَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنزِلُونَ

ما ز ابر آوریم یا که شما؟

۷۰ لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أُجَاجًا فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ

گر بخواهیم تلخ سازیم آن‌پس چرا نیستید در شکران

۷۱ أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ

آتشی را که بر می‌افروزید

۷۲ ءَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنشِئُونَ

ما درختان آن کنیم پدید یا شما خلق کرده‌اید آن را؟

۷۳ نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذَكُّرًا وَمَتَعًا لِلْمُقْوِينَ

[چيست بهر شما جواب آيا؟] و خدا هر درخت را آوردبهره و پند بر بیابانگرد

۷۴ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ

پس تو تسبیح گوی نام خدا آن خدای بزرگ [ارض و سما]

۷۵ فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ

به مکان ستارگان سوگند

۷۶ وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَّو تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ

گر بدانید آن کلان سوگند



که گرامی است نزد ما قرآن

إِنَّهُ وَلَقُرْءَانٌ كَرِيمٌ

و بود ضبط در کتاب نهان

۷۸ فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ

نکند لمس آن بجز پاکان

۷۹ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ

نازل از سوی ربّ عالمیان

۸۰ تَنْزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ

سست دانید از چه این گفتار

۸۱ أَفَبِهَذَا الْحَدِيثِ أَنْتُمْ مُدْهِنُونَ

رزقتان شد که می‌کنید انکار

۸۲ وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنَّكُمْ تُكَذِّبُونَ

پس چرا چون شوید جان بر لب؟

۸۳ فَأُولَآئِكَ إِذَا بَلَغَتِ الْخُلُوفَ

نگرانید آن زمان [به تعب

۸۴ وَأَنْتُمْ حِينِيذٍ تَنْظُرُونَ

هست نزدیکتر خدا به شمانیستید آن زمان به حق بینا

۸۵ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَكِنْ لَا تُبْصِرُونَ

پس اگر نیست بهرتان کیفر

۸۶ فَأُولَآئِكَ إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ

باز دارید نفس را ز سفر  
راست گویند اگر که این سخنان چه جوابی کنون کنید بیان

۸۷ تَرْجِعُونَهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

هست بهر مقربین خدا

۸۸ فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ

روح و ریحان و باغ پر آلا

۸۹ فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتْ نَعِيمٍ

ور کسی نیز بود از اهل یمین

۹۰ وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ

گو که بر تو درود از اهل یمین

۹۱ فَسَلِّمْ لَكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ

نیز بر منکران و گمراهان

۹۲ وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ

از حمیم است نزل بر ایشان

۹۳ فَنُزِّلُ مِنَ حَمِيمٍ

و چشانیم نار بر آنان

۹۴ وَتَصْلِيَةٌ جَهِيمٍ

باوری راستین همین می‌دان

۹۵ إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ

پس تو تسبیح کن برای خدا آن خدای بزرگ [ارض و سما]

۹۶ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ

۵ صفحه

۲۹ آیه

مدنی

الحديد: آهن

۵۷. حدید

هست تسبیح اهل ارض و سما بهر یزدان قادر دانا

۱ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

بهر حق است ملک ارض و سما و بمیراند و کند احیا  
و به هر کار او بود قادر

۲ لَهُ مَلِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ يُّحْيِي ۖ وَيُمِيتُ ۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

او بود اول و بود آخر  
او بود مخفی و بود پیداوز همه چیزها بود دانا

۳ هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ ۖ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ  
عَلَى الْعَرْشِ ۗ يَعْلَمُ مَا يَلْجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا  
يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا ۗ وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا  
كُنْتُمْ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

اوست آن کافرید ارض و سماو به شش روز خلق کرد آن را  
پس از آن کار عرش را پرداخت و امور جهان یکایک ساخت  
آنچه را می‌شود به خاک درون و آنچه از خاک می‌شود بیرون  
آنچه نازل شود ز سوی سماو آنچه هم از زمین رود بالا  
همه را داند آن حق یکتا هر کجا بود آنجا  
و آنچه انجام می‌دهید شما هست ربّ شما به آن بینا

لَهُ مَلِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ

هم ز دادار ملک ارض و سماست بازگشت امور سوی  
خداست

يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُؤَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ ۗ وَهُوَ عَلِيمٌ  
بِذَاتِ الصُّدُورِ

آورد شب به روز و روز به شب هست آگه ز سینه‌ها آن ربّ

ءَامِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ۗ وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلَفِينَ  
فِيهِ ۗ فَالَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ

مؤمن حق شوید و پیغمبرو بخشید ارث خلق دگر  
مؤمنی را که می‌کند انفاق هست اجری کبیر از رزاق

وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالرَّسُولِ يَدْعُوكُمْ لِتُؤْمِنُوا  
بِرَبِّكُمْ وَقَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

از چه ایمان نیاوری به خدائیز حکم پیمبر او را  
که بخواند تو را سوی ایمان و گرفتست از شما پیمان  
اگر ایمان بود برای شما

هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَىٰ عَبْدِهِ ءَايَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِّيُخْرِجَكُم مِّنَ  
الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ۗ وَإِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ

او فرستاد بنده‌ی خود را  
با نشانهای روشنی که تو را برد از تیرگی به نور و هدا  
به یقین آن خدای بهر شما؟ هم رءوف است هم عطا بخشا

وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَوَاتِ  
وَالْأَرْضِ ۗ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَّنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ  
وَقَتْلِ أَوْلِيَّكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِّنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدِ  
وَقَتْلُوا وَكَلَّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

هان بگوئید چیست بهر شما که نبخشید در طریق خدا  
هست میراث این زمین و سما از برای خدای بی‌همتا  
پیش از فتح هر که چیزی دادو پس از آن گرفت راه جهاد  
هست بالاتر از کسی که بداد از پس فتح و شد به راه جهاد  
هر دو را وعد نیک داد خدای به کار شما بود دانا

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضْعِفُهُ لَهُ ۗ وَلَهُ  
أَجْرٌ كَرِيمٌ

هر که وامی نکو دهد به خدای دو چندان دهد جزا او را  
نیز از بهر اوست اجر کریم در قیامت به نزد ربّ عظیم

يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ  
وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَانِكُمْ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ  
خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

و در آن روز اهل ایمان راستنوری از رو بروی و جانب  
راست  
مژده امروز می‌دهند چنان‌زیر اشجارش آبهای روان  
ماندگارند جاودانه در آن‌این بود بهر خلق فوز کلان

يَوْمَ يَقُولُ الْمُنْفِقُونَ وَالْمُنْفِقَاتُ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا انظُرُونَا  
نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا  
فَضُرِبَ بَيْنَهُم بِسُورٍ لَهُؤ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ  
مِنْ قَبْلِهِ الْعَذَابُ

پس دورویان طلب کنند آن‌گاه‌مؤمنان را که افکنند نگاه  
تا که نوری شود به جمع پدیدپس بگویند جمله برگردید  
تا نخواهید نور [و زین گفتار] می‌رسد بینشان در و دیوار  
از درون رحمت خدای مجیدوز برون کیفر و عذاب پدید

۱۳

يُنَادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ  
أَنْفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَارْتَبْتُمْ وَغَرَّتْكُمُ الْأَمَانِيُّ حَتَّىٰ جَاءَ  
أَمْرُ اللَّهِ وَغَرَّكُمْ بِاللَّهِ الْعُرُورُ

پس به ایشان چنین دهند ندابا شما ما نبوده‌ایم آیا؟  
پس بگویندشان چرا اماخود فکندید خویش را به بلا  
بهرتان شک و انتظار نصیب آرزوها فکندتان به فریب  
تا رسید از خدایتان فرمان‌داد از حق فریبتان شیطان

۱۴

فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا  
مَا أُولَٰئِكُمُ النَّارُ هِيَ مَوْلَاكُمْ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ

پس کنون از شما و از کفارنپذیرند فدیة زان کردار  
پس درون لهیب جای شماسست و چه بد جایگاه و بد مولاست

۱۵

أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ  
مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ  
فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ

بهر مؤمن رسید وقت آیا؟ که شود نرم دل به ذکر خدا  
و آنچه نازل بود ز سوی خداراست باشد ز قادر یکتا  
تا نباشند همچو اهل کتاب‌که زمانی دراز بود به خواب  
سخت شد بعد از آن دل ایشان‌بس از آنان شدند نافرمان

۱۶  
حزب  
۲۱۶

أَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ  
الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

و بدانید خالق یکتامی‌کند ارض مرده را احیا  
بس نشان بهرتان کنیم بیان‌شاید اندیشه‌ای کنید در آن

۱۷

إِنَّ الْمُصَدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا  
يُضَعَّفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ

هر زن و مرد خوب و بخششگرکه دهد وام نیک بر داور  
پس دو چندان رسد به او ز خدانیز اجری بزرگ هست او را

۱۸

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ۚ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّٰدِقُونَ ۗ  
وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ ۗ وَالَّذِينَ كَفَرُوا  
وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ

مؤمنان خدا و پیغمبر راستند و گواه بر داور  
اجر و نورست بهره‌ی ایشان اجر حق است و نوری از ایمان  
اهل کفران و منکران نشان‌جایشان هست در دل نیران

أَعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ وِزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ  
بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ ۗ كَمَثَلِ غَيْثٍ  
أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ  
حُطَّلًا ۗ وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ  
وَرِضْوَانٌ ۗ وَمَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْعُرُورِ

و بدان زندگانی دنیا زیب و سرگرمی است و بازیها  
نیز بالیدن است بین شما و فزون خواهی از بنین و غنا  
همچو باران که اهل کفران راسبزه آرد خوش و شگفتی‌زا  
پس شود زود زرد و گردد کاه‌چون رسد وقت آخرت آنگاه  
هست بر مردمان عذاب شدید نیز عفو و رضای ربّ مجید  
نیست این زندگانی دنیا جز متاع فریب‌بهر شما

سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ  
السَّمَاةِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ۗ ذَٰلِكَ  
فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

بشتایید سوی عفو خدا و بهشتی به عرض ارض و سما  
که مهیاست بهر [مهندیان مؤمنان پیمبر و یزدان  
و آن نعم حق دهد به هر کس خواست لطف و فضل عظیم از  
آن خداست

مَا أَصَابَ مِنْ مُّصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي  
كِتَابٍ مِّن قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا ۗ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ

هیچ آسیب نیست بهر شما و نه در ارض میشود پیدا  
جز که در نامه بود پیش از آن‌وین برای خدا بود آسان

لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا ءَاتَكُمْ ۗ  
وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ

مخور افسوس رفته‌های شما و مشو شاد از آنچه داد خدا  
نیست محبوب در بر الله آنکه بالنده است و هم خودخواه

الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ ۗ وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ  
اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ

آنکه ورزید بخل بهر کسان نیز بر بخل می‌دهد فرمان  
هر که گرداند رو ز حکم مجید پس خدا هست بی‌نیاز و حمید

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ  
وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ  
شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ  
بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ  
وَالْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ

ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ عَائِثِهِمْ بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ  
وَعَاتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً  
وَرَحْمَةً وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ  
رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا  
مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَعَامِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ  
كَفَالَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ  
وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

لَيْلًا يَعْلَمُ أَهْلُ الْكِتَابِ أَلَّا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِّنْ فَضْلِ  
اللَّهِ وَأَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو  
الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

من فرستاده‌ام رسولان را با نشانهای روشن و پیدا  
و فرستاده‌ام به همراهشان هم کتاب هدا و هم میزان  
کز عدالت همه شوند به پا و فرستاده‌ایم آهن را  
که از او قوتی است سخت و شدیدهم از او منفعت به خلق  
پدید  
نیز معلوم می‌شود به خدا که چه کس یآوری کند او را  
هم رسولش کمک کند به نهان‌پر توان است و مقتدر یزدان

شد فرستاده نوح و ابراهیم و کتابی برایشان دادیم  
نیز در خاندان آن دو رسول هم نبی هم کتاب یافت نزول  
بعضشان شد ز جمع مهتدیان و بسی هم شدند نافرمان

در پی آن کسان فرستادم بس رسولان و عیسی مریم  
نیز انجیل داده‌ام او را در دل پیروان و لا و صفا  
ترک دنیا که خود بنا کردند [حق نبوده است هیچ از آن  
خرسند]  
حکم ما بود بر رضای خدا و رعایت نکرده‌اند آن را  
اجر دارند مؤمنان زیشان و بسی هم شدند نافرمان

ای کسانی که آورید ایمان اهل تقوی شوید بر یزدان  
به رسولش بیاورید ایمان تا دو سهم از عطا ببخشندتان  
و دهد نور بهر راه شما بگذرد از همه گناه و خطا  
هست آن کردگار بی‌همتا جرم بخشنده و عطا بخشا

تا شوند اهل نامه خود داناکه ندارند قوتی به عطا  
حق دهد نعمتش به هر کس خواست فضل و خیر بزرگ لطف  
خداست

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَتَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرَكُمَا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ

قول آن زن شنیده است خداکه جدل داشت شوهر خود را و شکایت ببرد سوی خدا بشنود حق ز گفتگوی شما به یقین حق بود سمیع و بصیر [وز همه قول خلق هست خبیر]

الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مِمَّن نَسَأِهِمْ مِمَّا هُنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِّنَ الْقَوْلِ وَزُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُورٌ غَفُورٌ

جفت خود را چو می‌کنند ظهار نیست مادر برایشان ناچار مادر اوست آنکه زاد او رازشت و بیهوده می‌کنند القا [اگر آورده‌اید آن گفتار] حق بود جرم بخش و هم غفار

وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِّن قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَّ ذَٰلِكُمْ تُوعَظُونَ بِهِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

گر کسی کرد جفت خویش ظهار پس از آن بازگشت از این گفتار بنده‌ای را رها کند از بند و سپس آن دو تن به هم برسند این بود پند بهرتان ز خدا او بود بهر کارتان دانا

فَمَنْ لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِن قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَّ فَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ فَاِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا ذَٰلِكَ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ

ور نیابد دو ماه پی در پی روزه دارد سپس رسد بر وی گر توانا بود کند اطعام شصت درویش را به جای میام بهر ایمان به کردگار و رسول و اینکه مرز خدا کنید قبول [کفر بهر خدا بود منکر] کیفر کافرست دردآور

إِنَّ الَّذِينَ يُحَادِّثُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ كَمَا كُتِبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَوَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُّهِينٌ

هر که شد دشمن خدا و رسول همچو پیشینیان شود مخذول من فرستاده‌ام نشان مبین کافران را بود عذاب مهین

يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا أَحْصَاهُ اللَّهُ وَنَسُوهُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

چون برانگیخت خلق را یکسر زود از کار خود شوند خبر آنچه را هست در حساب خدا خود فراموش کرده‌اند آن را [بهر هر چیز حق بود آگاه بر همه چیز هم خداست گواه

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ط مَا  
يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةَ إِلَّا هُوَ  
سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَى مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ  
مَا كَانُوا ط ثُمَّ يُبَيِّنُ لَهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ  
شَيْءٍ عَلِيمٌ

می‌بینی که عالم است خدا آنچه را هست در زمین و سما  
سه نفر هیچ نیست در نجوامگر آنکه که چارمی است خدا  
ور سخن بین پنج تن باشدششمین هست کردگار احد  
کمر از این و گر که بیشتر است بین آنان خدای دادگر است  
هر کجایند می‌شوند خیراز همه کارشان گه محشر  
و خدا عالم است از اشیا [اوست دانای کارهای شما]

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نُهُوا عَنِ النَّجْوَى ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا نُهُوا  
عَنْهُ وَيَتَنَجَّوْنَ بِالْآثِمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ ط وَإِذَا  
جَاءُوكَ حَيَّوكَ بِمَا لَمْ يُحْيِكَ بِهِ اللَّهُ وَيَقُولُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ  
لَوْلَا يُعَذِّبُنَا اللَّهُ بِمَا نَقُولُ حَسْبُهُمْ جَهَنَّمُ يَصَلَوْنَهَا ط  
فَبئْسَ الْمَصِيرُ

می‌بینی تو آن کسانی را؟ که خدا منع کرد از نجوا  
بازگشتند و کرده‌اند شروع آنچه بوده است بفرشان ممنوع  
راز گویند از گناه و خطانیز سرپیچی از رسول خدا  
چون بیایند می‌کنند درودنه چنان که خدا به تو فرمود  
و بگویند پیش خود یکسر این سخن نیست در خور کیفر  
پس جهنم بس است برایشان پس چه بد مرجعی است بر  
آنان

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا تَنَجَّيْتُمْ فَلَا تَتَنَجَّوْا بِالْآثِمِ  
وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ وَتَنَجَّوْا بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَى ط  
وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

ای کسانی که مؤمنید به ماگر که نجواست در میان شما  
پس مگویید از گناه و خطانیز سرپیچی از رسول خدا  
بلکه گویند خوبی و تقوانیز تقوا کنید بهر خدا  
که همه جمع می‌شوید بر او [بهر حق آورید کار نکو]

إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزَنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَيْسَ  
بضَارِهِمْ شَيْءٌ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

هست نجوا پیامی از شیطان تا شود رنجه خلق با ایمان  
نزد هیچ صدمه برایشان جز به اذن خدای عالمیان  
و همه مردمان با ایمان کار خود بسپرنند بر یزدان

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ  
فَأَفْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ ط وَإِذَا قِيلَ أَنْشُرُوا فَأَنْشُرُوا  
يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ  
دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

مؤمنان چونکه گفته شد به شما بگشایید صحن مجلس را  
بگشایید تا دهد وسعت بهرتان کردگار از رحمت  
نیز چون گفته شد که برخیزید پس بخیزید [جمله بی‌تردید]  
مؤمن و اهل علم را درجات می‌فزاید خدای [در دو حیات  
حق ز کار شما بود آگاه دور باشید از خطا و گناه]

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نَجَّيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِمُوا بَيْنَ يَدَيْ  
نَجْوَانِكُمْ صَدَقَةٌ ذَٰلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَأَظْهَرُ فَإِن لَّمْ تَجِدُوا  
فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

مؤمنان چونکه با رسول خداگفتگو آورید با نجوا  
صدقه پیش از آن عمل اولی است بهتر و پاکتر برای  
شماست  
گر که باشید ناتوان از آن حق بود مهربان و ذو غفران

ءَأَشْفَقْتُمْ أَن تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَانِكُمْ صَدَقْتِ فَإِذْ لَمْ  
تَفْعَلُوا وَتَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَءَاتُوا الزَّكَاةَ  
وَءَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۗ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

گر بترسی ز بذل مال و عطایبتر ز آنکه آوری نجوا  
چون ندادی خداست توبه پذیر [روی دل کن به سوی حی  
قدیر]  
پس نماز خدا به پا سازیدو زکات خدا بپردازید  
و اطاعت کنید حکم خدائیز حکم پیامبر او را  
و خدای جهان بود داناز آنچه انجام می‌دهید شما

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَّا هُمْ  
مِّنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَيَحْلِفُونَ عَلَى الْكَذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ

می‌دیدید بین خود آنان که به قومی شدند رو گردان  
که خدا خشم داشت بر آنان نه شدند از شما و نی زیشان  
و دروغ است هر سخن زیشان زین سخن آگهند هم خودشان

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

کرد آماده بهرشان یزدان کیفری سخت [در دل نیران  
مردمی سخت بد عمل بودند

أَتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ فَلَهُمْ عَذَابٌ  
مُّهِينٌ

سپری شد برای‌شان سوگند  
منع کردند از ره یزدان خوار ساز است کیفر آنان

لَن تَغْنِيَ عَنْهُمْ ءَأْمَالُهُمْ وَلَا ءَأَوْلَادُهُمْ مِّنَ اللَّهِ شَيْئًا  
أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

مال و اولادشان چه سازد کاربا عذاب و جزای آن قهار  
آن کسانند یار نار و جحیم جاودانند در جحیم مقیم

يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيَحْلِفُونَ لَهُ ۗ كَمَا يَحْلِفُونَ لَكُمْ  
وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ ءَلَّا إِنَّهُمْ هُمُ الْكَاذِبُونَ

چون به حشر آورند آنان را پس قسم می‌خورند بهر خدا  
بهرتان آنچه‌ان که می‌آرند بهر هر کار خویشتن سوگند  
در گمانند باز از خودشان هان بدانید کاذبند ایشان

أَسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ ءَأُولَٰئِكَ  
حِزْبُ الشَّيْطَانِ ءَلَّا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخٰسِرُونَ

شد مسلط به جانشان شیطان برد یاد خدا ز خاطرشان  
حزب شیطان شدند و در خسران

إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۗ ءَأُولَٰئِكَ فِي الْأَذَلِّينَ

دشمنند آن گروه بر رحمان  
نیز خصم پیامبر یزدان در صف ناکسان روند آنان

كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي ۗ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ

حق چنین کرد در کتاب رقم که شوم چیره با رسولانم  
بی‌گمان هست کردگار بلندبس توانمند و نیز نیرومند



لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ  
اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ  
عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ  
بِرُوحٍ مِّنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ  
خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ  
اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

۵۸  
مجادله  
۲۲  
/۲۲

می‌نیایی تو مؤمنان به خدائیز آن مؤمنان به روز جزا  
که به خصم خدا و پیغمبر دوست باشند و یار یکدیگر  
گر که باشند بهرشان پسران یا که باشند بهرشان پدران  
یا که قومند یا که از اخوان هست ایمان نوشته در دلشان  
روح حق شد مؤید ایشان و درون می‌برندشان به جنان  
زیر اشجارش آبهای روان ماندگارند جاودانه در آن  
هست راضی از آن گروه خدائیز دارند آن گروه رضا  
آن جماعات حزب یزدانندهان که این دسته رستگارانند

۴ صفحه

۲۴ آیه

مدنی

الحشر: گردآمدن

۵۹. حشر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ  
الْحَكِيمُ

۱  
۴۷۹

هست تسبیح اهل ارض و سما بهر یزدان قادر دانا

اوست آنکس که کافران یهودکرد از خانه‌هایشان مطرود  
کس گمانی در این نبرد نبردکه برآیند ز اولین برخورد  
و گمان داشتند کان دژهامانعی هست از برای خدا  
پس بیامد سراغشان آن سان که جماعت نداشتند گمان  
و بیفکند رعب در دلشان کرد آن خانه‌هایشان ویران  
کار تخریب گاه با خودشان گاه با دست جمع با ایمان  
پس بگیرید عبرتی از آن‌ای گروه بصیر و دیده‌وران

هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ  
دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ  
مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَتْهُمْ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ  
يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ  
بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ

۲

ور مقدر نبود بر آنان که برآیند از وطن ایشان  
بهرشان بود کیفر دنیاو عذاب جحیم در عقبا

وَلَوْلَا أَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ  
فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ

۳

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

این بدان است که شدند ایشان دشمن حق و مرسل یزدان و آنکه را دشمنی بود به خداکیفری سخت هست روز جزا

مَا قَطَعْتُمْ مِّن لِّينَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلَىٰ أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيُخْزِيَ الْفَاسِقِينَ

قطع کردید اگر درختان رایا به پا وا گذاشتید آن را پس به اذن خدا بود آن کار فاسقان را خدای سازد خوار

وَمَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَكِنَّ اللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

آنچه بخشید حق رسولش را بهر آنها نتاختید شما حق مسلط کند به هر کس خواست آنکه پیغمبر و رسول خداست او تواناست بر همه اشیا بلکه هر قدرت است ز آن خدا

مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

آنچه حق بر پیمبر خود داد از غنائم که بود از اهل بلاد شد ز حق و رسول و خویش قریب هم فقیر و یتیم و مانده غریب بین آنان مباد دست به دست که خدا بیش مالشان دادست آنچه را دادتان رسول خدا بستانید از رسول شما و آنچه را نهی کرد بهر شما مکنید و شوید با تقوا گر به حکم خدا جفا کردید به یقین کیفر خداست شدید

لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَأُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ

این بود از مهاجر نادار که برون کرده شد ز ملک و دیار رزق جویند و هم رضای خدایار حق و رسول در همه جا آن کسان جمله راست می گویند [راه حق و رسول می پویند]

وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

و آن کسانی که بوده اند از پیش در همین دین حق و خانه ی خویش دوست بودند هر مهاجر را و نبودند منتظر به عطا و مرجع شناختند به خویش گر چه نادار بوده اند از پیش آنکه برداشت دل ز آر و هوی پس بود رستگار [نزد خدا]

وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا  
الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ  
آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ

و کسانی که آمدند از پیو بگفتند بهر خالق حی  
که بیمارز ما و اخوان را که به دین پیش بوده‌اند از ما  
کین مؤمن به جان ما مگذارتو رثوف و رحیمی ای غفار

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا  
مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَئِنْ أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا  
نُطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا وَإِنْ قُوتِلْتُمْ لَنَنْصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ  
يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ

می‌دیدید دو رو که داشت خطاب؟ با رفیقان کفر ز اهل کتاب  
گر که بیرون کنندتان ز دیاربا شما بییم ما مدافع و یار  
و نباشیم آن کسان را یار که بگیرند بر شما پیکار  
ور که آیند با شما به غزاما همه می‌شویم یار شما  
و گواه است قادر سبحان که دروغ است گفته آنان

لَئِنْ أُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ وَلَئِنْ قُوتِلُوا لَا يَنْصُرُونَهُمْ  
وَلَئِنْ نَصَرُوهُمْ لَيُولُنَّ الْأَدْبَرَ ثُمَّ لَا يُصَرُّونَ

گر که بیرون کنندشان ز دیار نیستند آن کسان بر آنان یار  
ور که باشند در طریق غزای نباشند یار آنان را  
ور که باشند یار آنان را بگیرزند و نیستند به جا  
و سپس در چنین غم و بحران هیچ کس نیست یاور ایشان

لَأَنْتُمْ أَشَدُّ رَهْبَةً فِي صُدُورِهِمْ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا  
يَفْقَهُونَ

از شما هست خوفی آنان را که بود بیشتر ز خوف خدا  
نیست فهمی چنین جماعت را [کز همه برتر است آن یکتا]

لَا يُقْتَلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرَى مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ  
جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى  
ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ

همه دورند از ره پیکار جز که از قلعه از پس دیوار  
بین آنان خصومتی است شدیدگر چه همگام می‌شوند پدید  
متفرق شدند از دل و جان اهل اندیشه نیستند آنان

كَمَثَلِ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَرِيبًا ذَاتُوا وِبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ  
عَذَابٌ أَلِيمٌ

مثل آن عده‌ای که چندی پیش بچشیدند طعم کرده‌ی خویش  
بهر آنان بود عذاب الیم هم در آنجا و هم به نار جحیم

كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ  
إِنِّي بَرِيءٌ مِّنْكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

مثل شیطان که گفت با انسان اهل کفران شوید بر یزدان  
چو که کافر شدند بر یزدان گفت بیزارم از تو ای انسان  
در هر اسم من از خدای جهان اوست پروردگار عالمیان

فَكَانَ عَاقِبَتُهُمَا أَنَّهُمَا فِي النَّارِ خَالِدَيْنِ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ  
الظَّالِمِينَ

هست پایان کارشان نیران ماندگارند جاودانه در آن  
و آن بود کیفر ستمکاران

يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ  
لِعَدِ اللَّهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

ای کسانی که آورید ایمان  
اهل تقوا شوید بهر خداو ببین پیش داده‌ی فردا  
اهل تقوا شوید بهر خدا اوست از کارهایتان دانا

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ  
هُمُ الْفَاسِقُونَ

و نباشید مثل آنان را که فراموش کرده‌اند خدا  
پس ز خاطر ببردشان یزدان آن جماعت شدند نافرمان

لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ  
هُمُ الْفَائِزُونَ

اهل نار جحیم و اهل جنان نیستند این دو همگن و همسان  
آن گروهی که هست اهل جنان رستگارند [در بر یزدان

لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْءَانَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا  
مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَلُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ  
يَتَفَكَّرُونَ

گر فرستیم این کلام خدابر دل کوه بنگری آن را  
که شکافد ز ترس و خوف خداوین مثلها که می‌زنیم آن را  
هست از بهر مردمان جهان‌تا که اندیشه‌ای کنند در آن

هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ  
الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

نیست معبود جز خدای جهان اوست دانای آشکار و نهان  
اوست روزی رسان و اوست رحیم

هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ  
الْمُؤْمِنُ الْمُهِمِّنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا  
يُشْرِكُونَ

نیست معبود جز خدای کریم  
پادشاهی است پاک و کهف امان‌هم نگهبان و قطب عز و  
توان  
آن بزرگی که هست جبران ساز اوست پاک و منزّه از انباز

هُوَ اللَّهُ الْخَلِيقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ  
يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

آن خدا خالق است و طرح افکن نقشبند و به نامها احسن  
هست تسبیح اهل ارض و سما بهر یزدان قادر دانا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ  
تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ  
يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ  
كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَدًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ  
إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ  
يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ

مؤمنان دشمن من و خود را مگزیبید بهر خود مولا  
و مگیرید دوست آنان را منکرانند وحی و قرآن را  
هم شما و رسول را ایشان کرده بیرون به خاطر ایمان  
گر روید از ره رضایت من از برای جهاد با دشمن  
دوستی گر کنیدشان به نمانم آگاه از نمان و عیان  
و آنکه این کار را دهد انجام در طریق بدی گذارد گام

گر که یابند چیرگی به شمالین گروهند بهرتان اعدا  
میگشایند باز دست و زبان به بدی روی آورند ایشان  
دوست دارند کفر بهر شما [پس مباحثید دوست آنان را]

ندهد سود خویش و فرزندان پس جدایی فتد میانهایتان  
این چنین است حال در عقباو به کار شماست حق بینا

إِنْ يَثْقَفُوكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ  
أَيْدِيَهُمْ وَالسِّنَنَتُهُم بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ

لَنْ تَنْفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ  
يَفْصِلُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ  
قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَءُؤُا مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ  
اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ  
أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ  
لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا  
عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ

اسوهای نیک داد ربّ جلیل از خلیل و متابعان خلیل  
چون بگفتند مردم خود راهست بیزار جمع ما ز شما  
و پرستید هر چه غیر خدائیز کافر شدیم ما به شما  
دشمنی هست بین ما و شماجز که مؤمن شوید بهر خدا  
با پدر بود قول ابراهیم عفو جرم تو از خدا خواهیم  
نیست قدرت مرا به حکم خداتا کنم کاری از برای شما  
ای خدا من به تو سپارم کارسوی تو بازگشتم ای غفار  
روی آریم سویت ای علام و بسوی تو میروم فرجام

ای خدا آزمون مکن ما را بهر کفار [در طریق خطا]  
و بیامر زمان تو ربّ رحیم به یقین این تویی عزیز و حکیم

رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاعْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ  
أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

اسوه‌ای نیک هست در آنان بهر امیدوار بر یزدان  
نیز امیدوار بر عقباو آنکه پیچید سر ز حکم خدا  
بی‌نیازست کردگار شماو ستوده است نزد اهل دها

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ  
وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ

هست امید بر صفا و ولابین یاران و دشمنان شما  
و خدای جهان بود قادرو بود مهربان و هم غافر

عَسَى اللَّهُ أَن يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُم مِّنْهُمْ  
مَّوَدَّةً وَاللَّهُ قَدِيرٌ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

و آنکه جنگی نکرد از کفارو نیاوردتان برون ز دیار  
سویشان راه عدل بگشاییدو ره خیر و قسط پیمایید  
که خداوند قادر سبحان دوست باشد به جمع دادگران

لَا يَنْهَكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ  
يُخْرِجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ  
يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ

و آنکه پیکار کرد از کفارو برون بردتان ز شهر و دیار  
و به این کار بوده پشتیبان رویگردان شوید از آنان  
و آن جماعت که بهرشان یارندپس همان دسته هم  
ستمکارند

إِنَّمَا يَنْهَكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ  
وَأَخْرَجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَن  
تَوَلَّوهُمْ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

مؤمنان! چون مهاجران زنان کوچ کردند و داشتند ایمان  
ابتدا آزمون کنید ایشان و خدا اعلم است بر ایمان  
گر به ایمان بیاورند اقرار بر نگردند جانب کفار  
که حرامند جمله بر ایشان نیز ایشان حرام بر آنان  
مهرشان را دهید بر اعدان نیست آنکه گناه بهر شما  
که به عقد آورید آنان را چونکه دادید اجر ایشان را  
زن مرتده را کنید رهاو بخواهید مهر آنان را  
و بگیرند آنچه پردازنداین بود حکم کردگار بلند  
و خدا عالم است هم دانا [حکم حق را بیاورید به جا]

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ  
فَأَمْتَحِنُوهُنَّ ۗ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ ۗ فَإِن عَلِمْتُمُوهُنَّ  
مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَّهُمْ وَلَا  
هُم يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَعَآثُهُمْ مَّا أَنفَقُوا وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُم أَن  
تَنكِحُوهُنَّ إِذَا ءَاتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ  
الْكُوفِرِ وَسْءَلُوا مَّا أَنفَقْتُمْ وَلَيْسَ لَكُم مَّا أَنفَقُوا ذَلِكُمْ  
حُكْمُ اللَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

همسری گر به دشمنان پیوست چون بیابید بر غنائم دست  
مهر زن را به شوی او بدهید [این بود حکم کردگار مجید]  
اهل تقوا شوید بر یزدان آنکه دارید بهر او ایمان

وَإِن فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِّنْ أَزْوَاجِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ فَعَاقِبْتُمْ  
فَءَاتُوا الَّذِينَ ذَهَبَتْ أَزْوَاجُهُمْ مِّثْلَ مَّا أَنفَقُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ  
الَّذِي أَنْتُمْ بِهِء مُؤْمِنُونَ

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعَنَّكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكَنَّ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقَنَّ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلَنَّ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعَهُنَّ وَأَسْتَغْفِرَنَّ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

ای پیامبر اگر رسند زنان سوی تو بهر بیعت از ایمان گر نیارند شرک بهر خدارو به سرقت نیاورند و زنا هم نباشند قاتل فرزندان نیز بهتان ز خویشتن ننهند و نباشند با تو نافرمان در ره خیر و نیکی و احسان پس تو بپذیر بیعت آنان از خدا خواه بهرشان غفران که خدا مهربان و غفارست با زن و مرد مؤمنان یار است

۶۰  
ممتحنه  
۱۲  
/۱۳

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ

مؤمنان آنکه راست خشم خدامگزینید بهر مهر و ولا ناامید از قیامتند و نشوره‌مچو کفار خفته در دل گور

۱۳

۶۱. صف: الصف: مدنی ۱۴ آیه ۲ صفحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

هست تسبیح اهل ارض و سما بهر یزدان قادر دانا

۱  
۴۸۴ر

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ

از چه ای مؤمنان دین خدا کارتان نیست همچو قول شما

۲

كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ

پس بود ناپسند نزد خدا کارتان نیست گر چو قول شما

۳

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَتْهُمْ بُنْيَانٌ مَرَّصُونَ

دوست دارد خدا کسانی را که بجنگند در طریق خدا گویی آنان بنای سربین‌اند [سخت پیوسته در ره دینند]

۴

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ ۖ يَتَقَوْمِ لِمَ تُوذُونِي وَقَدْ تَعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ

گفت با قوم خویش چون موسی از چه آزار می‌کنید مرا هم بدانید که برای شما من پیام آورم ز سوی خدا کج شدند از ره خدا آنان پس خدا ساخت کج دل ایشان و هدایت نمی‌کند یزدان آن کسی را که بود نافرمان

۵

وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَبْنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدٌ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ

نیز چون گفت عیسی مریم آل یعقوب را رسول منم راست دانم کتاب پیشین را [حکم تورات هست نزد شما] مژده بخشم که بعد من آیدمرسلی نام او بود احمد چونکه آورد سوی قوم نشانگفت قومش که هست سحر عیان

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُوَ يُدْعَى إِلَى الْإِسْلَامِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

کیست بدتر به راه جور و جفا؟ ز آنکه بهتان زند برای خدا و به اسلام خوانده‌اند او رانیست حق رهنمای اهل جفا

يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ

خواست سازد خموش با افواه‌نور حق قوم کافر گمراه نور خود را کمال داد الله‌کافران را اگر چه هست اکراه

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

او فرستد رسول خود به هدانیز آیین حق دهد او را تا شود چیره هر مرامی رامشکان را اگر چه نیست رضا

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا هَلْ أَذُكُم عَلَىٰ تَجْرَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ

ای کسانی که مؤمنید او رارهنمای شما شوم آیا؟ سوی کاری که می‌رهاندتان از بلای عظیم [در نیران

تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

مؤمن حق شوید و پیغمبرو بجنگید در ره داور با زر و جان که آن بود بهتربرهتان گر که داشتید خبر

يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

حق ببخشد همه گناه شماو در آرد به بوستان خدا زیر اشجارش آبهای روان‌بس اقامتگه نکو در آن در بهشتید جاودانه مقیم‌آن بود بهر خلق فوز عظیم

وَأُخْرَىٰ تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِيرٌ الْمُؤْمِنِينَ

دوست دارید امر دیگر راو آن بود یاری و کمک ز خدا هست نزدیک فتحی از یزدان‌مژده ده بهر جمع با ایمان

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِّلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَأَمَّا نَت طَّائِفَةٌ مِّنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَت طَّائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ

ای کسانی که آورید ایمان‌همه باشید یاور یزدان گفت عیسی بن مریم این گفتارکیست از این حواریان انصار؟ پس بگفتند ما همه یاران‌گشت مؤمن گروهی از ایشان شد گروهی ز آل اسرائیل‌یاورانی به کردگار جلیل کفر ورزید عده‌ای دیگرمؤمنان را خدای شد یاور پس به دشمن بیافتند ظفر[حال در سرگذشتشان بنگر]



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ  
الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

هست تسبیح گوی بهر خدا آنچه باشد در این زمین و سما  
پادشاهی است پاک از اشیاوست هم پرتوان و هم دانا

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ  
آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا  
مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

اوست کز بین عامیان به جهان برگزیند رسولی از آنان  
آیه‌هایش بر ایشان خواند پاک و پاکیزه‌شان بگرداند  
هم کتاب و حکم کند تعلیم‌بهر ایشان [ز سوی حی حکیم  
گر چه ز آن قبل بوده‌اند ایشان گم‌رهی فاش در ضلال عیان

وَأَخْرَجَ مِنْهُمْ لِمَا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

هست اقوام دیگری که در آن‌می‌نییوسته‌اند بر ایشان  
و خداوند عالم و داناست

ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

و آنچه گفتیم جمله فضل خداست  
دهد از فضل حق به هرکس خواست‌نیز فضل بزرگ از آن  
خداست

مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ  
يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ  
وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

آنکه تورات گشت بر او بارو نبردست اوست همچو حمار  
که بر او بار شد کتابی چندمثلی بد برای او آرند  
اوست کافر به آیه‌های خدا نیست حق رهنمای اهل جفا

قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنْكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ  
دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

گو یهودان گمان کنید شما؟ دوستانید خاص بهر خدا  
پس کنون آرزوی مرگ کنیدگر شما صادقید [بی‌تردید]

وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ  
بِالظَّالِمِينَ

و ندارند آرزو بر آن ز آنچه از پیش کرده‌اند آنان  
[کارهایی ز راه جور و جفا] حق بود بر ستمگران دانا

قُلْ إِنْ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ  
تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَلِيمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ  
تَعْمَلُونَ

گو که مرگی کز آن کنید فراربا شما هست در ره دیدار  
باز گردید پس سوی یزدان کوست دانای آشکار و نهان  
پس خبر می‌دهد خدا به شما هر عمل را که داشتید اینجا

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

مؤمنان چونکه بر نماز خداروز جمعه همی کنند ندا پس شتابید سوی ذکر خدا و بسازید کار بیع رها کاین بود بهتر از برای شماگر که باشید آگه و دانا

فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

چون به پایان رسد نماز شماپخش گردید در زمین خدا و بخواهید از عطای خدا و فزون آورید ذکرش را شاید ای قوم رستگار شوید [رستگاری است ذکر حی مجید]

وَإِذَا رَأَوْا تِجْرَةً أَوْ لَهْوًا أَنْفَضُوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهِوِ وَمِنَ التِّجْرَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ

چونکه لهو و تجارتی بیندسوی آن کار راه بگزینند و رها می‌کنند کار قیام که تو داری در آن تلاش تمام گو که از لهو و بیع شد بهتر آنچه باشد به نزد آن داور و خداوند هست رزق رسان بهترین رزق هست از یزدان

۲ صفحه

۱۱ آیه

مدنی

المُتَافِقُونَ: منافقان

۶۳. منافقون

چون دورویان به نزد تو آیندو دهان بر شهاده بگشایند که گواهی دهیم ما اینجا که همانا تویی رسول خدا حق بداند تویی رسول خدا و گواه است کذب آنان را

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ

اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

قسم خویش را کنند سپرباز دارند از ره داور و چه زشت است کرده ایشان که دو رنگند در عیان و نهان

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ

چونکه اول بیاورند ایمان و سپس رو کنند بر کفران پس خدا مهر زد به دلهاشان پس نفهمند هیچ چیز از آن

وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ ۗ كَانَتْ لَهُمْ خَشْيَةٌ مِّنْ اللَّهِ يَخْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ ۗ قَتَلَهُمُ اللَّهُ ۗ أَلَىٰ يُؤْفَكُونَ

چون ببینند خلق آنان را جسم آنان بود شگفتی زا چون ز ایشان تو بشنوی گفتارمثل چو بند پشت بر دیوار هر خروشی به ضد خود دانند دشمنان تو هم همانانند پس بپرهیز آن جماعت را مرگشان باد کج روند کجا؟

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّأُ  
رُءُوسَهُمْ وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ

چونکه گفتند آن جماعت را پیش آید [در طریق هدا]  
تا رسول مهیم یکتاعفو خواهد ز حق برای شما  
سر بیچند و روی گرداند سرکش از راه و حکم رحمانند

سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ  
اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ

گر بخواهی تو عفو آنان رایا نداری دعا تو ایشان را  
هست یکسان دو حال برایشان حق نخواهد برایشان غفران  
رهنا نیست قادر منان بهر قومی که هست نافرمان

هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ  
حَتَّى يَنْفُضُوا<sup>ط</sup> وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ  
الْمُنْفِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ

گفته اند اینکه بخششی نکنید بهر یار رسول حی مجید  
تا روند از بر رسول خداوز خدا هست گنج ارض و سما  
نیست فهم سخن دورویان را [و ندانند لطف یزدان را]

يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا  
الْأَذَلَّ<sup>ج</sup> وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ  
الْمُنْفِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ

گفته اند ار رویم سوی دیار پس ذلیلان برون شوند ز دار  
هست عزت از آن حق و رسول و کسانی که دین کنند قبول  
و نداند منافق این سخنان

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ  
عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

ای کسانی که آورید ایمان  
ندهد غفلتی به قلب شما مال و اولادتان زیاد خدا  
آن گروهی که داشت این رفتار به زیان کلان شدست دچار

وَأَنْفِقُوا مِنْ مَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ  
الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَقَ  
وَأَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ

و ببخشید روزی خود را پیش از آنکه رسد ممات شما  
پس بگوید اگر کمی تقدیر گیرد از بهر من ره تأخیر  
پس ببخشم به مدتی کوتاه هم ز شایستگان شوم آنگاه

وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا  
تَعْمَلُونَ

حق چو مرگ کسی کند تقدیر نگذارد برای او تأخیر  
و خدای جهان بود داناز آنچه انجام می دهید شما

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ  
الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

هست تسبیح گو برای خدا آنچه باشد در این زمین و سما  
حمد و ملک دو عالم است او را او تواناست بر همه اشیا

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ وَاللَّهُ  
بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

اوست آن کافریدتان به جهان وز شما کافرست و با ایمان  
و خدای جهان بود بیناز آنچه انجام می‌دهید شما

خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ  
صُورَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ

او بحق ساخت این زمین و سماچهرتان را نگاشت بس زیبا  
و سر انجام خلق سوی خداست

يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا  
تُعْلِنُونَ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

داند او آنچه در زمین و سماست  
و آنچه پنهان کنید یا افشاوست از راز سینه‌ها دانا

أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبُؤُا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ فَذَاقُوا وَبَالَ  
أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

نرسیده است پیش از این آیا؟ خبر کافران به گوش شما  
پس چشیدند کیفر خود راهست از ایشان عذاب جانفرسا

ذَلِكَ بِأَنَّهُ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالُوا أَبَشَرٌ  
يَهْدُونَنَا فَكَفَرُوا وَتَوَلَّوْا وَاسْتَغْنَى اللَّهُ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَمِيدٌ

بهرشان آمده است پیغمبرهمره آیه‌های روشنگر  
پس بگفتند هست هادی ما آدمیزاده‌ای چو ما آیا؟  
اهل کفران شدند و رو گردان بی‌نیاز است ایزد از آنان

رَعِمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ  
لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ

و خدا هست بی‌نیاز و حمید [اینکه عابد برای او باشید]  
در گمانند کافران که خدابر نینگیزد آن جماعت را  
گو چرا که قسم به ذات خداکه برانگیزم آن جماعت را  
و به اعمالشان کنم دانا هست این کار سهل نزد خدا

فَقَامِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا  
تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

پس خدا را بیاورید ایمان با رسول گرامی یزدان  
نیز نوری که ما فرستادیم بر همه کارتان خداست علیم

يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذَٰلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ وَمَنْ يُؤْمِنُ  
بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُدْخِلْهُ  
جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَٰلِكَ  
الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

چون کند جمعتان خدا به زمان هست آن روز روزگار زیان  
مؤمنی را که هست نیکوکارپس ببخشد گناه او غفار  
و خدایش در آورد به جنان زیر اشجارش آبهای روان  
ماندگارند جاودانه در آن و آن به نزد خداست فوز کلان

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ  
خَالِدِينَ فِيهَا ۗ وَسَاءَ الْمَصِيرُ

کافران و مکذبان نشان همه هستند در دل نیران  
ماندگارند جاودانه در آن بد سر انجامی است با ایشان

مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ۗ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ  
قَلْبَهُ ۗ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

هیچ آسیب نیست بهر شماجز که باشد به اذن و حکم خدا  
و آنکه ایمان بیاورد به خداقلب او را خداست راهنما  
وز همه چیز حق بود دانا

وَاطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ ۚ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَىٰ  
رَسُولِنَا الْمَبْعُوثُ الْمُبِينُ

کن اطاعت حق و رسول خدا  
پس چو از حق شوید رو گردان بر نبی نیست جز بلاغ عیان

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۗ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

نیست معبود جز حق مطلق مؤمنان را توکل است به حق

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنِّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا  
لَكُمْ فَأَحْذَرُوهُمْ ۚ وَإِن تَعْفُوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ  
غَفُورٌ رَّحِيمٌ

ای کسانی که آورید ایمان هست در همسران و فرزندان  
آنکه دشمن بود برای شماپس شما هم حذر کنید او را  
ور که عفو آورید و هم غفران پس غفور است و مهربان  
یزدان

إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ ۗ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ

آزمونی است مال و فرزندان نزد حق است اجر و مزد کلان

فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَأَسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا  
لِّأَنْفُسِكُمْ ۗ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ  
الْمُفْلِحُونَ

اهل تقوا شوید بهر خداتا بدانجا که قادرید شما  
باشنوبید و مطیع حق باشیدو ببخشید [بهر رب مجید]  
این بود بهتر از برای شماو آنکه از بخل خویش گشت رها  
پس بود رستگار نزد خدا [هم ز نار جحیم هست رها]

إِن تَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُّضْعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرَ لَكُمْ ۗ  
وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ

قرض نیکو دهید اگر به خدایس دو چندان کند خدا آن را  
و کند عفو هر خطای شمابردار است و شاکر است خدا

عَلِيمٌ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

اوست دانای آشکار و نهان قادرست و حکیم آن یزدان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ  
وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ  
بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ وَتِلْكَ  
حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا  
تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا

۱  
حزب  
۲۲۳  
۴۹۲

ای پیمبر گه طلاق زنان هست در وقت عده‌ی ایشان  
بشمارید عده آنان را اهل تقوا شوید بهر خدا  
و زنان از سرا برون مکنیدو آنکه گردد برون ز خانه پدید  
زشتی آشکار هست او راو آن بود مرزهای حکم خدا  
و آنکه بگذشت از حدود خدا بهر خود کرده است جور و جفا  
تو ندانی که بعد از این شاید از خدا حکم تازه‌ای آید

فَإِذَا بَلَغَنَّ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ  
بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا ذَوَى عَدْلٍ مِّنكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ  
لِلَّهِ ذَٰلِكُمْ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ  
وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا

چونکه آن عده را رسد پایان یا نگهدار همسرت پس از آن  
یا به طرزی نکو شوید جداو دو عادل بر آن بگیر گواه  
و گواهی بود برای خداست پند خدا در آن به شما  
هر که مؤمن شود به حکم خدائیز مؤمن شود به روز جزا  
و آنکه تقوا کند برای خدا پس رهایی دهد خدا او را

۲

وَيَرْزُقَهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ  
حَسْبُهُ وَإِنَّ اللَّهَ بَلِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا

نیز رزقی دهد به او یزدان از رهی که نیاورد به گمان  
هر که بسپرد کار خود به خدایس کفایت کند خدا او را  
و به فرمان خود رسد یزدان و به هر چیز می‌دهد میزان

۳

وَأَلَّتِي يَيْسُنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ أَرَبْتُمْ  
فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَالَّتِي لَمْ يَحِضْنَ وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ  
أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ  
أَمْرِهِ يُسْرًا

و زنی کز محیض شد نومیدگر که در امر خود کند تردید  
و آنکه هرگز ندیده قاعده راعده‌ی او بود سه مه اینجا  
و اگر باردار بود آن زن مدت اوست تا گه زادن  
آنکه پرهیز کرد بهر خدایس کند سهل مشکل او را

۴

ذَٰلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُوَ إِلَيْكُمْ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ  
سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا

امر خود داد حق برای شماو آنکه پرهیز کرد بهر خدا  
پس ببخشید از او گناه و خطائیز اجرش کند بزرگ خدا

۵

أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمْلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأَتَمُّوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاَسَرْتُم فَسَرِّضُوا لَهُنَّ أُخْرَىٰ

نیز مسکن دهید آنان را هر کجا هست در توان شما و مگیرید راه رنج و زیان و مگیرید تنگ بر آنان گر که باشند باردار زنان بر شما هست خرجی ایشان تا زمانی که وضع حمل کنندور که دادند شیر بر فرزند بر شما هست خرجی آنان رابه بود مشورت میان شما گر توافق نبود بین شما دایه باید گرفت کودک را

لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ ۗ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا ۗ سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا

گو ببخشد ز مال خود او را و آنکه را نیز نیست هیچ غنا هم ببخشد ز داده‌ی یزدان نیست تکلیف کس به غیر توان و پس از هر صعوبتی یزدان می‌کند کار بندگان آسان

وَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ ۗ فَحَاسِبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَدَّبْنَاهَا عَذَابًا نُكْرًا

چه بسا شهر گشت رو گردان از خدا و پیمبر یزدان پس گرفتیم از آن حساب شدیدو بر او کیفری عجیب رسید

فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا

پس چشیدند اجر کار آنان بود فرجام کارشان خسران

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا ۗ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ ءَامَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا

شد مهیا ز کردگار مجیدبهر آنان عذاب سخت و شدید فاتقوا الله یا اولی الالباب مؤمنان! حق بداد ذکر و کتاب

رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِّيُخْرِجَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ۗ وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۗ قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا

بر شما خوانده است پیغمبر از همه آیه‌های روشنگر تا خدا مؤمنان صالح را برد از تیرگی به نور هدا مؤمنی را که هست کار نکودهدش جا به روضه‌ی مینو زیر اشجارش آبهای روان ماندگارند جاودانه در آن و خداوند قادر بکتامی‌دهد رزق نیک آنان را

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا

ساخت هفت آسمان خدا به جهان از زمین نیز داده است چنان هست نازل میانشان فرمان تا بدانید بهر اوست توان بر همه چیز قادرست خدائیز داناست از همه اشیا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحْرَمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ  
أَزْوَاجِكَ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

ای پیامبر چرا کنی تو حرام؟ آنچه بر تو رواست ز آن علام  
تا به دست آوری رضای زنان حق بود مهربان و ذو غفران

قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ وَاللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ  
الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ

داد فرمان خدا [که کفار بهر سوگندها شود چاره  
و آن خداوند بر شما مولاست و خدا هم حکیم و هم داناست

وَإِذْ أَسْرَ النَّبِيُّ إِلَى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ  
وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ  
فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا قَالَ نَبَّأَنِيَ الْعَلِيمُ  
الْخَبِيرُ

چون نبی راز گفت با همسرو آن خبر برد [بر زنی دیگر]  
به رسولش چو فاش ساخت خداپس به او گفت قسمتی ز  
آن را  
ساختم قسمتی دگر پنهان چون خبر را به زوجه کرد بیان  
گفت دادت چه کس خبر آنگاه گفت یزدان عالم و آگاه

إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ  
فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَلِحَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةَ  
بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ

توبه آرید پس به سوی خدا چون بگشته است قلبهای شما  
گر که با هم شوید پشتیبان یار پیغمبرش بود یزدان  
نیز جبریل و قوم با ایمان و ملائک شوند بعد از آن

عَسَى رَبُّهُوَ إِنْ طَلَّقَكُنَّ أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِّنْكَنَّ  
مُسْلِمَاتٍ مُّؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَتَّبِعْنَ عِبَادَاتٍ سَلِيحَاتٍ  
تَتَّبِعْنَ وَأَبْكَارًا

گر شما را رها کند شاید حق زانی به او ببخشد  
کز شما بهترند در ایمان هم به اسلام و هم تواضعشان  
توبه و رزان و عابدان خدابکر یا بیوه رهروان هدا

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا  
النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ  
اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ

مؤمنان خویش و اهل و فرزندان دور دارند ز آتش سوزان  
که بر او هیزم است ناس و حجرو ملائک موکل کيفر  
سختگیر و خشن به کيفرشان و به حق نیستند نافرمان  
و آنچه فرمان رسد ز سوی خدا زود انجام می‌دهند آن را

يَأْتِيهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَدِرُوا الْيَوْمَ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا  
كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

کافران عذر نیست بهر شما که به اعمالتان دهند جزا



يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتِمِّمْ لَنَا نُورَنَا وَاعْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

ای کسانی که آورید ایمان توبه سازید ناب با یزدان تا گناهانتان ببخشد اوو درآیید در دل مینو زیر اشجارش آبهای روان نیست آن روز خواری و خذلان با رسول خدا و اهل یقین نورشان رو برویشان به یمین پس بگویند ای خدا بر ماساز تکمیل نور [ایمان را] تا گناهان ما ببخشایی و به هر چیز تو توانایی

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَا لَهُمْ جَهَنَّمَ وَاَبْسَ الْمَصِيرُ

ای نبی گیر شیوهی پیکار با دورویان و فرقه‌ی کفار کار را سخت گیر بر ایشان در دل دوزخ است منزلشان و چه جای بدیست بر ایشان این سر انجام در دل نیران

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَاَمْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ

حق زند بهر اهل کفر و ضلال همسرانی ز نوح و لوط مثال همسر بندگان صالح ماآن دو بر شوی داشتند جفا و نبردند سودی از کردارگفته شد هر دو در شوید به نار

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

می‌زند بهر خلق با ایمان زن فرعون را مثل یزدان چون به حق گفت نزد خویش مراخانه‌ای در جنان بساز خدا هم ز فرعون و کار او تو مراکن رها وز گروه اهل جفا

وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِن رُّوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا مِن فَحْشَىٰ مَا تَكْفُرُ بِهَا وَكَانَتْ مِنَ الْغَافِلِينَ

نیز مریم که دخت عمران بوددختری خوب و پاکدامان بود پس دمیدیم روح خود او را [و از آن گشت حامل عیسی سخن حق و نامه‌هایش را کرد تصدیق و شد مطیع خدا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَبْرَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

بس بزرگ است آنکه ملک او راست و توانا به جمله‌ی  
اشیاست

الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا  
وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ

او کند مرگ و زندگی ایجادتا بود آزمایشی به عباد  
تا چه کس بهتر است در کردار و خدا قادر است و هم غفار

الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَّا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ  
مِن تَفْوُوتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ

لابه لا آفرید هفت سما نیست نقصی برای صنع خدا

ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ  
حَسِيرٌ

بازگردان نگاه را آیا؟ هست نقصی برای صنع خدا؟  
بازگردان نگاه را به بصر [با تمام وجود] بار دگر  
باز گردد زبون سوی تو نظر و شود ناتوان ز رای بصر

وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصْبِيحٍ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا  
لِلشَّيْطَانِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ

جلوه دادیم سپهر دنیا را با چراغ و نهادیم آنها را  
سنگهایی برای اهرمان کیفری هم ز آتش سوزان  
ما مهیا کنیم بر ایشان

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ

نیز از بهر کافر یزدان  
کیفری هست در جحیم آنجا بد سر انجامی است آنان را

إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهيقًا وَهِيَ تَفُورُ

چون بیفتند در دل نیران بانگ و فریاد بشنوند از آن  
و بجوشند از دل نیران

تَكَادُ تَمَيِّزُ مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَا أَلْقَى فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ  
خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ

گویی از خشم بگسلند آنان  
چون گروهی در افکنند آنجا پس ندا می‌دهند آنان را  
که نذیری نبودتان آیا؟

قَالُوا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ  
شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ

همه پاسخ دهند اینکه چرا  
بود از بهر ما بسی هشدار ما به هشدار داشتیم انکار  
و بگفتیم نیست از یزدان و شما بید در ضلال کلان

وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ

گر که با عقل و گوش می‌بودیم ما نبودیم در عذاب جحیم

فَاعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ فَسُحِقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ

به گناهان خود کنند اقرار مرگ بادا بر این صحابه‌ی نار

إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ

آنکه ترسد ز رب خود به نهان اهل آمرزش است و اجر کلان

وَأَسِرُّوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ ۗ إِنَّهُ وَعَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

گر سخن فاش بود یا که نهان اوست دانای راز خلق جهان

۱۴

أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ

نیست آگه ز خلقتش آیا؟ اوست باریک بین و هم دانا

۱۵  
۴۹۷۲

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَأَمْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا  
وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ ۗ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ

او زمین را بساخت رام شماپس به دوشش شوید ره پیما  
هم ز روزیش بهره‌ور گردیدو به سویش تمام برگردید

۱۶

ءَأَمِنْتُمْ مَّن فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ  
تَمُورُ

از خداوند ایمنید آیا؟ که بود بر سپهر حکمروا  
که به کام زمین شوید نهان و بود آن زمان زمین لرزان

۱۷

أَمْ أَمِنْتُمْ مَّن فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ۗ  
فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرِ

از خداوند ایمنید آیا؟ که بود در سپهر حکمروا  
که فرستد ز سنگ و شن طوفان‌پس بدانید بیم دادنمان

۱۸

وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ

پیش از این نیز داشتند انکاریین چه بوده است کیفر آن  
کار

۱۹

أَوْ لَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَفَّتٍ وَيقْبِضْنَ ۗ مَا  
يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ ۗ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ

ننگرند آن پرنده را آیا؟ که بود قبض و بسط بالش را  
که نگهداشت جز خدا او را؟ بهر هر چیز او بود بینا

۲۰

أَمَّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ جُنْدٌ لَكُمْ يَنْصُرُكُمْ مِّنْ دُونِ  
الرَّحْمَنِ ۗ إِنَّ الْكٰفِرِينَ إِلَّا فِي عُرُورٍ

چه سپاهی بود معین به شما؟ در بر حکم خالق یکتا  
کافرانند در فریب و خطا

۲۱

أَمَّنْ هَذَا الَّذِي يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ ۗ بَلْ لَّجُوا فِي  
عُتُوٍّ وَنُفُورٍ

چه کسی رزق می‌دهد به شما؟  
حق کند رزق خویش را گر دورپا فشارند بهر کبر و نفور

۲۲

أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلَىٰ وَجْهِهِ ۗ أَهْدَىٰ أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا  
عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ

آنکه بر روی خود رود آیابه بود یا کسی که شد پویا؟  
راست قامت روانه در ره راستگو کدامین بهین به چشم  
شماست؟

۲۳

قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمْ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ  
وَالْأَفْئِدَةَ ۗ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ

گو شما را خدای کرد ایجادبهرتان چشم و گوش و قلب نهاد  
و قلبی شدید شکرگزار [بهر انعام رحمت دادار]

۲۴

قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

گو شما را به ارض ساخت پدیدهمه سوی خدای جمع شوید

۲۵

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ ۗ إِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِينَ

و بگویند کو زمان وعید؟ اگر این گفته راست می‌گویید

۲۶

قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ

گو که دانش بود به نزد خدا و منم منذری عیان به شما

فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سَيِّتَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَقِيلَ هَذَا  
الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدْعُونَ

چونکه نزدیک بنگرند آن راکافران را سیه شود سیما  
و بگویند آنچه خواسته‌ایداینک از بهرتان شده است پدید

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكَنِیَ اللَّهُ وَمَنْ مَعِیَ أَوْ رَحِمَنَا فَمَنْ یُجِیْرُ  
الْكَافِرِیْنَ مِنْ عَذَابِ أَلِیْمٍ

گو اگر حق من و گروه مرا بدهد خیر یا برد به فنا  
کافران را چه کس رها سازد؟ از عذاب الیم [دار ابد]

قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ ءَامَنَّا بِهِ ؕ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ  
هُوَ فِی ضَلَالٍ مُّبِیْنٍ

گو که ایمان به حق بیاوردیم‌کار خود بر خدای بسپردیم  
زود آگاه می‌شوید از این‌که چه کس هست در ضلال مبین

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ یَأْتِیْكُمْ بِمَآءٍ  
مَّعِیْنٍ

گو که آب ار فرو رود به جهان‌چه کسانی دهند آب روان

## ۶۸ . قلم القلم: قلم

۳ صفحه

۵۲ آیه

مکی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ

نون [بود رمزی از خدای نعم به قلم و آنچه شد نوشته قسم

مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ

که به لطف خدا نه ای مجنون

وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ

و ترا اجرتی است ناممنون

وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ

و تویی در مقام خلق بلند

فَسَتُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ

زود بینی و خلق هم ببینند

بِأَيِّكُمْ الْمَفْتُونُ

که کدام است از شما مجنون

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ  
بِالْمُهْتَدِينَ

هست آگاه آن حق بیچون  
که کدام است از شما گمراه؟ و چه کس هست از هدا آگاه

فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ

پس اطاعت مکن تو [در کردار] از کسانی که آورند انکار

وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ

دوست دارند تو کنی نرم‌تا که نرمی کنند [با گرمی

وَلَا تُطِعِ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ

و اطاعت مکن قسم خور پست

هَمَّازٍ مَّشَاءٍ بِنَمِيمٍ

عیبجویی که با سخن‌چین است

مَنَّاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ

مانعی بهر راه خیر و نکوست

عُتْلٍ بَعْدَ ذَلِكَ زَنِيمٍ

متجاوز به حق و مفسده جوست  
هست گستاخ و پست بعد از آن

أَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ

صاحب مال هست و فرزندان

إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ءآيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ

چونکه خوانند آیهی رحمان‌گوید افسانه‌های اولیان

سَنَسِمُهُ وَعَلَى الْخُرطومِ

می‌نهم داغ روی بینی‌شان

إِنَّا بَلَوْنَهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا

امتحان می‌کنیم از ایشان همچنان صاحبان آن بستان‌که قسم خورده‌اند صبحگاهان که بچینند میوه‌ها یکسر

مُصْبِحِينَ

۱۸ وَلَا يَسْتَثْنُونَ

و نگفتند خواهد ایزد اگر

۱۹ فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ

پس عذابی ز حق رسید آنجاخواب هم برده بود آنان را

۲۰ فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ

باغ شد همچو شام تیره سیاه

۲۱ فَتَنَادُوا مُصْبِحِينَ

پس مخاطب به هم شدند پگاه

۲۲ أَنِ اعْدُوا عَلَيَّ حَرْثَكُمْ إِن كُنتُمْ صَرمِينَ

صبحگه سوی کشت روی آریدگر که خواهید میوه‌ها را چید

۲۳ فَانطَلَقُوا وَهُمْ يَتَخَفَتُونَ

پس بگشتند سوی باغ روان و بگفتند اینسخن به نهان

۲۴ أَن لَّا يَدْخُلَنَّهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مَسْكِينُونَ

که مواظب شوید در این حین‌نرسد بر شما یکی مسکین

۲۵ وَعَدُوا عَلَيَّ حَرْدٍ قَدِيرِينَ

و برفتند صبحگاه چنان‌که بود بهرشان به دفع توان

۲۶ فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُونَ

چون بدیدند باغ را آنگاه‌پس بگفتند گم شدیم از راه

۲۷ بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ

بلکه اینک شدیم ما ناکام

۲۸ قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَّكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ

گفت عاقل‌ترین در این هنگام من نگفتم برایتان آیا؟بستایید نام پاک خدا

۲۹ قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ

پس بگفتند ای خدا پاکاما همه بوده‌ایم اهل جفا

۳۰ فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَلَوُمُونَ

سوی هم چونکه روی آوردندپس نکوهش ز یکدیگر کردند

۳۱ قَالُوا يَوَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِغِينَ

پس بگفتند وای وای به ماکه شدیم اهل سرکشی و جفا

۳۲ عَسَى رَبُّنَا أَن يُبَدِّلَنَا خَيْرًا مِّنْهَا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا رَاغِبُونَ

بس امید است اینکه بهتر از آن‌بدهد بهر ما خدای جهان ما گرایش کنیم سوی خدا

۳۳ كَذَلِكَ الْعَذَابُ ۗ وَالْعَذَابُ الْآخِرَةُ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

این چنین است کیفر دنیا زین بتر هست کیفر عقباگر که باشند مردمان دانا

۳۴ إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٍ التَّعِيمِ

متقین راست نزد خالقشان‌بوسستانها ز نعمت یزدان

۳۵ أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ

مسلمین را خدا نهد آیا؟با گنه کار مردمان یکجا

۳۶ مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ

این چه حکمی است می‌کنید شما

۳۷ أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ

چه کتابی است خوانده‌اید آن را

۳۸ إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ

هر چه خواهید می‌رسید آن را

۳۹ أَمْ لَكُمْ أَيْمَانٌ عَلَيْنَا بَلِغَةٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنَّ لَكُمْ لَمَا

قسمی سویتان رسید آیا؟ که شما راست تا به روز جزاآنچه را حکم می‌کنید شما

تَحْكُمُونَ

۴۰ سَلِّمُوا إِلَيْهِمْ بِذَلِكَ زَعِيمٌ

به چه چیزی بیاورند ضمان

۴۱ أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِن كَانُوا صَادِقِينَ

گر بتانند یار با ایشان گو بیارند آن خدایان راگر سخن راست است ایشان را

۴۲ يَوْمَ يُكْشَفُ عَن سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا

چون شود سخت خلق را خوانندبهر سجده و لیک نتوانند

يَسْتَطِيعُونَ

خَشِعَةً أَبْصَرُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَلِيمُونَ

فَذَرْنِي وَمَنْ يُكَذِّبُ بِهَذَا الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ

وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ

أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَّغْرَمٍ مُثْقَلُونَ

أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُمُونَ

فَأَصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادَى وَهُوَ مَكْظُومٌ

لَوْلَا أَنْ تَدَارَكُهُ نِعْمَةٌ مِنْ رَبِّهِ لَنُبِذَ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ

فَأَجْتَبَاهُ رَبُّهُ وَفَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ

وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَرِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ

وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 الْحَاقَّةُ

روز آینده

مَا الْحَاقَّةُ

چیست آینده؟

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ

و به علم تو نیست آینده

كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَعَادٌ بِالْقَارِعَةِ

کرد کیفر ثمود و عاد انکار

فَأَمَّا ثَمُودُ فَأُهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ

به هلاکت ثمود گشت دچار

وَأَمَّا عَادٌ فَأُهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ

لشکر عاد هم به سوی فنا رفت از باد پر خروش و نوا

سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَنِيَّةً أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ أُعْجَازُ مُخْلِ خَاوِيَةٍ

هشت روزان و هفت شب یکسر شد مسلط به جانشان مرصرقوم گشتند سرنگون پیدا همه چون ساق پوک نخل آنجا

فَهَلْ تَرَى لَهُمْ مِنْ بَاقِيَةٍ

هیچ کس هست باقی از آنان؟  
 [این بود کیفر خدای جهان]

وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهُ وَالْمُؤْتَفِكَتُ بِالْحَاطِئَةِ

قوم فرعون و شهرهای تباه‌پیش از او بود در طریق گناه

فَعَصَوْا رَسُولَ رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمْ أَخْذَةً رَابِيَةً

سرکشیدند از رسول خداپس عذابی گرفت آنان را

إِنَّا لَمَّا طَغَا الْمَاءُ حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَةِ

آب چون پر شد از همه اقلیم‌پس به کشتی سوارتان کردیم

لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً وَتَعِيهَا أذُنٌ وَعَيْةٌ

تا شما را دهیم از آن پندگوشها نیز آن فرا گیرند

فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْحَةٌ وَاحِدَةٌ

یک دمیدن به صور چون بدمند

وَحُمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً

خاک با کوه را کنند بلند  
پس بکوبند آن همه یکبار

فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ

پس بود روز واقعه در کار

وَأَنْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ

و شکافت سپهر و سست است آن

وَالْمَلِكُ عَلَىٰ أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ  
ثُمَّنِيَّةٌ

و ملانک بر آن روند کران

عرش پروردگار هشت سروش بر سر آسمان کشند به دوش

يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَىٰ مِنْكُمْ خَافِيَةٌ

جملگی عرضه می‌شوند عیان‌کارها نیست از کسی پنهان

فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ ۖ فَيَقُولُ هَٰؤُلَاءِ أَقْرَعُوا كِتَابِيَةَ

گر کسی نامه‌اش رسد به یمین‌پس بگوید که این بخوان و  
بین

إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلْكٌ حِسَابِيَةَ

من یقین داشتم حساب و جزا

فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَّاضِيَةٍ

پس رضایت ز عیش هست او را

فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ

در بهشتی بلند دارد جا

قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ

میوه در دسترس بود او را

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ

پس بگویند بر خورید آن رابس گواراست میوه‌ها به شما  
آنچه را در گذشته داشته‌ایداینک از بهرتان شده است  
پدید

وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ ۖ فَيَقُولُ يَلَيْتَنِي لَمْ أُوتِ  
كِتَابِيَةَ

گر کسی نامه‌اش رسد به یسارپس بگوید نبود کاش این کار

وَلَمْ أَدْرِ مَا حِسَابِيَةَ

و نبودم من از حساب آگاه

يَلَيْتَهَا كَانَتِ الْقَاضِيَةَ

کاش مرگم فرا رسد از راه

مَا أَغْنَىٰ عَنِّي مَالِيَةٌ

مال من سود بهر من نگذاشت

هَلَكَ عَنِّي سُلْطَانِيَةٌ

هم ز من قدرت مرا برداشت

خُذُوهُ فَغُلُّوهُ

پس بگیرندش و کشند به بند

ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ

و سپس در جهنم اندازند

ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ

پس به زنجیری افکنندش بازکان به هفتاد ذرع هست دراز

إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ

چون نبودست مؤمن یزدان

وَلَا يَحْضُ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ

و نبودست است یار درویشان  
و مشوق نبود بهر کسان‌تا غذایی دهند بر ایشان

و بر او نیست یاوری اکنون

فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَاهُنَا حَمِيمٌ

و غذایش ز چرک هست و ز خون

۳۶ وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غَسِيلِينَ

نخورد آن به غیر اهل خطا

۳۷ لَا يَأْكُلُهُوَ إِلَّا الْخَاطِئُونَ

پس قسم می‌خورم به دید شما

۳۸ فَلَا أَقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ

و آنچه را نیست بهرتان به نگاه

۳۹ وَمَا لَا تُبْصِرُونَ

کاین سخن هست از رسول الله

۴۰ إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ

نیست گفتار شاعر این قرآن و قلبی است بهرتان ایمان

۴۱ وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَّا تُوْمِنُونَ

نیست گفتار کاهن این گفتار و کمی هست بهرتان تذکار

۴۲ وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ

این فرستاده‌ای است از یزدان‌کوست پروردگار عالمیان

۴۳ تَنْزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ

گر که می‌بست بر خدا چونین

۴۴ وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ

حق از او می‌گرفت دست یمین

۴۵ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ

می‌بریدیم از او رگ و شریان

۴۶ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ

وز شما کس نبود مانع آن

۴۷ فَمَا مِنْكُمْ مِّنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ

این بود پند بهر متقیان

۴۸ وَإِنَّهُ لَتَذِكْرٌ لِّلْمُتَّقِينَ

وز شما هست کس مکذب آن

۴۹ وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُّكَذِّبِينَ

و فسوس است بهر ناباور

۵۰ وَإِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكٰفِرِينَ

بی‌گمان راست است بر داور

۵۱ وَإِنَّهُ لِحَقُّ الْيَقِينِ

پس به پاکی ستای نام خدا آفریننده بزرگت را

۵۲ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ

۳ صفحه

۴۴ آیه

مکی

المَعَارِج: درجات

۷۰. معارج

سانلی خواست کیفر واقع

۱ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۵۰۲: سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ

نیست کفار را بر آن مانع

۲ لِّلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ وَدَاعٌ

حق بود صاحب عروج و صعود

۳ مِّنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ

ملک و روح چونکه بال گشود روز رهرو که رو به سوی خداست پنج ره ده هزار سال شماس

۴ تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ

أَلْفَ سَنَةٍ

بشکيب این زمان شکيب نکو

۵ فَأَصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا

خویش را دور بنگرند از او

۶ إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ وَبَعِيدًا

ما به نزدیک بنگریم آن را

۷ وَنَرَاهُ قَرِيبًا

چون فلزی گداخته است سما

۸ يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ

مثل پشم زده شده کهسار

۹ وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ

و ندارد سؤال یار از یار

۱۰ وَلَا يَسْأَلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا



يُبْصِرُونَهُمْ يَوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ  
بِبَنِيهِ

چون نمایندشان [عذاب مهین مجرمان آرزو کنند چنین  
بر رهایی ز کیفر نیران کاشکی فدیة بود فرزندان

وَصَلِحَ بَيْنَهُ وَآخِيهِ

نیز همسر و یا برادر ما

وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ

نیز قومی که جا دهد ما را

وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ

و آنکه را در زمین بود مأواتا رهایی دهد به امر جزا

كَلَّا إِنَّهَا لَلظَى

نی بود شعله‌هایی از آذر

نَزَاعَةَ لِلشَّوَى

که برآرند پوست را از سر

تَدْعُوا مَنْ أَدْبَرَ وَتَوَلَّى

و ندا می‌دهد به رو گردان

وَجَمَعَ فَأَوْعَى

آنکه گرد آورد متاع جهان

إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا

بی‌شکیب آفریده شد انسان

إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا

هست بی‌تاب وقت رنج و زیان

وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا

بخل ورزد به نعمت و احسان

إِلَّا الْمُصَلِّينَ

غیر جمعیت نمازکنان

الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ

دائمند آن کسان به امر نماز

وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ

و به اموالشان کنند انباز

لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ

جمع پرسشگران و محرومان

وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ

و به عقباست جمله را ایمان

وَالَّذِينَ هُمْ مِنَ عَذَابِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ

بیمناکند از عذاب خدا

إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَا مُنِنَ

که امان نیست ز آن جزا کس را

وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ

و نگهبان شدند بر دامان

إِلَّا عَلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ  
مَلُومِينَ

بر همه غیر همسران ز ایشان  
و به مملوکه نیستند ملوم

فَمَنْ أَتَّبَعِي وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ

و از کسی کرد غیر این مفهوم  
متجاوز شده است بر قانون

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمْنَتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ

و آن امانات و عهد را راعون

وَالَّذِينَ هُمْ بِشَهَادَاتِهِمْ قَائِمُونَ

در شهادات پایدارانند

وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ

به نماز خدا نگهبانند

أُولَئِكَ فِي جَنَّةٍ مُّكْرَمُونَ

پس گرامی کنند ایشان رادر دل باغ و بوستان خدا

فَمَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا قِبَلَكَ مُهْطِعِينَ

کافران را چه می‌شود [ز عذاب که روانند سوی تو به شتاب

عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ عِزِينَ

از چپ و راست دسته دسته جدا

أَيُّطَمَعُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُدْخَلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ

و طمع هست این جماعت را  
که در آیند در نعیم جنان

كَلَّا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِمَّا يَعْلَمُونَ

نه چنان است [کرده‌اند گمان  
و خدا آفرید ایشان راو از این قصه‌اند خود دانا

فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ إِنَّا لَقَدِرُونَ

عَلَىٰ أَنْ تُبَدِّلَ خَيْرًا مِّنْهُمْ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ

۴۱

فَذَرَهُمْ يُخْضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ

۴۲

يَوْمَ يُخْرِجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَأَنَّهُمْ إِلَىٰ نُصُبٍ يُوفِضُونَ

۴۳

خَشِيعَةً أَبْصَرُهُمْ تَرَهِقُهُمْ ذِلَّةٌ ذَلِكَ الْيَوْمِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ

۴۴

## ۰۷۱. نوح

مکی

۲۸ آیه

۲ صفحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِۦ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

۱

۵۰۴ر

قَالَ يَقَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ

۲

أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُوا

۳

يَغْفِرَ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرْكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

۴

قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا

۵

فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا

۶

وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصْبَعَهُمْ فِيٰٓءَأْذَانِهِمْ وَأَسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا

۷

ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا

۸

ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا

۹

فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا

۱۰

به خداوند شرق و غرب قسم که بسی زین دو هست در عالم ما چنان قدرت و توان داریم

که نکوتر جماعتی آریم

کس شکستی نمی‌دهد بر ما

تو رها ساز آن جماعت را

یاوه گویند و لعب بگزینندتا که روز وعیدشان بینند

چون شتابان برون ز گور شوندگویییا جانب بتان بدوند

نگه خود فکنده روی زمین‌خود به خواری و شرم گشته قرین هست آن روز آنچه ایشان راوعده دادند [انییای خدا]

گفت ای قوم من ز بهر شمامی‌دهم بیم روشن و پیدا

حق پرستید از ره تقواو اطاعت کنید حکم مرا

حق ببخشد گناهتان یکسرو دهد وقت تا زمان دگر چون رسد سر رسید حی قدیرنیست دیگر برای آن تأخیر گر که آگه شوید [از این گفتار][بهره گیرید از زمان بسیار]

گفت من خوانده‌ام بسی یا رب‌مردم خویش را به روز و به شب

دعوتم هیچ بهرشان نفزودجز گریزی [ندیده‌ام ز آن سود]

چون بخوانیمشان به سوی خداتا ببخشد گناه ایشان را سر انگشت بر نهند به گوش‌جامه بر سر بیفکنند از دوش در ره کفر خود کنند اصرارو به شدت کنند استکبار

با صدایی بلند خواندمشان

که عیان خواندم و گهی پنهان

پس بگفتم کنید استغفارربتان را که او بود غفار

يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا

ز آسمان آب را کند ریزان

وَيُمِدُّكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَيْنَ وَيَجْعَل لَّكُمْ جَنَّتٍ وَيَجْعَل لَّكُمْ أَنْهَرًا

داد یاری ز مال و فرزندان  
و نهادست باغها اشجار هم نهادست بهرتان انهار

مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا

از چه خائف نه اید از یزدان

وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا

گونه‌گون ساختست خلقتان

أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَوَاتٍ طِبَاقًا

می‌بینید که خدای شمالا به لا آفرید هفت سما

وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسُ سِرَاجًا

ماه را کرده است نور افشان‌گشت خورشید مشعلی تابان

وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا

و شما را ز خاک رویاند

ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا

پس از آن باز باز گرداند  
از دل خاک آورد بیرون

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ بِسَاطًا

و بود خاک فرشتان [اکنون

لِتَسْلُكُوا مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجًا

تا که از راههای آن برویدوسعتی هم به راهها بخشید

قَالَ نُوحٌ رَبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي وَاتَّبَعُوا مَنْ لَّمْ يَزِدْهُ مَالُهُ  
وَوَلَدُهُ إِلَّا خَسَارًا

۲۱  
۵۵۵

نوح گفت ای خدای من آنان‌بهر من گشته‌اند نافرمان  
پیروند از کسی که غیر زیان‌نیست سودش ز مال و  
فرزندان

وَمَكْرُوا مَكْرًا كُبَرًا

حیه کردند بس بزرگ آنان

وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ ءَالِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وَدًّا وَلَا سُوَاعًا وَلَا  
يَعُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا

و بگفتند بهر مردمشان  
برندارید دست از این بت‌هانه سواع و یغوث و نه ودر  
و یعوق است و نسر نیز اله

وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَلَالًا

پس بگردند بس کسان گمراه  
ای خدا بهر اهل جور و جفتو به غیر از ضلالشان مفرز

مِمَّا خَطِيئَتِهِمْ أُغْرِقُوا فَأُدْخِلُوا نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِّنْ  
دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا

غرقه گشتند از خطیایشان و درآیند در دل نیران  
پس نیابند یآوری آنجایز خداوند قادر یکتا

وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَيَّ الْأَرْضَ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا

نوح گفت ای خدای من مگذاردر زمینت ز کافران دیار

إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا

گر بمانند این کسان آن گاه‌بندگان تو را برند از راه  
نیست فرزند هم از این کفارغیر ناباوران بدکردار

رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَن دَخَلَ بَيْتِيَ مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ  
وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا

تو مرا نیز والدین مرا ای خدا از ره کرم بخشا  
نیز آن کس که بود با ایمان در آمد به خانه‌ام آن سان  
نیز هر مؤمن از رجال و نسا[تو اجابت کن این دعا او را]  
و آنکه را بود اهل جور و جفتو میفزا بجز هلاک و فنا

گو که شد وحی سویم از یزدان که شنیدند جمعی از پریان پس بگفتند ما شنیدیم آن بس شگفتی بود در این قرآن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا  
قُرْءَانًا عَجَبًا

۱  
حزب  
۲۲۹  
۵۰۶۶

اوست در راه راست راهنمایر آن مؤمنیم اینک ما هیچکس را نمی‌کنیم انبازبهر پروردگار [بنده نواز]

يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ ۗ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا

۲

و مقام خدای هست بلندز آنکه گیرد به خود زن و فرزند

وَأَنَّهُ تَعَالَى جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا

۳

و آنکه نادان شد از میانه‌ی مابود بیهوده گو به ذات خدا

وَأَنَّهُ كَانَ يَفُولُ سَفِيهًا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا

۴

به گمانیم ما که جن و بشرمی‌نبنند کذب بر داور

وَأَنَّا ظَنَنَّا أَن لَّن نَّقُولَ الْإِنسُ وَالْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا

۵

هم کسانی ز جمع آدمیان شد پناهنده چون سوی پریان پس فزون گشت از آن تباهی شان

وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ  
فَزَادُوهُمْ رَهَقًا

۶

و چنین داشت آن گروه گمان آنچنانکه بود گمان شمانیست مبعوث کس ز سوی خدا

وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَن لَّن يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا

۷

آسمان سوده‌ایم [در هر باب پس نگهبان سخت بود و شهاب

وَأَنَّا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَا فِيهَا فَجًّا مَّوَدَّةً حَرَسًا شَدِيدًا وَشُهَبًا

۸

پیشتر ما نشسته‌ایم آنجاو بر آن گوش داده‌ایم فرا گر کسی گوش بسپرد حالاپس شهاب است در کمین او را

وَأَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقْعِدًا لِّلسَّمْعِ ۖ فَمَنْ يَسْتَمِعِ الْآنَ يَجِدْ  
لَهُ شُهَابًا رَّصَدًا

۹

ما ندانیم اینکه اهل زمین‌بهر شرّ یا هدا شده است گزین

وَأَنَّا لَا نَدْرِي أَشَرٌّ أُرِيدَ بِمَن فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ  
رَشَدًا

۱۰

بعض ما خوب و بعض ماست جز آن‌متفاوت شدیم [در ایمان

وَأَنَّا مِنَّا الصَّالِحُونَ وَمِنَّا دُونَ ذَلِكَ ۖ كُنَّا طَرَائِقَ قِدَدًا

۱۱

و بدانیم اینکه حق از مانشود ناتوان به ارض [و سما] و توان نیست بهر ما به گریز [و خدا قادر است بر هر چیز]

وَأَنَّا ظَنَنَّا أَن لَّن نُّعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ وَلَن نُّعْجِزَهُ هَرَبًا

۱۲

چون شنیدیم ما هدایت راپس شده است این کلام باور ما آنکه مؤمن شود بر آن یکتانه ز نقصان هر اسد و نه جفا

وَأَنَّا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَىٰ ءآمَنَّا بِهِ ۗ فَمَنْ يُؤْمِنُ بِرَبِّهِ ۗ فَلَا  
يَخَافُ بَحْصًا وَلَا رَهَقًا

۱۳

وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَٰئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا

هم مسلمان و هم ز اهل جفا هر دو جمعند در میانه‌ی ما آنکه تسلیم شد به حکم خدا برگزیده است او طریق هدا

۱۵

وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا

و گروهی که شد جفا کردار پس به دوزخ شوند هیزم نار

۱۶

وَأَلَوْ اسْتَقَمُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا

پایدارند اگر به مذهب دادسیر سازیمشان ز آب زیاد

۱۷

لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا

این بود آزمون و هر کس راکه بگرداند رو زیاد خدا به عذاب شدید ساخت دچار [این چنین شد جزای بدکردار]

۱۸

وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا

و مساجد بود از آن خدا و خوانید با خدا کس را

۱۹

وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا

چونکه آن بنده‌ی خدا به دعا ایستاد ازدحام بود او را

۲۰  
۵۰۷۲

قُلْ إِنَّمَا أَدْعُوا رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا

گو دعای من است بهر خدا و ندانم شریک او کس را

۲۱

قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا

گو ندارم برای خلق توان نه به راه هدایت و نه زیان

۲۲

قُلْ إِنِّي لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَلَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا

و ندارم ز کس پناه آنجا [گر به من فتنه‌ای بخواست خدا] و ندارم پناهگاهی را غیر آن حی داور یکتا

۲۳

إِلَّا بَلَاغًا مِّنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ وَمَنْ يَعِصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا

غیر ابلاغ حکم نیست مرا از خدا و پیامهای خدا و آنکسی را که بود نافرمان به خدا و پیمبر یزدان جای باشد به دوزخ و نیران ماندگارند جاودانه در آن

۲۴

حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضَعُفٌ نَّاصِرًا وَأَقَلُّ عَدَدًا

و عده بینند و پس شوند آگاه که بود ناتوان به یار و سپاه؟

۲۵

قُلْ إِنْ أَدْرِي أَقْرَبُ مَا تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا

گو ندانم که وعده دادار هست نزدیک یا که مدت دار

۲۶

عَلِيمِ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا

عالم غیب اوست پس کس رانکند بر رموز خود دانا

۲۷

إِلَّا مَنْ أَرْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا

هر رسولی کند گزین به رمداز پس و پیش دیدبان بنهد

۲۸

لِيَعْلَمَ أَنْ قَدْ أَبْلَغُوا رَسُولًا رِسَالَتِ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَحْصَىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا

تا بدانند اینکه حکم خدا هست ابلاغشان [به راه هدا] اوست آگه هر آنچه آنان راست و حسابش به جمله‌ی اشیاست

۱  
۵۰۸۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
يَا أَيُّهَا الْمَزْمِلُ

خفته در جامه [ای رسول عزیز]

۲

قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا

جز قلیلی ز شب ز جا برخیز

۳

نُصِفْهُ ۚ أَوْ أَنْقِصْ مِنْهُ قَلِيلًا

نیمی از آن و یا کمی می‌کاهیا کمی نیز بر وی افزون خواه

۴

أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا

و به ترتیل خوان تو قرآن را

۵

إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا

سخنی سخت می‌کنیم القا

۶

إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأًا وَأَقْوَمُ قِيلًا

هست شب خیزی استوارترین و به گفتار پایدارترین

۷

إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا

روزها را [چنانکه می‌دانی آمد و رفت توست طولانی

۸

وَأَذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا

و به یاد آر اسم ربّت راخاطرت را به او بده تنها

۹

رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا

خالق شرق و غرب ربّ جهان‌نیست معبود غیر آن رحمان  
کار خود را به ربّ خود بسپار[که چو او نیست در جهان دیار]

۱۰

وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَأَهْجِرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا

صبر کن ز آنچه می‌کنند بیان و به خوبی تو دور شو ز آنان

۱۱

وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِي النَّعْمَةِ وَمَهِّلْهُمْ قَلِيلًا

من و این منکران با نعمت‌پس به ایشان بده کمی مهلت

۱۲

إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَجَحِيمًا

نزد ما هست بندهای گران و عذاب جحیم و آن نیران

۱۳

وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا

و عذابی است ناگوار در آن و عذابی است دردناک و گران

۱۴

يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيرًا مَّهِيلًا

چون بلرزد زمین و کوه جهان‌کوهها می‌شود چو ریگ روان

۱۵

إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ  
فِرْعَوْنَ رَسُولًا

ما فرستاده‌ایم سوی شما آن فرستاده را که هست گواه  
هم به فرعون و قوم فرعون‌من فرستاده‌ام رسول و نبی

۱۶

فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيلًا

چونکه فرعون گشت نافرمان‌پس عذابی بر او رسید گران

۱۷

فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا

گر که کافر شوید یزدان را پس چه پرهیز هست بهر شما  
در زمانی که [در عذاب کبیر]کودک و نوجوان شوند چو پیر

۱۸

السَّمَاءُ مُنْفَطِرٌ بِهِ ۚ كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولًا

آسمان را رسد شکاف از آن‌هست محتوم وعده‌ی یزدان

۱۹

إِنَّ هَذِهِ تَذْكَرَةٌ ۖ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا

این بود پند آن کسانی راکه بخواهند راه سوی خدا

إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِن ثُلثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَآئِفَةٌ مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ ۚ عَلِمَ أَن لَّنْ نَّحْصُوهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ ۖ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ ۚ عَلِمَ أَن سَيَكُونُ مِنكُم مَّرْضَىٰ وَءَاخِرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِن فَضْلِ اللَّهِ وَءَاخِرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ۖ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَءَاتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا ۚ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا ۚ وَاسْتَغْفِرُوا لِلَّذِينَ تَقُولُونَ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۚ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

۷۳: مزمل  
۲۵  
۲۰/  
حزب  
۲۳۰  
۵۰۹ر

## ۷۴. مدثر

الْمُدَّثِّرُ: جامهٔ خواب به‌خود پیچیده

مکی

۵۶ آیه

۳ صفحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ

۱  
۵۱۰ر

خفته در جامه [ای رسول عزیز]

۲  
فُمْ فَأَنْذِرْ

بهر هشدار مردمان بر خیز

۳  
وَرَبِّكَ فَكَبِّرْ

و بگو بر خدای خود تکبیر

۴  
وَتِيَابِكَ فَطَهِّرْ

جامه‌ی خویش را بکن تطهیر

۵  
وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ

دور باش از همه پلید و تباه

۶  
وَلَا تَمَنَّ تَمَنَّاكَ كَثِيرٌ

نیز منت مننه زیاده خواه

۷  
وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ

و برای خدای باش صبور

۸  
فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ

آن زمان که شود دمیده به صور

۹  
فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ

هست آن روزگار سخت همان

۱۰  
عَلَى الْكٰفِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ

و به کفار نیست آن آسان

۱۱  
ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا

من و آن کافریده‌ام تنها

۱۲  
وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَّمْدُودًا

مال گسترده داده‌ام او را

۱۳  
وَبَنِينَ شُهَدَاءَ

و بر او جمع جمله فرزندان

۱۴  
وَمَهَّدْتُ لَهُ تَمْهِيدًا

کارش آماده ساختم به جهان

۱۵  
ثُمَّ يَظْمَعُ أَنْ أَزِيدَ

باز خواهد کنم فرونش من

۱۶  
كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيدًا

نه چنان است او بود دشمن  
اوست دشمن به آیه‌های خدا

۱۷  
سَأَرْهُقُهُ صُعُودًا

زود بالا برم ز جا او را

به یقین فکر کرد و خود سنجید

إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ

مرگ بر او چه نقشه‌ای که کشید؟

۱۹ فَقُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ

مرگ بادش چگونه خود سنجید؟

۲۰ ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ

پس نگاهی فکند و آن را دید

۲۱ ثُمَّ نَظَرَ

رو ترش کرد و رخ به هم بکشید

۲۲ ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ

روی گرداند و کبر هم ورزید

۲۳ ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ

پس بگفت این بود یکی جادوکه ز پیشینیان گرفتست او

۲۴ فَقَالَ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْتَرُ

نیست این غیر گفته‌ای ز بشر

۲۵ إِنَّ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ

زود او را بیفکنم به سقر

۲۶ سَأُصْلِيهِ سَقَرَ

و تو از آن سقر نه ای دانا

۲۷ وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرُ

نه رها کرده نه نهد بر جا

۲۸ لَا تُبْقِي وَلَا تَذَرُ

پس بگرداند و بسوزد پوست

۲۹ لَوَاحَةٌ لِلْبَشَرِ

نورده عامل عذاب بر اوست

۳۰ عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ

وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ

إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيْقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ

وَيَزِدَادَ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِيمَانًا وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ

وَالْمُؤْمِنُونَ وَلَيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْكَافِرُونَ

۳۱ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ

وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا

ذِكْرٌ لِلْبَشَرِ

جز ملک نیست عامل نیران‌ما معین کنیم عده‌ی آنان  
آزمونی است بهر ناباورنیز اهل کتاب را باور  
و فزاید به مؤمنان ایمان و ندارند هیچ ریب در آن  
آن کسان که کتاب دادمشان و آن کسانی که آورند ایمان  
قوم بیمار دل چنان کفاربرگشایند لب به این گفتار  
که چه خواهد از این مثل یزدان اینچنین است حال  
گمراهان  
می‌کند گمراه آنکه را حق خواست‌هر که را خواست نیز  
راهنماست  
مردمان لشکرش نمودانداین نباشد بر آدمی جز پند

به قمر نیست این قضیه چنان

۳۲ كَلَّا وَالْقَمَرَ

۵۱۱۱

و به شب چونکه گشت رو گردان

۳۳ وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ

و به صبح آن زمان که گشت عیان

۳۴ وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ

که یکی از بزرگهاست همان

۳۵ إِنَّهَا لِأَحَدَى الْكُوبِ

و برای بشر بود هشدار

۳۶ نَذِيرًا لِلْبَشَرِ

خواستید این شما یکی ز دو کار  
یا بمانید یا روید جلو

۳۷ لِمَن شَاءَ مِنْكُمْ أَن يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ

هر که بر کار خویش هست گرو

۳۸ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ

مگر اصحاب راستی به جنان

۳۹ إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ

پرسش آرند از گنهکاران

۴۰ فِي جَنَّتٍ يَتَسَاءَلُونَ

و

۴۱ عَنِ الْمُجْرِمِينَ

چه شما را به نار ساخت روان

۴۲ مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ

پس بگویند [در دل نیران  
ما نکردیم بر نماز اقدام

۴۳ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ

و ندادیم بر فقیر طعام

۴۴ وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ

یاوه گو را شدیم هم آوا

۴۵ وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ

نیز منکر شدیم روز جزا

۴۶ وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ

تا که ما را گرفت مرگ فراو یقین آن زمان رسید به ما

۴۷ حَتَّىٰ أَتَانَا الْيَقِينُ



فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَعَةُ الشَّلَفِيِّينَ

از شفاعات بهره‌ای نبرند

۴۹ فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُعْرِضِينَ

روگردان شوند از چه ز پند

۵۰ كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُّسْتَنْفِرَةٌ

[بهر این قوم نیست امن و قرار] همچو گوران ز شیرها به فرار

۵۱ فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ

9

۵۲ بَلْ يُرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ أَنْ يُؤْتَىٰ صُحُفًا مَّنشَرَةً

دارد امید هر یک از آنان که خدا نامه‌ای دهد سوبشان

۵۳ كَلَّا بَلْ لَا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ

نه ترسند از گه عقبا

۵۴ كَلَّا إِنَّهُ تَذَكِّرَةٌ

وین کتاب است پند مردم را

۵۵ فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ

هرکسی خواست گیرد از آن پند

۵۶ وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَأَهْلُ الْمَعْرِفَةِ

لیک اندرز از آن نمی‌گیرند  
جز کسی را که خود بخواست خدا او بود اهل عفو و هم تقوا

## ۷۵. قیامت

الْقِيَامَةُ: قیامت

مکی

۴۰ آیه

۲ صفحه

۱

حزب  
۲۳۱  
۵۱۲۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

من قسم می‌خورم به روز جزا

لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ

۲ وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ

و به وجدان سرزنش فرما

۳ أَيْحَسِبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُجْمَعَ عِظَامُهُ

پس گمان دارد این بشر آیا؟ نکنم جمع استخوانش را

۴ بَلَىٰ قَدِيرِينَ عَلَىٰ أَنْ نُسَوِيَ بَنَانَهُ

می‌توانیم ما نهیم به جاهمه انگشتهای آنان را

۵ بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ

خواهد انسان به پیش جرم و خطا

۶ يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ

پرسد او کی بود گه عقبا؟

۷ فَإِذَا بَرَقَ الْبَصَرُ

آن زمان چشمها شود خیره

۸ وَخَسَفَ الْقَمَرُ

ماه در آسمان شود تیره

۹ وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ

و بهم می‌رسند شمس و قمر

۱۰ يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفَرُّ

پس بگوید بشر کجاست مفر؟

۱۱ كَلَّا لَا وَزَرَ

نه نباشد پناهگاه آنجا

۱۲ إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ

هست جای قرار نزد خدا

۱۳ يُنَبِّئُ الْإِنْسَانَ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ

آدمی آن زمان شود دانا آنچه از پیش و پس بود او را

۱۴ بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ

بشر ار نفس خویش آگاه است

۱۵ وَلَوْ أَلْقَىٰ مَعَاذِيرَهُ

گر چه از کار معذرت خواه است

۱۶ لَا تُحْرِكُ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ

تو مجنباں پی شتاب زبان

۱۷ إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ

من کنم جمع تا بخوانند آن

۱۸ فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ

چون بخوانیم پی بگیر آن را

۱۹ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ

پس بیانش بود به عهده‌ی ما

كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ

دوست دارید بهره‌ی گذرا

وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ

و رها می‌کنید عقبا را

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاصِرَةٌ

چهره‌هایی است شادمان آنجا

إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ

و نگه می‌کنند سوی خدا

وَوُجُوهٌُ يَوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ

چهره‌هایی است بس غمین و نژند

تَنْظُرُنَّ أَنْ يَفْعَلَٰ بِهَا فَاقِرَةٌ

و بدانند پشتشان شکنند

كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِيَ

چون رسد جانش آن زمان به گلو

وَقِيلَٰ مَنْ رَاقٍ

گفته گردد که کیست منجی او؟

وَوَظَنَ أَنَّهُ الْفِرَاقُ

و بداند که می‌رود ز جهان

وَأَلْتَقَّتِ السَّاقُ بِالسَّاقِ

ساق بر ساق او شود پیچان

إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ

چون برانند سوی حق همه را

فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّىٰ

نه یقین داشت نه نماز خدا

وَلَكِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ

کرد تکذیب و گشت رو گردان

ثُمَّ ذَهَبَ إِلَىٰ أَهْلِهِۦ يَتَمَطَّىٰ

و خرامان به خانه گشت روان

أَوَّلَىٰ لَكَ فَأَوْلَىٰ

وای بر تو دوباره وای به تو

ثُمَّ أَوَّلَىٰ لَكَ فَأَوْلَىٰ

وای بر تو هماره وای به تو

أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى

آدمی را گمان بود آیا؟ که به بیهودگی شوند رها

أَلَمْ يَكْ نُطْفَةً مِّن مَّنِيٍّ يُمْنَىٰ

او نبوده است نطفه‌ای آیا؟ که به ارحام می‌شوند رها

ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَٰ فَخَلَقَ فَسَوَّىٰ

پس شود خون بسته و آن را آفرید و قوام داد خدا

فَجَعَلَٰ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ

پس از او ساخت جفت ماده و نر [جای پندست بهرتان یکسر]

أَلَيْسَ ذَٰلِكَ بِقَدِيرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ

مقتدر نیست آن خدا آیا؟ که کند خلق مرده را احیا

## ۰۷۶. انسان

الإنسان: انسان

مدنی

۳۱ آیه

۳ صفحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱ هَلْ أَتَىٰ عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُن شَيْئًا مَّذْكُورًا

مدتی برگذشت بر انسان نیست یادآوری از آن دوران؟

۲ إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِّن نُّطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا

گشت از نطفه خلقت انسان مختلط گشت و آزمایشیم آن پس کنیمش سمیع و هم بینا

۳ إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا

و به او می‌شویم راهنما یا شود بهر حق سپاسگزار یا که باشد ز فرقه‌ی کفار

۴ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلًا وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا

ما مهیا کنیم بر کفار غل و زنجیر و شعله‌ها از نار

۵ إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِّنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا

و بنوشند صالحان ز آن جام‌که شد آمیخته به عطر [مدام

عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا

چشمه‌ای را روان کنند آنجاکه بنوشند از آن عباد خدا

يُوفُونَ بِالَّذِرِّ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا

نذر خود می‌کنند خوب وفا و بترسند هم ز روز جزا  
که عذاب و گزند و فتنه آن‌گسترده بهر مردمان جهان

وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا

و غذا می‌دهند بهر خدابه فقیر و یتیم و هم اسرا

إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا

و بگویند ما دهیم غذا به شما از پی رضای خدا  
و نخواهیم اجرتی ز شما و نباشد سپاس مقصد ما

إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا

ما بترسیم این زمان ز خداکه عبوس است و سخت روز جزا

فَوَقَّاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا

پس نگهدارشان بود یزدان و در آن روز شاد داردشان

وَجَزَّاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا

وز شکیب است اجر بر ایشان جامه‌های حریر و نیز جنان

مُتَّكِعِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرْيَاقِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمَهْرِيرًا

تکیه داده به تخت در آنجا که بود آفتاب و نه سرما

وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلُّهَا وَذُلِّلَتْ قُطُوفُهَا تَذْلِيلًا

سایه‌ها هست بر سر آنان میوه‌ها چیدنش بود آسان

وَيُطَافُ عَلَيْهِم بِبَانِيَةٍ مِّن فِضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا

ظرف سیمین و جامهای بلورگرد ایشان به گردشند و حضور

قَوَارِيرًا مِّن فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا

و بود آبگینه‌ی سیمین‌که به دقت کنند آن تعیین

وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا

هم ز جامی کنندشان سیراب‌که بود زنجبیل در آن آب

عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا

چشمه‌ای سلسبیل دارد نام که بنوشند از او جمیع انام

وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَّنشُورًا

و بگردند گردشان پسران‌که مقیمند جاودان در آن  
و گمان است بهر بیننده‌که بود گوهر پراکنده

وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلَكًا كَبِيرًا

و شما بنگرید در آنجانمعت و کشور بزرگی را

عَلَيْهِمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٍ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُّوْا أَسَاوِرَ مِّن فِضَّةٍ وَسَقَلَهُمُ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا

جامه‌ها از حریر سبز به برهم ز دیبا بود لباس دگر  
دستبندی ز نقره زیورشان و می‌پاکشان دهد یزدان

إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيِكُمْ مَّشْكُورًا

این بود بهرتان ثواب و جزا و سپاسی است بهر کار شما

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا

ما فرستاده‌ایم این قرآن

فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ ءَاثِمًا أَوْ كَفُورًا

صبر کن بر اطاعت یزدان  
و اطاعت مکن تو از آنان‌که بود در گناه و در کفران

وَأذْكَرِ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلًا

و به یاد آر نام یزدان رادر همه بامداد و در شبها

وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا

کن سجود و زمانی از شب را باش تسبیح‌گوی آن یکتا

إِنَّ هَؤُلَاءِ يُجِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا

[و آن جماعات کافر بزدان دوست دارند بهره‌ی گذران نیز در پشت سر کنند رهاکیفری سخت بهر روز جزا

مَنْ خَلَقْنَاهُمْ وَشَدَدْنَا أَسْرَهُمْ وَإِذَا شِئْنَا بَدَّلْنَا أَمْثَلَهُمْ تَبْدِيلًا

آفریدیم ما چو ایشان راست کردیم بند آنان را  
گر بخواهیم بهرشان تبدیل‌آوریم از برای خلق بدیل

إِنَّ هَذِهِ تَذَكُّرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا

نیست این غیر پند آن کس راکه رهی بر گرفت سوی خدا

وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا

می‌نخواهید جز که خواست خداست حق هم حکیم و هم دانا

يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

هر که را خواست قادر بیچون‌می‌کند در نعیم خویش درون و مهیا کند بر اهل جفاکیفری دردناک [در عقبا]

## ۷۷. مرسلات

المُرْسَلَات: فرستادگان

مکی

۵۰ آیه

۲ صفحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به فرستادگان پی در پی

وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا

۱  
۵۱۶ر

فَالْعَصْفَاتِ عَصْفًا

که بتوفند [و تابعند به وی

وَالنَّشِرَاتِ نَشْرًا

و کنند [ابرها] پراکنده

فَالْفُرْقَاتِ فَرْقًا

بین آنان جدایی آورنده

فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا

ذکر آرند از سوی دادار

عُذْرًا أَوْ نَذْرًا

بهر عذر و بهانه یا هشدار

إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاعِعٌ

که یقین است وعده‌های خدا

فَإِذَا التَّجُومُ طُمِسَتْ

چون شود محو اختران به سما

وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ

پس بیفتد شکافها به سما

وَإِذَا الْجِبَالُ نُسِفَتْ

کوهها را چو برکنند از جا

وَإِذَا الرُّسُلُ أُقْتَتَتْ

چون برای رسل نهند زمان

لِأَيِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ

به چه روزی دهند مدتشان

لِيَوْمِ الْفَصْلِ

روز حکم است و داوری آنگاه

وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الْفَصْلِ

نیستی تو ز روز حکم آگاه

وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ

وای بر منکران در آن دوران

أَلَمْ نُهَلِكِ الْأَوَّلِينَ

ما فنا ساختیم اولیان

ثُمَّ نَتَّبِعُهُمُ الْآخِرِينَ

دیگران آوریم در پیشان

كَذَلِكَ نَفْعُ الْإِجْرِمِينَ

ما چنینیم با گنهکاران

وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ

و در آن روز وای قومی راکه بود منکر نشان خدا

أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِّنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ

آفریدیمتان ز آبی خوار

فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ

به مقری بیافتید قرار

إِلَىٰ قَدَرٍ مَّعْلُومٍ

تا زمانی که شد مشخص آن

فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَادِرُونَ

پر توانیم و نیز نیک توان

وَيَلِّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ

وای آن روز بهر منکر دین و آنکه تکذیب کرد قول مبین

أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا

نبود خاک مجمعی آیا؟

أَحْيَاءَ وَأَمْوَاتًا

مرده و زنده را در این دنیا

وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوْسِيَٰ شَيْخَتٍ وَأَسْقَيْنَاكُمْ مَّاءً فُرَاتًا

کوههای بلند بنهادیمز آب شیرین شرابنان دادیم

وَيَلِّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ

وای آن روز بهر منکر دین آنکه تکذیب کرد قول مبین

أَنْظِلُّوهُ إِلَىٰ مَا كُنْتُمْ بِهِء تَكْذِبُونَ

[آن زمان می‌دهد ندا سوبیشان کو سوی کفر خود شوید روان

أَنْظِلُّوهُ إِلَىٰ ظِلِّ ذِي ثَلَاثِ شَعَبٍ

سوی آن سایه‌ی سه شاخه‌ی دود

لَا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ اللَّهَبِ

بروید ار چه آن ندارد سود در قبال لهیب نار جحیم و نه در سایه‌ای شوید مقیم

إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ

افکند همچو کاخ نار شرر

كَأَنَّهُ جِمَلَتٌ صُفْرٌ

اشتری زرد می‌رسد به نظر

وَيَلِّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ

وای آن روز بهر منکر دین آنکه تکذیب کرد قول مبین

هَذَا يَوْمٌ لَا يَنْطِقُونَ

این زمان ناتوان ز گفتارند

وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ

نبود اذن تا که عذر آرند

وَيَلِّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ

وای آن روز بهر منکر دین آنکه تکذیب کرد قول مبین

هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ جَمَعْنَاكُمْ وَالْأَوْلِيْنَ

این بود روز داوری به جهان جمع سازم شما و اولیان

فَإِنْ كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُوا

حیه‌ای هست اگر برای شماپس بیارید بهر چاره مرا

وَيَلِّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ

وای آن روز بهر منکر دین آنکه تکذیب کرد قول مبین

إِنَّ الْمَتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ

و آنکه باشد درست و با تقواسایه و چشمه‌سار هست او را

وَفَوَاكِهَ مِمَّا يَشْتَهُونَ

میوه‌ها هست بهرشان دلخواه و بگویند بهرشان آنگاه

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

زین گوارا شوید برخوردار این ثواب است بهرتان از کار

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

این چنین می‌دهیم اجر و جزا هر که کار نکو بود او را

وَيَلِّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ

وای آن روز بهر منکر دین آنکه تکذیب کرد قول مبین

كُلُوا وَتَمَتَّعُوا قَلِيلًا إِنَّكُمْ مُّجْرِمُونَ

و بگوییم کافران را هم‌بهره گیرید کم در این عالم

وَيَلِّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ

و در آن روز وای قومی راکه بود منکر [نشان خدا]

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ

به رکوعی چو داده شد فرمان‌نپذیرند این سخن ایشان

وَيَلِّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ

وای آن روز بهر منکر دین آنکه تکذیب کرد قول مبین

فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ

به چه گفتار بعد از این فرمان‌این جماعت بیاورند ایمان

از چه از یکدیگر کنند سؤال	۱	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ	جزء ۳۰، جزء ۲۳۳ ۵۱۸ ر
از حدیثی مهم و هست جدال	۲	عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ	
و	۳	الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ	
نه به زودی کنیم آگهشان	۴	كَلَّا سَيَعْلَمُونَ	
پس به زودی شوند آگه از آن	۵	ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ	
ما زمین را کنیم مهد امان	۶	أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهْدًا	
کوهها را همچو میخ در آن	۷	وَالْحِبَالَ أُوْتَادًا	
از شما جفت خلق کرد خدا	۸	وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا	
خواب آرام ساخت بهر شما	۹	وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا	
شب بود پوششی [به روی زمین	۱۰	وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا	
روز شد بهر زندگی تعیین	۱۱	وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا	
و نهادیم بر فراز شما محکم و استوار هفت سما	۱۲	وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا	
و چراغی نهادیم تابان	۱۳	وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَّاجًا	
وز دل ابر داده‌ام باران	۱۴	وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَمَّاجًا	
تا برآرم از آن حبوب و نبات	۱۵	لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا	
و بسازم پر از شجر جنات	۱۶	وَجَنَّتِ الْأَقْطَافُ	
روز فصل است وعده‌گاه شما	۱۷	إِنَّ يَوْمَ الْفُصْلِ كَانَ مِيقَاتًا	
چون دمیده شود به صور آنجا پس بیایید دسته دسته شما	۱۸	يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا	
و گشایند بابه‌ای سما	۱۹	وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا	
کوهها جملگی شوند سراب	۲۰	وَسِيرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا	
و جهنم کمین گهی [به عذاب	۲۱	إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا	
جای برگشت سرکشان در آن	۲۲	لِللَّظْغِينِ مَعَابًا	
و بمانند مدتی آنان	۲۳	لَبِثِينَ فِيهَا أَحْقَابًا	
نچشند آب سرد و نی که شراب	۲۴	لَّا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا	
جز که جوشاب دوزخ و چرکاب	۲۵	إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا	
و مناسب بود جزا و عذاب	۲۶	جَزَاءً وَفَاقًا	
و نبودند امیدوار حساب	۲۷	إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا	
و بکردند آیه‌ها انکار	۲۸	وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا	
ثبت سازم ز هر چه هست شمار	۲۹	وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا	
بچشید این عذاب و جز کیفر بهرتان نیست هیچ چیز دگر	۳۰	فَذُوقُوا فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا	

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا

رستگاری است بهر متقیان

۳۲ حَدَائِقٍ وَأَعْنَابًا

هم ز انگورها بسی بستان

۳۳ وَكَوَاعِبٍ أَتْرَابًا

حوریانی جوان و هم همسال

۳۴ وَكَأْسًا دِهَاقًا

جامها از شراب مالامال

۳۵ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَّابًا

نشنود کذب و لغو کس در آن

۳۶ جَزَاءً مِّن رَّبِّكَ عَطَاءٌ حِسَابًا

این جزا شد عطیه از یزدان

۳۷ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَنُ لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا

ربّ آرض و سماء و بینهماکس ندارد خطاب بهر خدا

۳۸ يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا

روح و جمع فرشتگان بر پاو به صف ایستاده‌اند آنجا و نگویند جز به اذن خداو چو گویند خوش کنند ادا

۳۹ ذَلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ فَمَنْ شَاءَ اخْتَدِ إِلَىٰ رَبِّهِ مَعَابًا

هست آن روز حق و هر کس خواست برگزیند به سوی ربّ ره [راست

۴۰ إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَلَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا

می‌دهم من برایتان انذاراز عذابی قریب هان [هشدار] پس نگه می‌کنند کرده خویش‌که فرستاده است هر کس پیش هست بر کافر آرزوی هلاکو بگوید که کاش بودم خاک

## ۷۹. نازعات

النَّازِعَاتُ: به قدرت کِشندگان

مکی

۴۶ آیه

۲ صفحه

۱ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا

به ملائک قسم که کافر را

۲ وَالنَّشِيطَاتِ نَشَاطًا

جان به سختی ز تن کنند جدا و به آنان که مؤمنان را جان‌بازگیرند راحت و آسان

۳ وَالسَّابِحَاتِ سَبْحًا

و به آنان که می‌کنند شنا

۴ فَالسَّيِّقَاتِ سَيْقًا

همه جا سبقت است آنان را

۵ فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا

نیز اجرا کنند هر فرمان

۶ يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ

آن زمان که زمین شود لرزان

۷ تَتَّبِعُهَا الرَّاِدِفَةُ

دومین وقعه است در پی آن

۸ قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ

هست دلها در آن بسی نگران

۹ أَبْصَرُهَا خَشِيعَةٌ

چشمها در خشوع آنان را

۱۰ يَقُولُونَ أَيْنَا لَمَرْدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ

پس بگویند این سخن کآیا؟ بازگردیم در هلاک جدید

۱۱ أَيْنَا كُنَّا عِظَمًا نَجْرَةً

چو همه استخوان ما پوسید

۱۲ قَالُوا تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ

پس بگویند وای ما کاین باربازگشتی است سخت خسرانبار

۱۳ فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ

جز یکی میحه نیست در آنجا

۱۴ فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ

همه هستند در زمین پیدا

۱۵ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَىٰ

و رسیده است سوی تو آیا؟داستان رسول حق موسا

إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِاللَّوَادِ الْمُقَدَّسِ طَوًى

چون خدایش ندا بداد او راکه تویی در زمین قدس طوی

۱۷ أَذْهَبَ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى

سوی فرعون رو که شد طاغی

۱۸ فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَٰهٌ إِلَّا أَن تَزْكَىٰ

پس به او گو که بر توام هادی  
سوی پاکی و نیز سوی هدا

۱۹ وَأَهْدِيكَ إِلَىٰ رَبِّكَ فَتَخْشَىٰ

که بترسی تو خالق خود را

۲۰ فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَىٰ

پس نشان داد بهر او موسی‌برترین آیتش ز سوی خدا

۲۱ فَكَذَّبَ وَعَصَىٰ

کرد تکذیب و گشت نافرمان

۲۲ ثُمَّ أَدْبَرَ يَسْعَىٰ

رویگردان شد و بگشت روان

۲۳ فَحَشَرَ فَنَادَىٰ

گرد کرد و چنین بداد ندا

۲۴ فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَىٰ

مردمان این منم خدای شما

۲۵ فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْأَخِرَةِ وَالْأُولَىٰ

پس گرفتار کرد حق او رابه عذاب قیامت و دنیا

۲۶ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَن يَخْشَىٰ

و بود عبرتی عیان در آن‌هر که را هست خوف از یزدان

۲۷ ءَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمِ السَّمَاءُ بَنَاهَا

خلقت آسمان بود آیا؟سخت‌تر یا که خلقتی ز شما

۲۸ رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّاهَا

بام آن را چو بر جهان افراختپس به تنظیم آسمان پرداخت

۲۹ وَأَعْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا

شب سیه کرد و روز را آورد

۳۰ وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَٰلِكَ دَحَاهَا

پس از آن کار خاک را گسترده

۳۱ أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا

مرتع و آب از آن برون آورد

۳۲ وَالْحِبَالَ أَرْسَلَهَا

کوهها را به خاک محکم کرد

۳۳ مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِإِنْعَامِكُمْ

بهره بر چارپا و بهر شما

۳۴ فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَةُ الْكُبْرَىٰ

چون رسد روز وقعه کبری

۳۵ يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَىٰ

چون ببیند بشر چه بودش کار

۳۶ وَبُرِّرَّتِ الْجَحِيمُ لِمَن يَرَىٰ

و به بیننده فاش گردد نار

۳۷ فَأَمَّا مَن طَغَىٰ

آنکه سرکش بود به حکم خدا

۳۸ وَعَاثَرَ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا

و مرچ شناخت دنیا را

۳۹ فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ

پس جحیم است بهر او مأوا

۴۰ وَأَمَّا مَن خَافَ مَقَامَ رَبِّهِۦ وَنَهَىٰ النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ

و آنکه ترسید از مقام خدا  
نفس خود بازداشت از اهوا

۴۱ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ

پس بهشت است بهر او مأوا

۴۲ يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَلُهَا

می‌پرسند از تو روز جزا که چه موقع بود گه عقبا؟

۴۳ فِيمَ أَنْتَ مِن ذِكْرِهَا

تو کجایی و ذکر دانش آن

۴۴ إِلَىٰ رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا

که به نزد خداست آن پایان

۴۵ إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ مَّن يَخْشَاهَا

این تو را بس که می‌دهی هشدارآنکه را هست خوف از  
دادار

۴۶ كَانَتْهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا

چون ببینند خلق روز جزاپس گمان است جمله آنان را  
که نبوده است وقفه بر آنان‌جز که روزی و یا شبی بر آن



۱	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	چهره در هم کشید و رو برتافت
حزب ۲۳۴ ۵۲۲ر	عَبَسَ وَتَوَلَّى	
۲	أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى	چونکه اعمی به جنبش پشتافت
۳	وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَّكَّى	شاید از پاکیش نبی دانا
۴	أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرَى	یا که بهری بگیرد از ذکری
۵	أَمَّا مَنْ أَسْتَعْتَى	و آنکه را مکت است از باری
۶	فَأَنْتَ لَهُ وَتَصَدَّى	پس به سویش تو روی می‌آری
۷	وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزَّكَّى	گر نشد پاک بر تو نیست گناه
۸	وَأَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَى	و آنکه آمد شتابگر در راه
۹	وَهُوَ يَخْتَصَى	و بترسید از خدای جهان
۱۰	فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّى	پس تو آنگاه غافل از آن
۱۱	كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ	نه چنان است هست قرآن پند
۱۲	فَمَنْ شَاءَ ذَكَّرْهُ	بهر آنان که پند از آن خواهند
۱۳	فِي صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ	و به لوح عزیز و پاک و عظیم
۱۴	مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ	و
۱۵	بِأَيْدِي سَفَرَةٍ	و به دست سفیر خوب و کریم
۱۶	كِرَامٍ بَرَرَةٍ	و
۱۷	قَتَلَ الْإِنْسَانَ مَا أَكْفَرَهُ	ناسپاس است مرگ بر انسان
۱۸	مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ	آفریده است از چه‌اش بزدان
۱۹	مِنْ نُّطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَرَهُ	حق تعالی ز نطفه او را ساختنیز اندازه بهر او پرداخت
۲۰	ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرَهُ	پس نموده است ره به او آسان
۲۱	ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ	پس بمیراند و شد به گور نهان
۲۲	ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنشَرَهُ	پس کند زنده هر زمانی خواست
۲۳	كَلَّا لَمَّا يَقِضْ مَا أَمَرَهُ	و نکرده است آنچه حکم خداست
۲۴	فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ	به غذایش نگه کند انسان
۲۵	أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا	ما فرو ریختیم بس باران
۲۶	ثُمَّ شَفَقْنَا الْأَرْضَ شَفًّا	ما زمین را از آن شکافتیم
۲۷	فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا	پس از آن نیز دانه رویاندیم
۲۸	وَعِنَبًا وَقَضْبًا	سبزی انگور و نخل و هم زیتون
۲۹	وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا	و
۳۰	وَحَدَائِقَ غُلْبًا	باغ و هم میوه مرتع افزون
۳۱	وَفَلَاحًا وَأَبًّا	و
۳۲	مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ	بهره چارپا و بهر شما [بهره گیرید از نعیم خدا]
۳۳	فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاحَّةُ	پس چو آید غریو وحشتبار
۳۴	يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ	وز برادر کند خلق فرار
۳۵	وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ	هم زمام و پدر زن و فرزند
۳۶	وَصَلْبَتِهِ ۖ وَبَنِيهِ	و
۳۷	لِكُلِّ أَمْرٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ	همه آن روز گرم کار خودند
۳۸	وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ	چهره‌هایی است آن زمان تابان
۳۹	ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ	شادمانند و خنده روی لبان
۴۰	وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ	چهره‌هایی است نیز گرد آلود
۴۱	تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ	هست پنهان به پرده‌ای از دود
۴۲	أُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرَةُ الْفَجْرَةُ	آن کسانند کافر و فاجر [این چنین است کیفر کافر]

آن زمانی که مهر گشت تپاه	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ	۱ ۵۳۳
و به شبها ستاره گشت سیاه	وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ	۲
کوهها را بر آورند از جا	وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ	۳
شتر ماده را کنند رها	وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ	۴
و زمانی که وحش شد محشور	وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ	۵
و آن زمان که بحار شد مسجور	وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ	۶
و زمانی که جان به تن شد جفت	وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ	۷
و منادی به دخت کشته بگفت	وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ	۸
به چه جرمی شدند زنده به گور؟	بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ	۹
نامهها آن زمان بود منشور	وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ	۱۰
پرده از آسمان چو برداریم	وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ	۱۱
و فروزان کنیم نار جحیم	وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ	۱۲
و چو نزدیک شد جنان در راه	وَإِذَا الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ	۱۳
همه کس شد به ما حضر آگاه	عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا أَحْضَرَتْ	۱۴
به نجومی که می رسد سوگند	فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُوسِ	۱۵
که روند و ز چشم دور شوند	الْجَوَارِ الْكُنُوسِ	۱۶
و به شب چون ز خلق کرد گذر	وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ	۱۷
و به صبحی که گشت روی آور	وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ	۱۸
این سخن هست از رسول کریم	إِنَّهُ لَقَوْلِ رَسُولٍ كَرِيمٍ	۱۹
نزد حق است با مقام عظیم	ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ	۲۰
و مطاع است و هم امین آنجا	مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ	۲۱
نیز دیوانه نیست یار شما	وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ	۲۲
دید جبریل در افق به عیان	وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأُفُقِ الْمُبِينِ	۲۳
و نباشد بخیل بهر نهان	وَمَا هُوَ عَلَى الْعَيْبِ بِضَنِينٍ	۲۴
نیست قرآن کلام دیو رجیم	وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ	۲۵
به کجا می روید [بی تعلیم؟	فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ	۲۶
نیست جز پند بهر عالمیان	إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ	۲۷
هر که بر راه راست شد خواهان	لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ	۲۸
و نخواهید هیچ چیز جهان جز که خواهد خدای عالمیان	وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ	۲۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
إِذَا السَّمَاءُ أَنْفَطَرَتْ

آن زمان کآسمان شود پاره

وَإِذَا الْكُوَاكِبُ انْتَثَرَتْ

و پراکنده گردد استاره

وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِرَتْ

نیز دریا شود همه مَفجور

وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ

و دگرگون شوند جمله قبور

عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ

از پس و پیش جان بود آگاه که چه کاری گسیل کرده به راه

يَأْتِيهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ

چه تو را ساخت ای بشر مغروربهر پروردگار حیّ غفور

الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوِّكَ فَعَدَلَكَ

که تو را آفرید و هم پرداخت؟ و پس آنگه تو را منظم ساخت

فِي أَيِّ صُورَةٍ مَّا شَاءَ رَكَّبَكَ

کرد دلخواه صورتت ترکیب

كَلَّا بَلْ تُكْذِبُونَ بِالَّذِينَ

و جزا را کنون کنی تکذیب

وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ

بس ملک شد نگاهبان شما

كِرَامًا كَتِيبِينَ

آن نویسندگان بس والا

يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ

بر همه کارهایتان دانا

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ

بهر نیکان بود نعیم خدا

وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ

و جحیم است بهر بدکاران

يَصَلُّونَهَا يَوْمَ الدِّينِ

که به عقبا بیوفتند در آن

وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ

و نباشند غایب از آنجا

وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ

و چه دانی که چیست روز جزا؟

ثُمَّ مَّا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ

پس به علم تو نیست روز جزا! [و خدا هست ز آن زمان دانا]

يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا ۖ وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ

کس به کس نیست هیچ سود رسان هست آن روز کار با یزدان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ

وای بر کم فروش [اهل جفاکه چه دورست از طریق هدا]

الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ

که چو پیمانہ می‌ستاند اونگذارند ز حد خویش فرو

وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَّزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ

و چو پیمانہ می‌دهد به کسان یا کند وزن می‌دهد خسران

أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ

می‌دانند این کسان آیا؟ که برانگیخته شوند آنها

لِيَوْمٍ عَظِيمٍ

بهر روزی بزرگ آنکه کسان

يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ

در قیامند بهر ربّ جهان

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفَجَارِ لَفِي سِجِّينٍ

نامه‌ی فاجر است در سجین

وَمَا أَدْرَاكَ مَا سِجِّينٌ

و تو را علم نیست بر سجین

كِتَابٌ مَّرْقُومٌ

نامه‌ای برنوشته بهر قضا

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ

و در آن روز وای قومی را  
که بود منکر نشان خدا

الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ

و اینکه منکر شود به روز جزا

وَمَا يُكَذِّبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ

و کسی را بود بر آن انکارکه تجاوزگر است و بدکردار

إِذَا تُلَّتْ عَلَيْهِ ءَايَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ

و چو خواندند آیهی یزدان گفت افسانه‌های اولیان

كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ

دلشان را گرفت در زنگار آنچه را داشتند از کردار

كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ

پس ندارند رو به رب جهان

ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيمِ

و به گمراهیند و در نیران

ثُمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ

پس بگویندشان چنین گفتاراین بود آنچه داشتید انکار

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عَلِيَيْنَ

و آنکه از صالحان بود به یقین‌نامه‌ی او بود به علیین

وَمَا أَدْرَاكَ مَا عَلِيُونَ

و ندانی که چیست علیین

كِتَابٌ مَّرْقُومٌ

نامه‌ای بر نوشته و به یقین

يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ

شاهد آن مقربان خدا

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ

صالحانند غرق نعمتها

عَلَى الْأَرْءَاكِ يَنْظُرُونَ

بر اریکه شوند تکیه زنان و نگه می‌کنند سوی جنان

تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ

می‌شناسی ز چهره‌ی آنان‌شادمانی و خرمی ز جنان

يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَّخْتُومٍ

مهر گشته است باده‌ی ایشان

خِتْمُهُ وَمِسْكَ فِي ذَٰلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَفِسُونَ

هم ز مشک است مهر بر در آن  
و به آن رغبتی است در آنان

وَمِرَاجُهُ مِنَ تَسْنِيمٍ

هست تسنیم مختلط با آن

عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ

چشمه‌ساری که خود بنوشد ز آن‌هر که باشد مقرب یزدان

إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يَضْحَكُونَ

و آنکه بوده است از گنهکاران‌خنده می‌زد به جمع با ایمان

وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ

و چو می‌دید اهل ایمان ربا اشارات داشت استهزا

وَإِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ

و چو می‌شد به سوی خانه روان‌بود خندان و هم بسی  
شادان

وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَٰؤُلَاءِ لَضَالُّونَ

و چو می‌دید جمع با ایمان فاش می‌گفت قوم گمراهان

وَمَا أُرْسِلُوا عَلَيْهِمْ خَافِظِينَ

و موظف نبود بر آنان‌که بماند مراقب ایشان

فَأَلْيَوْمَ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ

پس در آن روز قوم با ایمان‌خنده دارند بر گنهکاران

بر ارایک شوند تکیه زنان و نگه می‌کنند سوی جنان

عَلَىٰ الرَّأْيِكِ يَنْظُرُونَ

هست پاداش کافران آیا؟ آنچه کردار بود آنان را

هَلْ تُؤْتُونَ الْكُفَّارَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ۚ

۸۴. انشقاق  
الْإِنْشِقَاقُ: شکافتن

مکی

آیه ۲۵

۱  
حزب  
۲۳۶  
۵۲۶ر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
إِذَا السَّمَاءُ أَنْشَقَّتْ

آن زمان کآسمان بود منشق

۲

وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ

هم به اذن خداست هم بر حق

۳

وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ

و زمین را کشند و نیز اکنون

۴

وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ

آنچه در اوست افکند بیرون

۵

وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ

اوست مأذون به حق و اوست روا

۶

يَتَأْتِيهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ

و تو ای آدمی [بدان این را] که شتابی به سوی آن یکتانیز دیدار می‌کنی او را

۷

فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وَبِئْمِينِهِۦ

هر که را نامه می‌رسد به بیمین

۸

فَسَوْفَ يُحَاسِبُ حِسَابًا يَسِيرًا

سهل گردد حساب او به یقین

۹

وَيَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِۦٓ مَسْرُورًا

بازگردد به خانه‌اش شادان و بود غرق در نعیم جنان

۱۰

وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِۦ

و آنکه را نامه می‌رسد از پس

۱۱

فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُورًا

زود خواهد هلاک خود آن کس

۱۲

وَيَصْلَىٰ سَعِيرًا

و درآید به شعله نیران

۱۳

إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِۦٓ مَسْرُورًا

آنکه در خانه بود بس شادان

۱۴

إِنَّهُ ظَنَّ أَن لَّنْ يَحُورَ

در گمان شد که برنمی‌گردد

۱۵

بَلَىٰ إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِۦ بَصِيرًا

بود بی‌تا بر او خدای احد

۱۶

فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ

به شفق می‌خورد خدا سوگند

۱۷

وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ

به شب و آنچه را فرو پوشند

۱۸

وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ

و به مهتاب چون بود در بدر

۱۹

لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ

که برآیند پله پله به قدر

۲۰

فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

از چه آنان نیاورند ایمان

۲۱  
سجده  
مستحب

وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْءَانُ لَا يَسْجُدُونَ ۝

هر چه خوانند بهرشان قرآن می‌نیارند سجده بر دادار

۲۲

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُكْذِبُونَ

کافرانند جمله در انکار

۲۳

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ

و خدا اعلم است از دلشان

۲۴

فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

مژده ده بهرشان عذاب گران

۲۵

إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ

نیز شایستگان با ایمان اجرتی دائم است بر آنان

۱ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ

و قسم بر سپهر برج نما

۲ وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ

و به روزی که وعده داد خدا

۳ وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ

به گواه و گواهی بر حق

۴ قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ

مرگ بر یاوران آن خندق

۵ النَّارِ ذَاتِ الْوُقُودِ

آتشی هیمه‌دار و بس سوزان

۶ إِذْ هُمْ عَلَيْهَا فُعُودٌ

که نشستند عده‌ای بر آن

۷ وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ

مؤمنان را چو داشتند جفا به تماشا شدند آنان را

۸ وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَن يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ

کین ستاندند قوم از آنان چونکه مؤمن شدند بر یزدان

۹ الَّذِي لَهُ مَلِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

آنکه از اوست ملک ارض و سماو به هر چیز شاهد است خدا

۱۰ إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ

آن شکنجه‌گران به اهل یقین از رجال و نساء مؤمن دین که نیارند توبه بر آنان کیفر دوزخ است و هم نیران

۱۱ إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ

نیز شایستگان با ایمان بهر آنان بود نعیم جنان زیر اشجارش آبهای روان و چنین رستگاری است کلان

۱۲ إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ

بس شدید است خشم حی احد

۱۳ إِنَّهُ هُوَ يُبَدِّئُ وَيُعِيدُ

کند آغاز و بازگرداند

۱۴ وَهُوَ الْعَفْوَورُ الْوَدُودُ

مهربان است و هم گنه بخشا

۱۵ ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ

صاحب عرش بس بود والا

۱۶ فَعَالٌ لِّمَا يُرِيدُ

هر چه را خواست می‌دهد انجام پس بگیرد از خدا انعام

۱۷ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ

دیدی آیا تو داستان جنود؟

۱۸ فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ

هم ز فرعون و هم ز قوم ثمود

۱۹ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ

کافرانند جمله در انکار

۲۰ وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ

و محیط است بهرشان دادار

۲۱ بَلْ هُوَ قُرْءَانٌ مَّجِيدٌ

هست قرآن مجید و بس والا

۲۲ فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ

و به لوحی نوشته‌اند آن را

۱  
۵۲۸ربِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ

به سپهر و ستاره‌ای در شب

۲

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ

و چه دانی که چیست آن کوکب؟

۳

النَّجْمِ الثَّاقِبِ

اختری تابناک خود به سماست و شکافنده‌ای به ظلمتهاست

۴

إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ

به یقین هر که هست ز آدمیان‌بهر او هست حافظی به جهان

۵

فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ

آدمیزاده بنگرد کو را از چه چیزی بیافرید خدا

۶

خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ

آفریدش ز آبی آن داور

۷

يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ

که جهد از میان صدر و کمر

۸

إِنَّهُ وَعَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ

حق به برگشت او بود قادر

۹

يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ

آن زمان رازها شود ظاهر

۱۰

فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ

و بر او هیچ نیست قدرت و یار

۱۱

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ

و قسم بر سپهر باران بار

۱۲

وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ

و قسم بر زمین روزن دار

۱۳

إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ

کاین کلام است بهرتان معیار

۱۴

وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ

نیست شوخی و هر چه حیلہ کنند

۱۵

إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا

و

۱۶

وَأَكِيدُ كَيْدًا

هم مرا هست مکر هم ترفند

۱۷

فَمَهْلِ الْكَافِرِينَ أَمْهَلُهُمْ رُوَيْدًا

اندکی [ای پیمبر مختار][بهر کفار] مهلتی بگذار

۱  
جزب  
۲۳۷  
۵۲۹ربِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى

کن تو تسبیح نام رب بلند

۲

الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى

آنکسی کآفرید و نظم افکند

۳

وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَىٰ

آنکه سنجید و راه هم بخشید

۴

وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَىٰ

و آنکه بس مرغزار کرد پدید

۵

فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَىٰ

و پس آنگاه کرد خشک و سیاه

۶

سَنُقَرِّبُكَ فَلَا تَنْسَىٰ

بر تو خواند کلام خود الله  
تو ز خاطر نمی‌بری آن را

۷

إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَىٰ

جز که خواهد خدای بی‌همتا  
اوست دانای آشکار و نهان

۸

وَنُيَسِّرُكَ لِلْيُسْرَىٰ

نیز کار تو می‌کنیم آسان

۹

فَذَكِّرْ إِنْ نَفَعَتِ الذِّكْرَىٰ

پند ده گر که سود دارد پند

۱۰

سَيَذَكِّرُ مَنْ يَخْشَىٰ

خانغان ز آن تذکری گیرند

۱۱

وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَتْقَىٰ

و نگون بخت از آن کند پرهیز

۱۲

الَّذِي يُصَلِّيَ النَّارَ الْكُبْرَىٰ

آنکه افتد بر آتشی بس تیز

۱۳

ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ

نه بود زندگی بر او نه هلاک

۱۴

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّىٰ

رستگارست آنکه گردد پاک

۱۵

وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّىٰ

و آنکه نام خدا به یاد آورد پس برای خدا نیایش کرد

بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا

بلکه دنیا اهم به نزد شماست

۱۷ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى

بهرتر و ماندگارتر عقباست

۱۸ إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى

این بود در کتابهای قدیم

۱۹ صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى

ز آن موسی و نیز ابراهیم

## ۸۸. غاشیه

الْغَاشِيَّةُ: غاشیه

مکی

۲۶ آیه

۱  
ر۵۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بر تو آیا رسیده است از ما؟ آن فراگیر قصه عقبا

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْعَشِيَّةِ

بس کس آن روز چهره بشکسته است

۲ وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَلِيعَةٌ

بس عیث کار کرده و خسته است

۳ عَامِلَةٌ نَّاصِبَةٌ

پس در افتد به شعله‌ی نیران

۴ تَصَلَّى نَارًا حَامِيَةً

و بنوشد ز چشمه‌ی سوزان

۵ تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ عَانِيَةٍ

نیست جز خوار تلخ و خشک او را از خوراکی که هست در آنجا

۶ لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيحٍ

نه کند فر به این غذا او را و نه از جوع می‌شوند رها

۷ لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ

چهره‌هایی در آن زمان شادند

۸ وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاعِمَةٌ

همه از کارهایشان خرسند

۹ لَسَعِيهَا رَاضِيَةٌ

و مقیمند در جنان بلند

۱۰ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ

حرف بیهوده‌ای نمی‌شنوند

۱۱ لَا تَسْمَعُ فِيهَا لَغِيَّةً

و در آن هست چشمه‌های روان

۱۲ فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ

تختهایی بلند هم در آن

۱۳ فِيهَا سُرُرٌ مَرْفُوعَةٌ

و نهاده است جامها آنجا

۱۴ وَأَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ

و به رح ایستاده بالشها

۱۵ وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ

فرشهایی است پهن بس زیبا

۱۶ وَزَرَائِبُ مَبْثُوثَةٌ

پس نبینند مردمان آیا؟  
که چسان خلق گشت اشترها

۱۷ أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ

و چسان بر فراز گشت سما

۱۸ وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ

نیز بر پا چگونه شد کهسار

۱۹ وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ

و زمین هم چگونه شد هموار

۲۰ وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ

پند ده‌ای به پند ما مأمور

۲۱ فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكَّرٌ

که نداری تو بهر ایشان زور

۲۲ لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ

و آنکه کافر شده است و رو گردان

۲۳ إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَكَفَرَ

حق دهد کیفرش عذاب گران

۲۴ فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ

به یقین بازگشتشان به خداست

۲۵ إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ

پس از آن هم حسابشان با ماست

۲۶ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
وَالْفَجْرِ

۱  
۵۳۱

به سپیده قسم به آن ده شب

وَلَيَالٍ عَشْرٍ

9

به تک و جفت [آن دو آیت ربّ

وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ

۳

و به شبهای تیره چون گذرد

وَاللَّيْلِ إِذَا يَسِرَ

۴

قسم است آن برای اهل خرد

هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حِجْرٍ

۵

تو ندیدی خدا چه کرد به عاد؟

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ

۶

با ارم شهر پر بنا و عماد

إِرْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ

۷

که چو آن در همه بلاد نبود

الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ

۸

نیز از درّه سنگ برد ثمود

وَتَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ

۹

نیز فرعون بود ذو الالوتاد

وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ

۱۰

سرکشی داشتند بین بلاد

الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ

۱۱

بر چنان فاسدان طغیانگر

فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ

۱۲

زد خدا تازیانهی کيفر

فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ

۱۳

هست پروردگار تو به کمین هر کجا می‌روی به روی زمین

إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ

۱۴

آدمی را چو آزمود خدانعمت و احترام داد او را  
پس بگوید که خالق یکتاساخت با عزّ و احترام مرافَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ  
فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ

۱۵

و اگر آزمون بکرد او راتنگ بر او گرفت رزق خدا  
پس بگفت اینکه خالق یکتاسخت خوار و ذلیل کرد مرا

وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهْنَنِ

۱۶

و یتیمان نمی‌کنید اکرام

كَلَّا بَلْ لَا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ

۱۷

و به مسکین نمی‌دهید طعام

وَلَا تَحَضُّونَ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ

۱۸

نیز میراث می‌خورید تمام

وَتَأْكُلُونَ التَّرَاثَ أَكْلًا لَّمًّا

۱۹

دوست دارید مال [و جاه و مقام

وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا

۲۰

چون شود کوفته تمام زمین

كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا

۲۱

و ملائک به صف شوند قرین

وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا

۲۲

و جهنم پدید می‌آرندآن زمان آدمی بگیرد پند  
و تذکر دگر ندارد سود[چون به دنیا سخن پذیر نبود]وَجَاءَ يَوْمَئِذٍ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ  
الدِّكْرَى

۲۳

يَقُولُ يَلَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي

گوید ای کاش می‌فرستادم‌پیش از این بر حیات این عالم

۲۵

فَيَوْمِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ

هست آن روز بهر او کیفرو چو او نیست هیچکس دیگر

۲۶

وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ

و چنانش به بندها بکشندکه چو او نیست هیچکس در بند

۲۷

يَأْتِيهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ

و تو ای جان ایمن [از دنیا]

۲۸

أَرْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكَ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً

سوی پروردگار خود بازآ  
هم تویی از خدای خود خشنودهم بود راضی از تو حی و دود

۲۹

فَادْخُلِي فِي عِبْدِي

پس درآ جمع بندگان مرا

۳۰

وَادْخُلِي جَنَّتِي

و درآ باغ و بوستان مرا

۹۰. بلد      البلد: شهر      مکی      ۲۰ آیه

۱  
حزب  
۲۳۸  
۵۳۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و به این شهر [شهر بیت حرام

لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ

۲

وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ

که تو داری در این دیار مقام

۳

وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدٌ

و قسم هم به باب و هم فرزند

۴

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ

کادمی را چه رنجها دادند

۵

أَيَحْسَبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ

پس گمان می‌کند بشر آیا؟که ندارد کسی بر او یارا

۶

يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَا لَا لُبَدًا

و بگوید که کرده است فنا[در ره عمر] مال افزون را

۷

أَيَحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ

پس گمان می‌کند کنون آیا؟هیچ چشمی ندیده است او را

۸

أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ

ما دو چشمش نداده‌ایم آیا؟

۹

وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ

یک زبان نیز با دو لب او را

۱۰

وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ

و دو معبر نموده‌ایم او را

۱۱

فَلَا أَفْتَحَمُ الْعُقَبَةَ

لیک از گردنه نرفت فرا

۱۲

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعُقَبَةُ

و ندانی که چیست گردنه هان؟

۱۳

فَكَ رَقَبَةٍ

هست آزاد کردن انسان

۱۴

أَوْ إِطْعَمٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْعَبَةٍ

یا به روز گرسنگی بدهند

۱۵

يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ

قوت بهر یتیم خویشاوند

۱۶

أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ

یا فقیری که هست خاک نشین

۱۷

ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا

و سپس او شود ز اهل یقین

بِالْمَرْحَمَةِ

و سفارش کند به حق و شکیب

۱۸

أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ

نامه بر او شود ز راست نصیب

۱۹

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ

کافران نشانه‌های خدانامه از چپ دهند آنان را

۲۰

عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّؤَصَّدَةٌ

پس به آتش برند و پس بندند[و نگردد کسی رها از بند]

و به مهر و به روشنایی آن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا

۱  
۵۳۳ر

و به مه کز پی خور است روان

وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا

۲

و به روزی که سازدش پیدا

وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّهَا

۳

و به شب چون به او شود پوشا

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا

۴

نیز سوگند می‌خورم به سما و آنکه آن آسمان بساخت بنا

وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا

۵

به زمین و به گسترنده‌ی آن

وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَّهَا

۶

به روان و قوام بخش روان

وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا

۷

پس به الهام داده است او رادو مسیر از گناه یا تقوا

فَالهَمَّهَا فَجُورَهَا وَتَقْوَاهَا

۸

رستگار است آنکه پالودش

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا

۹

گشت محروم آنکه آلودش

وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا

۱۰

سرکشانه نمود کرد انکار

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا

۱۱

بدترین‌شان گزید بر آن کار

إِذِ انْتَبَعَتْ أَشْقَاهَا

۱۲

بهرشان گفت آن رسول خدانا که حق و آب دادن را

فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا

۱۳

منکر او شدند و پی کردندربشان نیز در هلاک افکند همه را ساخت ز آن گنه چون خاک

فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُم بِذَنبِهِمْ فَسَوَّاهَا

۱۴

او ز پایان ره ندارد باک

وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا

۱۵

به شب آنکه که می‌شود پوشا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى

۱  
۵۳۴ر

و به روز آن زمان که شد پیدا

وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى

۲

و آنچه را آفرید ماده و نر

وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى

۳

نیست سعی شما چو یکدیگر

إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَى

۴

و آنکه را بود بخشش و تقوا

فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى

۵

نیز تصدیق کرد خوبی را

وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى

۶

کار او را کنیم سهل و درست

فَسَنِيْسِرُّهُ لِيَلْسِرِّي

۷

و بخیلی که بی‌نیازی جست

وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى

۸

کرد تکذیب کار نیکو را

وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى

۹

سوی سختی روان کنیم او را

فَسَنِيْسِرُّهُ لِّلْعُسْرَى

۱۰

مال از بهر او ندارد سودچون به نار جحیم کرد فرود

وَمَا يُعْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى

۱۱

و هدایت بود به عهده‌ی ما

إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَى

۱۲

هم قیامت ز ماست هم دنیا

وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةِ وَالْأُولَى

۱۳

پس شما را کنون دهم هشدار از جحیم و زبانه‌ها از نار

فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى

۱۴

لَا يَصْلِيهَا إِلَّا الْأَشْقَى

قوم بدبخت‌تر روند در آن

الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى

آنکه منکر شده است و رو گردان

وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى

و آنکه شد پیش در ره تقوادور ماند به زودی از آنجا

الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى

اوست آنکس که مال کرد عطاو از آن جست پاکی خود را

وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْرَى

و نباشد به نزد کس او رانعمتی تا به او دهند جزا

إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى

جز رضای خدای بس والا

وَلَسَوْفَ يَرْضَى

و به زودی برای اوست رضا

## ۹۳. ضحی

الضُّحَى: روشنایی روز

مکی

۱۱ آیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
وَالضُّحَى

به خور و روشناییش در بام

۱  
۵۳۵ر

وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى

و به شب چون در او بود آرام

۲

مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى

حق نه بدروود و قهر کرد تو را

۳

وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَى

آخرت بهتر است از دنیا

۴

وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى

زود ربت دهد عطیه تو راتا رضایت بود تو را ز عطا

۵

أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَكَوَىٰ

تو که بودی یتیم و دادت جا

۶

وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ

گم شدی بر تو بود راهنما

۷

وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَىٰ

در فقری تو را بداد غنا

۸

فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ

مکن آر رده دل یتیمان را

۹

وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ

و نوا جوی را به بانگ مران

۱۰

وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ

بازگو کن تو نعمت یزدان

۱۱

## ۹۴. انشراح

الشَّرْح: گشایش

مکی

۸ آیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ

نگشودیم سینهات آیا؟

۱  
حزب ۲۳۹  
۵۳۶ر

وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ

نیز برداشتیم بار تو را

۲

الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ

آنچه بشکسته بود پشت تو را

۳

وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ

نیز کردیم یاد تو والا

۴

فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا

همره سختی است آسانی

۵

إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا

همره سختی است آسانی

۶

فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ

چونکه فارغ شدی بکوش به کار

۷

وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ

سوی پروردگار خود رو آر

۸

۱ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالزَّيْتُونَ

۱  
۵۳۷

قسم من به تین و هم زیتون به دو نام مبارک و میمون

۲ وَطُورِ سِينِينَ

و قسم بهر طور سینا هم

۳ وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ

و به این شهر امن مکه قسم

۴ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ

آفریدیم گوهر انسان در بهین صورت و بهین میزان

۵ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ

بازگردانده ایم پس او را سوی پایین ترین پایین ها

۶ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ

غیر شایستگان با ایمان پس بود اجر دائم از ایشان

۷ فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدَ بِاللَّيْنِ

چه پس از این کشانده است تو را سوی انکار بهر روز جزا

۸ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ

نیست آیا خدای بی همتا؟ خویش داورترین داورها

۱ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
أَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ

۱  
۵۳۸

بسم ربک بخوان که ساخت [جهان] نام پروردگار عالمیان

۲ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ

آفریده است از علق انسان

۳ أَقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ

رب تو اکرم است هم برخوان

۴ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ

آنکه آموخت با قلم به بشر

۵ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ

آنچه انسان از آن نداشت خبر

۶ كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيْطَغَىٰ

آدمی سرکش است بهر خدا

۷ أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْفَىٰ

چون توانمند حس کند خود را

۸ إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ

بازگشت شماسست سوی خدا

۹ أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَىٰ

دیدی آن کس که نهی کرد او را

۱۰ عَبْدًا إِذَا صَلَّىٰ

بنده ای که نماز داشت به پا

۱۱ أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَىٰ الْهُدَىٰ

او به راه هدایت است آیا؟

۱۲ أَوْ أَمَرَ بِالْتَّقْوَىٰ

یا کسی که به شیوهی تقواکرد مأمور [خلق عالم را]

۱۳ أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ

آنکه منکر شده است و رو گردان

۱۴ أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ

می نداند که بیندش یزدان؟

۱۵ كَلَّا لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ

نکشد پای اگر که از این راهموی پیشانیش کشند آنگاه

۱۶ نَاصِيَةِ كَازِبَةٍ خَاطِئَةٍ

موی سر ز آن رفیق کذب و خطا

۱۷ فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ

پس بخواند تمام یاران را

۱۸ سَدْعُ الزَّبَانِيَةِ

ما بخوانیم خازنان جزا

۱۹ كَلَّا لَا تُطِيعُهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ ۝

نه چنان است [قول اهل جفا] تو مطیعش مشو بیار سجودنیز نزدیک شو بر آن معبود واجب سجده

کرده‌ام نازل این بیان شب قدر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ

۱  
۵۳۹ر

و ندانی که چیست آن شب قدر

وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ

۲

شب قدر از هزار شب بهتر

لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ

۳

ملک و روح [هست حکم‌آور]  
اذن پروردگار با ایشان نازل آرند هر چه شد فرمان

تَنْزِيلُ الْمَلَكِ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِّنْ كُلِّ أَمْرٍ

۴

تا طلوع سپیده هست سلام از ملائک به امت اسلام

سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ

۵

مشرکانی به ایزد غفار هم ز اهل کتاب آن کفار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ  
مُنْفَكِينَ حَتَّىٰ تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ

۱  
۵۴۰ر

بر ندارند دست از آیین تا رسد بهرشان نشان مبین

رَسُولٌ مِّنَ اللَّهِ يَتْلُوا صُحُفًا مُّطَهَّرَةً

۲

آن رسول است از سوی یزدان صحفی پاک خوانده بر ایشان

فِيهَا كُتِبَ قِيمَةٌ

۳

و در آن نامه‌ها بود ستوار [هم ز پیشینیان بود هشدار]

وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ  
الْبَيِّنَةُ

۴

چون به اهل کتب رسید نشان اختلاف اوفتاد در ایشان  
امرشان بود بندگی به خدا که بسازند ناب دینش را  
پاک گردند هم ز شرک و خطا نماز خدا کنند به پا  
و زکات خدا کنند ادا و آن بود دین استوار خدا

وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ  
وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ

۵

مشرکان بهر ایزد غفار هم ز اهل کتاب هم کفار  
به جهنم روند در نیران ماندگارند جاودانه در آن  
بدترین مردمند هم آنان دور مانده ز رحمت یزدان

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ  
جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ

۶

نیز آن صالحان با ایمان بهترین مردمند هم آنان

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ  
الْبَرِيَّةِ

۷

جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ  
خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ  
حَسِبَى رَبَّهُ و

اجرشان هست نزد خالقشان باغهایی که هست جاویدان  
زیر اشجارش آبهای روان ماندگارند جاودانه در آن  
هست راضی خدای از آنان و آن کسانند راضی از یزدان  
این بود بهر آنکه شد ترسان از خدای بزرگ عالمیان

## ۹۹. زلزال

الزَّلْزَلَةُ: زلزله

مدنی

۸ آیه

چون بلرزد به لرز خویش زمین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا

۱  
۵۴۱ ر

و برآرد ز خویش جرم و زین

وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَنْقَالَهَا

۲

و بگوید بشر چه دارد کار

وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا

۳

پس بیان می‌کند زمین اخبار

يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا

۴

ز آنکه وحی آورد به او یزدان

بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَى لَهَا

۵

و برآیند مردمان جهان  
دسته دسته شوند خلق آنجا کارهاشان ارائه ایشان را

يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَلَهُمْ

۶

ذره‌ای هر که داشت کار نکوپس به روز جزاش بیند او

فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ

۷

و آنکه یک ذره داشت کرده بدپس همان رو بروی خود بیند

وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ

۸

## ۱۰۰. عادیات

الْعَادِيَات: دوندگان

مکی

۱۱ آیه

۲ صفحه

قسم من بود به آن اسبان که نفس زن شوند و ز آن تازان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا

۱  
۵۴۲ ر

و قسم باز هم بر آن اسبان که ز سم‌هایشان جهد نیران

فَالْمُورِيَّتِ قَدْحًا

۲

و به آنان که صبح بستیزند

فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا

۳

و به اطراف گرد انگیزند

فَأَثَرُنَّ بِهِ نَقْعًا

۴

و برآیند در میانه‌ی‌شان

فَوْسَطْنَ بِهِ جَمْعًا

۵

ناسپاس است خلق از یزدان

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ

۶

و بر این مطلب است خویش گواه

وَأَنَّهُ عَلَىٰ ذَلِكِ لَشَهِيدٌ

۷

دوست دارد شدید نعمت و جاه

وَأَنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ

۸

پس نمی‌داند این سخن آیا؟ که چو از گورها شوند رها

أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ

۹  
حزب ۲۴۰

وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ

و شود راز سینه‌ها پیدا

۱۱ إِنَّ رَبَّهُمْ بِهِمْ يَوْمَئِذٍ خَبِيرٌ

هست آنکه خدایشان دانا

۱۰۱ . قارعه القارعة: کوبنده

مکی

۱۱ آیه

۱ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
القارعة

روز کوبنده چیست کوبنده؟

۲ مَا الْقَارِعَةُ

و

۳ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ

و به علم تو نیست کوبنده

۴ يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ

مردم [از حیرتند آگنده همچو پروانگان پراکنده

۵ وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ

همچو پشم زده شده رنگین به نظر می‌رسد جبال چنین

۶ فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ

آنکه سنگین بود بر او میزان

۷ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ

از حیات است راضی و شادان

۸ وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ

و آنکه باشد سبک بر او میزان

۹ فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ

پایگاهش بود دل نیران

۱۰ وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَ

و ندانی که چیست معنی آن؟

۱۱ نَارٌ حَامِيَةٌ

معنیش آتشی بود سوزان

۱۰۲ . تکاثر

التكاثر: افتخار به زیادی ثروت

مکی

۸ آیه

۱ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
التهكم التكاثر

کرد سرگرمتان تکاثرتان

۲ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ

تا که رفتید سوی گورستان

۳ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ

نه چنان است زود می‌دانید

۴ ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ

پس نه آن است زود می‌دانید

۵ كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ

بود اگر بهرتان ز علم یقین

۶ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ

بود بهر شما جحیم مبین

۷ ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ

بنگرید آن مکان به چشم دها

۸ ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ

پس بپرسندتان ز نعمتها



من قسم می‌خورم به عصر و زمان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
وَالْعَصْرِ

۱  
۵۴۵ر

که بنی آدم است در خسران

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خُسْرٍ

۲

جز کسانی که آورند ایمان‌کار شایسته هم کنند ایشان  
و سفارش کنند حق و شکیب گر شوند از برای دین تعذیب

إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ  
وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ

۳

وای بر عیبجوی مسخره‌کار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
وَيُلِّ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ

۱  
۵۴۶ر

که فزون کرد مال و کرد شمار

الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ

۲

و گمان کرد اینکه با زر و مال نیست از بهر او فنا و زوال

يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ

۳

نه شود او فکنده در حطمه

كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ

۴

و نداری تو علم بر حطمه

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ

۵

آتشی بر فروخته ز خدا

نَارُ اللَّهِ الْمَوْقَدَةُ

۶

سر کشد آن لهیب از دلها

الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ

۷

و فرو بسته است بر آنان

إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَدَةٌ

۸

در ستونهای برکشیده از آن

فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ

۹

تو ندیدی چه کرد ربّ جلیل؟ فرقه‌ای را که بود صاحب فیل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ

۱  
۵۴۷ر

مکرشان را نهاد در تضلیل

أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ

۲

و ابابیل شد به فرقه گسیل

وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ

۳

چو بیفکند سنگ از سجیل

تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ

۴

ساخت آن فرقه را چو گاه اکیل

فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ

۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
لَا يَلْفُ قُرَيْشٍ

۱  
۵۴۸ر

الفتی بر قریش بود مرام بهر امّ القرا و بیت حرام

إِلَيْهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ

۲

الفتی چون به ره شوند روان هم زمستان و هم به تابستان

فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ

۳

ربّ این خانه را شوند عیبید

الَّذِي أَطَعَهُمْ مِّنْ جُوعٍ وَعَآمَنَهُمْ مِّنْ خَوْفٍ

۴

کز مجاعت نجاتشان بخشید

هم امان دادشان ز خوف و خطر [از سپاهی بزرگ و رزم آور]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
أَرَعَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالذِّينِ

۱  
۵۴۹ر

دیدی آن کس که گشت منکر دین؟

فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ

۲

و براند یتیم [بی تمکین

وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ

۳

هم نه تشویق کرد [در گفتار] بهر اطعام مردم نادر

فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ

۴

و ای قومی که هست گرم نماز

الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ

۵

وز نمازش گرفت راه مجاز

الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ

۶

آن کسانی که می کنند ریا

وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ

۷

هم ز ماعون کنند منع و ابا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
إِنَّا أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ

۱  
۵۵۰ر

حق عطا کرد بهر تو کوثر

فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأُحْزِرْ

۲

پس نماز خدا به جای آور  
سوی پروردگار قربان بر

إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ

۳

به یقین دشمنت بود ابتر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
قُلْ يَتَّيَبُهَا الْكَافِرُونَ

۱  
۵۵۱ر

گو به کفار [ای حیب و دود]

لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ

۲

نیست معبودتان مرا معبود

وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ

۳

نپرستید هم خدای مرا

وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ

۴

نیست معبود من خدای شما

وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ

۵

نپرستید هم خدای مرا

لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ

۶

با من این دین و آن بود ز شما

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ

۱  
۵۵۲ر

چون رسیده است فتح و نصر خدا

وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا

۲

و نگه می‌کنی تو مردم را  
که به دین خدا شوند درون‌دسته دسته [به طرز روز افزون

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَأَسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا

۳

پس سپاس خدای را بگزارو بکن از گناه استغفار  
و یقین دان که اوست توبه‌پذیر [پس ره توبه و انابت گیر]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ

۱  
۵۵۳ر

هر دو دست أبو لهب بادا قطع و هم خود رود به باد فنا

مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ

۲

مال سودی نداشته است او را آنچه کرده است کسب [از  
همه جا]

سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ

۳

زود بر او رسد لهیب از نار

وَأَمْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ

۴

وزنش هیزم است او را بار

فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ

۵

هست در گردنش ز لیف طناب آنک آماده است بهر عذاب

گو خدای جهان بود یکتا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ

۱  
۵۵۴ر

و ندارد به کس نیاز خدا

اللَّهُ الصَّمَدُ

۲

او نه کس زاید و نه کس او را

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ

۳

و کسی نیست بهر او همتا

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ

۴

گو پناهنده‌ام به ربّ سحر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ

۱  
۵۵۵ر

ز آنچه حق آفرید فتنه و شر

مِن شَرِّ مَا خَلَقَ

۲

و آنچه در شب رسد ز فتنه و شر

وَمِن شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ

۳

وز بدیهای سحر افسونگر  
آن زمانی که در گره بدمد

وَمِن شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ

۴

هم ز شر حسود وقت حسد

وَمِن شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ

۵

گو پناهنده‌ام به ربّ کسان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ

۱  
۵۵۶ر

پادشاه و اله خلق جهان

مَلِكِ النَّاسِ

۲

پادشاه و اله خلق جهان

إِلَهِ النَّاسِ

۳

از شرور وسوس خناس

مِن شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ

۴

که به قلب کسان کند وسواس

الَّذِي يُوسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ

۵

هست خناس گاه از پریان  
گاه باشد ز بین آدمیان

مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ

۶